بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین محمد و آله الطیبین الطاهرین
چون در این قرن اخیر بسبب ارتباطات معتبره که ما بین جنگهای عظیمه روی داد در وضع ممالک مختلفه
تغییرات کلیه پدید آمد و بزرگترین آن محاربات دو جنگی بود که در سنه ۱۸۷۰ مسیحی مطابق سنه ۱۲۸۷ هجری
مابین دولت فرانسه و آلمانی وقوع یافت و جنگی دیگر که در سنه ۱۸۷۷ مسیحی مطابق سنه ۱۲۹۴ هجری مابین
دولت عظیمه روس و عثمانی روی داد و این دو جنگ هم از حیثیت واقعات نظامی علمی و عملی
و هم ارباب استحضار از وضع و سلوک و رسوم ملل مختلفه بسیار مهم و معتبر بود در تغییر
جغرافیای عظیمی در سرحدات ممالک معظمه اروپا واقع شد از این مضامین سپاه بندگان اعلیحضرت همایون
شاهنشاه اسلام پناه روحی و روح العالمین فداه
... فرنگ که تاریخ این دو جنگ معتبر بزبان فارسی ترجمه شود تا مطالعه آن از بصیرت اولی الابصار
برای ارباب مناصب نظامی وسیله ... جدید ... آیینه بازه تجارب ...

استحضار حاصل آید بنابر علیهذا امر قدر قدرت ملوکانه در حمایت داده با فتخار جناب جلالتمآب
افخم امجد مجد الدوله وزیر علوم و معادن بحریه شرف صدور یافت که دو جلد کتاب تاریخی را که
مسیو اندرو نفر مورخ معروف فرانسوی در باب این محاربات تألیف نموده بصدق مقالات و بسط
تمام حالات کلی و نظامی و تاریخی موصوف است باز در مدرسه مبارکه دار الفنون ...
کننده مخصوص این خدمت را معهد دارند لهذا جناب ... محمد کاظم ابن احمد المحلاتی معلم کل علوم
طبیعی ... که این پرورده نعمت و برآورده تربیت دولت قوی شوکت
... عن الحدثان ... موکول جهور را بانجام رسانید و این مجلد را که جلد ...
در تاریخ جنگ روس و عثمانی ... تمام کرده ... که در پیشگاه ... شاهنشاه ... اعلیحضرت
اقدس ... بعرض ... الفاظ خارجه و ...
خاص اماکن و اشخاص در سلک عبارات ... عفو و اغماض ...
زیرا که حسب الامر ... سطور ... ترجمه ... عبارت پردازی ...
ومن الله التوفیق و به نستعین فی شروع مقصود ختم الله

فصل اول

در

فهرست

وضع سپاه در آسیا — دستورالعمل محاربات — جنگهای اول ...
... محاربات ... که ارزنکان ...
... آلاجه ... ترکان ... تسلیم ...

از عساکر ایشان محاربات بجانب ارض روم عقب می نشیند به اسمعیل حقی پاشا
حکم عقب نشینی برسد تصرف حصن قلعه عقبتا

مطلب اول

در ابتدای اعمال جنگی روسها عایق و مانعی در برابر خود ندیدند و چون منقسم بودند به اردوی
معبر از سرحدات بدون جنگ عبور کردند مختار پاشا چون خود را قابل مقاومت ندید
با کمال عجله از جلو آنها فرار اختیار کرد
ژنرال میلیکف بقارص رسید و از آنجا نیز تجاوز کرد ولی در مکانیکه بسطر خان میباشد که کار
جنگ بانجام رسیده ژنرال ترکوکاسف که سردار میسره سپاه بود بواسطه ترکان جلوگیری شد
مغلوب گردید و ژنرال میلیکف با کمال التعجیل بامداد نایب خود شتافت و او هم شکست خورد
چند ساعتی بیش نگذشت که روسها تمام اراضی متفرق و مفتوحه از دست دادند
در خاک اروپا ژنرال گورکو ترک روملی گرفت و مجبور گردید که از بالکان بگذرد و در ارمنستان
ژنرال ترکوکاسف بواسطه اسمعیل پاشا والی ارض روم از سرحد خاک روس هم عقب
رفت و مختار پاشا هم محاصره شهر قارص را برهم زد و ژنرال میلیکف را تعاقب نمود ترکان
مفتح و منصور شدند ولی نتوانستند بهره مند شوند دشمن ژنرال مغلوب شده بنابستی عمل
را بانجام رسانند مختار پاشا تا می پیدا کرد اگر چه باید گفت که از قدری عساکر خود که بجانب اردوی
سیواستوپل جدا ماند ماه اوت و سپتامبر ترکان بغفلت گذراندند بدبختی نوبت جنگ کردند
و اغلب منصور می شدند ولی معهذا بموجب زمین بیشتر رفته بودند و در این مدت روسها

امدادی هر

امدادی هر جا در رسیده وقتیکه شد که ایشان حمله ور شوند و فتح نمایند
عساکر مختار پاشا در جلو کوه آلاجا قرار گرفته بودند این کوه آتشفشان که اکنون خاموش شده است
از ساحل ایمن آرپاچای تا قلعه نیز بهار شهر قارص ممتد شود و بجبهه مختار پاشا امن غلبه برای او
که تا مهمای آنجا مطبق و بالای یکدیگر واقع شده بود و اطراف آنها احاطه شده بود از جنبه باره
بار به سطح مسطح و ملی شکل که هر یک بمنزله یک ستون بودند که بسهولت با یکدیگر مرتبط شده
سردار عثمانی محل اقامت خود را به اردوی معتبر سپاه خویش در پهلوی آن کوه در اردوی قشله در
پشت قریه سوباتان قرار داده بود و در جلو پشته آن سپاه دره عمیقی واقع شد که عرض آن دو
قدم می شد و در انتهای آن دره سیل کوهسار جریان داشت و کنار آن رود سنگلاخ و دره وارد
صعب المسلک بود و مرتبه زیر بود در آخر این دره جای داشت و عمارت آن عبارت بود
از خانهای پست زیر زمین که با سنگ بنا شده بود تقریبا در تمام خاک ارمنستان وضع خانها
از همین قرار است

ترکان در این مکان تکیه میمنه سپاه خود را به غزل تپه داده بودند که از جنگ روسها غفلتا در شب
ماه او بیرون آورده بودند و این غزل تپه عبارت است از اجتماع احجار و کنگرهای قدیم کوه آتش فشان
و چون بمرور دهور بادها و آب باران سطح برجستگان آن را شسته بودند خاکسترهای متحرک آن از دره
پشت گذارده بودند و احجار را شباهت برنگ آن مانند دماغه رفته سطح آن احاطه کرده بودند
و در آن صفحه مسطح کوه سه باطالیون میتوانست بخوبی جا گیرد و در عقب آن که در زیر دماغه کوه پنهان بود
فوج ذخیره با کمال آسودگی نزول میکرد و بطرف غزل تپه که مواجه با روسها است علاوه

راهیکه سخت و صعب المسلک بود یک دره بسیار عمیقی در جلو داشت و ترکان آن نقطه را سنگربندی
کرده بودند و برای مجرای توپخانه چند فقره کوره راهها ساخته بودند و یکمیل فاصله در غزل تپه یک
تل دیگری از احجار بنداب احداث شده بود که مراتب و بعضی پشته راست و موسوم به قرابابل و مرکز
قشون روس در روی آن تل جا داشت و یکی دو میل فاصله در جلو پشته میسره مختار پاشا
سنگری بوسط کوه آلاجا احداث شده بود که کوه یا دینه کوه آتش فشان بوده و اکنون منطفی شده است
در این محل منتهی میشود یک محوطه بسیار مرتفعی و موسوم است به یانی و مشرف است بتمام جلگه
که فیمابین آلاجا و غزل تپه و قرابابل واقع است و یکی از امتدادات یانی که موسوم است به قاباق
تپه منتهی میشود در جائیکه ابتدا الکساندرپول بنظر میآید و در این امتداد اردوی روس را از نظر
پنهان میکند یانی پوشیده بود از سنگرهای جا بجا که یمنی میسره سپاه معتبر عثمانیان را محفوظ میداشت
بلکه جهت مدافعه ارک و قلعه قارص اسباب رابطه محکمی بود

مختار پاشا که از وضع محل و مکان استحضار کاملی
داشت خیال خود مصروف آن داشت و بهتر این قشون خود را بجانب آن سرزمین مأمور
ساخت و بواسطه قشون ساخلوی قارص هر وقت روسها حمله در میشدند
از ایشان تقویت میشد سردار عثمانی جهت اینکه اگر روسها قصد حمله کنند جلو
ایشانرا بخواهند گرفت در امتداد غزل تپه حرکت کرد و تکیه باین یانی و سنگربندیهای
خارج قلعه قارص در نقطه که مشرف آن خط سنگربندی بود در نزدیکی قریه ورزنکوئی بطرز مخصوص
قوی سنگرهای کلوله بند ساخت که بالاجماع مانند قلعه محکمی شده بودند و از بنای

اردو

بزرگ منوفقی در آنجا گذاشت فاصله مابین یانی و سنگربندیهای خارجی قارص تخمینا
شانزده هزار ذرع است

اماکن متصرفی ترکان در اوایل کار مطابق تفصیل ذیل است

در بالای یانی کوچک که یاغنی لر بزرگ بسمت
خط اول جناح یسر واقع بود و پس از آن دنباله منتهی میشود الیه جناح یسر جا داشت
و قوت اینها عبارت بود از شش باطالیون پیاده نظام و شانزده عراده توپ و
در روی یاغنی لر بزرگ چهار باطالیون پیش قراول و چهار باطالیون در روی علیا
تپه اقامت گزیده بودند و در روی دماغه ورزنکوئی در تحت حکومت احمد پاشا و
فاضل پاشا بشت باطالیون و شانزده عراده توپ جزو قشون ذخیره بودند با الاخره
در قارص چهار باطالیون ساخلو بود که نمیبایستی بیرون آیند مگر آنکه بالضروره ایشانرا
طلب کنند حاصل جمع سپاه میسره عثمانیان عبارت بود از بیست و دو باطالیون پیاده
نظام و سی و دو عراده توپ از قسمتهای چهارم و پنجم و ششم قلب عساکر عثمانی در حاجی ولی
و سوباتان مشتمل بود بر قسمت اول قشون در تحت فرمان موسی پاشای چرکس مرکب
بود از دوازده باطالیون پیاده و دوازده عراده توپ و میمنه عساکر ترک که در طاینیا
لوک جا داشت عبارت بود از قسمت دوم قشون و بریگاد ابو الجمعی ابراهیم بیک مرکز
محل نهارچی تپه و بلندیهای آلاجا داغ را در تصرف داشتند و در میمنه کلیتا دوازده باطالیون
پیاده و سیجده عراده توپ بود و یک باطالیون این جناح بمنزله پیش قراول جدا شده

در بالای ماشن تپه اقامت کرده بود عمده سواره ترک در جناح ایمن جا و جانب یسار عسکر
مابین قلب و میمنه جا گرفته بود و قسمت قشون در تحت فرمان عمر پاشا محل غزل تپه را تصرف داشت
و عبارت بود از دوازده باطالیون پیاده نظام و دوازده عراده توپ صحرائی و چهارده
عراده توپ موقعی قلعه و سد ریج که برای عثمانیان امداد میرسید در بلندیهای کارخانه
ایجاد قشون ذخیره مینمودند که پس از اندک زمانی توپ اندازه هفت باطالیون و چهار
عراده توپ رسید و سمت راست ابوالحجی احمد مختار بیک سرهنگ در نخجوان که بفاصله
هفت فرسنگ در جنوب کارخانه واقع است جا داده است و عبارت بود از سه باطالیون
پیاده و هزار سوار و چهار عراده توپ جناح ایمن روسها که عمده قشون ایشان بود مشتمل بر بیست
و هشت باطالیون پیاده نظام و ده فوج سوار و شصت و دو عراده توپ و علاوه بر آن
چند عراده توپ موقعی محلی نیز داشت و این جناح از قرابال تا قروع دره ممتد شده
بود فاصله قرابال تا جناح ایسر ترکان بیست و دو هزار ذرع بود و قلب سپاه روس
مرکب بود از بیست و سه باطالیون پیاده نظام و شش فوج سواره و هفتاد عراده توپ
و در اقوزلو و پیرقار از دوره بود و میسره سپاه روس مشتمل بود بر سه باطالیون پیاده
و یک فوج سواره و ده عراده توپ و در بلندیهای اوچ تپه که چهار هزار ذرع با ماشن قراولان
ترک که در ماشن تپه بودند فاصله داشت در عقب قلب عساکر روس در روی صفحه
مسطح کوه پیرعلی سه باطالیون بطور سلم و پله جای گرفته بودند و بریگاد ابوالحجی کماروف
در ساحل ایسر رودخانه آرپاچای و بلندی نخوان استقرار داشت و این بریگاد

از کو

مرکب بود از هفت باطالیون پیاده و ده فوج سواره و دوازده عراده توپ
مختار پاشا پس از آنکه دو ماه صبر کرده
عزم نمود که روبه پیش حرکت کنند و خطبه ذیل را برای عساکر خود خواند
خداوند را شکر که دشمن مخذول و منکوب شد از سعادت مملکت حق مجبور گردیده و از ان رفت
دعای صمیمی ما باجابت رسید اکنون بحمله و هجوم [illegible] عدالت او بگذریم و اگر چه از طرف
روسها در مملکت خودمان برما سختیهای خارج از قانون و وحشیانه رسید ولی من از همگی
از شما خواهش دارم که با بیکسه مظلوم ایروان ملایمت رفتار کنید و مطابق حسن فطری و کرم جبلی
سزاوار است که از هر عملی که مشورت شهوات نفسانی باشد احتراز خواهید کرد از قانون مقدس شرع
که بر تمام قوانین بر هر طرف برتری دارد و تجاوز نخواهید نمود و هیچیک از شما مانند روسها
پیرامون غارت و ظلم نخواهید گشت قتل نفس انسانی که بهترین مخلوق خداوند است گناهی است
عظیم لهذا از قتل بیگناهان و نهب و غارت پرهیز کنید بانچه از شما تمنای اهمیت دارد هر چه
مدارا کنید و به اسرا و فراریان اذیت نرسانید مگر اینکه کاری کنند که اتلاف نفس لازم
پیدا کنند پاس احترام ناموس و شرف و عصمت شکسته فقیر را که قلباً با شما متحد بوده باشند
چیزی بدون رضایت مالکین نخرید و اعمال مذهبی ایشان مخاصمت نکنید و اماکن مقدسه
و کلیساها و کنشتهای ایشان را محترم دارید مسجد خانه را احترام کنید مگر اینکه مامن روسها
باشد تو بسط مباینت عقیده و اختلاف زبان و اخلاق ایشان بدسلوکی ننمائید اسرا
مجروح بستر اشکنجه نکنید نکشید و فراریان را تعاقب ننمائید که قصد قتل ابهار داشته باشید

در بی‌رحمی و ظلم تقلید روسها را جایز ندانسته هرگاه میتوانستند دستگیر کنند از کشتن او در
گذرند مجروح و حیران امر تصحیح هارب را نیز جزو دیگر هر مذهبی که دارند مخلوق عزیز خدا و ندانسته اعدا
دشمن را از وقتی که معقولتر چون مخالفت نکنند بلکه اظهار الله دوستی میتوانند کفن و دفن کنند تمام
خود مدفون نمایند هیچ دشمن را پادر آمده بحرف نرسید هیچ عضوی از او را تنها نبرند مگر در هنگام
محاربه و واقعی باری باشد مردان دور اندیش بابت حالیه مراد در دل جا ندانسته و از روی
خود اطاعت داشته باشند و از قانون مقدس خود احترام نمایند آخر خطبه

اما در حال ... ترکان نزدیک بورش نمودند روسها یکدفعه بر ایشان حمله ور شدند مختار پاشا
پیش از اندازه تصرف کرده بود

روز اول که خبر از طلوع روسها نیز عثمانیان که در حاش تپه و جلا جا داشت
حمله ور گردیدند و پس از دو ساعت جنگ خونریزی رانده شدند مگر یک گردن پیاده نظام از سوار
متحرک احمد مختار بیک سرتیک که در نخجوان بود حرکت کرد و روسها نوبت با جنگ قدی لشکر
پیش آمدند ولی اظهار اتفاق نشاندند و عاقبت بجانب آرپاچای عطف عنان کردند ولی تمام
آن روز را در ساحل امن آن رود پایداری نمودند و چون شب در رسید آن یک گردن سمت شمال از
معسکر مختار پاشا که در آلاجا داغ بود حرکت کرد و چند شلیک به قشون احمد مختار بیک رد و
بدل نمود ولی این کشمکش مختصری بود و روسها چندان جمعیتی برابر آتش دشمن نفرستاده بودند
همینقدر میخواستند از قوت و وضع دشمن استحضاری حاصل کرده باشند در این روز سر لشکر
هفت نفر سرباز را که صاحب مدال نظامی بودند بغیرت و بدرفتاری کرده بودند سرباران بود و گر

تسمی از

تسمی از قشون یکنفر را البته بایست رسانیدند تا ترتیب قراریان باشد آن هفت سرباز سرباران شده
مشتق بودند با باطالیونی که در جنگ کدوکلر و بورش غزل تپه با هفتاد و دو نفر در برابر آتش
دشمن پایداری کرده بودند و مختار پاشا با ایشان نشان نظامی تقسیم کرده بود و این علامت آن
میشد که قشون بحالت استحکام اول باقی نمودند و سبب این پایداری ملحق شدن سرباران جدید
و خارج از نظام بود و تمام شب بحران افواج بطرف سوباتان مامور بودند و گاهی صدای شلیک
بگوش میرسید و شغل روسها آن بود که حرکت افواج را بدشمن انکار کردند و روز بعد روز معبری بود
صبح روسها فیمابین قرابال و یانی جمع شدند و تعداد ایشان عبارت بود از پنجاه و شش
باطالیون پیاده و چهار فوج سواره و صد و سی و دو عراده توپ رو به غزل تپه حرکت کردند
که مرکز قلب سپاه بود با قسمت سیم قشون که در تحت فرمان عمر پاشا بود شلیک توپ
سختی کردند و توپهای متوقف ترکان نگذاشتند دشمن پیش گیرد و کمیتون دوم ... از
ابوالحجم ژنرال چاکو شد که چند باطالیون پیاده و بیست و چهار عراده توپ و چند
دسته سوار داشت و حاجی ولی را در مد نظر در آورد و این دو ستون قشون مامور
بودند که سپاه عثمانیه را از یکدیگر دور و متفرق سازند و ابوالحجمی ژنرال چاکو مخصوصا
مامور بودند که نگذارند ترکان به بایی کوچک جنگ عمده در قلب سپاه که در بایی بزرگ
جا داشت واقع شد روسهاسی باطالیون در صف قتال و هشتاد باطالیون در تحت
فرمان ژنرال چرمیف داشتند لهذا جنگ طولی کشید و ترکان بعد از مقاومت
ضعیفی چهار ساعت قبل از ظهر طبل بازگشت فرو کوفتند و کوشش نمودند که

که پای کوچک که در زیر حکم **کاپوتن** محمد پاشا بودند امداد بفرستند و قدری دیگر قشون روبه
علیا تپه روانه شد در سه ساعت پس از ظهر روسها در **پای بزرگ** چهار باطالیون و یک فوج سوار
و شانزده عراده توپ داشتند آنوقت شروع بقلعه بندی کردند و شب و شش باطالیون
و شصت و چهار عراده توپ پیاده روس تا آن قسمت سنی که روبه **پای کوچک** حرکت
کرده بودند باین نقطه حمله ور شدند ولی با وجود تعداد زیاده و نخبه معتبر دشمن ارتکان سخت
جواب دادند اما در یک ساعت بطول انجامید عثمانیان مجبور شدند که خط اول سنگربندی خود را ترک
کنند لیکن باطالیونهای تازه نفس از **حاجی ولی و سوباتان و زنکونی** با کمال سرعت بامداد
رسیدند و روسها را چاره جز سیاستی با آن باطالیونهای معاودن مواجه کنند پس از چهار ساعت
برای انها مانده بود ولی ژنرال **راوپ** حکم کرد که بجانب پای کوچک [illegible] معتبر یورش
برند که در امداد راه قارص بود روسها توپ نموده حمله ور شدند و بیچاره قدمی سنگر [illegible]
و ارتکان بر سه دفعه انها را راندند و با سرنیزه تعاقب ایشان نمودند

پای کوچک
در هنگام جنگ روسها سیم تلگراف رابطه با قارص را خراب کردند و سوار انها بقدری نزدیک شهر شدند
که توپهای قلعه جای تیرانداز بر آنها گذاردند ژنرال **ارس ملیکف** یکستون قشون ابواب جمع
ژنرال **چلکونیکف** نمود و این ستون [illegible] دور آن گرد و از طرف معسکر **کونبو** یکدفعه ارتکان حمله ور
شدند و متوقفا سنگرهائیکه در بلندیهای **آلاجا** داشتند متصرف کردند ولی چهار ساعت بعد از
ارزورنکوی یکستون سپاه در رسید که شش باطالیون پیاده و شش عراده توپ داشت و در
تحت فرمان حسن بیک سرهنگ بود و از طرف دیگر سرلشکر عثمانی دو باطالیون دیگر ابواب جمع **لبوا**

حسین پاشا کرده روانه داشت والبته نگاهداری این نقطه بر قسمی و حجمی برای عثمانیان بسیار مهم بود
و بواسطه این امداد ارتکان دوباره از انها تعاقب نمودند ژنرال **چلکونیکف** مجبور شد که از این نقطه
با کمال سرعت عقب نشینند تا قشون [illegible] بزرگ که با توپ [illegible] سپاه او را مغروق کنند
شب را عساکر طرفین در اماکن [illegible] در میدان جنگ صبح کردند و مختصر انکه آنروز [illegible] روسها
نتیجه و اگرچه در **پای بزرگ** فتح کردند ولی از [illegible] ارتفاعات ایشان بی فایده شد
فردای آنروز جنگ از اول صبح تجدید شد [illegible] سپاه [illegible] بواسطه
حنکی مفرط قشون و نقص آب که بکلی در بلندیها نایاب بود تعطیل نمودند و ارتکان از طرف خود توپ
معسکرها نمودند و ملتفت **اوچ تپه** بودند و در اطراف **سوباتان** عساکر خود را مجتمع [illegible]
چهار ساعت بعد از ظهر روسها با سی و شش باطالیون و یکصد عراده توپ بر این **حاجی ولی و**
سوباتان رفتند اول و چهارم عساکر ترک حمله ور شدند و جنگ خونریز [illegible] پاشا [illegible] نزدیک شام
بواسطه یورش سخت [illegible] بهره روس کار را بانجام رسانیدند و عمر پاشا بازگشت ایشان را [illegible]
کردند چند باطالیون بعقب سر انها در بیم و خطر انداختند و روسها خود را در **قاباق تپه و قرایال** کشیدند
جنگ تا دو ساعت از شب رفته بطول انجامید و عاقبت عساکر طرفین بوضع جنگ آتش را در صحرا
خوابیدند
فردای آنروز دسته‌های قشون ترک از **ارزورنکوی**
و حاجی ولی و سوباتان بجانب پای کوچک حرکت کردند تا آن نقطه را مجدداً از دشمن پس بگیرند
الکتوی که از سوباتان آمده در صدد آن برآمدند که راه عقب نشینی روسها که در روی آن پل قرار داده
قطع کردند ولی روسها منتظر یورش نشدند و [illegible] اخالی کردند [illegible] ستون لشکر ترک بسپاه [illegible] **کاپوتن**

[illegible]

محمد پاشا که از بابای کوچک پایین آمده بود ملحق گردیدند و هر چهار ستون رو به قاباق تپه نهادند و کوهها
سنگلاخ سخت و بیچاره روسها مجبور شدند که ترک خط اول سنگربندیهای خود نمایند و از عقب
بدیه سنگری که شب پیش در قاباق تپه کشیده بودند پناه جویند از ترکان چون نگاه
ایشان را مستحکم یافته یورش نبردند

و در همان هنگام دو فوج سوار ترک با شانزده عراده توپ محض تفتیش سمت اقوزلو و اوج تپه
حرکت کرد نتیجه این تفتیش جنگ بیفایده بود

جنگ با تمام رسیده سه روز طول کشیده بود و بدون گفتگو
ترکان برابری پیدا شد زیرا که از تمام اماکن جنگی خود محافظت کردند و
همچنین زار از دست ندادند و لیکن از طرفین بسیاری تلف شدند (سه هزار با نه هزار و پانصد نفر)
و معلوم هم بود که این فتح ترکان بکلی بیفایده است و دوامی نخواهد داشت

مختار پاشا را مجال تدبیر نبود و میدانست که قشون زیادی بامداد
روسها آمده عنقریب تجدید حمله خواهند کرد و سبب فتح ترکان استحکام اماکنشان شده والا بدیهی
بود که در میدان جنگ تاب برابری نیاورد

در اینجا راپورت های مختار پاشای مشیر را شرح میدهیم و چون تاکنون در فرانسه بکار با نظام رسیده
خالی از فایده نخواهد بود چهارم اکتبر در بروز تحقیق آنکه صبح طالع شد دشمن را
با قوت تمام دیدیم پیش میآید و بجانب تپههای یاهنی لر که منزله جناح ایسر صف جدال ما بود
حرکت میکنند فورا ما نیز وضع محاربه بسته اگر دیم دشمن برای آنکه حرکت حمله خود را مستوره مخفی وارد

نماید

و از غازی تپه را متصرف شوند ابتدا آن تپه را که سنگربان جلو از دور بان در آنجا بود مدتی تیرباران
کردند و عمر پاشای ایتر نمان که حکمران آن محل بود با دشمن برابری کرد و جنگ سختی از آنجا نمایان طرفین
ما با خطرهای دشمن که رو برو میبودند در گرفت تل بابای کوچک که در جناح میسره ما بود در تصرف
شش باطالیون در زیر حکم کاپوتن محمد پاشای سرتیپ بود و در زیر بابای بزرگ چند دسته قراول جا داشت
که با بابای کوچک مربوط باشند چون روسها بابای کوچک حمله سختی بردند قراولان بابای بزرگ نیز
این تل گرفته امداد بابای کوچک شتافتند در این هنگام دو بریگاد که یکی در زیر فرمان حاجی رشید پاشا
و دیگری محکوم حسن کاظم پاشا بود بجانب یاهنی لر در حرکت آمدند و حال آنکه احمد فاضل پاشا
بجانب ورنکو پیش برفت روسها چندین نوبت بتاخت رو به بابای کوچک یورش بردند
ولی هر دفعه رانده شدند و تا دامنه آن تل روی هم ریختند و چندین نعش از انها روی
خاک افتاد و در این مدت قشون ابو الجمعی رشید پاشا و احمد پاشا و فاضل پاشا و حسن کاظم
پاشا از نقاط مختلفه بر دسته جات روس که مامور تعقیب یورش برندگان بودند حمله ور شدند
و جنگ سختی درگرفت در این بین دشمن پنج شش باطالیون پیاده و دو فوج سوار قلعه آلاجا
داغ را گرفت و محل تکیه گاه جناح ایمن ما بود که در یکطرف آرپاچای واقع است من از یکطرف حسن
پاشای سرتیپ توپخانه و شوکت پاشای سرتیپ را و از طرف دیگر ابراهیم بیک سرهنگ روانه کردم
که دشمن را متفرق کنند و آلاجا داغ را تصرف نمایند

پس از یکساعت و نیم جنگ روسها چون دیدند تاب مقاومت با یورش سربازان ما را ندارند
از تمام محیط آن کوه اخراج شدند و تا ساحل آرپاچای بضرب سرنیزه و تفنگ و توپ ما

تعاقب کردیم و در نقطهٔ دیگر حاجی رشید پاشای سرتیپ و حسن کاظم پاشا و احمد پاشا و فاضل پاشا
هر یک علیحده پرده‌های استحکامات سیاه روس یورش بردند و از جمله وران بای کوچک تقرب کرده
و دشمن دست از ارض متصرفهٔ خود برکشیدند و تا شام علی الاتصال عقب می‌نشست و آنوقت هر کسی جا بجا
جابجا داشت متوقف شد در این هنگام گلوله به پای احمد فاضل پاشا سرتیپ رسیده مجروح کرد
امروز دشمن هیچ حرکت نکرد و دو لشکر روبروی یکدیگر بودند تا عصر
بعد از عصر شده من بجانب قرابال حرکتی کردیم و از آنوقت غروب آفتاب از طرفین شلیک توپ
رد و بدل شد و امشب هر دو لشکر در اماکن خود ملتفت یکدیگر بودند جنگ در روز ده ساعت
طول کشید من از تعریف سربازان و صاحب منصبان جوانان حیران هستم ولی تمام انها در آرزو شجاعت
و جلادت خود را جلوه دادند عدهٔ مقتولین و مجروحین طرفین هنوز مجهول است ولی اگر عدهٔ تفنگهای
روسی را که بدست افتاده حساب کنیم و عراده‌های حمل و نقل مقتول و مجروحینی را که در اردوی دشمن حرکت
اندر شمار آوردیم و بحران جنگ را ملتفت باشیم باید از روسها چهار پنج هزار مرده و زخمدار شده باشد

تاریخ ایضا   بربط راپورت سابق خود حدت شمار ربط جنگی را که
با دشمن پیدا کردیم از صبح سه‌شنبه شروع شده تا دیروز عصر تمام نشده بود عرض کردم
چون لازم دیدیم که بر بلندی بزرگ بابهی لر حمله ور شویم حاجی رشید پاشا با لشکر
ابو الحمی خود رو با تحمل گذارده متفق شد که دشمن در شب همگان را خالی کرده و در انجا پیش
از چند پیش قراول باقی گذارده و انها هم پس از خالی کردن چند تیر تفنگ بابهی لر را (ترک کردند آن مکان تصرف در آمد)
در این بین چون قوتهای دشمن در میان آغجه قلعه و کرت جمع آوری شد که آنده قریه در ساحل

رود خانه قارص واقع بودند و دشمن تپه‌های قاباق رهبان اعمال جنگی خود قرار داد سونگی
سه پاره ابو الحمی حاجی رشید پاشا و حسن کاظم پاشا یک از سمتی رو بان آمده او
نهاده شدند شش ساعت از روز بر آمده جنگ شروع شده و هنوز باقی است اما از وضع دشمن چنان
بر می‌آید که خیال دارد بجانب اردوی قرابال خود منعطف شود زیرا که در جاده تپه‌های آنجا و انها جنگ
جنگلی روسها قطعات بزرگ سیاه رنگ در حرکت آمده و این تپه‌ها را گذارده اند فوراً عمر پاشا
سرتیپ سواره که در سوبان قراول است و موسی پاشا که عزل تپه را متصرف است با قوتهای کافیه
رو بان راه نهادند و حرکت عقب نشینی دشمن وحشت انداز بند سوار از تماشای چنین
این اوضاع را نتوانم شما عرض کنم در این محاربه که سه روز طول کشیده علامات یقینی و صحیح
بدست آمده که روسها خسران جانی سختی رسیده است زیرا از این حالت و وضع ناشی معلوم
لطف باری تعالی و امداد باطنی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله سبب پادشاه بزرگوار حجه
باشیم

تاریخ بحم گذشته   خبر اعظم قوتهای لشکری دشمن که دیروز در سمت تپه‌های قرابال استقرار داشت امروز
بپای تپه‌های قاباق منعطف گردید که خط صف جدال با متواریت چند با طالبون پیاده نظام جاده‌ای خود
را برپا کردند و شش با طالبون دیگر که پس قراول لشکر هنوز در لشکرهای غیر مستور بلند تپه‌های قاباق گشتند
دیگر هیچ اثری از دشمن در اراضی مابین عزبلان و اولو با ندیت و همچنین تمام چادرهای صحرای بالدیروان
برچیده شده است
در این جنگ سه روز آخر در بابهی لر
کل وران و آلاجا داغ باید تقریباً ده هزار روس از پا در آمده باشند چون سربازان با همین در میدان

جنگند و در صفوف جنوب بایده اند راپورت سرکرده گان در باب زیان تاکنون نرسیده اند
ولی اگر تعداد مقتولین و مجروحین ما را دو هزار نفر فرض کنیم شاید از حقیقت دور نیفتاده ایم یک
نایب سرهنگ و یک فرمانده دو باطالیون با افتخار جان سپرده اند و دو نایب سرهنگ و چهار
فرمانده باطالیون هم در [illegible] مجروح شده اند کراندوک میشل [illegible] فرمان [illegible] داد و [illegible] دشمن حیله
عظیم بود باید از الطاف باری تعالی شاکر باشیم که ما را از [illegible] دفع او [illegible] کرد

تلغراف بیست و ششم [illegible]

[illegible] چندان خبر [illegible] که برای شما نقل کنم [illegible] که در اول طلیعه صبح [illegible] شروع شد
[illegible] در طول [illegible] بشما عرض کنم ولی در دور اول اطلاعات مرقومه اجمالی و فوری [illegible] تفصیل
کامله این [illegible] که امروز [illegible] ساعت و نیم از شب [illegible] گذشته
دشمن [illegible] تفنگ [illegible] سپاه ما کرد و منظورش آن بود که جبال حرکت واقعی خود را
از ما پوشیده دارد و ما [illegible] بجانب [illegible] نزدیک طلیعه صبح دیدیم صف عسکری در برابر عزل تپه
نمایان شد که [illegible] مواجه بابهی لر که [illegible] واقع است [illegible] نفر حاجی ولی
تدبیر حربی [illegible] این صف قتال با تمام صفوفی که از قلب تا میسره ممتد بود در معرض حمله دشمن درآمد
و علاوه بر این روسها محل آلاجا داغ را که نقطه اتکال ما بود با پنج باطالیون و دو اسکادرون سواره و دو عراده توپ
متصرف شده بودند این قوتهای دشمن بواسطه [illegible] که شبانه از آرپاچای گذشته بود
عظیم رسیده [illegible] که ما [illegible] در معرض حمله بودیم با وجود این استعدادات عمر پاشا در
عزل تپه آغاز محاربه نمود و حاجی رشید پاشا و حسن کاظم پاشای [illegible] با سپاه

اردوی

اردوی عظمی جزو مأمورین حاجی ولی شدند و احمد فاضل پاشا و حسین حامی پاشا از فارص
با امداد بابهی لر روانه گردیدند [illegible] سکام [illegible] حسن پاشا [illegible] را با دو باطالیون بجانب
بجانب آلاجا داغ که طرف میمنه سپاه ما بود فرستاده و [illegible] پاشا با یک یا دو باطالیون
طرف [illegible] سپیم [illegible] باطالیون پیاده بجانب میسره روانه شده
بنابراین ما از سه طرف یکدفعه با کمال [illegible] آغاز جنگ کردیم

قصد آشکار دشمن این بود که فیما بین ما و در روابط با فارص از طرف بابهی لر و اولیا
تپه حائل شود در وقعات [illegible] بابهی لر با توپ عظمی وسی عراده توپ حمیدیه در
گردید و شش اسکادرون سواره روس بجانب ورکوتی و اولیا تپه روی نهادند در میان [illegible]
باطری توپخانه دو واروه با طالیون پیاده مابین بابهی لر ارزک حاجی [illegible] پیش فرستند چون دشمن بلندی غزل تپه
را با سه باطری گرد بان نقطه قرار داد تهدید میکرد دو باطالیونهای پیاده از [illegible] آلاجا داغ
فرود آمدند و بواسطه کثرت سختی راه کوه دو ساعت صعود در آن طول کشید اتفاقاً [illegible]
در زیر آتش دشمن بودند بدون [illegible] اعتنائی از استحکام وضع و مکان رو به ما کشیدند روی آن بلندی
نهادند و بتاختن از جنگ دشمن درآوردند و از سر آن کوه تا رودخانه آرپاچای از آنها تعاقب
تعاقب کردند و اگرچه آتش توپ و تفنگ آن قوی نشد ولی اغلب [illegible]
در عقب دشمن برفتند

از زور [illegible] دشمن بابهی لر که باران گلوله توپ علی الاتصال فرود میآمد [illegible]
عظمی برای او [illegible] و در مرحله [illegible] زیاد عقب نشست

توپهای لشکری دشمن از کثرت حرارت حاجی حسین بیک و حسن کاظم پاشا در میانه تابی بزرک
و حاجی ولی تابو دست شده و سپاه از ایشان تیر بسیار توپ دشمن بتعاقب کردند و جرود دیگر
این توپها و چند دانه برآمد که بالای تابی بزرک بر زدند از بیش بیند اشتباه شد و چون شب در رسید
جنک موقوف شد و از طرفین لشکر در میان اماکن میدان جنک [illegible] که جای داشتند اردو زدند
[illegible] فردای آن روز [illegible] ساعت دهم از روز برآمد
شروع بجنکهای نقشبندی نمودیم و در این هنکام موسی پاشا از عقب از قرابال سمت [illegible]
دشمن کرده بود تا تابی لر که نقطه مرکزی و محل اقامت سردار روس بود پیش رفت و از آنجا
[illegible] شوال [illegible] ساعت بغروب آفتاب مانده طول کشید و از [illegible] غروب
[illegible] رسید [illegible] در میان جنک صبح کردند و منتظر حوادث فردا شدند
عزم ما جزم شد که [illegible]
تابی لر که روز [illegible] بجنک دشمن افتاده یورش بریم و جهة اجرای این مقصود صفوف حمله خود آماده کرده
عثمان بیک سرهنک صبح لسیار رود و مامور تابی کوچک که در تصرف کاپوتن محمد پاشا بود [illegible]
و حاجی رشید پاشا از سمت اوله تپه و ابرهیم بیک سرهنک را با فوج بیک یاور از طرف [illegible]
مامور نمودیم که خسران فراوان کشیده بودند و مقصود خویش نائل نشدند و از طرف دیگر فهمیدند روسها
که موسی پاشا [illegible] انهار رسیده و شاید [illegible] دیگری هم [illegible] تابی بزرک
خالی کرده بودند و پیش از [illegible] سوار در آنجا [illegible] و انها هم پس از چند [illegible] که صفوف خارجی
جابل پاشا که در عهده [illegible] بودند خالی کردند فرار نمودند خلاصه [illegible] امداد [illegible] خداوند متعال

این تابی بدون بازگشت در تصرف سپاه ما درآمد و در این بین چون دشمن [illegible] آقچه تپه
بزرک که در کنار رود [illegible] و قصد جمع آوری سپاه نمود و تابی قلباق تپه را [illegible] جنکی
خود قرار داد حاجی رشید پاشا و حسن کاظم پاشا هر یک از طرفی با الای خود و عمر پاشای [illegible]
سواره که در شوبان [illegible] ساخلو بود [illegible] چند باطالبون [illegible] غزل تپه [illegible]
الاتفاق [illegible] و [illegible] حرکت کردند تا در جنک [illegible] باشند و غریو توپ شروع شد ولی [illegible]
موانع چندین [illegible] حرکت [illegible] بانجام رسانند و شب [illegible] در میدان جنک
اردو زدند روز چهارم جنک شد
با وجود [illegible] صبح [illegible] چندین قصد حمله [illegible] دشمن [illegible]
دشمن که در حمله به تابی کوچک [illegible] باطالبون [illegible] سربازان ما مغلوب [illegible]
[illegible] بخصوص از آن دو باطالبون که در روی تپه کوچکتر نزدیک تابی کوچک افتاده بودند
و در تحت حکم [illegible] سرهنک فوج [illegible] تمام بودند و از [illegible] باطالبون
[illegible] صفوف تابیری که در آنجا [illegible] باطالبون روس در کمال استحکام سنگربندی کرده
بودند [illegible] سربازان ما با سربازان روس با چه حدت [illegible]
تسخیر تابیری که قشون ما [illegible] صاحب منصب و سربازان در این چند روز جنک [illegible]
که باید در دفاتر تاریخی ثبت شود تا اخلاف را افتخار حاصل گردد
خسران دشمن در این جنکهای مختلف [illegible] ده هزار [illegible] محسوب [illegible] شده و اگر [illegible]
[illegible] انکار [illegible] قبول [illegible] تلف شده [illegible] هزار [illegible] مقتول و مجروح [illegible]

بالغ بر نوهزار و پانصد نفر است

از بیانات سرداران و سرکردگان میدان جنگ بدست آمده معلوم میشود که قسمت اول گالانه
مسکو در آخر کار رسیده بود و در این جنگها قسمت سیم و چهارم سپاه روس همراهی کرده و
محقق شده که حاصل جمیع تعدادات عساکر روس عبارت بود از شصت و چهار باطالیون پیاده
نظام و چند اردو فوج سوار و یکصد و بیست عراده توپهای مختلف

با آنکه باید بتفصیل و یکایک مروری که برمن خدمات افراد عساکر ما معلوم میشود
معروض کنیم و مطابق حسن خدمت آنها جایزه و از لفاء ترتیب داده شود قبل از همه باید سرعسکر رای محمدعلی
پاشا که در فوق معروض شده و نایب سرعسکر رای علی حیدر افندی رئیس باطالیون سیم حصین منصور
فوج اول ذو لیف اسند عالیانیم البته مشهود است که این فتوحات علامات توفیق الهی و
امداد باطنی حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله است که شامل حال ما و پادشاه ما مدار باشد اگر
برافهوریت مختار پاشا — این چنین مواد اعتماد کاملی نبودند و مخصوصا مختار پاشا
از حرکت ژنرال جلکوبنکف بجانب آلاجاداغ مضطرب بود و طرح جنگ روسها بسهولت معلوم
میشد که چون لفاصل تعداد سپاه خود را که بعد از این ثابت و محقق خواهد ماند عظیمت شمرده اند
در صدد آن بر آمدند که از حریف تجاوز کنند و ما بین اردو و قلعه قارص را قطع نمایند و این خطر در نظر
سر بزرگ عظیم آمد همینکه شب ششم کمتر عرش جزم شد که از ترک معسکرهای خویش گوید و بر داشته
آلاجا با برد و دو ساعت ضعف شب مانده در سپاه سرد و بارانی تمام قشون مجدداً در
مساکن قدیم که در نصف کلیسل شمال الکوده سار بودند اردو زد و ترک کردن غرل تپه اقوامی در صوف

حرکت عقب نشینی بر تبدیل نموده و — نمود
خط اال برکان بجانب سوط وطالانی بود اما از ترک غرل تپه چلی صعب بنظر نیامد زیرا که در گرفتن این
نقطه چونها تجربه شده بود اما در این وقت مختار پاشا گمان میکرد از حرکت خود اردو بکوه قرابال
بانجام رسانده و حریف جمهور را در برابر سیلکستان و گول برای همین زیر و اگر جنگ کند مختار پاشا
خیال نورس بر زن داشته باشد و ال از دستور العمل اولسکر جواب داده میشود اما وقتی که نورس
وحمله ممتنع بود جنگ سه روزه بر شبیخون گاه محسوب شده و کاری بانتیجه نمیماند بر جنگ امکان بر
که لعنوا استند مداکه کنند تخلیه نمایند سه قریه حاجی ولی و وسوبانان و کلدخانه که در پایین ده نوع
بر خالی شدند و این امر سبب شد که روسها توانستند بدون جنگ در روز تا بلندیهای بزرگ بحیص تپه تا در
این محل تکیه گاهی داشته باشد خواه برای نورس بزبانکوچاکیت و خواه برای تصرف کردن
معسکر دیگری که عبارت باشد از اولیاتپه که نقطه دفاع آخر دره بود که در آمدن از قارص بطرف
عین واقع میشد پس خط واحد دفاع که راه قارص را بر دشمن میگرفت عنقریب با کمال بدبختی منقطع
میگردید — فردای آن روز از روسها چند دسته بولاق قراغ در
دالقریها تفحص و وسیتادند و اماکنی نزد که را در تصرف آورده بودند با کمال استحکام در غرل تپه
و توپهای قلعه متوقعه قرابال را آورده در بالای آن نصب نمودند مختار پاشا که منتظر حسن تصرف نوری
بود طرح جنگ بلندی ریخت و چند باطالیون از مخزان با موران حدود کردود روسها همین قدر کار را
با توپهای بفاصله نگاه داشتند که پیش نمایند
روز دهم
حرکات عظیمه لشکری در اردوی روس بعمل آمد و فردای سعد حرکت تقصی خود را تا قریه کالو

الکی که فیمابین یانی بزرک و فارص بود مستدا داده بود و شام آن روز صفوف عثمانیه پیدا شد
و امتداد از راه جراهای عافی داخل شدند بار دیگر در گردنهای کوهستان عقب آلاجا جای گرفتند
و تدارک حرکت دو روزی دیده میشد

روز یازدهم فیمابین غزل تپه و لاغرچه تپه جنگ توپخانه در گرفت و این تپه در معسکر قلعه گاه
بود که آنجا در سمت شمالیه همه سپاه بزرگ در نزدیکی عافی مختار پاشا در سیره چهار باطالیون را
مامور نمودند که علیا تپه را که برابر توپ یانی بزرگ بود تصرف نمایند پس فردای آن روز
که سیزدهم بود در روسها اغلب اردوی خود را در دره پنهان ساخته و از بالای قله آلاجا از اطراف
بیشتر از هشتصد قدمی که در روسها الیه دیدگاه بیکردند تجسس بیهوده بود و هیچ جا در گردنهای اطراف
و بالای کوههای عقب هیچ خبر بنظر نرسید مختار پاشا به عساکر خود را با جزء اعظم توپخانه خود امر
کرد که بر دند در دامنهای فوقانی کوه اردو برسند این حرکات بنظر نامفهوم میآمد چرا باید در اطراف
حمله یا بزرگ یا در که در آنجا پیش از یک خطر پیش نیاید و آن خطر عظیم عبارت بود از محاط و
محصور شدن — در همانشب بواسطه اخبار جاسوسان

هر یک ... ساعت فاصله محل اقامت سردار را خمپاره باران کردند با دو عراده آتشخانه قلعه که از جلو
قریه حاجی ولی الضف نموده بودند

روز نهم مختار پاشا خبر دلیرانه جنگی را که روز نهم است نوشته ولی مقصود جشنی را اظهار میکند
به اسلامبول فرستاد — بجهة مدافعه و حفظ غزل تپه

که بعد از جنگ کدوک لر مشرف شدیم ... سپاهی خطا اعمال جنگی را بمحل اقامت سردار نهاد

رومیم

زیاد نمیبینم و نتیجه این استعدادات بجز بطلان منتظرات نباشد ولی امروز وقت اجتماع ما رسید
از اردو بروز احکام فرستادم که قشون سلطانی برادر پای کوه معروف به آلاجا داغ جمع آوری
کنند و در سنگرهای که سپاه مامور ما تدارک ملبوس پالاپوش و غیره که در قریه خوزبان فرمی
شدی دیده میشد ابده کردیم که دشمن با قوت عظیمی و شصت عراده توپ پیش میاید و قصد آن دارد
که اعتبار سپاه مامور تفتیش با حمله ور شود پس از اینکه آن دسته قشون به اماکن مخصوصه جدید ما
برسید لهذا بدون فرصت از دست دادن مصطفی جاوید پاشا را مامور کردم که فورا سیره آن
اردوی که در تحت فرمان شوکت پاشا روانه شود و آن دو هزار و لشکر داری حاجی پیشند باتانیر فشنده
جنگ توپخانه در تمام خط جدال که از قریه خوزبان تا حاجی ولی امتداد داشت در گرفت و این
جنگ چهار ساعت امتداد یافت و در همان حین پیاده نظام نیز چندین شلیک تفنگ متوالی کرد
و این کار از ساعت ... از روز رفته تا یک ساعت و نیم بعد از غروب آفتاب طول کشید و دشمن با
استعداد عظیم خود چندان نوبت جاهای خالی صفوف خود را پر کرد ولی نتوانست به نجات برسد
مخبران ما که در سنگرهای سخت پراکنده بودند که مقدم عقب نشسته و غایب چون دشمن نتوانست در
برابر آتش تند و منظم ما تاب مقاومت آورد آغاز شکست نهاد و کلی بمساعدت ظلمت شب راه
خود را منعطف ساخت و بعد از اینکه از برابر آتشخانه توپ و تفنگ ما دور رفت آتش فشانی
ما قطع شد و یکجا سپاه ما شب را در اماکن اول تا صبح نمود و قسمت دیگر در همان میدان جنگ
اردو زدند بالاخره فردای آن روز تمام عساکر ما در نهایت آسایش و انتظام حرکت را که دوش
پیش از آن طرح کرده بودیم به انجام رسید — آخر اپورت مختار پاشا

[illegible]

هنگام جدال وقتال بانجام رسیده بود و پس از آنکه در هم کمتر سپاه مختار
در اماکن مرتفعه الاجاده غث پشت رسیده اماکن را که دشمن تخلیه کرده متصرف شدند

صورت تقسیم قشون ایشان مطابق تفصیل ذیل است

اردوی ژنرال منشافی نایب سردار که مرکب از هشت کرنادیه قفقاز و فوج کرنادیه رستف و شش
باطالیون از فوج باپای کرنکت و باطالیون اول پناسور قفقاز باطالیون اول فوج مهندس
قفقاز و باطری دوم بریگاد اول توپخانه کرنادیه و باطری دوم بریگاد دوم توپخانه و باطریهای سیم
و چهارم بریگاد سی و هم توپخانه و سی ارده عراده توپ قلعه کوب محاصره و فوج دراکون نورد چهار
دسته از فوج پنجم قزاق از نامبورک و باطری پنجم توپ سواره کوبان که حاصل جمیع اینها سی و
چهار باطالیون و یکصد و چهار عراده توپ و هشت تکا در ون سوار بود و اقامتگاه بریگاد ژنرال
چاکتی دریاده بزرک بریگاد ژنرال ادنبوف در حاجی ولی قشون ذخیره ژنرال سلولف در
سوباتان یک باطری هم در حاجی ولی از توپهای دوزن قرار دادند که اوبلر را از بند اردوی کور
هیلی ژنرال هارور که مرکب بود از افواج دولدی قفقاز و الیراتشپل و باطری اول بریگاد اول توپخانه
کرنادیه و نیم باطری از باطری ششم بریگاد نوزدهم توپخانه و باطری سیم و چهار عراده توپ از بریگادی و ششم
دو دسته قزاق فوج اول کورسکونزدک و فوج دوم خارج از نظام داغستان و فوج سوار غیر نظام چچنیا
و قسمت بجای تفنگچی و چهار ستون قراول ملی سواره که حاصل جمیع اینها تا باطالیون و بیست و چهار
عراده توپ و بیست و چهار دسته سوار میشد در جلو غزل تپه برابر کرخان و تاپالتحاجی کرفته و سواره
آن جلو سیره را پوشانیدند و یک باطری از دو توپ دوزن در غزل تپه نصب شد تا این تپه را از بند

[illegible]

اردوی کنت دکراپ ژنرال هارور مرکب از فوج کرنادیه بربو
شش باطالیون و باطری سیم بریگاد اول توپخانه کرنادیه و هشت عراده توپ و سه دسته سوار از فوج پنجم قزاق از
امبورک بلال قاباق تپه را محل اقامت ساخت و بمیمنه ایشان دو دسته سوار شاهزاده ویرنسن بربط
شد و آن سوار عبارت بود از فوج کوبان و فوج ولادی قفقاز و چهار دسته قزاق الیک که در کنار
فارض الفی کف اردو زده بود نداردوی دهن ژنرال هاروز عبارت بود از افواج کرنادیه کاپر بو
سلاف و نزویر و دو دسته از باطالیون سیم مهندس قفقاز و هشت باطری دو نیم پنجم و ششم
بریگاد اول توپخانه کرنادیه و فوج دراکون سیوسک و فوج دوم قزاق حاجی ترخان و باطری دوم سواره
کوبان باطری چهاردهم سواره دن و حاصل جمیع اینها شش باطالیون سیم پیاده و شش تکا در دن
سواره و چهل عراده توپ میشد این اردو در برابر کل وردن جای گرفت و منزله سپاه ذخیره کل بجای
اردوها ژنرال کورنسکی و کنت دکراپ ژنرال دهن در تحت
حکم فرمان کل ادپ نایب سردار کل قرار گرفت

ما بری چون توسط این عساکر اعمال شبانه لشکر در برابر لشکرگاه دشمن در معرض طغیان در آمده یک
صفی در زیر فرمان لیوشان ژنرال لازارف از تپرشا و اقورلو حرکت کرد تا معسکر عثمانی را محاصره کند
و این صف عبارت بود از قسمت چهلم پیاده نظام با توپخانه متعلق بخود و دو فوج پیاده سورسپول
و باطالیون چهارم شاسوران قفقاز و دسته دویم از باطالیون سیم مهندس قفقاز و قسمتی از باطری
ششم بریگاد نوزدهم توپخانه و قسمتی از باطری ششم کوهستانی بریگاد نوزدهم توپخانه و فوج دراکون نیژنی نو
گرد و فوج اول و دوم قزاق ولکسک و فوج سیم سواره غیر نظام داغستان و فوج سواره غیر

نظام الکساندروپل با یک باطری توپ سواره دن که بودی شم بعده باطالیون نیم پیاده نظام
و یک دو اسکادرون بود دسته سواره و بغداد عراده توپ داشته
این صف شب دهم کتبر حرکت کرده و از معابر کیکاج و کچوان بمعسکر کانبک
رسیده در آنجا دو باطالیون از فوج باکون و فوج دویم قزاق کبرلیار با آن ملحق شده بر روز دوازدهم به
میگر رسیده و پیش قراول خود را به اکریاک فرستاده و در دیکور دسته ابو الحمی ژنرال بارورلستی لوچ
در تحت فرمان ژنرال لازارف درآمد و این دسته قشون مرکب بود از چهار باطالیون فوج دربند
و یک باطری و دسته از فوج قزاق اومان که از راه حاجی برام از قشون ژنرال زرکو کاسف جدا شده
بود و مامور بود دید که بکچه کند سواره تفتیشی بزرگی که باب کافیمان بکنند و منظور از این تفتیش آن
بود که روسها مختصر نماید که مجموع قشون اسمعیل پاشا که بعقیده انها میبایستی ملحق بسپاه مختار
پاشا شود کدام راه اختیار کرده استاری پس از این که در دیگر کمبو قشون استراحت کرده قدری
از خستگی راه بیخت و در از بیرون آمده بعد از این در این محل شش باطالیون در اماکن سنگر دار و محکم ساخلو
گذاشته ژنرال لازارف روز چهارم اکتبر طرف صبح آغاز حرکت تفتیش از سمت بازارجیک و
حاجی ولی نمود و چون ملتفت شد که استعداد زیادی در یک معسکر حصین زیر بازارجیک
از سپاه عثمانی مجتمع است قصد آن نمود که بلو بلندیهای شاطراوغلو را تصرف نماید زیرا که
تصرف آن سبب میشد که معسکر بازارجیک حمله تواند برد و راه ورنکوئی نیز در تحت سر دشمن برای او
باز باشد قشون پیش قراول بر کرده کی
ژنرال بازور ریس ملیکف که برادر ریس ملیکف نایب سردار کل است مرکب بود از دو مکونی

جنگی از کی

جنگی نوکرد و فوج دربند و شش پوطهای مهندسین و سواره غیر نظام داغستان و دو باطری توپخانه
و این قشون بزودی پیش رفتند و بصف راه رسیدند آنجا توقف و دشمن از حرکت انها خبردار
شد و با چند باطالیون که از اردوی بازارجیک و حاجی ولی آمده بودند قلعه زد بکبر کوه را متصرف
شدند و بزودی بودر خود را استکرندی نمودند
ژنرال بارورلشی نویج که فرمانده پیاده و پیش قراول بود و بمامورت مخصوص داشت که
بهر قسم باشد حریف از سنگر خود بیرون کند خط فوج دربند را بیورش برد و با وجود آتش شدید
از پیشا بو بسط پیاده و از جنب و کنار بو بسط توپخانه دشمن برایشان چبایید آن فوج تا سنگر
و باسر نیزه ترکان از سنگر ها طیاسیند و انها را شکست داد و در آن لحظه در اردوی بازارجیک
توپهای جدیده برای دشمن در رسیده هم آن داشت که جلو فوج دربند را بگیرد اما بخت موفق
ساختن این حرکت ژنرال لازارف تمام سوار خود را سرکرده کی رئیس اناماژور جوزد لالاهی
سر یک بجلو آن صف فرستاد و پس از آنها یک صف پیاده سرکرده کی ژنرال بارور گور
روانه نمود در حالتیکه یک باطالیون مجران بر صف ایشان بود کلونل بلاحا
در کمال سرعت از بلندیهای که سر راه ترکان بود بالا رفت
و در آن کوهها و قراغها امر نمود پیاده شدند از دشمن که پیش میآمد با یک آتش بر پا بر پا
نمود ترکان که غفلتا دچار این حمله شدند قدری تحمل کردند و آغاز عقب نشستن نهادند و آتش
باطالیون مجران بجنبد تر توپخانه روس سبب سرعت بر هزیمت ایشان گردید و پس از تصرف
شاطراغلو روسها در صدد آن بر آمدند که یک محل مرتفع دیگر را که نزدیک بود در اراضی

در آنجا اماکن محصوره ترکان در وزنکوی و بار ارچیک تصرف نمود تصرف نماید این محل بسیار از برای
ترکان سنگربندی کرده بودند و قلعه و اطراف آن چندین سنگر و خندق ساخته بودند ریاست اخراج
ریاست این یورش ژنرال بارون چلکونیکف که کول اوشنند و در تصرف باطری بزرگ دو باطری
اول بریگاد و چهلم توپخانه از جلو قسمت توپخانه که بر سنگرها از اطراف آتش توپخی بود به آن امیدی که نمود
و مخصوصا قیوزباشی امیر الیور بکار بردند و پس از آن فوج در بست و برادران جهد بسیار نمودند
بساخت یورش بردند ژنرال لستی برنج سرکرده که اظهار داشت ترکان بسیار با شلیک
سخت تفنگ ابدا زیاد مدتی ایستاده بودند و در کمال جلادت در سنگرهای خویش پایداری کردند و تا مدتی
نتیجه عمل شکر کتیبه به جهت آن برای صف روس به واسطه سرکردگان بلند شده و تا سنگرهای
جلو پیش رفتند و انها را در تصرف آوردند علت پستی و بلندی اراضی نگذاشت روسها
ترکان را تعاقب کنند دو ساعت و نیم بعد از

نصف شب سردار کل عساکر روس از نتیجه جنگ روز چهاردهم اطلاع یافت و چنان صلاح دید
که وقت است که در مجاز باشد حملات جدی برد که کارها یکسره شود و فورا حکم داد یورش عمومی
با کمال قوه برده شود و جهة اجرای حکم دستور العمل آتیه به عساکر روس داده شد سپاه ژنرال حاک
در حال بازبزرگ را یورش نمایند و نگذارند از جانب قاق از طرف بای کوچک و فارص حمله وارد آید
مامور گردید که با آتش توپخانه خود در آن کار که از وزنکوی به ادبرکه اولیانه بتربیت نماید و در افواج
ژنرال کوزنکی را حکم رسید که رو به کرخان و چاهچی بشتابند و دشمن را از معسکرهای اللجا بیست
اللجا ای اولیا برآید و بقیه عساکر ژنرال راوپ که عبارت بود از قشون ذخیره و دو باطالیون از

از فوج پرنوکه از قاپاق تپه پیش آمده بودند مامور گردیدند که احاطه با این عساکر ژنرال بیمان و ژنرال کو
زمنسکی بپیوندند و از سوباتان بجانب چفت تپه حرکت کنند
سوار خواج امین میانجی به قاپاق تپه کنند و رو به وزنکوی بگذارند و سواره خواج ابیر بشناجی کوج
وزکون که در ذخیره بماند مامور شد که از سمت مجمعه دشمن حرکت نمایند و از آنجا مایند
ژنرال لاارف در همان هنگام فرمان رسید که تماما حرکت کند چنانچه قرار داده اند کنند
ولی اعمال خود را با حرکت قشون که از جلو یورش میبرند مطابق کنند شش ساعت و نیم از نیمه شب گذشته
حرکت شروع شد ژنرال بیمان چون فوج زسیف را بجانب بولانیه و فوج ... را
بطرف ... و فوج اریوان را از سمت یمین اویدر حرکت میداد و ذخیره او شش باطالیون های فوج
نیانبل کوریک بودند و توپخانه خود را پیشتر انداخته ساعت بطور باطالیون ... اویدر آتش
و چهار عراده توپ تیر را گشوده از رکیب دن گلولهای روس در اندک زمانی قلعه اویدر
غلطی پوشیده گردید در بین این معرکه توپخانه باطالیون همه فوج اریوان چون مشاهده کردند که
صف از سپاه ترک از سمت وزنکوی پیش میآید خود را باشتغال آن صف انداخت و چنانچه
از جلو صف خود پیش رفت ولی بصعوبت توانست پایداری کند

از این واقعه ژنرال بیمان عزم خود را جزم کرد که در انجام کار ادبی لار عجله کند
و این صاحب منصب بزرگ در وسط ظهر حکم کرد که عساکر او بجمیع از نصف یورش ببرند زیرا که از توپخانه
خود اطمینان داشت فوج اریوان و گرجستان و پایه کرنیک پیش رفتند آتش باطری
توپخانه در وشت ... و جنگ تفنگ سخت ترکان رو به ساحل کرده از باطری سنگر بار رسیدند

پس از این ساعت محاربه چند فقره رکاب را از سیاکن جوش بیرون نمودند و قشون جزو
در همان سرعت رو بلندیهای اودلک دوز رکوی که دشمن سپاه ژنرال همان در عقب انها
دو شده و عاقبت خط طولانی منهدی که لوله بادیرک با جفت تپه سرفت در تصرف آورده بودند فوج
تسوچ و یکباطالیون از فوج پرنو امداد انها رسید   در همان هنگامیکه
این سپاه مشغول جدال و قتال بودند از بالای تپه‌های غربی بلندیهای ورزکوی فریاد هورا بلند شد
و هنگام صفهای قشون ژنرال لاارف بودند که متصل به سکه بگریزیدند زیرا که چون ژنرال
لاارف از صبح صدای سلیک توپ او بگذر رای شنید حکم کرد که از عقب قشون او بر بلندی
ورزکوی یورش برد و چهار باطالیون از فوج ماکو و دو باطالیون دیگر از فوج سباس تپول در سر
ژنرال تیسوج و دو باطالیون دیگر از فوج سباس تپول سرکرده که ژنرال جبل کونیکف سر رفتند
و دو دشمن تاب حمله در حال شدت رکار از اردو پیش راندند و بلندیهای عمده ورزکوی را در همان
وقتیکه اوبلار را یورش گرفته بودند در تصرف آورده بودند سواره میمنه معین این شده بود
ایکاردون از دراکون و یجی لوکر سرکرده که لکنل کلنر در لشکر باعث کردند و چهار توپ را ... نمود
یک برق گرفتند   سواره که ترکان به تاخت در حین
دسته را گرفت و بسیار ... و ... ساخت در حینیکه ترکان از بلندیهای ورزکوی
اخراج شدند و قشون ژنرال همان و سپاه ژنرال لاارف بیکدیگر ملحق گردیدند سردار اردوی
سپاه ... آمده وقت و صحرا ملاحظه نمود و چون ملتفت شد که مختلف امر سپاه دشمن
... لشکرهای ورزکوی و بانی کوچک که مجدد از ترکان آمده بود ... پایداری

میکنند و ترقیات آینده را قرار داد ژنرال همان با قدری از سپاه خویش باید در حرکت بجانب
ورزکوی نداومت کند و بقیه سپاه را فاصله مابین بلندیهای ورزکوی و جفت تپه و ژنرال لاارف
فرمان یافت که با سواره خود دشمن را از طرف فارص تعاقب نماید و از طرف جفت تپه عساکر
جلو رفته خود احاطه و باطوریهای پله عقبه جو بلندیهای بازارچیک را با تمام راههای جنگ دشمن
تو ... انها از آلاجا بجانب دیگر دال بابان عقب نشینند گردد و سواره ژنرال همان سرکرده که
شاهزاده چاولف ژنرال ... ورا ... شده کرده در بانی کوچک را قبل از رسیدن پیاده ظلم
بانی بزرگ احاطه نماید و بعد افعین بجا راه فرار بقارص رسد و دو سازد و قبل از اینکه حکم
بفوج در رسید این فوج داخل ورزکوی شده بود بجای انها ژنرال لاارف با طالیون
چهارم محران و یکباطالیون فوج سواستپول را سرکرده که ژنرال کورچین بجنوب غربی در سنا
دار همان فوج یکباطالیون سرکرده که ژنرال مارور بخارف ... قشون ذخیره قرار داد بحکم ژنرال
همان فوج نسورژ با دو باطری به ورزکوی رفت و فوج در بند رالخاف و بعد دو فوج کرجستان
داروان با سه باطری پیش رفتند و در جفت تپه بگیرند و فوج رشف و یکباطالیون از فوج برنو
که از قشون ذخیره گرفته شده بود در میان و بسیار جلو آیلار را که دو باطالیون از فوج بیاذکرسک
متصرف بود گرفتند   در هنگامیکه این جنگ آخر در برابر آدبلار و بشتهای بلندیهای
ورزکوی ممتد بود قشون ژنرال راوپ مابراجح سرداکلب میاستی بنانی پیش آید در حین ...
شود و بواسطه آتش توپخانه و سپاه و حمله ترکان را در محلی آلاجا تا انها یورش مرکزی و حرکات
دور از نگاه دارد   بجهت انجام این مقصود ژنرال ... ژنرال

کوتوسکی حکم کرده که بر دامنه‌های بلندان خود را در بالای حقا کرخان و شامتی بماند که ژنرال بهمان ز جنگ
است بکشد اندو بعد ازین سپرده که دشمن محصور کرده و لشکرهای پوشیده در سمت آلاجا خود را در بالای
که چندین قطار پیاده نمود و ازین سمت ژنرال الیرابشپل با یکباطری لشکر کرده که شاهزاده ایراجی لیف با لشکر
تیمن و فوج ولادی قفقاز با یکباطری لشکر کرده که کلنل کرلف از سپاه از نزدیک کرخان و شامتی
محصور بودند و انجرکف ترکان محصور ساخت که فوراً ابساخ بنداخال کشیدند و از لشکرهای فوقانی
توپخانه را بر دشمن تعاقب نمود و لیکن پیاده‌ها ملتفت نگردید و سکّی است که بجز سپاه
تفنگچی بر رفتن سپه وارد بالا آمدن و آنها صف‌ها شکسته شوند و چندی نگذشت که از هر طرف از
بالای کوه آلاجا بصدای تفنگ پیاده ملبد شده روسها و دیگر سواران پیش رفتند و از توقف محصور گردید
مواجهان توقف یکقسمی از سواد غیر نظام روس در تحت فرمان شاهزاده چاو چاوادزه لیون
بیان ژنرال با دو اسکادرون در کوه‌های سبه و سنک وقت از راه که از صندوقهای غربی
آلاجا بالا بود و از سبب سیم غنائم سردار آورد دوم جز
در سید ژرالکه ترکان شروع کردند که توپهای بزرگ خود را بر سپه و ژنرال اردوب چون از میمنه خود
گرنادیه کازینی سلاف را با شش باطری ترکاوا و اول گرنادیه و چهار توپ از باطری ترکاوا
بورد و سیم علم به پیش رفتن بود و جبهه و قلب را با چهار عراده از باطری پنجم از ترکاوی و ششم ترکان
و چهار عراده از باطری دوم کوهان قوت داده بود و حکم طلب یورش کوبیدن داد و در اوایل اول
شیپور و طبل ترکان سنگهای خود را که با صواعق متصله شسته بود مضاعف نموده ولی بر اندازی
مجتمع شد دل سی و شش عراده توپ روس که چندین قورخانه را در باطریهای ترکان آتش زدند

در کاب دوراندکه در میمنه و بسط فوج ولدی قفقاز و در میسره فوج کازینی سلاف دو اسکادرون
در اکون سیوریک و چهار عراده توپ از باطری دوم کومان [illegible] ژنرال دشمن گردید
و چند دقیقه بعد از بسط یورش که در تمام صحبت کمال سختی رو داده بود از آنجمع کلنل در آنجا سپاه ترک
که اطراف را فوج الرابشپل و ولدی قفقاز احاطه کرده بودند جمعی خود را از بین ایشان رساندند حالی اگه
خود دیگران بکمال سرعت روانه شهر خود به آلاجا ترکان دیدند و شیشه‌های [illegible] و صعب سلیک این
کوه ملتزم شدند که توپخانه روس تعاقب ترکان نماید و لیکن پیاده‌ها بسیار شدند از این [illegible]
پس از اندک زمانی دو اسکادرون سواره در اکون سیوریک از [illegible] و فوج قراقچی [illegible]
از [illegible] شاهزاده چاوچاوادزه از سپاه پیادگان بر سپکر فتند و کار بر حال بقر سیاره با تمام
گذارد در تمام وسعت میدان کارزار ترکان بنا در حالت
شکست فاحش بودند و با آخرین روشنائی روز [illegible] شمشیر زند شدند و بر عقب
می‌نشستند و روسها در جلو کار شکست دشمن را با تمام رسانیدند [illegible] و عارض سواره
از لیس ملیکف ژنرال با زور ترکان را شمشیرزنی بکرد و از آنها صد صد اسیر نمود و سواره از
چرابلف از اسب پیاده شده و دره‌ها و سیلها جای گرفته آتش بر گرد [illegible] پیاده
ترکان که از باغه کوچلیت تعجیل میگریختند و تبریزلیشن دنباله آنها را شمشیرزنی کردند [illegible]
و هنگامه ژنرال سیمان و ژنرال [illegible] دایره که [illegible] محیط بود
کوچلیت [illegible] ژنرال راوب از آلاجا یکدفعه رو به دشمن پیش آمدند و گراندوک
میشل سردار کل که در حاجی ولی بود [illegible] را آخرین باطالیون [illegible] که باطالیون اول

پلونا بود ما بین اولیار چیت تپه فرمان میداد و سرتنک اما تا زور سنا قیف را اسیر ا
که بعد ها این لشکر باید به بهانه دنبال ایشان بیداد و این باطایون تیزلرل بود که با کاد فرمان داده بود
اردو امنه ای جنوبی الاجا که در دایره بازارجیک بود و طلب شده زیرا که ترکان در این دایره محصور شده
بودند در آنروز اسباب ضعیف نزدیک … و شیغم فرستاده بودند بکلی در همه جا نشر کرده بود

گراندوک که بعد از ظهر از بلندیهای ورکوتی

تا لایرینه اطلاع یافت که عثمان پاشا سردار عساکر عثمانی مستعد است که خود با بقیه السیف سپاه
مغلوبه به سیری دیگر … آنوقت ژنرال زوپ فرمان فرستاد که این عمارا
تکذیب … و کلیل تپه را که یکی از … رها داشت و اجازت داد که …
فورا امضای تسلیم دشمن بماید ظلمت شب و پستی و بلندی اراضی … از شهر بین ترک …
فرار از اسیری داد و عقب انها جانب راه کادکستان فرار کردند و لیکن در حوالی آن
نقطه و جسم دیگر بسیاری از انها بچنگ آمدند و تعدی دست و پای خود را گم کرده بودند که روز
هفدهم و دویست و پنجاه نفر از ایشان با دو عراده توپ اسیر گشته سوار قراغ چره کرده بگیرند
… بجانب فارس شتافتند و از قلعه حافظ پاشا محض تخویف تیرهای … انها خالی
کردند و لیکن نتوانستند انها را متوقف کنند   عده اسرا به هفده هزار
نفر رسید و هفت پاشا و دویست و پنجاه صاحب منصب جزو انها بودند و روسها برای این فتوحات
چندان خسارتی نکرده بودند بنا براین راپورتهای رسمی روسها در جنگهای این دو روز بیش از هفت
صاحب منصب کشته و یازده صاحب منصب زخمدار و هفت نفر سقط خورده و دویست … مقتول

و هزار … نفر …

و هزار و شصت و ده نفر سرباز مجروح با صد … بدرجه … اما تعداد مجروح و مقتول ترکان ممکن نیست
معین نمود همین قدر میگوییم که دیگر قشون از عثمانی باقی نماند

متن تسلیم نامه ترکان

شرایطیکه بقیه السیف سپاه و قشون عثمانیه پلونا … عساکر سپاه …

مطلب اول

ملاحظه باینکه عساکر عثمانیه امروز در جنگ کمال رشادت را کردند صاحب منصبان برسمی اسلحه خود مخصوص را …
حق … خود را   …

مطلب دویم

اردوی نظامی … از قبیل … و غیره وخدمه … ارباب مناصب …
تسلیم اسلحه مختارند که با وطان خویش معاودت نمایند

مطلب سیم

تمام اهل نظام و اشخاصیکه در جزو مطلب دویم نیستند خود را اسیر جنگی باید بدانند و لازم
است که تمام اسباب محاربه را تسلیم کنند که عبارتست از بیرقها و اسلحه و توپها و کلوله‌ها و
بار جنگی توپخانه و تفنگها و اثاثه توپخانه و پیاده … و عموما مطلق متعلقات نظامی

مطلب چهارم

تسلیم عساکر و اثاثه مسطوره در مطلب سیم بترتیب آتیه است تمام عساکر که خود را اسیر جنگی میشمارند
بترتیب … اردوی خود اسلحه خود را با … توپخانه توپهای خود را در مکان معین شده تسلیم کنند
و پس از آن تمام عساکر از کوه فرود بیایند و در محل معین بروند

مطلب پنجم

تسلیم سرادامنه جنگ ... در ... و ... ساعت ... بعد از ظهر

شروع خواهد شد . مطلب ششم ... نشر طبیب ... فنون

در تعداد اشخاص هستند که ... آزاد ... هرجا بخواهند بروند

محل قشم راوب نایب سردار کل و فرمانده کل صف از قشون قفقاز

عمر نایب سردار کل

تلگراف ... اجودان ... و الاکرم ... بخلاف ... در باب تسلیم ... ارلیس ملیکف

ژنرال اجودان ... روسی ... رجب ... نواب سردار کل عساکر قفقازیه ...

این ... را انتصاب ... ژنرال اجودان و فرمانده قشون قفقاز ارلیس ملیکف در این تسلیم

... شش طابور ... جنگ ... افتادند که مطابق ... تفتیش ... اظهار

... آن طابورها ... بعد از این جنگ ... راپورت ... رسول فرستاد

بقصد اینکه مابین قلعه قارص و اماکن حالیه اردوی

خودمان محل مناسب جنگی پیدا کنیم از امروز صبح بقدر امکان هرچه لازمه کوشش و مجاهده بود بعمل

آوردیم دشمن از قریه حاجی ولی سر درآورده با قوت تمام رو به اولیاتپه که سه عراده توپ داشت

و در بالای قریه پولانیک واقع بود که خود آلاغزیه در برابر صف جنگ مرکزیه باافتاده بود چهار

طابور که در بالای اولیاتپه مزبور بودند دلیرانه پایداری کردند و تا چهار ساعت در برابر حملهای

پیاپی دشمن که توپخانه عظیمی از توپهای لوله بزرگ و گلوله درشت ... آوردند

با حمله ...

با حمله طابورهای که از جانبین بامداد مدافعین دلیر اولیاتپه فرستادیم آن بیچارها بعد از چهار ساعت

جنگ و مقابله با خصم غالب ... مجبور شدند که ... عسکریه ... بشکنند ... دشمن درآمد

تصرف این مکان ... روشن شد که اماکن جنگی واقعه در حدود اولیاتپه که در تصرف سپاه

ما در سر راه قارص بود دیگر نتوانستند ... و سپاه ... قارص

که من با قشون ... مربوط ساخته بود منعطف گردید

حاجی رشید پاشا و عمر پاشا میرلوا ... حسن کاظم پاشا و موسی پاشا ... پاشای ...

... در ... حکم ... اماکن ... واقع ... استقرار دارند ...

... در قارص مشغول ... که ... عنقریب ... جدید ...

عدیده ... دشمن ... عراده توپ ... جدید و قابل ...

معرکه ... سرکرده بزرگ بود که ... مجلس ... بود ...

و ... در واقعه امروز ...

... ولی ... مجبور ... با ... هزار ... نفر ...

... و ... کامل ... و ... طابور پیاده

و ... که ... محاربه ... پاشا ... شدند ... اند

ایشان ... از ... عسکر حکم کرد که ... صاحب منصبان ... از

... حکم نظامی شد و دوباره که گفتگو کردند ...

آن ... حکم کردند که ... صاحب منصبان باید هدف گلوله تفنگ شوند

مطلب دوم ... در بیان جنگهای که مجدداً پاشا در سیاه کرد و کشته شدن جنرال
اسمعیل حقی پاشا جنرال زرکوکاسف که در وسط روسیه بود در سمت سیلیستره او را جمیع جنرال دول
تقویت کرده باشند ... سپاه ترکیب جنگی ... که در
سپاه ... جایی بودند با این ... عثمانی او را جمعی حسین ... بیک عساکر روس او را جمعی جنرال
دول روی داد و چون این واقعه ... اسمعیل پاشا برای عساکر ... تحت
جزان مصطفی صبوت پاشا ... فوج سواستوپل و کومان و در ...
... در این جنگ ... نمایان گردید و از روسها ... مرد از پا افتاد
و جنرال دول اندکی زخمدار شده و اسمعیل حقی پاشا ... شده کمال ... از صد نفر ... و ...
اسمعیل پاشا روز چهارم ... برای تسخیر ... شرف ... ابکدیرو کوکی
... سپاه زرکوکاسف را با سپاه روس که فوج بلکف در آنجا بود قطع
نماید جنگ مختصری واقع شد که چندان عظمی نداشت روز ... اسمعیل پاشا در ... کوکی
فتح مختصری کرد اگرچه ... دولتی ... فتوح جنرال زرکوکاسف را
وحشت ... انداخت ... روز ... حکم ... در ... وداد
... که اسمعیل پاشا در جاده شوم الاجابولی در برده باشد و این کار ... کردند ... دشمن
و ... حرکت ... گرده باشد ... صحیح ... در جنگ ...
دیل ... یافتند ... تاریخ ... ماه ...
پل کالی را ترک کردیم و بجانب زرکه ... از آنجا ... عثمانی ... قسمهای قشون

بخش که برابر ... چون ... کرده و ... سپاه سلطانی را احاطه کنند
و در این قصد ... اول روز به اتمام قوت به اکان ... جنگ ... نهاده ...
... که اکثر ... مصطفی پاشا ... کلیه ...
... در ... انجام ... امر کردم که ...
... امیره ... عقب ... اینچنین ... از ... روسها
از طرفین آغاز ... نهادند جنگ ... بسیار سخت ... آنکه ... سماجت
... صندوق قورخانه دشمن ... آتش گرفت ... چندین
اسب ... گردید ... چون روسها ... چنانچه ...
و ... بجانب الکسندرپول ... عثمانی بودند ... چندین تن ...
... معلوم ... و ... صاحب ...
... داری و لیاقت ... صاحب بیک ... بیک ... اردوگان
چون ... ایورت ... پاشا ... جنگ
کدوک باسون ... و ... آورد
اما ... اسمعیل پاشا ... خبر داده ...
که بجانب الکسندرپول منعطف شوند ...
جنرال زرکوکاسف تقریباً ...
پاشا ... و ... خبردار شد که اسمعیل پاشا ...

و فرار او تعاقب ارشاد رفت

از روز هجدهم شهر حزیران روس لنکت مدر پول رو به پیش حرکت کرده و بقیه عساکر را که از مجاهد باشند
از حلوه جه براندند ولی این عساکر را وجه بیکت محاصره نعمتی نکار جنگی برنیامده که برابری بکنند
تا اینکه این باطالیونهائی که در ابراهیم حسینه بودند فرصت پیدا کنند و بعدد سپاه ملحق شوند در سپاهیکه
بکجه از قشون روس و در قارص را احاطه بکرد سپاه ژنرال لازارف همان برابر مختار پاشا
که بجانب جلو قاطه داغ هزیمت داشت ژنرال لازارف سمت کاقیمان
هزیمت نماده رسمعیل پاشا بکرد ولی این پاشا بجوش بحی از جنگ عساکر گلگو سف ولا
زارف فرار رو برت هشتم که رسته کپری کوی رسید

اسمعیل حقی پاشا تاریخ بیجدهم اکتبر شرح و تعاقب تعاقر چنین حکایت میکند
در کمال نظم و بدون وقوع هیچ حادثه توانستیم حرکت قشون احمدرا
انجام رسانیم و ترک زمین دشمن گوئیم و چون سه ایک که دوک که در رشتک انقلاف بار بران
رسیدم چهار باطالیون پیاده و شش عراده توپ که بستانی سرکرده گی احمد مختار پاشای
ترتیب رو به این شهر روانه کردم تا ضرورت بجانب بارگری معطوف توانند شد تا
یک باطالیون که در بجانب حلو بلوه متحد شود و بحسن از راه ارجیک یک باطالیون پیاده و سه عراده توپ
باریکری مامور کردم که سرکرده گی باید در صورت لزوم از قراکلیسا میتواند بطلبد و ما بقیه قوههای عسکری
را تا ایجا رسیدیم بدون اینکه هیچ حادثه در دره دلی بابا بسید اشود امیدوارم فردا عساکر
کپری کوی متحد کردم اینک بحاکم وان و احمد بیک نایب

را بکلمم

برسانک بگفتم که بیدبک باطالیون از اردوی شش که در حوالی جولام کت ملیس میباشند
ناشند و ذخیره بیار بکری فرستد بعد از مراجعت باو دشمن تا قریه کرکر که میگویند قره کلیسا است
و رسنک قاضی دارد تعاقب نمود جنگی واقع و ما در اشکناب فائق آمدیم و سواره دشمن را از
قرار محبوب خلیم و نامدت تعاقب در عقب ایشان ناخیم کیون نمیدانم دشمن در کجا است در
صدد آنم که این امر را کاملا مشخص کنم بجهت استحضار فورا شما منجم خواهیم ساخت
این جریده رنده به بیطه خراب سیم نتوانستم بشما تلگراف کنم

احمر او دبت اسمعیل پاشا مختار پاشا ساعه اسمعیل پاشا از جنگ
دشمن نتوانست فرار کند و در بیست و چهارم تلگراف ذیل را کرد
دیروز در اش دشمن را بجانب مبلی دوز مشاهده کردیم و ما در اماکن قراولخانه در حال
مواظبت جای گرفتیم امروز صبح سه فوج سواره با توپخانه بنظر آمدند که در پائین قراوقال که در
مبلی دوز است جای میگیرند تحت ... چی شدیم و منتظر بودیم برسیم که از کجا ... ولی
چون دیدیم که قوت دشمن از آنچه در فوق مسطور است بیشتر نیست ... نکرد
و مخصوصا ... رو به قرنکوی پیش بیرون ... چهار ساعت از روز گذشته رو به دشمن
نهادیم و پس از شش ساعت و نیم تعاقب نمود در حالتیکه بیجواب ... کرد تا
قریه قرا اورقان معسکر خود را رسانیدیم چون شب در رسید معلوم نشد تعداد تلف شدگان طرفین
چیست و ما به کجه در اماکن خود معاودت نمودیم آخر تلگراف سر لشکر عثمانی روز بیست و ششم
تلگراف ذیل را کرد بحمد الله تعالی امروز دو ساعت بغروب مانده در کوپری کوی

[illegible]

اسمعیل حقی پاشا ملحق شدیم عسکر عثمانی در سه فرسنگی قلعه در محل اقامت مشغول در حوالی
قریه ارپه چای واقع است تلگراف در همین تاریخ عساکر الکساندروپل
روس محل اقامت سردارش در کتکمان در جنوب غربی قارص بود و ژنرال هیمان مرخص
سوغانلی داغ را برگرده جنبه جلو و بجانب کوربری کوی حرکت نمود و ژنرال لازارف در
کافر ... در برابر میمنه سوغانلی داغ بود در جلو پشته های این بلندیها در حالت تقاطع با دره
که از قارص بجانب ... میرود و بقیه سپاه الکساندروپل در اردو زده بود و عساکر عثمانی قارص در
سوغانلی داغ از اوزون ... کزی کوی استقرار داشت و جناح ایسرش هنوز پر قوت بود اما
جناح ایمنش کم کم انتظامی پیدا نکرده از تاختم و از صدمه ... از آن ملک رسیده بود و آن مستحکم
هم که ردیف اردهان رفته بود بجانب عسکرهایی که مختار پاشا برای قشون خود قرار داده بود معطوف
گردید. عساکر دسته عثمانی در وه لی بابا افتاده بودند
بجای میمنه قشون قارص تا کزی کوی امتداد داشته و سرکرده آنها اسمعیل پاشا بود عساکر
ایروان روس سرداری ژنرال ترکوکاسف حرکت خود را در پشت دامنه ایمن سوغانلی
داغ مداومت میداد و میبایستی که در کوبری کوی و حسن قلعه سپاه ژنرال چرملیف و ژنرال
هیمان ملحق شود قشون عثمانی وضع دیگر کوی داشت بسامت و واهمه در تمام صفوف آنها غلبه
در درجه کمال بود و با وجود امداد دیگر بواسطه الحاق اسمعیل پاشا رسیده سردار کل عساکر عثمانی لوازم احتیاط
سپاه خود ملتفت شد که پایداری و مقاومت در سوغانلی داغ ممتنع است و چاره میباید قدری عقب
رود و شاید بتوانند بقیه السیف قشون خود را مرتب و جمع آوری کنند پس این خط اول مدافعه

لازم آمد

مدافعه لازم آمد که اردوی ترک قدری از کوه صفوف لشکر روس جنوب شمال آنها را
برگردانیده اند و بعد بطریق بدون ... تقریبا تیر حالی گشتند این قطعه عظیم که بهستان را
در تصرف آورده اند ... مختار پاشا با آن عقب
نشست و بعض یکی فرق ... اسمعیل پاشا رود ... آلتی ملحق شده از دره فوقانی
رود ارس بالا رفت و اگرچه آنجا مامن و تکیه گاه واقعی نبود ولی بیش که کار
از دست رفته بود و نهم اکتبر مقدمه الجیش قشون ژنرال هیمان
کبری کوی را متصرف شده و در کمال عجله حسن قلعه شتافتند و روسها از حرکت کجفه
پیشتر رفتند و شب دوازدهم اکتبر در اردوی حسن قلعه دشمن رخنه و از ایشان بکشتند
و ترکان از مجبور شدند که از آنجا کناره گرفته مختار پاشا در بلندیهای دوه بوین جای گرفت
تا جلو ارض روم را بگیرد و صفوف ژنرال هیمان و ترکوکاسف مجتمع شدند و چندی نخواهد
گذشت که مجدد جنگها شروع خواهد شد

فصل دویم

فهرست وضع عمومی در روزهای اول اکتبر اعمال مغرب پلونا جنگ تلیش ژنرال
گرلیف و ژنرال گورکو سرداری اردوی مغرب برقرار میشوند جنگ ۲۴ اکتبر جنگ گرنی
دابنیک خمپاره اندازی و تسلیم تلیش روز ۲۸ اکتبر تسخیر ستتن ترکان ترک گرنی
دابنیک میگویند

مطلب اول

رشته کلام را در باب قصد جنگ در خاک اروپا در اواسط ماه اکتبر قطع کردیم و بیان آن

مشخص است بعد از آن وقت وضع تغییر کرد زیرا که تا آن وقت ترکان نتوانستند پایداری
بلکه فتح کنند حال عکس آن لاینقطع بروز خواهد کرد تا انجام کار این گزارش اجمال علی الاتصال
ولا تفصیل سئوالها از عقب یکدیگر خواهند آمد و بیصفت نیست در اینکه مختصر مختصری از وقایعات
حادثه قبل بیفزاییم جنگ در اواخر ماه اوریل
اعلام شد ولی روسها شروع در اعمال جنگی نکردند مگر در بیست و پنجم ژوئن پس تقریبا دو ماه برای
جمع آوری لشکر لازم داشته زیرا که مدتها بود حرکت قشون را داده بودند و جنگ سربی
زیاد خود روسها اعلان سلامت آمیزی بود و تقریبا آشکار بود که قشون قیصر روس در تدارک
جنگ بود و پس حرکت حقیقی قشون آشکاره بطول انجامید
در عثمانی هم وضع همین بود زیرا که از روز اول اعلام جنگ دولت عثمانی خود را حاضر میشمرد ولی
حضور آن بقدری بود که ادارات کثیر الغفلت و معیوب نتوانستند کنند
در روزهای اول برتری ترکان را بود زیرا که میتوانستند به حملات سریعه و چابک خود اشکال جمع آوری
سپاه روس بیفزایند و راههای مراوده را اخراب کنند و کمتر امعدوم اسباب کار را فراهم آورند
ولی حرکت نایند و سردارهای ایشان اقدام کاری نکردند و هنوز درست معلوم نیست که محرک ایشان در راه نمایان
عبدالکریم پاشا چه بوده است و تأمل باید داشت در اینکه آیا خیانت از او بروز کرده یا محض عدم
قابلیت بوده ولی نتایج اعمال او برای ترکان بسیار شوم بود چیزی نمانده بود که فلک از انجار معلم
شوند جمع آوری سپاه روس اگر چه بتانی و بطوء بود ولی از عدم
دو جنت امن باندازه دو های لشکر ازو و والاشی که گذشتند و در کنار شطی که باید از آن عبور کنند

المبورتم ورق

رسیدند تمام فرنگستان منتظر قتال سخت و خونریزی بودند و از پیش حساب خیالی مقتولین
را خبر میکردند و از عهده لیو سردار فرسب باو دست آوردند
عمل بدون عایق و مانع انجام گرفت در زمان نیبروان در ویروجا در آغاز کار آن طرف
رفت و هر چند ما طالبون که در نزدیکی ماچین جلو او آمدند و انها را پراکنده کرد و دیگر مانعی نیافت
در سین تو گراندوک نیکلا نیز عایقی پیش آمد کرده پیش در جلو خود بیش بود چند هزار از ترک
ساعت در حل این شط خوب پایداری کردند ولی بمحض اینکه یکدسته سپاه روس از آن گذشت
ترکها متفرق شدند از آن وقت خط حیات ترکها نها گذشت و جنبش گمان برده که حرکت ایشان لفظ جزئی
است این که غفلت کنند روسها پس از عبور از شط دانوب در
محاربات زاشتر منقطع شدند و سپس در میمنه امتداد حرکت دادند تا ویدن رسیدند زیرا که
بود یک فضای وسیعی را در تصرف داشته باشند باسم نیبرا زیرا که مرکز حقیقی اعمال جنگی ایشان
بشد و چهار نیک حمله ناگهانی کرده باشند حرکات نخستین ساعد واقع شدند و در چند روز روسها
به برلا و بعد به تیرنو رسیدند و ترکان خود ایشان را میدادند حالتی که شک نمیتوان کرد که در آنجا
فضلی زمین در برابر ژان ژرا قوتهای عدیده داشتند اما این چه تدبیر جنگ جدیدی بود که بدون
جنگ نقاط معتبره را بدشمن واگذارند و در هر جا بدون مدافعه و محاربه همه چیز را تسلیم کنند برای
اتمام روس اگر خطری پیش آید باید از سمت انجیار صلحی پیدا بود و پس زیرا که ترکان در آنجا یک
نفوذ و برتری داشتند که نتوانستند در آن جا من جمع آوری شوند و بیک نقطه که از اول منتخب بوده باشند
رو کنند و در صورت شکست قلعه جات بجد و بعد منزه و بعد پس مصطفی پاشا بوده که

حمله‌ها را در جناح پس جمع کنند تا توان جلو دشمن را اگر بنده واقعند جنگجو با حمله ور شوند بنا بر اتفاق پس ابتدای
نیرو داری سپاهی که مامور جنگ بوجوخ و مدافعه را مقرر بود در برابر مرتوخ حمله بود منصوب کرد و
در جانب اول قلعه با پستوی دیگر بود و سپاه دشمن با اندازه سعدا و مدافعه اش کم شد و کار با هوا
کار جنگ تا اتمام نرسیده روسها گمان کردند که به سهولت عنقریب اندرینوپل میروند
رسید و ژنرال کورکو با مستوران سپاه متحرک از لشکر کار جدا شده با تهور از کوههای بالکان
از نکمیل که عبور و صرف بود گذشت و در جنوب برگردید تا شپکا که روسها از شمال به سوی
میدان جنگ صعود کرده این تهور مبحث و گریزان تقریبا بدون جنگ اماکن عظیمه و محکمه شپکا را
از دست داد و هم از آن قسمت را قلعه روطا را نیز مفتوح کردند و تا آن زمان تمام بلغارستان
تقریبا مسخر شده بود اما جنگ با این زودی ممکن است تمام شود چنین نیست بلکه جنگ تازه شروع کردند
داده عثمانی قبیله روس رو از آنجا که کرر جنگ با روسیه
ترتیبات عاقلانه را در ذیل بنماید در همان حین که گزاروچ نیز
روسها در میمنه روس در یک دره زان تره اندارک مسخر روچوح رسید و در همان وقت
ژنرال کورکو در حالت جلادت از کوهستان بالکان گذشت ژنرال کرود بر نیز عزم کرد تا پلوپنا را
پلیس پیشرفت داد این تدبیر عاقلانه بود زیرا که ممکن بود از این شهر چند هزار ترک یک دفعه بیرون آیند
در پسیم ژیر یورش برند پس میبایستی که چنان اعمال جنگی را انجام دهند و صفوف عثمانیها را
که در آن نواحی بودند منهزم و راهوا و ویدین رسیدند اما چون ژنرال کرودنر نصرت یافت
نمیبایستی کار محاصره را یک جا رساند که از تعاقب دشمن مغلوب دست کشند مامور به او

انگاه که دید

او آن به ترتیب آنرا از دره ویدو را گرفت که او در زان تره منسوبین بود و این وسیله برای روسها دور راه
راه اتصال به آنجا ... قوت این سپاه روسی بسیار زیاد بود در مقابل
یک لشکر کشی مختصر نظامی بود که چندان خطری نداشت و چنین از قلعه ویدین سپاهیان لازم شد که اگر آنها
جنگ ساعدت کرده ویدین پلونا را مفتوح کردند روسها مانند آنکه و اتفاق خشی از شکست شد
راه ویدین که گرفته شد اما پس از خاتمه ساعت وضع جنگ تا بکلی تغییر داد
روسها در گرد به پلونا عثمان پاشا که با کمال تعجیل از ویدین آمده بود خود را رسانید
و مغلوب شدند و این شکست در سپاه روس این عمومی حاصل کرد و از آن که کمال
نتیجه نمیبرد ولی معهذا بار از فتح خود مطمئن بودند و گمان میکردند کسی با ما جسارت کند و جمعیت ترک کمتر از
ایشان بود و تمام تقصیر را کردن ژنرال کرودنر وارد شد اول سیاستی که برای او معین کرده بودند این بود
که در محکمه نظامی با او محاکمه کنند و بگویند سردار روس که از ارکان شکست خورد باید از خانهٔ ملک بجزا
انتقام دهد و هر چه ارسال دارند روسها قسطنطنیه را باید به ملاحظه این شکست متحیر است که معلوم است که صحبت این جنگ کار ما بود
و ما هم از نتیجه آخرش خبر نداریم ولی معهذا باید رفع این با اعتبار کرد که ممکن است تمام فرانسه را الحمد دوباره
علی الاتصال خبر از برای ژنرال کرودنر فرستادند روسی و تهیهٔ جنگ ثانوی واقع شد و اما نتیجه
جنگ با آنچه بوده وقعیت داشت بلکه جنگ آخر بنظر میآید اما روسها کاملا شکست فاحش خوردند
انا ما ژور کراندوک دید که تمام طرحهای جنگ او زیر و رو شد
چنین خیال داشت که در میسره خود جنگ کند و قشون زیادی در این جناح جمع کرده بود اما جناح
میمنه رسید بسبب کلیه جهة محاصره عظیمی آورده بود و در شهرهای قلعه بندی شده که اسباب

در حالتی جمع بوده باشند در جنوب سیلستری و چون ملاحظه سیاستی حمله برده و بگشودن جلو از عبور معبر و فرار که
قریب بکوه چنبالخ و قصبه تعینی پلونا را مستحضر سازد ما نیز در پی لشکر عظیم بوده باید اقرار کرد که برادر
همی لشکر زیادی نیز بهم رسانده‌اند که بکلی از کول بیرون روند و از هر علامتی چنین بنظر میآید که اصل جنگ
در میسره واقع خواهد شد اینک از طرف ترکان ترکیب ندادیم چنانکه کرده شده به آن باید درجه حالت ارزن
حکم کشیدن خوب بخشیده بوده به بهره مند شده‌اند آیا باوجود خیال فاسد اهل شرق زمین ما
خود بدانکه آنجا لازم اکرده بوده‌اند که روسها در صدد هستند که ما را در میسره خود بجنگ آورند ما از میسره برابر آنها
حمله ور شویم در ابتدای جنگ کناره بگیریم و بگذاریم احاطه و تسخیر دشمن بسط پیدا کنند و در نتیجه
منبسط شوند و در نتیجه کسی فایق آید آن وقت روسها در یک عرض جبهه خط حرف خود را خواهد
ضعیف خواهند شمرد و آن ادله موطنی که نتیجه تدبیر عوام از زینت مراتب محو خواهد کرد و آن باعث
اقبال ما خواهد بود و انها برگشته خواهند شد و ما نتیجه آن وقت باشند صاحب بهره حاصل کرده جهان

باشد اینکه قبل از وقت عثمان
زدن تیر دو خواهیم زد

گمان نمیبرم در جنگ پلونا اینک تعلق بنا عدی برای ترکان بپیدا ارندیم و پس وانگهی
کمال نمودند بدانست که باید اشتیش دلیل موجهی با اظهار عقیده ثابتی کرده باشیم ولی در منطق نتیجه
صغری و کبری صحیح باشد ما نتیجه محقق نمود اگر عثمانیان از پیش احترکت عثمان پاشا را در رو به پلونا
طرح ریزی کرده بودند مبادرت از روی نقشه حرکت کرده باشند که عاقبت آنها را به سیستم شمرآز رساند
و اگر ترکان پلها را خراب میکردند و راه مراوده را مقطوع میساختند دیگر سپاه روس در این
مملکت غارت زده و ویران تلف میشدند اگر طرحی در میان بود پلونا نخستین منظور سیستم شمرا

نمود بلکه در این اندیشه نبودند زیرا که بقدر کفایت لشکر نداشت تا حمله تواند کرد و یا در میدان
صاف رزم و پیکار که تواند پیش گرفت و در هنگام حمله اینجا بر از جمعیت بیشتر داشت که بعد
و پس از مدت زیادی عده و انها نسبتی بیجا بیست هزار نفر رسیده و ممنوع بود که بیست هزار
کس چنین محاربه تهورآمیز را پیش گرفت که محتمل بود در صورت پیشرفت روی قبال را انگلا
برگرداند لیکن طرح جنگ از پیش ریخته نشده بود تا منفعت برده که محکم و شجاع و پر قوت در آن
میان بهم رسید که مملکت خود را دوست بدارند و باشند بر بار روانی قرار بگیرد و مثل
سرباز باید جنگ کند معامله میشود و محض استماع اول چیزیکه شنیدند ژنرال کرودنر رو به نیکوپل
تاخت آورد و چون آن شهر تسلیم شده بود به پلونا رفت و تجارتگاه محکمی یافت لهذا جنگ خود را
با استحکام کامل آن تاریخ بسته کرد و جلو این شهر بار نمود و اسباب مدافعه داشت عثمانیان
عثمان پاشا بر تعداد لشکر خود که درجها فرود و از هر طرف با هفت هشت هزار ذرع خود را محکم و محصور ساخت
و سربازان او شب و روز مشغول بریدن و کردن خاک بودند و متصل از ویدوین برای کمک و قورخانه
وارد و وقت میرسید و همیشه وقت بالغه و جمع وطن زمام با پدری کار بود که کلی وضع را تغییر داد بیشتر ترکان
هیچوقت در خیال مجادله نبودند ولی بعد از این مقدمه سرداران سیلی نری دوباره پیدا شدند آنها از روز
روس نتوانست این وضع را فهمید طرحی ریخته بود که لشکر خود را در میسره بکشاند و نتوانست
عزم خود را جزم کند و از طرح خود چشم بپوشد را است بیش بینی در جنگ بهترین تدابیر است
ولی بشرط آنکه کار بخودسری نکشد و در چنین وقتی سیاستی اقتضا که تسخیر پلونا اول تکلیف او بود
با کمال ثبات رای عمل کند و این عاقبت از میان بردارد اما روسها را ناملایم و بجمع شوی آن

گیر شده بهره جنود را انقدر ضعیف کردند که دیگر قابلیت تسخیر چهار ضلعی عثمانی بود ولی استفاده
که جهة غلبه بر پلونا هم کافی می شد و چون شهر پلونا قلعه محکمی شده بود ناچار بطیاسی محاصره گرفته
و چون عثمان پاشا تمام تدارک کل جنود را از ویدین و صوفیا میاورد اول لازم بود آن دو راه که
به ویدین و صوفیا میرود قطع نمود و هر دو قطعات میکرد که چنین قرار بگیرد در هر قلعه که حوالی محاصره آن
میرفت باید آذوقه و قورخانه را از پیش تدارک دیده باشد و پلونا انجا الزام نداشت در هشتم ماه ژوئیه
تنحکس گمان میکرد که این شهر کوچک محصور گردد و بالطبع معلوم بود که آذوقه و قورخانه در انجا جمع
نخواهد بود و لیس بدیهی بود که برای محصور ساختن عثمان پاشا باید یک دسته قشون در سر این راه عرب گذاشت
و محض انیکار با عثمان پاشا از قلعه بیرون بیاید و جنگ کلی و اشت شکست بخورد و با انکه در تسلیم شدن مجبور بکرد
روسها طرح معکوس جنود را منتخب کردند باید در آن دو راه نشسته در شرق روند بلکه یکمرتبه سرباز گنج
شهر رفت چنانچه در ماه کمیر با عثمان پاشا با صوفیا و ویدین مراوده داشت و هر روز امداد او
و قورخانه وآذوقه به او میرسید و در کمال آزادی بهمه جا مخابره میکرد
روسها حالا جز بکار بردن قوت خود نداشتند و تدبیر جنگ انها منحصر بود باینکه
پیوسته لشکرهای دشمن گذارند و علی الاتصال شکست بخورند و دور این قلعه کوچک اقلا ضرر هزار
تن از ایشان تلف شد گراندوک میکلا چون از وضع مایوس شد
به ژنرال تلتبن اظهار داشت و او در نظر اول از وضع متعجب شد که دشمن چه حصه بزرگ بیست قرار است
مغرب و از آن وقت دیگر ترکان متحصن شده و به بیاستی یکعدم پیش نمی درباره انها مجبور کنند که
کار انها انقدر بطول بکشاند و این عثمان پاشا به تنهایی روس را شکست میداد و الا در تمام اقطاع

مقاومت و پایداری

مقاومت و پایداری جنگ متوسط بود ژنرال گورکو پس از این
که فتوحات بسیار کرده بود یکدفعه در انطرف کوه بالکان بنجان تغیر بود که در کمال عجز
جمع شده بودند تلافی کرده و ناچار عقب نشست و معابر بالکان را هیچقدر جز شیپکا با این
ترکان دو قشون معتبر داشتند کیوزر و شیپکا را نگاه داشت
یکی در چهار ضلعی بسرداری محمد علی پاشا که قایم مقام عبد الکریم پاشا شده بود و دیگری در رومیلی تحت ریاست
سلیمان پاشا و با اجتماع این دو قشون ترکان میتوانستند کار عمده از پیش ببرند و مجبور کنند جنگ تعرضی بکنند
ولی هر یک علیحده جنگ میکردند و با یکدیگر متفق الرای نبودند بلکه سر و رابطه هم نبود و نمی‌دانستند از فتوحات همدیگر خبر
داشته باشند تا کسانی بر انها بود و در آن مدت میتوانستند دولت عثمانی را نجات بدهند اگر محمد علی پاشا
رو بدره ژانترا میرفت و بکارلسباد سلیمان پاشا سد جنگ دفاعی میکرد و شاهزاده روس تنها
میماند و میتوانست از قشون عمده که در پلونا مشغول جنگ بود امدادی بطلبد لیکن در خطر میافتاد و بلکه بکلی مغلوب
کلا نبود ولی سلیمان پاشا تنها جنود را در راه تنگهای شیپکا در هم شکست و چون محمد علی پاشا چشم امدادی
از آنطرف نداشت تا از پیش برفت و فتوحات جزوی میکرد و در چشم زخم اول عقب نشست
و این باعث سستی بخت عثمانیان در کمال اوج بود در روسها
در پلونا شکست خورده و در کنار رود لم مخذول شده بودند ولی دشمن نتوانست این فرصت را غنیمت بشمارند
و از این ساعت معلوم کرد دیگر بخت نخواهد آورد و بهره مند خواهد شد و اقبال عقب نشینی خواهد کرد
چون این بسیار تمام میشود کوکب بخت ترکان نیز افول خواهد کرد و جمله ور شود اما عثمانی قریب باید و قشون بگه
شکست کامل منجر شدند و علی الاتصال مذاقه کشیدند

مطلب دویم

فاصلهٔ نصف میل در مغرب پلونا سر پل رود وید بود که برای خروج عثمان پاشا یکی از ابواب عمده شمرده میشد
و ناچار عملیات سپاهی انجا را از تصرف اردو و کم مصلحت لشکر که بسیاری در جنوب اند از انجا که سر شاخه‌های
در جوار داونب فرود میاید و با موجات سپاهی و بلندیهای عدیده است و رفتار وید و
پانکا از امتداد نیازاخر جنوب شمال قطع میکند و در بالای پل یاسب رود وید تصحیح شبهای
غیر محسوسه طی میشود و راه پس از آنکه یک کروش از سمت جنوب غربی کرده است منتهی به قریه
دلنی دابنیک و از قریه راه در کنار نهری که رود وید میرود میافتد و میرسد بقریه گورنی دابنیک
که قدری انطرف تر است و در یک دره تنگی که از شرق بمغرب سرازیر واقع است و ارتفاع آن دره از سطح دریا
صد و بیست و پنج و از رود وید چهل و پنج ذرع است

راه صوفیا در گورنی دابنیک دو شعبه میشود یکی از انها از جنوب به قریه
سیرکوی میرود و از انجا در امتداد رود وید ممتد میشود و با اماکن موسوم به ترنش و تیترن میرسد و راه
معبری که بصوفیا میاید از گورنی دابنیک بجانب جنوب غربی امتداد یافته از تلیش بفاصله
سه ربع میل میگذرد و به راه دومترسته و لوکوتیا میرسد و این زمین مرتفع کنار نهر کوچک
دابنیکا مابین پلونا و سیرکوی و لوکوتیا و تلیش مناسب حرکت دادن سپاه عظیمی است
خاصه سواره و این مکان عملیاتی مطابق دستورالعمل مصاف سپاه روس شود و بهر
نوع است در تصرف آورند تا مراوده عثمان پاشا از صوفیا قطع شود و نتوانند از انجا اذوقه و قورخانه
که محل حیات اوست بانها وارد حمل کنند در یکی از فصول سابقه ذکر کردیم که روسها پس از تحمل [illegible]

بواردات منه

زیادتر از آن شد که چند دسته سواره بدون نصوب لشکر نشسته باز باید بر دوستان آن اعمال
جنگ پایم که اگرچه در اول وهله وقع چندانی ندارند ولی عنقریب واقعه عظیمه خواهند شد تا روزیکه پلونا
با وجود دلاوری عثمان پاشا از دست برود — [illegible] در چهارم سپتامبر
سرداری سواره روس در رومانی که انطرف رود وید بودند به پوتین ژنرال کرلیف تعلق گرفت
و منظور از ترتیب این قشون آن بود که اولا مخصوصا راه آذوقه را که از قشون باب عالی به پلونا میرسید
بسته مطابق تکلیفی که سابق کرده شده بود حتی الامکان یک اردوی مرتب کنند که
غالب سواره اردوی بزرگ مغرب در آن مجتمع باشند و علاوه بر این دو منظور عمده ژنرال کرلیف
را خیالات دیگر در نظر بود زیرا که روسها منسوب شدند از انکار مقاصد خویش که اخذ اذوقه و منع [illegible]
ترکان و قطعیان [illegible] مگر در صورتیکه قشون مامور این خدمت تعدی دور از پلونا باشند که [illegible]
آن شوند با امداد عساکر اذوقه و قورخانه او بیایند پس از این خیالات ژنرال کرلیف عزم
آن نمود که مخصوصا سر راه خیابان مابین صوفیا و پلونا را بگیرد که خط معبر مراوده دشمن بود و قصد کرد که اعمال
جنگی خویش را در انطرف ملتیس شروع نماید زیرا که گمان میکرد در انجا امید ملاقات قافله اذوقه
و ضبط آن ممکن گردد — روز ششم سپتامبر قشون سردار کرلیف
بار دوی برابر قریه گورنی دابنیک افتاد و باین سردار خبر رسید که چندین ستون از قشون دشمن
رو بطرف اردوی او میایند و از طرف شمال غربی از قریه مخالطه یا مخالا که در راه پلونا و راهوا [illegible]
پیش میروند لهذا سردار کلونل استاکلبرگ حکم کرد که با چهار اسکادرون سواره دو عراده توپ
سواره حرکت تفتیشی بزرگی پیش گیرد و منظور از این تفتیش این که از وضع تمام فضا یکباره ابن [illegible]

خیابان غبار و قدری از سمت یسار یا بلندی که بالای آن قریه راکینا واقع است اطلاع کامل حاصل
کنند بارون استاکلبرگ سرهنگ ترکان را در جلو پلتیس پیدا کرد ولی وصف اینکه توپ و
استعداد اینها را مشخص کنند نتوانستند زیرا که سواره ترک پیش آمدند و با اینها جنگ مختصری درگرفت
و مانع از آن کار شد روز بیست و یکم باز یکدسته قشون تفنگچی پیاده که کلونل توقلمین در میان انداد
با مور کردید و پس از جنگ سختی معلوم کرد که محل پلتیس بواسطه لشکر پیاده و باطریهای آماده قلعه
بندی شده است و در این محال چندین بیست پیاده و چهار فوج سواره عثمانی و شش عراده توپ
موجود است روز بیست و دوم قراولان روس تشخیص دادند که دستهای عظیمه و مرکبه از سواره
و پیاده و توپخانه از کرنه دبنیک بجانب دلنی دابنیک پیش می آیند که سپاه ژنرال
کریلیف آنجا اردو زده بود بواسطه این خبر مقدمة الجیش سردار روس مجبور شد که دستجات
منقش مخصوص مامور کند و اینها پس از زیر باران تفنگ مختصری ناچار گردیدند که از ارتفاعات
فوتهای بزر منعطف شوند و در یک محل عقب دلنی دابنیک استقرار کرفتند
ژنرال کریلیف تصور اوضاع وقعه خود را
در همگان درست فراهم نیاورده بود که از ژنرال لاچکارف سرکرده زیر دست خود برای او خبر آورد
که آن سرکرده با سپاه خود رو به پلتیس پیش می آید و چون مطابق این خبر فرض کرد که ژنرال لا
چکارف ناچار و مجبور از عقب بجانب کرنه دابنیک رجوع خواهد کرد بسید خود را از جلو حکم
کرد تو بهار اسمت دشمنی که روباو کرده بود خالی کردند ولی در ساعت معلوم شد که صدای
آتش سپاه ژنرال لاچکارف از عقب دشمن نمی آید بلکه از جلو دشمن میره غروب توپ

او گوش برسد و در همان هنگام راپورتی باو رسید که پیاده ترک از پلونا بیرون آمده و از سمت
سرلپ بجانب عقب اردوی سواره حرکت میکنند و از امتداد یابنین آنطرف پس خبیث است
ژنرال کریلیف آن وقت سمت شمال غربی رو بقریه
سرت رستنیک منعطف گردید و یک پس قراولی در قریه کرینه ترپولیه که است در آنجا گذاشت
دستجات عثمانیه که از پلونا بیرون آمده بودند از کنار اردوی سواره ژنرال کریلیف حمله کردند و قشون
این سردار اصل بازگشت فرو کوفت ژنرال کریلیف در یکجا از راپورتهای خود میگوید بواسطه این حمله
ترکان توانستند راه خیابان غبار را از نظر ما بپوشانند و مقداری زیادی آذوقه و قورخانه و دسته جات
اینها را وارد پلونا کنند
روز بیست و چهارم ارشاد برای
رشال والا رومانی به ژنرال کریلیف حکم رسید که با سواره خود طرف یمین قشون رومانی را
بپوشانند و از ارتفاع قریه کرنادبه در قریه ربنیه که در کنار رامن رود دیده واقع است نگاهبانی کنند
این حکم آن بجهه که لشاهزاده خبر داده بودند که فیما بین دورود دیه و لیسکر بلکه دورتر رو بمغرب دستهای
متعدد چرکس دیده بودند که حمل لیبارکش و عراده ها بالای میکنند
ژنرال کریلیف از اردوی خود یکدسته مختصری جدا نمود که مرکب
بود از یکی کاد قزاق قفقاز و یک بریگاد رومانی و بریگاد اول قسمت چهارم سواره و فوج دراگون حاجی
طرخان و سه باطری توپ در روز بیست و پنجم جوقه با آن دسته روانه شد تا سر راه لشکرکشی کرد
باشند و از روز اول ابتدا سه قشون دستهای کوچک چرکسی را که در قریه های بلوسلاو و سنا
و سه لبنی و فو استوله لبنی و استرو ویکه بودند بیرون کرد و خطوط تلگراف که بجانب ویدین

دیلونا برفت منهدم ساخت ... روز بیست و ششم چون
کرلیف نزدیک به رابوا رسید خود را در برابر لشکر بزرگ که برای شهر رابوا رسیده بود دید و ساخت
یکباطری برو دانه و باطری با پزدهم دن در منه بهار شرف بر لشکر نصب شده بود آغاز آتش فشانی
نهادند اما ژنرال کرلیف بنا بسیاستی در خیال تصرف قلعه کوچک رابوا بر آمد زیرا که اسباب
حفظ این سنگر زیاد است و بر تکلیف خود را در سوزاندن آن منحصر دید زیرا که رابوا شهری است که تعلق
بعارستان [illegible] از عمارت بابری روز بیست و ششم حرکت کرد که بمحل اول خود عود کند بعد از آنکه
در دیلونا چند روزی [illegible] و قورخانه را تنفیذ کرد روز بیست و نهم بسیمبرنز نیک رسید در آنجا از
غیبت ژنرال کرلیف کلونل چرزولیف که سرکرده یک دسته قشون جلو سیمبرل بر قرار شده بود
دو نوبت بر قافله آذوقه ترکان حمله کرده در اول دفعه بیست و دویم دفعه یکصد صندوق آرد و جو از
ایشان گرفته بود و همچنین چندین بار قافله علف چنبرا در حینیکه ترکان از پلونا بچراگاه آمده بودند
ضبط نموده بود ... ژنرال کرلیف پس از مراجعت بسیمبرا
سنک یک دسته شقیقش ترتیب داده سرکرده گی آن را به کلونل لولیس معوض داشت و به او امر کرد
که از راه بلنیس بسمت رودچه رهسپار از موضع ارتفاعی مابین قرا چرداغ بزرگ و رودچه و راه دومیرالیت
استحضار بیابد و هرچه قافله و آذوقه و قورخانه دشمن بیابد ضبط نماید این حکم
همانروز حرکت و فردای آنروز اکلونل لیس به ژنرال کرلیف خبر رسید که دسته او با یک دسته
باشی بزوک طلاقی مقابله کرده و آنها را تا قریه لوکوتیا تعاقب نموده و پس از آن از رس
کاو و گوسفند بچنگ آورده است و سواره روس علاوه بر این پل باکار اکه در راه خیابان دومیرالیت

واقع است خراب کردند و مسجد و سیم تلگراف بین بلنیس و لوکوتیا را که ترکان قبل از رسیدن
ایشان صحیح کرده بودند پاره کردند ... روز دویم کلونل
لولیس از رفتن از راه دومیرالیت به جاغو تپه پل باکار اکه در چرداغ بزرگ بود [illegible] رسید پنج روز
و دویم ماه دسته خود در صف ساخت و بجانب لوکوتیا روانه و قبل از آنکه بقریه کوریک
رسید چرکسها نیکه در سنگرهای دره بودند بجانب او تیر و تفنگ [illegible] کردند و از طرفین تیر تفنگ رد
و بدل شد در این بگاره ستون اول و دویم فوج [illegible] عقب چرکسها را جلو آید [illegible] سر باز
ستونها و دراگونها پیاده رو بقریه کوریک گذاشتند و چون اردو طرف روس حمله رسید
خود را با بالای تخته سنگها رسانیدند و قزاقها و دراگونها از عقب او می رفتند و دسته پیاده روس تهیه
روی لوکوتیا نهاده دور آن تغییر در ساحل [illegible] برسکر نزدیک منصب کامپونل واقع است از دیگر
قریه با تیر تفنگ زیادی بصفوف روس حالی شد ولی از حرکت خود دست نکشیدند
کلونل لولیس از رولیتا به لوکوتیا رفت [illegible] اسکلادن
چرکس کمینگاه در جلو قریه مزبور متصرف بودند یکی از دو ستون سواره است که بقدر یک نیمی [illegible]
از طرف رو بمکان دشمن گذاشت [illegible] شلیک خود را افروخت و ستون ثانی است از جلو و
بدشمن رفت چرکسها از آن طرف قریه فرار کردند بعد از غنیمت از سپاه کلونل لولیس پل باکار را
در لوکوتیا خراب کردند ... روز سیم اکثر کلونل لولیس
قریه دومیرالیت را متصرف شد و با تمام سپاه خویش آنجا اقامت و دو روز بعد از اطراف سوار
تفنگش و سنا و روز ششم یکی از تفنگشیبس که در خیابان راه یغما بود که چهار بچه ارابه [illegible] بزرگ با خمپاره توپ

و ده هزار سوار هم پس در حرکت که این قوتها که از بالیوتنیا فرستاده شده بودند از وسط
خیابان پیش آمدند و در دو سپاه کلونل لویس نهادند و تا دو ساعت بعد از ظهر جنگ حمله
را نها بردند سپاه از خیابان عقب نشستند و چهار هزار از دشمن که افسون کلاه خود بخش شود گاه
از عقب دو جا و یک دسته سپاهی شد که از پلونا بیرون آمده بودند از لشکر بالیوتنیا که خبر گرشش
پلونا رسیده بود استقبال میکرد این حمله که با کمال زور و توانائی
بود کلونل لویس مجبور کرد که در تحت حمایت پیش در اکو نهاد توپخانه خود از راه چروانه برگ از حل
اسبراتیکره چاقولیس معطف شود ابتدا از راه اسفیا و پلونا برای ترکان مفتوح نماید
این دسته قشون با امداد دسیلان رود لیکر روز نهم با این آمدند
در دو محافظه کذارد و جا روس بجانب تلبس فرستاد و از تفتیش او چنان معلوم شد که
دلنی وکورنه دانبکین سنگر بندی شده اند و در تصرف پیاده عثمانیه میباشد
در هنگامیکه دسته کلونل لویس حرکت قهقری میکرد آمد نیمه
بزرگ تفتیش بیکار نماند روز اول اکتبر ژنرال سرناب در جنگ رومانی نزد ژنرال کریلف آمده او را
خبر کرد که با یک باطالیون سرباز رومانی حکم کرده است که روز دویم بحرکت تفتیشی کند بجانب راه قریه
اپونیس که ساحل ... رود وید در برابر قریه دلنی متردپول وکورنه نتیزو پول واقع است ژنرال
کریلف خواهش کرد که یک گروش او هم با یکهزار سپاه حرکت کند آن ژنرال نیز بعد بجهت خود
که در زیر حکم کلونل خرریف در کورنه متیر دپول بود امر کرد از ساحل امیر رود دی ریک
گردش تفتیشی نکنند ولی روز دویم که بحرکت شد ترکان با جمعیت زیاد از پلونا بیرون آمدند

دلنی ترپول

و دلنی متردپول را تصرف نمودند اوقت ژنرال کریلف بلوتی سا ... و مقصد تحقیق
شتافت و با ترکان جنگ توپخانه‌جی کرد در اکونها از سپاه پیاده شدند و بهادران ترکرا
که آخر دلنی متردپول در تصرف شان بود از پیش راندند دو ستون قراغ کوبال رد بخچها که از
انها را مغشوش و پراکنده روی ساخته اند حتی یک ساعت و نیم بعد از ظهر ژنرال کریلف شنید که
سپاه منتفی را خواسته اند و حکم کرد که عساکر او بر گردند
روز چهارم اکتبر ژنرال کریلف از سرکرده گی لواره مغرب معدل و ژنرال
کورکو کوزکو منصوب گردید و شفقت پاشا که سرکرده سپاه بود بیرون آمده از ارخانه وبخا بود در کم کم
استقرار داشت روز سیزدهیم دو اسکادرون سپاه
رومانی بجانب کورنه دانبکین حرکت تفتیشی نمودند در یازدهیم مرد فوج غلام روس که در ... بستگی
اردو زده بودند حکم رسیده بود که از راه محافظه روبکوریه و دانبک و تلبس کذار بنداردوسط
این دو محل کذشته با قشون روس که در ایسکی کالی استقرار داشته مربوط شدند و غلامان
روس از عزیزیه دچار دشمن قوی گردید
غلامان روس روز سیزدهیم راه افتادند بخیال که با بن تلبس و راه میرتبه را بگیرند تک ساعت بعد از
در حین حرکت ملتفت شدند که در بالای بلندی قریه کومیاری اردو زده اند غلامان بجانب ... منعطف
شدند دو فوج سواره روس با چهار عراده از اطرفهای سبک رومانی بامداد غلامان مامور گردید
دو اسکادرون سوار زورنوی به محافظه رفتند و یک اسکادرون به دبیکوی شتافت
اوقت ترکان در وسط شب بدون انتظار جنگ ترک کومیاری گفتند

شفقت پناه درباب این جنگ بشیخ نزار پور تی فرستاد که از بابت مقابله با اجبار

مختصری عثمان پاشا دیگر آن حوالی از مساحت است چنانچه در ذیل مشاهده شود

پس از تحصیل اطلاعات معلوم کردیم که دشمن در صدد قریه

بسین مشغول تاخت و تاز است عساکر خود را با غنیمت این بار اجماد عارتها سیر میکنند زیرا که

اردوی غنیمتش تمام شد یا استعدادات خود را جمع کردیم و احکام لازمه صادر نمودیم اکمال قراولی

محافظت بعمل آید   امروز در همان ساعتیکه قشون با مور ایکار بر کرده گردید

محمد بیک میرپنج آجودان اعلیحضرت سلطان آغاز حرکت منظوره نمودند قراولان از یک سواره که

در تحت کاظم بیک آجودان حضور اعلیحضرت سلطان بامور یمینه فوج فیحه بود جانبوسان و دیگر که

عبارت از پانزده سوار بودند مشاهده نمودند کاظم بیک فوراً محمد بیک را خبردار کرده و شاید

رفتوی مکان استقرار خود را انتخاب نمود و با طالبونهای پیاده در صف آرائی کرده و توپخانه را

جای مناسبی قرار داده و در این بین سیصد سواره دشمن در رسیدند و در برابر چشم عساکر مجتمع گردیدند و

سپاه ما در صدد اذیت اظهار بیایند و لیکدفعه توپخانه فتحی باز از هر طرف آتش هولناک خود را در گرد

و از طرف دیگر سواره با کمال غضب بر دشمن حمله ور شد و خصم خود را ناگهان در معرض خطر دیده و بدون

اینکه تیر خالی کنند با اندک مقاومتی نمایند رو بفرار نهاد و این دشمن مغلوب در میدان جنگ ورود جا ماند

نفر با صد و پنجاه سوار خود را مقتول دید پنجاه طالبون پیاده دشمن که از عقب بامداد آمدند چون سواره خود را

در شکست فاحش دیدند با کمال بی نظمی منهزم شدند سواران ما بیش از دو هزار راس گوسفند

و پانصد گاو و گاومیش و یکصد راس اسب در تصرف آوردند و برای اینکه جهت مقطاران جنگی خود

لوا سپاه بوط

پلوبا رسانده و تسخیر داده بود و مورد فرار شده بود دویلیک ... بتسیم فوراً ... بسعد حدمت

احمد پاشا میرلوای که در دیگر پلوبا بود و فرستاده بودیم داخل قلعه مزبوره شده و بقیه این غنیمت بزرگ

انجا نقل شد قدری از آثار الستوران ... که در این فتح ترک داشتند تقسیم خواهیم کرد و

بقیه را حضرت حسین صفی پاشا سرکرده رادمیرجه خواهیم فرستاد که بعد از ... پلوبا ... سپوز

را بو رنهای سرکرده و اینک رسیده است ... مجروح و ...

مقتول   ... محمد ... صدا ... نجم

که عساکر فوج فیحه حسین بطرف نمایانی بر دشمن حمله و حرکت ... کردیم محمد بیک میرپنج و عثمان

بیک نائب سرتیپ چرکس در این جنگ نمایان کوی سبقت از همگنان گرفته ... و ...

بطری بحج داده اند لهذا برای عثمان بیک نشان ... سرتیپ سکیم ... محمد بیک جانعلی

مخارند که جار ... ... کنند و نیز ... سکیم که چرکس ... بیک ... عمر

اعلیحضرت سلطانی صادق بیک سرتیپ که در جنگ شبکا و جاهای دیگر ... خود را اظهار کرد

بوده و کرد و دلیر محمد فارس بیک ... بیک محمود بیک آجودان اعلیحضرت سلطانی را ... کبیر

رشید که در غنیمت قشون بوده اند و در این مصاف ... ... که از ...

خارج است   سابق برای شما اظهار کرده بودم که ... امروز

مراجعت خواهم کرد ولی اینکه در این فتح نمایان حضور ... ... حرکت به

تعویق یافته شهر ... لوکوتیرا ... خواهم ... صبح ... مراجعت خواهم نمود   اخبار ...

این فتحنامه اگرچه آنچه ... اغراق ... ولی خالی از فایده نیست زیرا که معلوم میکند ... معین

معسکر گورنه دوبنیک عبارت از بادی بسته بودند و استعداد و مقاومت پایداری سختی فراهم نموده
و بعد معلوم شد که احمد حفظی پاشای ابرتونان که فرمانفرمای عساکر دو دوبنیک و تلیش بود با شهرین قرین
رنگ از گورنه دوبنیک استقرار یافته بود

عزارت اسباب متفاوتی که در جنگ سختی گورنه دوبنیک فراهم آمده بود حرکت اردوی مستحفظه
سفیا اشکال پیدا کرده بود از بابت اینکه در فاصله کمی از لشکرهای تلیش و دولنی دوبنیک و سمت
دیگر از قشون عثمانی بودند که میتوانستند با بداوت خوبان گورنه دوبنیک بیایند اگر چه این ساخت
زیاد میشود و ندوی متوسط میتوانستند استمداد نمایند از یکطرف از تمام عساکر عثمان پاشا از طرف دیگر در جنوب
ملتبس از سپاه شفقت پاشا که بیست و پنج باطالیون می‌شد

با وجود این وضع روسها مجبور بودند که طرفین جود را از دستجات کم یا باد قوی محکم سازند و شدت تعمیک
گورنه دوبنیک یورش برند طرح جنگ چنین ریخته شد ژنرال گورکو شارژ زده باطالیون از قسمت دوم
پیاده مستحفظ را با چهار باطالیون از بریگاد مخران و چهل عراده توپ از بریگاد دوم توپخانه مستحفظ و شصت عراده
از بریگاد اول توپخانه مستحفظ و دو اسکادرون و چهار سوتن از فوج چهارم قزاق دن که مجموع بیست باطالیون
و شش اسکادرون و سوتن و چهل و هشت عراده توپ میشد مامور کرد که یک راست بیورش برند
این لشکر میبایست از سه طرف دور گورنه دوبنیک را بگیرند و از شمال و مغرب و جنوب حمله برند و برای
اینکه بکلی راه بازگشت ساخلوبان مقطوع شود یک بریگاد از قزاق قفقاز و دو فوج از سواره رده‌انی
و شش عراده توپ سواره در مغرب قرار دوازده باطالیون از قسمت اول پیاده مستحفظ سی و دو
عراده توپ از بریگاد اول توپخانه مستحفظ و دو اسکادرون و یک سوتن از فوج چهارم قزاق دن مشخص شدند

پلونا روز سیزدهم اکتبر سوبه شفقت پاشا مراوده داشته اما یک کلمه کاوه گو شعند که متصرف
و بعد از بین روز بیستم اکتبر با مردو پلونا کرده بود تو اسب اردوی لیسکر مکدر دو در راه سفیا عثمان قرب اعمال جنگ
سنجر خواهد شد حرکت مستحفظین راجع بیان نمودم برای روز
دوازدهم اکتبر معین شده بود و محاسبتی با استمرار که روز بواسطه عساکر اسکوبلف لوتنان ژنرال
در ملتی واحد مجری شود گورنه دوبنیک راجهه شد از این جهارت انتخاب کردند زیرا که این
بود این قریه از حیثیت علوم متعلقه بجنگ از نقطه‌های زیاد برتری و رجحی داشت و نقطه کفایت
بود یک نقطه مراوده اردوی مرکزی محل عثمانیان در گورنه دوبنیک در کمال استحکام سنگربندی شده
دیگر رشته از تحریرات سنگرها که به پلونا اتصال کشیده شده بود
از تحقیقات تفتیشی سابق ژنرال کریلف مطالب مشخص شد که ترکان در بلندترین
نقطه معسکر خود یک برج محکم برپا کرده اند که توپ گرد مرتفعی داشت و در شرق این سنگر یک
برج دیگری ساخته بودند و در جلو هر دو یک رجه سنگرهای کوچک نقد به ترتیب داده بودند
که مسافت دوری امتداد داشته و در شمال این سنگرها زمین بکلی صاف و مکشوف بود و در سمت غرب
محسوس از سمت دولنی دوبنیک سرازیر شده و در سمت مشرق سرزمین اندک شیبی داشت و پوشیده
شده بود از درختان و رشته ابوبی و فاصله ما بین دامنه این جنگل و برج شرقی تقریبا چهارصد و پنجاه ذرع میشد
از جنوب و مغرب معسکر ترکان محدود بود بدامنه صعب المسلکی که در دره تنگ نزول میکرد و که عرض آن از
دویست قدم تجاوز نمیشود و دو هزار و هفتصد ذرع فاصله از لشکر ترکی در امتداد راه سیرکو در جنگل کرمی بهیچ
سپیدختی بود که ترکان بچهار ابر سنگربندی کرده بودند و از این اطلاعات مقدماتی معلوم میشد که ترکان

سنگرها دایر

که پهلوی سپاه دوشس از طرف ولینگتن پوشانیده بودند و بریگاد سیم قسمت دویم سواره مستحفظ

با دو باطری توپ سواره نیز همین خدمت مأمور شد پس از طرفین ولینگتن و پلونا دو ارد

باطالیون و یازده اسکادرون و چهل و چهار توپ قرار داده بودند و بجهت آنکه از خطر سمت جنوب

ایمن باشند ژنرال گورگو چهار باطالیون از فوج مجران مستحفظ و هشت عراده توپ و بریگاد اول و دویم

قسمت دویم سواره مستحفظ با دوازده عراده توپ سواره و یک ستون از فوج قراغ دن مأمور کرد که من

حیث المجموع چهار باطالیون و شانزده اسکادرون و بیست عراده میشدند چون گمان [illegible] بود

از پلونا بیرون آید بر ... کل حکم کرد که بسمت ولینگتن سواره حمله عظیمی برد بقصد اینکه از خطی

انجا را انگلیز از بیرون آیند و برای اینکه بیشتر اطمینان بهم رسانند ژنرال گورگو بر دارکل ...

که تمام باطری های قلعه کوب توپ خمپاره بجانب پلونا بیندازند تا آنها گمان کنند که قصد یورش

بر آن قلعه دارند حمله ولینگتن و بطالیسی و سه اسکادرون سواره و سه عراده توپ سواره

و هشت باطالیون پیاده روانه بعمل آمد

ژنرال گورگو قصد آن داشت که بعد از تسخیر کرنه دابنک سنگر بندی کند و پیش الی آنجا را

رو به پلونا قرار دهد و قسمت دوم پیاده مستحفظ را بجای قسمت اول در آنجا استقرار دهد باطالیون

مهندس مستحفظ ضمیمه قسمت دوم مستحفظ گردید حرکت مستحفظ خیابان بغیا ... انتقال

حکم ارلیس با پلونا همراه بود

عساکر مأمور به یورش کرنه دابنک سه فوج سه ستون شدند و شب بیست و سیم از رود ویه

گذشتند و وضع دلیر ... قرار دادند ستون ... گرگره

ژنرال ... از الیس مرکب بود از بریگاد مجران مستحفظ و دو باطری و دو اسکادرون سواره ... از

فوج ... ارم قراغ دن که بالمجموع چهار باطالیون و سه اسکادرون و شانزده عراده توپ میشدند همراه در ...

سیر بکو در جاده که از این قریه به کوسیوکا ستون قلب سیر کرده که با برون دوتن ژنرال ... که

مرکب بود از بریگاد اول قسمت دویم پیاده نظام مستحفظ و باطالیون مهندس مستحفظ و دو باطری ...

و یک ستون از فوج چهارم قراغ دن و بالمجموع شش باطالیون پیاده و یک ستون سواره و بیست و ...

عراده توپ میشدند پس از آنکه شبانه از رود ویه گذشتند در فاصله پانصد و پنجاه ذرعی سیر بکو

جا گرفت که چندان از راهی که از این قریه به کوماکوسی ستون میسره سیر کرده که ژنرال ... ناک که

مرکب بود از بریگاد دوم قسمت دوم پیاده مستحفظ و دو باطری نجابه و مجموع آن شش باطالیون و ...

عراده توپ بود چهار ساعت بعد از نیمه شب از ویه گذشت و در دره سونیار که تقریبا دو هزار ...

ذرع از ویه مسافت دارد مجتمع شد

دسته سواره کلونل چرویس عبارت از دوازده ستون از افواج کوبان دولت قنطاق و دو فوج کلا

راش با شش عراده توپ سواره شبانه در قریه عباس کوی جمع آوری نمود

باری این ستونها شش ساعت و ربع از نیمه شب گذشته ...

سابقه را خود در ترک کردند مگر ستون قلب که راهش نزدیکتر بود و نیم ساعت بعد از حرکت ...

دو ستون میسره و میمنه در حرکتشان عایق نپیدا شد و توانستند جلو معسکر کورنه دابنک رسیند

ملکم نیم ساعت بعد ستون قلب و این ستون سه ساعت و نیم ظهر مانده آغاز محاربه ...

ترتیب سپاه ستون قلب از ... بود دو باطری

در مرکز و فوج گرنادیه در میسره که با حامیان چهار شش در صف اول و باطالیونهای سیم و دوش
در صف دوم جای داشتند و در میمنه باطریهای فوج مسکوهان در ترتیب استاده بعد باطالیونهای
اول این دو فوج با باطالیون مهندس در عقب جزو ذخیره بودند

سه ساعت و نیم بظهر مانده باطریهای ستون قلب در موضع
تپه درخت جنگل که سابقا ذکر کردیم جای گرفته و آتش بهدف معروف بجانب معسکر دشمن که
در هزار و هفتصد ذرع فاصله بود شروع کردند فوج **گرنادیه** سختنط که از میان جنگل انبوهی پیشرفت بقدری راه
پیاده را از جنگل که با آن گرفته بودند رفت و مجاری ستون میسره رسید **بارون زولر** سرکرده حکم کرد
که برگردد و در میمنه گذارد تا به باطریها نزدیک تر باشد و برای اینکه فاصله ما بین باطریها و آن فوج
پر شود فرمانده **گرنادیه** فرمان داد که باطالیون اول **گرنادیه** از قشون ذخیره پیش باید
کلونل لیوتونسکی فرمانده گرنادیه سختنط فوج خود را قدری بعقب برد و در جنگل
داخل شده و بدانسوی آن جنگل که رو بسنگر شرقی بود رسید فوج مسکو در تمام این مدت قدری در جلو
دیمین باطریها جا داشت بعد از اندک زمانی ستونهای میمنه و میسره رسیدند و آغاز آتش
فشانی کردند و بعد از لمحه دسته **کلونل چرودین** وارد شده و از طرف چهارم رو بمعسکر عثمانی نهاد
و بنابراین دو ساعت و نیم بظهر مانده معسکر دشمن احاطه شده از پنجاه و چهار عراده توپ که از برای
مابل مرکز شان موجب خرابیهای عظیم بود
دو ساعت کمتر بظهر مانده بود که **کلونل لیوتونسکی** با فوج خویش رو بسنگر شرقی تاخت آورده بود
با وجود شلیکهای بسیار سخت و مهلکی که دشمن از یک برج اصلی و سنگر شرقی را نها کرد گرنادیهای

محکم از جنگ

مستحفظین پیشرفتند و فاصله را پیموده داخل سنگر شدند لکن تاب این صدمه را نیاوردند و
بیک برج صحیح پناه بردند و گرنادیه همچو نتوانستند از ایشان تعاقب کنند و بعد از ایشان واردان یک برج
شوند ولی چنان آتش بزرگ آتشی بر سر ایشان بارید که پیشرفتشان ممتنع شد و پس از تقلای عظیم
مجبور شدند توقف کردند ژنرال **بارون زولر** دو باطری توپخانه و فوج مسکو را با اطرابیه پیش آورده بود
تا برای شلیک گرنادیها که بی کاهی باشند و باطری اول خیلی پیشرفت بعضیکه پیش از هفتصد ذرع
تا یک برج بزرگ فاصله نداشت و حال آنکه آتش و گلوله تفنگ بر آن میبارید اما نتوانست دو باطری از
و پس از چند شلیک بمقام اول خود معاودت نمود فوج مسکو بلندی گرنادیها پیش آمده و از آن
طرف سنگرهای جلو در میان یک برج شرقی روی زمین خوابید ژنرال **بارون زولر و کلونل کالون**
در این گیر و دار از حمله ارشد شدند نتیجه این جنگها در برابر یک برج شرقی آن شد که ارکان تمام سنگرهای
جلو را خالی کردند و در یک برج بزرگ مرکزی بسته ماندند
در هنگامیکه در قلب این معرکه روی میداد ستون میمنه که در ساعت شش بعد از
نصف شب آغاز حرکت نهاده بود از خیابان مابین **کورنیه و دلی داغیک** پیشرفت و اسکادرون
های **کوبان** که در این ستون بود چرکسها را بیرون کردند و پس از تصرف خط تلگراف را
منهدم ساختند و چون پیاده نظام آن ستون در تقدم بود مقاومت داشت و چهار آتش
تخت از توپخانه **دلی داغیک** گردید ژنرال **هیمن** باطالیون دوم سختنط الف در این
محل جلو او را گرفتند و بریگاد خود را از کنار حرکت داده و ترتیب صفوف جنگی مشغول گردید و دو باطری
حکم کرد بعضی گلنسید و هر قسمت در روی خیابان ماهی مباشند باطالیون مجران جانوا و دو باطری

در همین وقت باطالیون مخبران فنلاند در رسیده با باطالیون مخبران امپراطور در ذخیره حرکت دادند
کنند با طرز تقریب در هزار و هشتصد ذرع فاصله از
یک برج توپهای خود را پیاده کردند و بر این محل تیرباران گلوله نمودند در حینیکه دسته جات مخبران در
پیش رفتن مداومت می‌نمودند و چون وطن بود دشمنان گلوله‌ها بسمت خطوط فرادلیجانهای
خود را در دشمن حاضر کردند و باطالیون مخبران لشکرها را در تصرف آوردند و از هشتصد و پنجاه
قدمی شروع شلیک نمودند و این محل که جای باطریهای روس بود خط لشکر جلو کان
با خط سنگربندی یک برج بزرگ بسته می‌شد و مشکل بود توان فهمید که بارانگلها بکجا تیر گشاده و چون
محکم بود که باطریهای عساکر روس را زنند فرمان دادند که بیشتر آتش بند و با وجود آتش مهلک
دشمن ترتیب خط اول سنگربندی در فاصله هشتصد و پنجاه ذرعی رسیدند و آتش کردند
تا ایرمان دو باطالیون جنگ می‌کردند و دو باطالیون دیگر
در ذخیره بودند تا جلو روسها را از طرف دیگر دلنی درنیک حفظ کنند ژنرال گورکو بقسمت اول
پیاده مستحفظ حکم کرد که در خیابان جای بگیرد تا هنگامیکه مقابل پیش رو به دلنی درنیک باشد و به
باطالیونهای اول و دوم مخبران فرمان داد که پیش روند و تقویت از صف جنگ نمایند
سردار کل در یک خطر خبردار شد که حمله ستون ژنرال رزانباک را پس نشانده اند و تیر کرده
ژنرال بارون زودلر در حضور رسیده اند زیرا که ستون قلب ... رفع عوایق عظیمه نماید
در همین سنگرها یک سبیلی بود که منتهی میشد بدره
که گورنه درنیک در مابین آن واقع شده بود و چون سه باطالیون مخبران که از طرف راست باطریها

یکی بنا بود در هم

پیش می‌آمدند و رسیده درآمدند که یک جاهای از ماهیان آن آهن پاره دشمن رسیده کشتند همین آن
میرا لشکر فقط و از جلو پیشا ... عرب به سنگر بزرگ در دره سر در آورند لهذا الکم کم یک فاصله سیاهی فقط
باطریها و باطالیونها در جنب مخبران رسیده اند در این جائی که اطراف آن چهار بلیامستی پر کرده و از طرف دیگر ژنرال
گورکو در جانب ... که از سنگرهای قلب و میسره کشیدن ... تقریب شد که بعد از برج
اسماعیل بیکی فرمان داد که اخل صفوف جدال نموده و دو باطالیون بجهت جدال که برابر پلونا در جانب
منظور و یکی باطالیون ستون میسره و یکی باطالیون ستون قلب روانه کنند
ستون میسره ماند ستون میمنه شش ساعت و ربع بعد از ظهر
شب از سوفیا حرکت کرده بود و در خیابان مابین پلونا و گورنه درنیک بیامد و چون در راه
سیل که بواسطه خندق کم عرض بسیار عمیقی حرکتش تعویق افتاد نیم ساعت بعد از ستون قلب به هشتصد
رسید بمحض رسیدن بخیابان از طرف یسار آغاز محاربه نمود و باطریهای خود را نصب کرده بجانب
یک برج بزرگ ترکان آتش بارش مانند افشاندن نهال
فوج فنلاند از یسار خیابان و فوج پل از یمین از راه پیش آمده و باطریهای اول آتش بحور ... الصلح
که قدری از هزار و هشتصد ذرع پیشتر بود میسر نشد ولی پس از اندک زمانی خیابان پیشرفته و در هزار و پانصد
ذرعی استقرار یافتند و چیزی نگذشته که باطریهای بحوالی آنها ملحق شد
در حین حمله یک برج شرقی با وجود آتش سخت دشمن بواسطه گرانادیرها
آمد و فوج پیشرفتند و از سیل گذشته و از تیغ بالا رفته بعزم تو پیش بر یک برج بزرگ حمله آوردند
ولی طغیان باران آتش تیر دشمن ایشان را مجبور به توقف ساخت و فوج فنلاند در محل پنج

سبب این شد که فوج پل در پشت کربرگاههای مختلف در جنوب کناره دیها جای گرفت ژنرال
ماژور زاتیف و کلونل روتف ریکف فوج پل را حمله ور شدند

ژنرال گورکو دو ساعت از ظهر گذشته با طرفهای ستون قلب رسیده در
آن ساعت یک برج ترکان از هر طرف احاطه شده بود از سپاه روس که خیلی نزدیک آن برج
آمده بودند و از سه ساعت و نیم بعد از ظهر مانده از توپخانه شلیک سخت مرگ آوری بجانب بعضی آن
یک برج میشد   در همان هنگام سر در کل خبر رسید که
فوج مخران مستحفظ از جلو جنس رخ واخسته لهذا ایم آن بود که از طرف جنوب بر برج ترکان حمله شده
لهذا همین قدر که فوج اسماعیلوسکی در صف کارزار جای گرفته ژنرال گورکو عزم خود را جزم کرده
که در تمام نقاط یورش برد و مطابق رای خود به ژنرال برک که سرکرده یکی از یگانها اول از قسمت دوم
پیاده مستحفظ باد شده بود و ژنرال الیس احکام فرستاد و برای اینکه کار محکم تر شود قرار بر آن
شد که پس از انجام تدارک از باطریهای جبره سه شلیک کنند و بعد از باطریهای قلب و میمنه یک
سه شلیک نمایند و پس از شلیک آخر تمام عساکر رو به پیش حرکت کنند ولی این احکام چنانکه
اجرا نشد و قبل از سه ساعت بعد از ظهر که معهود بود شلیک از میمنه کردند و تمام عساکر بر عزم
رو به پیش رفتند ژنرال گورکو در یکی از راپورتهای خود چنین مینویسد

دلم در طپش بود از اینکه ببینم چه خواهد شد زیرا که بجای اینکه به هر نقطه علیحده حمله در
شویم میبایستی حملهای منفرده و متوالیه که نتیجه و فتح آنها مشکوک است بلکه مشکل بنظر می آمد بکنیم و برای
اینکه حتی الامکان اصلاح کار کنیم دو ارستون میمنه که شروع بحمله کرده بود تقویت نمایم و بواسطه

مناصب مباشر اخبار از هر طرف خبر فرستادم که هیچ چه منتظر شلیک معهود نشوند و از یورش ستون
میمنه تقویت نمایند و چنانچه معلوم هم بود چندین یورش متوالی برده بودند و با وجود آتش مرگ
آمیز دشمن بعضی از دسته‌جات قشون توانستند نزدیک یک برج بزرگ بروند ولی فوج فنلاند
عقب نشست و همه در پشت پناهگاههای مختلفه خوابیده بودند بلکه بعضی از آنها پنجاه قدمی یک برج رسیده
اما فوج فنلاند چون پناهی نیافت مجبور شد برگردد و در دامنه تل در فضای خالی جای گیرد ژنرال
ماژور لادزف که این فوج خود به زخم کاری خورده و افتاد و چهار ساعت بعد از ظهر پس از این حملههای
متوازی باطریها از شلیک دست کشیدند زیرا که بقدری روسها نزدیک برج رسیده بودند که تیراندازی
بآن سمت موجب خطر بود و وضع خوب بود بازگشتن صعوبت زیاد داشت و از شومی در حالات پیدا آمد
لهذا ژنرال گورکو افواج را در اماکن خویش گذاشت و حکم کرد که در تاریکی شب حمله جدیدی ببرند ژنرال
مذکور در راپورتهای خود میگوید در این هنگام سکوت موحشی پدید آمد که گویا سکوت مرگ بود پس از آن
گرفتن جلوت چندین دسته نزدیک به یک برج شدند و باطالیون از فوج اسماعیلوسکی که سرکرده‌گی
ژنرال ماژور الیس بیشتر رفتند و چهار دسته و پانصد و پنجاه قدمی تا پنجاه قدم سنگرها نیز حرکت کردند
و سایر قشون نیز هر دسته علیحده پیش آمدند و تقریبا از هر طرف وارد یک برج شدند و در واسطه شعل عظیمی
که از اشتعال مراکز عسکر دشمن پدیدار شده بود اطراف روشن گردید و معلوم شد که این یک برج
را که ترکان مدتی با کمال قوت نگاهداری کرده بودند بدست روسها افتاد و چون احمد پاشای امیر این
که سرکرده سپاه خدایان تحمل بود و دید که پایداری ممتنع است سپاه خود را امر کرد و اسلحه خود را بزیر افکند و تسلیم
شدند عنقریب فتح گرنه دوبنیک عبارت بود از یک شب و چنانکه صاحب منصب دو هزار و دویست

سی و پنج نفر بغیر مجروح و چهار عراده توپ و دو دن بارکرد و دیگر هم مفقود نمود بالای ارتفاعات غربی
شد و دو سه هزار جبه بود و هم مجروحین که فرمانده بودند کاد و سرال بارنز و دولز سرال باتریه انابالک و سرال لاورف
فرمانده فوج فلاندره شش نفر سرینک بودند عده تمام مقتولین و مجروحین و مفقودین عبارت بود از صد
و پنجاه و صاحب منصب و سه هزار و نهصد و پنج سرباز که سه نفر صاحب منصب و شش صاحب منصب کل و جزو جمعی شده
بودند و پنجاه و صاحب منصب کوچک و بزرگ مقتول گردیده بودند و از سرباز هفتصد و نود نفر مقتول و دو هزار
و سیصد و شصت و چهار نفر مجروح و سی و یک نفر مفقود بوده و از فوج گرنادیه سه جاعه هفتصد و بیست و سه نفر از آنها
در آمده بود دو سه بار در برابر ملیس آقایان کم بود زیرا که
برای حمله کردن عساکر زیرک که کلک از این نقطه بامداد و شب باید از کورنه دانجیک بیایند و اگر خواسته
ملیس را نیز متصرف شوند فوج مهران مستحفظ آنجا طرح سوم از آنجا که داد اول آنجا طرح نجم سواره سرکرده کی
کلنل جلیسف فرمانده فوج مهران در این محل متحصن آمده و این ستون شبانه از رود و ید عبور کرد
و در سیل سونباکه سرکرو وسط در سیل صاف دشت جای گرفت و بنا بر فرمانی که به او
داده بودند شش ساعت و ربع بعد از نصف شب راه افتاد و چون به راه اول سیل رسید
آسیاب فوج دراکون مستحفظ را با دو عراده توپ سواره به بلندیهای راکیبا فرستاده تا جلو
ضلع سرو دباله ان ستون را حفظ کنند و فوج هوسار با چهار توپ در جلو مهران قرار گرفت تا آنها را
بلوف از سیل بیرون رود و پس از آن هوسارها جانبی سبب بر حرکت کنند و از عقب به عسکر
ملیس حمله زنند فوج مهران دو ساعت و نیم قبل از ظهر زد به این محل رسیده و به جانب هوسارها
بر آن حمله ور شده و جنگ تعقیبی کرد و از آن تعقیب چنان برآمد که لشکرهای دشمن عبارت که

بلا ازکی

برج بزرگ که خیابان راه اردو به آن منتهی میشود و در آن امتداد چهار پیاده و فرمنت بشکنند و یک برج دیگر که
در مغرب آن واقع و اطراف سیل واقع است و چندین سنگر جلو
ماری طرف شرقی یک برج را برای اردو خش انتخاب کردند و یک باطری در کنار چهار توپ سواره که
مشغول تیر اندازی بودند جای گرفت و فاصله اش با یک برج اندازه که بیش از پانصد و شصت
ساژن مسافت نبود دو هزار و پانصد و سی و چهار ملیس فوج مهران صف چهار آل آدات با طالبونهای
سوم و چهارمش در صف اول و اول و دویمش در صف دوم قرار گرفت و چون جلو باز بود
و هیچ چیز سپاه نبود در سنگرهای جلو دشمن از دو سه راه باران فراوان رسید و برای آنکه کاملا تمام
شود حکم شد که باطالیون جلو آنها سنگرها را متصرف شوند و الحکم روز دو شنبه چهارم شهر شنبه دو ساعت بعد از ظهر
مانده آن باطالیون ها پیش دویدند و با سرنیزه دو رکان را از سنگرهای خویش بیرون کردند و لیکن خیلی این حمله
سخت که دشمن بجزو تیر خود را هدف بر ساند خبر آن دو باطالیون رسید با باطالیونهای
صف دویم نیز حمله ور شدند ولی آتش گلوله تفنگ چنان بر آنها بارید که تاکنون شنیده نشده
و با چهار درصد قدمی سنگر زمین خوابیدند تیرگان فورا در صدد آن بر آمدند که بیرون آیند و شکست
مهران را در سیل با آنها انکار نداشتند در این هنگامه از فوج دراکون مستحفظ خبر رسید که ستون بزرگ از جنس
باطالیون بزرگ با دو نجابه پیش می آید او وقت کلونل جلیسف چون دید یک برج را دوزی مسبوان گرفت و از روی نتوانست
عساکر تازه رسیده دشمن نیز ایستاده کرد و حکم کرد که افواج منعطف شوند و اگرچه روسها قصد خویش بال شدند
ولی بار اقلادرکان را منع کردند که بامداد و مدفعین کورنه دانجیک بروند عده تلف شده گان فوج مهران عبارت
بود از نه نفر صاحب منصب مقتول و نوزده صاحب منصب مجروح که زخم کاری داشتند و نهصد و هشت مرد از

درآمده   شعف تمام در باب جنگ

پلونس دو تلگراف ذیل را ارسال کرده

شب ربیع سیم و چهارم اکتبر سابق برای شما اظهار کرده بودم که نتیجه جنگ آخر را بشما عرضه خواهم
داشت از تلگرافی که اکنون که از فرمانده بزرگ فرمانده سپاه به رادو میرچار رسید معلوم می شود که
روسها در یورش پلونس عقب نشسته و مجبور بفرار شده اند پس از این فتح حتی پانزده پلونس
تا طالیون پیاده و سوارهای چرکس را که امروز به رادو میرچار فرستاده شده بودند بالاستحقاق نگاه
داشته است سواره روس اکنون در دامنیک بفاصله یک فرسنگ در ربع پلونس جای دارد و
دشمن خطوط تلگراف این محل اخیر را نابود کرده است

شب ربیع سیم و چهارم اکتبر در آخرین محاربه خود تفصیل جنگ پلونس را عرض کردم تا فدک بزرگ
الان این تلگراف کرد که دشمن چنانچه عرض کردم با قوت فوق العاده بر سنگرهای پلونس یورش آورده
بود ولی بعون الله تعالی شکست خورده کناره گرفت در پای سنگرهای ما تلهای بزرگ از کشتگان
خود بزمین گذاشت ولی اغراق از دشمن بیش از هزار نفر کشته شد که بسیاری از آنها صاحب منصب
بودند اما از طرف ما بیش از پنجاه نفر سرباز از پا در نیامدند می شنویم که چند فوج سواره روس با یکبار طرف
ما بین پلونس و دامنیک ارد و زدند تدارک آن دیده شده که بر آن سپاه حمله برند و آنها را
از آنجا بیرون کنند و حق از انصاف نمی توان گذشت که با وجود یورشهای پی در پی غضب آلود دشمن
سربازان ما آنقدر رشادت و دلاوری کوتاهی نکردند و جزای این شکست فاحش و خونریزی دشمن
بود که بالاستحقاق نصیبشان گردید   آخر اپورت   چنانچه مذکور داشتیم زرال

گورکو بحمله پلونس قناعت کرده بود و یکدسته قشون از طرف شرق روانه نموده بود تا کمک از
ساخلوهای از پلونا بیرون آمده و به این جانب بسته زرال ما زور ارلیدی که مرکب بود
از چهل و چهار اسکادرون و هفت باطالیون پیاده رومانی و سی و پنج عراده توپ پیاده و سواره جداکند
به دلنی دامنیک که از موضع این دسته قشون از این قرار بود
اولا آنکه پنج باطالیون پیاده و هفت ستون سواره و دوازده عراده توپ سرکرده که زرال چرنر
ولف که در میان دلنی و کورنی دامنیک بودند مامور شده که مانع باشند از پلونا قشون به سمت جاده
دلنی دامنیک حرکت کند ثانیا آنکه زرال ارلیدی با نوزده اسکادرون و دو باطالیون و شانزده
عراده توپ شب سیم چهارم اکتبر رو به دلنی دامنیک حرکت کند ثالثا بعد ساعت و نیم
بعد از نیمه شب در برابر این معسکر حاضر باشند و این عسکر جداسری با قسمت نهم سواره که از طرف
مدون به دلنی دامنیک در سمت جنوب حرکت کرده مربوط باشند رابعا کلونل چرونی
مامور بود که با دوازده ستون سواره و شش عراده توپ صبح روز سیم دوم در جنوب کورنی
دامنیک جا بگیرد تا معین پیاده محفوظ شود و در وقتیکه به آن محل حمله می برند و علاوه بر آن را
عقب نشستن ترکها را که خواسته باشند از جنوب غربی آن محل فرار کنند قطع نماید رابعا
فرماک کلاراسی قولر آقاسی ماموریت داشت که قدری از قشون مخالفه حضور را از راه دومنیتا
چروان برک ببرد و در آنجا یک فوج قراول احتیاط داشته باشد که بعضی از عساکر عثمانی در آنجا استقرار داشتند
و چند فوجی بساحل رود ویبد ببرد و اسکر رهنمونسته تا از حالت جماغول ستی تفاضل
فرار ترکان را از سمت مغرب ببندد   این دستجات مختلف

کمال مواظبت را در انجام امور مهمهای خود معمول آورند و دسته ژنرال چرنودیف محل توپخانه پل
رو و ... را کرده و شبانه در شب بیست و چهارم در اطراف خود سنگرها ساخت و دسته ژنرال ارملدی
که در پس دلی دانیک مانده صف جدال بسته بهفت ساعت از نیم شب گذشته
آغاز حرکت نهاده و بجانب جنوب آن قریه رد کرده در راه دو چار گلوله باران توپ شد که اردو
بکلی برج دلی دانیک ... الاتصال خلل ... پیدا شد و همچنین آتش پیاده نظام انها را و بهمین ... ارتق
برازی ... انها بسیار ... اما با طرهای سواره بسیوری با چند فوج خواب انها را گفت و ترکان
... گشت شده ... ساعت و نیم نظر مانده فوج چهارم دراکون دشمن را از مزرعه زرت زار راند
در رو به دلی دانیک پیشرفت در حالتیکه فوج بوسار و رودسینی از آن تقویت و حمایت
نمیکردند و باطری دوازده عراده بکه برج های ترکان را هدف گلوله توپ ورودی باطری سمت شمال
بود دو باطری الفوج خارکو و چهار توپ سواره بتاخت رسانیده شاهزاده دلی دانیک نهادند
تا از طرف جنوب یورش زنند و ده ساعت نظر مانده دراکون ترکان را از مزرعه زرت بیرون
کردند و طرفین باطری را محفوظ داشتند که با حرکت پله پیشرفت و در روی بلندی که ترک گرجها
در اینکه که از لشکرهای عثمانی به کورنه دانیک برفت بود استقرار یافت از این بلندی که گرجها
را از پهلوی بردند فوج سواره نیزه دار از جنوب رو به دلی دانیک گذارد و دو آتش پیاده نظام
که در پشت سنگرها ... کرده بودند از حرکت ... مجبور کرده و با حالیون سربازان که قدری
در دارد و در کوهسار از زرت زار را عقب کرده آغاز جنگ سنگری در باطری نهاد و بسالم از آن
فنون آتش توپخانه خود را بجانب معسکر لشکرهای ترک کرد و ... باران ... از انها ... پیاده

عثمانی از

عثمانی بر وقت روسها عزم ... میکرد و بدشکلی ... کرد
در همان هنگامیکه ... ژنرال ارملدی مشغول ... بود فوج بوسار ... دو ... از
دراکون آغازان ... باطری ... بر کرده کلونل بارون دکرف از میدان رو به کورنه دانیک
گذارد و پس از آنکه به ... رسیدند آتش توپخانه یکرجها ... و در عقب ... ژنرال
گرفت و چون وضع اراضی ... عدد ... نداشت که نتوان ... این ... عقب
نشست و بقراول و محافظت اراضی ما بین رود وید و جاده ... قاطع کرد و ... بین سوار ... ژنرال
ارملدی و قسمت اول پیاده ... محفوظ وارد و ژنرال برسن که در بالای کوه ... میدون ... ده ...
رابطه شد مختصر اینکه روز بیست و چهارم برای روس خوب
بود و اگرچه ... از هر دو ... روسها در آمد ولی ... کردند و راه ... عثمانی ... مقطوع شده
دیگر ... آمده ... برای ادامکان ... ولی این فتح اول بود و مطابق قوانین علم جنگ ...
که این وضع را ... نگاه داری کرد در حالتیکه ... روسها دلی دانیک و از عقب ملنس ...
دشمن باشد و حال آنکه ملنس را از جنگ روسها وارد کرده بودند و علاوه بر این میدان جنگ سواره
وسعت چندانی نداشت ... خیلی محدود بود
ژنرال گورکو خواست از تسخیر کورنه دانیک را در عسکر ترک غنیمت
شمارد و چون ... بیهوده نخست باشد لهذا حکم کرد که ملنس را تسخیر کنند و از این ... بهانه هدف گلوله
خمپاره و توپ ... بحکم ... باطری از توپخانه محفوظ نجات ... دو فوج دراگون و ... در جاده
پیشرفتند و در همان حین ... باطری از توپخانه محفوظ نجات فوج گرنادیر گرکس حکم ... امپراطور

از طرفش فوج لنبوانی و خاصه بر اطراف در جنوب ملبس جای گرفت و توپخانه سواره در شمال عقب برج
استحکام با قلعه سنگ برج که در سفیا واقع بود با گورنده جنک دوازده و ربع ساعت فاصله داشت دور و درجات
را ساخته شده و سنگر معتبر بزرگی می‌شد که در زوایای آن توپها قرار داده بودند و خاک زیاد در برابر خندق
عمیق و عریض در دور آن بود و در وسط آن اردوی ساخلویان و ذخیره و قورخانه جای داشت این سنگر
در پانزده درجه جزیره ملبس واقع شده بود و در دویست ساژن فاصله از سنگر صاحب بک کلیج برج دیگری
بر پا کرده بودند که بواسطه آن با محاصره را هیچ باره باران کنند و در صورتیکه خواسته باشند از عقب سنگر صاحب
ملبس برند و در آن طرف قریه در کنار دره که پهلوی آن بود یک اردوی سنگر بندی شده دیگری قرار
گرفته بود … یکساعت بطول انجامید توپ انداختن
شروع شد اول قپوزرباوی را انداختند و بعد شراپنل افکندند و غالب تیر اندازی با طرفها از اردوی سنگر
بود این … فنانه با دو ساعت بعد از ظهر بطول انجامید بعد نیم ساعت موقوف شد جواب
کاغذیکه ژنرال گورکو به پاشای ملبس نوشته بودند و شرایط تسلیم را اظهار کرده و توسط … پیش برگ
نموده بود نرسید چون جواب نرسید ژنرال گورکو دو ساعت و نیم بعد از ظهر حکم کرد توپ انداختن کنند
اما توپخانه ترکان دیگر جواب نگفت و بیداد انها که از اول صبح تیر خالی میکرد ژنرال گورکو سواره همراهی صاحبمنصبان
انا مانا زور خود در یکجا طرف رفت تا خواه توپخانه را امتحان نماید بعد دقیقه بعد رسول از عثمانیان رسید با پیام
امضای شرایط تسلیم را نوشته بود و اراده گرفته بود مگر که ارباب مناصب … خود را داشته
دو صنیکه شنید این شرط را قبول است و این عبارت را گفت چون پاشای گرنده جنک که رئیس آن
تسلیم شده من هم تسلیم شوم … از روی … چیزی نگفته شده ولی

سمت باطالیون ترک اسیر گردید معدودی از باشی بوزوک‌ها جان بسلامت برده اند و صلاح ندیدند
در برابر خصم راهی باز نموده فرار نمودند … این تسلیم از بسیار بزرگی و اشکال
کرد و حکم شد که اسمعیل پاشا پس از آزاد شدن از اسیری به … مجلس نظامی محاکمه شود زیرا که سنگر
ملبس اسباب محاربه و … خیلی خوب بود و قورخانه معتبر داشت و مستحفظ داری
علاوه عده تلف شدگان روس از دویست و چهارم زیاده از آن بود که بتواند تحمل … جمعه
ترکان بنماید و تسلیم ملبس نتیجه بلافاصله آن شد که شفقت پاشا بتعجیل عقب نشست و فرنگه
بامداد قشون شریف حرکت کرده بود راه دیرنه را با دو اردوی باطالیون ترک کرده در این عقب نشینی
که از چشم … منتج شده بود دقیقه یک شکست فاحش شده ترکان بحال …
اقلا راه دیرنه را که در راه سفیا بود جرات کنند … چند روز قبل
تحوت فرستاده شده و ژنرال چرنین بر کرده که … قفقار و در … سفیا
واقعه در کنار رود … را متصرف شده و با پیاده ژنرال کارتسف سردار لوکا در نزدیک ورنسکی
مرتبطا کردید و سواران شقشش ژنرال چرنین در جنبیکه سپاه عثمانی … و در سنگه بالکو سنیا
رسیدند … ترکان در چهار شکست …
می شوند که سستی … و اگر چه بجنگ چندان … نداشت ولی …
در سفیا به ارخانه مفتوح خواهد گردید بدین تفصیل که … ژنرال کارتسف در جنوب تلوماد
لوکا که لوا ترنر … سردار بود و سواره سردار بود و سواره … ایشان اوخبر داد که راه معتبر یرزن که
از طرف اترو دورنس تلوبا میرود … دشمن … انجا چندان … سردار … گرد

فراغ داشت که در زوآوان و سپکر بوده فرمان داد که برگشته متوازی جنگ و گریزی تفرقه‌ای واقعه
کنایه این حادثه بشکرده و پسیجه این حکم تنجیر رَسن و نورسکی ایزور جنگ کالاما جنگ نقشش
معابر زوآوان و تلیش شده و هر قدری اراضی مابین لوکا و رودویه از ناشی بزرک و سایر پیجات
دشمن رو فرق می‌شدند بهیچ وجه که پاس تلیش جبلی از ترکان که این معبر با نجار زاید قت حفظ می‌کرد
کمال اهمیت را پیدا می‌کرد زیرا که تصرف آن برای روسها فایده واقعی داشت

از نقش بار دوسم اکبر و نجد بدان دربست و دوم
معلوم شده که در تلیش الصد نفر قشون نظامی شیر ثبت در اسکر بندی و اسباب مدافعه‌اش
زیاد داشت زنرال کانرف بر آن شد که برای این شکه معتبر یورش برد و جمعیت سپاه
دو واسکادرون در اکون عازان زیج ستون از فوج جبب و چهارم و سی ام قزاق دن و
و یک قسمت از باطری از دو سیم دن را مأمور اینکار و سرکرده که این دسته قشون را کلونل
ارلف فرمانده برکاه و دوم قسمت قشون دن و اکه از نمود و او با دو ستون حرکت کرد که یکی
عبارت بود از دسته اول بهادران پیاده نظام و یک ستون از فوج سی ام قزاق دن
و سرکرده گی رئیس اسکادرون اشنف از زوآوان به جبهه کو روانه شدند و دیگر یکی عبارت
از بقیه قشون بود در تحت فرمان خود کلونل ارلف از لوکا از راه سپکر به لیبردا رفت رئیس
اسکادرون اشونف روز نوزدهم چهار ساعت بظهر مانده به تلیش رسید و لی در تجات
خود را پنهان کرد تا اول از طرف لیبردا جنگ شروع شود و لی حضور او در آن حدود بواسطه
جاسوس ترکی که یک دفعه بدسته بهادران برخورد و بزودی فرار کرده به اردوی عثمانیان خبر داد

پس از اندک زمانی روه و تیر توپ خالی شد و چیزی نکذشت که عساکر پیاده ارشکه سر در آورده دو دور
بهادران رو سرا گرفت رئیس اسکادرون اشونف اوقف از جلو خصم به تیر ارجو دعقب نشست در
در آن هنگام دسته کلونل ارلف پس رفع عزای عظیم تهدید که در آستانه بدا شد رو در سی ام اکبر
رو نکب شد و دسته بهادران از یک ستون فراغ کو بیدرا متصرف شدند که نجرار ذرع
از تلیش دور بود و در روی این کوه شکیطولا و جمعیت لیماکا بود که در راه لیبردا منحصر آن میشد رو به یکم
دسته ارلف رو براه نهاد و کلید معسکر ترکان کوه طبیدی بود که مشرف بر تمام لشکرگاه بهادران بود
و روسها ارجو خصم کردند که آنجا را تصرف نمایند دو ساعت بر سر راه از رخنه لشکرهای بریکاه ما لا رسیدند حملات
دسته‌های بهادران متواصل از دشمن رسیده بود و رو بیورش نهادند ترکان شکست خورده و لشکرهای بکلی بالقید
تیر رو دی خالی کردند نهادند و بهار و یکه تلیش بدست روسها افتاد ترکان نیز دلنی دابنیک بردند یک
پلونا را از دست داده بودند و این فتوحات خیلی نتیجه خوب بود زیرا که پلونا کاملا بدست زنرال گورکو که
در تصرف آن محل خیلی تعجیل کرده و مقدمه جیش دو هزار ذرع پیشتر رفت و در همان وقت مشغول احکام سنگرها
و بنا نمودن یکه رجعت شدند تا اگر عثمان پاشا حمله کند بنای داشته باشد و پس از آن گورکو اراده
میخواست رو بجنوب حرکت کند و سمت صوفیا رود و پس از اندک زمانی جنگها اعتبار که باید بکسد و در
پس از آنکه مدتی بطبع جاهای جنگ حرف لف بوده میخواستند جو و راه جنگها پیش قدمی کنند در اواخر حرکت
دولت و رسیدن که مدتی انتظار رسش بودند عنقریب داخل جنگ خواهند شد ترکان باید ترتیب صلاح
جدیده شوند

فصل سیم

فهرست

مطلب اول

روسها پس از حملات بیفایده نهم و دهم و یازدهم رو به پلونا دیگر از جانب یورش باز ماندند و توقف
افتادند زیرا که ثمری برای ایشان نمیبخشید و علاوه بر این ز عساکر متحده روس و رومانی خسران کلی
بیاور رسید لهذا از اواخر سپتامبر تا اواسط اکتبر عمل نظامی متعدی بخش نیامد اما خمپاره اندازان لا
ینقطع در کار بود و رومانیها که در لشکر گرویتزا ورش بودند با نقبها پیش میآمدند
چنانچه در فصل سابق مذکور داشتیم در مغرب بواسطه ژنرال گورکو جنگهای متواتر
میشد و منظور آن بود که بکلی طرق مراوده عثمان پاشا مسدود شود و هیچ چه آذوقه نرسد اما عساکر که بتوانند
بلا واسطه دور پلونا را احاطه کنند نزدیک بکار نمیبایند و اگر جنگی میکردند علی الاتصال مشغول زیر و رو کردن خاک

بودند در این

بودند و لشکر ترکها لشکر و برج به برج در برابر آنها حفر نموده با یا لامیسر نمیشد زیرا که بدیهی بود که چون
راه آذوقه بر عثمان پاشا بسته میشود و با قورخانه اش رو به نقصان میگذارد و روز بروز آمدن زمستان نزدیک
خواهد و جهه نداشت که چنین روزی رو بروسها علی الاتصال بر تعداد لشکرها و برج خود میافزودند و از لحاظ
در وضع اماکن مدافعه یورش از راه احکم شده ایم حالا از فایده بخواهیم بود
شهر پلونا چنانچه چندین نوبت اشارت رفت در گودی است که از آن
و راه صوفیه به ژلادر کنار ژانرا از این شهر میگذرد و رود وید که برگشته چهار پای آب هزار و دو پاین در عمقی که از
شش هزار و پانصد ذرعی این قلعه است جاری است و در دو شمال رفته بسط داونب میریزد و از مشرق رود گریو
یتزا که سرچشمه اش در ده هزار ذرعی شرقی در اراضی مرتفع است وارد رود وسیع سمادو با پائین آمده قدری
رو بشمال به وید میریزد اگر اراضی سمت شمال را نظر نمایند در بدو اول یک اردوی وسیعی دیده میشد
که از بلندیهای بزرف رود وید تمام حلقه را ببرد اگر رو بمشرق سمت بوکو حرکت بکنند نزدیک گریویتزا
یک لشکری بود و قدری منحرف سمت شرق یک برج دیگری در دو هزار و پانصد ذرعی قلعه پلونا
بود که برابر آن قلعه که رومانیان روز یازدهم سپتامبر گرفته بودند جایی واقع است اگر راه شرق را پیموده
برسند بخود گریویتزا که از سی و کم ماه رولیسید ترکان همگان را قلعه بندی کرده بودند و بخوبی
راه را در حوالی کرنی استودن به طرف گلوله میتوانست کرد و پس از آنکه نزدیک به پلونا نگاه
میشدند که کلبه دفاع بودند تقریب بهزار ذرع فاصله در شرق پلونا جلوتر بین لشکر ترکان در حلقه
شده بود دو هزار و پانصد ذرع عقب لشکر و لشکر دیگر از دیگر شهر ترتیب داده بودند و در جنوب شرقی
سه لشکر در هزار ذرعی شهر در بلندی تنها تواز ساخته بودند که بواسطه خندق پیاده رو با یکدیگر

وچون رو بجنوب بیشتر رفتند نعت عسکر دیگر ملاحظه میشد که کم از یاد دهمده و معتبر بودند

راه تواتشر بلا واسطه از سمت شمال میآید و داخل شهر پلونا

می شود و بحال انکه خیابان عبا پس از بستگه واسطه پل سنگی از رود وید گذشت تقریبا بخط مستقیم از

مغرب وارد شهر می شود و چون اینراه نیز خط طبیعی مراوده بزرگان بود از ابتدا عسکر بندی و

محکم کرده بودند و در شمال غربی قریه کریشین در بالای تپهها عسکر برپا شده بود که شکل قوس داشت و از

واقع بودند و عسکرهای جنوب غربی را سر دند

عسکرهای شرقی روسها بخیال محاصره را داشت و از اینها معلوم میشد که ژنرال تودتلبن چه

قدر معین بر حملات عساکر محاصره شده است

اخبار نویس نظامی روزنامه طیمس چنین نوشته

اگر از یک نقطه جاده سپلاپلونا حرکت کنیم در هزار و یازده ذرع انگلیس تقریبا در مغرب کریویترا بار

خط دیگر عسکر بندی وارد میشویم که بلا واسطه واقع است در تپههای ترس در زیر آتش سه یکی برج عثمانی که با یکدیگر

بواسطه دالانهای زیر زمینی و خندقهای پیاده نشین مربوط اند و مانع میشوند که از راه محل الممسلک شرقی و

شمال شرقی و جنوب شرقی نزدیک پلونا بروند زیرا که رودخانه کوچکی که از توچه نیزرا میآید و از پلونا میگذرد و

و مجرای آن در وسط دو تخته سنگ عمودیست ممتنع المسلک واقع است

این خط ممتد میشود بجنوب غربی تا تقریبا هزار و یازده ذرع فاصله بازار بیجو و

میرود و با آن دره ممتنع المسلک که ذکر کردم در سمت غربی آندره از نقطه میگذریم که جاده لوکا سمت مغرب

ممتد میشود و بعد میرسیم به برستوانس و کریس چین در نقطه که دو هزار و یازده ذرع از راه لوکا فاصله

دارد و بعد در طرف

دارد و بعد در طرف شمال غربی مابین بلاغی و اج لیب غاج میرسیم تا رود وید و خط محاصره پس از

عبور از رود مزبور به سمت شمال میرود تا نقطه که واقعه از طبیعی ازروپل است که قدری رو

بشرق رفته بعد بسمت شمال شرقی تا رود وید در برابر اوپلت امتداد مییابد و از آن نقطه تا بوکوار بسمت شمال کشیده

و بعد با خیابان کریویترا که ابتدای خط محاصره بود بسمت جنوب غربی ممتد میگردد و از بلندیهای کریویترا که

مابین برستوانس و کریس چین صفوف عسکرهای روس مشرف بر عسکرهای عثمانی است و از

آن محل تا رود وید معسکرهای بزرگ عسکرهای روس بالا رفتند چندان از آن طرف وید تا کریویترا فراز

عسکرهای عثمانی خیلی زیاد است — خط عسکر بندی ترکان از

بیست و پنج عسکر و یکه برجی که بواسطه خندقها و ماترسها و نقبهای بسیار با یکدیگر مربوط شده خط

عسکر بندی روس در دو ماه رفته رفته بخط عثمانی نزدیک شده اند و هر قدمی که پیش رفته اند عسکر بندی

تازه کرده اند بقسمیکه تمام فضای بین دو خط عسکر بندی از خاکریز و خندق مخطط شده اما در هیچ

نقطه از آن خط اعمال محاصره حقیقی جاری نشده مگر در یک برج کریویترا که رومانیان روسی عسکرهای

عثمانی نقبها کنده اند و در سایر نقاط دو خط عسکر بندی بقدر ترس تفنگ به یکدیگر نزدیک شده اند

وچون وضع چنین است منتظر تمام تدریجی آذوقه عثمان پاشا میباشند — آخر مطلب اخبار نویس تیمس

در مغرب مابین کورنه ازروپل و راسپین ژنرال ازلدی ساکن است

قشونی که مرکب از پنجاه سواره و سوارهای رومانی و قزاقها بود و سواره رومانی مرکب بود از شش فوجی که گاها

بر کار تقسیم شده بود که دو فوج از نظامی یک فوج نیزه دار و دیگری فوج هوسار بود و شش فوج دیگر سواره ملی

بودند بخیال آنکه راه را مسدود کنند بخط راسپین تا تربرا جنبلی نزدیک بوکوی چهار قسمت شد و بنظام رومانی

خط جنگ متصل سیار بلند ... جنبار روس روز یازدهم ستمبر

جنگ بنهایت بوده شد و اگر بارها حمله پی در پی بیشتر پلونا را مسخر کرده معتقد بود که این سنگرها مسخر شدند

بودند اما چنین باید باب ... پیش رفت و بنا بهار رسید روسیان ضعیف شده اند و بگویند

چنانچه مصیبان امید سلطان ... تهدید با طپانچه پشت ... آورده ... شدید برند

بعد از گردیده ... روس شروع می شد سه اردوی هم

... ژنرال کرودنر مرکب بود از قسمت پنجم و سی و نهم که مجدداً تعداد دستجات شان تکمیل شده

بود بعضی جاهای غایب ... بدل رسیده بود توچنیترا توپخانه جلو ... را تا دره ... اسکله و سکلاجی

... شهر ... گرفت و در رسکوار خط پیش قراولان ژنرال اسکوبلف جای داشت

و خط مقدمه لشکرش پوشیده شده بود در توپهای بزرگ محاصره و چهار ... خانه دار ... قسمت

شانزدهم قشون که هزار و پانصد ذرع فاصله در پناه ... های خوب و خاک مصنوعی بسیار

خوب جای داشت و بواسطه موضعیت سرکرده اش از ... سخت محفوظ بود و در پیش ژنرال

اسکوبلف ژنرال لازارف با یکصد کار دو سواره بود که در خانهای مصنوعی خودش جای داشت

عبارت بود از ... در آن ... پوک و فوج ... ژنرال لاشکارف

خط مقدمه لشکرش سمت قرطوراب منحرف می شد و قسمت سیم پیاده ... که تازه رسیده بود

آن خط را متصل میکرد و در ... او توپهای بزرگ قلعه کوب ژنرال میرکوچ که با من ... بودند داشتند

جای گرفته بود آخرین ... که در دره پلونا واقع است روسها تلف کرده بودند به کاراولیسینا

... فوج ولیمنی در آن جا بود و ... ژنرال پرسن که ... چهارم آن ...

تصرف نمود ... و در آن ... باقیست و قدری دور پس قراولان ژنرال گورکو خط اتصال

را کامل میکردند و از این ... مختصر معلوم میشود که ژنرال توت لبن با چه ... کرده بود

... قشون روس ... بود از صد و شش

باطالیون پیاده و شصت و ... اسکادرون سواره و ... صد و پنجاه و شش عراده توپ که توپهای

محاصره ... محسوب است شماره لشکر ... کرده بودند مشغول ساختن سنگرها

سنگر ... شدند روز نوزدهم اکتبر ... که ... از آتش توپ و تفنگ دشمن

... گمان کردند که وقت یورش رسیده و ... روس ... ژنرال

توت لبن اظهار کرده بود ... منصب بزرگ ... روز ... را ...

و علاوه بر این مدافع نامدار سنت استپول ... بود

شرح راپورت جنگ روز نوزدهم که ... نوشته شده مطابق تفصیل ذیل است

چون خط موازی چهارم ما با تمام رسید و کارهای سنگربندی برای ... روس ... دشمن

انجام یافت فرمانده قسمت چهارم از فرمانده کل سپاه رومانی ژنرال برنات اجازت خواست که

هر وقت تقاضا کند مساعد بنظر آید با سنگر ژنرال برنات فرمانده قسمت چهارم ...

... انتخاب وقت و ترتیب ... حتی الامکان مردان کمتر تلف شوند ...

... چنین ... یورش ... کرده بودند تا دشمن را فریب دهند ... یورش ...

را پنهان دارند   فرمانده قسمت چهارم روز نوزدهم اکتبر

را برای این یورش انتخاب کرده که یورشهای دروغی را که دشمن به آنها عادت کرده بود تبدیل به یورش ...

واقع می‌کند لهذا باطالیون اول مجزان را با یک باطالیون از فوج پنجم دو باطری را در خط توپ‌ریزی
چهارم جمع کرده فوج سیزدهم دو باطری را ذخیره قرار داد و نیم ساعت بعد از ظهر به آن دو
باطالیون فرمان یورش رسید و پس از علامت معهود آن دو باطالیون از خط توپ‌ریزی بالا
رفته و رو بسنگر دشمن آغاز دویدن نهادند و در همان هنگام مردانه که حائل سدی سنگربندی
بودند کاپتون پیش رفته مانند ارک بالا رفتن سنگر را بسینه سپاه روبا قشون سنگر
با آتش شدید پذیرائی کرده و در همان هنگامه باطریهای آغاز غرّیدن نهادند بخصوص آن باطریها که
روی تل سنگربندی شده بودند بوکو که شلیک بسیار سختی نمودند که سربازان دو باطالیون ... گرفته
و آن سربازان ناچار ایستاده و بخط توپ‌ریزی مراجعت کردند فرمانده قسمت چهارم خواست یک حمله
غفلتاً پس از رسیدن تاریکی شب برد لهذا بفوج هفتم پیاده حکم کرد که داخل در توپ‌ریزی
چهارم شوند و شش ساعت و ربع بعد از ظهر فرمانده این حکم یورش سپاه خود داد در حالتیکه باطالیون
اول مجزان در عقب سر او بود قشون از توپ‌ریزی بالا رفت و رو بیک برج دوید و بخندق رسید و
بخندق را از جنگ دشمن بیرون کرد و جنگ سخت تماشائی فیمابین سربازان ما در کنار که از روی
ما اسبدی سعی میکردند ما را بگذارند از خاکریز بالا رویم در گرفت لشکریان یکساعت در آنجا پایداری
کردند و سخت دلیرانه مبارزت نمودند اما چون دیدند کوشش شان در بالا رفتن از خاکریز بجز ... حل
ملاء ... بی ثمری است بعضی از آنها از خندق پیش رفتند تا روی سنگر را گرد آمده و سعی کنند که
از راه آن وارد شوند ولی دشمن در یورش اول از خواب بیدار شده بود و تمام دقیقها را اهل ...
بود و سربازان رسیدند ما در آنجا ذخیره زرگ را ملاقات کردند که با آتش مرگ آمیزی از ...

مجرادم ابی

نموده راه را بر ما مسدود ساخت و چون جنگ در همان یک نقطه بسته شد و باقی ...
تمام بدانجا روی داد در آنجا جمع نموده و دو ذخیره از عهده آنجا بر نیامد فرمانده فوج هفتم گریکوریوان ...
در تسخیر قلعه خندق را خطرناک شده نفرسا تمام ارباب صاحب اصلاحات جنگی ...
دلیرانه سپاه ما در برابر عده زیاد دشمن بهدر رفت
فرمانده قسمت چهارم چون دید اگر قشون جدید باین صوب روانه کند بر تعداد تلف
شدگان خواهد افزود و بعد از یکساعت جنگ سخت حکم کرد دست از یورش بکشند ...
ما در این دو یورش عبارت است از دو صاحب منصب و دویست و شصت و سه سرباز مقتول
و بیست صاحب منصب و هشتصد و بیست و یک سرباز مجروح اما در این مجروحین بیش از دو صاحب منصب و ...
سرباز زخم کاری ندارند مابقی زخم کاری ندارند مابقی جراحتشان کم است و بیشتر دست و بازو زخمی
زخم خورده است زیرا که آن زخمها در وقت کوشش رفتن بالا از نرده ها بآنها رسیده ...
این مجروحین پس از دو سه روز می‌توانند بصفوف خود معاودت کنند راپورت ...

عثمان پاشا سرعسکر باسلامبول راپورت ذیل را فرستاد

و این آخر راپورتی است که توانست بمقصد برسد زیرا که بعد از چند روز که روز بیست و چهارم باشد
جنگ گورنی دابنیک تمام روابط پلونا و قلعه محصوره را قطع نمود
تاریخ ۱۹ اکتبر امروز در ساعت ... دشمن آتش سختی
از پیاده و توپخانه بسمت عقب اردوی ما آغاز نمودند و لله الحمد از هر طرف بدشمن توانستیم سری
کنیم و در هنگامیکه منتظر بودیم یورش عمومی از جانب او برده شود دشمن یکقدری پیش از یک باطالیون

روز شنبه که معروف به روز ژرژ پیش فرستاده که در خارج پلونا بود و جلو این قشون دشمن بسته بود از آن
نیامده به توپ بسته سنگربندی کشیدند ولی مجروح و مجبور شدند که از آبادان خبر یابند که به سر آنها مبادا فرار کنند
و بعضی فراوان در میدان کارزار میماندند و گلولهائی که در سنگرهای دشمن افتاده چنین قرار
از بس آن آتش بود اما دشمن هنوز مشغول تیراندازی است تا آخر اوت
روز بیست و چهارم اندک زمانی چند باران قطع شده ولی مجدداً با کمال سختی شروع شد ژنرال گورکو
از آنجا گردید آنها از روز مزبور روس حرکت کرده بود که سر محصورین را با این حربه گرم کند تا جبال بیرون آیند
به سمت دلی داغب رفتن نخیزند و در همان وقت عساکر اردوی مزبور روس تحریک کار نکنند
رسانند و در اردو شب پیش گرفته بودند اما ترکان در جواب این تیراندازی سخت به نحوی خیلی ضعیفانه فشار
کردند و دو سه نوبت چنین به نظر آمد که قوت مدافعین پلونا با تمام رسیده و صفوف بهادران را از دست
پیش فرستادند ولی به واسطه باران گلوله تفنگ ترکان آن صفوف مجبور گردیدند که زودی برگردند
فهمیدند که ترکان هنوز بیدار کار خود هستند دیگر ایشان یورش کردند و بعد از آن حکم شد در جای خود آرام گیرند
روز پنجم به امر عساکر ژنرال اسکوبلف به واسطه
تهور امیری چند روز به پلونا آمدند این عساکر چون نزدیک به برکوار رسیدند یک حصه از قشون
معلوم شد که ترکان در سنگرهای خود چهار صد نفر جمع کرده و شمشیر در آنجا بیرون آمده
مصروف کردند این نیمه خرد به موجب اعتماد ژنرال اسکوبلف کردند و در صدد قصد تهور آمیزی بر آمد
در شمال این محله که به سهولت مسخر کردند چهار صد ذرع تقریباً
به طرف راه لوارث مانده یک بلندی جنگل زاری بود سوم کوه سبز که در طرفین آن فراوانهای بزرگ

جائی داشت و علی الاتصال برو سرها ضرر زیاد میرسید و این کوه سبز را دو بار دشمن تا سپاه
سر حرکت انداخته بودند از خاطر رفته که ژنرال اسکوبلف با کمال رشادت این محل را مسخر کرده ولی
نتوانست نگاهداری کند این دفعه خواهد شد
روز یازدهم امر بعد از ظهر قسمتی از قشون که مرکب بود از فوج شصت و یکم ولادیمیر
و شصت و دوم سوسدال و شصت و سیم اوقلیچ و شصت و پنجم غازان آماده یورش شد
این افواج ایجاد قسمت معتبری کرده که در جنگ سباستوپول معروف شده و به افتخار آن محاصره زیادی
برق برهای طالبون ایشان مبنای سن ژورژ شمرده میشد و در این قسمت قشون باطالیون سیم برکاب
بهادران شبیرف و اگرچه این باطالیون در یازدهم سپتامبر بکلی تمام شده بود ولی چون سرباز تازه
رسیده بود جاهای خالی را پر کرده بودند و باطالیون در زیر حکم کلونل پل لربود
بحال ژنرال اسکوبلف بهتر آن بود که یورش را در ساعت
دیری شروع کنند زیرا که اگر شکست بخورند به واسطه ظلمت شب بهتر می توانند عقب نشینند لهذا
سه ساعت بعد از ظهر قرار یورش شد اما تقدیری سر گرفته بود که با اشکال زیاد می توانستند جمع آوری
سپاه کنند و فوج ولادمیر مخصوصاً راه را گم کرده و یک ساعت در زیر توپ با اجتماع رسید
نزدیک شد و صاحب منصبان متفق الرأی شدند که یورش را به فردا اندازند ولی ژنرال اسکو
بلف راضی به این تعویق نشد و نوار به سفید خود کرده برای سربازان منظور و مقصد را که
تا آن رسید بیان بکرد و تکلیف هیچ چه از آن مقصد تجاوز نباید کرد تا کجا طری سپاه عظیمی که شناخته
و چهار عراده توپ قلعه کوب محاصره بسیار بزرگ داشت و در بلندی آن طرف دره فوج شبر اسفار کرد

کرده بودند مشغول کار خود باشند ... پنج ساعت بعد از ظهر
باطریها آغاز آتش فشانی کردند و بعضی از آنکه دو شلیک بجانب ترکان نمودند از آواز توپ در پی تفنگ سلوم
شد که پیادگان نیز بجنگ مشغول شدند اما ممتنع بود که از کثرت دود چیزی را دیده و ترکان نیز از سنگرهای
خود بیرون کرده روسها به تعجیل در ضرب باطریها مشغول گردیدند بیکبار در ساعت هفت بعد از ظهر
شروع شد دو دسته سرباز سرکرده که کلونل میت زکه احودان ژنرال توت لبن مأمور کرده بودند
که اطراف محل مسخر شده را سنگربندی نمایند نصف شب چهار هزار ترک خود را به سنگرها انداختند و در همان
هنگام دسته دیگری از ترکان بر گریستوالیس حمله ور شده باطریهای دشمن را در بین گریستوالیس و کوترا
آتش سخت باریدند ولی صفوف عظیمه بیش از پیش نزدیکتر میشد و ترکان چند قدمی سنگرها رسیدند
اما این یورش نتیجی تمام ماند شد پس از اندک زمانی یورش قویتر تجدید شد ولی فایده نبخشید
در گریستوار از جلو ترکها افواج قبیلج گرفته بود و تصرف کوه سبز حاصلش نشد که مأیوس شدند
محاصره را در دور پلونا تنگ تر کنند افواج ژنرال اسکوبلف به قلعه نزدیکتر از افواج سایر سرداران
بودند ... بار دوهم نوامبر یکساعت بعد از نیمه شب
ترکان بتاریکی شب و جنگ روسها را غنیمت شمرده از پنج تا هفت باطالیون برای شبیخون جلو
و آهسته جمع کردند قراولان جلو از این تدارک استحضار یافتند و ژنرال اسکوبلف که در سنگر
خوابیده بود خبردار نمودند حکم شد عسکر آماده باشند و صبر کنند که ترکان تا صد قدمی پیش آیند
این فرمان اطاعت شد و یک شلیک عمومی ترکان را در بازگشت ناچار ساخت و در این سنگر
جای گرفت تا دو ساعت بعد از نصف شب دست از آتش فشانی نکشیدند از روسها تقریبا

یکهزار نفر

یکصد و سی نفر تلف شد ولی تصرف کوه سبز بکلی از دست ترکان بیرون رفت فیمابین گریستوا
لیس و کریس جین خطوط دشمن نه هزار ذرع با پلونا فاصله داشت اما از کوه سبز که راه لوازکه
از وسط قلعه آن میگذشت دویست و پنجاه ذرع بیشتر فاصله نبود و فیمابین ژنرال اسکوبلف و سنگرهای ترکان
یک دره باریکی بیشتر حایل نبود در خط راه صوفیا پیش قراولان تیمز به پلونا نزدیکتر شدند و تقسیمکه
و آنها با سه قسمت شد ژنرال دوم منفصل شده فیمابین آلانزیواس و الکاکاس از جلو اتروپل ... بیجان
روسها بیان صفوف ایشان امتداد یافت دره توچ تیرا از هر طرف پوشیده علاوه از تخته سنگهای بزرگ
عمودی بسیار و عرض دره سر تیغش پنجاه ذرع بود و ارتفاع تخته سنگها از پنجاه تا صد ذرع میشد و
نیمی از سنگرهای عثمانی و روس را که در شرق پلونا بودند قطع میکردند و مصب شرقی کوه سبز و دره
توچ تیرا با این بیابد و منتهی به آن دره میشد این مصب دره قله کوه در تصرف ژنرال اسکوبلف
در نقشه های جغرافی اطراف محل پوکت و توچ تیرا از گریستوار از گریس جین جنبی سنگر ترتیب
نیابد دور تر از پلونا رسم شده اند باید دو هزار ذرع نزدیکتر سنگرهای عثمانی کشیده شوند
این نوبت احاطه دور پلونا کامل بود و ترکان دیگر
امید رسیدن امدادی نمی بایست داشته باشند و خیلی بنظر مشکل است که سربازان عثمان پاشا
بتوانند آن دایره را از هم بپاشند لهذا گراندوک نیکلا خیال کرد که مقاومت و پایداری دیگر
بیفایده است و میتواند بعثمان پاشا تکلیف کند که تسلیم شود روز سیزدهم نوامبر رسولی بجانب
سردار عثمانی رفت و مراسله ذیل را برای او برد

نامه سردار کل عسکر روس بعثمان پاشای شیر

از پوکت بتاریخ دوازدهم نوامبر

جناب سردار تاب مقاومت عظیمی که من در لشکر محکوم شما مشاهده نمودم ناچار شدم که حتی
الامکان دور پلونا را احاطه نمایم و شما را از امداد طلبیدن ممنوع سازم و برای این کار افواج
خاصهٔ امپراطور سرداری ژنرال گورکو وارد و هم بزور و قوت اماکن جنگی گورنه دوبنیک را
بتصرف درآوردند و بعد از آن لشکرهای تلیش و پس خلوبان آنجا محصور شده تسلیم شدند و پس از آن
همه ازان شما دلنی و بنیک را خالی گذاشتند و عساکر من علی التوالی ... و ازبکو و راچار را مسخر
نمودند چون با این وضع که مقاومت بیشتر از جانب
شما نمی‌تواند منع خونریزی بیجا بشود لهذا امکان کردم که تکلیف من به تکلیف انسانیت شخصی که
بمخالفات عالی این مراتب و این مخالفات را اظهار دارم و درست دارم که سرکار عالی ملتفت شوید که چگونه
که مرا این رفتار داشته و بسیار مسرورم از اینکه شما را مطمئن سازم که کمینه محترم دارم شخص شما و قوا
سپاه دلیر را که در تحت فرمان شما می‌باشند تا شد جنگ جویانه که شایستهٔ احترام و تمجید می‌باشند نگاه
هرچند وضع عثمان پاشا در ناامیدی کامل بود ولی باز تکلیف خود را
در تسلیم ندیده و شکی نیست که تسلیم شدن قلعه یقینی بود و تاب مقاومت چندان طول نکشید ولی
تکلیف و افتخار سردار در پلونا در آن بود که تا ساعت آخر تا صد و بیست هزار نفر قشون کراندوک را
در اطراف این شهر نگاه دارد

جواب عثمان پاشا این است

نواب والا تعلیقه را که سرفرازی من در تاریخ سی و یکم نوامبر سی و یکم نوامبر روسیها و در دهم
نوامبر فرانسه است مرقوم فرموده بودید دریافت نمودم در آن تعلیقه بنده را اظهار فرموده بودید که
پس از مقاومت دلیرانه که از سپاه محکوم من مشاهده کرده بودید شما ناچار شدید که حتی الامکان

دور پلونا را احاطه

دور پلونا را احاطه کشیده و آن شهر را از امداد دریافتن محافظت فرمایید
اگرچه من تسلیم به نواب والا در خیالات لطیف بزرگ درام
و ملتفت می‌باشم که این اظهارات ملاطفت آمیز را محض منع ریختن خون فرموده‌اید ولی هر قدر اسباب احتیاط
دور پلونا کامل باشد تکلیف نمی‌توانم بخیال آن باشم که امر کنم سربازان رشید من بر اتفاق چیزی خوانده‌اند چه
افواج خاصهٔ امپراطوری سرداری ژنرال گورکو لشکرهای گورنه دوبنیک و تلیش را تسخیر نموده‌اند دیر کرده
مدافعه القلعه آخر تسلیم شده‌اند با بدین نهشته نواب والا وضع پلونا را بد خیال کنم در حال نخواهم ... که
در تکالیف سرداری خود قصوری ورزم و تمام سپاه دلیر من و خود من حاضریم که آخرین قطرهٔ خون خود را در راه
افتخار وطن خویش و مدافعه ریختن دهیم از رأفت والا اینجانبم که
احترامات علیه بجانب السب نموده قبول فرمایید عثمان سردار کل از معسکر پلونا بتاریخ سی‌ام نوامبر
سنه ۱۸۷۷ با وجود کمال قوت قلب عثمان پاشا ساعت سقوط پلونا چندان دور
نبود و چون دیگر آذوقه دریافت نمودن ممکن نمی‌شد این شهر ناچار دچار تسلیم یقینی شده بود

مطلب دوم

از فتوحات اول ژنرال گورکو ثابت شد که یقین لازم است که راه صوفیا را در معرض عمل درآورد که
این اعمال را از راه راهوا ... جاری نمایند و چنانچه سابقاً ذکر و هم ژنرال کرلیف در باره سپاه بر
تلقون کشتی یقینی ... متهم کرده بود پس از گفتگوی سردار کل عساکر دانوب به سرداری رومانی فرار
رفتند که اسبابی فراهم آوردند که این جمله جنگ را از طرف دشمن بیرون آوردند زیرا که این جمله فقط امکان
برای عزیمت صوفیا و بدین لهذا بیان اعمال جنگی الطرف دانوب را از دست داده و از ارکان مجلا را

گرفتند که از تجاع الاتصال در ساحل بیرد وانوب که متعلق به رومانی است تهدید و خوف
وارد و نیاید و از آن قبیل اردو که ترکان حملهای عدیده کرده بودند دفعه جسر مجبور شدند که نکنند حمله این
محل جسر بپایستی با اردوی رومانیان بهم پیوسته و با قشونی باشد که جسر و محاصرین پلونا هستند
کلونل اسلان عیبانو از اردوی روسی و کمک که ترجیح کرد نقشه خود را
با چند قلعه وادین بسته او در توپ اندازی تحتی با این نقطه کرد و پس از یک خمپاره
انداز محصری این یک انبار خانه آتش گرفت و فورا انبار قورخانه ترکان سرایت کرد در زمان
قلیلی جسر و خسارت و آتش گرفتن قورخانه وضعی بدست آوردند و ساخت روز سنگر بهادر
و دانزد کردند در سنگر از این فتح اول بهره برده شد و چون بچه را در تصرف آورد و برای تو رفتن
و تجارا امر کرد از تکاب سخت و روسی دیگر نامبرده از هم نو میر آن از اذیت کردن دشمن غفلت نکرد
و بعد کلونل اصلان عیبانو مرکب بود از شش باطالیون پیاده و ده
کلاراسی و چهار باطری توپخانه که است و دو عراده توپ داشتند این قشون را مامور یورش
و بر راهوا نمودند بار آن میان درف ژنرال با شورور که بامر اطراروس که از اردوی ژنرال کو
کو در اطراف رود ویدا جدا شده بود و یک بریگاد روسبوری و یک فوج علام روس و دو باطری
سواره یک رومانی با شش عراده و دیگری روسی با خود داشت بپایستی به سمت راهوا حرکت کند
در اعمال جنگ که برای این شهر ترتیب داده بودند شریک باشند پس از آنکه برابر راهوا رسید ژنرال
میان درف برای تقویت سواره یک باطالیون از فوج اول دروباشری طلب کرده و در یافت نمود
ژنرال میان درف و کلونل اصلان عیبانو پس از آنکه با این عساکر خود را مربوط کردند

و با یکدیگر کنکاش نمودند قرار بر آن دادند که روز نوزدهم نوامبر راهوا را یورش برند بحمله واقعی بجانب
از سمت مشرق و بعد عساکر گرد عثمانی برده شود و حال آنکه ژنرال میان درف با سواره و اندک
پیاده که داشت بپایستی از سمت مغرب راهوا اعمال مستقیمی و تهدید را اجرا نماید و قوت ترکان را
رو به آن سمت یک کشند تا حمله اصلی هست از این سپاه کلونل اسلان عیبی نو مجمل آنچه در روز نوزدهم
از دو طرف رو به یمین لب راهوا اعمال جنگ شروع شده و تقویت آن اعمال را بواسطه باطریهای
رومانی که نصب کرده بودند مجری بدارند تشدید بعد از ظهر ژنرال میان درف که اعمال
تحدید خود را جاری نکرد مستحضر گردید که یورش به سمت مشرق در برابر پایداری ترکان شکست خورده
آن قسمتیکه در آن بود و پس از آنکه سنگر را در تصرف آورده بین راه متوقف شده و کلونل اسلان
عیبی نو از او خواسته که یورش خود را از این سمت تحکیم کند ژنرال
دو دسته از باطالیون دوروباشری را روانه کرد تا سنگر ترکان یورش برند این دو دسته
آتش جانگداز دشمن پیش رفتند و خندق را در تصرف آوردند ولی این فتح با ضرر زیاد حاصل شد
نصف مأمورین تلف شدند توپخانه با آتش خود و غلامان و سواره روسوری که جنگ میکردند
نتیجه تقویت از این یورش بر غرب راهوا نمودند ولی ظلمت شب جنگ را بانتها رسید و اگرچه
در مواضع حالیه استقرار یافته بودند ولی دشمن را با وجود خسارات فراوان مجبور شدند از راهوا بیرون کنند
روز بیستم نوامبر تجدید یورش شد شب دیگر ژنرال میان درف آن
باطالیون دو باشری را مأمور پل رودخانه اگوسنت کرد و آن راه منحصر بود که ترکان مجبور شدند توپخانه
خود را بتوسط آن عقب نشاندند آن باطالیون حکم داشت که در دو طرف پل از برای خود جان پناه

۵۰

ودر کمال سختی راه عبور را بروس ببندد و چون ترکان در ترتیب دیدند که حرکت دورانیدن رومانیان
جهت گرفتن اورسیان بیهوده کردن راه عقب نشستن ایشان شروع شده و بیرون از تدارک یورش
این دلیر که در ساحل دانوب واقع شده [illegible] بود انحصار یافتند که ژنرال لوبو سرکرده قشون قراول در
صدد آنست که سپاه را بواسطه جنابی قوری از دانوب بگذراند و یک باطالیون دوربانشری از عقب
بجنگ راهوا یورش برد ترکان جرأت انتظار جنگ را نکرده و عقب نشینی ایشان شروع شده و از راهوا
بیرون آمده رو به پل بررلکت گذارده اند و آن باطالیون دوربانشری که در سر پل بسنگر مختصری نشسته
بود و مأمور بود که آن را به راخی الامکان حفظ کند تا سواره ژنرال میان درف عساکر الوای جمعی
کلونل اصلان عیسی نور برسند چون بواسطه قراولان سواره از پیش آمدن دشمن اطلاع یافت
ترکان را با تیرباران تفنگ سختی پذیرایی نمود و جنگ خونریزی در گرفت ترکان از جان گذشته
کوشش بکردند که از پل بگذرند زیرا که راه فرار ایشان منحصر به آن بود و پل دیگری در اکوست نبود
و آب رادوی و سواحل سنگی صعب المسلک آن مانع از عبور بود و چون ژنرال میان درف
پیاده دیگری نداشت که به امداد آن باطالیون بفرستند باطری رومانی را با دو اسکادرون سواره
روسیوری مأمور کرد که نقاط مرتفعه مشرف بر پل را پیش گیرند احکام او مجری شده و آتش باطری
رومانی انگلیز که در طول اسک بود ترکان نخواستند در آنجا استقرار یابند ناچار روی گردانیدند
اما ترکان باز دست از قصد خویش نکشیدند و با وجودیکه باطری روس نیز بامداد آمده بود با
خونریزی جدیدی تجدید یورش کردند اما تیکه شلیک با سرنیزه باطالیون دوربانشری کار
عثمانیان را تمام کرد و در حالتیکه سوارها در عقب ایشان تاختند از هر سو گریختند و در حینیکه

[illegible]

این جنگها در اطراف پل میشد یکدسته روسیوری را بسر راهوا فرستادند و چون شهر را خالی دیدند
فوراً تصرف نمودند روسیوریها و غلامان در کمال تعجیل از دشمن تعاقب نمودند ولی ترکان فقط این
ورودخانه راهی انتخاب کرده بودند که زمین آن مناسب حرکت سواره نبود لهذا بسمت لم پالانکا
فرار کردند و سواره مجبور شد که از تعاقب ایشان دست کشید

حاصل جمع عساکر رومانی و روس که در این جنگ بودند پنجاه هزار مرد میشد
و حال آنکه ترکان بیش از ده هزار مرد نداشته اند از رومانیان چهار صاحب منصب مجروح و صد نفر از
پا در آمده بودند   راهوا یکی از قصبات مختصر عثمانیان است که در کنار
شط دانوب واقع است و عبارتست از خط طویل خرابهائیکه در درجه های عدیده بنا شده
است و چند مناره سفید در آن خرابه ها طلب کرده اند اما از حیثیت نقطه جنگ تسخیر این قلعه معتبر بود
زیرا که با آتش متقاطع طرفین خط مراوده ترکان از ویدوین تا دانوب سفلا غربی بکلی قطع میشود
و مدخل رود وید آزاد گردید افندی متصرف ویدین بشرح تخلیه راهوا از اینجا می نویسد

تاریخ بیست و چهارم نوامبر یکشنبه قبل از ظهر پیش از آن چاپار که
حامل حکم عقب نشینی قشون راهوا از سمت لم بود برسد و آن عقب نشینی به اقتضای علم
جنگ بود و مدتی قبل از آن وقت یکدسته قشون دشمن که مرکب از هفت باطالیون پیاده و یک
فوج سواره و سیصد عراده توپ بود بسنگرهای راهوا حمله ور گردیده در جنگی که تا دو ساعت از ظهر
رفته طول کشید روسها نتوانستند در برابر پایداری سخت سپاه عثمانی مقاومت نمایند و صد و صد
کشته از ایشان کشته در پای سنگرهای ما افتاد و ناچار عقب نشستند و همراه خود تعداد کشتگان خویش

رنجه دارند اما در جائیکه دشمن تمام راه را گرفته بود قشون سلطانی با اسلحه و ذخیره خود شبانه حرکت عقب نشینی

خود را از راه اسپالم شروع نمودند دشمن پل رودخانه آکوست را که یک فرسنگ و نیم جلو راه ما بود بریده و در طرف

داشت سپاه ما [illegible] بر پل حمله ور شده ولی با وجود قوت و سعی کامل نتوانستند از پل بگذرند و در صدد آن

برآمدند که از پل دیگری عبور کنند و چون راهی را که انتخاب کرده بودند باتلاق بود جهت حرکت توپخانه و قورخانه و ضیا

ناچار شدند چادر و سایر اسباب دیگر را کنار زنند و در آنوقت دشمن حمله نمود و عقب سپاه ما هجوم آورد

رسیدند اما آن قشونیکه پیشتر از باتلاق بیرون رفته بودند توپها را نصب نمود و از بقیه سپاه حمایت کرد

ولی با وجود کوششهائیکه در این باب نمودند هشت و چهار عراده را که علامت هلال و ستاره

قرمز نشان عثمانی در روی آنها بود و بیرون از باتلاق خوش بودند با صندوق قورخانه و صندوقهای

دفتر محاسبات و سایر این محل نتوانستند از باتلاق بیرون ببرند ناچار در گل ماند گفتند با حرکت

عقب نشینی زیانی وارد نیاید باری عساکر ما با توپخانه و تمام سایر ملزومات روز بیست و دوم این ماه وارد

الم شدند یا زنوز چهری بیک سرتیپ و صاحب افندی نایب سرتیپ عده دشمنهائیکه از اول

حمله ور شدند بیشتر از پنجاه هزار نفر بودند و علاوه بر این سی و چهار عراده توپ داشتند و ما بیش از سی عراده

نداشتیم اما خداوند را شکر که بیش از بیست نفر کشته و چهل نفر زخمی نداریم در مدت عقب نشینی

شبانه سربازان بچندین دسته دشمنی که در کمین بودند برخوردند و در جنگهای بین راه قشون ما چهل و نه

مقتول داشت که از آنها صادق بیک احمد آقا بود و چهل و هفت مجروح داشتیم و اگر چه اراضی

کمال قوت را داریم ولی از کشتگان و زخمهای دشمن خبر ما خیلی کم است   آخر راپورت سرتیپ

در همان نیمه راه و دوازده ماه کامل میکرده و دو بار بسیج در قصد خروج عثمان پاشا در ماند بود

فصل چهارم

فهرست

مطلب اول

بعد از شکستیکه ترکان در سر کونا پیش آمد محمد علی پاشا را باسلامبول خواستند و سرداری سپاه چهار

ضلعی عثمانی را به سلیمان پاشا واگذار نمودند اگر چه این بی اتفاقی نظر با سختی میآمد ولی چنان بود که سرداران در دیگ

حشمت ایشه این بی اتفاقی باعث شد که سنت محمد علی پاشا در ترتیب و جمع آوری سپاه نظم عظیمی بروز داده
و به این فنون یک استحکام و قوت بخشید که مثلا در تحت فرمان عبد الکریم پاشا هیچوقت آن استحکام را
نداشت و بواسطه کوششهای محمد علی پاشا بود که جنگهای مخاصرت آمیز کرده شد و لشکر زیادی از لشکر دو اسکی جمعه
عثمان بازار حرکت و از قرالم گذشت و تا یکالم که چند هزار ذرع تا ترلا مسافت دارد پیش آمده لیکن
افسوس که محمد علی پاشا آن استحکام و قوت قلبی را که مقتضی آن وقت بود نداشت نمیتوانست بفهمد که
پایداری دلیرانه عثمان پاشا برای او موقعی است که بهر نحو که بود جابلسبی آن موقع اغتنام شمارد و از جمله
تعرضی ... رسید و وقت گرانبهای خود را در جنگهای بیفایده و بی نتیجه عمل ضایع میکرد و بعد از شکستهای
تنبیه نظم سپاه سرحد این سردار را کم کم شد و طول بازگشت فرو کوبیده و حال آنکه چندان
خطر از او دور نمانده بود پس سبب عزل محمد علی پاشا معلوم میشود که شبهه نیست او مردی بود که کامل
این وضع باشد و از انتخاب او بسم که بابت قائم مقامی او کرد معلوم میشود که کمال جابلسبی قوی تر
سریع تر جاری کرده اما فی الحقیقه مقصر واقعی سلیمان پاشا بود و مناسب بود که او بیشتر مورد غضب شود
اگر محمد علی پاشا ضربتهای کاری بکار نبرد و سردار کل سابق مامور به قراطاق نکرد و چون تو تنها خبر آگرده
دست داشت بیهوده در گردنه شیپکا تلف کرد و حمله بر لم جنگ ... نمود اما در این جنگهای بی ثمر سلیمان
پاشا یک پایداری و یک استحکام بی نظیری بخرج داد که مورد ملاحظه خواص و عام گردید و مخصوصا صفات
یکی در او بود که انتصار را جابلسبی محمد علی پاشا داشته باشد و از این بابت سرداری کل عساکر لم
بدین وضع تغییر کرد اما افسوس که خیلی دیر شده بود و در اول اکتبر وضع دیگرگون شده بود و وضع اردو
... او نبود که محمد علی پاشا در آن وقت حرکت حمله خود را آغاز نموده بود

... راست که عثمان پاشا هنوز در پلونا مقاومت داشت و در ماه
سپتامبر چنان حملات سخت را با قوت قلب پس نشانده بود که سرکار ... که بالاستحقاق او را
او خود را آسوده پنداشتند اما بعد از زوال نوت لبن علامات اضطراب سرکردگان بروز کرده بود و چنانچه گفتیم
روسها شروع کرده بودند که بجانب مغرب حرکت کنند و از زوال کرجو بواسطه حرکات ... صلاحیت کارها یکی
زوال گورکو را آماده کرده بود و سرکردگان روس هم در همان وقت لشکری در ارخانه و صوفیا جمع آوری میکردند و بهیچ
که خط اعمال جنگ حالیش تغییر خواهد کرد در تمام ماه سپتامبر سرکردگان جابلسبی در تمت لم عمل میکردند که
در ماه اکتبر از صوفیا میدان ضمیمی جنگ می شد و شکی نیست که سرکردگان جابلسبی رو به بیشتر لشکر بزرگ روس حرکت
کنند ... آن اگر از آن چهار ضلعی عثمانی حرکت میکردند خط عقب نشینی سرکردگان امن مطمئن بود و در صورت
شکست میتوانستند تجدید جمع آوری کنند در روسهای فتح و منصور ناچار در برابر اردوی بزرگ لشکر ... بی
شدند سرکردگان متوقف شدند یک نحوی که از همیشه از طرف ترلا و دره زان تره ... مطمئن میکرد و میدید و از آن
وقت تمام رقابت روسها بهم خورد یعنی جابلسبی تیرنوو و شیپکا را که مراد و مد نظر شده خالی میماند
بالاخره یک حرکت سریعی ممکن بود عثمانیان را به دانوب یعنی نقطه مقصود نزدیک دشمن برسانند و یا عکس اگر اینها را
شکستی روی میداد روسها از جانب این خط ... اگر این استحکامات فیلی بوبولی و اندرنوپل
عقلا را ... بسهل العبور از آن امکن بود و سرکردگان جابلسبی در خطر باشند آن را بر ... محفوظ کنند ... لکن
آن که گفته شد بود که ... وضع تحت نظر شوند و علاوه بر آن روسها خطر فهمیده بودند و در برقراری خود مهیا شده
حمله اول محمد علی پاشا از ... عظیمی بجنگ آورده بود و چند روز از حمله خود را از دست داده و لیکن پس از آن
نوبت اول که گذشت در کمال تعجیل سنگر بندی کردند و هر جا لشکر ... خطوط مدافعه ترتیب داده که عثمانی

انهار را اشکال کلی داشت اما معلوم بود که در شورای جنگی روس یک نامی پیدا شده بود
روز بیست و سیم سپهسالار دستور العمل نظامی حکمی مطبوع نشر گردیده که سپاه
ازاندوک ولیعهد روس که سرداری قشون روچوخ منصوب بود با سوار سواری قراول خاصه امپراطور گردید و
سرداری سپاه روچوخ موقتا میوتبان ژنرال و اوشکی سرکرده اما مازوران آن اردو تعلق گرفت و
فردای آن روز شاهزاده روس که سردار قراول خاصه امپراطور بود حکم رسید که دوباره بسرداری قشون
روچوخ منصوب شد و شطر حکم مجدد ذکر دو مجمل است که سبب این تغییر صریح آن بوده که خبر نزدیک ورود سلیمان
پاشا اگرچه بر سر سپهسالار نبود داشت ره یافت و آنکه در کل سابق قشون مامور به قزاق در شیپکا جان قشون
قلبی بروز داده بود که روسها یقین داشتند جنگها را با قوت تمام بجانب لم خواهند انداخت و سپاه یکم
قشون چهار ضلعی عثمانی بهترین عساکر این دولت بود و تا آن وقت خبر خشم رحم حرب با انهار رسید لجه
وان خشم رحم بعنوان فتوحات عدیده انهار را از نظر محو کنند اما آن روس که انتظار عمومی حاصل شد
دیگاهی انیک بقوت تمام پیش آمد سلیمان پاشا حرکت عقب نشینی محمد علی پاشا را پیش گرفت و
در مدت چند روز تمام فتوحات سابقه از دست رفت و عساکر ترک در حالت مدافعه افتاد و
تکرار انهای اول سلیمان پاشا هیچ جه از مقاصد آنسردار کل خبری معلوم نکنند و چنین بنظر آید که
شبیخون برده شده ولی ما انهار را مرقوم نکنیم زیرا که از انها ضعف آنسردار معلوم می شود
بتاریخ هشتم اکتبر جمعه گذشته سه دسته پیاده و دو تکا در دون سواره
روس بر سپاه سلطانی که مدافع دره کرلویک بود حمله ور شدند ولی دستر رانده شده و سه دسته سواره
دشمن با طابور پیاده روس با دو عراده توپ بتجدید حمله را کردند ولی با سطوت دلیری ثبات قدم قشون

از قبایل سربازان معاون با دشمن پیش آمده روس پس صرفه نبرد و عقب نشست و چند تن کشته زمین
افتادند و پس از آنکه سرباز مجروح شد اما مسجد کرلویک تا آن طرف سربازان با اسب و اثاثه زیادی جمع
کردند سرکرده عثمان پاشا را که این اخبار را برای من می‌نویسد می‌نویسد که دشمن قصد یورش تقریبا میچه گرده
حمله او بکلی رانده شد و فورا جمل بازگشت فرو کوفت
بتاریخ نهم اکتبر در روز دو حمله بسمت کرچشمه و زنت ریگ برده شد و امروز دلاور پاشا
سوار چرکس بقصد تفتیش از سمت پرکس رفته است و چون بدانجا بطرف این محل رسیده است
دلاور پاشا یک فوج سواره در پای سنگر که روسها بر تپه ساخته‌اند و بعد خالی کرده بودند ملاقات نکنند
چرکسها سخت بر دشمن شلیک نکنند و انهار را از آن محل بیرون جنبانید و چون بعد از سواره
سواره رو بمراجعت نهاد روسها مجددا در پای سنگر پیدا شدند چرکسها را اجبار کردند دوباره بروی ایشان
شلیک نمودند و همان نتیجه حاصل شد و چون اطراف سنگر را گردش کردند مخفی شدند که طابور
پیاده روس در آن طرف تل قراول است اما چون شب نزدیک بود و دسته دلاور پاشا از دشمن دورتر
تر از خود محاربه کرده بود با وجهی که دشمن دوباره سنگر منصرف شده بود تکلیف خود را در تجدید محاربه ندید
و در اردو معاودت نمود در صورتی که تجدید و استقرار کسب اطلاعات خود پیش کرده بود
الم باشد اما از روسها سه قزاق و دو سرباز کشته گردید
دو پاسه سرباز را پا درآمد چنین لازم است برای سردار که در شیپکا جنگهای پول اکبر کرده بود اما نتیجه که
که قبل از واقعی چه بسیی قوتهای دشمن را داشت و اراضی اطراف را سنجیده و فهمیده که از کدام
عمل کردن ترجیح خواهد داشت در یکی از فصول سابقه مذکور داشتیم که

رکان علیا بیتی بکار از این سه طرح را قبول کنند اولا آنکه میتوانستند رو به پرکس که در آنجا پلیها
که روسها بر روی دانوب قرار داده بودند قطع نمایند و تمام قشون شاهزاده روس را که در دره
زانترا هستند به جای گرفته بودند در معرض خطر اندازند ثانیا ممکن بود که رو به بزلاروند و مابین عساکر
دشمن تفرقه اندازند ثالثا میتوانستند بسمت تیرنو حرکت کنند

از اعمال محیج امیر محمد علی پاشا چنین بر می‌آید که بخواست
آن دو فقره آخر را باهم انجام دهد زیرا که اول چنین بنظر آمد که سردار اکرم قلب سپاه روس را تهدید
میکند و بعد رو بمیمنه آن منحرف گردید ولی سلیمان پاشا برعکس او چنان بنظر آمد از روز اول
مقصودش آن بود که بسمت دانوب عمل کند و مقصود اصلیش پرگس بود و سبب این
قصد بخوبی مفهوم می‌شود از یکطرف بازگشت کامل ژنرال گورکو سبب باشد که حرکت عساکر
عثمانی بجانب تیرنو خالی از خطر باشد و از طرف دیگر پرگس نقطه ذوکریچ چهار ضلعی عثمانی بوده
صورت شکست عقب نشستن اردوی طهماسبان می‌شد و تصرف پرگس ممکن بود ضرر از خطرات
قشون روس که در دره زانترا بوده اند وارد آورد زیرا که آن قشون راه مراوده‌اش با رومانی بکلی قطع می‌شد
راست است احتمال کما ینبغی داشت که چون چلبی در این مکان از لم گذشت و خیمه صاحب الملک و از دیگه
ماها بود و روسها سخت مدافعه کنند

از هشتم تا چهاردهم سپتامبر
پاشا مشغول بجمع آوری لشکر بود در قاضی کیوز و تقریبا تمام قوش در آن نقطه مجتمع شده بود روز
یازدهم بغته لشکر تفتیشی کشید بجانب یوان چفلیک که در جنوب به رود خوخ واقع است بعد از آنکه
در تمام روز چهاردهم از توپ انداختن شده بدی مدارک این جنگ را دیده بود پس عقب نشست

چهار باطالیون عثمانی با تقویت سواره بر پیش قراولان روس یورش بردند و آنها را پس نشاندند
ولی اردوی روسها ملک رسید و آنها هم نوبت خویش حمله ور شدند و پیش جنگلها را دور کردند طرف
شب ژنرال کسیج رئیس آتامانوران اردوی سیزدهم رئیس بحکم شاهزاده ولادیمیر الکساندر
ویچ قصد جنگ تفتیشی نمود با شش باطالیون پیاده و نیز چهار عثمانی در طرف لم لشکر بندی کرده اند با بریزا که چند دسته
بود از چرکس در آنجا بنظر آمده بود که با سکادرون از قوچ قزاق با تحمل پیشرفت بدون آنکه دیده شود چه قرار
رجیکسها رو دو باب از انهدام ساخت و چون ژنرال کسیج فهمید که هیچ قشونی از عثمانی در آن مکان جمع
کرده که پیش قراولان در همان اماکن شرف بر لم مسکن گزیند صبح روز شانزدهم قراولهای پیش قراولان
عثمانی را از پیش برداشتند و آنها را تا بو اعلیک راندند تا عقب جزار ماند ارکان دو نوبت کوهستانی
اورزوند و بعد نتیجه چند نیز خالی کردند و پیش قراولان عثمانی پیش از قصد با مقصد قدم از قراول برگ
روس دور شوند هر اندازه پیهای دائمی تمام روس عساکر طرفین امید از و داشت اما از دو طرف کیا
در جنگ متری جز اینکه شده سلیمان پاشا در باب این دو شبیخون بیسلامبول دو تلگراف ذیل را کرد

سه شنبه یازدهم اکتبر امروز چرخ برده که چند باطالیون پیاده و بلکه سواره
پرگس و کیلی خیمه نمودم دشمن جز آنست به واسطه باطریهای خود که مابین ملکا و پرگس داشت جلوگیری
مانع شود و تقدر صد گلوله توپ بر ما انداختند که هیچ ضرری بر ما نرسانیدند پیش قراولان روس خود در مجمع
یافتند که با سنگر بندیهای خط مدافعه خود عقب نشستند غیر از این خبر دیگر تازه نبود خدمت شما عرض کنم

سه شنبه دوازدهم اکتبر بعد از حرکت تفتیشی دیروز
بلندیهای پرگس و کیلی خیمه روسها بخیال اینکه من امروز قصد یورش دارم در ساعت یازده و نیم

یک دسته تفنگچی که عبارت از ده نفر بکار درون سواره بود فرستادند که بر پیش قراولان اردوی ما حمله‌ور
شدند سوارهای ما با امداد پیش‌قراولان پیاده اطراف آن دسته قشون را را اندند و ازانها ده نفر کشته شده و از
ما یک نفر کشته و سه نفر زخمی شده‌اند آخر   این سردار کل مخابرات مسطوره دیگر هم از رتبه تابعی که ایام
حفظ جدال روی داده بود نموده   حضرت نواب علاء الملک
کرده بودم که حکم برای سرکرده عثمانی بازار و **ابس زاکی** فرستادم که از روی قشون بسمت **کسر و جوبن** روانه
با تفنگچی نمایند که قوت دشمن در آنجا ده وحیت سعاد الدین پاشا که در جلو **لبه زنگابت** را بوده است در
که مطابق است با تلگراف سرکرده **اسلیمه** در آن را پورت میگوید که قشون منقش در سنگر **ماربانه**
یک با طالبون پیاده و دو دسته سواره روس را ملاقات نموده جنگ در کف و پنج ساعت بطول
انجامید دارد دشمن تعداد و یکی کشته شده و دو برابر آن زخمدار کرده بود این خبر را از قول دو اسیر روس نقل میکند
باری در آن هنگام چون سپاه معاون با دو باطالیون پیاده روس را دیدند که با دو عراده توپ از سمت **لیسیا**
پیش میآیند مطابق حزم و احتیاط دیدند که تفنگچی را بیشتر زیند لهذا با ده روس کار و بعضی غنایم دیگر
را ارد و معاودت کردند از سربازان در این جنگ یک نفر مقتول و دو نفر مجروح و دو اسب کشته شده بود در بیست
این جنگ بر حسب اتفاق قریه‌های **شغال محله سی و سرانده و پاپلس** آتش گرفتند و بنا بر تلگراف سرکرده
عثمان بازار بتاریخ سیزدهم اکتبر از تفنگچی معلوم شده که دستجات دشمنی که در حوالی **کسر و جوبن** آمده
بودند یکشب در آن دو مکان بسر بردند و بعد بسمت **برلا** حرکت کردند و حالت سپاه روس در آن اماکن است
پیش است در تلگراف دیگری که سرکرده عثمان بازار بتاریخ چهاردهم اکتبر فرستاده میگوید که سربازان
خبر تفنگچی در اطراف **فور ومیرا و پاشا کوئی** بوده‌اند مدد دسته پیاده روس برخورده‌اند و با یکدیگر

و تفنگ از انها برداشته کردند دشمن فرار کرده و دو تن از ادوکات صفا و یک نفر ... و دیگری از دشمن که در قریه **جماله**
تفنگچی آمده بود با پیش قراولان با ملاقه و منهزم کردند در تلگراف سیم سرکرده **لبیترانگی** منصوریست که بعد از
تجسس معلوم شده است که چند روز است چند باطالیون روس از **کاررود** بیرون میروند در قریه **جایرکوی**
میگذارند و جماعت دشمنی که در **مرمرباش** و **الان** مقیمند عده‌شان کمتر از شش هزار است و سرکرده **جمعه** تلگراف میکند که
یک دسته تفنگچی روس مرکب از چهار اسکادرون سواره قریه **باپاسکوئی** شرف و دیوار آن را آتیش
زده‌اند و تا **سواجا** انها را تعقیب کردند
بتاریخ فوق سرکرده **روجوخ** بتاریخ یازدهم اکتبر بمن تلگراف میکند که است ساعت و نیم از شب گذشته که
سربازان روس در محل قراتپه که در کنار رضا است از تفنگ خالی کرده سربازان ما جواب گفتند و بعد از نیم ساعت
آتش و تیرانداز در ما سکنی خاموش شده است پاشا در همان تاریخ بمن تلگراف میکند که دسته تفنگچی که
سولینگ بیرون آمده ملحق شده بر آن دسته تفنگچی که از **جمعه** بیاید ملاقات کردند جا سوسان روس را
در **قارچیو** او در جنگ سربازان ما کفر را با براق و اسب اسیر گرفتند و باقی دو نفر را که فرار کرده‌اند سرکرده عثمان بازار
بتاریخ سیزدهم اکتبر تلگراف کرده که صد و دو از نقیبهای معادن   رئیس بابا الهم یکی نوع زور و خانه
در راه **کروا** پیش افتاده بودند و یک دسته از پیاده و سواره روس برخوردند در آن جنگ بعضی‌ها و دو سوار
روس را با اسبهاشان کشتند و بدون هیچ آسیبی مراجعت کردند و روز چهاردهم یکدسته دیگر از سوار
روس نا قریبستان **جماله** پیش آمدند ولی پیش قراولان انها را پس نشاندند و سابق تلگراف
که در بر روز سرکرده **بسیوتو** کرده است روس سیاه روز یکبا طالبون و دو باطالیون از قشون و ذخیره **کاررود** بیرون
میبرند   آخر راپورت روز سیم عراقجان و پیش قراولان سوار

ترک در نیزوا که در جنوب قاضی کیوی است حمله ور شدند روز بیست و چهارم چون روسها استحکامات
فهمیدند که سلیمان پاشا چنین بنظر میاید که عساکر خود را عقب میبرد جنگ تفنگی عمومی و عساکر
دشمن ترتیب دادند شش دسته قشون رو به بازار بوار نیان چفنیک قاضی کیوی و نیزوا و انگیک و
کستانکا نهادند روسها یک ارض و سیرا
محور تجسس کرده بودند ولی نایره جنگ در میسره روس بیشتر اشتعال گرفت و بعد آتش توپ دوان
پیاده نظام روس در پناه
توپخانه اعلام مجادله نمود
عثمانیها در آن روز جنگ اردو زده بودند و بفاصله رودخانه که تقریبا خشک شده بود با یکدیگر تفنگ
رد و بدل مینمودند این رودخانه در زمین جلگه پستی که ساحل کم ارتفاع شیب کمی دارد و مزروع و درخت زار
فراوان است ولی ساحل دیگر مرکب است از تخته سنگهای خشن و پرتگاه که عبور از آنجا خیلی مشکل میکند
از طرفین در تمام روز آتش دائمی قطع نمی شد
روسها چندان تعدادشان زیاد نبود زیرا که بیش از پنج باطالیون از قسمت سی و سیم و سی و پنجم و
یک ستون قزاق نداشتند و فوج کرسنر که تمام روز را در کنار رود دلم بود و بیش از همه جنگ را کشید
تقریبا دویست نفر زخمدار و دوازده نفر کشته داشت فوج خرسن قریب بیان بغنیک را از رود رفت
در همین قسم که در حرکت بود از رود گذشت و در ساحل ایمن بجانب سنگرهای عثمانی که در جلو قاضی
کیوی بودند یورش برد و این یورش بتنهائی شکست خورد و بروسها زیانی رسید در کسواد رسید
روس از آب گذشت و بی نتیجه جنگ سختی شروع نمود در سایر نقاط جنگ چندان معتبر نبود
و عبارت بود از تیر اندازی تفنگ که در تمام مدت روز متصل بود شاهزاده روس خود سرکشی تمام

[illegible]

مقدر بجنبش آمدند تا از جمیع نقاط متصرفی عثمانیان اطلاع حاصل نماید
این کشیکی ها بی همچی نتیجه دلان ایکسرس بر توپخانه داده بهر اطراف بخشیده شاهزاده
گراند دوک سرژ ماکسیمیلیانویچ کشته شد این شاهزاده بیست ساعت منتظر مانده در رستوزیرا
کلونل سدر از اردوی اتامانوران بیرون آمده بود و بیست ساعت منتظر مانده که الکسی شاهزاده
بمحلی که برای او مشخص شده بود رسید آنوقت سوار اسب شد و تا خط روس پیاده و ذخیره که دارد
و جنگ تازه شروع شده بود و صدای توپ و تیر اندازی تفنگ گوش میرسید شاهزاده در روی
یک جعبه ای توقف بود در برابر او یک تپه بود که در بالای آن یک زنجیر بهادران ارتش بود
ذخیره جنگ میکردند و در طرف راست شاهزاده یک تل دیگری بود که در تصرف توپخانه روس بود
ترکها تقریبا دو هزار ذرع با او فاصله داشتند شاهزاده پیش آمد و تقریبا به ضلع آن سر زنجیر بهادران که از تیر
اندازی دست کشیده بودند رسید ولی بمحض اینکه توقف نمود در برابر او در آمد یک گلوله در بالای چشم خورد و
دهنش از درفت یک نیم ... نایب شاهزاده سرژ ماکسیمیلیانویچ رمانوسکی دوک
دولشتامبرگ بیست و ... سال داشت و بواسطه قوم خویش بزرگ بود خود شاهزاده سرژ
الکساندرویچ که ولیعهد دولت روس است نیز کشته شود این شاهزاده در وسط یکی از
توپخانه روس در کسوه ایستاده بود که یک قشون عثمانی روی صندوق قورخانه افتاد که قورخانه آتش گرفت
ولی هیچکس آسیبی نرسید تلف شده کالان روس
در آن روز از پانصد تجاوز نبوده و در جنگ میر بیش از دو ثلث صاحب منصبها زخمدار شدند
روز بیست و پنجم قبر سلیمان پاشا تلگراف ذیل را به اسلامبول کرد

اصف پاشا سرکرده قاضی کیوی من خبر رسید که دوازده باطالیون پیاده دشمن با سه باطری توپخانه رو به یووان
غلیک که در طرف یمین حرکت کردند در همان هنگام دوازده باطالیون پیاده و سه باطری توپ
و عده زیادی سوار عسکر با یورش آوردند حمله ایشان بسیار شدید بود یک سخت شش باطالیون پیاده
دیگر روس با یک باطری توپخانه و دو فوج سوار از اطراف قریه مینی چلیک از حرکت کرده بودند و که تنگیم
دیگر از سپاه روس بر کپ از یورش باطالیون پیاده بر چهار دسته از باطالیون دوم محزان حمله ور
شدند که با وجود قلت تعداد دشمن را از اندند و منهزم ساختند بعد از آنکه چند بن یورش شکر
برده بودند لکن یک ساعت و نیم طول کشید ولی چون در آخر جنگ احودان بازور با طالیون مزبور
دو زخم برداشت قشون با زرگ رزی خویش کفت شد و طبل بازگشت فرو کوفتند روسها تجدید یورش
و نابل یواوان غلیک تعاقب سربازها نمودند و از آنجا ده دسته پیاده در تحت فرمان حاجی احمد
افندی احودان بازور با مداد سربازان ما رسید و جنگ سخت تر شروع شد و این دفعه دشمن
بکلی منهزم گردید این کار تا یازده ساعت از شب رفته طول کشید منت خدا را که در سه خطه جلادت
سپاه ما دشمن از تمام اطراف یووان غلیک رانده شد و شیقر اولان ما نتوانستند دور از
در اماکن خویش در برابر قلعه مزبوره جای گیرند خسران دشمن از شش صد مقتول و شش صد مجروح و یک بیرق و
مقدار زیادی اسلحه که بچنگ ما افتاده راپورتهای سرکردگان ما وقتیکه این تلگراف گفته شود
رسید ولی میتوانم خسران خود را بدین طریق حساب کنیم احودان بازور و چهار سلطان و نه نایب
سرباز زخمدار گشته و تقریبا شصت نفر سرباز و چهار منصب کشته شده از گفتگوی اسیرها معلوم می شود
که قوه دشمن در این اردو تا چهار قسمت سپاه میرسد یعنی او اجمعی چهار امیر تومان

همان روز سلیمان پاشا تلگراف ذیل را در باب جنگی میکند که هیچ
در راپورتهای روس نیست و محل همان جنگ بازار یوا باشد
احمد پاشا سرکرده نظامی روجوق من خبر میدهد که امروز سه ساعت از روز برآمده روسها با قوه دوازده
باطالیون پیاده و یک فوج سواره و دو باطری توپخانه قصد آن کردند که از طرف جزیره للیک بر سر ای
جلو روجوق حمله ور شوند هشت باطالیون از روجوق بیرون آمده با کمال رشادت در برابر این یورش ایستا
یک ساعت معروف شد و پایداری کردند تا توقف دشمن مجبور شد که در کمال تعجیل طبل بازگشت بکوبند و از
لشکرهای که در برگس داشت ما من گزیده و از او قصد پنجاه تن کشته و دو آن زخمدار در میدان کارزار
افتاده و از ما معدودی از پا در آمدند گلولهای توپ که دشمن بر روی شهر روجوق انداخت چند خانه را خراب
کرد و دو نفر از سکنه شهر مقتول و چند مجروح شد   سلیمان پاشا در باب این جنگها
حضور نوشت و شکایت که از آن وقت قصد حمله کردن از طرف برگس را موقوف کرده در جانب
راسکراد رفت بود بعد از آن بسبب اتفاق جنگ در خطه روجوق در اسکراد و عثمان بازار می شد جنگ و
آن است که سردار کل کنون فتح موقتی نمود خبر از لشکری که عساکر خود را الحال بجنگ واقعی بحر لیکن جنگ هجده ساعت دوام کرده
کرای اسکه سربازان خود را خسته کنند روز دوم بواسطه تفتیش بست الار شروع شد و دو باطالیون پیاده
نظام ترک بیشت گری و دو باطالیون پیاده نظام ترک بشت گری دو باطالیون سپاه معاون نجرب
باشنه عرادهٔ توپ رو به بالای یرود در منتهای دراه ماریان و ایسا نهادند فوج سبوینک تحمل حمله ایشان
نمود روسها در کنان هرکجا فتح را نسبت بخود داده سلیمان پاشا در راپورت خود میگوید لشکر ما
بدستور العمل لطیف یک بر یک دیگر را در این دسته بود خود را انداخت در برابر لشکر رسید

که دشمن در راه دره ماهیان بالا نموده بود درست شنیده و از آن لشکر را بیرون کرده مجبور ساخت که با
شکست فاحش رو بفرار گذارد و پس از آنکه زمین کارزار از نعش کشته‌گان او پوشیده شد
از این گیر و دار از الما دو باطالیون و چهار عراده توپ پای دشمن رسید مغشوش با کمال بی‌قراری
آنکلوعاقبت لازمه نموده بود و چون روز هم به آخر رسیده بود بر خود لازم شمردند که همان فتح فاحش نموده
سا بر دوی اقامت خویش معاودت کنند

و سپهسالار در یورت خود سیواستپول شنیده که سرکردگان بعده چهار هزار پیاده با توپخانه که سردار دوئی را به معسکر فوج پیاده
سیواستپول نهاده‌اند که در کرده الما واقع بود دشمن سه چهار نوبت یورش برد ولی پس از آن شکست
چون با خرابی زیاده کلا منهزم کردید و بر ما چندان ضرری وارد نیامد و اگر از روی تعداد زیاد دشمن استنباط
کنیم معلوم می‌شود که این یورش قصد حمله مختصری بود که عبور از معبر الما را که دشمن منظور داشته و به واسطه دلاوری
فوج سیواستپول مقصود نایل نشد مقدمه جنگ بزرگتری بوده است

احمد پاشا سرکرده روچچق در همان تاریخ چند شبیخون حرب در اطراف
برگس عمل آورده و آن قلعه را چندپاره باران معتبری کرده و روز ششم نوامبر قسمت قشون روسکرادو سرکرده
نایب پاشا فرمان رفت که یک حرکت تفتیشی کند به جانب دو قریه باباکا و بلوبارکا که روسها قشون
تمام متصرف بودند و یک باطالیون و نیم پیاده و یک فوج سواره تو انستند پیشقراولان روس را از آنجا
فرا بیرون کنند و در همان هنگام رو به جنوب سواره رشید پاشا با قراول بزرگ بلوبارکا چند تیری
رد و بدل بکردند و کریم پاشا از اطراف عثمان بازار تلگراف کرد که سربازان او هر روز تلاش سختی
مخصوص در دست نی کیوژ کوکلو بیک روز چهارم که جنگ

میرزا ابراهیم

معبر دریکا سلنگیب روی داد و عساکر فوج ششم و نهم قراغ خلفا و چهار یورش شده دو شکست
خورده تا حوالی ارتسی نو عقب نشسته قدری از اطراف کالس نو قرابان را که سرکردگان بسته
تعاقب کرده بودند فوج سی و ششم قراغ جمع آوری نموده سرکردگان یک لحظه توقف کردند و تجدید حمله
نموده دشمن را از عبور از لم مجبور ساختند آن وقت فوج هوسار و نیم که کار دو ساعت پیاده دارد چند
نفر سوار خارج از نظام در رسیدند سرکردگان نیز به نوبت خود تا کالس نو پس نشستند و مجبور شدند
که زودی به سلنگیب برگردند تا از چنین دو چار حمله دشمن نشوند سلیمان پاشا در این باب راپورت را
دلیر اظهار نشد سر کرده‌گان عساکر سلطانی
که در معسکر اردو ی نیز حسین حلمی که در دامنه قریه باسربا واقع است در کنار دانوب اگر شهستان تمیز بوده
جای داشته حکم محکم داده شده بود که دشمن را آنی آسوده نگذارند پر وزیر به دست یک سپهسالار
از تیروش سلنگیب معلوم کردم که باید تدارک خود را ببینیم که یکی را در پیش به تنهایی که از تیرونس آمده
و قصد ضبط محصول کشم و علفیکه در این محل را گردانیده دارند سخت بگیرند تا بتوانند در روز نیمکش نیز
کرد که صبح روز پس هم به قصد آنکه از قوت روسها آنکه در کاترلو جایی دارند آگاه شد و سرباز در عراده
است که جهت حمل غله و علف قریه تیروس فرستاده‌اند بگیرند چهار باطالیون پیاده و چهار بکاد اوران
سواره و دو عراده توپ که جلو سلنگیب فرستاده شده است در کاتکه جا ایلین او دو غراده تو باطالیان
رو به قریه تیروش حرکت کردند و از طرف دیگر یک باطالیون با دو عراده توپ در جه شغف به نشینی کاتارلو
سه قراولی بر قرار شده پس از آنکه این ترتیب داده شد قشون بهم را بکه بسته سواره چرکس که از روچچق
سرکرده کی ولا دورپاشا بیاید ملحق شده و حرکت حمله خود را به شیر دوباره فوج سواره دشمن تلاقی نموده در برابر یورش نمود

اکثر عساکر با سواره دشمن با چاپار عثمان پاشا مخلوط شده و با محمد بیهای کازرلو فرار نموده چون عساکر ما در
برابر این محل رسیدند معلوم کردند که یک فوج پیاده روس در سنگرهای ایلاقو تحصن یافت و لیکن چون
شب نزدیک رسیده بود فرصت یافتن نشد و فرمان دادند که آن نقطه را در حین جنگ مگذرند اما
برای جنگ علی الاتصال و پشت سر را دوست نگهدارند [illegible] چند دسته [illegible] گذاردیم از روسها
چون حرکت ایشان حرکت عقب نشینی آمده است غنیمت شمارند و اما عقب کشیدند در چهار
یکمین کار [illegible] نفر از ایشان بخاک افتادند بغیر از آنچه زخمدار شده بودند و همچنین چهل پنجاه اسب
از ایشان گرفته شد خسران ما در این معرکه عبارت بود از یک سوار کشته و دو سوار زخمدار و دو نفر مجروح
و یک اسب مرده و از چرکسها یک نفر مقتول و هفت نفر مجروح شده بود اسب ولادمیر پاشا نیز در اثنای
در این جنگ زخمی شد   راپورت ذیل اگرچه باید تمام
راپورتهای عثمانی غیر از آنچه متعلق بعثمان پاشاست اغراق زیاد دارد ولی وضع حالت عساکر را تقریبا
در اینجا هم تا بدرستی معلوم میکند   چنانچه خدمت سرکار عرض نموده بودم
احکام و دستور العملهای لازمه و جاریه به تمام سرکردگان قسمتهای سپاه صادر شده بود که حاضر و مستعد باشند
که بمحض تقاضای فرصت و موقع جنگهای تفنگی معتبر با هر کس که صلاح در تمام امدادات بیکدیگر بدهند
همچو چه آسوده خانه [illegible] پاشا بتاریخ [illegible] این ماه تلگراف میکند که سه باطالیون پیاده و یک باکادرون
سواره سرکرده که ابراهیم پاشای [illegible] مداخل قریه کرستا روانه شدند و در همان وقت سه باطالیون
پیاده و دو عراده توپ و یک فوج سواره سرکرده که عثمان بیک [illegible] جلو بوان سفنیک فرستاد و
شدند دشمن که قوتش عبارت بود از چهار باطالیون پیاده و دو فوج سواره در زیر حمایت چهار عراده

توپ بود از یک طرف به ستون ابراهیم پاشا که در روی محل شرقه حاجی کرنز بود در یک دره کوچک چطپید شده
تاب مقاومت آتش سپاه ما را نیاورده ناچار با کمال پریشانی و بی نظمی عقب نشسته [illegible]
لشکر با آتش در بین معرکه افتادند چون سواره ما نتوانستیم که از ایشان [illegible] ایشان بسیار مقتول
سواره روس که به ستون عثمان بیک تلاقی کرد تمام منهزم شدند و سواره ستون پاشا نیز تا گنوا عقب کرد
بیست مقتول و یکعراده قورخانه بدست ما افتاده و در این هنگام پنج باطالیون پیاده و پنج عراده توپ روس از
دموبیل با بدادن شهر رسیدند [illegible] اطلاعات کافیه حاصل نموده بودند که تکلیف خود را چنان دیدند که
با کمال نظم و بدون تشویش مشغول شوند خسران ما در این جنگ عبارت است از یک [illegible] مقتول و یک نفر مجروح
و دو اسب زخمی نایب پاشا نیز خبر رسید که مصطفی بیک نایب یک سرکرده که با طالیونهای مؤلف
نیزوار از سفنیک فرستاده شده بود و باطالیونهای توپخان دوم که از کوستاد فرستاده بود در سید
در برابر یک فوج سواره روس که در نیزبو مشاهده شده بود رسیده و بقصد اینکه دشمن را متفرق کنند
سه باطالیون پیاده و دو عراده توپ از قصبه سفنیک پیش آمدند و چون قوای روس که از اطراف [illegible]
روانه کرده بودند در این طرف مشغول بودند آن باطالیونها بسکه از کوستاد بیرون آمدند عقب آن قوتها رسیدند
و بعد شتاب آتش توپ اکثری رو به ایشانها باز کردند و در همان وقت توپهای ما که بالای سفنیک جای گرفته
[illegible] منظمی بر سر دشمن باریدند و بمحض اینکه باطالیونهای توپخان دوم در برابر رسیدند آتش خود را
با آتش پیش قدمهای خویش افزودند در این باب سواره دشمن که در این اجرای متفرق شده بود
[illegible] ناچار گردیدند با سطوت و حماسه [illegible] که در صفت [illegible] جای دشمن ایمن کرده آنجا را
متوقف از جلو دو توپ که در مستان عقب رفت ولی سپاه ما رو بر آن روانه شد چنان

گرفتار کرده شده را فرصت نداده بآن دو عراده توپ پیش از آنکه آتش بر خالی کنند پیاده روس نیز
متفرق شده ندو بالکسره کالشکر فرار کردند و بآن قریه روی هم ریختند و بعد که تیر به نبرد و عبور از
دو کشته که در حمله اول از ایشان بخاک افتاد هفتاد نفر دیگر بر دو راه فرارشان دیده شد و خانه‌های تر که
و تفنگها و سپرهای [illegible] درو [illegible] و تفنگ روس که غنیمت سپاه ما شده بود پس از آن
غازیان ما مظفر و منصور به اردوی خود ملحق شدند در میان کشتگان روس نعشی بنظر آمد که سر و لباس فاخرش
را دشمن برده بود از بابت اینکه اعتبار او را از ما پنهان کنند و از بعضی علامات چنان بر می‌آید که نعش یکی از سرکردگان
بزرگ بود و یک صاحب منصبی که [illegible] هم در میان جوانب کشتگان قرار داده بود ولی با لباس نظام و این
جنگ با دو کشته و دو [illegible] و دو زخمی که یکی از آنها نایب بود بعد از جنگ سپاه ما از دور یک فوج سواره و دو پیاده
روس را ملاقات کرد ولی از آن حمله بر در برکه تحصیل اطلاعات لازمه را کرده و بهمین قناعت کرده
که چند گلوله توپ بسوی آنها انداختند و روسها در جواب ایشان چند موشک جنگی هوا کردند و در آن
[illegible] بقصد جنگ دیگری [illegible] احمد پاشا سرکرده اردوچوخ نیز بتاریخ همان روز بتلگراف [illegible] که
یک نایب سرکرده که دو تا طابور پیاده و دو اسکادرون سواره و یک عراده توپ
کوهستانی [illegible] از راه برگس مامور جنگ تفحصی شده [illegible] دشمن جنگ کرده و [illegible] محصور
ساخت که [illegible] از ایشان تعاقب نمود یک با طابور لشکر [illegible]
دشمن نیز توانست در برابر سپاه ما مقاومت نماید و ناچار منعطف گردید آنوقت چهار طابور
پیاده و یک فوج سواره روس با مدد آن رسید در حالتیکه یک طابور پیاده و یک فوج سواره از یک طرف دیگر
بهمین عزم با کمال عجله پیش می‌آمد آنوقت سپاه ما با کمال آرامی مراجعت بمنازل خود نمودند

لشکر از دشمن ایشان صدمه وارد آمد زیرا که دشمن بواسطه حضور سلیم پاشا که با دو طابور [illegible]
بلیک مستور بود و عزم پیشرفت [illegible] بهر حال پس از آنکه [illegible] نفر از ایشان بخاک افتاد
ناچار عقب نشستند و [illegible] روس [illegible] برای [illegible] نشستند و [illegible] شکست [illegible]
دشمن [illegible] رسیده [illegible] اماکن مختلفه اردوچوخ حواله کردند در جواب [illegible] گلوله‌های [illegible] ایشان
لشکر برای آنکه تمام ایام دشمن [illegible] کلیسای مینجی کف در شورتور [illegible] کرده بود [illegible]
کردند (آخر راپورت) روز نوزدهم [illegible]
برگس و زیبسنگ رو بداد و [illegible] تمام لشکرهای روس با کمال [illegible] حمله
شدند و مبارزت سخت در برگس شد که در آنجا چند دسته از فوج ارف و دنیپر [illegible]
[illegible] ساعت آخر روز یک [illegible] دوم رسید [illegible] برگس [illegible]
کرد و تقریباً [illegible] از روسها [illegible] در [illegible] باشد در باب این فقره تلگراف [illegible]
بتاریخ سیم نومبر کرد در روز یکشنبه [illegible]
عارتی از [illegible] قاضی کوئی و اردوچوخ جمع آوری [illegible] مامور شد که تفتیش [illegible] قوت دشمن را
زانثرا مخصوص در طرف صومعه اودنه که محل استقرار شاهزاده سردار است [illegible] سلیم پاشا سرکرده
هفت با طابور پیاده و دو [illegible] کرده [illegible] سواره نظام و [illegible] چرکس بود
توپ صحرائی و دو عراده توپ کوهستانی از طرف جزیره بلبلک [illegible] برگس روانه شدند
لشکرهای دشمن که در آن حدود [illegible] بواسطه دسته [illegible] عبدالله بیک [illegible]
[illegible] در اول حمله [illegible] بعد [illegible] لشکر [illegible] که در آن طرف قرار

بودند رفتند پس از تیرباران سختی که از آن سنگرها کردند روسها چون دانستند که مشغول اینند پیش از
این تا به مقاومت آورند از سنگرها بیرون آمدند و با اسلحهٔ سفید (شمشیر و سرنیزه) جنگ خونریزی نمودند
که نتیجه‌اش فرار ایشان شد خسران زیاد بر تپها وارد آمد عساکر ما بشدت تمام تعاقب نمودند از پنجم
فوج دوم پیاده دفاع کرده که از رسیم بیک پسر بیک پسر سنگر اخیر که در روی تپه‌های ماچکا ساخته
و در دست روسها را عقیده آن بود که آن سنگرها تسخیرناپذیرند یورش برده عساکر ما فقط در سنگرهای دشمن نزدیک
گذر تپه‌های ایشان را در ترس اینکه مبادا ضبط شوند بیرون بردند و در میان سنگرهای محکم روسها از طرف دیگر
موقتیه دو مرتبه از این حمله در شده ولی سختی رانده شده و با سرنیزه از سنگرهای خود اخراج کردیم و جهاد نفت
قان ... که در خارج و داخل سنگرها حفر نموده بودند و قورخانه و اثاثه توپخانه و خیمه و ملبوس بعلامتی
زیادی بدست ما افتاد و خیمه‌ها را آتش زدیم و پس از این فتح نمایان عساکر اردوهای معهود
حرکت معاودت نمودند در میان هنگامیکه عساکر ما در قریه پرگس مشغول اتلاف آذوقه که در این محل
جمع کرده بودند شدند آن قورخانه‌هائیکه در آن دهکده پنهان نموده بودند آتش گرفت و آتش در خانه‌ها
سرایت کرده غیر از کشیدن نعش از دشمن که در قریه پرگس بخاک افتاده بودند هزار و دویست از روس در
ماچکا از تب ترک حیشیه نصف این عده برای العین مشاهده شد یکفوج سواره دشمن که با توپ
سواره نظام و غیر نظام و دلاور پاشا که قراول میمنه بودند حمله ور شده بودند بقتل رسید و کشته داشت دسته
دیگری از دشمن که قصد یورش بر قاضی کوی داشت سخت راندند سی نعش از آن بخاک افتاده بود
از طرف ما سی و دو نفر کشته و دویست و دو نفر زخمی شده بودند و صاحبمنصبان بزرگ این عده در
مدت جنگ دشمن چند مرتبه توپ از ردایانا در برابر ماچکا و خاک رومانی خالی کرده و همچنین

از نقطه

توپ مختلف آتش سخت به پیاده خود را گشوده و در هر نوبت نزدیک بود به انهدام و جواب تمام
انهدام داده خواهد شد همچنین روسها چهار توپ در برابر ماراتیفا انداختند و ستون چهارم جواب
غرم و شش را گفت که از آتش او ما صدمه رسیده بود چهار باطالیون پیاده و چهار عراده توپ
دو اسکادرون سواره کرده که از رسیم پاشا که از قسمت نظامی صف پاشا جدا شده خارج از سپاه شمس
و پنج باطالیون پیاده و دو باطری توپ و یکفوج سواره حرکت کرده که عثمان بیک که از فراجا بجانب سغلانیک
شده بودند با روسها یکه در کور چشمه سنگر داشتند جنگ خونریزی کردند که دو ساعت طول کشید
شکست خورده و ترک سنگرهای خویش گفتند و سیصد نفر از سربازان خود را در روی خاک گذاشته و حال آنکه
از ما بیست نفر مجروح و یکنفر مقتول شده بود پنج اسب ... تقصیر اسمعیل پاشا سردار قشون نظامی
دو جوق برای من نوشته بود در اسموقع چاپ عرض کنم که دست جنگی که از این قسمت قشون
دمانجه‌جنب کماکان فوق ندارد (اخر اینست)

محقق است که از اول کنگر تا پنجم ... سلیمان پاشا جنگ سختی کرده بود از جهت امتحان کرده بود خطوط
نقطهٔ سنگر را متوسط برده بود ولی حمله بزرگ جنگ واقعی در میان نبود باید گفت که در عقب این بچاره رود
خیلی مغشوش بود و باران تقریبا علی الاتصال میبارید و در عقب بموجب اشکال اعمال شده بود
سرما آغاز نموده بیکر دولت تمام این ادله پیش از آنکه عذری عذر موقع عزیمت عده از
دلیل حقیقت آنرا در نخواهد بود چنانکه باران و مه و سرما ... گورکو را در راه سفیا متوقف
شناخت وعده سلیمان پاشا ممنوع می‌شود در صورتیکه از حالت و وضع ملات اکبر عثمان پاشا
استحضار داشت

در اسلامبول ... که حرکت روسها

بجانب کورنه دژنیک احاطه دور پلونا را کامل بکنند و سبب آن شود که مدافعین آن قلعه مجبورا
به تسلیم شوند با آنکه ناچار لزوم پیدا می‌شود که بیرون آیند و آن خروج سودی نخواهد کرد و دیگر چونکه
تمام عساکر عثمانی پیش در صدد تدارک کامل آن برآمده‌اند و این تدارک را حضرت سلیمان پاشا کسی
به جنبه و حرارت کسی سپاه فراوان و جنگ دیده ندارند که بواسطه رشادت محمد پاشا آن جرأت
مرتب شده باشد و آن سپاهی بود که با او امکان داشت جنگ کرد و فتح نمود و این اهمال تمادی
هنوز سبب معلوم نیست بخصوص در صورتی که معلوم نمایند و ملتفت شوند که از این بر دارگیه
در کنار رود لم همینقدر مخاطرات چند قبل در کردنه شیپکا آثار و علایم غیر مشکوک فیه بروز کرده بود که جرأت
و قوت قلبش را بنظر برساند

مطلب دویم

در کردنه شیپکا که رئوف پاشا در ریاست بحریه بجای سلیمان پاشا سردار بود کار پیشرفت بود اما
اما عقلا از این طرف ترکان مغلوب شده در صدد اقدام مبادرت برآمده روسها تمام حملات را رد کرده‌اند و خود هم
در سنگرهای خویش پایداری داشتند و آن حملات از تفاقات سنگربندیهای عظیم کرده بودند و اگر از
جانب ترکان حمله بزور وارد می‌آمد یقینا جز شکست فایده نمی‌بخشید پس مفهوم می‌شود که چرا رئوف پاشا
خرگاههای معابر شیپکا چیزی در نظر نداشت علاوه بر این تعداد سپاه او چندان نبود از یک طرف جنگهای
سابقه مراتب از تعداد عساکر رودملی کاسته بود و از طرف دیگر می‌بایستی بجانب صوفیا امداد و کمک
تا با روسهایی که در تحت فرمان ژنرال گورکو می‌باشند برابری توانسته کرد و با این شرایط پیشکاری از
پیش نرفت و رئوف پاشا ناچار بود که حالت سپاهش منحصر بمدافعه باشد

توپخانه عثمانی بعد از شلیک زیاد توانستند دو عراده توپ بسیار
بزرگ را با طرز بندی کشیده و شرارهای چند قوزی می‌انداخت بجانب سنگرهای روس بخصوص سنگر کوه
سن نیکلا که در سر آن جنگهای سخت شده بود و روز را توپخانه بزرگ قطار کشیده بود در سه عراده‌ای
گشی حمل آذوقه برای سپاه ژنرال رادیتسکی در حرکت بودند
سرداران روس عادت به نکوهش مکان خطرناک جنگ کرده بودند و گودالهای
سرپوشیده گرمی برای خود ساخته بودند که انهار از شرارهای که روسها گذاشته بود دامن
از بد عملی و بیکاری روسها دنرکها اظهاری کرده باشم همینقدر کافی است که بعضی از لشکرانهای رئوف پاشا
را ذکر کنیم   تاریخ هشتم اکتبر   امروز روشنائی که تمام
تنگه شیپکا را فرا گرفته بود عده زیادی از سرداران روس دیدیم که مشغول بریدن و جمع کردن برف بودند
و در برابر سنگری که باطالیون برستینا مقام گزیده بود واقع شده‌اند که فوراً آتش خود در
گشوده بسیاری از ایشان قبل از آنکه از ترس بتوانند فرار کنند بخاک افتادند اما مستیران تعداد آنها
معین کرد و برای آنکه هیچ حیاتی نبود در روز یکشنبه یهودی لستان اسیر یکنفر ماتار شد امروز شخص ماتاری
اسیر تازه وارد دو آمدند و پس از این دو اسیر تحقیقات کافیه حاصل آمد مصاحب جان دیدیم که آنها را
باسلامبول روانه کنیم   تاریخ نهم اکتبر
دیروز چهار ساعت از روز برآمده دشمن آتش ناگهان
خود در گشوده و ما هم جواب او گفتیم و این آتش اول رو بجناح ایمن و بعد رو بجناح ایسر و قلب ما
این جنگ توپخانه و تفنگ تا شام بطول انجامید چون گلوله‌های با هدف برسیدند چنین بنظر آمد

کمتر زیادی بدشمن وارد آورده‌ایم بیش از شش مقتول و دو مجروح نداریم محتمل است که این تیراندازی دشمن
استحضار از وضع ما باشد دیروز یک اسیر الهستانی گرفتیم مطابق قول او توپ و تفنگ ما در صفوف
روسها خسران زیادی وارد آورده و این اسیر از بعضی خبرهای متعلقه بوضع دشمن ما را استحضار بخشید

بتاریخ بیستم اکتبر

امروز دشمن انشهوه را با گلوله‌های منجنیق پیاده و گلوله‌های نو بر توپ گشود که محض حصار و سنگری می‌انداخت که
باطالیون‌های پرستیا جای داشتند و درستها البته بجبهه ما واقع بود اگرچه این گلوله‌ها میان سنگرهای
ما می‌افتاد و بعضی از آنها خرابی رسید ولی بیش از دو سرباز که زخم کمی برداشتند خطری بما وارد نیامد
از طرف دیگر قراولان پرستیا با گلوله‌های خود ضربهای فاحشه بسربازان دشمنی که عقب تحصیل آب رفته بودند وارد آوردند

بتاریخ هفتم اکتبر

امروز صبح باز شلیک تفنگ مابین خطوط ما و خطوط محصورین بعداوت و شدت بعمل آمد ما هم یک نفر
مقتول و یک مجروح داشتیم اما توپهای دشمن ابداً بما ضرری نرسانیدند و چون هوا صاف شد توپهای ما
کافیه بمحصورین وارد آورد (آخر اپورتها)

بتاریخ هجدهم اکتبر

جنگ مختصری در ده بال نزدیک رمضان و تیرنو دره در کرف قشون معادن ترک که در کاباوا
لک یک دسته روس را رانده بود و چند نفر از ایشان را بخاک هلاک انداخته بود روز بارو دشمن تیراندازی
توپ ضعیف شد و پیاده نیز دست بکار برد و از طرف روسها دو فوج یی سیبک و ابرتو
پلک که امروز جنگ کرده بودند تحمل این صدمه را نمودند ژنرال ملکی هم جهت مختصری

رئوف پاشا درین مورد تلگراف ذیل را به اسلامبول کرد

بتاریخ یازدهم نوامبر — امروز چون هوا بسیار صاف و ملایم بود یک ساعت بظهر مانده دشمن
آتش خود را از قسمت سیاچکه در جبهه ما در زیر حکم وسیل پاشا بود گشود و آن قسمت در جواب آن
تعجیل نمود چند دقیقه نگذشت که از قلعه سوفی بکلا در جنب توالی از سایر قلاع دشمن از آنجا به حمله
با نجاب قسمت نظامی جنب شد که در جبهه ما از دور نزدیک بود باران گلوله باریدند و آن قسمت نیز در جواب آنها
مبادرت نمود این جنگ رفته رفته از حیثیت عدت و شدت بنقطه رسید که جزو جنگهای بسیار معتبر
شمرده می‌شد و بدون انفصال یک ساعت بهمین ترتیب ماند طول کشید و چون بواسطه گلوله‌های آتش
زن عسکر ما خرابی زیاد در صفوف دشمن بهم رسید و ساعت بعد ازین مانده سربازان ما پیش از شادی
این وضع چنان صدا از آتش ما شادی منتشر کردند که روسها گمان کردند ما قصد یورش داریم
لهذا از قلعه بکلا و سایر قلاع دشمن شدت تیرباران را مضاعف نمود که سنگرهای مرکزی ما
ناچار جواب گفتند و از این به بعد هم تیراندازی تفنگ چند باطالیون از ذخیره دشمن که در کارو
اقامت داشتند بتعجیل بامداد محصورین قلعه سن بکلا شتافتند ولی چون در عبور مجبور بودند که از جلو
تیررس توپ و تفنگ ما بگذرند بدیهی است که مطابق آنچه در تصور بگذرد که ما برأی العین شاهد
کردیم بیش از چهارصد یا پانصد نفر از ایشان از پا درآمد و این تعداد غیر از ضربهای متواتره است که گلوله
ما در اندرون سنگرهای دشمن وارد آورده خسران ما منحصر است بده کشته و پنج زخمی ولی با کمال خوش
خدمت بکار عرض میکنم که درین جنگ لقمان پاشای سرتیپ توپخانه در میدان کارزار با کمال بی‌پروائی
جان سپرد (آخر راپورت) رئوف پاشا اول خسران آنها

را چهارصد یا پانصد نفر رسیده اند ولی در راپورت رسمی روس بیش از چهار مقتول که دو نفر از
صاحب منصب بوده اند و چهارده مجروح مندرج نیست بعد ازین لشکرکشی ترکان تا روز بیست و چهارم
نوامبر در اماکن خویش آسوده نشستند روز بیست و چهارم ترکان سربازان متقاطر شدند از خیمه نشینی
برکنار از باطریهای سن بکلا یورش بردند ولی چون شلیک فوج ارکوتسک از ایشان برپا شد
کردم رجعت کردند و بنای توپ اندازی نهادند که یکساعت بعد از ظهر بطول انجامید از روسها
چهارده سرباز مقتول و چهل تن زخمدار شد و مخابره رؤف پاشا مطابق این است
تاریخ بیست و دوم نوامبر — هوا همیشه مملو است از مه غلیظ بنحوی که دو لشکر اشکال یکدیگر
را نمی بینند معهذا دشمن آتش فشانی خود را بالجمله تجدید نمود ما هم جواب گفتیم در این جنگ توپخانه
و پیاده و توپهای ما خاصه خمپاره های قطور ما البته بر دشمن ضررهای فاحش رسانیده اند زیرا که
بعض بیگه از یکطرف مه غلیظ فرو نشست و قدری روشن شد پیشقراولان ما مشاهده کردند که روسها
نعشهای زیاده به کابرووا حمل مینمایند ما خبر از مرگ شش سرباز و جراحت بیست نفر محل و روس
نداریم و این جسارت نسبت بحران دشمن تطبیق بر زیست و خبر دیست با صدای متواتر توپ اندازی
به پلونا میشنویم (آخر راپورت) با وجودی که در شیپکا صدای
توپ افکندن بقلعه پلونا را می شنیدند ما از ترکان عزم رزم معتبری نمیکردند و وضع ایشان از برای قلعه
عظیمه سن بکلا کار حمله بردن ایشان را مشکل کرده بود در روز بیست و پنجم نوامبر برف شروع بباریدن
سختی کرد و برسا شدت نمود در روز بیست و ششم رؤف پاشا ازین خدمت معاف شد که بجهتی
دیگر مامور شود و احمد ایوب پاشا بجای او منصوب گردید باری در مدت دو ماه که رؤف پاشا

سردار سپاه شیپکا بود هیچ جنگ معتبری پیش نگرفت

مطلب سیم

در دانوب سفلی اعمال جنگ کلا موقوف بود و چون زمستان رسید ابر گرد اما روزنامه روس گمان چنین تفاوت
سختی در پلونا متغیر و ژنرال زیم مرمان حکم کرده بود که از دوبروجا بجانب سیلیستری حرکت کند تا اگر آنجا
ژنرال چهار ضلعی عثمانی را که شاهزاده روس از رودچوق در اندیشه داشت بانجام رسانده باشد سابقا
مذکور داشتیم که بواسطه تغییرات کلی که در طرح جنگ بظهور رسید لشکر سپاه دوبروجا بلا فایده شد ولی
دسته در جای خود بیکار ماندند پس از تعیین وضع دانوب سفلی بچند سطری قناعت میکنیم
ژنرال زیم مرمان در نزدیکی با سپاه عساکر خود در دریاچه چرنا وودا مجتمع
و منتظر حکم بود در روز بیست و هفتم سپتامبر ژنرال مارنی که حکمران قسمت پنجم سواره بود از کستنجه با یکدسته قزاقان
که شش هزار سواره و پیاده داشت بیرون آمده و در شهر اوراه بازارجیک حرکت و جنگ تفنگی بعمل آورد
و در آنجا مسموع و معلوم شد که یکدسته مرکب از شش هزار مرد و سرداری ریاض پاشا در آنجا مقیمند و بهمین واسطه
و سنگربندیها محکم کرده اند و تسخیر بازارجیک بواسطه ترکان ممکن بود چه روسها متوحش شود زیرا که آن
نقطه ایست که راههای معتبره مغارستان منتهی بآن میشوند ژنرال مارنی بعد از جنگ مختصری به کستنجه
برگشت روز بیست و نهم دو کشتی زره پوش در دهنه سولینا آغاز جنگ کردند و حمله شدند و جهاز کشتی
تولچا را منحرف ساختند ولی حمله بیهانتیجه بخشید روز نهم اکتبر کشتیهای توپ انگلیس روس که در دانوب بودند
فرمان یافتند که ترکان را از سیلیستری ژنرال نمایند صورت راپورتی که لیونان دوبایف در
این باب به گراندوک الکسی الکساندرویچ سردار قشون بحریه شط دانوب بتاریخ نهم اکتبر فرستاده

مطابق ذیل است   تاریخ پنجم اکتبر   در بیست و سیم سپتامبر مطابق پنجم
اکتبر من با کشتی توپ افکن موسوم به کراندوک بکلاو و سه زورق کوچک بخاری به کلاراج آمدم
خدمت موکول بود در انجام رسم نواب شرف والا کراندوک کستا امن کستا نیمیخ که در این دسته ضابطه
کشتی بخار موسوم به کرانجبه ملحق شده بود و بنادی کشتی توپ افکنی که از تخت فرمان بود شب
از دور آتشهای علامتی شاهزاده ابلانک و ابومک شاهزاده چرپا تو بان دسته ملحق گردیدند و از تخت که
شبهای بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم و بیست و هفتم در تمام خط داموب در برابر سبی نری کردیم معلوم
شد که برکنان نه همین پل شروع شده خود را تمام کرده اند بلکه اسباب ابزار فراهم آورده اند که از رو سد
و این تحقیقات ارباب بصیرت را در بین جنگی جرات بخشید و بعد از این تحقیقات برحلمان شر ال خود دان
و سر کرد و قیمت بیست و چهارم پیاده طرح حکم عمومی برای تمام عسکر که متوقف در کالاراج بود بید
کشیده و بنا بر آن نقشه با بیاستی باشد عمل کشتی تمام کشتیهای تجارتی که در سبی نری لنگر انداخته
بودند آتش زنیم تا دشمن از این اسباب بزرگ حمل و نقل محروم و قایقهای بخاری نیز فرمان یافتند در لنگرگاه
و این شهر او بیست سند رقیب شعلها و به سطه آمدن باران قدری بتعویق افتاد و لیکن صاحب منصبان که
در زیر حکم من بودند تمام این صعوبات را اول کمتر رفع شده نمود و در این تاریخ شر ال برحلمان فرمان داد که
کالارجا کوبد و طرح حکم عمومی با چار چیا بستی تغییر کند لهذا من مستعد شدم که با شعلها خود اجرا نمایم چرج
که جزیره کشیده بودند و پس از دریافت جارت روز دوم کمتر من با قایقهای تجارتی و شعلهای بحری از بارجا
پایین رفتیم و شهر ادر مصب این رود و در برابر جزیره جب پو توقف نمودم سرکرده قیمت نظامی دو دو ستون
از فوج مسک در خفیه برای ما روانه کرد که همین جا باشد و هم محافظ بیمارخانه نظامی در جنگل نزدیک فراز

بودیم شوند از صاحب منصبان خواهش کردم که آخرین عبور سبی خود را از شعلها تخمین نمایند و شاهزاده ابولا
نکی بجانب شقیراولان پیاده نظامیکه در برابر سبی تری بودند شتافتیم با تجربه از وضع از جهت
شوم و در مراجعت از این تفتیش تقریبا در بیست ساعت از جانب بارجا کشتی بخار و شعلهای دیده ام
که قایقهایی را که برای ساختن پل بکار می بردند و بسطه اسبها بکشیدند چون دیدیم که برای
شعلهای رفتن لازم که پس از گذشتن از جزیره جب پو به همین دو چار آتش باطریهای واقعه در آن جزیره بنوم
بلکه گرفتار آتش آن کشتی بخار هم خواهیم بود لهذا چهار ساعت بعد از نیمه شب خود را طرف کردم
که کشتی را از لنگان خود بیرون کشیم و به این قصد یک شعلها که تقایق ملحیکا بستار و گرفته از بارجا بیرون
بردن رفتیم و نواب والا کراندوک کنباتن کستا منیخ از جنس مشعلی را بجانب کشتی بخار دشمن واگذار
نمودیم لیوشان چاکو نیز فرمان یافت زورق تاورنا رو که در جانب بارجا جای شب و بجانب
کشتی بخار دشمن آتش فشانی نماید اما بعد از آنکه مشعل شروع بروشن کردن اطراف کشتی کرده با
مشعلها تقریبا در باطری جزیره آوردند و بعد رها کردند که مطابق سیلان آب در کشتی حرکت کند دشمن بکلی
و گمان برفت که ما را ندیده باشند با آنکه مسجوب است تعاقب آتش آمد ورود و نزدیک شود تا راه معاودت بر آن
سد و دست رود و قایق به هدایت نواب شرف والا نزدیک کشتی برفت بدون آنکه برکنان ابرا
ببینند و از مجرای آب بالا برفت و در بنا جنگلیکه محیط بر جزیره بود حرکت بکرد و چند دقیقه بعد مشعل آتش شد
فراولان جزیره و کشتی آتش بشلیک تفنگ سختی بر آن گشودند و بعد از خالی شدن نیز دو بیم توپ آن
باطریهای جزیره و توپهای کشتی و تمام ساحلیان یوبوت بجانب ما آتش شد بدان اشتعال روانه
کردند زورق تاورنا و نوبت شش بزرگ کشتی افکنده و قایق ملحیکا عقب ابراد است و چون بر آن

و کشتیهای سلطانی آغاز یورش نهادند و آن یورشها از روی بی نهایت تحمل کشیده و هم از طرف دریا بود و هم
از طرف خشکی از دریا بواسطه کشتیهای مزبور که از جانب اعلای شط آمده بودند حمله ور می شدند و از طرف خشکی
بواسطه باطریهای کیلیه برابر قیوز از آتشخانهای دشمن ملحق شده و طرف رحمی حادث که نوشته شد تنها در
برابر جواب کشتیهای ما مقاومت نتوانسته و ناچار شدند که پس از خسران فراوان کنار بکشند غنیمت
ساده شمردند خواهیم شد از اینکه کثیر با شرح کشتی بادبانی توپ انگلی که در سولینا غرق شده و جنگهایی را
که کرده ایم عرض نمایم و امروز بهمین قناعت میکنم که معروض دارم در این جنگ ما دو از دو کشته و شش زخمی
بیشتر نداشتیم گلولهای دشمن چهار خانه را در سولینا ویران کردند و چهار خانه دیگر هم خراب شده
چندین گلوله دشمن هم بجانب قونسولگریهای خارجه و مریضخانه بحری که بیرق هلال قرمز در بالای آن نصب کرده بود
افتاد و همچنین عمارت مشاوره بین الدول هدف گلوله گردید کشتی زره پوش مرسوم به ... که در
در همین یکه کشتیهای دشمن نمودار شده بود لنگر داشت مورد حملات سخت دشمن گردید که آنرا
سوراخ سازد الله الحمد که با وجود بیش از صد گلوله که دشمن بجانب او انداخت کشتی ما ابدا خسرانی نیافت
و سربازان در همین لنی از دشمن یک اسب و یک برونیلی که برای زینه باروتی بود گرفتند گلولهای
توپ و خمپاره دشمن هیچ چیز باعث ضرری نرساندند عبدالکریم بیک سرکرده کشتی سلطانی مقدمه خبر جلادت و
دلشادت خوبی بروز داد که ما فوق هرگونه تمجید است و عبداللطیف آقا یاور ناظم بحری منصب ریاست
باطالیون نایل گردید زیرا که در دفع شر دشمن که بر لنی یورش برده بود دلاوری خارق عادتی از خود بروز کرد
مطابق آنچه معلوم کرده ام دشمن اکنون مواظب است که جای آنچه تلف شده پر کند و منتظر است با وسایل آن
ما تجدید یورش نماید احتراز اورت) در این وقت از ... بریگان

رگان بعد از ظهر پنجم با سطر شده و در هر رشته شش ساعت با اینکه شهر شیر زیر هدف رسید برای رفتن بطرف اسمعیل
بحری احکام کردم که مستطف نموده و تمام جمعیت را در نقطه مشترکه که خارج از تیررس دشمن بود مجتمع شدند چون
روز در رسیده چاره شدم که از که قصد ارسال شغل جدیدی نموده تمام روز قرفهای جنگی را به کالاراچ وارد نمایم
احتراز اورت) در این راپورت گفته شکوه از آن است که رگان ها برودی وانوب می اندازند
به یک وقتی قرار در این شد که در خاک رومانی قصد بر کرد اندازند دشمن کشیده و سلیمان پاشا برای این که کشتی
اردوی معین نموده و رگان شروع بترتیب پلها نمودند و از نجر متهیه شده بدی از اردوی سردار روس افتاد برا
که حقیقة بار در جنگ ممکن بود که رگان خطوط را مراوده روس را قطع کنند چون این خطوط اسد آزاد بادی آن
بسهولت مورد حمله واپس می شدند لهذا قوتهای روس در ازنه غنز اکالاراچ مضاعف شدند و علاوه
بر این یکدسته معتبری از فنون سرداری گراندوک کنستانتین ترتیب داده شد که با مور حفظ خطوط مراوده
باشند و اخیراً چنین بگذشت که بواسطه سوانح عدیده رگان مجبور شدند از قصد خویش دست کشیده روز دوم
کشتیهای عثمانی عزم یورش در دهنه سولینا نموده روز دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم روسها سولینا را
هدف خمپاره کرده چنین پیدا بود که سرکرده دسته کشتی قرار داده که عثمانی بود و تاریخ با نزدهم کمتر از آن
روسها در حوالی سولینا
باب راپورت ایشان را بگیرند
شش کشتی زورق کش و شش کلاک بزرگ چوبی و دو شناور تورپیل دار و پنج کشتی موسوم به استانبول
و دو باطری شنا در رود و دو زورق توپ انگلیس زره پوش جمع آوری کردند که مجموعا عبارت بودند
از پنج کشتی که حامل پنج خمپاره و پنج کارخانه بردول در آنجا بود
روز پنجشنبه ساعت شش بعد از ظهر برآمده روسها بجانب سولینا

و الحمد لله

لکلهای معظمه رسید و از جانب سردار کل حکم یافت که رو به سیلیستری شیرود و محتمل است که عساکر
دوبروجا پس از بیکاری تمادی عنقریب موقع جنگجوئی پیدا کنند این حرکت در اواخر کتبر شروع شد
ولیکن انقلاب هوا جنبش قشون را بعید کرد ژنرال زیم مردان پس از آنکه در سیلیستری در کنار راه
کوسکون با چرکسها جنگ کرد معسکر خود را در کوسکون که در چهارده فرسنگی شرق سیلیستری
واقع است قرار داد

فصل پنجم

فهرست

مطلب اول وقت آن رسیده بود که
دولت عثمانی به آخرین وسایل خود توسل جوید در هنگامیکه دولت روس باوجود ضربتهای فراوانیکه
بر او وارد شده بود ادراک تهیهٔ عدهٔ کافی از سپاه نو که بتواند در جنگ مداومت نماید دولت عثمانیه
هرچه داشت تمام شده بود و لشکرها و دستهها متواتراً تن به تسلیم داده بود و تقریباً قشون نظامی غیر از آنچه
در چهار ضلعی استقرار داشت ناپدید گردیده بود و دو ذخیرهٔ دیگر وجود نداشت و برای جنگ ناچار قشون غیر نظامی را
بکار میبردند لازم آمد که اکنون بهر نحویکه ممکن است جای خالی را پر کرده و بدین وسایل جدیده نمود

در اواخر ماه دسامبر باب عالی بسفرای خویش که در دربارهای
خارجه بودند مراسلهٔ عمومی ذیل را انفاذ داشت که حالکه ایجاد و تکمیل پنجاه هزار نفر قشون ذخیره تعیین قراول
ملی در تمام ممالک سلطانی بوده از آنجا تمام این مطلب را ذکر میکنیم زیرا که فایدهٔ تاریخی دارد متن مراسلهٔ عمومی

از قرار ذیل است ... محذوره ... در جناب عالی پوشیده

نیست که در حسب اراده اعلیحضرت اقدس سلطان یک قراول ملی مرکب از جمیع اشخاص که از بیست الی چهل

سال دارند در این ایام در پایتخت و ولایات ایجاد شده و این تدارک تا کنون نتایج مستحسنه بخشیده است

و امروز چون اعلیحضرت همایونی سلطانی اراده تکمیل این عمل و در اندیشه ذخیره جاتی عاریه شده اند امر فرمودند

که کفئون ذخیره مرکب از یکصد و پنجاه هزار مرد ایجاد شود که در صورت [illegible] در مدافعه مملکتی شرکت نمایند و قدری

از اجزای خویش را از قراول ملی عاریت نخواهد و در همین موقع چون اعلیحضرت سلطان محض اجرای قانون

مساوات بین تمام رعایای عثمانیان بدون امتیاز ملل و مذاهب در همان فرمان تمام رعایای غیر مسلمان

را دعوت فرموده که در خدمت عساکر ملکیه قراول ملی شرکت ورزند و باین ابواب همه وطن اسلم خود

مدافعه اوطان خویش را مستقر از نظم عامه سعادت نمایند و شما مشوق باشید در نظر اولیای دولتی که در دربار

آن ماموریت دارید عنبار این تدارک را عرضه دارید زیرا که علاوه بر منظورات نظامی و پلیس است از جهت

مساوات تمام هموطنان یک مملکت با یکدیگر خواهند داشت در صورت احکام متعلقه مامور و فرمود [illegible]

جداگانه ملفوفا منظور شما خواهد رسید [illegible] **سرور** [illegible] قرار داد که در [illegible] مسطوره فوق مندرج است

عساکر ملکیه و ایجاد قشون ذخیره

حکم همایونی اکنون که بسی واضح و لایح است که در این دو سال سوانح عظیمه در داخل

مملکت روی داده در ارتباط چنین وضعی اتفاق نیفتاده بوده و چون حرص دائمی دولت روس مفتضح حال

گردیده و ما جهت استقرار حقوق و آزادی وطن خویش آن جنگ را قبول کرده ایم تمام عالم از عظمت قوت کردار

سلطانی بکار برد و سعادتی که ابد دولت از رعایای با حقوق خویش تا بوسنا هدی دریافت نموده اطلاع کامل

داده اند

دارند وقف ارتش نموده که جهت رعایت بخش ملی یک جنبش جدیدی بر سعادت داده شود و مملکت

در قصد و بشر امین گردد و بنا بر نتیجه مذکوره گردید حکم محکم سلطانی شرف صدور یافته که کفئون ذخیره مرکب از یکصد و پنجاه هزار

نفر ایجاد شود و به جزیکان قراول ملی جدید الاحداث که تشکیل شده معاونت گردد و نتیجه لازمه اجرای حکم

سلطانی بود و بعمل آمده و چون مسلم است که حفظ حقوق و رتبت ملت عثمانیه همواره از اوقات منظور نظر اعلیحضرت سلطانی

و توسط علائم ابراز نتیجه اعلیحضرت همایونی مدلل و مکمل گردیده که رعایای با حقوق [illegible] در انجام منظورات

دوستی شرکت دارند و بخصوصه در [illegible] محدوده [illegible] در اجرای هر تکلیفی که بر عهده [illegible] کرده اند و در تدارک عساکر

ملکیه برای اعتصام در رقابت عامه یعنی قراولان ملی که با وجود استقرار در مواطن خویش حفظ مملکت [illegible] اقدام

ورزیده اند و چون تمام ملل عثمانیه بهمین اسم و مطابق قانون کمنی [illegible] در انجام این خدمت مکلفند

بنا بر این اعلیحضرت اقدس سلطانی اراده [illegible] که تمام رعایای [illegible] مساوات کامله دارند در خدمت [illegible] فرموده

حکم نموده اند که رعایای غیر مسلم هم که بسی منظور در قرار داد ملفوف رسیده اند در [illegible] باطالیون

ملی که در اسلامبول ایجاد می شوند مندرج خواهند بود و بعد چنان است که رعایای عثمانیه غیر مسلم حقا بی قدر

این علامات اعتماد و باو داشته خوشنود [illegible] در اقدام به تکالیف مقدسه که به آنها دعوت شده اند با کمال

غرور استعجال نمایند و چنانچه در فوق مسطور داشتیم عساکر ذخیره که عنقریب ایجاد می شوند باید در مدافعه

مملکت شرکت ورزند و مکلفیت از مردان این باید از عساکر ملکیه گرفته شود و لهذا قراولان ملی اسلامبول

را دعوت می کنیم که در جشن [illegible] مدافعه پایتخت بکوشند و همچنین قراولان ملی **اندرنبول** [illegible]

[illegible] و همچنین در سایر نقاط جزیره از قبیل **پولس** و غیره مواظبت داشته باشند و برای قشون

ذخیره سردار مخصوص معین خواهد شد

ترجمهٔ قانون قراولان بلدی

مقالهٔ اول ترتیب اجرا

فصل اول

باسم عساکر ملکیه قراول بلدی یک گروه جدیدی از قشون نظامی ایجاد شده که غیر از قوای عسکریه
می‌باشند تا کنون در مملکت مقرر بوده و منقسم می‌شد به نظام و ردیف و مستحفظ

فصل دویم

این خدمت در عساکر ملکیه مجبوری خواهد بود برای هر کسی که سال بیستم سنش باتمام رسیده و
تا آن وقت در زمرهٔ حواله لشکر نیامده یا اسمش در قرعهٔ نوکری بیرون نیامده و اختیاری خواهد بود برای
اشخاصی که سنشان از چهل یا چهل و پنج گذشته باشد که در قشون مستحفظ منتهای درجهٔ سن نظامی آن است

فصل سیم

از صفوف عساکر ملکیه باید خارج شوند اشخاصی که مطابق قرعه جزو نظام شده‌اند یا اینکه تعلق به عساکر ردیف یا مستحفظ گرفته‌اند

فصل چهارم

از خدمت عسکریهٔ ملکیه معاف خواهند بود اولاً اجزاء بزرگوار خانوادهٔ سلطنتی ثانیاً وزرای دولت ثالثاً
ثالثاً اعضای دار الشورا و وکلای ملتی که مدت وکالتشان هنوز منقضی نشده است در قرارنامهٔ جداگانه
درجات معاف بودن صاحب‌منصبان ولایتی و علما معلوم خواهد شد و همچنین اشخاصی که امتحان مرض آنها
علت مزاج یا مرض ظاهری ایشان را مدلل کرده باشند از این کار معاف خواهند بود

فصل پنجم

[illegible]

ماموریت دائمی قراول ملتی مدافعهٔ وطن در خطر افتاده است و موقتاً حفظ نظم و رفاهیت عامه را
که بیم اغتشاش آنها است در حالتی که قوای نظامی حاضر نباشد یا کفایت نکند و به انجام وصول نظام
این ماموریت باقی خواهد بود پس عساکر ملکیه باید دعوت دولت را اجابت کنند و در هر وقتی که دسته‌بندی
شوند جمع آوری شده در زیر سلاح بیایند و مخصوصاً اینکه به جای غیر معهود و بکلی از رسم لشکرکشی است در حرب
شوند عساکر ملکیه اجازت دارد که مرخص شود

فصل ششم

مطابق آنچه در فصل سابق مسطور شد عمده ماموریت عساکر ملکیه عبارت است از حمایت اهالی ملکیه
هر یک از اجزای آن عساکر مسلح داشته باشند که هر عساکر مجهز شوند اجازت خواهند داشت در
باید یک تصدیقی از صاحب‌منصبان ولایتی در دست داشته باشند که جزو عساکر ردیف یا عسکر مستحفظ نشده و
همچنین قراری بگیرند که قرعهٔ نظامی نخورده باشند و اگر بعد در شود به جای خود مقرر کنند و الآخر با طالبوسهای عساکر
نظامی یا ردیف یا مستحفظ خواهند شد چنانچه در فصل هشتم اشاره خواهد شد

فصل هفتم

دولت نمی‌تواند حرکت بدهد اردوی عساکر ملکیه را هر وقت و هر اندازه که لازم دیده‌اند و فرمان سلطانی
رجب تکلیف دولت می‌تواند در هر وقتی عساکر ملکیه را بالتمام یا قسمی از آن مرخص نماید

مقالهٔ دویم ترتیب نظامی عساکر ملکیه

فصل هشتم

در هر ولایتی یک یا چند قسمت عسکر ملکیه ایجاد خواهد شد و پایتخت و اطراف آن بجای یک بطالیون

[illegible]

محسوب میشوند و در هر قسمتی از آن عساکر پیاده عبارت از شش باچ فوج و هر فوج از سه باطالیون و چهار باطالیون و هر
باطالیون از ده دسته که هر دسته از شصت تا صد نفر مرد داشته باشد

فصل نهم

هر قسمتی در تحت فرمان میرتومانی و هر بیگادی در زیر حکم سرتیپی خواهد بود و لقب این ارباب مناصب عالیه
امیرتومان و سرتیپ عساکر ملکیه خواهد شد و صورت دسته بندی افواج باطالیونهای عساکر ملکیه از این قرار است
و هر فوجی یک نفر سرهنگ خواهد داشت و یک نفر نایب سرهنگ و هر فوجی سه چهار فرمان ده باطالیون خواهد
گرفت و باسته با چهار اجودان و یک میرقدار و دو طبیب و دو جراح نیز در هر یک افواج است و هر دسته یک سلطان
و یک نایب و یک وکیل باشی و یک وکیل خرج و چهار وکیل و شش سرجوقه خواهد داشت

فصل دهم

سردار عساکر ملکیه تعلق خواهد گرفت به یک شخص با لقب امیرتومانی فریق [illegible] داده خواهد شد و تعداد
سردار کل عساکر ملکیه خواهد بود و شخص نامبرده برای نظامی مساوات [illegible] اداره در زیر [illegible]
انتخاب ارباب مناصب و ارتقاع مناصب از روی قرارداد خواهد بود که در قانون کلیه گرفتن قشون
معمول است

فصل یازدهم

کلیه ارباب مناصب عالیه با متوسط از میان خود عساکر ملکیه منتخب خواهند شد ولی تا وقتیکه اداره
عساکر ملکیه از خود صاحب منصبی که قابل انجام خدمت باشد پیدا نکرده یا در وقتیکه ضرور نقصان کند
ارباب مناصب قراولان بلدی از اداره عسکریه نظام منتخب خواهند گردید

فصل دوازدهم

در مدتی که قراول بلدی در زیر دست مخارجرا موکول به اداره نظارت مخصوص خواهند نمود که اجزای
انجمن سوم به مباشرین اداره می شوند و صاحب منصبان کل باجزو بهیچوجه مداخله در این نظارت نخواهند داشت
و این اداره مرکب خواهد بود از یک نفر متصدی کل و یک نفر رئیس مباشرین و هر قدر لازم شود مباشر و یک نفر تحویلدار نقدی
[illegible] دارد و یک نفر تحویلدار ملبوس و اثاثه هر قسمتی از این قشون یک نفر متصدی کل دارد و هر فوجی یک نفر مباشر
کل و هر باطالیونی یک نفر مباشر جزو خواهد داشت و تحویلداران نقدی و ملبوس نیز متعلق به هر باطالیون خواهند بود

مقاله سیم در وضع عمومی

فصل سیزدهم

قراولان بلدی معاف میشوند [illegible] سکنه ولایات شده [illegible] در زیر [illegible] و لیکن بعد از انکه
مطابق فصل پنجم در زیر سلاح آمدند در تحت احکام نظامی خواهند بود

فصل چهاردهم

در تمام مدتیکه قراولان ملی در زیر سلاح هستند از هر حیث باید محکوم قوانین و اطاعات نظامی باشند و در
واقعیتیکه در آن مدت از قانون تخلف جسته مقصر میشوند مطابق قانون سیاسات نظامی محاکمه
و تنبیه خواهند شد

فصل پانزدهم

قراولان ملی که دعوت به زیر سلاح می شوند باید لباس رسمی مطابق نمونه که از دولت داده میشود برای
خود ترتیب دهند و قراولان ملی سالی چهل روز در نقاط عسکری که محل اقامت حاکم و نایب الحکومه
ضابطه ولایت و سنجاق و گوک مشق خواهند کرد و در وقت جنگ اگر دولت لازم بداند
قراولان ملی باید در ساعات معینه و اماکن مشخصه برای مشق حاضر شوند و اشخاصیکه دعوت دولت را اجابت

شنوند و در اماکن مخصوص حاضر شوند و اشخاصیکه عذر غیبت خود را موجه نمایند نکنند در حق ایشان مطابق نظامهای حکم رکاب شده سرباز جدید مندرج خواهند کرد بدون آنکه اسم ایشان در قرعه بیرون آمده باشد

فصل شانزدهم

در تمام مدتیکه قراولان ملی در زیر سلاح هستند از دولت مطابق آنچه قانون حاضر رکاب جیره داده میشود آنها هم جیره داده خواهد شد

فصل هفدهم

اسلحه لازمه عساکر ملکیه مطابق نمونهائیکه دولت پسندیده و قبول کرده از اداره مخصوص به قراولان ملی داده خواهد شد و پس از خرید اسلحه آنها نزد ماشرین ولایتی خواهند فرستاد و مهمات این اسلحه را اهل بلد با از روی توجیه یا نتیجه خارج از عادات ادا خواهند کرد

فصل هیجدهم

اسلحه و قورخانه عساکر ملکیه همیشه در انبارهای مخصوص ردیف که در ولایات و ملوکات و محالات واقعند ضبط خواهند شد و غرض است که قراولان ملی سلاحی داشته نگر آنکه مطابق حکم حاکم ولایت باشد و آن صورتیست که امر فوق العاده و ضرورتی پیش آید

فصل نوزدهم

در صورتیکه در موضعی سانحه روی دهد که لازم آید قراولان بلدی مسلح شوند و اسلاح گرفتن تمام عساکر ملکیه لزومی نباشد آنگاه ماشرین ولایتی اتحال با صاحب منصبان بزرگ و قراولان ملی گفتگو کرده و تعداد ایشان را معین نمایند

فصل بیستم

در صورتیکه تمام عساکر ملی بلدی لازم نشود مسلح گردند عده منظوره از آن قراولان را از اشخاصیکه با اسلحه [illegible]

[illegible]

زیاد تر است منتخب نماید

فصل بیست و یکم

وقتیکه حادثه روی داد که لازم شود عساکر ملکیه در زیر اسلحه روند صدور حکم و اجرای امور متعلقه به این خصوص از مجلس مخصوص خواهد بود که اجزای آن از اهالی شورای بلدی انتخاب کرده باشند و در اسلامبول این امور بواسطه مجلس که در نظارت سرعسکر فراهم میآید مجری خواهد شد در ولایات پس این مجالس که از صاحب منصبان نظامی خواهد بود و در صورت غیبت صاحب منصب نظامی این ریاست تعلق خواهد گرفت به بزرگ ترین ماشرین ولایتی که در آن مکان حاضر باشد یا بگماشته معتبر که آن ماشر تعیین میکند

ضمیمه

فصل بیست و دوم

بیرقیکه طغرای سلاطین شاهان دولت عثمانیه مزین است و اعلیحضرت اقدس سلطان [illegible] بعساکر ملکیه داده اند علامت عمومی اجتماع قراولان ملی است لهذا این بیرق بیرون نخواهد آمد مگر وقتیکه وطن در خطر باشد و لازم شود که تمام عساکر ملکیه در زیر سلاح روند این بیرق در خزینه سلطان ضبط است و کسی حق نیست که مشکل از آن خبر دهد

آخر قرارنامه

این صورتیکه از اول تا آخر ذکر کردیم در تاریخ عثمانیه ایجاد عهد تازه نکنند زیرا که اول دفعه نیست که مسیحیان به و بعضی مسلمانان شده اند و اجازه داده اند که دفاع وطن نمایند سابق برایشان به در قانون تنظیمات برقرار شده بود لکن تا این زمان از قوه بفعل نیامده بود و بلفظی بود و بس از قرار نامه خلیفه بزرگ از اسم خطابه عمومی بخلفای دیگر نوشت که در تمام کلیساها قرائت شده و متن آن از این قرار است

بواسطه اخبار رسمی دولت محترم ما که در این ایام
اخیره در روزنامه‌های ولایتی مندرج است البته معلوم ارامنه یا کدام مسیحی که در تمام مملکت پراکنده و ساکن اند
که بر حسب اراده عالیه سلطانی (فرمان معز صادر شده است) که تمام رعایای غیر مسلمان که سن معینی که در قرار
داده محصوره عساکر سرحدی جدید الحدوث مسطور است برسند مقبول و مندرج در طابورهای اردوی
این عظیم دولت علیه را مخصوصا جناب وزیر اعظم جلیل
ما اظهار داشته اند جناب معظم الیه ما را مطمئن می‌فرمایند که پادشاه بسیار بزرگوار ما تمام رعایای خود را
بیک چشم عدالت ملاحظه می‌فرمایند و چون منظور مبارکش آن است که تمام انها در افتخار دفاع وطن
شرکت داشته باشند فرمان مسطور فوق را صادر فرموده و چون این علامات جدیده دلیلی واضح می‌شوند
بر اینکه مقاصد و نیات آن اعلیحضرت نسبت بعموم رعایای خود از روی خیر و فلاحت و کوشش‌های
وطن پرستی که در این مواقع حالیه خارج از عادت که از تمام اصناف رعیت بظهور رسیده منظور نظر
آن پادشاه شده است بیان می‌فرمایند که کمال اطمینان را دارند از اینکه رعایای سلطانی در هر صنفی که باشند
با آن مواظبت وطن شناسی که در حالت حالیه از ایشان بروز کرده و مینمایند در این قصد مقدس موفقیت
خواهند داشت در عقیده مجمع مقدس خلفای ما و عقیده مجلس شورای
ملی امنی ما تکلیف خود را می‌بینیم که این قرارداد را به تمام مسیحیان متقی ارتودکس (مسیحیان ارمنی)
بواسطه این رساله عمومی اظهار نمائیم و با تقریر نامه چند شالی از قوانین مخصوصه مقرره در عساکر ملکیه
سرحدیه که مذکور شد خواهیم افزود
این قانون جدید الحق دلیل واضحی است بر نیات خیریه اعلیحضرت سلطان که پادشاه بسیار بزرگوار

وخیراندیشی ما

و خیراندیشی ما می‌باشد که بدون استثناء درباره تمام ملل که در تحت حمایت با قدرت او در دولت
اوست شامل او واقع و تعلق میگیرد زیرا که در پهلوی مراحم و شفقتیکه پیوسته ما را رأفت پدرانه نسبت به همه کس
ظاهر می‌فرمایند اعلیحضرت اقدس مرحمت فرموده امروز به تمام رعایای غیر مسلمان خود افتخار اینکه
با هموطنان مسلم خویش همدست شوند و هر یک در حفظ وطن مألوف خود مواظبت نمایند عنایت فرموده است
شکی نیست در اینکه هر یک از ارامنه مسیحی که
رعیت با حقوق دولت سلطانی می‌باشند مستعد اقدامات منتظره در تکالیف مقدسه خود خواهند
بود خاصه در صورتیکه انجام این تکلیف خالی از اشکال است زیرا که محدود داشته به اینکه با طابورهای
عساکر ملکیه در هنگام جنگ در شهر مخصوص خود حفظ و پاس استقرار نظم را در عهده گیرند بدون اینکه مجبور باشند
که در میدان کارزار که مردان جنگ آزموده لازم دارد قدم نهند مگر در صورتیکه خود مایل شوند که در اماکن جنگ حضور
بهم رسانند چنانچه این مطلب در فصول قرارنامچه مندرج است
اینک محض صفای پدرانه و با ادعیه مخلصانه تمام ارامنه مسیحی مقدس را به این امر دعوت میکنیم که چون رعیت با حقوق
ابدی دولت مقتدر هستند همه با یکدیگر هم شهریان مهربان و پرورش یافتگان یک وطن هستند و چون ملاحظه میکنیم که
دولت بسیار محترم ما احاطه شده است از اشکالات جدیده و عظیمه که مقتضی امداد و اعانت خصوصی لطف
تمام رعایای خویش است مخصوصا در این مورد که دولت علیه مجبور است از اینکه تمام عساکر نظامی و قشون کرد
خود را بمیدان جنگ روانه نماید و ضمانت تکلیف و اظهار اخلاصیکه بر ما متحتم است نسبت بدولت حامی
که ما را مامور و سرافراز بمدافعه اماکن مخصوصه خود فرموده به تکلیفیکه حب وطن اقتضا میکند که شما با اتمام رجا
و هر خدمتی که باید از دولت علیه محترمه خود امداد نمائید مگر اتمام شما را که در فصل مسطور در قرارنامچه باشد

تکلیف میکنم که در نهایت عجله رو بدیدوسای جمعی خود را در دفتر باطالیونهای عساکر ملکیه ثبت نمایند مطابق
دعوتنامه که به سائرین معتبر ولایتی از شما خواهش کرده و علاوه بر این شمارا تکلیف میسازم در اینکه کوشش بجهد
ای منتشره مابین عوام بنمایید که بگویند منظور آنست که آن عساکر را بجنگ نفرستند زیرا که بنا بر آنچه مذکور شد
تکالیف عساکر ملکیه منحصر است به اینکه هر سربازی از آن در حفظ رعایت و امنیت عامه اهالی محل مخصوص خود
کوشش نماید در اجرای تکالیف لازمه این امور انشاءالله تعالی اعانت و رحمت خداوندی شامل حال
تمام شما شود   در ادوی سامر و جهد سادس قلمی شد (آخر بیان خلیفه)

عمر فوزی پاشا سرداری موقتی عساکر ملکیه منصوب کردید و سرکردگان احرار
فشنرز اطلبید و امر کرد که هر یک در اداره حوالی خود پنج نفر از جوانان غیرمسلم داخل کنند و در باب کوشش سرداران
غیرمسلمانیکه از بیست تا چهل سال دارند قرار و مداری بگذارند و بدون ملاحظه شغل و کار با ملاحظه اینکه
از اینسان در پای تخت مملکت بوده یا بوده اصرار اکید باطالیونها نفرات الان ملی مسلح ساز
در روز سلام اعلیحضرت سلطان محمد خامس غیرمسلمانان احرار نمایندگان خوب ساخته در دعوت
خطابه ذیل را به ایشان فرمود   من بسیار خوشنود هستم از اینکه میبینم
ثابت کنم که اهالی غیرمسلم مملکت من که تا کنون در افتخار سلاح شرکت ننموده اند امروز متحد و شریک
در همان قوانین و امتیازات اینکه دلیل استقرار میان قانون کنستیتوسیون اند
را برای تمام رعایای خود بدون ملاحظه نژاد و مذهب ایجاد نموده ام و اگرچه در قانون کنستیتوسیون
مساوات حقوق نظامی در ولایت محقق شده بود ولی تا امروز بمقتضای حالت حاضره اندراج
غیرمسلم من در فنون شروع در اجرا نکرده بود و وزرای من مامورند که موجبات لازمه این تغییرات جدیده را

مجرا نمایند

بعمل آورند تا اجرای اینها بانجام رسد امیدوارم که رعایای غیرمسلم من نیز خود مشعوف باشند که این
امتیاز هم بعمل آید (آخر خطابه)   این تغییرات و این
مجاهدات اتحادیان بتجدید تحسین بود ولی در رشته بهبود دولت عثمانی با وجود عدم قابلیت سرداری
خود که محل گفتگوست محض قوه کبیر عثمان پاشا باشد با رشادت سرداران خود توانسته بودند مدتی جنگ
پایداری کنند ولی در این جنگ عدم رشادتی قوای فرقه اتحادیان باعث ناچار باشند تخت اخراجش
نزدیک شده بود

مطلب دوم

اولا فنون رومانی و روس در خاک رومانی و بلغارستان شرقی   سردار سپاه در جلو پلونا
شاهزاده شارل والی رومانی جانشین لاتوس   ژنرال توت لبن سرکرده مهندسین
سرکرده اتامازوران امیرشنگی ژنرال لیوشان عساکر ایالت رومانی   سرکرده عساکر معادن
رومانی سرنا ژنرال لیوشان رئیس اتامازوران فلاکو ژانو سر یک قسمت اول سرکرده کی اسلان
عیانو سر یک یک ابکاد رهاوو که روبه پلم پالکاشر رفتند و باطالیون و چهار اسکادرون مابین
ابسکر و وید نزدیک قریه گورنی بودند و ابکاد سواره کرت زام که مابین گورنی ازبول و دلنی
دابنیک بودند سه هزار مرد و بیست عراده توپ داشتند

قسمت دوم

سرکرده کی ماژور ژنرال ناور در ازوپل و اپالنس با ابکاد سواره فورماکی نزدیک رشتینک که لشکر
ایشان تا رود سکیت میرسید سه هزار مرد و بیست عراده توپ داشتند

قسمت سیم

سرکرده که لوپو ژنرال لیوتنان در برابر بوکو هفت هزار مرد و سیجده عراده توپ

قسمت چهارم

سرکرده که راکوشرا ژنرال ماژور کربو تیزا چهار هزار مرد و سیجده عراده توپ

حاصل جمع سپاه رومانی بیست و شش هزار مرد و هفتاد و پنج عراده توپ

قشون دولت روس

اردوی نهم سرکرده که ژنرال کرودنر لیوتنان ژنرال

قسمت پنجم

سرکرده که چلیدر چولدز لیوتنان ژنرال در کالش سیجده هزار مرد و سی عراده توپ در شرق پلونا

قسمت سی و یکم

سرکرده که وژملیف ژنرال لیوتنان ژنرال در پاشات

قسمت هشتم

سواره سرکرده که لچکارف ژنرال ماژور در سنگرهای مابین کورنه ارتوپول و دنی دامنیک ده هزار مرد و

اردوی چهارم سرداری زوتف ژنرال لیوتنان

قسمت سی ام

سرکرده که پوزدولیوتنان ژنرال مابین توسانیزا الی پاشات

قسمت شانزدهم

سرکرده که اسکوبلف لیوتنان ژنرال آتاماژور دونشان پرسنتواتز و جا که مابین پرستواز و کرچین
جاگیر است و دو بریگاد از قسمت اول و دیگری از قسمت دویم سرکرده که ماژور رف وکارف لیوتنان
ژنرال در نزدیکی توسانیزا و بوکت افتاده بودند قسمت چهارم سواره در نزدیکی بوکن بیست و شش هزار
و صد و پنجاه و دو عراده توپ قسمت اول افواج خاصه کنت ارلف ردنیف ژنرال ماژور بریگاد
در غرب توسانیزا داشت و بحالت تقاطع در راه لوکا و پلونا هفت هزار مرد و قسمت سیم افواج
کانالانف ژنرال لیوتنان که بریگاد با بریگاد توپخانه نزدیک مدون داشت که در سیزده هزار ذرعی جنوب
غرب پلونا بود و بریگاد دویمش نزدیک ازوندل در چهار هزار ذرعی شرقی مدون مقام داشت جمعیت
این دسته هفت هزار مرد و چهل و شش عراده توپ بود قسمت دویم فراغ دن سرکرده که ژنرال
ژنرال لیوتنان نزدیک لوکا دو هزار مرد و دوازده عراده توپ
حاصل جمع عساکر روس که جز قشون صربستان بود و دو هزار مرد و شصت و شش عراده توپ

اردوی مرکب ژنرال گورکو

قسمت دویم افواج خاصه سرکرده که کنت چوالف ژنرال لیوتنان با بریگادهای ماردن سرد
لدرراباک در بریگاد و دویم قسمت اول افواج خاصه و بریگاد مجزای خاصه سرکرده که الیس ژنرال ماژور
و قسمتهای سواره خاصه و بریگاد توپخانه خاصه و من حیث المجموع بیست و چهار هزار پیاده و شش هزار سواره
و یکصد و سی و دو عراده توپ می شد و این قشون خط احاطه پلونا را در جنوب غربی احداث کرده
و در سنگرها و الکه ساحل رود بان کاه جای داشت و مقدمه تجنیس آن در دربری بوده که
در بیست و چهار هزار ذرعی شمال شرقی ورانز واقع است و فوج دراکون خاصه در رنا ملوشیرا که فاصلی

ذرع در شرق ملتبس واقع است و در ایورز اقامت داشت

قشون روس در بالخان

قسمت قراغ مرکب سرکرده که توتورمین ژنرال ماژور که از لوانز در کنار تسه وان که شصت هزار
ذرع تا ملتبس فاصله داشت رو به سلاتیزا در حرکت بود در فوج سیم قراغ دن که سرکرده آن
کنت ارلف سرتیپ بود فرمان میداد

اردوی هشتم سرداری ژنرال رادسکی در کابروا

تیپ بریگاد در قسمت دوم پیاده در تیرنو قسمت هشتم سواره در تیرنو
قسمت نهم پیاده سرکرده که اسویتوپولسک میرسکی ژنرال لیوتنان بریگاد اول که دو فوج برلش
و سیوسک بودند در جنوب النا و بیرواجای داشت و بریگاد دوم فوج که دو فوج ریاسک و
ازول بودند در ترنوا افتاده بودند
قسمت چهاردهم همه بریگاد سیم و چهارم محزان در کابروا در تنگه شیپکا و در تراونا که در بیست
و شش هزار ذرعی جنوب شرقی تیرنو واقع است تا قاضی کیوی رود داشتند و مجموع قشون بالخان
سی هزار مرد و یکصد و شصت و دو عراده توپ بود

قشون روس در کنار رود لم

سردار کل نواب ولیعهد دولت روس گراندوک الکساندر گزاروویچ ژنرال پیاده نظام مرکب
از نامزدان کنت ورونزوو داشکوف ژنرال بوده محل اقامت سردار بوروکا

اردوی دوازدهم سرداری گراندوک ولادیمیر ژنرال ایالانو

قسمت سی و سیم سرکرده که تریوف ژنرال لیوتنان در ژرال ایالانو که بیست هزار ذرع
در شمال ژلات و در اوبانیک
قسمت دوازدهم سرکرده که فیرکس ژنرال لیوتنان در لیکا و پیرکس و متعلقه آن بخش و مجرد از قرق
دوازدهم سواره در ساحل این لم و در بابار در بوراشا سیزده هزار مرد و یکصد و بیست عراده توپ

اردوی سیزدهم سرداری دودوکورساکف ژنرال لیوتنان در بوروگا

قسمت اول سرکرده که بروچوف ژنرال لیوتنان بوروکا سینان کیوی
قسمت سی و پنجم سرکرده که باژالف ژنرال ماژور در کرکوا — قسمت سیزدهم
سواره سرکرده که ون راون ژنرال ماژور در کرکوتا بیست و سه هزار ذرعی جنوب غربی ژلاوه کبارگر
نالکو و رفته بودند سیجده هزار مرد و یکصد و شصت عراده توپ
قسمت بیست و ششم پیاده سرکرده که دلی فس ژنرال لیوتنان نزدیک خیرکیوی ده هزار مرد و چهل عراده توپ

اردوی نهم سرداری چاخوسکوی لیوتنان ژنرال ایلفندی

قسمت سی و دوم سرکرده که الفر ژنرال ماژور در لفندسی که بیست و چهار هزار ذرع تا ژلا فاصله دارد
قسمت یازدهم سرکرده که ارنوت ژنرال ماژور در دمدنی — قسمت یازدهم
سواره سرکرده که تانچ حف ژنرال ماژور در دمدنی شانزده هزار مرد و یکصد و شصت عراده توپ داشتند
قسمت سی ام کرنادیه سرکرده که داملو ژنرال ماژور در ژلا — قسمت چهاردهم
سواره مارون بالگذن ژنرال ماژور در ژلاوکوری نیاستروبوروکا و بالابانکمز سیزده هزار مرد و صد عراده توپ
داشتند
مجموع قشون کنار رود لم هفتاد و سه هزار مرد و چهارصد

وسی و دو عراده توپ می‌شد و قشون متحرک عبارت بود از قسمت دوم که ناحیه که سرکرده‌گی آن

بانت‌چی ژنرال ماژور سر آن قسمت و از سیم تو امبریه سیستنی تو رسیده بود

عساکر دوبروجا و بلغارستان شرقی

قسمت نهم سیم سرکرده که پورچونی کف ژنرال ماژور و بریکاد توپخانه جزو از قسمت اول قراغ دن

سرکرده که جاپ چیف ژنرال ماژور در کسینجه و ماتکایا بودند

قسمت هجدهم سرکرده که مازوپت ژنرال ماژور با چند جزو از قسمت اول قراغ در پرواودا و حد ... بودند

قسمت سیم قراغ دن و چهار باطری توپخانه دن در راسوا مجودکیو زوکو

سکون بودند   قسمت یازدهم که از اردوی ششم جدا شده بود

نیم بریکاد توپخانه و یک بریکاد پیاده‌اش در تولیجا و باجین و نیم بریکاد توپخانه و بریکاد دوم آن در کیلا

و اسمعیل و کالاتز و برایلد بودند   قسمت سی و ششم سرکرده که وورونکن ژنرال

ماژور در کالاراچ بود و یکفوج از آن جدا شده در سلوبودزیا و ژیورژو مامور بوده مجموع قشون دو

بروجا عبارت بود از سی و شش هزار مرد و دویست و چهل عراده توپ   اگر تمام اعداد مسطوره را

جمع کنیم ماحصل کل از این قرار خواهد بود   قشون رومانی ۲۸۰۰۰ مرد و ۲۳۲ عراده توپ

قشون روس که جزو عساکر منسوب در تحت فرمان شاهزاده رومانی بود ۵۲۰۰۰ مرد ۲۶۶ توپ

اردوی ژنرال گورکو ۳۰۰۰۰ مرد ۱۳۲ عراده توپ   عساکر مامور بالکان ۳۰۰۰۰ مرد ۱۰۴ عراده توپ

عساکر کنار رود لم ۳۰۰۰۰ مرد ۴۳۲ توپ   علاوه بر این قسمت سیم گرنادیه ۱۰۰۰۰ مرد ۲۰ توپ

اردوی دوبروجا ۳۶۰۰۰ مرد ۲۴۰ توپ   جمع کل ۲۶۱۰۰۰ مرد ۱۲۴۳ عراده توپ

از این حاصل جمع باید افزود عساکری را که در رومانی متوقف بودند و زود یادی که در محلی بوده به بلغارستان

طلبیده شوند عساکر ترکان این جزو منقسم شده بودند و قوتهای پاشایان تقسیم بر سه قشون شده بود

که در سه نقطه مختلفه قرار گرفته بودند و صورت تحقیق آنها از این قرار بود

قشون اول در تحت فرمان سلیمان پاشای شیر موسوم به عساکر شرقیه با عساکر دانوب

در کنار لم سفلی و اق لم پرانتی و تولاک قسمت پیاده و نایب پاشا و قسمت سواره صعب پاشا

یازده هزار مرد و چهل و دو عراده توپ می‌شد و علاوه بریکاد علی رضا پاشا شش هزار مرد و بیست و چهار عراده

توپ داشت و حاصل جمع عساکر لم سفلی بیست و یک هزار مرد و شصت و شش عراده توپ بود

عسکر سنگر و در راس گراد چهار قسمت قشون نجیب پاشا

و حسین پاشا و سلیم پاشا بود و دسته متحرک من حیث المجموع پنجاه هزار مرد و یکصد و پنجاه عراده توپ بود

در سمانو فلر برابر پوپکوی و در عثمان بازار در هر یک از این دو نقطه

یک بریکاد بود و مجموع اتحاد دوازده هزار مرد و سی عراده توپ داشتند در دوبروجا قسمت شش پاشا

شانزده هزار مرد و چهل و دو عراده توپ داشت و علاوه بر این قشون که مخصوص بودند

و صحرا بودند در روسچوق و چولا قیصرلی پاشا و طاهر پاشا هر یک ده هزار مرد و بیست و چهار عراده توپ داشتند

و در سیلیستری سلیم پاشا هشت هزار مرد و دوازده عراده توپ داشت و عددی قشون نیز به نورنکالی

فرستاده بود و در وارنا که جزو اردوی مصری سرداری شاهزاده حسن پاشا هشت هزار مرد و سی و

هشت عراده توپ داشت که چهار باطری از آنها صحرائی و دو باطری کوهستانی و یک باطری ... بود

مختصر اینکه تمام استعداد قشون شرق عثمانیان عبارت بود از سی و سه هزار مرد و هشتاد و سه عراده توپ

بعلاوه چند هزار سوار غیر نظام

دراین ترتیب بسیار موقعی عساکر را مثل محمد علی پاشا اردوهای دائمی تقسیم نکرده بودند و چنین معلوم میشد

که رجب پاشا و سلیمان پاشا نمیخواست که در تحت فرمان خود سرداران اردوی غیر مطیع داشته باشند

زیرا که مانند ایوب پاشا همیشه خلاف حکم سردار کل خودرائی کردند

قشون دویم مامور بالقان بسرداری رؤف پاشا

این قشون بسیار ضعیف شده بود زیرا که جزئی از ان را مامور بالقان نموده و قشون این قشون شرق نموده قدری را

هم باردوی ارخانی فرستاده بودند در شیپکا تنگه تراونا ت ده هزار مرد و چهل و دو عراده توپ

صحراها و کوهستانی و چند چپاره بود و در شهر ترنوزان پنجهزار مرد و دوازده عراده توپ و در خان کج و

توارد تبرا هریک با طابور و معدودی از غیر نظام جا داشت که تمام انها دو هزار مرد می شدند و در جزو

در قاران لیک ذخیره عبارت بود از سه هزار مرد و سی چند عراده توپ که در تحت فرمان حسن بیک بودند

حاصل جمع قشون بالقان عبارت است از

بیست هزار هفتاد و شش عراده توپ و چند چپاره و عساکر غیر نظامی که مرکب بودند از باشی بوزوک و چرکس

قشون سیم متعلق به بلغارستان غربی

بواسطه وضع اراضی آنحدود و عساکر عثمانی آنجا میتوان بدو قسمت کرد اولا قشون عثمان پاشا در پلونا

که چهل هزار مرد و شصت عراده توپ بود و در بعد باز ترتیب داده شده اند تا بنا بر سیاست شفقت حساب پاشا که پس از

اندک زمانی محمد علی پاشا بجای او برود و بعلاوه اردوی حدا گانه ارخانی تقریبا چهل هزار مرد و هشتاد

عراده داشت و مناسب است بر این تعداد ... سالیان

ویدین را سرکرده

ویدین را سرکرده احمد پاشای قریق بسا خوبان لم پالنکان و راهوا و برکوتتزا که هریک دو هزار

مرد بیشتر نداشتند و چند عراده توپ و قدری از قشون غیر نظام با انها بود و در پچ از چهار پنج هزار مرد در تحت فرمان

فضلی پاشای قریق بودند که قدری از انها بصفا فرستاده شده بود پس مجموع قوای ترکان در اطراف

غربی عبارت از نود هزار مرد و صد و چهل و پنج عراده توپ که نصف انها در پلونا محبوس و بیکار مانده بود

پس معلوم میشود که ترکان در ابتدا بزحمت قونشان بر روس از روسها

کمتر بود و این نقصان عده کم کم رو به تزاید خواهد گذاشت و مداومت در جنگ را تقریبا ممتنع خواهد کرد

فصل ششم

فهرست

وضع قشون در ارض روم — لشکر بندی تقلعه — جنگ دوابویون — شکست ترکان — خطاهای

روسها که عقب فتح خود را نگرفتند — راپورت مختار پاشا — جنگ عزیزیه — شکست روسها

تعطیل قزل تپه — ... سمیان — یورش تسخیر قارص — وضع قشون در جلو ارض روم

حرکت مختار پاشا — تسخیر الیجا — روابط روسها — احاطه کلاه قلعه — تعطیل مجبوری روسها

ورگه در برابر باطوم — شغل کشتیهای عثمانی

مطلب اول

محاربات و حمل اسباب توپخانه با رض روم رسانند و چند باطالیون جمع آوری نمایند و این تقریب
اول فتح معتبری بود زیرا که برای روسها امکان داشت که بعد از شکست محاربات در آلاجا داغ
تجربه را ضعف نفسی حمل حتی توپها را قطع کنند اما آیا این قشون که از شکست خطرخیز بود میتوانست
مدافعه شهر کند و آیا اسلحه جدیده احتمال وقوع نداشت با فقرات تجربه را در باب وضع سپاه ارض روم
از قول یکی از مصنفین روس و روزنامه مجمع ارباب مناصب نقل میکنیم

ارض روم شهریست با حصار و حاکم نشین ولایت و مرکز تمام تجارات ارمنستان
جمعیت این شهر شصت هزار نفس است و بقلعه واقع است در دره موسوم به ارض روم و آن دره که دشت عریض چهار
صد و سی از روس مربع است در شمال محدود میباشد به دومه‌لی داغ و در مغرب بسلسله دوابویول و
در جنوب بکوهستان بالان تکین و در شرق بسلسله زیاد آور و در این سمت است که شط فرات جاری است
و آن شط مرحل منحصر این دره است که از سایر اطراف مسدود است و بواسطه کوهستانها که از قلل عالی و مختلف
است و در روی آنها چند راه عراده و چند راه قافله و قاطر رو وجود دارد و دره ارض روم که ارتفاعش از
سطح دریا شش هزار و سیصد پا است یک جلگه وسیعی احداث میکند که از آب فرات علیا و چند رود دیگر
موسوم است به قره‌سو مشروب میگردد و سرچشمه این آب در دومه‌لی داغ شروع می شود و وارد بوسط دره
جاری شده چندین نهر بزرگ بآن میریزند و از خصایص رود قره‌سو آنست که باطلاقهای بوحش عالی
بهنای زیادی پیدا میکند که گاهی بهفت ورس میرسد و گاهی بر عکس یک حاشیه تنگ
در ضمن آن احداث مینمایند هر جا که این باطلاقها سطح زیادی داشته باشند پوشیده می‌شوند از

[illegible]

نیزارهایی که در وسط آنها قدری خاک پیدا می شود این اراضی هرگز خشک نمیشود اهالی در اوقات موانع
بسیار زحمتی میباشند و باطلاقهای باریک و بالعکس در ایام تابستان خشک گشته و جلگه‌های تسطیح
احداث مینمایند که از علف پوشیده میشوند و مرتع و دو هبه در این رود گذاری جهت عبور پیدا شود
مگر در تابستان و در سایر فصول آمد و شد در دو ساحل بواسطه پل است و سایر نهرهای این دره
مشروب میسازند بستانهای ایلی جا بن چای سمت تحتانی مجرایش بر محدود است با طلاقها
بالتمامه در میان سواحل خشک عبور میکنند و اگر چه تنها اصل نیستند در وقت طغیان آب بسیار وسعت
زیادی از آنها غرق میگردد و با این ملاحظه بسبب سهولت آبیاری عملی ولایت میشوند اما به
ملاحظات نظامی آبیاری نهرهای موانع دائمی هستند که در حرکات قشون موجب تعطیلات و عوایق
دائمی میباشند شهر ارض روم در جزء جنوب غربی دره واقع است و در
روی آخرین دامنهای کوه بالان تکین گسترده گردیده است و در همان نقطه است که تمام راههای
این کوه مجمع می شوند در شرق شهر یک دره کوچک کوه دیگر دو که در اجزای فوقانیش یعنی کانها است و طی
هر قدر رو به شرق میروند تنگتر و فشرده تر میگردد و آب فرات در شش ورس فاصله این شهر روان است
و منازل کافی از آبهای کوهستان بالان تکین برای فرات دیده می شود و بواسطه وضع پسندیده
جغرافیائی است که ارض روم یکی از شهرهای بسیار معتبر آسیاست و فی الحقیقه مخزن عمومی مال التجاره
و غلاتیست که از فرنگستان و خاک عثمانی به ایران میبرند همچنین ارسال امتعه ایران به خارج بواسطه
این شهر از ارمنستان است سابق بر این چون ترکان
یقین داشتند که از سمت شرق بر آنها آسیبی نخواهد رسید هیچوجه در صدد سنگربندی و حصار

بندی کردن ارض روم نیفتاده بودند چنانچه در سنه ۱۸۲۹ عیسوی ژنرال باسکویچ پس از آنکه ترکها را
در سغانلوغ شکست داده بود بدون جنگ این شهر را بتسخیر ساخت و قبل از این جنگ چون ترک
عثمانی منفعت و اعتبار محل جنگ و عمل تجارتی آن شهر حکم نمود که در قلعه بندی و سنگرسازی ارض روم
عجله نمایند تا این شهر از حملات فوری محفوظ بماند و اگرچه در حین آغاز اعلان جنگ هنوز حصاربندی
بانجام نرسیده بود ولی آنقدر بود که این قلعه را تسخیر نمودن ممتنع بود مگر بمحاصره متمادی و با قاعده
در همان مکانیکه شهر بنا شده است دو سلسله دوانو یون و پالان تکین بیکدیگر نزدیک میشوند
و سلسله تپهای یکدیگر تلال عدیده که جهت تدارک ابنیه مدافعه کمال استعداد را دارند در جنوب غربی شهر
و تل صعب المسلک موسوم به کرمت داغ یا کرمن داغ واقع است و سلسله درس انگلوف در شمال
شرقی شهر کوه توپ داغ جای دارد و بواسطه این صفحه بها بگه در یک خط قطری واقع شده اند
که بخوبی میتوان در این شهر مدافعه نمود و دشمن از هر جانبیکه رو کند میتوان از این باب براد حمله گردید
استناب ... شهر مرکب است از قلعهای جداگانه که بر سه رشته تقسیم شده اند و محوطه شهر و
ارک آن

قلعهای جداگانه

اولا عمده ترین رشتهای این قلعجات رشته توپ داغ است و این رشته از طرف بها بگه
رو بکت دوانو یون که شرف ... است از شرق بواسطه تنگه بایک دره سی در جنوب
که ... است که جنبین آن ممتنع المسلک اند و از شمال بواسطه دره کم عرض الیدرم دره سی جدا
شده است ... تلال در این نقطه دایره احداث میکند که نصف قطر آن تقریبا هزار و ششصد و
پنجاه ذرع است و عده به آن از سمت جنوب کشیده می شود و دامنهای این سلسله سنگلاخ و از سمت

جنوب غربی و شرق منتهی می شوند بنحویکه ... بجهت ممتنع المسلک و حال که از داخل این سلسله
تلال احداث یکدره نمایند که رفته رفته نزول نموده و عاقبت داخل الیدرم دره سی میگردد و سنگرهای
قلعه توپ داغ در روی دو خط ساخته شده اند خط اول در شرق در فضائیکه از شمال بجنوب
دویست و هشتاد و پنج ذرع امتداد دارد سه سنگر لونت عزیزیه برپا شده است که گلوی دو
سمت از آنها بسته است و منازل سرپوشیده دارند و سنگر وسطی بالعکس گلوی او باز است خط
ثانی تقریبا در امتداد جنوب غربی بفاصله هزار و دویست تا هزار و چهارصد ذرع از سه سنگر مذکور
بفاصله ... تا هزار ذرع در محوطه شهر دو سنگر معتبر است یکی که در سمت جنوب موسوم بمجیدیه است سنگر آخر
سرپوشیده و دیگر که رو بشمال است و مسمی به تورنعمان میباشد شبیه است بسنگرهای موسوم به
لونت این دو سنگر با یکدیگر و با محوطه اصل شهر بواسطه خطوط فاصله دارند مربوط میشوند
ثانیا در روی دو قلعه کرامت داغ که تقریبا پانصد ذرع از
یکدیگر فاصله دارند چند سنگر متوسطی و چند باطری قرار داده اند قلعه شرقی کرامت داغ بسنگرهای
توپ داغ با محوطه شهر مربوط است و فاصله آن تا خانهای نزدیک شهر هزار و دویست ذرع است
ثالثا قلعه اخالی تکیه لو نه است که در هزار و دویست ذرع جنوب
از محوطه شهر ساخته اند که واقع است در روی تپه که در میان دره افتاده که از شمال محدود است به
سنگلاخ و صعب المسلک توپ داغ و از جنوب بسلسله کم شیب پالان تکین این قلعه اخالی
را جهت رد ... تنگه بایکدره سی که راه قارص از آن عبور میکند ساخته اند
سنگرهای توپ داغ و کرامت و اخالی قضا بان ... کمر از خط

اصلی شهر است ارتفاع خاکریزش از ده تا دوازده پا است و پخش متجاوز از بیست و هفت پا است
عرض خندقها که لبهای آن از سنگ است عرض سرزیر خندقش چهل تا پنجاه پا است پوشش سنگرها
از سنگ است و از خارج بقدر دو ذرع خاک بر روی آن ریخته اند در بعضی از این سنگرها منازل برای مستحفظین
برای عساکر و صفحههای آهن پوشش برای توپ است قلعه مجیدیه برای شانزده عراده توپ و قلعه عزیزیه
برای سی توپ متصل سرپوشیده دارد

محوطه شهر

دوره این شهر هفت و نیم میل است و فاصله مذکوره تا خانههای اول از دو هزار و سیصد ذرع است
با طرحی که ریخته بودند چنانچه مرکب شود از یازده باستیون که با یکدیگر بواسطه **کورتین ها** مربوط
شوند سنگرهای غربی توپ داغ و با طربها و نقبها مرتفعه شرق کرانت داغ و این محوطه بواسطه خطوط قلعه بندی
مربوط جلوه و بجای اسباب مدافعه شهر محسوب شوند در سنه ای محاصره دو یا سه باستیون دارای تمام
رسیده بود یکی در شمال موسوم به **کواک** و دیگری در مغرب بجا مانده این باستیونها از روی قواعد **کرمنتی**
ساخته اند و بنابراین یک ... بنیانها را مانند یکدیگر و خطوط با فاصله تعیین نمودند قصدشان آن بود
که در عقب آن قواعد کنند پس چنانچه به جهت **کورتین** و متعلقات خارجی انهار انباشته و **کلاکی** را
قرار دهند این قلعه را چهار دروازه لازم بود که همه در پشت بنیانهای باستیون واقع شوند و علاوه در این دروازهای
باستیونها که دروازه ندارند چنانچه در جلو دیوار **کورتینها کورتین** در اصطلاح قلعه سازی یعنی دیوار آن
که مابین دو باستیون را متصل میسازد سنگرهای کوچک قرار دهند که اطراف خاکریز باشند تمام جهات
این اماکن ... سرپوشیده بر اسباب خلوتهای انجا ساخته بودند و بنا بود که در عقبهای **کورتین** یک

معبر ...

خیال داشتند بسازند بیابان و چادر سپاه قرار دهند وسعت عمومی محوطه قلعه چنانچه معتبر و زیاد بود و عرض
سنگهای خاکریز از شصت تا صد قدم میشد و عرض خاکریز از بیست و پنج تا سی و پنج قدم بود و ارتفاع آن با بیرون
تا بیست و یک قدم و عرض خندق آن هفتاد و هفت قدم و عمق از ده تا بیست و چهار قدم میشد محوطه اصلی مرکب است از
دیوارهای خاکی که پوشیده شده اند از عرض و دارای چند قهقهی رو به بیرون و رو به اندرون چهل شش ...
این قلعه تخمینا یکصد عراده توپ بیست غیر از آن شانزده عراده که در قلعه مجیدیه موجود بود

ارک

ارک که در مرکز شهر واقع است مرکب است از دیوار کهنه سنگی که صاحب ... دو برج است و بحران الات
حرب و قورخانه است اما از حیث مدافعه هیچ مقداری ندارد و منسوب اند محل سعادت واقعی بود ...
قلعه بندی ارض روم از یکصد و چهل تا یکصد و پنجاه استحکامات بزرگ لازم است ولی در این اواخر قبل از جنگ
بیش از چند عراده توپ در قلعه مجیدیه و چند عراده توپ در سنگرهای جلو عزیزیه و چند عراده در **ارک**
داغ بود و اغلب آن عراده ها هم توپهای قدیم آهنی بودند اگر آن توپها نیز که در جباخانه داشتند ...
من حیث المجموع هشتصد عراده میشدند اما بیش از پنجاه و شش عراده توپ جانه از طرف عثمانیها ساخته ...
بزرگ قلعه و تعداد اماکن لازم محارسه از بیست هزار مرد کمتر نتوانست باشد
اگر قلعه ارض روم را از حیث حمله و مدافعه ملاحظه کنند چنین حکم خواهند کرد که
استحکام زمین جبههای چهار آن هنوز نهایت که بالای آن قلعه از سنگرهای مرتب ساخته اگرچه از دو سمت **تبریز**
با چند عقب نشسته ... دور کرده اند ولی از دست آن ... بعد از آنکه به شهر حمله کنند و آنکه را هم ساخلو آن
قلعه تبریز ... سنگرهای روی آن جنوبی بالا و در بین بسیار مشکل است که روی سنگرها دور کرده شده

دار طرف بالان پکین بر شهر یورش برند زیرا که تقریباً ممتنع است که توپخانه را از این اراضی بگذرانند

دفع این نواقص که این است که یا در خود قلعه جهت مدافعه و در روی مقتضیان عیوب مهمه را درک کرد اولاً

اولاً آنکه در حوالی شهر هیچ جا آب جاری یافت نمی شود و

همین قدر که راه بسته و بند آب را بسته اند مدافعه قطع پیدا میکند

ثانیاً در قلعه‌ها و سنگرها جلو هم آب نیست و باید از شهر برند

ثالثاً تعداد اهالی شهر زیاد است و از هر گونه نژاد و اصل هستند لهذا اشکالات

زیاد در هنگام محاصره پدید می آید خاصه در وقت خمپاره باران کردن

رابعاً اشکال دارند توپ داغ طوری است که اگر قشون عظیمی تسخیر آن کند میتواند منصور باشد و بهیچ وجه

مرعوب نشود و خاصه در فاصله هزار و دویست تا هزار و هشتصد سارن چندین نقطه

هر نقطه است که اقلاً از ارتفاعات قله توپ داغ است و ممکن است که در آنجا باطریهای

محاصره نصب کنند خامساً با وجود یک محوطه متصله در دور شهر برای حمله

خارج موجب اشکال می شود و هیچ جهه شهر را از خمپاره باران امن نمیکنند

سادساً عده مساکن محفوظ از شر گلوله خمپاره نسبت به تعداد اهالی کم است

سابعاً بر شهر مختصری که دائم معلوم می شود که حفظ قلعه منوط است بتصرف قطعه

کوه توپ داغ زیرا که یورش بر آن محققاً مشکل است از آنجهه که در تمام مدت محاصره توپخانه

محاصرین مجبور است در اینکه از هزار و دویست سارن هم نیاید و از طرف دیگر اگر از جانب

جائیکه بر شهر یورش برند شهر را نتوانستند تسخیر کنند قلعه‌های منفرد و خارجی مجبور به تسلیم شوند از این است

اینکه بعد از تسخیر

اینکه بعد از تسخیر شهر بکلی بی آب خواهند ماند

حمله روسها قریب الوقوع بود و از تمام استعداداتی که در اردوی روس بعمل آورده بودند معلوم

شده بود که در صفوف عساکر ترک بعضی هستند که چون از وضع امور بخوبی مستحضرند مجرا ارزو دارند

در اینکه قلعه را اخالی کنند کثرت امراض موجب وحشت بود و فرار و گریز و تجاوزات مکرر اتفاق

می افتاد لهذا اردوی روسها مبالغی موقع عظمت شمارند و راه وصول قشون امدادی را که منتظر بودند از طرف ارزروم

برسد بربندند و در دوابیون بر ترکان یورش برند یعنی کنند متفرق شوند و کوشش نمایند

که وارد ارض روم نشوند و چون نتایج عمده که در صورت فتح بدست می آمد کمال اهمیت را دارا

پیدا کرده بود ژنرال هیمان سردار اردوی سگان لوق را مجبور کرد که حتی الامکان پیش برود و منتظر آن باشند

اراضی اطراف ارض روم را مسخر داشته باشند

چنین بنظر میاید که شرط حزم آن بود که روسها تمکین کنند ترکان ملتفت خویش شوند و اهمال کنند

که بجهة اطمینان از فتح باید منتظر ورود توپهای عظیمه باشند که از اردوی اروان بیابستی برسد

آن قشون ممکن بود در روز دوم نوامبر بعساکر سگان لوق که در اردوی کورجوخ بودند ملحق شوند ولی

بجهة اینکه در سنه جمع آوری شوند پس از حرکت سریعی که از الکه دیر کرده بودند قدری استراحت

کنند شب سیم نوامبر را ژنرال هیمان حکم کرد که در حصن قلعه اطراق نمایند و در نیم فرسخ

پیش هستند لهذا یورش دوابیون بچهارم نوامبر افتاد و در سی یکم اکتبر بسیم نوامبر تمام

قشون اردوی کورجوخ کارشان بتحصن به استراحت شد و در این چهار روز پنج سپاه اردوی

اروان وارد می شدند در سی یکم اکتبر شیخزاده اولان آن ملحق شدند و سرکرده ایشان ایلوخان ف

بود روز سیم نوامبر عمدهٔ این قشون رسید روز دویم نوامبر جنگ تفنگچی از محل **دوابیون** در سمت

اسمعیل **کرکا بازاک** شده و تمام مرتعبان و سرکردگان و روسای اتامان زوران در آن ترک و در نزدیک

وازین تجسس و تفتیش روسای دیگر از وضع اراضی مستحضر شدند معلوم شد که اگرچه محل مزبور به قریب تسخیر

تسخیر ناپذیر است ولی تعداد سپاه ما خلوبان اینجا بقدر کفایت نیست و چون وضع سپاه طولانی است

در مرکز اگه راه ارض روم عبور بکند ضعف بهم رسیده است

محل دوابیون از راه ایزدو مدد قسمت شده است و در مرکز آن اردوی مشهور دکم اعتباری

است و بود که منظور از آن حفظ راه بود از شر گلولهای روس که طرفین فرستاده بودند این اردو و به واسطه سنگرهای

جدید و قلعه بندی شده بود و یک طرف آنجا جبههٔ مدافعه آنجا نصب نموده بودند ضلع این محل تکیه داشت به قریه

که به واسطه طرح بعضی سنگرها محکم بودند و در روی آن قدری از اردوی عثمانی جای داشت و عمدهٔ اردو در پشت تپهها

در یک مسیلی افتاده بود که روسها ندیده بودند

وضع ضلع این قدری محکم بود که عبور نتوانستند از پشت آن یورش بردند و ممکن نبود آن ضلع را تصرف نمایند

از بین آن دره‌ای کوه **یالان تکین** حمله ور شوند ولی حظی که باید برای این حرکت طی کنند به واسطه طرحهای توپ

و سنگرها مدارک مدافعه پیش دیده شده بود و علاوه بر این از یک خندق که عمیق و صعب المسلکی بریده شده بود

که از قله برف **یالان تکین** با دو قریه **گل له** و **توبالاک** و **توجک** امتداد داشت و ضلع یسار آن محل عبارت

بود از یک صفحه سطح کوه که وسعتش بقدر کفایت بود و آنرا **اوازون احمد** مینامیدند حمله از راه آن صفحه

ممکن انگار را داشت ولی بالعکس با کمال سهولت از طرف چپ و سمت مسیلی که از **دوابیون** عبور کرده

ممکن بود یورش برده در جنوب و غرب این مسیل تل بلندی موسوم به **چوبان داغ** واقع است و یک قلعه

نگاه در نشانده بود

سنگ در پشت او دارد و قدری جلوتر یک تل کوچک واقع است که به مسند تکوه تا قریه **یخچی تولی** یا این قربت

و این بلندی در تصرف سه یا چهار باطالیون عثمانی بود و توپهای کوهستانی و صحرائی موقع بود

سیل مزبور فوق در عرض تپش آن تل کوچک واقع شد

و تل بزرگ **چوبان داغ** به واسطه سلسله متصله نقطه سنگرها مانع بود که ترکان متصرف آن قصد یورش نمایند

و بنابراین مجبور بودند که اردو در محل محاربه اشتغال ورزند ولی عمر بالای رودی که در پایان آن تل بود برای یورش حمله

استعداد تمام داشت به طریقی با تصرف صفحه فوقانی کوه **اوزون احمد** سنگر جادهٔ ارض روم که قلعه معسکر

دشمن بود در عرض تپش اوزون احمدی شده و عساکر ضلع یمین ترک را از قرای خرجاده‌های پیاده اردوی که

از **یالان تکین** عبور نکرده بودند نشسته و این معسکر در تصرف چند باطالیون ترک و دو فوج سواره و پنجاه عراده توپ

بود که هشت عراده آن توپهای قلعه و شش عراده توپهای کوهستانی و باقی توپهای صحرائی بودند

اردوی ... نتایج انتخابات مفصل این معسکر در اردوی روس صحیح

جنگ روز چهارم نوامبر ریخته شد و یورش ساعت بعد از نیمه شب تمام عساکر ترک چادرها در اردوهای خود خوش

خفتند و بر اماکن منظوره که از یورش جبهه انها معین شده بود دست انداختند ستون شاهزاده **امیراجی لف**

در جلو قریه **چفتلی یک** ضلع یمین صف جدال را ایجاد نموده بود و در جلو میسره آن توپخانه که عبارت از سی عراده

توپ ستون ژنرال **بروبونسکی** بود قرار داشت ضلع یسار این توپخانه در جلو قریه **پوزبیدره** واقع بود و ستون

ژنرال **بروبونسکی** در پشت یمین توپخانه جای گرفت و ضلع آن تکیه به **چفتلیک** بکرد و ضلع یسار آن

به **پوزبیدره** در طرف راه مستقیم ارض روم واقع بود

و در عقب ستون ژنرال **بروبونسکی** خارج از تیررس سواره کلیه خان نخجوانی جا گرفته بود و فضای بین دو قریه

رشجی کاس و کل لی محل استقرار ستون ژنرال چاک شده که در میسره آن با جاده ارض روم یک خطی
از جبل ... عراده توپ ستون ژنرال انوف استاده و شش ستون در پشت سر توپخانه صفوف صف جدال
آراسته بودند و در نزدیکی جاده ارض روم خارج از ترتیب سوار ... شاهزاده امیلوخارف ... تمکین
داشت ... و در هنگامیکه ... مشغول ... آتش و ترتیب صفوف
قتال بودند در دو ساعت و ربع قبل از ظهر اول تیر توپ از جانب ترکان افتاده شد ... که
توپخانه عثمانی در تمام خط جدال ... گرفت و توپخانه روس بفاصله دو هزار ذرع ... شده ...
کف آتش توپهای ضلع ... صفحه اردون احمد ... که ... مناسبی ...
از پشت ستون شاهزاده مراجی تف ... واقع بود ... آتش توپخانه ضلع ... با طرفهای ... ترکان ...
گرفت ... توپ اندازی ... که ... واقع در پای چوبان داغ در تصرف دو باطالیون و
دو ... سوار ... که ... چوبان داغ ... اردون احمد ...
پیاده و پنج عراده توپ ... عثمانی در تصرف دارند و چون اعمال ... عراده توپ ...
چوبان داغ قرار داده بودند ... سه چهار باطالیون پیاده ... ستون شاهزاده
اجی تف ... اردون احمد ممنوع بود زیرا که ... آتش ... شدند که ...
لهذا از حرکت شاهزاده مراجی تف ... توپخانه فقط مهیا ... شده ... اول ... چوبان داغ
خاموش کردن آتش توپخانه را که در بالای ... ضعیف بود ... ژنرال برودونسکی
سه چهار باطالیون پیش فرستاده اند که از ستون چوبان داغ ... بجی توی حمله ... کار را
مجبور ساختند قدری از آن را تخلیه کنند لهذا ستون مراجی تف ... عقب ماند

...

و در بدست جنگ ... باطالیونهای فوج قرم دو باطری از ستون شاهزاده مراجی تف ... ستون خان نجوان را
اطراف آن ... سپس ... بعد در همان حین آن باطری که ضلع ... توپخانه ژنرال برودونسکی بود قربان ...
که ... از ترکان ... توقف ... با طرفهای روس بفاصله ... هزار و پانصد ذرع عسکر ترک پیش آمد
... این ... باطری ... توپ عثمانی که
... شده بودند ... شاهزاده امراجی تف آغاز ... نهاد و ... که
مانند آن بود که ... اردون احمد که ... روس ... و گلوله توپ ... ساختند در
... از فوج سواره خان نجوان ... صف قتال ... قریه چفلیک ... گرفت ... که
اگرچه ... توپخانه عثمانی واقع ... شده و لیکن ... آن ... تمام ... ترکان ...
امراجی تف و آن ... باطالیون فوج قرم بود
در ... این وقایع ... حال ... که چون ستون ژنرال چاک
... شدند ... آغاز ... آمدن نهادند ... فاصله از قریه کل لی ... آتش
... توپخانه ترک ... که ... توپخانه روس ... ژنرال چاک ... باطالیه
دو دسته پیاده نظام را ... که کل لی را که در تصرف ... سوار ترک ...
... کل لی را ... و یک باطالیون از فوج ... دو دسته
... کل لی ... که ... آن ... قریه ...
شوند ... سوار ... ترکان
از طرف ... ژنرال چاک ... شروع کردند که ... پیاده و سواره خود را قدری از توپخانه ...

ضلع یسار آن لشکر جمع آوری نمایند و قریب ظهر شاهزاده توپ صحرائی و کوهستانی مجتمع ساخته
بجانب میسره و مرکز روسیه حاله می شدند و برای اینکه از صف قتال خویش تقویتی کنند ترکان
سواره خود را که از آنجا فرود آمده بودند با تقریبات با طالیون پیاده به امداد او فرستادند لیکن باطری روس
که تو فرستنده بودند در نزدیکی قریه کل لی لصف شود اینده بتحاشت تعاون را مجبور ساخت که راه خود را کج کنند ترکها
دو ساعت بعد از ظهر ترکان تو انستند که هشت طالیون پیاده با سواره خود که پیاده شده بودند در برابر
ضلع یسار عساکر ژنرال چاک جمع آوری نمایند و حمله ور شدند و کوشش مینمودند که از لشکر فوج
اخیل خان عبور نمایند و پیاده نظام ترک که در برابر قریه کل لی بود نیز از آن قریه یورش برده ولی دسته طلایه
و دسته های پیاده که آنجا را متصرف بودند انهدام اردو بیک سیلی برایشان قریه بیرون کردن خسته

چون ژنرال چاک دید که ترکان بر تمام صف قتال او حمله ور شده اند
از پیاده ذخیره خویش فوج سنکرالی را طلبیده بجانب قریه کل لی روانه داشت و تعقیب فوج تفلیس را به اصلاح
افرستاد در برابر فوج تفلیس شدت یورش هشت طالیون ترک را پس زدند و ترکان بجانب
اخیل خان معطوف کردیدند و همچنین سواره ترک که متوجه شدند در نقطی دور تر از آن محل که پیاده ترک یورش برده بود
از لشکر عبور نمایند مجبور شدند که در برابر آتش شان آن چابکان فوج تفلیس فرار کنند

چون در آن فاصله سپاه ضلع یسار عثمانی امداد رسیده بود لهذا
بجانب قریه کل لی تجدید یورش کردند و تو انستند که قدری از آن سیل عریضی را که در برابر آن قریه است
مجاری خود در سر دو با طالیون آمده سواران از فرمان سیدا و چهار ساعت بعد از ظهر به ضلع رسید
جدید رسیده و تقویت نمودند با طالیون تازه رسیده تجدید حمله کردند در حمایت آتش توپخانه

[illegible]

خورده بودند ولی فوج سنکرالی که موقع ارتفاع کردیس جدا شدند با طالیونهای فوج تفلیس آنجه را که ترکان از
اردوی ما امیدی آورده بودند رد کردند در همین حالیکه فوج منگرلی از حصار
بیرون آمده بود که ترکان گرفت پیدا کنند یک طالیون از فوج مخران گرجستان متعلق به اردوی ژنرال ادوف
جدا کردند و بجای آن فوج برای ژنرال چاک فرستادند در عساکر ژنرال چاک بعد از ظهر قریه کل لی بود
و همچنین در سپاه را قریه تبری شنکه تا ابتدای و انتهای سمت پالان تکین را گرفته بودند این عساکر
هنگام شام پایداری کردند و توسط آتش خود جلوگیری نموده منتظر شدند که نتیجه حمله ضلع یسار چه خواهد بود
قسمت اسمعیل حقی پاشا که مدافع بود ترکان
در همه قبل از یورش شاهزاده ابراجی اف اما تا روز روس از قشون
ذخیره دارستون ژنرال رونسکی یک طالیون از فوج قرم و یک طالیون از فوج نمان بسرکرده که ژنرال نوزکو
تکی فرماند فوج قرم پیش طلبید و آن دو طالیون را با جناح یسار توپخانه ژنرال رونسکی فرستاد که در حین هجوم
از یورش شاهزاده ابراجی اف تقویت نمایند و بجانب صفحه ازدون احمد که برابر نقطه یورش
توپخانه روس از ابتدای جنگ قبله ازدون احمد را آتش زده بود و
ترکان یک سیل کوچکی را که در پهلوی آن قریه بود متصرف بودند و در کردیستان منصب حاجی محمد پاشای ترکی
بود و نتیجه این کار تحویل فتح تدارک شود در توپخانه روس چهار ساعت بعد از ظهر قیزابل
و نقطه مرتفع صفحه ازدون احمد خالی نمودند پس از اندک زمانی شاهزاده ابراجی اف یورش خود را
شروع کرده در صف اول او یک طالیون از فوج بادکوبه و سه طالیون از فوج ابزاتپل و در صف
دویم و سه طالیون از فوج مخران فقط زده و با طالیون از فوج بادکوبه و یک طالیون ابزاتپل جای

داشت با برابر این عساکر پیش تاختند و تپه‌های جلو اردون احمد را مسخر ساختند و در آن مکان از
جاده چهار گلوله تفنگ ترکان گردیدند که عبارت از بلندی سیل و سنگرهای اردون احمد که در جلو
بودند و سنگر چوبان واغ باشد ولی با وجود اینکه گلوله مانند تگرگ بر سر ایشان میبارید عساکر
شاهزاده امیراحی لف در پیشرفتن مداومت داشتند و خود در پناه قلابه خویش که از جلو و جنبین و عقب
میگرفتند حرکت میکردند چندی نگذشت که دو صف حمله ور در دو درد پنهان شدند عاقبت الامر آواز هورا
معلوم شد که صف اول بضرب سر نیزه سنگر نخستین را از عساکر ترک تهی ساختند و ترکان در جلو فرار
دو عراده توپ جبه دو فوج بادکوبه و الیزابت پل گذاشته اند پس از تسخیر این خط سنگر بندی
که پائین تر از خطوط دیگر بود یک زنجیر محکم و متراکمی از طلایه عساکر روس در آنجا استقرار یافت و در جانبی که
ردی زمین جو اسیده بودند در صدد آن برآمدند که ترکان را از سر نیزه آن بلندی بیرون کنند و آنها
نیز سرعت زیاد بجانب همین صفحه اتکو عقب نشستند و یک قسمت از قشون شاهزاده امیراحی لف که
مامور بر گردانیدن لب راست صفحه بود توانست که بواسطه حمله متحدی آن تپه‌های جلو را متصرف شود و ترکان را
بیرون نماید و آنها مجبور شدند که بجانب این معسکر خویش پناه برند و یک عراده توپ قلعه را آنجا گذارند
و رد و بدل تیر تفنگ در دو منتهی الیه صفحه چندان طول نکشید و بقیه ترکان از آنجا توقفی نکرده بار دیگر
برای حمایت بازگشت باطالیونهای خود لازم داشته آن باطالیونها در نهایت نظم راه جاده
که فیمابین تخته سنگهای دامنه صفحه بطور مارپیچ حرکت میکرد پیش گرفتند

در هنگامیکه مطابق دستورالعمل قشون سپاه شاهزاده امیراحی لف پیش رفت صفحه
آن کوه را متصرف میشد دو باطالیون فوج قرم و فوج تمان چون سرکرده که بورکوسکی سرتیپ از خط

باطریها گذشته

باطریها گذشته به صفحه اردون احمد را پس ربودند و بیم آن بود که طلایه عساکر ترک از باطالیونهای منهزم
خویش حمایت میکردند قطع نمایند لیکن ترکان با عجله تمامی منهزم گردیدند

بعد از تصرف صفحه اردون احمد بواسطه عساکر شاهزاده امیراحی لف و
باطالیونهای بورکوسکی سرتیپ از سرها جهد کردند و باطری توپ آنجا نصب نمودند و در همان هنگام
سواره کلیچ خان نخجوان سرتیپ بسمت مسیلی که از دواپیون عبور یافته حرکت کردند و ... آنچه
رسیدند و در راه عرض دادند جای گیرند و مانع شوند که فراریان ترک تا آن قلعه پناه برند ولی چون این سواره
این مسیل رسیدند سوخویان ترک که در آنجا بودند شلیک‌های تفنگ متواتر و سریع برایشان نمودند و کار را بر حرکت
انها دشوار ساختند و چون بواسطه ... راه کلیچ خان نتوانست خود را پیش ... کند از توقف ناچار گردیده پشت
راه از دول ارضخه اردون احمد باز گزید

پس از حرکت سواره کلیچ خان فوج مهران ایروان که در پشت مرکز قشون جای داشت فرمان یافت که خط
مستقیم ارض ارادم را پیش گیرد بعد از اینکه این فوج رسید به رودخانه که در جلو دو قریه تولاخ و بنی کیوی
جاریست روبمجرای رودخانه بالا رفت تا بکلاه عقب نشینی ضلع ... ترک را قطع نماید و در نزدیکی تولاخ
دستی جانب عساکر ژنرال چاک که سه باطالیون از فوج گرجستان برامدادش آمده بود دو مخوات
شروع بیورش نماید در ارکند ولی چون ظلمت شب عالم را فرو گرفت این دستون سپاه موقوف گردید

سواره شاهزاده امیلخوارف سرتیپ بعد از فوج ایروان
در هنگامیکه ژنرال رلیس ملکف سردار کل سواره روس سرکرده که انها را ... اختیار کرده این سواره چون
چون قبل از وصول برودخانه از فوج ایروان بخاور گرد بجانب راه ... آورده ... که مرکز معسکر خویش

اردوی ایصال ارزنک کفته عقب نشسته تعاقب نماید و هنگامی که این سواره به نواری صحرا ازدوی احمد رسیده بودند
یکلوز ایغنک آتش توپخانه عسکر دواپون کردید و چون سواره روس در آن مکان نیم جزیری تپخانه ترک را
نصب کرده در حالت تیر سواره خویش بیکرفت و در سر این ستون سواره فوج دویم قراغ مرزدک جای داشت و
این فوج با غلطت طلب و اشکال عبور از دره و سیل سنگلاخ سخت رود از آن سیل گذشته و به ترکان هجوم
برده و آنها را حمله و رکرده و به دستبرد چهار عراده توپ از ایشان گرفت و توپچیان را کشت و بار دیگر صف
ترکان که در حالت غشیش فرار میکردند برآمد و با وجود ظلمت شب حمله آورد و دو توپ دیگر به چنگ
فوج دویم قراغ افتاد و فراریان را از این تعاقب سخت صدمه رسید فوج سواره در اکون که به جای اول رسید
مأمور گردید که آن اردوی تجار را از ترکان بردید فوج قراغ قفقاز زرهانی افت که با جداد فوج اریوان رود و او را
در سر راه منهزمین ترک معاونت نماید پس ساعت و نیم از ظهر گذشته جنگ قطع شد

خسران روسها البته در این جنگ ضعیف بود و سه صاحب منصب و
یکصد و بیست و شش نفر کشته شده بودند و بیست و پنج صاحب منصب و پانصد و شصت و چهار نفر زخم برداشته و
سرکرده صاحب منصب و نود و دو نفر از صد نفر و کوسیه که پیدا کرده اند غنیمت و الحق عبارت بود از چهل و سه عراده
توپ که هشت عراده آن قلعه و سه عراده کوهستانی وسی و یک عراده صحرائی بودند و شش عراده خمپاره توپخانه
و تعداد زیادی گلوله و فشنگ و تمام اثاثه اردوی ترکان و چهار صد اسیر

فتح روسها کامل بود ولی باید دانست که آیا ترکان هیمان توانست در این فتح بهره نبرند گردد و حال
آنکه بنا بر گفته بسیاری از اشخاص که برای العین وضع را مشاهده کرده بودند اگر اندکی قوت بیشتر آمده به تسخیر
ارض روم کفایت میکرد زیرا که ترکان در جنبه دیگر هیچ رسید حصول پایداری و مقاومت بند شده و از اردوی

در سپاه اعلام کرده بود و فضلی پاشا از ترکان کهلمان که بهترین سرکرده کان مختار پاشا بود زخم
برداشت و در راه مالامال فراریان بود که اسلحه خود را می ریختند و می گریختند و اندرزی شتابت بخت و
وسنوح هایلی نمایان که ترکان کنبال کلیس ترک شر کفت تا شب سر روسها نشود زیرا که بسا اوقی این
نیز با فرط اشکال از حمله ایشان عبور رفته بود مختار پاشا در رحیم تلگراف به دارالاسلامبول مرقوم و

در برد و دو ساعت از طلوع گذشته دشمن در حمله تمام
اماکن دواپون با آغاز یورش کرد و چنین به نظر آمد که تمام قوت خود را اول میخواهد مصرف قلب
معسکر ما که در دواپون بود سازد و چون در ساعت سه جنگ توپخانه در گرفت سپاه دشمن به دو بخش
میمنه و میسره تقسیم شده و در حرکت مداومت نمود و فورا پنج باطالیون از افواج ذخیره جدا کرده به جانب جناح
ایمن روانه داشتیم تا دفع حمله که به زودی شروع شده نماید و علاوه عساکر روس که آغاز تاخت نهاده
بودند دچار آتش سخت باشند که مجبور به عقب نشستند و سواران ما از عقب ایشان رفته نوبت خویش
تاخت آوردند آن وقت دشمن تجدید صف آرائی نموده آغاز تکرار یورش نهاد و زمین از دست داده را
دوباره بدست آورده و در این بین پیاده و سوار قشون معاون که از ارض روم بیرون آمده بود نابکه
چهار باطالیون پیاده و نظام به عقب میمنه روانه شدند و این میمنه به واسطه رشادت و دلیری عساکر امدادی
جدید توانست بر دشمن تفوق پیدا کند و مکنونات و یکی در عقب نشاندند اما آن وقت که این دشمن از راه
میسره ما بود در ساعت هشت تغییر پیدا داد و بجانب قلب ما حرکت کرد که لشکر را از بین به دو بخش ما جدا کند
و یازده عراده توپ مدافع آنها بود خلاصه چون این لشکرها تاکنون به باب مدافعه کامل مدد یافته باطالیونها
که در بلندیهای ایسر بودند نتوانستند پایداری کنند و چون دیدیم که ممکن است بجانب راست جناح و

خود سر کرده که دو باطالیون را جنب از کرده و بآن محل خطرناک فرستاده بشتافتم و عساکر را که ضعف پیدا کرده
کرده بود جمع آوری کرده بجنگ برگرداندم و توانستم دشمن را عقب نشانده وضع اول را برقرار کنم اما در جنگ
نکمان برفت تمام خطر برطرف شده باشد عساکر باید خود دوباره ضعف پیدا کردند و توانستند دوام
خونریش پایداری کنند ناچار خود اگر قتار از روم شوم دیدم حکم بازگشت دادم تا در قلعه‌جات و سنگرهای
ارض روم پناه برند و با کمال نظم در آنجا رسیدیم و دستجات میمنه و میسره را نیز طلبیدم در این عساکر
باید افزود که در حقیقت بعضی از ارباب مناصب چندان افتخار آمیز نبود و عزم خویش را جزم کردیم که تقصیر
را در محکمه جنگ آورده مطابق روسای نظامی ایشان را به سزا برسانند و در هنگام عقب جنگ بیچاره
اینجا و آنجا باماندند در باره مقصرینکه در این واقعه غفلت ورزیده اند نیز لوازم سیاست بعمل خواهد آمد
اکنون با لشکرهای قلعه‌جات ارض روم مباشیم و قشون را در آنجا تقسیم کرده ایم و سرکرده کار را به اسم مشخص
کرده ایم مختصر آنکه تمام استعدادات لازمه اسباب مدافعه را فراهم رسانیده ایم آخر راپورت

گویا وضع دیگر حالت یاس داشت و بیان اخبار نویس انگلیس روزنامه
اسلامبول از تلغراف است بتاریخ دوشنبه پنجم نوامبر تمام دکاکین بسته است و وحشت

ساعت در حضر رسیده کوچها پر از سرباز است نزدیک ظهر یک سوار با بیرق سفید و همراهی دو نفر شیپورچی [illegible]
آمد او را انگه دانستند وارد شد و دیگر باد و نفر اوحمراه در ملاقات مختار پاشا نمود و زود اورا احضار [illegible]
مامور است که بمختار پاشا تکلیف کند شهر را تسلیم نماید و اگر انکار بمعنی نماید شهر را بحالت [illegible]
کرده تمامه را در تخلیق و [illegible] اشتغال خواهند ورزید بشهر عثمانی ساعت جواب بدهد که لشکر داری [illegible]
بگوید که ازرای عثمانیان هرگز وضع پابندی نیست و جنگ میکنیم تا جان در بدن داریم ولی

متعهد امن باید تکلیف شما را در اسلامبول بدولت خود اظهار کنیم تا بیست و چهار ساعت برای جواب
کفش مهلت میخواهیم این مهلت را قبول کرده و سکنه شهر از تکلیف روس مستحضر گردیده مجلس ساخته
شد و در مجلس گفتگو کردند که روسای نظامی اصرار کنند شهر را تسلیم ننمایند چهار ساعت بعد از ظهر ایلچی
نامه جات خود را قسمت دادند و در بین دو چشمی خود نگاه نمیداریم و دستجات سواره روس را که در سمت‌های طرف شمال
ارض روم گردش میکردند — بتاریخ سه شنبه ششم نوامبر
سکنه ارض روم در میل به تسلیم شدن اصرار ورزیدند یک ساعت بعد ظهر مانده جواب اعلیحضرت سلطان
رسید که حکم فرموده که تا جان دارند مدافعه نمایند که مختار پاشا رسولی بجانب سردار روس فرستاده که مردم
ارض روم خرم است اگر دفاع کنند روسها دوازده ساعت دیگر مهلت دادند که شهر را از بیماران و مجروحان
و شیوخ و زنانیکه میل مهاجرت دارند تهی سازند و قرار را چنین دادند و دسته بجانب ارض روم فرستاده
شهر هر دم مسلم ارض روم مراجعت خواهد کرد این تهدیدات سبب جلال مردمان تا راضی شده و در همین روز می
شنویم که چهل هزار سواره روس بنسبت آنها در دره آلنی عبور نموده و از راه دواپیون تا دوالک حالت
دوالک قریه است که در دو فرسخی و نیم ارض روم واقع است و در همین روز خبر بود از قرابابج
از جانب حسین حلمی پاشا سردار و مدافع قارص نامه آورد که مختار پاشا نوشته بجهت که در اوایل ماه نوامبر
نزدیک قلعه و سنگرهای قارص آمده و از شهر بیرون رفته ساعت جنگ کرده و روسها را برگردانیده
عراده توپ از آنها گرفته است آخر نوشته
دو ساعت از نیمه شب گذشته دو باطالیون از فوج الزاب‌پول نزدیک سنگر مجیدیه که در شمال
قلعه است آمدند و با دربان آن قلعه کوچک را متصرف شدند بگمان که خبر بود چندان مقاومتی نکردند ولی

که محمد پاشا که در بای کوچک دشمن مسکر ریشه دست نمود و از حضور روسها متحصن گردید در قلعه محصور با
چند باطالیون بیرون شتافت و با سرنیزه بر دشمن تاخت و او را پس از خسران زیاد منهزم ساخت
چند ساعت گذشته که روسها مجدداً از گرسنه و برزگان حمله ور شدند ولی بزرگان متعاقب چند باطالیون دلیرانه
پایداری کردند و کارزار در طرف مجیدیه تابیا و حوالی تل توپ داغ الا فتح داری قلعه آزیزی
که در دویست و پنجاه ذرع ارتفاع واقع بود در صفوف روس مترالیوز بسیار دید و مختار پاشا نتیجه این جنگ
شتی حرمان خود داده بیشه حمله چند توپ قلعه را فراول رفت ژنرال سیمان در راپورت خود تلفات روس را از
چهارصد مرد تلف شده و بیکند مختار پاشا دو تلگراف دیگر به اسلامبول فرستاد
امروز روسها یازده ساعت از شب رفته بر لشکرهای حضرت ما
که در سربازخانه عزیزیه است یورش آوردند و سپاهیان ما چنان جواب این حمله را گفتند که
دشمن مجبور از فرار شده و یکجا شکست خورد جنگ قهارهای ما از آتش کشتگان لب ریز ساخت و
سربازان ما یک ساعت و نیم او تعاقب نمودند چون هنوز در معرکه قائمم شرح مفصل فتح خود را بعد اعلام
راجع به شب ... نمایم — بتاریخ عصر نهم نوامبر — امروز
در ساعت شش مختصر شرح یورش دشمن را به معسکر ما و جنگی که از آن روی داد شما تلگراف کردم بعد از ساعت
شش بعد از ساعت شش شرح یورش دشمن را مختصر اجمال عبارتست از بازگشت دشمن مغلوب که جان
بکار روانه نمودند معبر دواپون سپاه ما از او تعاقب کرده و گلوله اوراقشتی بر روس توپ دور کرده
تفصیل این اجمال از این قرار است که شب یازده ساعت از روز گذشته دشمن دو ستون
یورش دور مدارک کرده بود یکجا یورش در دو سمت دیگری یورش واقعی یورش اول را بر معسکر ما نمود

ز عبد الرحمن قاضی است روزه شده که در جنوب ارض روم و تحت فرمان اسمعیل حقی پاشا واقع است
ساعدن روم هم حرکت خود در این جانب قلعه عزیزیه قرار داد که خبر لشکرهای توپ داغ و بیرون فرماندهی حسن پاشا
است دشمن که با غافل ظلمت شب پیش می‌آمد در ساعت ... خود در لشکرهای ... که در لب قلعه
عزیزیه بود خواهد انداخت چون آن باطالیون مستحفظ تکات که برای حفظ آن اماکن معین شده بودند پایداری
شنوانند کرده دشمن در لشکرهای سرباز خانه قلعه متصدی شده نمود و نمودند بعضی تجار را اسیر ساخت و در ...
یک شب سربنگ ... را این سنگرهای خصم متصرف کرده بودیم ما باطالیونهای خارجی لشکرها
اطراف و وسط حرکات لا تعد و لا تحصی فوق التحدید نمودیم و روسها را گرفتار محل محافظه نمایم
با تو اسطه روشنائی روز از وضع آن متحصن شوند تا وقت چون من از اینکه قلعجات مزبوره در تصرف دشمن آمده
استحضار یافتیم دو باطالیون بسردگی کاپوتان محمد پاشای ترتیب روانه داشتیم و از آن دو باطالیون
محل معهود که رسیدند لشکرهای مزبوره تاخت یورش بردند و در آنها داخل شده دشمن را ...
آوردند داخل این لشکرها از آتش دشمنان لبریز شد و آن باطالیون که اسیر کرده بودند نجات یافت قوای
روس که در آن حدود بودند از وضع تسخیر تاپوی لشکرها اطلاع یافته دل جنبند و آغاز ریزبست نمودند در این
بین سرتیپ سواره حسن تحسین پاشا و موسی پاشا مامور شدند که از دشمن منهزم تعاقب نمایند دشمن تا
معسکر دواپون و چهار سربازان ... از آنکه روسها به دواپون رسیدند جمع آوری کرده ...
عساکر ما مجبور به انعطاف شدند ولی سربازان ما با سرنیزه بر حوالی آغاز حمله نمودند و دشمن را شمشیر ...
تا دواپون تعاقب نموده حمله روسها ... اسمعیل پاشا کاذب بود زیرا که چون عساکر روس ...
در برابر توپهای گوشه ... لوله دوربینها که در لشکرهای قوتسلوکنبد نصب شده بودند پایداری نمایند

سلامت خود نیز از در فرار است چنانکه قلعهٔ عبدالرحمن قاضی در آنجا است دیدند از آنجا کوبیده هنگامه را برده اند در
مدت جنگهای مسطوره اما ذکور اهل ارض روم حتی اطفال از شهر بیرون آمده و در کوشش دفاع سپاهیان معاونت
نموده و در آن هنگام جماعت نسوان برای مجاهدین نان و آب می‌آوردند خسران دشمن بسیار عظیم است ولیکن
از تعداد مضبوط نشده کمان او کما ینبغی خبر دهیم با وجود اینکه بسیار از آثار نظامی جنگ آورده ایم در این روز ثابت شد که
جنگ کمال دلاوری و جرأت را بروز داده مستحق رتبهٔ ... بجشم و فرد ... شجاعت که در
جنگ ... شایستهٔ التفات و جایزه اند عرض جناب عالی می‌رسانم آخر راپورت

فی الواقع این فتح صعبی بود ولی همین قدر کفایت میکند که ترکان دل خسته را دوباره بجرأت آورد روسها در
این مورد اظهار تهیج و تأمل بسیار بازی کردند و همین قدر قناعت نمودند که چند جنگ تفنگی کنند و در اطراف
قلعه جات جایی بگیرند از تلگراف ... مختار پاشا وضع معلوم می‌شود و بعضی تفاصیل کارها در تاریخ
مشخص میکرد — بتاریخ یازدهم نوامبر در اینجا مسجد خبر که ...

نسوان اعلام کردند ... شروع بباریدن کرده و در او مراوده منقطع است دشمن وضع ... بسیار دور در
اطراف کاروانسرای دوایبون بجا داده و خاکریز منکشف ... که از قارص سی کیلم ... چهارم نوامبر
رسیده است ... می‌شود که روسها در سمت مکارجیک توپها نصب کرده اند و با آتش ... ارض روم
ساخته عمارت منهدم ... روسها چند باطالیون ... فرستاده بودند که طرف ... جنگ
ترکخانه و طلایه ... مجبور کردند ... ساخته ... جمع کرده بنا بر آن راپورت ... شغالی ...
که حاصل این ... جات بود روز هشتم نوامبر روسها از سنگرهای موقتی که در برابر ... قراطاج بالا برده بودند
رو بعد ... خسران ... رانده شده و گویا منظور کلا دشمن تسخیر ارض روم باشد توپها بر آنکه در قارص کذارد

چندان اعتباری ندارند بتاریخ هفدهم نوامبر در اینجا خبری که قابل عرض باشد نیست
روسها همیشه در دوایبون مقام دارند و چون توپ طرف را بهاسد و دشده است از قارص بخاک ...
رسیده ولی از جای که از اطراف کوهستان رسید یورشهای روسها بسمت این شهر راندند و ... ابراهیم
و عساکر محاصر را خسران ... با ... و فوجها که از قمری در آنجا اسیر بودند فرار کرده اند میگویند که عده
که روسها از اول جنگ تا امروز از ما گرفته اند ... شهر از ... صد نفر تجاوز میکند

بتاریخ نوزدهم نوامبر کاغذی از حسین پاشا سرکرده قارص ...
که میگوید دشمن یک خط جدید سنگربندی دیگری در دور اردوی خود بالا برده با توپهای ... کند ... جهان
که جهت تخریب ... فرستاده بودند با دوازده باطالیون که دشمن برابر ... روانه گردید جنگ بسیار ... کرده
از جلو ... های بزرگ ... که ما ناچار منهزم شدند شب بعد از قوتهای روس که در مکارجیک
و قباغ تپه مجتمع بودند قصد آن نمودند که بتحریر ... توپها که در جلو قلعه حافظ پاشا نصب شده بود
و در جنگ سپاه بیرون ببرند زیرا که آتش آنها شدت مزاحم آتش باطریهای دشمن میشد ولی چون
ملتفت شده توپها را داخل قلعه بردند همه روسها منقطع شده و روسها ظلمت ... شد ...
خواستند غفلتاً بر قلعهٔ مزبور حافظ پاشا حمله ور شوند بلکه مدافعین از ... مجبور ... که ... عقب
نشستند و خود داخل قلعه هم شدند در این بین امداد کافی بعساکر ما رسید جنگ تن بتن سختی در میان آمد
و نتیجه آن شد که روسها را بکلی از سنگربندیها بیرون کردند و اینها را مجبور ساختند که بعد از خسران فراوان
که در دو موقع جنگ هزار و پانصد مرد از پا در آمده بودند ... طبل ... و کویند خسران ما عبارت از
صد تن کشته که یکی از آنها ... بوده است و دویست تن زخمی چون توسط ... فراولان دشمن ...

بخش روس بهاراه آمده و شد با قلعه قارص مسدود است و مراوده با این شهر کمال صعوبت را
پیدا کرده ما در صدد آنیم که اصلاح این حالت نمائیم (آخر ماه ژون تهیا)
لشکر مجار پاشا در حفظ مراوده با قلعه قارص بجا نبوده زیرا که این قلعه تماما قریب از دست میرود
بعد از جنگ بیست و سیم که در بالا **آلاجاداغ** قشون روس کمتیمی از سپاه خود را بطرف **کاملوغ** در
تعاقب شهر بن عسکر مجار پاشا فرستاده اند و بقیه را که عبارت بود از سی و پنج باطالیون پیاده و
و چهل و یک اسکادرون و شش سون سواره و صد و سی و شش عراده توپ در اطراف قارص جای داده
و خط قراول بطرف کردیدند
ماترا ملکوف خلفا و رسوات از اوارنان ترغاله نام از بنکه کوچک
از آدکف مکار جنک عزین کچ و محل اقامت سردار روس در **بنکه بزرگ** بسته بعد از
آنکه این عساکر در اماکن مزبوره استقرار یافتند و از **اردوهان** تیر رش باطالیون و شش عراده توپ و
و پنج سون سواره بامداد آنها رسید بدین کرده که ژنرال **لاراف** نایب سردار کل هم این سپاه
مصروف بر آن شد که بتدریج حلقه محاصره را تنگتر کنند و در انتظار رسیدن توپهای قلعه کوب محاصره هم
روزه از جهات مختلفه داوطلبان جنگهای تفنگی میکردند و در تحت حمایت توپهای صحرائی که در بلندیهای
نصب کرده بودند و یک باطری و چهار عراده دوزنی که در نزدیک قریه **قراخوران** برپا داشته بودند حرکت لشکر را بند
در تنقیح است و قبضه را از همی و اسباب دفاع قلعه را اطلاعاتی
در باب تعداد عساکر ساخلوی و خلق و خوی ایشان و آذوقه و ذخایر کافی ایشان شایسته که بر حسب شکست
لشکر مجار پاشا در محصورین بی اثر بوده ولی تسخیر این قلعه کار صعبی است و ذخایر کافی آذوقه فراوان

با جانفشانیهای ساخلوی این شهر و صف اقامت و پایداری و محاصره جلالت در زمستان بسیار سختی که
در پیش خواهد بود و ممکن است که محاصره بیرا حصران بپایان نبرند مگر بزور بدیه بداری که اسلحه بسیار کامل قلعجات
قارص در نظر محرم است خوبان انگه تا حال دارند مقاومت کنند و پایداری معروف ترکان و شرایط جمیعه که
که محاصرین دچار آنها شده بود دلیل شد که در تسخیر این قلعه طریقه منتظمه محاصره را مراعات نمایند چه در
صورتیکه نتیجه آن محاصره درست معلوم که چه خواهد شد خلاصه در تسخیر قارص مبتنی کمال عجله را کردند برا
که آن تسخیر اسباب سهولت اتمام جنگ بود و خط آذوقه رسانیدن قشون روس از شرحون و
جلوگیری ترکان محفوظ میماند و پس از انجام آن تسخیر ممکن میشد که کمتیمی قشون منتشر شده و سمت ارزنه روم
روانه نمایند و علاوه بر این برای تعمیم سپاه در فصل زمستان کار آسانتری میشد و چاره منحصر بود در تسخیر
دخل قارص را گرفت و در روز چهار صد ماران بقلعجات متعدده و شهر بود که آن تسخیر را دید و اگر چه این تیر رش برک
اثیر و جولانگاه بود و لی اسباب خطر آن کمتر از محاصره منتظمه بنظر میآید و لی قبل از یورش و استیلا روسها با اهل قلعه
تکلیف تسلیم نمودند و صورت تلگراف حامی پاشا سردار موقتی قارص در باب این تکلیف عبارت از جنگ عثمانی
از این قرار است
ژنرال رئیس **ملکیف** سردار سپاه روس عثمانی تکلیف میکند
که با شرایط آتیه قلعه قارص را خالی کرده با و تسلیم نمائیم
اولا آنکه قشون ساخلوی آن محال است که از هر رای که صلحت میداند خود را به ارض روم برسانند
ثانیا آنکه جنگ را در قلعه نکذارند
ثالثا سردارها و ارباب مناصب شمشیر خود را داشته باشند و
تمام ایشان بلکه سربازها هم اموال و نه شخصی خود را مالک خواهند بود
رابعا سکنه شهر از حیث جان
و مال در عهد امان خواهند بود
خامسا ازجا و مجروحین که نقل و تحویل آنها به ارض روم ممکن نیست مطابق

قانون پرستاری خواهد شد و جهه رد و قبول این تکالیف سبب چهار ساعت مهلت داده
شده بعد از انقضاء این تکالیف در مجلس شورای نظامی منعقد کردیدند و نشستیم و حاصل مشورت آنشد
که آن تکالیف را رد کنیم و به اعانت و حمایت خداوندی در مقاومت و پایداری ثابت قدم
و منتظر بوده تا تقدیرات الهی چه اقتضا فرماید (آخر راپورت)

خط قلعجات جنوب شرقی که در ساحل ایمن رود قارص جای
و عبارت بودند از **حافظ** و **قانلی دیواری** و خود شهر که در آن اماکن قورخانه و آذوقه عام
ساخلویان مجتمع بود در سطح نظر روسها افتاد زیرا که هم از جهت شکل اراضی و هم از جهت وضع
وقت مدافعه که برای این قلعه فراهم آورده بودند تسخیر آن کمال اهمیت را داشت روز چهارم نوامبر چهل و
هشت عراده توپ محاصره بقارص رسیده و مطابق دستورالعمل صاحبمنصبان مهندس و توپخانه انها را
در دامنهای کوه **ساروژن کردمکارچی** در هزار و دویست تا هزار و پانصد **ساژن** فاصله
بدینجای دادند و محل دوازده باطری توپ قلعه کوب معین شد که شهر و قلعجات سابق الذکر را
بلکه **قراطاغ** را که غالب لشکر بالش سمت قلعه **حافظ** بود در زیر ... روز پنجم نوامبر
ساخلویان قارص با قوت و پایداری تمام از قلعه بیرون آمدند تا مانع استقرار و بنای باطریها شوند و عساکر
روس از طرف اتحاد شده و محل کرده و یکباطالیون از فوج **کوتایس** از عقب دشمن داخل قلعه **حافظ**
شده و باسته ... را ... داده اند و بدین
در طرف شش روز باطریهای محاصره برقرار و مسلح کردیدند و در روز دهم نوامبر آغاز آتش فشانی کردند و لاینفصل
روز و در ... بودند بدون اینکه ساعتی آرام بگیرند اما طرف شامرعت بمباندازی ... بود از

انهدام و انعدام گلولهای وارد تحت نشانه زدن توپخانه روس و از بنیانهای مدافعین قلعجات و خود
شهر و از اطلاعاتیکه حاصل کردند که چپاره یا چه اندازه اهل آن شهر را متزلزل ساخته روسها امیدوار
شدند که قارص را بدون یورش مسخر سازند ولی امید روسها بیجا بود زیرا که عزم ساخلویان جزم شده
که بشدت محاصره کشته شوند و تدارک آن دیدند که هر یورش برده شود دفع کنند و اسباب مدافعه را باین
قلعجات جنوب شرقی شهر زیاد کردند و از سمت قراطاق باطریهای جدیده نصب نمودند از آن وقت در سپاه
امپراطوری واجب شد که کار را به یورش بیندازند عزم یورش جزم شده و چیزی جز تعیین وقت و اسباب
یورش باقی نبود در چند چیز بهانه که چیزی اول
منظور یورش زندگان بشود ترس قلعجات هیچ جنبه بهای نبود و توپخانه نیز ها وضع ساختند و جنگی
بینه ... دارد یعنی اندازه خط آتش که چندین اردوی قشون احداث کرده بودند و در طرف
مونتیه ... کرنتها و ... وضع عجیبی وارد و در زدن و شدت آتش فشانی زیاد و نظام عثمانی
که در چنین کمال خارج شده بود استعفا دیکردند که اگر یورش ببرند خیال از یورشها تلف خواهند شد
و علاوه بر این وضع کوهستان بر قلعه جات که دشمن را از دیدن حرکات صفوف حمله و در قلوب
و مقصد انها مانع ... شده و ترکان بحوالی اسباب مدافعه را در هر طرفی که آثار حمله بدیدند ببرند و مجتمع ...
اند و از طرف دیگر اگر در تاریکی شب یورش میبردند ممکن بود سلاحها به روی دیگر ... گیر کنند
ما بینهای بعد که تقریبا ماه تا صبح در بالای افق میتابید و صحرا را روشن بکند یا از یکطرف در خطر گم کردن
راه و مسندادان این باشند و از طرف دیگر مانع شوند که دشمن از دور بطفت حرکات حمله ...
شده و استعداد خود را جمع آوری نموده و آتش مرکز ... باید دنظام خود در ... حمله و در آن ...

ارباب این رتبه سجده هم تو سر چه یورش منتخب شده و سردار کل سپاه روس احکام ...
صادر نمود تا منتظر از حمله و اسباب اجرای آن معلوم شود اولاً قشون محاصره قارص باید قلعه‌های
سواری و قانلی و حافظ پاشا را مسخر سازند ثانیاً بخبر یورش برند و سپس خوبان
آن قلعجات را اسیر کنند یا بالودیسا زند و توپهای آن قلعه را ضبط نمایند ثالثاً در ضمن یورش
بآن قلعجات بچندین نقطه از خط مدافعه دشمن رو کنند تا خیال و قوت ادراز استعداد یورش و همی
منحرف و منصرف سازند رابعاً محتمل است که در بحبوحه یورش خواص دشمن با اسباب ساعد
دیگری انحصار را استبدال بیورش دافعی کرده باید استحکامات قلیله و با اسم امتحان حمله در شهر تا از
اتلاف رباد نفوس احتراز نموده باشند خامساً این استحکامات را قشون مامور بیورش از قبضه
نیز متواهند کرد و لکن بعد از انجام آن یورش و این استحکامات باید تسخیر قلعه جیم و محوطه شهر در مطمح نظر باشد
و در صورت وقوع واقعات فوق العاده از قبیل اضمحلال کامل دشمن این استحکامات را هم از دست
فراطاق کردن جایز است ولی باید ملتفت بود که انجام آن خیال کمال صعوبت را خواهد داشت
سادساً پس از تسخیر قلاع سواری و قانلی و حافظ قشون باید در آن اماکن استقرار یابند و محکم
جای گیر شده خالی نکنند مگر در صورتیکه حفظ آنها ممتنع محض باشد و در آن صورت سرباز و غنایم و جبه خانه را
با خود ببرند و حتی الامکان اسباب مدافعه دشمن را خراب کنند مطابق احکام
فوق طریقه یورش را سرکرده بزرگ سپاه مامور با احکام مخصوصه معین نمود پنج صف پیاده نظام که از دیگر
جدا نمودند حکم یافتند که معسکرهای دشمن که فیمابین بلندیهای قراطاغ و قلعه طهماس واقع حمله
کنند و قوت عمده خود را مصروف قلاع حافظ و قانلی و سواری و جیم سازند و تقسیم قشون

مامور شدند که علی التوالی لازتبه سی و بلندیهای چوراخ حمله ور گردند و بعد از پیش رفتن قلاع عرب
قراطاغ را کنند و توپخانه حکم رسید که عقب صفوف روانه شود و شب تا صبح در پهلوی قشون
ذخیره ساکن بماند و منتظر حکم مجدد باشد سوار ... هر جانب شهر است متعدد تجیش کرده در
جاهای معبر که از قارص معبر بکاملوع میرود مجمع گردد جمع آوری قشون در نقاط معینه بعد از غروب آفتاب
شش ساعت بعد از طلوع ... به یورش رفتن نمایند
قشون حکم داشت که پس از تصرف خط قلاع اگر موقع مناسب شود و شبانه وارد شهر شود و الا در عقب
خط قلاع منصرفه خود خواطر جمع نشسته و برای سایر امور منتظر احکام مجدد شود در صورت تقسیم قشون
در روی قارص از روی منظورات ... اماکن ... ستون اول سرکرده‌گی کمارف
ژنرال ماژور صاحب ... با طالبون از فوج باتی کورسک و فوج ... رتیف ... غراول
توپ ... در بلندیهای قریه بالیتچامی شد و مامور بود که با قدری از سپاه ...
بلندیهای چوراخ که ... در گرفتن قلعه طهماس سعی بلیغ کند و بعد با عمده قشون خود در قلعه جیم یورش کند
واز راه قارص روم که در کنار نهر قارص واقع است حرکت کند ستون دویم سرکرده‌گی شاهزاده ملیکف ...
... دو باطالیون چهارم ... بود از آن باطالیون دو دو باطالیون از فوج کوبان ... حکم داشت
که در چلیک کوئی مجتمع شود و در ... ساحل ... قارص جای حرکت کرده روی قلعه سواری که از دو پس آن
انقلعه آن پلی را که نزدیک است از قارص چای تصرف کند و از آنجا روی قلعه جیم که ستون اول
یورش برد حمله ور شود ستون سیم سرکرده‌گی
دکراب ژنرال ماژور ... بود از فوج ... پرنو ... باطالیون ... اول

طلایه قفقار و باطری دویم ریکاب داول توپخانه مجران ستون چهارم سرکرده کی وجاکین ریکیک مرکب
بود از فوج سه باطالیون از فوج سوستوپول و دو باطالیون بریانسک و سه باطری از ریکاد سی و ششم توپخانه
و این دو ستون سرداری کنت و کراب ژنرال مأمور پیشتی از بالای قراحوران علیا و جاب
قاملی حرکت کنند آن قلعه را از طرفین در معرض یورش در آورند
ستون پنجم سرکرده کی لیوشان لالارد ارجارف ژنرال ماژور مرکب بود از باطالیون از فوج لوبانسکی
و دو باطالیون از فوج ولدی قفقاز و باطری ششم ریکاد نوزدهم توپخانه محل اجتماعش طرف توپخانه
توپهای قلعه کوب محاصره سمت یمین بود و مأمور بود که قلعه حافظ پاشا را مسخر نموده و سنگرهای
اطراف را نیز متصرف شود سردار کل سپاه مأمور یورش را به [illegible]
فارص جای تفویض بژنرال لیوشان لالارد ارجارف کرده بود که سردار اردوی فارص بود و مخصوصا دو باطالیون
از فوج ولدی قفقاز و یک باطری از ریکاد چهلم توپخانه که بجای قشون ذخیره بود و در تحت فرمان [illegible]
در آمد بستون ششم در تحت فرمان جرجی سیلیوف ژنرال ماژور مرکب بود از دو باطالیون پنجم از فوج
تولز و دو باطالیون از فوج کوبان که در دو قریه لکلک و حورا جمع بودند و آتش سه باطری توپخانه که در حوالی
قریه [illegible] نصب کرده بودند از آن ستون تقویت و حمایت بکند و این ستون پیشتی رو قلعه های لالاتپه
سی و مخلص حرکت کند قصد دشمن را منحرف سازد و در صورت شکست از آن لشکر آنها متصرف شود
و اختیار این ستون بژنرال کمارف بدست لیوشان ژنرال راوپ بود
ستون هفتم سرکرده کی ژنرال ماژور بدرودسکی عبارت بود از دو باطالیون از فوج کوری و فوج بخارنی
[illegible] و چهار عراده توپ و حکم داشت که از قریه مانار اسر در آورد و در جناح ستون اعمل لیوشان

ژنرال شاشلیف در برابر بشانه دو قلعه عرب و قراطاع جای گیرد و با این قلعه ها جنگ کند و حتی
الامکان آتش باده و توپخانه خود را امداد و مدد عاقبت در یورش واقعی برد و باطالیون سیم و هفتم
قفقاز که بسته سردار ماژور دبان دیباسب جز ترتیب سریع الاشتعال که جهت حرابه و آتش زدن بکار
میبرند و افزار برای هر ستونی معین کرده بود و علاوه براین هر ستون کوچه توپچی با خود داشت که توپهای دشمن را
میخ کوب کنند عسکر سوار که بواسطه صدمت چابارخانه آزاد بوده
تقسیم شده بود فوج اژدران تو و فوج قراغ کوبان با یک ستون ریکیک از
وفوج دویم قراغ ولدی قفقار و فوج قراغ اسانک و سوار غیر نظام الکسندر پول با باطری پنجم سوار در
در تحت فرمان جرمنیف ژنرال ماژور از قریه چجا و او جای گرفته تا قراولی ده که درموات ارض روم
و اردوهال سرود کمبیر و در تپه های حجاجی جنگ کنند و بواسطه این ستون جرجی سیلیوف ستون
رودسکی باشند و ژنرال ماژور ... برادر جر باتف با دو اسکادرون اژدران نجنی نوکرد و افواج قراغ قزلباش
و طبوار و فوج اول قراغ ولزنک و فوج هفتم قراغ اورانبوک و فوج دویم قراغ حاجی طرحان و فوج غیر نظام
اخالتسیخ بقریه برغاله و معادن گیلمسد رفته بودند که شاهراه ارض روم را نگاهداری کنند و فوج
سیم قراغ ولزنک و ششم قراغ اورانبوک و فوج سیم غیر نظامی داغستان و ستون غلیونه و باطری چهارم
دن در تحت فرمان شاهزاده چاوچاوادزه سرکرده در بالای قراحوران علیا بوده و پیاده نظام
و در پل کوچک کف بند و منتظر احکام بعد باشند قشون ذخیره در کماسور در تحت فرمان ژنرال ماژور
دن مرکب از فوج محران کانتر بوبلاف و باطری پنجم و ششم ریکاد اول توپخانه محران و دو اسکادرون
از اژدران سیورینک و باطری دویم کوبان

تمام سپاه در اماکن معهوده حاضر و آماده کارزار شدند و در ساعت پنجم بعد از ظهر ستونهای روس
در حرکت آمدند آسمان در کمال صافی بود و ماه بحالت بدر طلوع کرده بسیار روشن و از این پیش آمد
در صد هوا که در صبح روی زمین در گذار بود در قلعه رفته بود روشنی می افزود و در بحر علاقه لشکر روس با کمال ضبط قدم
مقدم پیش رفت و عساکر مامور یورش بعد از انها بحالت ستون امنیه حرکت کردند و بعد هر قدر از زمین پیش میرفتند
شده مدو رشته بر بسته از یکدیگر جدا کردیدند   زرنگ ساعت نخستین

عثمانیه خاموش شده ولی چون روسها جواب نگفتند انها هم ترک کردند پس باطریهای مقدمه‌های جانب
ف نه خموشی اعلان حاضر شود و خیال قوت ... متوجه ساخته
که آتش تفنگ ترکان باشتغال پیر رفت در تمام خط یورش شعله کشیدند و بعد از چند دقیقه از قلعجات
عساکر و خاکریز متصل آتش میبارید پس از چند لحظه اول بوران از ضلع بنرفون روس

معلوم شد که سپاه شهزاده ملیکف وارد قلعه سوار شده فراولان جلو ترک وارد طلبان و طلایه
روس و دستجات سوار کوبان مضمحل کردیده تا زیر دیوار قلعه تفنگ و توپ آتش بزدند و در انجا
ماران گلوله و شراپنل عثمانیان این بهار روس از جلو و طرفین خود در ارابقلعه زدند و در یورش اول وارد
باسر بزیر پس خلوبان آنجا رو کشیده و توپهای را منکوب و برکون کردند و از میان سوار اسکه بر ابنها بر می آمد

راهی پیدا کرده برعت رو به پل قارص جای حرکت کردند تا از عقب بر قلعه حبیب یورش بزند
در این هنگامه در میمنه از قلعه قانلی خونریزی سختی شده و کنز و کراب رزال
مارزدر و جاکلین سرهنگ را با سه باطالیون از فوج سواستپول و دو باطالیون از فوج امرتی بجانب
روانه ساخت و خود در رکاب باطالیون از فوج بزنو و یک باطالیون از فوج سیو استپول و یک باطالیون

از طلایه لشکر

از طلایه لشکر از سمت یمین قلعه یورش برده از طلبان پیش آمد چنانچه دو با طالیون از فوج بزنو را ذخیره
قرار داده این دو ستون دو ساعت و نصف شب به پای قلعه رسیدند و طلبان را شیر اول
در زیر آتش تیر تفنگ و شراپنل که مانند باران بر سر انها میبارید از صد و قبا و عساکر او یکه جهای جلو گرفته
و دو دسته از فوج امرتی از انها تقویت کردند و از خاکریز لشکر جلو رسید بار با رفته از دشمن خسته
بعد از انکه اسباب مدافعه لشکر را منعدم نمودند این معدود قلیل خود را از ضلع ابتر قلعه صحیح آمده
هیچ جا توقف نکردند مگر در جلو مقاومت و پایداری سخت ترکان را که نازه از جوانب عقب شده
بودند ولی مادجوی آتش جان گداز ما بر روسها عقب نشستند و پایداری کردند تا امداد رسید ولی ستون
دجاکلین سرهنگ چون لشکر جلو منحرف دید سمت یمین تکیه کرد و در زیر آتش باطری جهار عراده که میان
دو قلعه قانلی و حافظ نصب شده بود خود را لشکر را دیگر تر بسته و با ضرب سرنیزه تمام انجا را
جاروب کردند تا باطری رسیده و انها را منصرف کرده و دو باره جمع آوری نمود تا راه خود را لشکر و چون در اول
انجگ به دجاکلین سرهنگ صدمه رسید نا چار از میدان کارزار کناره گرفت و سرکار آلف سرهنگ
که فرمانده فوج امرتی بود حکم فرستاد که سرکرده کی آن عساکر را در عهده خود بکیرد
در همان حین که ستون امین لشکر جلو منحصر بکرد و در ضلع چپ از قلعه صحیح
لشکر با حاک در گرفته بود ستون کنز و کراب از طرف راست برکه برج جلو حمله در شده
روی لشکر حملا افتاده و ژنرال کراب بکفنمی از طلایه لشکر را مامور ساخت نه بجهة الیه ضلع من از
عقب و پیش یورش ببرند و در این حمله خود بفقره باطالیونهای بزنو و سواستپول را فرمان بسیار جسته قدم
مقصد ماند که گلوله از پیش خود و از پا در آمد و ملینکا سرهنگ فرمانده فوج بزنو بجای او سرکرده کی اختیار

کرده بود اطمینان بسته دوم طلایه دار از جهت دوربی نظری نوشتند اکلیل جاکرز مرکز بر آخر بار کش

دشمن که بندی سنگین یافت سواران افواج پرتو و سنت پل در خندق جمع آوری کردند از بدنه بالا رفتند

ریختند ماند و وارد قلعه چپ شدند و ورود انها مطابق بود با ورود دستهای طلایه سیره که از جانب بهای جنوبی

داخل کردیدند اما هر قدر در اندرون لشکر یافت ترکان بکرمی شد حالت دفاع انها سخت تر کردید و بخصوص از آنجا

سر پوشیده که کلوی قلعه را می بست بجای یک برج علاحده بود داد مردی دادند و از آتش پیاده که در دو مرتبه از آنجا

او جست شده بود و در روی اندود خاک که جاکران چند چپاره او جلب نصب کرده بودند و از دفع و استحکام دارا

دره داشت مجمع العموری رای فنون جسته ریجان از روس پدید شد که مجتمع در اندرون قلعه برتر شدند غالب

صاحب منصبان بزرگ از پا در آمده بودند و اتلاف نفوس روی بتزاید کذاشت و از طرف دیگر هم اسپان

از وصول امداد سریع کافی بدست نشدند و لازم شد که موقتاً قلعه را ترک کنند و منتظر رسیدن مدد شوند ولی قبل از

عقب نشستن ملینکی سرهنگ جرأت کرد و آخری زده باشد و توپخانه را تصرف نماید و داد

و با آنها روی در هادوید که آنها را مشوش با جهود نماید ولی استیدها سنگین انبیزا نقشه شده از پیش برود از

دماران کلوله تعریف یافته لوله فشنگ بر ازیش رسند کان چپاره بید ملینکی سرهنگ که سابق را این هجوم از شد

بودند در برابر و در گشته شد و یورش بود یکرد و افواج روس از قلعه مرکزی بیرون رفتند و یک بجد از

سپاه جهت حفظ اکلیل جاکر از قلعه کذارده بود خود در خندق رفتند که جمع آوری کنند و عکر بار نفس سرک از

اردوهای نزدیک شهر فارص رسیدند و مجدداً آتش سخت توپخانه و پیاده با نهایت شدت تمام

مابین قلعه فانلی و سواری و حصار شهر را پوشیدند

چون ژنرال لازارف از موضع کرامف سرهنگ و سپاه کنت استحضار یافت یک طالیون از فوج

ولدی قفقاز که ارد جزیره ژنرال الخارف جدا کرده دو دسته از فوج ابرلی که از فنون مستحفظ باطرتهای

قلعه کوب عارت کرفت روانه بکردد و در راه یک طالیون از فوج پرتو ضمیمه این فنون کردید تحت

فانلی ما حق آوردند و چون خبر کشتن کنت وکراب و ملینکی سرهنگ و صدمه خوردن و جاکلین سرهنگ

بسمع ژنرال لرلس منکف سردار کل آن عساکر رسید بولمرنک سرهنگ جهد به سرا روانه کرد که از ژنرال

مامور فانلی شود و چون هیچ خبری از منکف نایب سرهنگ نرسید جاوجاوادزه لیوتنان ژنرال را

مامور کرد که با سواره خود رو به فانلی حرکت کند و در کرده که تمام خط حکیا که فیمابین قلعه و قارص جای عهده

کفایت او باشد و در این فاصله غیر از دشمن برید و قسکه جزیره و سواره به فانلی رسیده نصف شب بود

و چون ترکان از قوت مدافعه موقتی خود جرأت پیدا کردند و باره در اندرون سنگرهای خود جمع شدند

در صدد آن برآمدند که روسها را از بالای خاکریز پایین کشند آنوقت ژنرال جاوجاوادزه یک دسته از

فوج ورانک و یک دسته سواره نظام داغستان که تازه رسیده بودند فرمان داد که از اسبها فرود آیند

و از طلایه سربازها تقویت نمایند این سواران بخوبی از عهده این خدمت برآمدند زود از خندق گذشتند و از خاکریز

که تقریبا ممکن العبور بود بالا رفتند و در آنجا خود را به آتش نشانه زدن ترکان از کلا در خیال حمله رسیدن

در رود اندرون قلعه را خالی کردند و چون بولمرنک سرهنگ از فنون و جزیره قوت کرفت سپاه آلوی محقق خود

راند و دسته قسمت کرده از دو طرف رو به فانلی حرکت کرد و دسته بیار در تحت فرمان خود

و در جلو انگل نایب سرهنگ در رکاب طالیون از فوج توستوپل حرکت بکرد و سواره ژنرال جاوجاوادزه نیز

از دنبال رو دشمن را هم را کرفتند موجب تقویت سپاه می شدند در کار از لشکرها بیرون کردند و داخل اردوی

کردیدند که در پشت قلعه واقع بود و از حرکت او تعاقب نموده و شهر را تا پشت شهر راندند و دسته دیگر

کرد تحت فرمان کرامف جنرال بود و تمام ضلع سیمرا را که در سر راه جاده تصرف کرده بود و آن جزیره بر کنار شکدره
آنجا باید داری بکردند که مخالفت بعد از نصف شب قلعه قالی بشتابی سر راه جاده کلکاه با اتمام رسید در
روس بوده بود بولمرنگ جنرال پس از آنکه سرداران جلو را از طرف
سر راه جاده‌ها سنگر کردند و شب را در زیر گلوله مدافعین آنجا را پناه داده و در حضور اطوار مرتب کرد که دشمن شد اند از
سر در آورد و شب جلو بان این سر راه جاده تکلیف تسلیم نمود و تهدید کرد که اگر خراب بشد سر راه جاده را خراب
و ایران خواهد کرد کچشو و در ساعت طول کشید و عاقبت باطالیونیکه مقرر کرده که واو و شب مدافعه سر راه جاده بگیرد
پیغام داد که بنفس آخر جنگ خواهد کرد ولی بعد از آنکه بولمرنگ جنرال خطبه خواند و صحبتها کرد چهار ساعت
بعد از نصف شب ساخلویان رست از تیراندازی کشیده و اسلحه را فرو ریخته خود را اسیر جنگ قرار دادند
ژنرال ژود در الحارف در ابتدای حرکتش بجانب قلعه حافظ شب
سپاه خود را بدو ستون تقسیم کرده بود و ستون اول عبارت بود از داوطلبان قوجهای ولدی قفقازو
کوناپس دانیها در تحت فرمان فادلیف جنرال بودند و یک باطالیون از فوج ولدی قفقاز و ذخیره مخصوص شان
بود و ستون دیگر مرکب بود از دو باطالیون از فوج ولدی قفقاز مقرر کرده که ادربانسکی با در علیایستی شب برآمده
از دو طرف قلعه یورشهای علاحده ببرد و ژنرال الحارف خود با سپاه ذخیره که از یک باطالیون از
هر یک از این قوجها مرتب شده و بود از عقب بیاید و بسرعت به نصف شب با بسر ستونهای قطاعی
با آتش جان گداز از قلعه حافظ و آتش سنگرهای نزدیک ملاقی کردند و چیزی نگذشت که آتش قلعه قراطاع
و آتش بطریها که روز پیش در دامنه قراطاع نصب کرده بودند ضمیمه آنها گردیدند فادلیف جنرال بعد از آنکه
آتش دشمن اجازت نداد روی مقصود دیگر برای او معین کرده بود بدان پیش رفت و روز دیگر معلوم گردید که

قبل از رسیدن حصول بین حافظ و قراطاع را از دشمن تهی ساخت از کنار حمله و رشدن آنها پیش می
و مخالفت کرده بودند این حکم را با کمال جلوه و شکر مجری نمودند و رکابیکه از جزیره سرداران فوج کوما
مین خان در ورود بعضی سنگرهای قلعه قراطاع روانه کرده بودند و طلایه قشون روس مدفوع تعاقب شد را
از این بیابان بیابان رسیدند فادلیف جنرال خود پیش جلو شده از فوج کوناپس بر دست قراولها
خود را بر یک طرف که در پای قراطاع نصب کرده بودند انداخت و پس از تسخیر آن طرف چون شب را
بر شب حال دیده و ممکن نبود که تیغ بر کف از تعاقب نمود و در صدد آن برآمد که وارد قلعه قراطاع شود ولی
در بیع الحمو ... آن یورش فرصت نداد که ساخلویان قدری پایداری کنند و نصف این ساخلویها
در زیر یورش بر بدگان تلف کرده دیدند و بقیه بقلعه غرب پناه بردند و کمیستون پیاده نظامی را که از
اردوی وسط آمده و قلعه بیرون آمده بود همراه خود برگردانیدند
در هنگامیکه فادلیف جنرال مشغول اصلاح صفوف خویش بود و اسباب فراهم می‌آورد که در قلعه قراطاع
استحکام و استقرار بدهد که بعضی از داوطلبان سوار بشتاب تا قلعه غرب تعاقب نمودند ولی در آنجا
از آتش مردم و چاروبحالات انبوه و عظیم سپاه عثمانی شدند و پس از آنکه بیشتر آنها تلف شده بود
عقب نشستند و چون ترکان در این فتح تهور کردند چندین نوبت بر قلعه قراطاع حمله کردند ولی هر نوبت
با خسران رانده شدند و در تمام تنزیکوه قراطاع که فیمابین این دو قلعه واقع است شلیک تفنگ در گرفت
و امداد او براکه فادلیف جنرال از ژنرال الحارف و ژنرال شتلیف برای فوج کوناپس خواهش نموده
رسید چون ژنرال الحارف و ژنرال شتلیف حرکت فادلیف جنرال را بطرف ضلع قلعه
حافظ مشاهده نموده و متحیر گردیده که ستون ادربانسکی با در بعد از آنکه لشکرهای ضلع این قلعه

منصرف شدند از امداد لشکر باپیش بردند و روبه اطرای ها بین قلعتین حافظ وقائلی که در معرض
یورش فوج سواستوپل ستون دجاکین سرهنگ بود متکی دار بود گرگلف سرهنگ فوج ولدی قفقار
حکم کرد که باطالیون سیم این فوج را بردارد و در قلعه حافظ یورش برد خود ژنرال الخارف با یک باطالیان
از فوج کوتابیس از عقب این سرکرده روانه گردید گرگلف سرهنگ از طرف راست بقلعه حافظ بزرگ
شده با طالیون خود را اقدم دو پیش فرستادند و تاخت و پیش برد اما در زیر آتش جانسوز … واقع گردید سرکردگان تاب این حمله را نیاورده و در اندرون قلعه پناه آوردند و در آنجا جمع آوری کرده …
یکسره تا بر خانه سنگی که با چهار پاره چراغ شده بود جای کردند خواستند دوباره حمله ور شوند ولی وقت … حرکت بجانب آن قسمت بدنه که در تصرف باطالیون فوج ولدی قفقار بود کرده اشتند ژنرال الخارف
با باطالیون فوج کوتابیس از سمت یسار وارد قلعه گردید و سب خونریزی نابود و تلف شدند و قلعه حافظ را
منصرف شدند

وچون در همان حین ژنرال الخارف
از تسخیر قلعه قراطاق استحضار یافت یک باطالیون از فوج کوتابیس برای فادیف سرهنگ و یک باطالیان
از فوج ولدی قفقار به امداد دسته‌های یورش قلعه قائلی روانه نمود و خود در قلعه حافظ محکمانه جای گرفت
بسپاهیان … اگر در شب … آن قلعه را … داشتند بسمت شهر راندند و ساعت … که کشته
تمام لشکرها و قلعجات دشمن که از قائلی تا قراطاغ برپا بود بدست روسها افتاده و معلوم است … حتی
با بیداری ساخلوان بر بازخانه پوشیده قائلی چندان طولی نکشید
بعد از آنکه بر عمارت و معبرهای اطراف شهر دست یافتند … ژنرال الخارف و …
ملک سرهنگ نفوذ در شهر نمودند و پس از آنکه ژنرال لازارف در صفوف جلو رسیده … کرده

[illegible]

دوم سرهنگ عهده بر طلب بدو سرکرده که بنام قشون … صدای تفنگ شان از شهر کوش برسید او
برده و او را مامور ساخت که از تسخیر و تصرف شهر مطمئن شود و کیفیت آن قشون از قلعه سواری … را
که از قزاقیه که شاهزاده ملیکف نایب سرهنگ آنجا را تسخیر کرده بود خبری از آن برسند و کارگاهی صدای شلیک
تفنگ سختی از آن طرف گوش برسید در صورتیکه بواسطه فتوحات متوالیه سپاه روس در جبهه و در نقاط
محکمه و معتبره بستوه از کامل بیداد میکردند در میسره هم حوادث عمده روی میداد ژنرال کومارف توچکیف سرهنگ
فوج سباقی گرنک را مامور کرد که با سه باطالیون از فوج خود و دو دسته توپخانه و مهندس قلعه جیم را تصرف
شود استانوویچ نایب سرهنگ را فرمود تا با دو باطالیون فوج رستف کوه سوخار را تسخیر … آنجا
… قلعه … برند و حرکت پوچکیف سرهنگ را از نظرها پنهان دارند و … یک باطالیون
از فوج رستف را با تمام توپخانه سپاه خود در بالای کوه استوتونوونی به ذخیره گذاشته … بعد از
… توچکیف سرهنگ بر پل توچک کف نزدیک شد و استانوویچ نایب سرهنگ کوه سوخار را تصرف
شده پیشقراولان ترک را از آنجا بیرون کرد

پس از استماع نخستین … تفنگ
از قلعه سوواری که علامت شروع یورش شاهزاده ملیکف نایب سرهنگ بود توچکیف سرهنگ ستون
خود را پیش فرستاد پس از ورود در … تنگ … جای دشمن که در … های آنجا سکنی گرفته بود پیشقراولان
او را دچار گلوله تفنگ سختی نمود ولی … برقوت … و امداد دو دسته بزودی این مانع اول را
رفع کرده و … سرکردگان رو براه جیم فرار کردند اما پس از اندک زمانی توپخانه عظیمه پیاده و نظام دشمن از چراغ فرود آمده
در میسره پوچکیف سرهنگ … تا با امداد قلعه کیان بوواری رسیده و از عقب سپاه شاهزاده
ملیکف حمله ور شوند ژنرال کومارف فوراً بر ستون حکم داد که تغییر جبهه دهند و به توچکیف سرهنگ

فرمان فرستاد که بر دشمن یورش برده و او را سمت قلعه طماس ابعاد دو یک طالبون از فوج فناگوریک
و داوطلبان از انبار دو پیدند و با سرنیزه پیش تاخته ترکان عقب نشسته لیکن بواسطه وصول عساکر جدیده از طماس مجددا
در سنگرها جای گرفتند و بر یورش برندگان باران آتش و آهن باریدند از سمت چیم نیز چندین باطالیون دشمن
پیش آمد با وجود اشکال و منع در زیر آتش متقاطع توپخانه و پیاده لوچکیف سرتیپ فرمان داد که دو باطالیون دیگر
خود پیشتافته و مجدد ارکان را وادار کرد که قدم بقدم بجانب قلعه طماس عقب نشستند عقب نشستن سوارها
نظر ممتنع می‌بود و این فتح بهیچ نتیجه حسنه نبود و چون لوچکیف سرتیپ مشاهده کرد که دسته از فوج
رستف با دلیری شدند و در برابر پوشیده و خندق گذشت و تمام سپاه در تعاقب او حرکت کرد
در خاکریز قلعه طماس سه طبقه آتش پیاده نظام افروخته شده بکلوله‌های واقعی از گلوله‌ها و تیرها و سنگ
زنگهای بستنی بر سر دسته‌ها باریدن گرفت باطالیونهای فوج فناگوریک بیهوده کوشش و دلاوری بکردند
از خاکریز بالا رفتن ممتنع بود لوچکیف سرتیپ از رکیدن اوانگلک در خون خود غلطیده و مردان او
روی هم می‌افتادند عقب نشینی بکار برده باطالیونها منعطف گردیدند و خود را از آن طرف بلندیها کشیدند
و از سمت قارص چای فرود آمده دوباره جمع آوری کردند دشمن جرئت تعاقب ایشان نکرد و نصف شب شد
و جنگ فرو افتاد چیزی که بیان فوج پانکراتیک موجب آن بود که از حمله بردن از پشت به قلعه چیم آسوده
باشند و علاوه بر آن از صدای شلیک شدید تفنگ که در پشت این قلعه شنیده می‌شد و از آن
ضعیف او همچنین شاهزاده ملیکف واجب شد که بواسطه بر کمند بودن سپاه هم دشمن را از آن سمت منصرف
نماید ژنرال کمارف پس از آنکه بواسطه یورش به قلعه
از سر رسیدن سپاه جدید دشمن از کوه جوراخ ایمن گردید قصد آن بود که آن باطالیون ذخیره فوج رستف را

باتمام توپخانه و بعضی

با تمام توپخانه و بعضی دسته‌جات فوج پانکراتیک را که در آن دیده بود و بعد از توقف از قارص چای فرود
آمده بود به قلعه چیم روانه کند این ستون سپاه در عقب پس نرفت در زیر آتش متقاطع توپهای قلاع چیم و طماس
و دو باطالیون پیاده نظامی که در بلندیهای ساحل یسر قارص چای مسکن گزیده بود بلند گذشت و قریه دوستان را که
در جلو قلعه چیم واقع بود متصرف گردیده و توپخانه در فاصله کمی نصب شده و فورا آتش کرد و در همان هنگام پیاده
در قبرستان متفرق شده مشغول جنگ تفنگ گردید
معلوم است ستون کوچک پیاده پانکراتیک و رستف را در میان آتش چندین قلعه واگذارده بود از طرف
دیگر امکان نداشت از پشت به قلعه چیم یورش برند لهذا دو ساعت از نیمه شب گذشته ژنرال کمارف
به توپخانه حکم کرد که کناره گیرد و پیاده نظام در عقب توپخانه کم کم بسمت پل کوچک کف منعطف گردیدند
شاهزاده ملیکف وضع بسیار بدی داشت شاهزاده ملیکف پس از
آنکه در نهایت سکوت قلعه سواری را متصرف نمود و در زیر نیزه رای بار گردید و از یک معبر رود قارص چای
و از آن رود قدری بواسطه کم‌آبی و قدری بواسطه جر جالی گذشت و پس از آنکه در کوچه‌های تنگ دهات شهر را
دسته خویش جمع آوری نمود از عقب قلعه چیم سر در آورد و این یورش فوری و سخت بر سنگر که گلوله‌ها نزدیک
بود نا امید فتح می‌شد شاهزاده ملیکف چون بخواست دشمن را فرصت نداده بود مشاهده کرد که از طرف
رای سلطان امداد نمی‌رسد و در خانه‌های بزرگ ایران او سنگر متحد شده و بجای آنکه در زیر دست خود داشت
تاخت یورش برد و لیکن چون در چهار آتش سخت ساخلو بسکه در پشت سنگرهای گلوله‌ای نقطه جابجا شده گرفته
حمله اظهار شده و شاهزاده ملیکف زخم نکرد و چندین صاحب منصب از کار افتادند و حمله در آن کار
قبرستان منعطف شده سنگربندی کردند بعضی از آنها با وصل توپهای بزرگ و شجاع اسب وصول امداد و

خوردن سبب دیر کردن ستون ژنرال کمارف واجب بود و رو به عقب نشسته طلایه و قراول کوبان
ظاهر شده سه پل قارص چای عقب نشسته و لیکن در زیر آتش قلعه و خانه‌ها کمی راه بوده‌اند و در این هنگام نجات
فوج یسنف و باتای کرینک در برابر قلعه چیم غرق شده و خیال تسخیر آن صرف کرده بسبب نظام حرکت عقب
نشستن ستون شاهزاده ملکیف و سهولت آن کردند این ستون از طرف ساحل یمین قارص چای حرکت
کرده از پل کوچک کف سر در آورده در حین طلوع شمس بسا ر عساکر که قلعجات آن صفحه را تصرف نموده
محو کردند و بقیه ستون چرمسلیف سرهنگ که مأمور بود از سمت
قلاع شمال غربی بسازد رسیده بمحض رسیدگی صدای تفنگ قلاع خود رسیده آغاز جنگ نهاده در هنگ
هر دو از سمت قریه چخماخ و پرسنا ولسکی با پنج دسته از فوج تبوریز و نیم باطری توپ کوهستانی و گروه داو
طلب را حکم کرد و به قلعه لازتپه سی نهادند و پیادگان فوج تبوریز تجربه از عهده خدمت خود برآمدند و پس از جنگ
قلیلی قریه را متصرف کردند و فوج از دو ان برگشته در آنجا راندند و جسارت زیاد و برابر اظهار رسانیدند رفته رفته
چرمسلیف سرهنگ را آتش توپخانه جوش افزوده و چندین دسته طلایه از سپاه خویش جدا نموده آن
قناعت نکرده که در اردوهای دشمن وحشت و اضطراب اندازد بلکه بکمال قوت داخل قلعه لازتپه سی حمله‌ور
شده و سنگرهای جلو قلعه را مسخر ساخته و برای اینکه ژنرال را مجبور سازد که عسکر و ذخیره خود را از طرف حرکت
دهد و اظهار را با امکان برابر است در آنجا تا حد از روشنی صبح آن اراضی را غنیمت شمرده قصد آن کرده
رابطه سهل العبور جاکر از طرف یمین قلعه ورش برده در هنگامیکه دسته نجات فوج یسنف رو به قلعه چیم حرکت
چندین داوطلب جوانمرد را امر کرد که با مساعدت دسته نجات زیر فرمان شخصی جواد رو به حمله کنند
واگرچه جاکر زیر پوشیده شده بود از کنار برده داوطلبان بحکم ارباب مناصب خویش و تکبیر

داران فوج

داران فوج مهندس بعضی به بالای آن رسیدند و برخی در زوایای آن رفته‌اند بخالی کردن تیر تفنگ
اشتغال داشتند ولی هیچ‌جا پایداری امکان پذیر نبود و از اردوهای نزدیک بی‌ همکری دشمن پیوسته قشون تازه
نفس در این ستون ضعیف می‌ساختند و جبران محسوس اغلب ارباب مناصب مجروح شده بودند ستون
چرمسلیف با جاریمت سنگرها که سابق در تصرف آورده بودند بازگشته و طلیعه فجر در آنجا تمکن کردند
اظهار حمله ستون باسترا که در تحت فرمان ژنرال
شابلف بود در برابر دو قلعه عرب و قراطاغ موقع جنگ سختی شده و اعمال شبانه که داوطلبان
افواج کوری و انجازی در تمام مدت توقف عساکر روس در دور قارص کرده بودند بسبب آنکه تحصیل
وضع اراضی را از نزدیک فهمیدند و از اطراف سنگرها استحضار حاصل نموده اماکن سنگرها که باید تصرف کرد
مشخص و معین ساخته بود و بتوسط کارکنه در سر پناه ورش اعمال جنگ شروع شده ژنرال شابلف فوج انجازی
دو باطالیون از فوج کوری و سه باطری توپخانه و چندین دسته داوطلب همراه کرده که ژنرال بیدوسکی
فرستاد و حکم کرد که شروع باتش قلعه نمایند و چون نزدیک بخلیف رسیدند توپخانه روس از وسط
صحن در عقب تیر اندازی خود خیال ژنرال را بکلی متوجه سمت کرد و ژنرال چون بعیب متوقف شده آن
توپ چندین ضرب خورده و گمان کردند که ستون قشون بهم پیش آمده از طرف آمده قلعه آتش توپ نمی
افروخته و جمیع دو ارابه‌ها نیز از گلوله دانه جنگ و تنی و تیراول پوشیدند و لیکن از اندک زمانی قلعه قراطاغ
جواب گفتن خود را ترک کرد و یکساعت بعد از نصف شب قلعه عرب نیز سنگرهای خود را تخلیه نمود و انوقت
ژنرال شابلف نیز فرمان داد که آتش قشون توقف کنند و در هنگامیکه تدارک میدید و طلیعه فجر پیش برد
با وجود خبر رسید که فوج کوتایس قلعه قراطاغ را گرفتند لهذا قصد آن کرد که فی الفور بر قلعه عرب حمله کند

۱۰۰

و فوج انجاری و شش دسته از فوج گوری را که ژنرال ربدروسکی مامور این خدمت کرده
دو باطالیون از فوج انجاری در حالتیکه داوطلبان در جلو
بودند از جبهه بر آن قلعه انجاری یورش بردند و یک باطالیون قاصر مابین قلعجتین قراطاع و عرب
را متصرف گردیدند پشت سر آن و بجانب فوج گوری از اردوی دشمن عبور کرده از طرفین براندرون قلعه
حمله ور شدند در یک ربع ساعت جنگ قلعه عرب بانجام رسید و مدافعین آن که جان در برده اند
یا اسیر شدند یا بسمت قلعهای کوه چراغ و طاس از شکه قارص چای فرار کردند و پیاده گان
فوج انجاری و گوری در حین تعاقب شهر بین تبری لای دره قارص چای را متصرف نموده با آتش
مقدور خوش شکست ترکان را کامل کردند امر قارص گشته
بود و تمام قلعهای ساحل این در تحت تصرف روسها بودند و عساکر که در جبهه قارص کوه
دلیوم سر بهم جمع شده بودند نقاط معتبره شهر را در تصرف داشتند و ساخلوها نیکه در ارک
تیرجای داشته بهیچوجه در صدد پایداری بر نیامدند بلکه دروازهای ارک را بروی فوج ولدی قنقار گشادند
سمت حرکت کرده بودند گشودند بتعقید رکابهای توبخانه قلعه مخلص و قلعه ولی پاشا و طاس تخای قلعه
عرب و شهر تیری خالی کردند با اینکه عقب نشستن ترکان شکه از قارص چای عبور کرده حمایت کرده بودند
به تمام ستونها حکم صادر شد که تهیه ببینند که از حرکت
به پیش ترکان تعاقب نمایند لهذا عساکر تجدید دسته بندی کردند و هر چیز که در یورش بکار برده بودند
به سپاه ذخیره فرستادند و در صدد آن با نهار را بخط آخر جای دادند در اول روشنائی صبحدم شاید
در تمام وسعت بلندیهای ساحل اگر ترکان از قلعجات وارده بیرون بیایند و در خطوط خارجی لشکر جمع آیند

بخلم ادر

مکینه آنوقت آشکار شد که دشمن میخواهد از وسط عساکر روس راه ارض روم و سنکالوچ را بگیرد
ستونهای ضخیم و متراکم سرباز که هر یک هزار جمعیت داشتند از بلندیهای واقعه مابین قلاع تماش و حج
ولارنپه سی فرود آمدند بجانب قلعهای زغاله و چفتلیک حرکت کردند و بعضی ستونهای دیگر از حجاج خان
بجانب علی عسی و با پانصد شش صد سوار از جلو پیاده ها حرکت کرده دسته بدسته شروع شده در آن
بر آکنده گردیدند ژنرال راوپ که از عاکر
زودیک شش بودس از یکه مشاهده این حرکت کردند از کات خود دریافتند که این سپاه جزئیش جمع آوری
عقب نشینی ترکان را قطع نماید از ایشان تعاقب کنند و تمام سواران ساحل این قارص چای شش از آنها
با صفوف منهزم سرباز گردانید و انها را از عقب بجنگ آورند
ژنرال راوپ پس از آنکه با تیوتسکی سرهنگ با فوج ازوران سیکین
و قراع کمیسار که یکدسته سوار ترک را که صف مقدمه اتش را تشکیل داده در چفتلیک و سماوات
نهاده بودند بر گردانید فوج رستف را با دوازده عراده توب حکم داد که در برابر قریه زغاله جای گیرند
و راه پیاده نظام ترک را مسدود سازند و در حینیکه ژنرال کمارف از طرفین و فوج نشوبر از دنباله
حمله کرده بودند و آتش باطریهای جاوار مانند برق انهار را بهلاکت میرسانید سوار شاهزاده چراتنف فرمان رسید که
راه آرداوزان را بر ترکان به بندد و قشنکیها تیوتسکی سرهنگ سوار
ترک رسید قدری از انها با وجود آتش سخت فوج کوبان و نشوبر خود را به سماوات رسانیده بودند
مقصدشان از ایشان بخاک افتاده بود آنچه بر نهر بین مشکل کرده بسیار از شمشیر نموده از ردی که
ساخت و در دی ستون پیاده که از عقب میآمدند اخت و همچنین دیگر سواره ترک را که تعدادش کمتر از

قسمت اول بود از ارشیف سرهنگ با فوج قزاق میاوا تعاقب نمود و پس از اندک زمانی یکدسته از قزاق لوبان

و یکدسته از سوار طلیعه توپخانه ملحق گردیده و دو دفعه ترکان در پیشانی آتش ارشیف سرهنگ واقع شده

متفرق گردیدند که بعد از مهلکه دویست تن از ایشان بخاک هلاک افتاد

قسمت معتبر پیاده که در قریه زغاکه برف و مشکی دید از اطراف بر او احاطه کرده اسلحه خویش را فرو ریخت

قسمت دیگر که از روبه چفلیک و آراوردان حرکت بکرد و راه خود را پیشگرفته بود در برف اما یک شلیک سخت

از دراز یکی بوگرد و قزاق از آسورک راه بر آن بست و جدی کمکی که تمام ارجی هاین سموت و زغالی

تا قلل جبال جوراخ را روسیها احاطه کردند و در تمام آن نقاط طالیونهای تمام اسلحه خویش فرو ریختند و

تسلیم قسمتهای سواره پیاده شدند آنوقت ملتفت شدند که بعضی از سرکردگان بزرگ قلعه فرار کرده اند

بسمت قریه رومش فرار کرده و بیش از یکصد و پنجاه نفر سوار همراه ایشان بوده آنوقت شاهزاده جرجانف با سواره

از دراز یکی بوگرد و سواره شاهزاده ارشیف سرهنگ بجانب رومش شتافت و چون که

در جلو قریه دو چار شلیک سخت شدند از دراز و قزاقان روس سرکار را از ماکن خویش بیرون کردند

و بعضی از ایشان را کشته و برخی دیگر را تعاقب نمودند و پس از چندی روس حرکت فراریان گرفتار

شدند و بیش از سی یا چهل نفر نتوانستند از راه کوه بگریزند

سواره نظام جرجیف از هر جانب قسمت کومک پیاده نظام را با سواره که از قلعه و بلندیهای ججاخ فرود

آمده بودند فرار کرده و آنها را تعقیب کرده تا عین علی از ایشان تعاقب نمود و بقیه سیف نهایت جلد

آن مکان محاصره شده بدرگرد و سر جنگ نشده و کار زار بانجام رسید و یکدسته از لشکر شهر در حین ورود از ایل

لازارف شهر را در استقبال و قلعه قارص با بدنهای محکم آن یکصد عراده توپ و سی دو طالیون قشون

معبود مقدار کثیر

سواری و مقدار کثیری از آذوقه و قورخانه در تصرف روسیها در آمد اما روسیها هم در فتح خود از عهده کرد

جنگداری کرده بودند سه ران ما رور کنت دکراب فرماندهی سرکرده دوم قسمت اول در جبران لوچکیف سرهنگ فوج

یانی کرینک و بلاشکی سرهنگ فوج پرنو و شاهزاده ملیکف نایب سرهنگ فرمانده یا طالیون ملازه در رخ

یاور فرمانده یا طالیون مرزور و چندین سرکرده دیگر در پای حصار قارص بخاک هلاک افتادند خلاصه تلفات سکان

عبارت بود از گرجیب و سه صاحب منصب و چهارصد و شصت و نه تن کشته و زخمی و بجاده ترجیب

منصب و هزار و هفتصد و سی و یکنفر در میان زخمی و کوفته شده جبران ترکان جیابیش از اینها بود در روسیها

دو هزار و پانصد نعش از آنها را در روز اول و دوم شهر قارص دفن کردند و مریضهای آنها در حبس ایشان مطلوبه

عنیمت الجنگ عبارت بود از یکصد و سه عراده توپ مختلف النقطه

هفده هزار اسیر که پنج تن ایشان پاشا و هشتصد نفر از آنها صاحب منصب بودند و انبار جنگ و قورخانه و آذوقه از اندازه

روسیها بعضی از آنها را در آورده و نیمی سبب شده که در برابر مو خارجه علی

سفرای عثمانی در ممالک خارجه تلگراف داد کرد   بسلاسل تاریخ بیست و ششم بها بر تلگراف تاریخ

بیست و چهارم از انجا پاشا رسیده که پیش می رفتم گرچه محنت فراوان بسوزان مجروح برایض باکه جنگ

افتاده بودند تا ارزنت سخت وانکون یاد قارص مظفر طلوع رسیده دو هزار نفر از انصار در قارص ساکن ارض روم و شریف

و نصف انصار در راه بواسطه سرما و جنگ فراوان تلف شده و نصف دیگر که ارض روم رسیدند در یک حالتی بودند

که ایشان تاب مانده پیش دروازه اند انشاء خواهش دارم که این خبر را محفوظ و دولتی که شما در بار آن مامور میباشید

بگنجید و آن دولت را متعرف نمایید که این امر هم خارج از لوازم قوانین بین ملل و هم خلاف نقض عهود و

دانگلارن از عهد نامه ژنو که در آن مخصوصا معین شده بود که مجروحین و مرضای عساکر متحارب را باید تمیز

در همان محل بهمه سربازان خود پرستاری و معالجه نمایند (اخر تلگراف)

بعد باید بهت اظهار نمایم که برخلاف اعلانات عالی در عهدنامه ژنرال سطورات

که هر قدر ممکن است محمد جسه اندیش بر کرده‌اند اما از تفصیل که قرائت یکشنبه معلوم می‌شود که باید این اظهار را

قبول کرد و ملکه اظهار احتیاط سیوان نمره خاصه در صورتیکه واسطه تحقیقات خارج از طرفداری مستحضر شود که باید این

روس محمد و حبس عثمانیه را انچه اندازه به موظفت بکند مستحضر فارص نخجیر

محل بود بخشیده برکان باز در ارض روم پایداری بکرده و بسیون ژنرال همیان چون از هر گوشه ذخیره آورد

بودند و مطمئن کرد دیدند که عنقریب از آذوقه ضرورت خواهد بود و چند ان در کارهای خویش بالغه کامل بدست محاربات

سبب بیکونه کمال را این عبارت شرح بدهند که برف فراوان آمده و اطراف را پوشیده و دور کرده

ارتفاع برف تقریبا چهار یک ذرع می‌شود (اواخر نوامبر) و اوایل دسامبر

بروز جنگ منقضی شده در بیست و یکم دسامبر بقدر تجهیز برکاد ژنرال کمارف

قریه بهر که چهار فرسنگی ارض روم و در جلگه شمالی آن شهر حاجی ظاهر شد محاربات پس از آنکه استحضار یافت تمام

سوار نظام عثمانی را با سواره قراطاغ باباج که مهرعلیخان سرکرده ایشان بود مامور کرد که بجانب روسها حرکت

کنند مهرعلیخان بکمک عطف نظر باغده و شهر را در قریه تمارکین که یک فرسنگ ربع از طرف

بهر است ملاقات کردن روسها بعد ارشد به سواران بعلت قلت تعداد خود را براه بهر و ستناوق

کشیدند ولی قبل از این قریه چهر نوولیخ دو دسته باطالیون پیاده و دسته عراده توپ روس سواران ترک

را جلوگیری کردند پای مهرعلیخان زخم برداشت و کش اورا برداشته با کمال احتیاط راه ارض روم را

پیش گرفتند و نقیه سپاه نیز چندی نگذشت که طبل بازگشت فرو کوفتند محاربات در اینجا استانیخ

بیست و دوم دسامبر

بیست و دوم دسامبر تلگراف ذیل را کرده

و در زوطرف عصر بعضی از سواران دشمن در شمال شرقی ارض روم در حوالی قریه بهر نمودار شدند فورا یکدسته از سواره

نظام و سواره قراباباخ بسرکردگی ادهم پاشای سرتیپ در برابر دشمن فرستاده شده و از طرف دیگر نیز دو بکادرون

سواره روس در قریه ستناووک بنظر رسیدند سواران با ما حرکت خط عقب نشینی این دو بکادرون را گرفته ولی

انها کوشش نمودند و رفقای خود که در بهر بودند ملحق شدند پس این لحاق روسها عساکر حمله ور شدند

و در حین جنگ سواران ما ملتفت شدند که در عقب اسکادرونهای دشمن یکقسمتی از پیاده نظام و جز سواره نظام

گرفته ولی عساکر روس که در میدان جنگ آمدند و شکست خوردند که بعد از آن شکست سواران ما مجبوری

خویش مراجعت نمودند پس از دو فوج سواره دو باطالیون پیاده و چرکس بنوده ولی پیاده نظام بکره

میدان جنگ اقدام کرد و نسبت باطالیون کثیر بودند مراجعین خبر داده اند که دشمن قوت بادی در دوابون

جمع آوری کرده از سواران نظام ما بیش از چندین تن زخم برداشته اند و مهرعلیخان با یه سواران قراباباخ

الحال در حین است (اخر راپورت) شب بیست و چهارم چهار باطالیون ترک از ارض روم بیرون آمدند

و با قدم شد مجبوری راه بایورت را پیش گرفتند روز بیست و سیم روسها دوباره قریه تمارکین را که قراباباخها

از ایشان گرفته بودند متصرف شدند روز بیست و چهارم محاربات سرکرده که کمدسته مستقر از اخبار کرد

تا قریه سارزیج خیمه پیشرفت و معلوم کرد قونهای روس در آن جلگه بقدری هستند که مانع و عایق مراوده

شوند روز بیست و پنجم خبر شایع شد که ژنرال زرکو کاسف به بالان کلین رسیده و راه بهر که از یک دره ای

و سوزیج و سکودلی و اقدم میاید و سه فرسنگ کمتر با ایلجا ساف دارد از دشمن رفته با راه ارض

روم از سه طرف در محاصره روس ها افتاد شب بیست و ششم ژنرال کیه از عالم

ارض روم [illegible] شورت مخصوص منعقد گردید و تمام اکابر صاحب منصبان در مجلس حضور داشتند و آرا اتفاق کردند
که تا جان دارند پایداری کنند روز بیست و پنجم مختار پاشا با چند تا طابور از شهر بیرون رفت و به ایلجا رسید حکم
صادر شده بود که نجاک عثمانی اردو با پرو روزی و کیم و سامیر اسمعیل پاشا والی ارض روم تلگراف به ایشان ارسال
فرستاد امروز چون بعد ساعت غروب بایکوچ سواره
روسی در قریه عواک جربک بنظر رسیدند من فوراً یوسف بیک سرتیپ را با یک دسته سوار و عراده
توپ به آنجا مامور ساختم روسها بدون آنکه وارد معرکه شوند کناره گرفتند بس این امر و تاره که قال
عرض باشد بود اخر تلگراف از نهر ارس در بین تاریخ نیز راه مراوده باز
بوده است ورود روسها در عرض دو ماه نتوانسته دور ارض روم را محصور نموده ترکان فرصت را از دست نداده
اذوقه زیادی در آن قلعه انبار کردند و اشخاص نان خور بی ثمر را از شهر بیرون کردند اما قورخانه و جبه خانه
نیامد که تقدر کفایت داشتند زیرا که اواخر سپتامبر یک قافله از برای وان تدارک دیده بود بیرون
فرستادند ولی آن قافله پس از آنکه کوشش بی فایده کرد مجبور بشهر برگشت
روز چهارم ژالونیه ستون بعقبی از سواره و پیاده روس قریه ایلیجا را
متصرف شده از وقت احاطه بر ارض روم کامل گردید روز دوازدهم ژالونیه یکقسمتی از سواره روس که
مرکب بود از ده دسته قزاغ بود بسرکرده گی ارس ملیکف ژنرال تا دو روز در راه طرابوزان نهاده
پس از بیرون رفتن از ایلیجا و قبل از وصول به امپورت بر هزار و پانصد سوار عثمانی حمله کرده آنها را
شکست داده تا کپ داغ تعاقب نمود در برابر قلعه ارض روم بیا برنت و مخاصمت معوق بود و از
روز نهم شهرت یافت که عثما قریب بنای منارکه خواهند گذاشت علاوه بر این برای اهول کبری بود

نهلیکه در ارض

تمام جلگه در زیر برف مستور گردید و در دامنه توپ داغ عمق برف شش پا میرسید

مطلب دوم

در ابتدای جنگ روسها از سه طرف بخاک ارمنستان هجوم آورده بودند یعنی ژنرال ترکوکاسف از
میسره روبه ارض روم پیش آمد و در قلب ژنرال ارس ملیکف قارص را تهدید مینمود و در میمنه ستون ایچ خان
باطوم حرکت کرد آن دو قشون اول چندین جنگ کردند روسها اول فتوحات چند نموده بعد شکستهای
فاحش خوردند ناچار تا سرحد خود عقب نشستند ولی رسیدن امداد زیادی باعث شد که دوباره قصد حمله
و یورش کنند و نتایج کارهای جنگی آنها گرفتن قارص و احاطه بر ارض روم شد
اما در میمنه تغییرات کلی چندان بظهور نرسید در بیست و چهارم
آوریل که ابتدای اعلام جنگ بود دیدیم که روسها به باطوم گذاردند و بعد از شش ماه از جنگ
نقطه میبینیم و اگر خواسته باشند سبب این توقفات را بدانند تحقیق در کافی است که یک نگاهی
در نقشه جغرافیائی کنند و ملتفت شوند که روسها در حرکت پیشرفتن برای بدنشستن گرگزاری کرد از
کنار دریا میرود و دو سه هزار ذرع بیشتر بسمت داخل خشکی نمیتوانستند داخل شوند زیرا محض اینکه بخوبی
رو بحرکت می نهادند چهار توپ کشتیهای عثمانی مسکر دید پس محال بود که روسها بتوانند جنگ واقعی
پیش بگیرند روسها در صدد آن برآمدند که راهی برای خود پیدا کنند
ولی در میان کوهستان بصعوبت توانستند پیش بروند و بعوایقی برخوردند که ناچار متوقف شدند
و سبب تعطیل کشتیهای عثمانی نیز همین معنی است در آغاز مجادله
محاربه چنین گمان میرفت که چون ترکان صاحب قرادگزینه در خیال آن باشند که از طرف [illegible]

کشته و از خمپاره باران کردن شهر اوساپا سواحل قرم اندیشناک بودند ولی تمام تقویت
بخیه تیراندازی توپهای بحری محدود گردید که چندان ضرری وارد نساید سبب کلان آن بود که ترکان نمیتوانستند
کشتیهای خود را بکار اندازند و مجبور بودند که در اطراف باطوم متوقف باشند و الا از روسها شکست
تا رعایتی در این باب چنانکه گفتگوی آنرا نخواهیم داشت و مطالب مختصر خواهد بود بعضی از نتیجه‌های جنگهای
مختصر و خمپاره باران‌های بیفایده و جنگ بعضی متفرقه بسیار دیگر نمیتوانیم زیرا که از طرفین ناچار بودند از سستی
تحت بطالت و بیکاری و تعطیل بگذرانند روسها نتوانستند پیش بیایند و درویش پاشا بقدر
کفایت سپاهی نداشت که از اماکن پلیس دست کشیده و قصد حمله بر دشمنان نماید بعقیده کاتب
که چند فقره از محاربات سردار قسمت قشون باطوم ذکر شود تا از وضع آنجا و خیال صحیحی در تصور آید در عهد
درویش پاشا فقره ذیل را مینویسد
امروز با دشمن اندکی برقوای افزوده و بتحقیق رسانیده‌ایم که بهم باطری از توپهای نیامیزی و
و پانزده ساقیمزی آورده با لشکرهای خود را مسلح ساخته و امروز چهار ساعت و نیم از دسته ... ورها
آتش بسیار شدیدی از توپخانه خود رو بتمام خط جدال گشودند و باطریهای ما در کمال شجاعت آن آتش
را با عزم توپ دادند و بدون انفصال بجدال ... دوام و اتصال بسیار کرد و چون عمل حرب
شروع شد بکمیت از عساکر پیاده و سواره دشمن که در پشت لشکرهای جنگل خود پنهان بودند و قصد آن
کردند که ... لشکر ما که ... تیر تفنگ پیادگان لشکرهای ما محفوظ بودند یورش آوردند ولی با
وجود لیاقت و نجات ما که ستون یورش را غرق باران گلوله توپ نمودند آن ستون ناچار رو
عزیمت نمود و دست از حرکت خویش کشیده بکمال اجواده ... بزرگ که با بیرونان در یک برج کوبان
بود با گلوله ...

بود با چهار باطری زخمدار شده نکته سلطان باش و نجی و سرباز مقتول گردیده و دو تن از ایشان نیز
مجروح شده و خسران دشمن افزونتر از ضرر ما بوده   اخر
در این راپورت گفتگو شده از لشکرهای طرفین و هیچ خفیف دارد که هر دو لشکر ما جنبه کافی و ساده ...
نمودند برای جوش لشکرها و ما منبعها برپا کردند و در چنین اراضی پستی و بلندی دارد البته انجام این امور از این
چندان اشکال نداشت و چون این لشکرها از جهت توپهای محلی موفقی بخوبی مسلح بودند تقریبا یورش ...
روز یازدهم نوامبر این خبر تازه را دادند   امروز در ساعت بغروب مانده
غفلة دشمن آتش توپخانه خود را بجانب معسکرهای ما گشود فورا از آن اماکن جواب او گفته شده و جنگ با
کمال اشتداد با شب طول انجامید چون گلوله‌های ما در آن اندرون لشکرهای دشمن میافتاد ضررهای
فراوانی بر مردمان بجاور وارد آمد و آن گلوله‌های دشمن که بلشکرهای ما رسید چند سرباز کشته و چند تن
زخمدار کردند (اخر)   روز بیست و هفتم درویش پاشا لشکر بسیار جزئی
خط سومان را که کوبان نیز باشد خالی کرده و حال آنکه در دوازدهم ماه او آن باطری را از جنگ روسها
در آورده بودند و تا این هنگام در آنجا با کمال استحکام و استقرار یافته بود اما در حین عقب نشستن بجانب ...
محاربه قدری از عساکر باطوم را طلبیده و دیگر درویش پاشا چون یورش کافی نمود خط ...
عقب کشیده با لسی خیدرزده پس نشست اما این نتیجه چندان اعتباری نداشت و اگرچه روسها ...
اراضی متصرفی خود افزودند ولی استرداد شهر فلن بجانب اول بعد بود در ماه دسامبر بدون جنگ منقضی شد
دکانهای جنگ مختصری بکردند تا درویش پاشا موفق شد که در تخانه ... اسلامبول انفاذ دارد ...
آنجنگها محدود بودند بکلی گشته با کراس اسب زخمی شده روسها در گیاه که در لشکرهای خود مینمودند ...

بکار افتاده بودند فی الحقیقه بطاریها دیگر راه داده شد اما در بیست و ششم روسها عزم یورش کردند که نتیجه بگیرند

یک کشتی کنستانتین که در اوایل جنگ توسط حرکت فوق العاده جسارت کارانه اظهار شگرفی کرده بود در خلیج چروم

چند تروپیل بجانب کشتیهای زره پوش بزرگ انداختند که هیچ اثری نبخشید بدو کشتیهای عثمانی چه پیشتر این

حمله از باطوم جدا شده بود چند تیر توپ در خاک روس خالی کردند و درویش پاشا در این باب تلگرافی بوزارت

بوزارت جنگ عثمانی فرستاد بتاریخ ۲۸ دسامبر جنابکه اعلیحضرت

جنابان بهار پاشا و احمد پاشا فرمان فرمایان کشتیهای سلطانی وزارت بحریه جناب عالی را بر این مستحضر داشته

شد دشمن امروز چند تروپیل بجانب کشتیهای ما که در بندر باطوم لنگر افکنده بودند انداخت

اینکه هیچ خسارت و ضرری نرسید به سبب اینکه بالطبع از این عمل در سکنه شهر روی داده بود و تسکین و هیم از محل آفات

خویش جدا شده به باطوم آمدیم نتیجه که تروپیل هیچ صدمه اثری و ضرری نرسانیدند عسکر بحری ما

ابدا خوف و هیبه اگر دو نتیجه لازمه دفاع بود فراهم آورد بتاریخ ایضا بعد از

اینکه جناب بهار پاشا و بعضی کشتیهای سلطانی گفتگو کردیم امر باینجا قرار گرفت که دو کشتی از ارائه

در معرض یورش آوردیم بهار پاشا پس از این قرار داد در کشتی عزالدین نشسته بجانب پوتی روانه شد

بفاصله یک میلی این شهر رسید و دشمن اورا در این حرکت تعقیبی ننمود آنوقت فانوسهای کشتی چیزی را

افروخته از ساحل که خیلی نزدیک بر آن رفته بود دور شد آنوقت روسها کشتی مزبور فوق را دیده آتش

توپخانه خود را بجانب او گشودند ولی شکر خدا را که بکشتی عزالدین هیچ صدمه ضرر نرسید پس از آن بهار پاشا برای

فلکوات رفت و در آنجا را چهار پاره باران کرده و گلوله های باخانه و انبارهای آن مکان را آتش زد

بلکه دسته از پیاده نظام بحریه بتقریب چهل نفر سرباز داشت بجنگ فرود آمدند تا تلگرافخانههای این محلات را خراب نمودند

و اندکسته ننشستند فرادالان دشمن اگر آتش حتی از زیر عهد که آن چهار پاره هم فرار دشمن را مغروق ساختند (آخر)

سابقه میشود که اعمال جنگ در دریا بیش از این نیز مفید

و چهار پاره باران جدیدی و کم دست مبرز نیز از آن کرده درویش پاشا می نویسند

امروز طرف دشمن چند گلوله توپ از آن کشتی بجانب سنگرهای ما که در توپچی

و اطراف آن بودند انداخت ولی آن گلوله ها به سنگرها افتادند آنوقت عساکر ما جواب گفتند و گلوله های توپ

انبار او را اندرون یکه بر جها و سنگرهای دشمن فرستادند از ما احدی تلف نشده است کشتیهای سلطانی که مرکب بود

از کشتیهای زره پوش محمودیه و عون الله و فتح بلند و کشتی منصوره و زورق عزالدین بسر کرده گی جناب بهار

پاشا از بندر باطوم بیرون رفته برابر سن نیکلا رفتند و این کشتیها اول شروع نمودند که بسنگرها و سنگرها

ی دشمن را که در این سواحل بودند چهار پاره باران نمایند همچنین سواحل کرکری و پی نی را نیز هدف گلوله توپ و چهار

ساختند و دشمن در این سواحل خبر خود درست ندادند کشتیهای سلطانی تا شام روسها را در تیر اندازی حرکت

بحری نیز از اول داشتند و این عساکر روس در سواحل مزبوره پشت کاملی پیدا کرده اند (آخر راپورت)

سرهنگ موجب شرف اعمال جنگ بود و در اوایل ژانویه دو

قابل نگاری روی نداد در بیست و ششم ژانویه کشتی تجار کنستانتین بقصد

یورش کرد و این نوبت نتیجه حاصل نمود زیرا که یک فروند کشتی تجار عثمانی دچار رو قایق تربیل وارد شده قطعه

قطعه گردید در دوشنبه سی ام ژانویه روسها در نزدیکی باطوم شکست فاحش خوردند زیرا که از غفلت خود

چنان گمان بردند که در آن برای مدافعه اماکن خویش چندان سپاهی ندارند و عساکر روس بر ضلع یمین

و قلب عسکر سنی خندریزه حمله ور شدند و گمان از ایشان قدری از خندقهای سنت نیکولا

تاخت سخت حمله ور شده حمله وران در عقب این عسکر مصاف عظیمه در عبور از رود کوپرچی دچار شدند و در زیر
باران گلوله های تفنگ ترکان گرفتار گردیده و عسکر با فراوانی بودند فقط در ده دو ساعت بعد از این عساکر روس الحاصل کشتی
فرو گرفتند و مساکن قدیم خویش را عودت نمودند خسران ایشان فراوان بوده ولی در پیش آن قابل نبود که از این
فتح جلب منفعتی کنند و این نصرت بکلی بی ثمر واقع شد جنگ امروز آخرین محاربه بود که در خاک آسیا واقع
گردید

فصل هشتم

فهرست

مطلب اول

ترکان میبایستی با حریفان خود در نقاط طی برابری کنند که آن نقاط چندان با یکدیگر نیز بین متباعد و از هم
که ما ناچاریم الاتصال مطالعه کننده کار زار در هر مملکت عثمانی را از آن سر منتقل کنیم

در اواخر سپتامبر چنین گمان میرفت که مخاصمت در
قراطاغ موقوف خواهد شد و ترکان با گر نیز تمام آن سرزمین را تخلیه کردند و آن کوهستانیان سرزمین محاربات
انقطاع با برز رخته شدند و به توپ اندازی بر شهر پودگریتزا قناعت کردند ولی چندی نگذشت که
مدون شهد بواسطه اشارت سردار کل روس با جانبهای ایشان بجانب انتیواری یورش بردند
در حالیکه بعضی عسکرشان در برابر پودگریتزا متوقف ماند

در نصف اول نوامبر ارگ انتیواری شدت چپاره باران شده و قلعه در تحت فرمان ابراهیم بیک
نایب سرتیپ بود تمام سکنه ملوک اسپتیزا که مذهبا تابع دولت سربی میباشند سلاح برخود آراسته و
همراه قراطاغیان بمحاربت شتافتند بلکه بعضی از مسلمانان ملوک انتیواری نیز این چنین کردند که
معدودی از ایشان بجانب شاهزاده نیکلا و داد اعترافی شدند

در همان هنگام که قراطاغیان در انتیواری یکدیگر حمله ور میشدند کار محاصره پودگریتزا را هر روز میبرد
سه باطری برقرار کرده بودند یکی برابر کاکارتیزا در جنوب شرقی و باطری دویم را که زیر مدون قدری
بالاتر از باطری اول و باطری سیم را در بلندی اسپتیزا قرار داده بودند مارکو میلانو که وایوود بود فرماندهی
این محاربات را سرکرده لشکر بود

روز شنبه دهم نوامبر پلامناتز وایوود و فیمابین مارکو یویچ و بایانا ترکان که به امداد انتیواری فرستاده
شده بودند غلبه جزئی نمود و این وایوود چون بواسطه نصرت خویش تهوری پیدا کرد قصد آن نمود که تا
از اردوهای سنجاق خود که در محال آنا بیلی اتی داشتند بیرون کشند و ترکان از استقرار این اردو
منظور واحدی داشتند که عبارت بود از جلوگرفتن بسقوطری که قلعه آن از جمله بی استحکام محفوظ است

بسته و در صف جدال تقریباً سه با چهار هزار پیاده نظام و توپخانه آنجا حاضر داشته

روز بیست و سیم نوامبر طرف عصر برای این یورش معین شد

بود و پلامنانیزا از دست ایطالیون قراطاغی در زیر حکم خود داشت یعنی تقریباً تعداد سربازان او سی و

سه با چهار هزار بود و اگر قوت باطنی قراطاغیان را تصور نمائیم احتمال کلی داشت که این یورش نتیجه

از فتح معتبری متوجه شود ولی این والیود بجای آنکه یکدفعه قشون انبوه جمعی خود را از رکان برد یکباطالیون نیمه

مرکب از ششصد یا هفتصد مرد داوطلب فراهم آورد و بر لشکرهای دشمن تاخت آورد در کان در اول

وهله غفلتاً مضطرب شدند ولی بزودی بر هیجان و تفاضل خود اطلاع یافته جنگ کردند و قراطاغیان

ناچار طبل بازگشت فرو کوفته از ششصد تا هفتصد و پنجاه تن از ایشان بخاک هلاک افتاد و علاصاحب‌منصب [illegible]

سقوطری در این باب تلگراف ذیل را باسلامبول فرستاد

عسکر پاشای سرکرده چنین خبر رسید که شب دو ساعت از شب گذشته قراطاغیان با قوت زیاد و نیز

رد دید لشکرهای حصینه ما که در اماکن منظوره اطراف قریه کرباسی بر پا شده بودند تا از راه انتیواری و

سقوطری حمایت کنند و لشکرها در تحت حفاظت باطالیون پیاده نظام و تقریباً هزار چریک معاون بودند

جنگ خونریزی بی‌نظیری تا هشت ساعت از شب رفته بطول انجامید از حسن شجاعت و جلادت و کمال

پایداری باطالیون سیم فوج ششم و باطالیون کولا الله الحمد قراطاغیان شکست داده قدمی نرسیده بودند

تا آنکه بعضی از ایشان در اندرون لشکرها نفوذ کرده بودند در کمال غفلت و پریشانی رانده شدند

تعداد تلف شدگان باطالیون سیم هنوز مشخص نیست ولی افسوس که باید از مرگ افتخار امیر اسمعیل آقای

احودان که در عرصه کارزار جان سپرد متألم باشیم آن دو باطالیون دیگر شصت تن مقتول [illegible] مجروح

داشته اما خسران دشمن تقریباً عبارت از ششصد مرد که از میدان جنگ برده اند و قسمت عمده از تفنگ

سلاح سفید و قطار فشنگ دست نهاده بر باتاتر از روی جنگ افتاده برای اینکه کلیه سربازان لشکر خود را از این

رفتار نجیبانه نمودند تعارفات کنم بنام ایشان به هر یک از بیرقهای این سه باطالیون نشان درجه سیم مجیدی را ادام

بعد از این صورت مستدعیات خود را در باب انتقال رتبه دار و یا منصب ارباب مناصبی که در این فتح

نمایان خویشتن را ممتاز ساخته اند بعرض عالی برسانم و با امضای سامی برسد آخر تلگراف

بامدادان روز بیست و سیم گمان رفت که قراطاغیان یورش

مجددی خواهند آورد زیرا که شب پیش قریه رنکای را که در سه فرسنگی سقوطری بود تصرف نموده و آتش زده اند

و اهل قریه سیرکا که در سه ربع فرسنگی سقوطری واقع بود ترسیدند و چهار صد [illegible] شدند

جستند قراطاغیان که در دره‌های کوه‌های اطراف مرداب سر در زیر بال خود کرده اند

تا فاصله چهار پنج هزار ذرع در قله جبال نزدیکتر شهر عساکر عثمانی داشتند که در کمال خوبی سنگری کرده بودند

مرور تمام آن روز و فردای آن از حالت تفتیش و ملاحظه را داشتند و عاقبت غفلتاً ناپدید شدند

شب آن قایقهای قراطاغی از مرداب سقوطری عبور کرده در ساحل

نزدیک سرحد کاسترالی بخشکی در آمدند و بطرف لشکر فرستادند که مرتوسین جور

قراطاغیان را در زمان و مکان معین بگذارند عبور نمایند والا با ایشان مانند دشمنان رفتار خواهند نمود و مسلمانان

ملوک نزدیک بازآهوئی اسباب وحشت شدند و قراطاغیان در کمال سرعت مراجعت نمودند

شب بیست و پنجم کوهستانیان توانستند دو قلعه را که سرحد قریه

اسپی زرزا را از دست دادند متصرف شوند این دو قلعه از جنس قلعه‌های چوبی هستند که جهت مدافعه سرحد ساخته‌اند

دستخط بلندیهای بالای اسپیزا جا باشند و در نقطه که سرحدات اطریش و دالماس و قرطاغ
و البانی عثمانی تقاطع میکنند واقعند این دو قلعه چندان اعتباری ندارند ولی استحکامها تصرف سرحد اطریش
را در بایانا کامل میکرد و چون شط این رودخانه زیر دست قراطاغیان بود مراوده ما بین رود سقوطری و جزایر
لسینو امکان پذیر بود هیچ خبر بهتر از این قصه پیش بینی کارگذاران اسلامبول را ثابت نمیکند که
هیچ چه ضعف شدند از اینکه چند فروند کشتی جنگی برای مدافعه ساحل بخرند و تا چه اندازه سود مند بود
اغلب مواضع این سواحل وضعی دارند که کشتیها تا نزدیک ساحل نزدیک توپ آنها باشند و قراطاغیان نیز تنها
نداشتند که با توپخانه خود سدی نمایند باری در این حال بغتاده بودند تا اندام آخر آن وقت چند فروند کشتی جنگی
عثمانی با کمال سرعت بجانب ساحل البانی فرستاده شدند و عدی ... ترتیب و سر کرده ناتیبا فرمان
بافت که تمام سپاه خود را جمع آوری کند و به سقوطری روانه گشت شاهزاده نیکلا در باب تسخیر قلعه اسپیزا
تلگرافی ذیل را که سر کرده قلعه ستمنر فرستاد

خطاب به واپو دیطار قلی لیف و دزویچ در روز طرف شام قلعه پوتو را که در دو ساعه اسپیزا از او معیت
با هفت توپ بزرگ و قورخانه زیاد تسخیر کردیم و شهر اسپیزا را در حیطه تصرف ما در آمد تا کنون در کامی
ماند قلعه با هفت دو توپ بزرگ گرفته ایم و از سرحد ما تا بایانا و از اسکادر سکو بلاتو تا دریا با تمامه
قبضه قدرت ما میباشد و جائی جز ارک بار نیست که مقاومت کند و بیاری باری تعالی عنقریب آن را
هم خواهیم گرفت   اخر   در اندک ... ارک
انتیواری علی الاتصال دچار گلوله خمپاره بود و چنین گفته اند که علی صاحب پاشا برای گرفتن راه انتیواری
و محاصره کردن آن قلعه حمایت از چند فروند کشتی جنگی خواسته بود در اوایل دسامبر چند کشتی زره پوش

دارای ... ...

در نزدیکی انتیواری لنگر انداخته و شروع کردند قلعه دلوبکار را هدف گلوله خمپاره کردند ولی چون در
دریا طوفان عظیمی بر خواست کشتیها را مجبور ساخت که از ساحل دور شوند چندین نوبت تجدید عزم
نمودند هیچ چه سودی نبخشید ولی ارک انتیواری که عبارت از قلعه بار باشد بکلی منهدم شده و سر کرده
آن حصار تدبیر با سیاسانه کرد یعنی بکار بردن اطریش و مجارستان اعلان نمود که آن قلعه را تسلیم دولت
اطریش میکند شاهزاده قراطاغ که از این معنی مستحضر شد سر کرده عثمانی خبر داد که با کمال احترام آنچه منظور و مقصود
امپراطور اطریش باشد بانجام میرساند ولی این تکلیف عقیم ماند اگر چه

روز بیست و پنجم دسامبر قراطاغیان فتح نمایانی کردند سر کرده
واپود زیدار اطرویچ سر شوری شاهزاده نیکلا بوده و دو سه لشکر بندی شده عثمانی را که ما بین بایانا
و لسینو بود تا خت مصرف شد و در کنار رود آن اطراف حمله کرده بعد چنان که فراوانی را نهار ساند فورا
کشتی عثمانی با تمت روانه شده و قراطاغیان با آتش باطریهای خود دو کشتی را آتش زده اند
در این موقع گریزا محاوره ... ... بود و از تلگرافی که علی صاحب پاشا در تاریخ سیم ژانویه کرده است معلوم میشود
سر کرده نظامی پود گرا تیزا این تلگراف میکند که معدودی از
جنگهای مهی طایفه ملیسور و اشیدوز برای اطلاع از اماکن دشمن با او آغاز محاربه نمودند و عساکر نظامی نیکی
نی کونی دار شهر اشیدوز با سنها البته جهای ملدوز و بالیس بشیر شدند و از دشمنان تا بلاوار از طرف
دار آنجا تا حملی ... قلل گکو بیلا که از طرف ملدوز و بالیس اند تعاقب نمودند بعد از این جنگ پیش از حملی نقش
پیدا کردیم زیرا که کشتگان خود را حتی الامکان با خود برده اند مجروحین ایشان البته از صد متجاوز است از طرف ما دو
مقتول و ۹ نفر زده مجروح بیشتر نبوده و سر بازان ما از اردوی ایشان شش دو کلاه و چند اسب و چند تفنگ و کلاه

روز دهم ژانویه امر مهمی روی داد قلعه ارک انبواری آوردند آخر
پس از مقاومت با پایداری سخت بدون هیچ شرطی تسلیم شد و شاهزاده نیکلا که در رشادت علوّ آنجا
گواه بود قداره برکرده نام صاحب منصب عثمانیه را ایشان رد کرد عده مردکان هزار و پانصد نفر بود و در تحت فرمان
صلان بیک و سلیم بیک بودند بعد از این هنگام بیره روزه فتوحات قراطاغیان بظهور رسید و اقعا ارکان
دیگر سپاهی بدست نشد که با حریفان سخت کمان خویش پایداری نمایند روز دوازدهم ارک گرامارد که
واقع است در جزیره دریاچه سقوطری بدست جنگ قراطاغیان افتاده روز سیزدهم وارد زابلیان شده
سیزدهم هم جزیره اسکرندی شد در ازنبادیه و دلفیرادو ارشکوتی و ستریوفی را متصرف شدند
روز سیزدهم دانیو و زبیدا از طرابزیچ فتح ساخ خود را کامل کرد
ساخت سنگرهای آخرین کار را که در برابر دولسینو داشتند تمام نمود و پس فردای آن روز که دوم بود با قوت
یورش شهر و ارک دولسینو را گرفت و در این جنگ یکصد و سی تن از قراطاغیان از میدان کارزار
باز ماندند باری روز بیست و دوم جزیره و دار ازنبیا تسلیم قراطاغیان گردید و همان روز کوهستانیان از نابانا
گذشتند لهذا وقتیکه بنا بود که جنگ انفصال شده بود سقوطری در معرض تهدید واقع شده و پیش از آن
بشاهزاده نیکلا مقاومت کنند

مطلب دویم

چنانچه در جلد اول این کتاب مذکور داشتیم باب عالی از فوریه ۱۸۷۸ با ایالت سربستان مصالحه کرده
و از خبر اینکه سربستان در این جنگهای آخر کرده بود و از ممانعتی که دولت اطریش مجارستان
با دیگر دولتهای بزرگ که دوباره طرح مخاصمت با دولت عثمانی بریزد ولی با وجود اینها سربستان اتفاق

تقویت و دستگیری که دولت روس از آن میکرد و از مدارکات نظامی خویش غفلت میکرد
روز چهاردهم ژوئن شاهزاده میلان از بلگراد بیرون
آمده به پلوئشتی رفت تا در آنجا با اعلیحضرت الکساندر امپراطور روس ملاقات کند از آن ملاقات نتیجه
فوری بظهور نرسید ولی از آن توقف این بود که سربستان در دو ماه دیگر فرا اطاع آمده شد معاودت قرار
شد که با الاتفاق بر ضد دولت عثمانی حرکت کنند و اندک زمانی بعد از آن کنکاش هم شد که سپاه روس از
سربستان عبور کنند و عساکر سربها هم خود را در عرصه کارزار قدم نهند به بهانه اینکه قراطاغیان را که کمکی میکردند
در معرض نقض نجات دهند ولی فتوحات روس این اعمال را بیفایده کرد زیرا در ماه ژوئیه و اوایل سربستان
در حالت تردید دولت بود و از یک طرف میخواست مداخله در جنگ نماید تا کلی از قید تبعیت آزاد کرد و از
سمت موردی بر خاک خود میراند اما از طرف دیگر دولت اطریش و مجارستان او را اکراه میدید اندک اندک
چون در طغیار سربستان مقاومت سختی شده بود کرد و در نیوما و کوهستان بالجان و سواحل لم عساکر روس
با امداد خویش طلبیدند و از سپاه سربستان نیز خواهش کردند که حتی الامکان سرعت نماید و داخل جنگ شود
روز چهاردهم دسامبر ۱۸۲۷ مسیو ستینیش اعلام جنگ را
در اسلامبول اظهار داشت — انصاف کننده این کمنوت که
مقاومت اهالی سربستان در این باب بیفایده است از اینکه مطالب ... را اخذ خیال برداشتند
اظهار کنند — مصالحه نامه شاه روز دهم فوریه ۱۸۷۸ بسته شد چون قضا بکرد
از تمام تقصیرات سابقه اشخاص صرف نظر و از اتفاقات سابقه گذشتند و دولت شاهزاده سربستان را اتفاق کرد
از اینکه بعضی از رعایای عثمانی را که بخاک سربستان آورده بودند دوباره مسقط الرأس خود معاودت دهد و که

برخلاف فصول عهدنامه مزبوره آن پناه بردگان پس از رجعت بوسنه و چهار صد نفر جدید شده
و هر قسم لوازم که هم از جانب جسم و هم از جانب سلطان ایشان و هم از خود باینها از دولت سلطانی نسبت بآنها شده بود
در خاطر جناب سرور پناه است که خود از جانب کبراز از نقض شرایط عهدنامه و قرارداد صلح از جانب دولت روسیه
خود به اولیای دولت عثمانیه شکایت کرده و لیکن بسیار افسوس میخورد که کوششهای او هیچ نتیجه که
خوشنودی بنده را بخشیده باشد وازطرف دیگر دولت شاهزاده
نشین سربستان ثابت و محقق است که باعالی برخلاف قوانین ملتی و بدون اینکه مراعات حقوق ملل بکند
چندی است مخصوصاً در صدد برهم زدن رفاه و نظم داخله این دولت شاهزاده نشین است و فاش از جهت
اسلحه و سایر اسباب محاصره امداد و اعانت با یاغیان خارجه که همیشان مصروف غضب اینان است
این مملکت است مینماید لعلت تمام دلایل مسطوره دولت شاهزاده
گمان کرده است که باید بکمال شدت سفارت خود را از دربار باعالی بخواهد و حکم کرده است که فوراً از اسلامبول
بیرون رود زیرا که ایالت سربستان بعد از این خود را با باب عالی در حالت جنگی می بیند ارادات

کلنش وغیره **گزت کلنیش** بتاریخ چهاردهم **دسامبر** ۱۸۲۲

روزنامه دولتی بلگراد با عبارت ذیل بیان اسباب و حقیقت اعلان جنگ را نموده

دولت سربستان در اوایل سنه ماضیه با باب عالی مصالحه نمود و در اواخر همان سال دو بار بجنگ مبادرت کرد
لهذا تمام روزنامه جات عثمانیه بر است دولت سربستان را بنقض عهود و خیانت متهم ساختند این از
روزنامه جات به تعجب نمی شود زیرا که همت روزنامه نویسان مصروف بر آن است که باعث را تحقیق کنند
و ادراک مسئولیت حقیقیه که در مملکت بظهور رسیده باشند و آن مسئولیت را گردن عثمانیان میبندد اراده

اعماز

این باب ایرادی بر دولت ما نمیتوانیم استدعا میکنیم که آزاد باشیم و از روی یک آن خیانت فی نقض عهد را که
سربستان بسته اند و با بر آمات و شده است امتحان نمائیم
همه کس میداند که بین الدول یک قانون یک قاعده ایست که مدت مصالحه جات را
محقق کننده و تمدید نسته است بمواقع و وقایع مختلفه که غالب از قبیل اتفاقی می باشند ولیکن همه کس
میداند که مطابق جمیع قوانین و قواعد بین الدول از طرف مصالحه که میبندند شرایط صلح کلاً پامال
شده است بدون ایراد حق آزاد دارد که در گرفتن سلاح جنگ ما درست نماید و این حقی است که
دولت سربستان بکار برده است
در عهدنامه سنه ماضیه قید شده است که خانواده هائیکه در وقت جنگ از ولایات عثمانیه بخاک
سربستان فرار نمودند با انکار و اداره دو باب عالی پس از رجعت آنها حمایت و مراعات ایشان را
از دست ندهد آیا این قرارداد چگونه بانجام
رسید خانواده هائیکه بواسطه تشویق دولت سربستان با تعداد زیاد بولایت خود مراجعت کردند بجای
حمایت موعوده دچار انتقام مأمورین مسلم خود و جور و تعدیات مأمورین خود با بعالی گردیدند روز
مأمورین ولایات عثمانیه بر است گاهی تجاوز از آن امور نمودند و گاهی هم در صدد تکذیب آن بر آمدند و انکار کردند وقایع
سربستان که مطلع گردیدند ثابت مینمایند که این دولت چندین نوبت از باب نقض عهود مصالحه با
باب عالی شکایت کرده و اولیای دولت نه تنها رفع ننمودند بلکه مقصر این اسباب ساخته اند
و برهان بر مطلب این است که خانواده هائیکه توانسته اند دوباره مراجعت نموده در سربستان ملجأ گرفتند
آیا باعالی دولت سربستان را در انظار اهالی عیسوی در عقیده

وکیلان چگونه جلوه گر است در نظر آنان از اختلاف کار و در عقاید ایشان اثر مستحکم داده
سپس برا تکلیف کرده به اوطان خویش عود کنند و نوید داده که اسباب امنیت و رفاه ایشان فراهم
خواهد آمد اما چون این ضمانت بواسطه جنگ معموله باب عالی از طرف شده و سرستان بحالت صلح خود
باقی مانده البته عیسویان بالاستحقاق بوطنی پیدا کردند که فیما بین باب عالی و سرستان بقرار داد مخفی بوده است
و دولت خبر محض خلاف کاری انها را تسلیم ظالمین و جابرین قدیم نموده آیا کدام جرم است که تقصیر دولت
نگاه سرستان نکند که بعد از آنکه نجات برادران دینی خود سلاح بکار پوشیده بواسطه مصالحه نامه باز
که با باب عالی رد و بدل کرده تعهدات بکار انست برادران عیسوی خود وکالت نموده است هیچ ملتی نیست که
نوی ایمان و مبادات را شنیده باشد و قول او صاعی نماید و دولت سرستان در ایمنعقد شد به انعقاد
جنگ اول در صدد آن برآید که بواسطه گفتگوهای سفارتی با باب عالی قراری بگذارند ولی چون آمدن نتیجه ... نبود
سرستان مجبور شد که مجددا او را اگر قش سلاح جنگ دعوت کرد و این رفتار هیچ وجه دلیل بر خیانت نمی‌شود
بلکه برهانی قاطع است بر صحت اعمال

ولی سبب دیگری نیز هست که مخصوصا تعلق بدولت سرستان تمامتر است و بواسطه آن سبب است که مردم
ان سلاح بکار را گرفته اند و آن سبب عبارتست از اینکه پس از ملاحظات شفاهی باب عالی و اندراج آن در مصالحه
نامه که سلطان محبت پدری نسبت شاهزاده میلان و رعایای او دارد و این محبت پدری نسبتی نمی‌شود به اینکه باب عالی
بدین یکنفر مدعی سپید هدو اسبابی برای او فراهم بکنید که قصد جان شاهزاده و منع آسوده که ملکت نماید
این کار در توپولا شده است و مجلس بیکه عملجات ملبس که اکنون در آنجا مانع روز روز این همه تربیت تبدیل
کنند شرح رسمی آن منکشوف خواهیم کرد پس از اقتضائیکه در فوق ذکر کردیم

آیا خلاف کاری را باید بکدام طرف نسبت داد آیا از جانب سرستان است یا از جانب باب عالی آیا دولت
سرستان بمحض عقد مصالحه منعقد این معنی نشده و همان لحظه که دید باب عالی با او معاملات نیک نمیده و در حرکت
میکند و محرک شورش است که در داخل مملکت برپا شود سرستان بر تجدید تدارک جنگ کرد و بمحض اینکه تدارکات
منظوره مهیا شد اعلان آن جنگ را نمود

ایا در زمانیکه عثمانی برسر دعوی از خود ایسته داشت که ... را
سقط ... به دولت تابعی به دولت متبوعه خود اعلان نموده است در آنصورت باید سلوک او را هم
کرد که از کی تا کنون دول تبعه عاری از این حق بوده اند و کتب تاریخ قرون اخیره فرنگستان از جنگهای تبعه
و متبوعه مملو است آیا دول تبعه از حقوق قوانین ما بین الدول شعار متبوعه در خود ... بتعهدات
دو قسمتیکه عهد نامه نقض نمی‌بیند اگر حق از او دارند که با سلاح جنگ احقاق حق و دفاع عهد نامه را
در صورتیکه از طریقه صلح و صلاح چاره نشده باشد و در صورتیکه باب عالی بعهود بین خود وفا نکند بلکه در صدد
آن برآید که آتش فتنه و فساد در داخل مملکت سرستان برافروزد آیا سرستان حق ندارد که خود از
در جای برخیزد و دفاع کند گویا خبر عثمانی سرستان کسی نباشد که حقوق ملل را انگونه تاویل نماید هر جا که حق
مصالحه تعلق میگیرد حق را بهم زدن صلح هم تعلق خواهد گرفت اگرچه در این مورد که ... حقوق ... بلکه منظور ذکر اعلان
جنگ مبنی بر آن است و آن سبب برای دولت سرستان همان دلایل است که مذکور داشتیم اما حالا صورت
دیگری تکرار میکنیم تا واضح شود باب عالی متعهد شد که حمایت و رعایت کنند از خانواده اینکه فرار از عثمانی کرده اند
و پناه بسرستان آورده اند شرط اینکه دولت سرستان اظهار ادا دارد که بولایت خود معاودت نمایند و دولت
سرستان اعتنا به تعهدات باب عالی نمود و آن خانواده را مطمئن کرد که بخانه‌های خویش مراجعت نمایند ولی

بسیاری از صربیان چون در ولایت بسان تعدیات تعدی را دیدند بسرستان گریختند و همچنین باب عالی از
بستان وعده کرده بود که بعد از این ملاحظت بر آن نسبت آن داشته باشد ولی از جمیع تدارک اسباب یورش
در داخل آن ولایت دیده و آن اسباب فتنه بجوی بکشوف شد سرستان که تا آن وقت از تمام عهود آن جمیع
محافظت بکرد شکایت رسانه توسل کرد دید و لیکن چون از آن سلوک نتیجه حاصل نشد اعلام جنگ نمود
اما بطور خیانت در روز یکه فاش و آشکار ویست و چهار ساعت بعد از اعلان جنگ اقدام بر آن کرد

شهزاده میلان بسرور همان هنگام خطابه دلیرانه غیرتمند خود کرد

(آخر روز نمبر)

در خطابه پنجم مارس ۱۸۷۲ از غیرت خود اظهار داشتم که جهاد در باب مطلب بعد نفس کرای آن سلاح از
مدت گرفته بودیم تعلق بازوی قویتری گرفته ولی پس از عقد مصالحه نژاد ترک صفحات تاریخ را از برجهای تازه
داشتند برکرده اسب غارت و نهب و قتل تمام ولایات دولت عثمانی را در این اوقات فراهم کردند

و مخصوصا بر هر کسی اسم صرب تعلق بگیرد تعدی ترک را بیشتر متحمل است

بعض مسلمانان که تو سطه تمام اشتغال نموده بود و جمعه صاحب رسید در

باره برادران مظلوم ما که در اوقات جنگ پناه بسرستان آورده بودند و بعضی بخصوص این

فصل دویم مصالحه نامه بود که در بیست و هشتم فوریه ۱۸۷۲ قبا بین اولیای دول

رد و بدل شده بود در آن فصل قید کرده بودند برای انها عفو کامل و کامل باشد

چون رجحرام امور و قعه بین الدول الملل مجادی کافی داشتیم ادعا بین تحمیل

داشتم که خانهای خود عادت نمایند ولی پس از آنکه با زوطن اختیار کردند به بهانهای عدیده دچار

تعدیات ظالمین مسلمانان کردیدند و تمام گفتگوهایکه از جانب دولت سرستان رسولی در باب این تقصیر عهد

نامه کرده بی ثمر ماند و چون این ظلمهای جدید را سیاست نکرده بعلاج عام فولیرا که دستمایه داده بود دیگر بایمال
کرد

ای سربها پس از خیانت و نقص صلح
فیما بین ما و باب عالی واقع شد هیچ خبر ما را مجبور نمی سازد که باین وضع رحمت افزا با فی مانیم و این چیزی که
کسی را که مجاهدین آزادی بپاشیم ولیل الگزده که باشند ماشا جان جسور و بر حوصله اعمال وحشیانه را
که حقیقتا منظور از انها ما بود که دون ضد سرستان است مشاهده کنیم اندازه وحشی کبری و سعیت ارکان
نجاح رسیده که بر سرستان حرام است بیش از این تحمل این فشارهای خارج از انصاف را بکند و حکم
نیست که بدون بر افکنده که دیگر بر مربوط باشند دولتیکه قوت خود را در نهب و حرق و قتل قرار داده
و تعصب بیرون از حد از خالا ما به تهدید ایالات باشد

اگرچه سلوک سرستان نسبت باب عالی در کمال صحت و نیکی بود ولی انبد ولت مجدد آشروع نمود که
مدارک خطرناک برای وطن ما می بینند و علاوه بر فتنهائیکه در اندرون ولایت ما برپا کرده و امنیت انجا را
بهم زده و در امور خارجه آن عمل الاتصال را فاش و آشکار و تهدید میکنند و میگوید که باب عالی ارسال عسکر
برای ضرورت بستن سرستان دست دارد اگرچه در حالتی بشد که اعلام جنگ هم نتواند کرد

ای سربها چون دولت عثمانی در حالتیکه در تصرف کامل اردو
بسیار مقتدر است بارها او را تهدید آمیز با رفتار میکند تکلیف آن است که چنین موانع خوب حالیه را از خیال خود
دور کنیم و کوشش کنیم که حالت استقبال خود را یکدفعه مطمئن و آسوده سازیم

چنین نیست که مخاصمت ما خصم هر از سالها خود بواسطه جنگ نه فقط بانجام
رسیده باشد و برافتخار و منافع ما زیان وارد خواهد آمد اگر بار دیگر بامور سلطنت و ملت کرده در نتیجه خطر جنگ

ما به نهضت ملت سربستان و در انجام تکالیف ملتی خود غفلت ننمائیم و کمال مجاهده را بکنیم و اگر چه سپاه
عظیم و رشید روس کفایت میکند که بدون معاضدت ما منظور مقدسی را که الکساندر قیصر روس در نظر دارد
بانجام رساند ولی هیچ چیز در عالم ما را از آن مقصد که ملت سربستان دارد دست معاف نخواهد کرد زیرا که
جزو اعضای مسیحی مشرق زمین است و سربستان تکلیف مسیحیت را برای خود و هم از برای سایر برادران خود و اقوام
هیچ ملتی دارای آزادی حقیقی خود نخواهد شد مگر بکوشش
ما در صورت ضرورت خون و قربان شدن جان خود و نباید بکار بزرگی باشد کار که ما در سال گذشته شروع کردیم
اقدام نموده و در نیمه راه واگذاشت زیرا که ملتی چنین وجه ملی ناقص خواهد بود و در چنین بیچارگی اخلاف ما
مقصر خواهند کرد آن شهیدان ما را نفرین خواهند نمود و خود ما هم ابد الدهر دچار افسوس و حسرت خواهیم بود
ارواح شجاعان ما که در سنه ماضیه برای وطن جان سپردند اگر از بالای آسمان نگاه کنند و ببینند که
در حالتیکه در حدود ما خون ما سیل جاریست ما بیکار نشسته ایم از ما بیزاری خواهند جست اگر شاهد ببینند که ما
هیچ کاری برای انجام آرزوی ملت نمیکنیم و فراموش نموده ایم که برویم با آنهائیکه بدون هیچ ترتیب
نظامی بواسطه حرق و قتل ولایات قشنگ و حاصل خیز بلغارستان را خراب میکنند محاربه کنیم از تعدی
خواهند جست بقوت ثبات قدم و مواظبت ما است که
می توانیم از عهده انجام مجاهده بسیار و خطرهائیکه پیش گرفته ایم و کوشش فراوان و بذل مال و جان برای
و آن کرده ایم بر آئیم موقع اقتضا داشت که ما تجدید مجاهده کنیم و حق هم بجانب ما بود اگر جنگ سابق دشمن از
حیثیت عدت و قوت بر ایالات کوچک سربستان تفوق داشت امروز اگر در میدان جنگ پای
گذاریم از یکطرف عساکر منصوره روس را خواهیم دید که تاج سلطنت بر سر دارند و از طرف دیگر برادران

و رشید و فراطاعی و همسایگان قوی دل رومانی خود را مشاهده میکنیم که تمام اهتمام آنها محض آزادی و عدم ستمگی
عیسویان مظلوم جنگ میکنند ای سربها با تمام اسلحه بکار را
محض دفاع عن حقوق ملی و مقدس که راجع است بملت مسیحی است مدت یکسال است که در این مدت حدود و مجموع
ملت سربستان صلح آمده برگرداند حساب کنیم در بیرقی که ابرابرنویچ چهارم در بالای سر شما به اهتزاز در آورد
نوشته شده آزادی و عدم تعلق است در سایه این بیرق ما قبل از این هم بحب وطن و قوت رشید خود را
بنمود رسانیده اید حالا مقدم شمشیر بدارم که دست خود را بجانب برادران که در جلگه کسوا آزاد حیات
شدیم برای مصالحه دراز کنیم بسبب آن رسیده که امروز بکار ملی را که شجاعان ماکو اقدام بآن
کردند و ما پارسال تجدید نمودیم بانجام رسانیم و اگر امروز نشود هرگز نخواهد شد پس ای شجاعان پیش برویم
در پهلوی قشونهای مظفر روس که نجات دهند ملت مسیح است جای بگیرید پیش بروید و توکل بر خدا کنید
که حامی مقدر عدل است و انصاف است پیش بروید با اسم نجات برادران مظلوم خود با اسم آزادی
وطن عزیز خود که سربستان است ای شجاعان پیش بروید که مشیت الهی چنین است آخر خطابه

در بلگراد بتاریخ بیست یکم دسامبر ۱۸۷۷ میلان

ابرنویچ چهارم شاهزاده سربستان سابقاً نگاشته شده که ایالت سربستان این دو ماه جمعیت کار سرباز
خویش تکمیل نمود ساوا گروویچ سرتیپ که بجای نیکولیچ سرتیپ وزیر جنگ استقرار یافته بود در صدد
انجام این مهم بر آمده در ماه نوامبر تعداد قشون
پیشش بکار تحویل شده بود و انهم پس از معاهده مصالحه که منعقد بر اتمام جنگ بود مرخص کرده و فرمانی داد
طلبان خارجی از پانزدهم ژانویه شروع شده بود و در روز دهم مارس که روز رخصت شان بکار بر بود

آن آخرین ریکاد و داوطلبی که بسور در صدد بود ندارد اهالی لیسی و بلغارستان و از ناوت ترکیب یافته
بود مرخصی حاصل نمود در ابتدای جنگ روس که از جمله
آوریل بود گفته شد از اینکه یک اردوی مستحفظ ترتیب بدهند تا به طرف صربستان را حفظ نمایند
چندی بعد در اواسط ماه مه صربستان قشون خود را بتدریج و بطور در حرکت آورد و ابتدای جنگ
خود را برگرد و چرکهای خونریز را خبر داد که حاضر باشند و در صدد و در حکم نخستین مستعد حرکت شوند که چند روز
بعد این استعدادات موجبه بواسطه اخبار و اطلاعاتی که از اطراف مختلفه حاصل شد چنین بنظر آمد
که در حالت تعویق و توقف افتادند اما از اواخر ماه ژوئیه علامات جنبش و تجدید هیجان بروز کرد
و از آن وقت محقق شد که قدرت روانی تدارکات اهالی صربستان را ملاحظه نمود و جای آن داشت که
تقریبا یقین پیدا کرد که بوقت در جنگ بزرگ پیدا خواهد کرد چنانچه در اواخر ماه ژوئیه بیست دا
کرویچ وزیر جنگ اجازت یافت که یک اردوی کوچک مستحفظ که مرکب از سه هزار مرد باشد ترتیب
دهد تا در تحت جای گیرند و بعضی از سربازان قدیمی نظامی را طلبیده و به طریق در میدان مشق آن چهار
باطالیون پیاده با توپخانه و سواره جمع آوری نمود و در همان اوقات در زیر اراده جنگ و اسب زیادی
خریداری بیکرد و اسبها از ایالات روم ایلی ابتیاع نمود و در اواخر ماه اوت کارها فاش بنظر رسید
در روز بیست و هفتم آن ماه در مجلس مشاوره جنگی که بریاست شاهزاده میلان انعقاد یافته بود قرار شد
در هنگامی که صربستان از جنگ شرکت کند و در همان هنگام بود که حکم جنگ سپاه صادر یافت و دو
ماه سپتامبر هشت باطالیون پیاده عسکر نظامی را طرف نگوتن و الکسیناتز و الوالی چار روانه کرد تا
هشتصد سی و دو باطالیون قشون نظامی و غیر نظامی شوند

مشقهای جنگی بیابت در ماه اکتبر و نوامبر مجری شوند بدولت صربستان ترجیح
بخشیدند که در وقت صبابت و مفیدی حرکات قشون را با معاذیری که سبب ظاهری حرکات بود
با انجام و اظهار منتهی سازد و سرکردگان سپاه از ترکیب واقعی باطالیونهای نظامی ساخلوی و موقتی را
دور شسته معتبر هر یک با حواله اول نوشته شد در اوقات بیکاری سپاه خود را دسته بندی کنند تا حصول
این ترکیب و اختلاط سهولت مفهوم شود و در بکار بردن آن و در جنگ صربستان قصد از ابراز چرنایف نمود
که این اصول از اجرا و عمل در آورد و در سنه فواید آن بتجربت رسیده بود و برای انجام مقصود کل
کرویچ بتدریج تعداد باطالیونهای نظامی را از دو به چهار و از چهار به هشت رسانیدند و ما قبل از آنکه شرح دوم هر آن
که وضع دسته بندی این باطالیونهای مرکبه را ذکر کنیم می‌نویسیم که باطالیون منظم در تحت فرمان صاحب منصبی است که
چهار دسته که در زیر حکم چهار نفر سلطان است ترکیب یافته که هر یک از آن دسته‌ها دو نفر نایب دوم دارد و
صاحب منصبان آن عبارتند از یک وکیل باشی و چهار وکیل و یک سر وکیل و چاوشان و دوازده سرجوقه و دو طبال
دو شیپورچی و در هر دسته یکصد و بیست نفر سرباز است صرف چنان قصد کرده که یک باطالیون قشون چریک را
با یکدسته پیاده نظام منظم مرکب کنند یکجا و یک باطالیون قشون مرکب شود و شش نفر از صاحب منصبان باطالیون
از آن دسته داده می‌شود و آن وقت سلطان دسته منظم فرمانده باطالیون مرکب شده و چهار نفر نایب آن
سر چهار دسته میروند و در هر دسته هم یکنفر وکیل و سه نفر سرجوقه از دسته منظم دارد و سربازها با قسمی منقسم شده‌اند که در
جوقه هفت هشت نفر چریک باشند و صاحب منصبان چریک حواله اول با وکیل باشی دسته منظم پیاده‌های ترکیب
مرکب را فرمان رسیده‌اند آن وکیل احوان منزله احوان واقعی باطالیون خواهد بود و در این صورت فرمانده باطالیون
منظم حکمران ریکاد سپاه مرکب خواهد شد معلوم می‌شود که چگونه از اجرای این قاعده در آن واحد سپاه جنگ

نظامی چهار برابر می شود و بهمین طریق است که در صربستان با سی و دو باطالیون قشون بزرگ تهیه میشد تا بتوانی
ننج حاضر رکاب خود را ایجاد نمود

در اواخر **سپتامبر** بکوشید با همین کلونل **کرویچ** دستجات عمده ممالک جلی کشکو شدند در اواسط ماه آوردند و چهار
اردو بایستی در **پودرینه** و **مراوا** و **تیموک** زده بودند شوند و در جهان تاریخ حکم جدید نظامی صادر شد و صاحب
نظارت و قضاوت نظامی جنگ در ریاست قوامل آورده شده و مرخصیهای نظامی و دیگر افتخارهای نظامی جمع
باشخاص مختلفه تفویض کردند و در روز چهارم **اکتبر** هفت بریگاد از حواله اول که متعلق بولایت سرحدی بودند بجانب شرق
با سرعت روانه اردوی نزدیک سرحدات گردیدند و بعوض آنها بریگادهای حواله دوم سطوره ... بحرکت
در آن حدود مشق کنند و صورت مأموریت این هفت بریگاد در هفت محل مختلف از قرار تفصیل ذیل است

بریگاد **پودرینه** در **دوینا** در سرحدات غربی جنوب غربی و جنوبی بریگاد **الکسیناتز** در **ادوریتا**
بریگاد **کراسواتز** بریگاد **چاچاک** در **اک‌ش** بریگاد **استاربکا** در **چیچنیا برلو** در **کرمادار** ...
در **لیک ایوزر** بریگاد **کراانیا** در **تیموک اودس** این هفت بریگاد دارای بیست و نه باطالیون و بیست و
هشت عراده توپ بودند که هر یک بریگاد یک باطری چهار عراده است و از جمع آوری آنها در سرحدات حرکت اول
جرئیک حواله اول شروع شده و چند روز بعد چهار باطری جدید در **کوین** در اینجا و **الکسیناتز** و **زاوور** تقسیم نمودند

هشتم **نوامبر** شش بریگاد دیگر قائم مقام بریگادهای سرحد جدید

بریگاد **براجو** بریگاد **پراودتس** بریگاد **راکودنا** بریگاد **چوبریا** بریگاد **سمندریا** بریگاد **آتشابان**
و این شش بریگاد دارای بیست و هفت باطالیون و شانزده عراده توپ بودند ولی باطریهای **راکودنیا**
و **سمندریا** باردوی ذخیره **شومادیا** هفت بریگاد حواله اول سرحدی که در اوایل **اکتبر** گرفته بودند ملحق شدند بعد از

جهل و شش هزار نفر جنگجو مستعد و آماده حرکت بود و اگر ملتفت شوند که آن شش بریگاد که قائم مقام این هفت شده به
حالت استعداد و محاربه داشتند معلوم می شود که دولت صربستان متوانست بفاصله چهل و شش ساعت
قشونی از سرحد بکشد زیرا که عبارت از سیزده باشد و مرکب بود از پنجاه و هشت باطالیون و بیست و شش عراده
توپ و چند اسکادرون سواره که اخبار روزنامه **بلگراد** معتداد اظهار داده اسکادرون ... جزو اعظم
جرئیک حواله اول در اواخر **نوامبر** حاضر رکاب و مستعد دخول در میدان کارزار بود و در اوایل **دسامبر** ان
شش بریگاد دیگر هم مشق اردوهای تعلیم یکماه بود فرستاده شدند ... از آن اردوها بیرون رفتند ولی
هیچوجه اظهار ... بالعکس ... در بیست و یکم **نوامبر** اردوی **شومادیا** شروع بحرکت کردند ما
صحیح تر خواهیم آن بریگادهای **بلگراد** و **کراکو** و **براتس** و **رودنیک** که هنوز استعداد حرکت نداشتند
مستعد آن شدند و در اواخر **نوامبر** و اوایل **دسامبر** بریگادهای ... بسرحدات حرکت کردند روز
هجدهم **ژانوایه** جرئیک حواله دوم که در اواخر نوامبر حرکت آمده بود ... قشون حواله سیم تقویت ...
تمام قوت جنگی صربستان در زیر سلاح حرب درآمد و دولت صربستان **۱۸۷۶** اتمام ...
ولادیکوویچ سرتیپ بوده بود ...

در حین اعلان جنگ تقسیم سپاه صربستان از ... بود اردوی **تیموک** بسرکرده گی **هرواتوویچ** سرتیپ ...
تیموک در سرحد شرقی ... بود و مرکب بود از سی و دو باطالیون پیاده و ده اسکادرون سواره و دوازده باطری
توپ صحرائی و اردوی **مراوا** بسرکرده گی **لشانین** سرتیپ در سرحد جنوب شرقی این ایالت ...
در برابر قلعه عثمانی **نیچ** بود و بیست باطالیون پیاده و شش اسکادرون سواره و یازده باطری توپ صحرائی
و کوهستانی داشت و در مغرب بسرکرده گی **زیکوویچ** سرتیپ اردوی **یاودر** واقع بود که محل ...

ایوانیزا شده و صاحب ... و یک باطالیون و شش باطری توپ صحرائی و کوهستانی بود و در حدود

غربیه صربستان در تحت حکمرانی ژنرال الیمپیچ بود که شانزده باطالیون پیاده و چهار اسکادران

سواره و سه باطری توپ صحرائی داشت بالاخره فیمابین دو اردوی مراوا و تیمک در تحت فرمان

ژنرال ملیمارکویچ اردوی شوماویا ترتیب داده شده که صاحب سی و شش باطالیون پیاده و ده اسکادران

سواره و ده باطری توپخانه بود و حاصل جمیع سپاه صربستان که بسرحدات مأمور شدند اگر با طابور برابر

پانصد و شصد نفر بر حساب تسلیم عبارت می‌شود از چهل هزار پیاده و سه هزار سواره و دویست و پنجاه عراده

باطری سندی صربستان مختلف است باطریهای توپ بزرگ صحرائی شش عراده و باطریهای توپ کوهستانی

چهار عراده توپ دارند روز سیزدهم دسامبر حرکت عساکر

صربستان شروع شده و یکدفعه اردوهای تیمک مراوا و یاور در حرکت آمدند و از سرحد گذشتند اما فقط

درینا که در سرحد بسنی بود بواسطه مطالب پلتیکیه بحالت مدافعه خود باقی بود عساکر اردوی تیمک از

چندین نقطه سرحدی گذشتند بکقسمت از آن بجانب ویدین شتافت با همدستی سپاه رومان

در تسخیر این قلعه کوشیده و روز سیزدهم مردان اسکه تیری خالی کنند عدلیه را که در سه فرسخی ورس فاصله

شمال غربی ویدین بود متصرف گردیده و قسمت دیگری از آن بسمت بلگرادچیک روانه شده و دیگر

بسی بکلا را با یورش و تاخت در کوهستان بالنجان گرفت و در شمال این اسکه با سواره از پس

طریقه مشارکت و معاونت پیش گرفتند و لیکن عمده عساکر اردوی تیمک بجانب پیرت حرکت کرد

منتظر جمع عساکر اردوی مراوا تسخیر

قلعه نیش که بمسافت ... ورس از طرف سرحد صربستان است بود و پس از اینکه مردان خانقی و مقاومتی نمایند

تحت ذیل

تحت نوی بلیتیا از طرف شده لجاتین بر کشته مردان اسکه تضییع و رخجی داشته بسته بجانب

مرامر که بمسافت ورس با نیش فاصله داشت و در غرب آن واقع است شتافت و پس از اینکه ترکان این

محل را خالی کردند در بیستم دسامبر متصرف شده و فردای آن روز قسمت از عساکر مراوا شهر پروکوپیه را

گرفتند و بعد شهر کورچیه را تسخیر ساختند تا با عساکر اردوی یاور همراه و در رابطه بهم رسانند و اردوی مراوا بکوا زیر

کوه درسی ورسی نیش است بطرف راه همراه و به آن قلعه را با اوسکیوب قطع کنند یعنی راه آن سالونیک

شود و از آنوقت نیش را محکم بود مفرد و محصور بخصوص از جانب اینکه اردوی شوماویا در شرق بقلعه افتاده بود

ملیمارکویچ سرکرده آن اردوی مزبور در حالت ذخیره که بیرون آورده و در خط جدال و قتال داخل بود و حرکت

هروانویچ را بسمت پیرت و صفیا سوق نماید بر رهیا آق پلنکا را که در بیست ورس پیرت است مسخر ساختند

پس از آن تمام دره نچوا در تحت اقتدار صربیها در آمد

اما اعمال جنگ اردوی یاور بسرکردگی سیکولیچ بر یک در تسخیر شده

تسخیر قلعه‌های ماچکاد و یاکوا که نزدیک سرحد بودند و کارهای جنگ اینها غلب بجا رهصا عسکری نمودند

که در این کوهسار سنگلاخ که دوره بادی زمین نشسته بود و غالبا گرفتاری جبه اسکر ده و در این شب قریه

صربها در خاک عثمانی پیش آمدند محصور بسکر دیدند اما کی تصرف جوار اسکر بندی نمایند حتی کلاد و برانو

و ادروپچ سنیتزا را همین قدر که عساکر اردوی یاور وارد خاک صربستان قدیم شدند اهالی آنجا که صربها

ایشان اسلحه فرستاده بودند ساخلوی قلیل ترک را مجبور ساختند که آن سرزمین را خالی کنند و در نقاط قلعه

معتبر قبیل نوایازار سنیتزا و نوا و اپچ مجتمع کردند روز بیستم نوامبر در پیرت جنگ واقع شده و گرانه

بکلا خبر دلیر او فرستاده جنگ این صربها و ترکان در

و سپوت برپا کرده بودند و چون حصانت این اردو در باب قلاع آن کامل بود و چنان بنظر میآمد که از جلو

نتیجه ما پرزیت قصد آن کردند که اول براق پلنکا و بعد بر پریت حمله ور شوند و چنانچه مذکور داشتیم ستون یمین

براق پلنکا یورش برده آنجا را سنگر ساخت و ستون یسر نیز در همان روز گلوله توپ بسیاری بر نورانادل فرستاد

بواسطه جنگهای یورش عاسر دشمن را کم کرده و تمام سپاه و ذخیره در بانیا کلاو امانند در روز بیست و ششم دسامبر چهار

ساعت قبل از ظهر ستون یمین از براق پلنکا بیرون آمده بجانب پریت پیشرفت در روز بیست و هفتم چهار

ساعت بظهر مانده در ضلع یسر لشکرگاه بزرگ حمله کرده چهار ساعت از ظهر گذشته بلاتا و بلارو را متصرف شد

سنگر آنجا را بیرون برده بعد قدر که سنگر اول ستون یمین خالی است ستون یسر یورش از پشت سر از رده کرده استحکامات بزرگ

را در آن طرف آورده و قلاعی ستون یمین گردید در روز بیست و هشتم از طلیعه صبح جنگ در تمام خط جدال تشدید شد

از دو ساعت بعد از ظهر ستون یمین داخل پریت شد

و سکنه شهر در حال جنگ کشیشان در جلو ایشان بودند استقبال نمودند اما ستون یسر نتوانست برعادت

سخت ترکان ظفر یابد مگر وقتیکه از اتفاق شدند که قلاع عقب ایشان مسخر دشمن شده تعداد تلفات ترکان

سربهای از پنجاه کشته و یکصد و پنجاه زخمی تجاوز نبود در ترکان که تا شب بود قشون داشتند زخیران فراوان بود

و تمام لشکرگاه ایشان از آتش پوشیده شده بود و بیست و سه عراده توپ ایشان بدست سربهای افتاد

و او راپورت ذیل را به اسلامبول فرستاد

هنوز تعداد مقتولین و مجروحین در جنگ امروز که چند ساعت قبل بشما اظهار کردم اطلاعی ندارم ورود

دشمن بر زمین مجهول است بنا بر خبر که رسیده دشمن که هفت باطالیون پیاده نظام و چهار عراده توپ داشت

در کمال سختی بر عکس که در قلعه نیکبشوار بودند یورش برده این جنگ نیز به فنک تخمیناً ساعت طول کشید

پریت در کمال خونریزی وقوع یافت و قشون سپاه بزرگ که مرکب از دو اردو طاپور بود بصفحه بیرون رفت در آن جنگ

اردو ارزروم پاشا در دهم دسامبر هفتصد نفر از ایشان تلف شده بود و بیست و چهار عراده توپ برای سربها گذاشته

پاشا یکه سرکرده این قشون بود زخم برداشت فرار کرده و این فتح برای سربها بمقصد مقتول و مجروح حاصل کرده

نکلا آخر در ترکان از پریت دو خبر ذیل را به اسلامبول فرستاد

بتاریخ ۲۳ دسامبر از راپورت یحیی پاشا سرکرده چنین معلوم میشود

که یکدسته سواره دشمن در حالت تعقیب چهار ساعت بغروب مانده در دره که برابر قریه مستانجا محمد است در جنگ

آمدند و نقریب در کوه سکنا شهر و در برابر قلعه بلدور و سر چهار کرده واقع است بر قشون ما که در قریه مزبور ساخلو بودند

تیر تفنگ را انداختند و گرفتند یک است از سربهای کشته شده سه نفر هم زخم برداشتند

بتاریخ ۲۵ دسامبر یحیی پاشا سرکرده نظامی نقل میکند که شش هفت ساعت از روز گذشته سربها با دو هزار

سنگرهای ما را خمپاره باران سخت کردند و همچنین این عمان از سه طرف دور اماکن متصرفی سپاه ما را

گرفتند و هیچ وجه یکشب تفنگ بصدا قطع نمیشد ولی عقب نشستند و با وجود پایداری سخت با تمامی جرئت

نکردند بر ما یورش آورند سربها یک قسمت از قشون خود در مغرب نیچوا گذاشتند و قسمت دیگر را در مغرب دراع

سهل العبوری قرار دادند و چند عدد توپ صحرائی و کوهستانی از نشیبهای قریه گرادیشنجه که بتازگی

نیم فرسنگ فاصله دارد نصب نمودند اتلاف طرفین هنوز بر ما مجهول است آخر

روز ۲۸ دسامبر جنگ سختی در برابر پریت در گرفت بعد از تصرف بانیا کلاو آنجا

سن نکلا یکدسته بستری از قشون را بجنگ اردوی نورانادل که در شمال جلو پریت را گرفته بود فرستاد

و آن اردو عبارت بود از قلاع عدیده که در دو طرف رودخانه نیباوا ما بین قراء استانچو و نیباوا

دیاغیان عقب نشسته در بندهای برابر بر ازان عثمانی استقرار یافتند و بدارک آن می بینند که آب
بافراد هیچ تجدید یورش کنند و بر دشمن چند عراده توپ گلوله ریخت در بندی برابر اسکر بلدور تصرف کرده
تا آن بیگان را هدف گلوله کنند بسوز این جنگ در بلقا استعمال دارد آخر

راپورت دوم سلیمان پاشا روز سی یکم دسامبر فرستاده به این مضمون

بنا بر تلگرافی که بتاریخ ... از عثمان پاشا سرکرده رشال توفی بیرت رسیده در آن تاریخ عساکر سلطانی
با سربها بکه حلکه را در تصرف داشتند محاربه نموده در تپه ها استقرار بود نجی پاشا با چهار طابور از
روتنک بورا رفت و شوکی بیک با دو طابور در روی پل بلدوربه استقرار یافت و بجهت
با چهار طابور از تنگه سوموده بغار گذشته از حلکه سر بدر آورد و جنگ در حلکه در گرفت تا نیم ساعت از
شب گذشته بطول انجامید قوت دشمن عبارت بود از بیست طابور پیاده بنظام بعلاوه هیچ سوار از
باغیان بلغارستان قشون ما در کمال جلادت در جنگ پایداری کردند ولی چون محقق شد که سربها که در
حلکه متفرق اند عزم آن دارند که دور شارکوی را اکثر بنوده راه نیشیا را قطع نمایند مصلحت چنان دیده شد
که شارکوی را ترک کنیم و سپاه خود را به نیشیا ببریم   آخر راپورت

الحاق و اتصال سربها به سپاه روس پس از تسخیر بیرت بدرجه کمال رسید سربها می توانستند بجا
رو به نیشیا گذارند اما در سرحد بادر در نیشیا اعمال جنگ معوق مانده بود و بخلوبیچ سرهنگ از کلازتبرا دست کشیده
بجانب کرستان معاودت نموده بود در نوی بازار نیز حرکات نظامی متوقف مجبر گردیده بود اما در برابر
نیج و دنبالهٔ کارها را لحنت کرده بود   نیج واقع است در کنار رود نیجوا که از شرق بغرب جاری
و قدری در زیر شهر داخل رود مراوا میگردد و شهر نیج حصار بندی شده است و مدافعه آن در عهده

در کمال

ارگسبت که در ساحل این رودخانه واقع است صاحب بیت ... تپه و نهر از جعبت است که ربع آن عثمانیه
دپای تخت ولایتی کسو میباشد و بواسطه راه آهنیکه از پیرت و نیشیا و فیلی و تولیس و اولد ستبول میگذرد
دباستبول مربوط شده است از اوایل دسامبر که عثمانیان از حاصل جنگ ... اسباب مدافعه ...
وسائل خود ... که بیش از پنج طابور پیاده و ... سواره ... مجموع بواسطه حافظ پاشا از چهار طابور قشون ...
و دو هزار ... که از مسلمانان ... ولایتی گرفته بودند تقویت یافت و چون عمویان قبول کرده
که سلاح بکار برند ... عساکر از ایشان ... نمودند و کارهای قلعه ... گرفته ... که شماره آنها
دوازده هزار نفر را در آن شهر جمع کردند

امر یورش این شهر ... شهزاده میلان تعلق گرفت در روز چهارم ... نوبه ... اردوی ...
پس از ... ملک ... جنت ... ما ... قشون ... سراک ...
از ... بوریه ... شده ... و ... در ... بهادر ... سازند ... نوبت بکمال ...
یورش ... ولی ... در اماکن ... خود ... نمایند روز پنجم سربها پیش آمدند و اماکن ...
نیج را تصرف کرده ... از ... یورشهای خود را تجدید کردند ولی مجدد را ... روز پنجم ...
شودمادبای ... بورش ... قلعه را تسخیر ساخت و در ... آن ... گرفت
جای گرفت   شب هشتم سربها در آن اماکن توپهای قلعه کو را
نصب نمودند و در روز هشتم آتش ... و توپ ... قلعه کرنیرا گشودند و ... یورش جدید سربها را
رد کردند و در روز نهم حوالی ... سربها دشمن را از کرنیرا بیرون نمودند و در این ... روز جنگ اردوی
شومادیا یک قسمتی از اردوی مراوا ... از قشون ... قلعه ... و ... عیدیک پاشا

نزدیک شده و نتایج مستحفظان این دو قلعه را خبردار گردانید و طرف عصر ترکان انبار خالی کرد از

لهذا سربیها تمام لشکر را حول شهر نیچ را در قبضه تصرف خویش درآوردند و دیگر قادر بر مدافعه نبود و روز نهم

ژانویه طرف عصر گفتگو شد که درگرفت و عصر روز دوم قرارنامه فیمابین لچانین سرکرده سرپستانی و

سرکرده عثمانی خلیل پاشا و رشید پاشا انجام یافت و شرح آن قرارنامه مطابق ذیل است

خلیل پاشا و رشید پاشا قلعه و شهر نیچ را با توپخانه و قورخانه‌ها و آنچه در آن موجود است

به شاهزاده سرپستان تفویض کنند تمام سرداران عثمانی باید در آنجا جمع شوند ولی اسیر جنگ نخواهند بود و اما لهذا

از طرف خود جنگ سربیها نپرند و آزاد کنند و ارباب مناصب شهر خود را نگاه خواهند داشت و حفظ

نظم و امنیت تمام سکنه شهر از عیسوی و مسلمان باید با سلوک خود را اکتفا کنند و بعد از رفتن شاهزاده سرپستان

هر یک از اهالی از بابت حفظ جان و ناموس و مال در حمایت خود قبول کند که کسی قصد ترک شهر را دارد

اسباب سهولت بکار برای ایشان آماده خواهد شد و شاهزاده سرپستان چون گواه از گریز شجاعت و دلاوری

عساکر عثمانی میباشند که با کمال دلاوری از این شهر و قلعه نگاهبانی کردند ارباب مناصب نظامی بلکه عساکر

رخصت میدهد که هر سلاحی را که در اوقات جنگ با خود داشته‌اند نگاه داشته باشند و سرپیها طالبون ترک شهر بلا

اسلحه خود را برابر بردار سرپستان فرود گذارد آخر قرارنامه

در همان تاریخ ترکان قورشوملو را از سربیان باز پس گرفتند و حافظ پاشا که در آنجا بود

از استحکامات معتبر قورشوملو دارد شدیم از یک طرف محصور

و از طرف دیگر بجنگهای تفنگ بین خود مشغول گردیدیم و علاوه بر این در قراء حول و حوش چندین نفر از عساکر

عثمانی ایبک و پاکوا پیش راندند بطور کلی و ... همین خطوط لشکر بندی خود و شهر قورشوملو که در تصرف

سربیها بود

سربیها بوده محصور شده و سنگر در حوالی ... واقع بود که بشنیدیم و این عسکر عثمانی علی الاتصال تعقیبات جمله

اطراف قورشوملو اشتغال داشته و در بین تعقیبات آخر عسکر عثمانی حاضر و از اعانه عصیان و عصیان سرپستانی

آورده و گسیلش را که در این جنگ و جدال ترک شده بودند در شهر با طوایف وضع و استعداد و سایر

حیران روی نماید از روز صبح عسکر عثمانی حکم یافت که از شهر و پیش بروند جنگهای این جمله تمام طول بکشید و فردای

آن روز که حکم در دیر شد تجدید محاربه شد و در مراتب طبیعتش استعداد یافت و سپاه عثمانی ها توسط طالبون باده نظام

دو دیگر آورده قوای که عیان پاشا تعقیب ایشان فرستاده و قوت قشون و نتیجه این محاربات سخت و خونریز سرباز محمود آقا شهر

قورشوملو بود که عصیان سرپستان از آنجا فرار کردند و عساکر از ایشان تعاقب نموده اطراف آن مکان را داغان کرده

تا دو ساعت بعد غروب شد و طول انجامید و علاوه بر تقویت محرز چنین که سربیها متوسل شده از هلاک بر زمین بزدند

سرپستانی در میدان کارزار باقی مانده است در قشون عثمانی دو دارو تقویت و یک مجروح بیش نیست

نظامی هستند چه حیران در وادی باید ... زیادی از قورخانه جنگی و اسلحه و اسباب دو تغ و بسیار ... به عصیان

تعلق داشت در تصرف آوردیم و بعد از سپاه سرپستان بجنگ افتاد که روانه حاکم نیش ولایت ... گروه

در میان کشتگان سرپستانی حسب مقصود بود و شاید از قورشوملو بسیار بردیم و امروز عساکر منصور از شهر و لشکرهای اطراف

آن که از دشمن گرفته‌ام استقرار رسیدیم و من اکنون و امیدوارم که لشکرهای دیگر در میان های تپه قورشوملو بنا نهند

سپاه و توپخانه با آنجا جای گیرند آخر راپورت

الغیره یک فتح ... بود

هیچ قلعه شهر نیچ و پیرت و الحاق سربیها عساکر روس را ... کرد

روز بیست و چهارم ... جنگ بسیار سختی در نزدیکی اسپیتا واقع شد عساکر سرپستانی از ... بجانب دراگرد

پیش آمدند به اردوی شوماد با که از قورشوملو بیاید ملحق شوند و در کا ... که در تحت فرمان طه پاشا و حسن پاشا بود

و نتوانستند عساکر صربستانی را جلوگیری کنند

اما روز بیست و هفتم ترکان مجدد دست جور و دعوا در اردوی نیچاپین بر یک در صحرای بلوراگرا که حافظ پشت راه هم هستند

وارد و میلان کوچ پس از شکست حسن پاشا که پرشتینا را قرارگاه مقصود یورش بسته بود که در راه ورانژه واقع بود

مسخر نمود و در جیلان جای گرفت و اردوی مرد انوویچ شهر کپسانه دیل را مسخر ساخته بجانب اسکوپیه حرکت کرد

مختصر اینکه ترکان همه جا شکست خوردند و حقیقت فتوحاتی که [illegible] شمن بود

برای یک سند نوشته مختصر از این جبهه قناعت کردیم زیرا که چندان اهمیتی نداشتند ولی قبل از آنکه جنگهای [illegible]

بپرسیم لازم است که چند کلمه در باب محاصره ویدین که رومانیان در عهده خویش گرفته بودند بگوییم و اگرچه

رومانیان بعد از مسخر شدن پلونا لشکر خویش را عازم قلعه کردند ولی برما لازم آمد که خود ذکر کارهای جنگی و غیره

دور کنیم تا به دقت در ذکر اعمال مهمه اشتغال ورزیم و حرکات جنگی امپراطوری این دسته را بروی کنیم لهذا پس از آنکه

از فراطاع و صربستان ذکری کردیم حالا باید چند سطر وقف احوال رومانیها نماییم

روز بیست و سیم دسامبر رومانیان بدون جنگ شهر لوم پالانکا را که در کنار

شط دانوب واقع است متصرف شدند و بعد بطرف ویدون که در عرض تهدید کند دسته قشون صربستان بود

که از زانیچار روانه شده بودند نزدیک شده و بنابراین تلگرافی که از عزت پاشا سرکرده ویدون بتاریخ غره ژانویه

رسیده اعمال جنگ در آن محاصره پیش برفته است و صورت تلگراف از این قرار است

در چهاردهم نوامبر که راه مراوده ما مسدود گردیده به هیچ وجه واقعه نظامی و جنگی که شایسته یادکرده باشد روی نداده

و به یمن اقبال اعلیحضرت سلطان با در کمال آسوده که عافیتیم و سلامت مزاج عموم رعیت و سپاه برواق اول است

روز بیست و هشتم ژانویه رومانیان لشکرگاههای نزدیک قلعه را مسخر ساختند آخر

جنبه [illegible]

چنین بنظر آمد که یک یورش عمومی قریب الاحتمال است اما پس از چند روز چهارده ماه ران حصن رومیان مجبور شدند

دست از حصن بکشند زیرا که متارکه کل بمصالحه شده بود

فصل ششم

فهرست

مطلب اول

چون از حرکت ژنرال گورکو بجانب مغرب سپاه روس مجبور شد که در زمین جدیدی جنگ کند بجا

بنظر می آید که مختصری از وضع و نقشه اراضی که مصاف محاصمات واقع خواهند شد ذکر کنیم

راه عراده رو که از دانوب مستقیماً راهی است که از لوم پلانکا ساینده و از برکوویزا میگذرد

و در کرده جن جی از بلغان بالا میرود و این راه سنگ فرش و در چندین موضع بواسطه قطعات عظیمه سنگ که از
کوه فرود آمده اند بریده می شود و اینراه پس از آنکه مدتی در عقب تپه ها و در پشته ها گردش کرد در روده‌ای تم جیم
لیستیا در جدول و حاشیه آن واقع شده از ساحل دانوب میگذرد و آن صخره کوهستانیکه در بین جیم لیستیا
و بین این رود و رود اگوست واقع است صحرائیست خشک که در آنجا جز علف زرد رنگی هیچ روئیده نشده
در آنجا خرجه زراعت زرت و گندمی بنظر نمیرسد ولی هر قدر داخل اراضی بری می شوند نمو نباتات مخلوطه و از
است و اینراه پس از آنکه از پای لیوتیش بلانیا گذشت بمحل تلاقی دو رود اگوست و ریز میرسد و بعد
بقطعه کوهساری میرسد و رفته رفته جنگلها متبدل می شود بمراتع و در عقب سر راه جلبین آن راه تلال مرتفعه
السالم و کمارونسی واقع می شوند و راه بشهر رکوتز که هفت هزار نفر جمعیت دارد میرسد اینراه پس از آن
دایره خارج گردیده بمدره که از جانب جنوب ممتد شده میگذرد و این دره رفته رفته باریکتر میشود تا حدیکه بکوه بل
بر شکه میگردد و بتجار ارتکان در نبد (زرونت) کوهستانیکه راه از آن عبور میکند ارکلی بور که قصبه ایست
دارای یکصد و سی خانه دارد و چهار صد و نود و سه ذرع از سطح دریا مرتفع است از آنجا بامتداد جریان رود
ریزا شروع بصعود نماید در جائیکه رود بواسطه آب دو میل عرض زیادی میشود اینکه اول قراول خانه که
به ارتنا قراوله نمودار میگردد که از عمارت کهنه که لغارستان مارکو کارالسکی گراد بنا شده و در نقشه روسیها
موسوم است به شیطان قلعه چندان دور گردید جن بی دارای دو قلعه خاک است که ترکان در جنگ ۱۸۲۹
بر پا کرده اند و با آتش متقاطع خود دو راه را میزدند پس از آنکه ازین تنگه عبور کردند راه بیریت در طرف
راست باقی و از مضعف اسپل جنوبیکه شب آن کمتر از مضعف اسپل جهه مقصود ست فرود می آید و
اول خانه کاروانسرا که بنظر میرسد موسوم است به جنگلی تارسکی خان در ارتفاع کبرا روی و چهار صد

واقع است پس از آن راه همه ما پیچ دور یکقطعه از بلغان گردش میکند که بجانب جنوب ممتد میشود
و خور رود اسکر و خور رود نیچاوا از او میگیرد گرچه اکنده و راه میرسد بکناره نهرای مختصر بچیابر دو که در ارتفاع
هشتصد و پنجاه و پنج ذرعی واقع است و قدریکه گذشت بمدر پشته ناتوی کوهستان صعود نموده و در او
منصب اسپل بآب علی بالا میروند تا برسند به تسار تسکی خان که در ارتفاع هفتصد و سی و چهار ذرعی از
آنجا جنگله و صحرا با قلعه مین وارد شهر سفیا میشوند و بعد از گس غیرو خان که در ارتفاع پانصد و چهل
و سه ذرعی است و عبور از پل آجری نهر بالانوریکا جنگلی که بجانب سفیا میرود طی میشوند
جنگلی سهل بود که بسمت سفیا بشتابند از اینکه پس عبور
از دانوب در راهوا داخل راه ورانزا شوند و اینراه در همه جا خوب عراده رو بود و در صورتیکه مطابق فرمان
سلطانی قایم مقام راهوا مانند قایم مقام ورانزا عمل کرده بود اما کنون از راهوا تا بروان براه جنگی
بسیار بدی است که برای عبور لشکر صلاحیت ندارد و در بروان که از سر حد جنگ دانوب جدا
میشوند میرسند بملکت مزروع کم جنگلی که مزارع گلهای فراوانست و بیراه خوب در آن نواحی است که میرسد به ورانزا
که یکصد و نود و شش ذرع ارتفاع دارد و ورانزا یکی از اماکن تجارتی معروف تمام بلغارستان است لهذا اتباع خود را
ببسکه آنزا اما راه راهوا مربوط ساخته بلکه لازم دانسته اند که ازو بواسطه راه بسیار خوبی با جاده لم پلکا متصل نمایند
و علاوه بر این ورانزا بر کوانتز بواسطه راهی که در امتداد آن خط تلگراف واقع است مربوط میشود و شوارش
فاصله این دو شهر را طی میکند و ورانزا دو جاده پیاده رو بسیار بدی بسفیا دارد و اولی ازین آمده راه که از ورانزا
بانجان بالا ارتفاع هزار و چهار صد و دوازده ذرع میگذرد و از دو مضعف اسپل متضاد کوه بصعوبت بالا میرود و راه
دویم که از جاده ورانزا در خانی جدا میشود و از دهانه تنگه عبور آن بسیار خطرناک است یک جاده بمسلکی

هم کنار قریهٔ چروه در بوبرود سکند رد و در اوچین دل به کریا میرود و از آنجا تا صوفیا راه عراده روی است

این جاده‌ها صعب العبورند حتی برای سوارهای یک منفرد

از این جهت است برای رفتن به صوفیا باید در کوه دور ارخانی داخل راهی است که از رود چوج به صوفیا میرود نشود

دیگر این که تقریبا محض خروج از ورا تر از تنگه ابرگر یکار عبور بکنند از امتداد جریان رود ورا تر البکا بالا رفته و رود

و بواسطه دره خرن بگر شوم بولار کالا ساحل ایر رود ایر برسد و پس از آنکه مدتی در کنار آن رود متمد گردید

در دربرکوه که قریه‌ایست از بلغارستان و هشتاد خانوار جمعیت دارد و جدا می‌شود از اواچین اسکر و تا نکله مید

و بعد از سه ساعت به ارخانی که در سیصد و هفتاد و شش ذرع ارتفاع است میرسند

ارخانی شهریست که در جنب ... برپا گردیده تقریبا هفتصد و پنجاه خانه است

و پنج فرقه از قراء است فی الحقیقه قصبه بزرگی است که سیصد و هشتاد خانه دارد از بلغارستانی و هشتاد و پنج خانه از

عثمانی و بیست و پنج خانوار چرکس و بیست خانه از طایفه زنگان در آن ساکنند و اعتبار حالیه این قصبه از

این است که در سر راه بزرگ رود چوچ و صوفیا واقع شده و این در جلو شهر آن جلگه است مثلث شکل واقع است

که بستر مرداب قدیمی است که آب آن کشیده شده است و قرا او و در چشمه اسکر بوبادولار نشیند

در راس آن مثلث واقع اند و نهر در این جلگه جاری است که سبب آبادی و حاصلخیزی شده

داطراف جلگه محدود است به تلالی که از اشجار جنگل پوشیده شده اند پس از آنکه از جلگه ارخانی گذشته

راه داخل میشود به دره تنگ و طولانی مرزر که بجانب جنوب صعود میکند و بعد از یک ساعت به نقطه

اول میرسند و بعد از نیم ساعت از آنجا نقره او لغانه دو یم که در پانصد و پنجاه و دو ذرع ارتفاع واقع است وارد

می شوند از آنجا دره خیلی تنگ می شود و راه بجنوب از دره مرزر بالا میرود بالاخره جاده بسیار باریک از

قرادلغانه چهارم که در ششصد و دو ذرع ارتفاع است میرسند گردنه انروپول که باصطلاح عوام بابا قپاق گویند

و این گردنه از تمام گردنهای بلغارستان مغربی داخل عثمانی که تا درآمده از جبال بالکان سهل العبورتر است

پس از آن که از جنگل خارج شدند بواسطه راههای صعب المسلک و پراکنده از کوه فرود آیند زیرا که

برسند به حوضه کوچک چکارسی که در ارتفاع ششصد و سی و سه ذرع است و جانب شمال این قراولخانه

وسعت دارد و کوه است و راه قدیم رود چوچ به صوفیا داخل میشود و این راه به جهت عبور عراده و غیره خیلی خوب است

پس از آنکه راه رو به مغرب منحرف گردید از نهر چکارسی بالا رفته است داخل دره تنگ طاشکسن

میگردد و پس از آن که از قریه این اسم که در ششصد و هشتاد و هفت ذرع ارتفاع است تجاوز کرد و دو ...

از نهر کوچک میگذرد و داخل جلگه شده بخط مستقیم از آن عبور میکند و از روی تپه‌های بسیار عالی که رود ماسکاده

اسکر انشعاب دارند گذشته از یک تنگه که شکل تقعیر است موسوم موری جیلر تابا بالا رفته داخل صوفیا که در پانصد

و پنجاه و هشت ذرع ارتفاع است شده میگردد و صوفیا که راههای مختلفه مرزور منتهی به آن میشوند واقع است در این میدان جلگه

شده که پانصد و سی و پنج ذرع از سطح دریا دارد و در کنار جاده بزرگیست که بواسطه فیلی بوپلیس و ترنج از اسلامبول

به بلگراد میرود و بواسطه جاده کوستاندیل استیپ و اوسکوب به دریای مدیترانه مربوط است و معروف است

که چون شهر صوفیا در محل تقاطع راههای آهن کشیده اند خط راه آهن اسلامبول و بلگراد و در بلوا منتهی میشود انشاء الله

از خیال ساختن خط اوسکوب صوفیا منصرف شده‌اند

صوفیا که حاکم نشین ولایتی است امروز بیش از نوزده هزار نفس جمعیت دارد و اکثر از بلغار و کوچستان تمش مید

قلعه بندی صوفیا سهل بود زیرا که این شهر از سمت جنوب و غرب و شمال شرقی از رود خانه‌ها احاطه شده است

رود کوچک یعان رود خانه‌های کوچکی هستی واقعند که برای تدارک اسباب تحصن و مدافعه استعداد کامل دارد ۱۸۲۹

وقتیکه زیشمار سردار روس از رنگه اسکر عبور نمیکرد و در خیال آن افتاده بود که محوطه شهر را قلعه بندی کنند
و چهار قلعه در جلوی آن برپا نمودند و سنور آن قلعهها بهترین اسباب مدافعه سنگرها باشند معهذا از آنوقت تاکنون
در تکمیل استحکامات کاری کرده اند قلعهها موری سیز تابیا و قلعه مجیدیه تابیای جادهای اسلامبول و ارخانی راهی آن شهر
هدف تیر توپ و تفنگ خود رسانده و راه ارخانی در معرض آتش قلعه چادوش تابیا تابیا تیز واقع می شود [illegible]
رودی تابیاسی که ملای نل تابرور در شمال غربی شهر واقع است بر جادهای پنج برکوتار شرف دارد
اگر لشکری به بلوپار رسیده باشد و فصل آن کنند که داخل مملکت
قپلی تو پلیس شود در محل تقاطع جمع راههائیکه وارد آن شهر میشوند واقع میشود و میتواند یکی از این راهها را اختیار
نماید اولا آنکه راه [illegible] سغبا و [illegible] جوخ [illegible] دره باله اسکر رسیده و از این دره تا ارزروم بالا رود
پس از خروج از این شهر جاده بزرگ و قدیم را ترک نموده از جاده کوهستانی به سلاتیر که در پای منصب جنوبی کوه
بالنجان است برود و تا [illegible] انکه از راه [illegible] که تو اسطه اکلش و ترس تپه [illegible] که شهر کوچکی است که چهار هزار
نفر جمعیت دارد برود و از آنجا تو اسطه راه پیاده در روی به سلاتیر از دو جاده دیگر به رحمان لی رسد [illegible] تو اسطه
راه بسیار قشنگی که از لوجا میکذرد و به تزران [illegible] خط خوب را از دست ندهند و از آنجا جاده [illegible]
کرده و سیوت و کارلو و کالفر میتوان رفت

اول راه سلاتیر تو اسطه بالنجان

تقریبا ابتدای جستیس با ارزروم معروف است ارزروم که صاحب چهار صد و پنجاه با نصد خانه و از [illegible]
[illegible] و هشتصد و پنجاه هشتصد خانوار [illegible] دارد و میتوان گفت که [illegible] جاده [illegible] در امتداد در [illegible]

[illegible]

بود از این شهر موضوع کرده بکلی منهدم و متروک گردیده در انتهای آن دره راه مرد شعبه منشعب گردیده که یک شعبه آن بر جنوب
غربی تو اسطه دره سوبارکاو قریه بیشرکل بجانب سفیا سره و در آنجا ده بزرگ قدیم بوده است رو بجنوب از امتداد [illegible]
اسکر بالا رفته اند و از ساتیر از بلابیا گذشته بجود سلاتیر که مکرر در سورش ۱۸۲۹ [illegible]
دو شنبه ایم رسیده و این شعبه آخری از رشته عمده کوهستان بالنجان در امتداد تاتار بازارجیک عبور نمود
ولی برای اینکه با این شهر یا شهر قپلی تو پلیس رسند باید از سلسله کوهی آنکه سرد ماکوار باشد گذشت [illegible]
جاده بازکسب که است [illegible] مهمی سخت از مقلاج از اطی کنند از ارزروم که در ارتفاع پانصد و پنجاه [illegible]
تا سلاتیر که در ارتفاع هشتصد و [illegible] ذرعی است [illegible] که نوم تهی [illegible] است و در ارتفاع هزار و چهار صد
نود و شش ذرعی است [illegible] هزار ذرع فاصله است که ذرع ساعت [illegible] طی کرد پس از اینکه از ارزروم بیرون آمد
از نهر دراگون [illegible] آن از رود اسکر باید گذشت اول [illegible] بالا میرود و [illegible]
[illegible] باید در امتداد جاده [illegible] است صعوبت صعود نموده و [illegible]
[illegible] ارتفاع رسیده و [illegible] سنگ [illegible] راه [illegible] در دره فرود آمده و از رود اسکر عبور کرد
تا توان [illegible] قبل از [illegible] قلعه راکامارسکو که در ارتفاع هزار و صد و [illegible] ذرع واقع است از آن [illegible]
گذشت و [illegible] بالای [illegible] که [illegible] میشود که در ارتفاع هزار و چهار صد و نود و شش ذرعی باید از آن عبور نمود

در حین نزول که صعوبت [illegible] و در میان [illegible] سنگها و [illegible]
داخل [illegible] میشوند که رود کلی زکوبکا در آن جاری است و از این [illegible] تو اسطه پل [illegible] میکذرد و [illegible] کلی
زکوبی در معبر واقع میشود و بعد از [illegible] ساعت طی مسافت [illegible] رسند [illegible] کسو دره که [illegible] ابوکوبت
[illegible] پس از آن [illegible] منعطف میشوند [illegible] که [illegible]

نیم ساعت بعد از آن از معتبرترین نقطه دره سلانتمبرا واقع میشوند

سلانتمبرا که مرتفع‌ترین تمام شهرهای سمت جنوبی کوهستان بالخان است هشتصد و

بیست ذرع از سطح دریا مرتفع است ششصد و هشتصد خانوار بزرگ و دویست و سیصد خانوار بلغارستانی دارد و سلانتمبرا

که غالباً باش ایزلادی مینامند حاکم نشین یک بولاتی است که چون خاک آن دور از سواحل بزرگ واقع است

چندان زراعتی نمیشود و خود قصبه آن دو هزار و دویست نفر جمعیت دارد از سلانتمبرا آنجاده به بازار جک

و کرای به کارلو میرود

دویم راه تسه بن بواسطه بالخان

این راه بعد از آنجا و راه از طوباتا بعد در راه خیابان ریوجوخ و سفیا از بلندیهای اطراف رود وید حرکت میکند

و در نزدیکی قریه بزرگ کورنده انجیک که یکصد و چهل و دو خانوار بلغارستانی دارد و یکصد و پنجاه ذرع ارتفاع بعمق

از آنجا ده بزرگ جدا میشود و بقراولخانه تزاتو که در دویست و چهل و نه ذرع ارتفاع میرسد و بواسطه جاده کوه کری

بساحل رود وید فرود میآید و در جلو و عقب اکلن دو نوبت از کدار آن رود عبور میکند و پس از آن در ساحل ایسر از

دره وید که محدود بصفحات بزرگ از زراعات است عبور میکنند و بواسطه راه مسطحی بجانب درنسن و قریه تورنس بالای

که در ارتفاع دویست و پنج ذرعی واقع است و قدری دورتر در کنار رود خانه عمیق دامنهای الکی لیش تزنا

بلند میشوند باید از آن قطعه کوه تغزنده و زرگ خورده بالا و پائین رفت در طرف این مکان صعب المسلک باز

بجنوب حرکت میکنند و از طوکه که مسکن طایفه پوماک است میگذرند و در گلزان که قریه ایست از بلغارستان

که در ارتفاع سیصد و بیست و شش ذرعی است و دویست خانوار جمعیت دارد و از کدار عمیقی که آب بر سند و

در ساحل ایمن رود وید بالا رفته بجائی که این رود از اختلاط چرنیه وید که از جنوب غربی فرود میآید و بیلیه وید

که از شرق

تسه بن میگذرد و احداث میشود و میرسند هر قدر بالا میروند اراضی مجحت میشوند و از عقب اطراف تلال و تعداد

دهات و مزارع کمتر میشود تسه بن که در ارتفاع دویست و چهل و یک ذرعی

از سطح دریا واقع است شهر کوچکی است که ششصد و پنجاه خانه و چهار هزار نفر جمعیت دارد و بانجاده‌های آنجا در راه بزرگ

خیابان ریوجوخ و ارخانی منفصل میشود و جاده دیگری از راه گلزان و کراولیش میرا و کلاتزا و جلیش میرا

و ازدرن وا باتمبرا این شهر را به لوچا مربوط میکنند و یک راه باریکی به سلانتمبرا و دوراه به رحمن لی میرود

آنجاده سلانتمبرا معروف است و بسته است بعد از اینکه از محل طلاق دو رود و بیلیه وید و چرنیه

حرکت کرده از امتداد رود اخیر بالا رفته بجانب جنوب منعطف میشود و از دو قریه گورگه عبور نموده بجاده

رو قطعه عمده سلانتمبرا بالخان صعود کرده از قلعه آن بخط مستقیم داخل قریه سلانتمبرا میشود و در راه رحمن لی العلس

در امتداد بیله وید بالا میرود و در ساحل ایمن آن که مزارع عدیده است منتهی میشود و تغییر ساحل میدهد

و از رود خانه برزوا که از آن میگذرد که آب آن عبارت است از سیلی که بیرون میآید از تنگی که

دره فراح و در طوبکا واقع است و بعده از راه داخل دربند کرانیت میشود که تنگه ایست که از اجتماع تحت سنگها

مرتزو بلغارزی و کالوتوسکی سب احداث شده و مجدداً راه بساحل ایمن میرسند و از

ستکی میگذرد و باز بعد از عبور از کدار دو رود و بستر داخل بسمت آن که جنیبا و زاوونا باشند دوباره

بساحل میآید و از آنجا میرسند بمزرعه که شانزده خانوار جمعیت دارد و در هشتصد و نوزده ذرع ارتفاع واقع

و نو سوم است به ریاز لسکی محله از آنجا دیگر مزارع سبز تمام میشوند و در نزدیکی رود زلنی کوسکا بندی بجنگل کاج

میشوند که چندین دستگاه ارهکشی جهت استخراج آن اشجار در آن جنگل قرار داده اند از این نقطه راه دو تا میشود

یکی از آن دو راه که کاشیر نموده در امتداد رود و وید بالا میرود

وسیعی و سنه نوبت تغییر ساحل میدهد علی الاتصال باید ارونه که پوشیده شده باشد از تخته سنگهای یا درختهائی
او یا صاعقه بزمین انداخته است الارفت از کرونه راتانیرا که در ارتفاع ۱۹۱۶ ذرع واقع است از چند جاده باریک
بسمت قراولخانه مخروبه [illegible] ذرعی است و در سیابه جیه است فرود آمد پس از اینکه دهنهای عاری از اشجار
را که علف کم و پژمرده دارد طی نمودند داخل جنگل کاج میشوند و در میان قطعات عظیمه سنگ پیچ و خم میخورند
میرسند بصفحه مسطح سبرالان که در ارتفاع هزار و چهارصد ذرعی است و در آنجا خانهای کبری شبانان یافت
میشود و پس از آن بصفحه علف زار کوچک الاّن میروند که مرتع گلهای رحمن لی است و عاقبت بعد از طی جنگل
آتش سوم عالش در طی است که نهر آنرا نهر میگویند و فندق زار طبیعی قریه رحمن لی که در ارتفاع پانصد و پنجاه
ذرعی است میرسند — شعبه دیگر راه که بجانب کرونه مارکو میرود
سه روز بعد در امتداد زلی کوسکا بالا رفته است بواسطه جاده باریک بسمت پچکو اپلیا منعطف میشود و در کوه
بطرف چپ چرون استرج که در جنوب واقع است متمایل میگردد و بسمت مغرب میپیچد و از کوه سیل [illegible]
برودرتچیبرا عبور نموده بسمت قراولخانه میرود و در پشت قراولخانه از بالجان گذشته از کرونه مارکو بالا میرود و در امتداد
از طرف جنوب ترقه پایین آمده بمزرعه کار رسیده بجانب جنوب غربی کج شده بملی منتهی میگردد و عاقبت
دره ربوب سو بحلکه از رحمن لی تا کالفر ممتد است داخل میشود و شعب این راه اخیر نزدیک چرون استرج و دو
کرونه برودرتچیبرا و مارکو مخصوصا عراده رو نیستند و عراده و کالسکه و عراده تقریبا مابین تنه بن و رحمن لی را
باید جمع داشت — از لوچا ۲۴۰۰ ذرع ارتفاع برای رفتن به ترزان
۲۴۶ ذرع ارتفاع باید از دره بالا رفت که از تمام دره های شمالی کوهستان بالجان حاصلخیزتر است و دیگر
بسیار خوبی دارد که تا نسبی دو دو هزار ذرع امتداد یافته در بین دیار آنرا چند قریه [illegible] و اسلان

قراد و قریه

قراد و قریه دیگر دیده میشود که عام سکنه آنها مسلمان شده و قدری از طرف محل انصاب و اختلاط دور و دوجریته سلبه
ارزم انضباط نشین این بلوک که ترزان است میرسند و ترزان شهر کوچکی است که در کردنه پیچ و خم داری واقع
ورود بانا کار از وسط آن میگذرد و از خوبی کهنهای مرتفعه مشرف بر آنست

از ترزان گرایی که چند پیاده و سواره از آن عبور میتوانند کرد جدا میشود و از ساحل یسر
بیله ارزم بالا رفته این رود در نزدیکی ملاقی آن با رود دکنرا بواسطه پل چوبی میگذرد و بعد بجانب جنوب منعطف
شده بواسطه شش جاده باریک سخت و سنگلاخ کوهی بالا میرود و پس از اینکه بقله رسید راه در پهلوی پرتگاه
بیابانی و در سکه گیلا روت داخل میشود که این دره در امتداد یکی از شعب رود ارزم که موسوم است بر لیکنت
ممتد میشود و بعد راه بجانب مغرب منحرف شده با برزشکی بکلمه مجدد صعود مینماید در آنجا یک صفحه مسطح کوهی
بنظر میرسد که سنگلاخ است و اشجار کوچک جنگلی در آن روییده است و بعد از آن باز بالا میرود و در امتداد
قلعه کوهی که بو میان انجار در دره بکاره یعنی مرگ خر میاشند و این محل بسیار خطرناکی است خاصه در صورتیکه باران
بسیار زیادی بوزد باز جاده در پهلوی پرتگاهی میافتد و مابین کوه گودن بار و دره در امتداد جاده باریک واقع
که بقدم بیشتر عرض ندارد و بلکه در دو نقطه لازم شده است که در روی تخته سنگهائیکه در پرتگاه هست داده اند جای پا
منقور سازند و در یک نقطه هم بایدار روی سطح دو سنگی که سرای شترشان نزدیک بیکدیگر است بیرون روند این است معبر
خطرناکی که بکرونه ترزان میرود که ارتفاعش از سطح دریا هزار و هشتصد و پنجاه تا هزار و نهصد ذرع میشود و در آن کرونه عمارت خرابه
بنظر میرسد که رو بنیان جهت هدفه این معبر بنا کرده اند نزول از آن کرونه در میان تخته سنگها بواسطه جاده
باریکی که چهارصد و چهل و پنج ذرع تقریبا طول دارد بسرعت میشود بجاده از قریه کار عبور کرده وارد قریه ربوب سو میشوند
و از آنجا بواسطه راه ربوبسه خوبی بشهر فنابولیس میرسند — از ترزان گراه

عراده روی بقریه نوشتلو (۵۰۰) ذرع ارتفاع میرود که یکصد و بیست خانه دارد و بعد بساحل یمین رود استر
چوتیرا میافتد و دو نوبت از این رود که در آب سبز شده و بدون انفصال براه کم شیب اسرپلانیا بالا میرود و قریه
استر در دست چپ میافتد و باز یک نوبت از رود استرچوتیرا که نشسته بر سنجل حلاوه دو نهر که یکی مرام
دارد و آب آن گل آلود است و دیگری موسوم است به زمچاد و آتش مانند آبش صاف است و پس از عبور از
جنگل انبوهی از درخت آتش (اسم طالش درخت جنگل است) که گذرگاه خرس زیاد است به
سرچشمه ای آب بسیار میرسد و ماکلاو تبرا از ارتفاع ۱۲۲۸ ذرع و از آنجا دیگر راه بزودی از تخت سنگهای عظیم بالا
میرود و بطرف مشرق منعطف میگردد و از آب سیلی که در نزدیکی آب [illegible] سنگ رود و بعد صعوبت
[illegible] سنگ [illegible] که در اطراف [illegible] از کوه و بعد بالا میرود در روی صفحه قلعه خرابه بردا کرپ واقع است
۱۳۱۶ ذرع ارتفاع و اگر قدری بمشرق حرکت کنند میرسند بجاده قدیم کاروان رو که از تنگه عمیق و سرازیری فرود
میآید که رود توتجا از آن تنگه میگذرد و راه از قریه بوژگوا که در جلگه غازان لیک واقع است میرود بتاورد
اگر از قریه وبردا کرپ باز رو بجنوب غربی بالا روند [illegible] منطقه
جنگل را از بیرون رفته به سیاه چشمه میرسند که گردنه رزالیانیه منتهی میگردد (۱۹۳۰) ذرع ارتفاع و از نزدیک آنجا
قله پر برف مرادوک که مرتفع ترین قلل الجان است ۳۳۲۰ ذرع ارتفاع واقع شده و از نزدیک یک محل مسطحی که
بشکل دایره است و در زیر برف رفته [illegible] معمول و کالی که از باد و برف [illegible] بالاتفاق سنگهای بزرگی
اطراف راه بالا رونده بنظر میرسد پس از آنکه گردنه رزالیا در عقب سر ماند از دو سه [illegible] اول خیلی تند و سرازیر
و بعد ملایم و کم شیب فرود آمده و در کنار قطعه کوهی که از سلسله عمده جدا میشود و حوضه توتجا را از حوضه توپچی
جدا میکند حرکت کرده بچمنهائی میرسند که ایلات قدیم آنجا که موسوم بشرودوک [illegible] قطع [illegible]

[illegible]

[illegible] کلمه [illegible] از آن جمع [illegible] و بعد از یک [illegible] پس از گذشتن از کفتر او لجانه میرسند به کالقرم
ذرع ارتفاع که شهرت صنعت [illegible] دارد که هزار و صد [illegible] اهالی طالشستان [illegible]
اهالی طالش [illegible] نکان [illegible] کالقر بواسطه [illegible]
بسیار سهل [illegible] که از [illegible] فاصله [illegible] نیلوکوا
و تیرا میرسند و از آنجا راه عراده روی به فیلی پولیس میرود
فیلی پولیس که [illegible] فیلیپه و بلغارستان [illegible] پلوودیو و مردم [illegible] فیلی پوپل [illegible] شهر [illegible]
که جمهور از [illegible] جمعیت دارد و واقع است در ساحل [illegible] دماتیرا و محل تقاطع [illegible] از بلگراد به اسلامبول میرود [illegible]
از ساحل [illegible] ساحل [illegible] بلیو [illegible]
[illegible] روملی [illegible]
که اگر [illegible] فیلا پوپیس [illegible] اطراف آن [illegible]
اگر فرض کنیم [illegible]
قطع کنند [illegible]
[illegible] از نیکوپلیس به غازان لیک میرود و از
سلوا کابرواد گردنه شیبکا میگذرد [illegible]
ذراونا از سیستلو به غازان لیک میرود [illegible] تیرنوو یا بلغان الکان [illegible] سیتوو
سیتوو میرود [illegible]
اول راه نیکوپلیس بغازان لیک

از سواحل ارزم بصفحهٔ کوه مسطحی که از لوچا تا تیرنو ممتد است و خروج رود روز تیرا خیری از این قطع مشاهده میکنیم چون
یکی از راههای بلغارستان است که پیش از همه آمده شده و خیلی خوب حفظ شده اول بالا میرود و از راههای
صفحهٔ مزبوره که سرازیر است گذشته میرسد به کار رود تیرا که در ارتفاع چهارصد و پنجاه و پنج ذرع ساخته اند بعد از آن
به خط منحنی بسیار سرازیری بسواحل رود استرچو زیرا که فرود میآید و از پل رودی آن رد میشود و صفحه سطح دیگری
دارد و یک قریه بزرگ گرابچ گذشته بدامنه‌های رزستان ساحل اسیر رود روز تیرا پایین میرود

سومی که بزبان بلغارستان بولفرو گویند پس از طی مسافتی
ذرع بالا میرسد بشهر کوچک ضابط نشینی است و از آنجا بگذر راه بسیار خوبی به کابروا میرود که مرکز ملوک بلغار است
پس از آن شهر بمحیط قلعه که ارتفاع کمی دارد میپیوندد و از تنگه کوههایی که فیمابین دو دیوار سنگی ممتد است
سرازیر شده به کابروا میرسیم که بیرون آمده توسط پل عبدالمجیدی از رود ژامترا عبور میکند و پس از آن بجاده بزرگ سنگ فرش
چاپاری که از تیرنو و فیلی پوپلیس میرود وارد میشوند قدری دورتر از کابروا و از رود ژامترا جدا میشود و بجانب
شعب آن که سوم است به کرزتیرا بالا میروند و چهار نوبت توسط پلها از آن رود عبور میکنند و یک
از کابروا و در سر شروع بصعود کوهستان بالکان میکنند و از شیپکا و از راه خاک ریس کوه
بزرگ بالا میروند و در کنار ... حرکت میکنند و بعد از یک ساعت طی مسافت تقریباً

و بعد از دو ساعت به غازان لیک میرسند ۳۲۹ ذرع ارتفاع دارد

از غازان لیک در این امتدادات مختلفه دو راه بحوضه ماریترا میرود و یکی از آن دو راه از تونزشا در نزدیکی شهر میگذرد
و از روی کرول کوبروری از قلعه سعود قراجه داغ عبور میکند و به فیلی پوپلیس میرسد و راه دیگر در نزدیکی چار
نمی در روی پل شش چشمه از رود گذشته توسط تلال قراجه داغ شهر آباد اسکی زاره که ... قلعه واقع است

غماله است میرسد و از راهی است که برای رسیدن بعقده راههای آهن ...
اسکراوا که ضابط نشین این ملوک است واقع است در پایه سلسله کوه ... و هزار و ...
بجاده خانوار ... دارد و تعداد نفوس ذکور آن عبارت از شش هزار و ششصد و هشتاد و شش نفر که چهار هزار و دویست
آنها با بلغارستانی و ۲۲۹۷ نفر مسلمان و ۲۲۹ یهودی و ۶۴۶ نفر از طایفه زنگان اند در جنوب شهر اسکراوا
یک جلگه بسیار وسیعی است که اندک پست و بلندی دارد و دو راه از آن جلگه جدا میشود که یکی از آنها به فرانوبازار
منزل اول راه آهن یامبولی است و دیگری در کنار رود ماریترا به کوترلو میرود که خط راه آهن اندرنوپل و فیلیپولو از آن
میگذرد که ... گیلومترا تا ترنو بیاملی که عقد ملاقات خطوط راه آهن است فاصله دارد و از ترنو جاده بزرگ چاپاری رود
و فیلی پوپلیس بجانب شهر کابروا امتداد مییابد و بعد از طی ... هزار ذرع بجاده سیکوبلیس و غازان لیک میرسد
که از گردنه شیپکا میرود و در ... گیلومتری تیرنو یک شعبه ... گیلومتری از آن جدا میشود که به تراوا میرود
و از آنجا گردنه که او سوم همین اسم است میرسد

دوم راهی که از تراونا توسط گردنه نورلشکا به ماکلیش میرود

از تیرنو که بیرون آمدند در کوچه باغهای یارمانوپلی حرکت میکنند و بعد توسط دربند بسیار تنگی که طول کمی هم دارد
بجلگه حاصل خیزی میرسند و بعد از آن توسط ازدن تجال کرویی از رود ... و دو عرض ژامترا گذشته
از دره کوچکی که نهری در آن جاری است بالا میروند و داخل یک صفحه کوچک مسطح کوهی میشوند که در کمال خوبی زراعت شده
و سوم است به دلیک و پایین آمده از رود کیلافار توسط یک پل سنگی شش چشمه عبور میکنند و بعد از یک سربالا
تنگی از دو سطح راههایی که قدری از جنگل شان راه ... شده اند بالا رفته از خط الراس کوهی حرکت میکنند که پس از
آن وارد حوضه رود ورتوبکا ... و قبل از آنکه ... پل سه چشمه این رود ... رسند از ... ژاله ...

کوچک میکند و در زارزا رود و در نوسکا دانوبی پیدا میکند و دیگر از جنوب غرب به حرکت کرده یک دفعه سمت شمال
جاری میشود و راه در امتداد جریان آن و ساحل اسپیران ممتد می شود تا درانو که شهر کوچکی است صاحب پانصد
و دوازده خانوار جمعیت و در فاصله بیست و پنج هزار ذرع از بزنو واقع است و قدری که پیشتر رفته بواسطه کناری از رود
دورنوسکا میگذرد و بعد از چند کیلومتر فاصله از کنار رود نهر ای کاروالیوادارا کابرداد بدست راست میافتد و جای
نراوانا منعطف میشود که قصبه ایست با چهارصد خانوار جمعیت و این فاصله دره ایست که رود اسکاریکا از آن میگذرد
و این رود در نزدیکی نراوامات به نراوانانکا موسوم میشود و در آن طرف شهر راه با ساحل نهر افتاده است و دو دفعه نهر انکا
کارو نهر ای دیپو و مزرعه تورودلی که نشیمنگاه از معابر منفرد چانوهان عبور در نزدیکی مزرعه بادچوهان به آب
سلکا میرسند و نیز از شعبه ای از آن رود که موسوم است به کواچکا عبور میکنند و قدری که دورتر رفتند از کنار رود سرازیر
میکشند و مسافتی دامنه های کم شیب کوه کوچیرا تا مزرعه مرزیستی میرسند در نزدیکی این مزرعه از معادن او
کلن دنوف لیک زغال سنگ استخراج میکنند هر قدر رو به جنوب حرکت کنند به سیاه بیشه های کوچک
و منفرد میرسند که رفته رفته جنگلهای انبوه میشود و از میان این جنگلها گردنه نراوتای که از انزاتو پوزلیکا پیانا با
جدا نیست بالا میروند و این گردنه ما بین قلعهای ذیراد کرستاب مرتفع هزار و دویست و هشتاد و نه ذرع واقع است
در این نقطه راه سنگ فرش تمام میشود و جاده عبارت است از [illegible]
از راهی که کالسکهای سنگین و عرابه های گاوی از آن عبور میتوانند کرد و جنگل در سمت جنوب ممتد میشود تا بچمن خرم
سبز خیزی میرسد که علف [illegible] جار خوبی دارد و به همین سبب از او تو پوزلیکا پیانا نامیده اند مرتفع ۱۲۲۵ ذرع
نزول از این راه بواسطه دامنه های کم شیب است و از رود مالکیشکا بواسطه گدار میگذرند که عرضش ده قدم است
و چون این رود وارد دشت [illegible] می شود بواسطه دامنه های کم آن خطاط از جنبه های مرتیلادرنیا بالا میروند و دره [illegible]

جمعی [illegible]

عبور میکند از جنگل لوبطی ارتفاع ۹۰۰ ذرع و از آنجا بواسطه جاده کوه دو ذرع عرض [illegible] محوطه [illegible] میرسند که
در پایین آن قصبه [illegible] بنا کرده اند و در آنجا راه از [illegible] رود سبیل خیز ماکلیش میشود و قصبه که موسوم بهمین اسم است سر
و این قصبه واقع است در تنگه سنگلاخی که سر از جلگه غازان لیک در میاورد و در راه عمده شعبه میشود یکی عبور میکند از قطعه الحان
و رود کوچک گچه دره به غازان لیک میرود و دیگری سمت اسکی زارا حرکت میکند

سیم جاده که در سلتنی از راه سابق جدا شده به غازان لیک میرود

با بر رودخانه و بینه بر تیک از قریه سلتنی با دبلاد بواسطه غازان لیک رفت که از کوزرو و بولبانه میگذرد و این
این راه منحصر است به پیاده و سواره

چهارم جاده کیلی فاره بن کیوز

یک جاده دیگری از کیلی فار که قریه ایست صاحب سیصد خانوار رود و [illegible] راه تیرنو در نوا میرود واقع است
بن کیوز ممتد است و بن کیوز محلی است که در منتهی الیه جلگه غازان لیک [illegible] این راه از پایین دره کیلی فار تا جلگه
یک جنگل از کوه بالا میرود و از بالای قله ای است قریه زلالسکیاد که در دره مرتفع بن کیوز واقع است داخل میشود
طول این جاده چهل هزار ذرع است و بسیار تنگ و سراز است و از بابت علف این قطعه الحان بگذرد و [illegible] قدری
از آن برای چهارپایان ممکن العبور است — این تحقیقات را در این فصل اختصار
طرق و شوارعی که روم ایلی را با بلغارستان مغرب مربوط می سازند تمام از تنگه ای از ابهای بستون جبال بالکن [illegible]
با انها می شوند چهار رشته عمده تقسیم نمود که عبارتند از پریت و شیغیا و فیلی پوپس و عقده راههای این تیرنو شمالی

رشته اول پریت

این رشته مشتمل است بر دو راه عراده رو و دو جاده حیوانات بلا که عبارتند [illegible]

کلم بالنکا و بواسطه گردنه سوفی بکلا به پیرت میرود (۱۵۸۳ ذرع ارتفاع) و در فالکوش متصل میشود به راه ویدن
این راه پس از عبور از بالکان در نزدیکی کالنا به دو شعبه میشود یکی به بلا پالنکا و دیگری به پیرت میرود ثانیا جاده تی
پروت به پیرت از گردنه اکمو (۱۰۸۰ ذرع ارتفاع) ثالث جاده برکواتز به پیرت از گردنه لم (۱۹۱۹ ذرع ارتفاع)
رابعا راه برکواتز به پیرت از گردنه زُنی (۱۵۰۸ ذرع ارتفاع) و این راه تا گردنه با راه برکواتز به صوفیا یکی است
رشته دویم صوفیا شامل سه راه و سه جاده است اولا راه برکواتز به صوفیا از گردنه زنی ثانیا راه راهوا
بوراتزا که بواسطه جاده به راه ارخانی میرسد ثالثا راه بزرگ چاپار رو و پلونا به صوفیا و بواسطه ارخانی و گردنه بابا قونق
(۱۰۵۰ ذرع ارتفاع) و این راه در یک امتدادی بواسطه راه قدیمی که از اتروپل میگذرد و در دو جاده امتداد دارد
رابعا یک جاده که از وراتزا بالکان به ارتفاع ۱۳۱۳ ذرع عبور میکند خامسا جاده دیگری که از محل ارتفاع ذرع
کوه بواسطه رود ایسکر میگذرد   رشته سیم فیلیپوپلیس از رشته رابط بلیس
منقسم است به سه رشته کوچک دیگر میشود که عبارتند از رشته سلاتیزا بالکان که جاده اترو بول است
به سلاتیزا از گردنه راجار سکو (۱۴۹۶ ذرع ارتفاع) و یک جاده که از رشته بن بنقطه مزبوره میرود در رشته
بن بالکان که راهی است صاحب دو جاده و راه پلونا به رشته بن از جریان پلیه وید بالا میرود در محل دخول رود
زلاتیکوتسا دو شعبه می شود و هر دو شعبه به رحمن لی منتهی می شوند یکی بواسطه گردنه راباتیزا (۱۶۹۱ ذرع
ارتفاع) و دیگری بواسطه مارکو و رشته ترژان بالکان صاحب دو راه و سه جاده است که از ترژان
حرکت میکنند و بنقطه که از راه عراده رو پلونا و ترژان منشعب است متصل میشوند و لوچا در عرض راه واقع است
عبارتند اولا از راه ترژان به کرنار بواسطه گردنه ترژان (۱۶۵۰ ذرع ارتفاع) ثانیا راه ترژان به کارلوفو
از نوبلو و گردنه زیرالیتیا (۱۹۳۰ ذرع ارتفاع) ثالث جاده که از قلعه خرابه دبروگروپ که واقع است در کنار

راه سابق الذکر

راه سابق الذکر است جدا می شود و در حلقه غازان لیک به بوژوگوار میرسد رشته چهارم اندرتیول این
رشته نیز به سه رشته کوچک منقسم میشود رشته شیپکا بالکان که راه بزرگ و یکجاده بزرگ اولا راه بزرگ که شیپکو
پلیس را با غازان لیک مربوط میکند و از پلونا و لوچا و سلوی و کابروا و گردنه شیپکا میگذرد
(۱۳۱۸ ذرع ارتفاع) ثانیا جاده که از راه مزبور قدری از طرف کابروا از دیک قریه سلنو در جدا
می شود و در حلقه غازان لیک نزدیک قریه سقلار سر در میآورد و رشته تراونا بالکان صاحب یک راه و
دو جاده است اولا راه تراونا به کلیش از گردنه تورشیکا پیانا راه کالسکه رو است در سمت شمالی
بالکان که در سمت جنوبش عراده های ... حرکت میتوانند کرد ثانیا از این راه یک جاده در طرف
گردنه در نزدیکی قریه بلتسی جدا شده به غازان لیک میرود ثالثا یکجاده از کلی فاره به بن کیوی میرود و از آنجا از
زلاتسکیاوا میگذرد و رشته آتنا بالکان سه راه سواره از آتنا به آردیز میرود و دیگری از ستاره ریکا
گردنه زوپانیتی مزاری به بکتس میرسد و دیگری از ستاره ریکا بواسطه گردنه دامرقاپو به سلیونو
میرود و راه اول که از گردنه عراده رو است در وقت نزول از کوه همین معبر چهار پایان میتوانند بود و پیش و از آن
آخر اوضاع حالیه اش مشکل است کالسکه از آن عبور داد

مطلب دوم

پس از تسخیر کورنی دابنیک و تلیش ژنرال گورکو حرکت خود را موقوف نمود زیرا که میبایستی منتظر
و ملتفت گردید که آیا عثمان پاشا معنی اعمال جدیده جنگی روسها را فهمیده است یا نه تا آن وقت راه او
خود را به صوفیا آزاد و نگاه داشته بود و تکیه اش را با عساکر عثمانیکه از پلونا و ارخانی بسند سلم ... داشته شده

حمایت او بودند محکم بود ولی بعد از جانب کورنی دابنیک محاصره و احاطه کامل شد و عساکر عثمانی و
حامی متفرق گردیده و پس از انقضاء زمانی مختص ثبات پیدا میکرد و از انوقت تا ماه ژوئن روس جای پای تصرف
کند پیش از این خود را محصور بخواهد گذاشت و بقدری شجاعت و دلاوری از او بشهود پیوسته بود که منتظر
بودند باز با بیداری و معاونت سختی از او بروز کند و عقل چنین حکم میکرد که عثمان پاشا سعی خواهد نمود که برود
بخط غربی اکه از جنگش در آورده بودند تصرف خواهد کرد دهند از ژنرال گورکو بدیهی بود که در جلو رفتن آن جیدان
عجله میکند و اگر هم ناچار میبایستی مصادف صدمات او شود بسته و بلیل نیابت دور شود اولا آنکه اگر بخود کبریه ارخانی
میشد ممکن بود سپاه از طرفین دچار یورش دشمن شوند ثانیا آنکه محل کورنی دابنیک خوب مستحکم شده
بود و سنگربندی آن تماما منتهی بانجام رسیده بود ثالث آنکه از توقف در فاصله کمی از پلونا عساکر روس خاصه اردوی مجتمعی
ژنرال اسکوبلف ممکن بود از سپاه گورکو تقویت کنند در صورتیکه عساکر عثمان پاشا را انها حمله ور شوند
و تعیین تعداد و قوت آن قشون هم امکان نداشت لهذا سبب توقف و سکون ژنرال گورکو بعد از فتح
کورنی دابنیک بسهولت مفهوم میگردد ولی با وجود توقف در اماکن خود لازم بود که از جهت سپاه نقض
نماید تا ترکان را از در خانه نگذارند نزدیک شوند آن جنگ که قشون لوکا در تنه بن کردند برای این مقصود خیلی ساعد
واقع شد و مشهور گردید که ژنرال گورکو منتظر موقع مناسبی است و با همان قوت قلبی که از کردنه بن کیور گذشته
بود رو به پیش حرکت کند و نجات قشون روس در روزهای اول ماه نوامبر در راه ارخانی با ترکان چندان
جنگ کوچک بیکر فقط در ترکان به جا اراضی خود را از دست دادند و روسها بطریق تدارک لشکرکشی عمده که
قریب الظهور بود میدیدند و از این جنگهای نقشی جز یکی قابل تذکار نیست و آن جنگی است که شهر وراتسا و بسطان آن
روز هفتم نوامبر ژنرال ... در لیونف پس از
تصرف روسها در آمد

تفتیش معلوم کرد

تفتیش معلوم کرد که در شهر وراتسا جز قشون پیاده ساخلوی نیست و در این شهر آذوقه فراوانی مجموع است لهذا
در تسخیر آن شهر همت گماشته و صبح روز هشتم سپاه او بجمعی خود در آمده دو ستون گردید حرکت داد ستون یمین که از فوج
امپراطوری و افواج خاصه امپراطوری تشکیل یافته بجانب راه براهوا سیر رفت و ستون یسار که مرکب بود از مهاجران سواره
و فوج اژدران خاصه امپراطوری و چهار عراده توپ بسرکردگی ژنرال ... کلوز راه صعب المسلک کوهی را که از ورتیرا
میگذرد پیش گرفت و این دو ستون تقریبا در آن روز چهل ورس راه پیموده در غروب آفتاب بعد از ساختن وراتسا
رسیدند و ستون یمین در مرامرنی و ستون یسار در کوتیرا واقع شد پس از وصول این دو ستون بان نقطه
ژنرال لیونف استحضار یافت که وراتسا در ساخلو پیش از ششصد پیاده نظام و سیصد نفر چرکس ندارد و
هیچ توپخانه در آنجا نیست و چرکسها بلای برای مردم عثمانی آن بلد در آورده که آن بیچارگان بکوهستان فرار
کرده اند علاوه بر این معلوم شد که حصار بندی این شهر چندان محکم نیست و سنگرهای مختصر غیر معتبری دارد
روسها از بابت اینکه حرکت خود را از ترکان مخفی دارند
انتشار آتش بخیره خفند و روز نهم ستون یسار ... ساعت بعد از نصف شب و ستون یمین یک ساعت بعد از
حرکت کرده و هر دو یک ساعت و ربع بطلوع مانده در برابر وراتسا رسیدند و ستون یمین از شمال و ستون یسار از جنوب
نزدیک شده و بواسطه پستی و بلندی اراضی احتیاطا تا یک مرعی داشته و ابدا ستون جز فعله بجدی نزدیک شهر
آمد که از حضور انها وقعتا در میان ترکان بهمه و غلغله بطور رسید چه سنگرها رو بشمال یعنی رو بطرفی که سوار
افواج خاصه پیش میآمدند بودند لهذا اکراد و سواره اژدران که از جنوب میآمدند آتش توپخانه را نگشوده
و قشنگ ترکان از سمت پشت سر خویش غریو توپ را شنیدند ترک سنگرهای خویش گفتند و ... داخل
شدند توپ اندازی چندان بطول نینجامید و سواره اژدران از اسبها فرود آمده در شهر نفوذ نمودند و در این بین

انکاه درون سیم و انکاه درون اول نیزه داران سنگر از اسب فرود آمدند و دشمن را از جنوب و شمال مشغول کنند و
راه فرار او را از سمت کوهستان قطع کنند و قسمت اول فوج اژدران خاصه که از ورنژفیرا بجانب درنامشته
آمده بودند که راه ارخانیرا قطع نمایند سیصد نفر چرکس رخوردند و انها را بجانب سوتة دول راندند در شهر
جنگ نیم ساعت بعد از ظهر طول کشید و منظور از پایداری ترکان حفظ دراتزا بود و بلکه میخواستند علوفه بنشینی
خود را بپوشانند لیکن بواسطه سستی و کندی اراضی ترکان نتوانستند از جاده صعب المسلک کوهستان در
استدادات مختلفه فرار کنند و متمنع بود روسها در دراتزا آذوقه فراوانی بدست آوردند که بجز آن آرد بود
وخسارت جانی چندان وارد نیامد و بیش از چند تن مقتول نشده
این فتح سبب شد که حرکت پیش را معین نمودند و چنین بنظر رسید که دیگر از ترکان بیمی نباید داشت زیرا که اردوی قسمت
در سنبن و دوراتزا در عرض هفته بدو واقع شدند و دیگر نمی توانستند تصور کنند که رو به پولنا حرکت در سمت میزان کرده
و علاوه بر این چنان ثابت شده بود که عثمان پاشا هیچوجه خیال بیرون آمدن از قلعه خود را ندارد
یک اردوی مخصوصی از عساکر افواج خاصه ترتیب دادند که عهده دار شد
میبایستی از راه سفیا پولنا بجانب ارخانی پیش برود و دو قسمت دیگران مأمور بودند که خیال دشمن را منصرف سازند
و از شرا بجانب ارخانی و از اسپکر کوجلک شهر اتروپل روی آورند
روز دوازدهم نوامبر کمپتونی از سپاه روس که مرکب بود از دو باطالیون پیاده
نظام و یک قسمتی از سواره و چهار عراده توپ بجانب لشکرگاه عثمانی اتروپل و دسته اسپکر کوجلک علیا کرد در
جنوب غربی ارخانی است حرکت تفتیشی نمود روزنامه انوالید روس میگوید که این سپاه بواسطه قلت تعداد
خویش نتوانست بعسکر فراوان عثمانی تکلیف خود راندید که بر اتروپل یورش برد خود را بسمت شمال کشیده که
علاوه از آن

یک دسته سواره چرکس که قدم حرکت در تعاقب این قشون پیش نهاده دیگانا بود و گردیده از ما هزار نفر جانب سفیه مجروح
شد و سی و شش نفر بر بار از پا در آمدند سرکرده پاشا را اوپرت سیار را اسیر و هم او را باین جنگ فرستاد
و بروز من شما را از اسباب یورش که روسها برای اتروپل فراهم
آورده بودند مستحضر ساختم بنابر راپورت که امروز مصطفی پاشای میرغب برای من فرستاد در روز دوازدهم دشمن با هفت
باطالیون پیاده نظام و دو اسکادرون سواره و گروه انبوهی از باغیان بلغارستان و معاونت چند عراده توپ
بجانب راه پلونا که در تنگه اتروپل است پیش آمده بود چهار ساعت از روز بر آمده توپخانه آتش خود را گشوده در جنگ تا
غروب آفتاب بطول انجامید و منتهی شد بشکست روسها که بحرکت یورش در هیئه رو به لوبین کرده بودند و از آنجا نیز
دشمن رانده شده بود و ما گریز در تمام خط اعتدال مرتب و عقب نشینی اجبار نموده بودند که صد و پنجاه نفر از او مقتول گردید
و بیش از دو تن مقتول و چهارده نفر مجروح داشتیم (آخر راپورت)
روز شنبه نهم نوامبر ژنرال گورکو از دلنی دوبنیک بیرون رفت و در سیزدهم به یابلو
تینزا رسید و تا شب دوم در آنجا ماند و در این مدت مشغول تفتیش بود و در باب احوال تنگه او کرزنه و معابر
تحقیقات کرد و از قوت عساکر عثمانی استطلاع نمود و بزودی معلوم کرد که دشمن در نزدیکی پراوتز محل مستحکم را میسر کرده
استعداد و کامل حصار بندی شده است دارد که بعضی باشتهار از ربع از راه ارخانی شهر فاصله ندارد و قبل از اینکه
ارخانی برسند راه از کمرشک تنگ و صعب المسلکی عبور میکند از میان کوهها تنگه و دره نهایت که راه تعدی ترکان است
که تغیر باگذشتن از آن راه ممنوع است و لازم بود که دور این لشکرگاهها را گرفت و مطلب ژنرال گورکو فوراً تعقیب
شد زیرا که عبور اول خود را از بالکان بتجربت رسانده بود و لیکن این معنی کاراستانی نمود و از جاده های کوچک
کمبوار بانکال نتوانست حرکت کند بهمه ژنرال گورکو هستم خود را مصروف عبور از آن نمود

عسکر های عثمانیان تماما در طرف راست جاده واقع است و اگرچه
دشمن طرف چپ را متصرف بود ولی در آنجا برج سنگری بنا کرده بودند و خط سنگرها مجازیسی نموده بود زیرا که گمان
کرده که در صورت تسخیر قلال و بلندیهای طرف ایمن راه محتاج این تغیرات نبودند و گمان او از روی صحت بوده
زیرا که بواسطه آن تسخیر برای سد طریق حرکت بر دشمن این سنگرها بی نیازی شدند اما ترکان دو یکی برج کوچک بنا
کرده بودند و چندین سنگر کوچک و بسیار بزرگ حفر نموده بودند که در تمام نقاط مشرف بر آن تنگه جای داشتند اگر از قله جبل
اتامارزورا اطرافش نظر کنند دیده می شود که راه شیبا در پراو دز لطور زاویه قائمه تکیه نموده بجانب ارتفاع منعطف میگردد
و در این زاویه یک رشته کوهسار است که مشرف بر راه است آن نقطه را ترکان برای مدافعه خود منتخب کرده
بودند و ژنرال گورکو قصد آن نمود که از منتها الیه آن اماکن را بشان یورش برده سنگرها را مسخر نماید لهذا
ژنرال روک را با تمام پیشقراولان فرستاد و تا همگی را باستعانت فوج خاصه سمونسکی و باطالیونهای اول
و باطالیونهای اول و دویم طلایه و یک باطری توپ سواره و پیش اسکادرون سواره نظامی دارد و ژنرال روک روز بیست و یکم
از بالوشیرا روانه کردند و فرمان یافت که تمام شب را راه بپیماید زیرا که مطابق نقشه چهل هزار ذرع مسیر فاصله داشت
و گمان میکردند که وقت طلوع فردای آن روز برسد و موقع یورش بردن پیدا کنند ولی این خیال خبط عظیمی بود که در
حساب کرده بودند و ژنرال روک بجای اینکه شب دویم را به نقطه منظوره برسد و حتی شب دویم هم نرسیده از
شالو نیزراه و یردار منحرف شود و بعد از مالی یاسکر کوچک گذشته تا کالوفرد رفته در آنجا از
کوچک یوسوم به پرواترا در شب قریه که ترکان اقامت داشتند حرکت نماید و اینراه از دشت مسلک است
و بقدری تنگ است که صندوقهای توپخانه را با دستی در روی یکچرخ عراده و تماماً حرکت داده شدند و
بسکه در بریگاده سفید سربازها مجبور بودند که آنها را بواسطه طناب بکشند و در آنها بسته بودند نگاه دارند و

لگلی

سنگین قورخانه مشکل بگذرد و علاوه بر این بواسطه غلط ژنرال روک نتوانست شب حرکت کند
در هنگامی که ژنرال روک دچار این مصاعب بود ژنرال گورکو بجانب ازری کوی حرکت میکرد و با کمال اطمینان
منتظر اخبار او بود که از جبهه حمله ور شود و امید آن داشت که بر ترکان غفلتا یورش برند و همین امکان داشت
که در صورتیکه حرکت سریع میکردند ولی روز با آخر رسید و شب از طرف ژنرال روک خبر آمد که تازه به کالوفرد
رسیده است و هنوز تا مقصد فاصله زیادی دارد لهذا یورش عقلا در آن روز موقوف شده اند ژنرال گورکو
بیکار نماند و غزاقهای کوبان در هند او در راه پیش آمده بودند و ترکان را از کوه رانده و در برابر عسکر عمده که در این
جاده بودند دو دسته بودند و فوج سکو را فرستاده بودند تا بلندیهای طرف یسار را برابر التعرف نمایند و چون
از عهده بر آمد و پیش از سه چهار نفر از آن کشته نشد و یک باطری سواره توپ و یک باطری قبور کوهستانی نیز فرستاده
و در بلندیهای که بلا فاصله بر جاده مشرف بودند نصب نمودند آن باطریها برابر سنگر ترکان بفاصله که بیش از
ذرع نبود جا گرفتند و یک باطری دیگری بفاصله دو هزار ذرع از سنگر نزدیک ترکان در طرف راست راه قرار
دادند پس از وضع این توپها در شب بیست و دویم صبح بیست و سیم پس از زوال به آتش خود در ایجاد ترکان
گشودند و عثمانیان جواب ضعیفی بآنها دادند و اگرچه عساکر طلایه در تمام مدت روز شلیک مینمودند کردند ولی
یورش پیاده برده نشد و ژنرال گورکو در چهار ساعت بعد از ظهر از ژنرال روک اطلاع پیدا کرد و عساکر
او یکدفعه در بالای کوه بلند یکه در منتهی الیه آن سلسله جبال واقع بود نمودار شدند که مخصوصا در میان
نقطه انتظار ورود شان را میکشیدند ترکان از بلندیها فرود آمدند و از جلو روسها بکر نجنبند و ژنرال روک
کلیه عسکر عثمانیها از آنجا خبری پیش از بیست نفر از سپاه او تلف نشدند و چون بر تعقیب جبال
در طرف او بود جمع شد که ترکان نتوانستند سنگرها را زیرا که از شب بر آنها یورش بیاورند حفظ کنند

بدیهی بود که مغلوب شده اند ولی رسیدن شب و قرار گرفتن مه مانع شد که روسها جلو استعداد کوهسار
نموده فوراً یورش برند   در این بین فوج مسکو در طرف چپ راه
شروع کرد از جهندی بزرگ نزدیک پراوتز پایین آید و در کامیکه در آنطرف راه اقامت داشتند تنگ
سختی برایشان کردند ولی بواسطه سرعت حمله روسها نتوانستند بطرف مقصد حرکت کنند و در تیررس واقع نشوند
و با این وضع از آن فوج احدی صدمه نخورد و بزودی پراوتز را تصرف نمود ولی در آنجا به دشمنی بر نخوردند
که فوج عساکر ژنرال روک ملحق شود و راه عقب نشینی دشمن را قطع کند از سه طرف دور زده گرفته شد
و همانطور که مظنون بود در همین شب بجانب ارخانیه فرار کردند اینک راپورت پیشی ژنرال گورکو
مذکور می شود   جمع آوری عساکر که در تحت فرمان من بایستی

در سمت شمال بالخان جنگ کنند

در روز بیست و دوم نوامبر بانجام رسید و در روز بیست و دوم حرکت شروع شد در همان تاریخ عمده
سپاه بسرکرده گی کنت چوالف ژنرال اجودان از اسکو بجانب پراوتزا حرکت کرده و دشمن را از معسکری
جلو خود بیرون نمود و خط تلال نزدیک اسکو را با دو طرف جاده جوار قریه پراوتزا تصرف نموده و در حالیکه
این حرکت مجری می شد فوج خاصه مسکو که ضلع ایسر عساکر ما بود محل انشعاب راهی را که از طرفی به اتروپل به
اسکو و از طرف دیگر به ارخانیه میرفت مسخر ساخت
تمام روز بیست و دوم و شب بیست و سیم و قدری از روز آن عساکر کنت چوالف ژنرال اجودان مشغول سنگربندی
معسکرهائیکه مسخر کرده بودند شده و کوشش با صعوبت خود را در باب بالا بردن توپها از بلندیهای صعب المسلک
بانجام رسانیدند و در تمام این مدت عساکر ما با سپاه دشمن تیر توپ و تفنگ رد و بدل میکردند و دشمنان

در سنگرهای مرتفع

در سنگرهای مرتفع و سنگرهای کوه که دهنه های دره طولانی و صعب العبور ساخته بودند سکونت داشتند
و عموماً سعی سپاه ژنرال چوالف در آن بود که معسکر برابر پراوتز را مسخر سازد و خیال دشمن را مصروف خود
سازد و در این فاصله زمان دو قسمت قشون یکی بسرکرده گی نواب خداوندگاری شاهزاده الکساندر
الدنبورک و دیگری بسرکرده گی ژنرال ماژور دانویل بجانب اتروپل حرکت کردند و بریگاد ازرومنی که
از وراتزا بیرون آمده بجانب ارخانیه روانه شد عساکر ما مأمور بودند که جلو سپاه عثمانی را که از اتروپل
ارخانی بگیرند و یورش اصلی بر معسکر پراوتز را جمعیت قشون ابواب جمعی ژنرال روک بجانب بر بند کرم حرکت
از فوج خاصه شمشکی و باطالیونهای اول و چهارم دسته ستون از بریگاد و فراع قفقاز و یک باطری توپهای
قراقی و نیم باطری توپ سواره کوهستانی   در حینیکه ستون چوالف
ژنرال اجودان از راه شوسه بجانب پراوتز حرکت بکرد ژنرال روک بجانب ضلع کنار معسکر دشمن میرفت و از
وددراوی و کالو کاروون کوتسیه گذشت و این دسته قشون روز بیست و یکم چهار ساعت بعد از ظهر حرکت کرد
و چهل و شش ساعت راه پیموده و در تمام این مدت مشغول عبور دادن توپها و صندوقهای قورخانه از جاده های
کوهسار و جنگلها بود و برای خود بواسطه سدها و بناچار بایست راهی پیدا بکرد و عاقبت ظهر روز بیست و سیم بدامنه
از کت معسکر ترک که تقریباً ممتنع المسلک بود سر در آوردند و فوراً با دشمن آغاز محاربه کرد و ترکان قبل از اتروپل
فوج شمشکی و مخبران عساکر عثمانی محل مرتفعی را که در ضلع ایسر معسکرشان بود تصرف نموده بودند اما سپاهیان
بانها فرصت سنگربندی ندادند و با وجود خستگی زیاد و پیمایش راههای صعب المسلک فوراً تاخت از آن
بلندی بالا رفتند و چهار ساعت بعد از ظهر عساکر ژنرال ماژور روک دشمن را بیرون کردند و بدون مهلت
از ایشان در امتداد معسکرهاشان تعاقب نمودند و مجبور ساختند که تمام سنگرهای خود را ترک کنند و در

باران قیونزیکه از جانب سپاه ژنرال **چوالف** میبارید فرار کردند و در شام بیست و سیم عساکر بکلی معسکرهای نزدیکه
دشمن را تصرف نمودند و در تیررس تفنگ فیمابین **پراوتز و لاشفی** ساکن شدند در جنگیکه تفصیل امور وقعه در
بیست و دوم و بیست و سیم نوامبر را که در قشون اروپائی خود بظهور رسیده بعرض نواب والا میرسانم بتکلیف خود
میدانم که کارهای عظیمه ایشان در رفع عوایق و اشکالات مسالک فراموش نکنم زیرا که سربازها توپهای کوهی را
در بالاهای ممتنع المسلک کوهستان تقریبا روی دست بالا بردند و دستهای کامل سپاه از آن اماکن بجنگ و دل
صعود مینمودند و چندین ساعت بهمین حالت بودند تا بانها رسیدند و پس از رسیدن بجایی که در تیررس تفنگ ترکها بود
مانده و ناچار بیست ساعت ابدا چشم بهم نگذاشتند و جز بسکهاج غذائی نداشتند اما صدمات تمام قشون نسبت بصدمات
سپاه اروپائی ژنرال ناشرور **رودک** هیچ است زیرا که با فتح روز بیست و سیم شدند با وجود خستگی فراوان از ترکها مهاجم
تعاقب نمودند و ترکان بچهار ساعت بعد از ظهر بواسطه از غلبیطی و غطیمی که قدره را فرار گرفت توانستند فرار کنند و
بکلی در زیر دست شجاعان آنروز که فوج **سمونسکی** و باطالیون های مجزای اعلیحضرت امپراطور بودند در زیر
بالای ابرجای داشتند تا بود نشوند خسارت ما عبارت از دو صاحب منصب مجروح و هفتاد سرباز مقتول و مجروح

(آخر راپورت) روز بیست و چهارم روسها پس از آنکه در

معسکر دشمن که باین سهولت مسخر کرده بودند استقرار یافتند تا هشت نه هزار ذرع نزدیک ارخانیه پیش رفتند و در
همان بکجا که ژنرال **رودک** و ژنرال **چوالف** بطریق **پراوتز** را مسخر ساختند روسها دو لشکرکشی دیگر را خیال
نهادند که یکی از آنها جابیستی مغلوب واقع شود لشکرکشی اول که
چندان اعتباری نداشت در جنوب **پراوتز** در شمال **ارخانیه** بود و منظور آن که بمدافعین **ارخانیه** چنان
وانمود کنند که روسها میخواهند از آن سمت یورش برند و باین تدبیر امید داشتند خیال مدافعین **پراوتز** را فریب

مدافعین ارخانیه

ساختند ژنرال **کلد** با دستورالعملهای خود روز بیست و
یکم هفت ساعت بعد از نیمه شب از **ورادزا** حرکت کرده و دسته اسکادرون از دراگان خاصه و دسته اسکادرون گرنادیر
سواره خاصه و باطری دوم خاصه سواره با او بودند و مقصود آن بود که همان روز لشکرگاه ترکان در **نواچین** و
لوطی کو برپا کرده بودند برسند و فردای آنروز از این اماکن حمله برند و ساعت ظهر بماندن آتش توپخانه
خود را بانجانب کشانید و چون بواسطه جنگهای تفتیشی سابقه ژنرال **کلد** فهمیده بود که **نواچین و لوطی
کو** قلعه بندی شده اند عزم خود را جزم کرد که روز بیست و دوم در برابر این دو نقطه یورش برد و لیکن حمله
آنسیکه از قراولخانه **نواچین** را مقام استعداد خود از نگه میکند و در نواحی **لوطی کو** زمینهای صاف و کم عمق
است حکم کرد که بیشتر این قشون از راه با چهار عراده توپ بروند و به نواچین پیش از کمیسیون مختصر دو عراده
توپ نزد وی مخصوص حاجت حفظ راه قراولخانه نواچین باشند از عقب عساکر مامور به **لوطی کو** سر در آورند
از **ورادزا** تا **منیستا** که در کنار رود **ایسکر** است راه خوب

است و لیکن پس از عبور از ایسکر بسیار صعب میشود زیرا که اول در امتداد رودخانه که از یکطرف محدود است
بانحدود مجرای صعب المسلک خود و از طرف دیگر بیک دیواره از کوه و لعبده علی الاتصال از زبان تنگه عبور کند که
گاهی بانها پاریچی از قعر پرتگاه و سیل حرکت میکند و تقریبا در تمام طول خود یعنی تا **ارشکو** امتداد یافته
شده است از سنگهای سرتیزیکه کار توپخانه بلکه سواره هم بکمال اشکال راه پیدا میکند و علاوه بر این راه
از بلندیهای و گودالهای بسیار سخت صعود و نزول کرده و از گردشهای بسیار کوتاه که برای توپخانه
صعوبت دارد عبور مینمود بواسطه این مصاعب حرکت بطی شده و در واقع یک اسب سرتیزی
توانست عبور کند یک اسکادرون از دراگان و یک اسکادرون گرنادیر به ارخیش روانه شدند با تفنگ

مابین راشکو و لوطیکو نمایند و اسکادرون اژدران را در قراولخانه نگه دارند تا جلو راه نواچین را بگیرد و اسکادرون
کرنادیه همان راه اسکو را پیش گرفت و چهار ساعت و نیم بعد از ظهر به آنجا رسید و در نزدیکی قریه از اسکه آنجا شنید که
چرکسهای در آنجا جای دارند فورا نیم اسکادرون پیش رفت ولی قریه را خالی دید آن نیم اسکادرون در راد شیو قائم
و نیم اسکادرون دیگر بجانب رادتینو حرکت کرد و این قریه جزیره در تصرف پیاده نظام دشمن بود چون شب نزدیک بود
باران تندی بیامد یورش را بفردا انداختند

بنابراین تحقیقات فیمابین راشکو و لوطیکو محل مناسبی نبود که بر لشکرهای دشمن حمله ور شوند زیرا که لشکرها در طرف بودند
بر تمام اراضی آن حدود که دیده و کشوده ولی مانع کلیس در بلندیهای شرقی رادتینو محلی واقف میشد که از آنجا لشکرهای
عثمانیه ممکن بود در یکطرف سوروی یورش سازند اما آن محل از رادتینو لوطیکو بواسطه دره ممتنع العبوری جدا شده بود
و راهی هم که با آنصوب میرفت بسیار صعب بود و بشرا یکصد نفر بلغار رستاقی جمع کرده و در راهها بیراکه باین آن
محل و راشکو میرفت اصلاح نمودند و در راشکو نیز قریه بهتر که در جلو آن دره صعب المسلک موجود است
ژنرال کلد احکام آتیه را برای اردت و دویم صادر نمود

اولا آنکه چهار عراده توپ و یک اسکادرون از اژدران خاصه باید بجانب محل مزبور بروند
ثانیا سه اسکادرون کرنادیه سواره مامورند که رادتینو تصرف نمایند و با قراولان آنها از لشکرهای لوطیکو محافظت کنند
و حتی الامکان از سایر رست واقفی خبر از نمایند
ثالث یک اسکادرون و نیم از اژدران خاصه و دو عراده توپ سواره سرکرده که لنجیانسکی برنگ مامورند که علیحده
از جانب نواچین حرکت جنگی کنند و جلو راهی را که بقریه قراولخانه میرود مسدود سازند و مدد و قوت نعقوبانها
لنجیانسکی برنگ مربوط نشوند نشده مگر بواسطه قراولخانه زیرا که راههای رادتینو و نواچین تقریبا برای سوار

ممتنع العبور

ممتنع العبور بودند کرنادیه های سواره فورا به رادتینو
رفتند و پیاده دشمن را از آنجا بیرون کردند و چند نفر اسیر گرفتند و طلایه و شاطران خود را بجانب لشکرهای لوطیکو فرستادند
و چهار عراده توپ که همراه اسکادرون اژدران بودند با اشکالات خارج از حد تقریر نصب شدند ولی بواسطه طغیان رودخانه
خاک شوند که نیم ساعت بعد از ظهر بماند آنوقت معلوم شد که فاصله آنها با لشکرهای دشمن خیلی باید بیست
از ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ ارشین دشمن چند شلیک جوابی داد و ژنرال کلد
برای اینکه محل مختصر شود یک ساعت بعد از ظهر یک طری حکم کرد که به راشکو فرود آید و در برابر قریه رادتینو از
باید آنوقت اطلاع یافتند که ستون پیاده نظام عثمانی از لوطیکو بجانب نواچین حرکت کرده است
ژنرال کلد مینویسد که دو ساعت بعد از ظهر چون نزد کرنادیه
رسیدم اول خبر لنجیانسکی برنگ بمن رسید و این صاحب منصب اخبار کرده بود که دشمن پیش آمده و
خواسته بود فورا یک اسکادرون کرنادیه و یک اسکادرون اژدران را با شتاب نزد او روانه داشتیم و به دو
اسکادرون کرنادیه حکم کردم در همان نقطه حرکت کنند چند دقیقه بعد خبر ثانی رسید که دشمن خیلی زود از آنجا
و خبر ثالث منتشر بود بر اینکه دو توپ از دست رفته فورا با کمال سرعت بجانب قراولخانه شتافتم و دو هم
گرفتن ایوجیعی لنجیانسکی برنگ عقب نشسته بود یک باده اسکادرون کرنادیه و یک اسکادرون اژدران
که تازه رسیده بود رو به نواچین نهادم و فرمان دادم که آن اسکادرون نیم کرنادیه را هم بخشی رسیدن بقراولخانه روانه
نمایند و بقیه قشون را حکم کردم در راه درمنیتا متفرق شوند پس از اینکه دو ورس راه بجانب نواچین ساخت
نمودم چرکسان منهزم را دیدم قدری از سواره را امر کردم از اسب فرود آمدند و نیم اسکادرون اژدران را
گفتم پیش تا زند و راه در ترتیب بر چرکسها مسدود سازند اما در زیر نواچین هم چرکسها برگشته در نیم

انکادرون از دران حمله کردند و از یمین و یسار دور انهار اگر فند اند پیاده کا زارکه مشغول جنگ بودند

فرمانداده ام که قریه را تصرف کنند و مقتولین و مجروحین را از خاک بردارند و پیش از این دشمن را تصدیع میدهند

پس از انجام این امر بجانب ورمنیا عطف عنان کردم و در هشت ساعت بعد از ظهر آنجا رسیدم آخر اپورت

جا بات کلمه فشون اوزیجی لخیانسکی سربنک کویا توسط ... خورده بودند که جهت سا حلی نموده از قریه نواچین تجاوز نموده بودند بدون اینکه ملتفت شده باشند که در آنجا

دو باطالیون پیاده نظام ترک با توپخانه ساخلو بپا شده و چون قدری دور رفتند یکدسته سوار دشمن بر

خوردند و بسیاری از آنها را اسیر کردند آنوقت از عقب سر صدای شلیک تفنگ شنیدند معلوم

شد که ترکان راه یک اسکادرون و دو عراده توپ گرفته اند از دران جمع شدند و شروع بعطف عنان

نمودند و تا چند ساعت جنگ درگیر بود و دفع حملات دشمن میکوشیدند تا قشون که تعداد زیاد رسید

واز بدبختی اندران در بند از قطار ستانیان منهزم و عراده های بارکش راهش سد شده بود چون از دران

دیدند که ممتنع است دو عراده توپ خود را سلامت بیرون برند قصد آن کردند که انها را از بالای پرتگاهی بیفکنند از

نا رکار عقیده و اکثر اراده را اسیر نمودند بلکه قشون دیگر را اجر کسهها را زودی بر بودند در این جنگ مقدم از

یک اسکادرون و نیم از دران صاحب منصب و یکصد و پنجاه سوار مشغول جنگ شده بودند و از انها سه صاحب منصب

مقتول در صاحب منصب مجروح و چهار صاحب منصب کوبیده و تصادم شده بودند و نصف توپچیان

از کار افتاده بودند و از پا در آمدند محمد علی پاشا که عماد روزنه

از خانه آمده بود سرداری قشون عثمانی اتروپل الجان منصوب کرده بود در باب جنگ تلگراف ذیل را

به اسلامبول فرستاد تلگراف عثمانی نیم رسمی از اتروپل رفته از خانی

الیم و بنا بر اپورت

رسیدم و بنا بر اپورت لشکر پاشا روسها از اول طلیعه فجر قصد یورش و حمله به اتروپل کرده بودند و

در همان هنگام که فوج سواره دشمن با پیاده که بواسطه طغیان سیل تعداد شده از طرف وراتزا با دو عراده

توپ مزه سمت نوژیش روانه شده و سواره دشمن با قدری پیاده در تعقیب شان روانه شدند

دقیقه استعدادات خود را در بالای تپه های شرف بر مرداب ساخلو که داشتند و دو باطالیون

مستحفظ بلی که جهت تفتیش آمده بودند حمله ور شده و جنگ درگرفت بمحض استماع غرش توپ محمد

بیک سربنک که فرمانده ترکان دو دویم بود با باطالیون پزی زرند هر چه سوار ممکن بود به سرعت میدان کارزار

شتافت از پنج ساعت از روز بر آمده تا دو ساعت بغروب مانده بطول انجامید و منتهی گردید

بعقب نشستن دشمن که قابل مقاومت با شجاعت سربازان ما نبود در این جنگ جرکسهای فوج محمدیه و

جرکسهای فوج نصرتیه که تازه از شیپکا آمده بودند با نهایت قوت باشند و شکست دشمن را

با انجام رسانیدند و آغاز این شکست بواسطه استعداد و قابلیت محمد بیک سربنک بود و روسها هم

بار چه شدند و از فوج سواره ایشان پنج نفر که یکی اسیر شد اسیر شد از این معرکه جان بدر نبردند و دو عراده

توپ آنها با اسبهایشان و دو توپچی اسیر بچنگ ما افتاد و تمجیل استعدادات سریعه و قابلیت لشکری

نومان از خانه و یورش موجبی که محمد بیک سربنک بکار برده است شایسته هرگونه تمجید و تحسین میباشند

آخر اپورت در این محاربات لشکر عثمانی بحفظ عقب کوشیده اند روسها

قصد یورش بجانب اتروپل کردند ولی فی الحقیقه خبر اولکانی نبود و شهر اتروپل سخت روسها گردیده بود زیرا

که ژنرال گورکو در همان هنگام که ژنرال نوک و ژنرال الیس در تحت فرمان کنت چوالف اجو ران

ژنرال مامور کرده بود که لشکر دشمن پادتزا یورش برند و ترکها را از دراتزا از ور اتزا بجانب

نواچین و لوطیکو روانه نموده بود و دو دسته قشون نیز بسمت اتروپل فرستاده بودند این دو قشون
و سواره نظام مامور بودند که جنگلهای تفتیشی متعدده پیشگیر بند و نگذارند دشمن از معسکرهای خود بیرون آید
علاوه بر این حکم داشتند که هرگونه حرکت ترکان را بجانب پرواتز ممانعت نمایند و بالاخره ژنرال
گورکو دستورالعمل داده بود که ممکن شود فاش بر اتروپل یورش برند و سرکرده کل این لشکر ژنرال
مذول بود   قشون اول سرکرده شاهزاده
الکساندر الدنبورک مرکب بود از فوج خاصه پرابرازنسکی و یکباطالیون از فوج یازدهم پیاده پسکو و
چهار عراده توپ از باطری اول بریکاد اول توپخانه خاصه و دو عراده توپ سواره کوهستانی و دسته پیونیر
از بریکاد قزاق قفقازی که من حیث المجموع پنج باطالیون پیاده و سه ستون سواره و شش عراده توپ میشد از
بیست و دویم نوامبر این قشون از اسیکو بیرون آمد و با دو ستون از دو طرف رود ایسکر حرکت کرد
نزدیک لشکرگاه معتبر ترکان که در شمال اتروپل بود رسید و یکشبانه روز هم خود را مصروف بالا بردن
توپخانه در بلندیهای صعب المسلک ساخت و زودتر از چهار ساعت بعد از ظهر نتوانست دو عراده توپ
نمره ۹ خود را نصب کند و فورا با دشمن جنگ توپخانه در گرفت و پیاده نظام به ندرت بطرف که از کوه
قدری برآمده می شد شلیکی بکرد قشون دویم سرکرده گی ریدزوسکی سرهنگ فرمانده فوج دوازدهم
پیاده ولیکی لوکی مشتمل بود بر فوج همین سرهنگ و سه ستون قزاق کوبان و یک دسته تیرانداز افواج خاصه
از کنار رودخانه‌ای روس در راه لیپن تا صومعه ثالث و ثلثه پیش نمود و در عقب لشکر عمده ترکان
که در خانلق بود واقع شد و پس از آنکه طی راه بسیار سختی نمود دید که ترکان حمله در کرده‌اند ولی
حمله او نتیجه نبخشید و چون بیست و ششم سربازان زخمی شده معاودت به لیپن کرده در محلی که بیشتر

شعب کرده بودند سنگربندی نمود و عقبه و ذخیره این دو قشون که عبارت بود از فوج گرنادیه خاصه شماره
یکباطالیون که جهة تقویت شاهزاده الدنبورک رفته بود و فوج چهارم اژدران کاترینوسلاو در معسکرگاه
کار رودخانه‌ای روس بماند   روز بیست و سیم ستون یمین اول
یعنی شاهزاده الدنبورک در مقابل معسکر دشمن پیشرفت و چهار ساعت از نیمه شب گذشته تیکه صید نمود
طلب از فوج پراوبرازنسکی بیرون آمدند و با اشکالات فراوان از قیاس از قله کوه برگذاهی تا جنگ دهل
رفتند و بدون اینکه تیری خالی کنند یکه برج بالای آنرا متصرف کردیدند و سربازان ترکان از یکه برج سرازیر و
فرود آمده بودند و وقتیکه داوطلبان نزدیک یکه برج شدند ترکان سعی نمودند که از اطراف بن نقطه رسیده
اما دیر رسیدند و یکساعت بعد از آن چون ترکان دچار روسها گشته یکه برج را مسخر کرده بودند با جان تمام
سنگرهای جلو خود را از دست دادند و افواج پراوبرازنسکی و گرنادیه‌های خاصه فورا از آن اماکن را
متصرف شدند و پس از واقعات مزبوره شلیک توپ و تفنگ بتمام اتصال داشت و در این بین
ریدزونسکی سرهنگ بجهة تقویت یکباطالیون از فوج گرنادیه خاصه با دشمن رد و بدل تیر تفنگ میکرد و اگر
چه در زیر آتش توپخانه او بود و نتوانستند به این دسته قشون توپخانه برسانند که بعد از اینکه چهار عراده توپ
از بریکاد سیم به لیپن رسیدند و آنها را پیاده کردند و بر روی عراده‌های گاوی مردم بلغارستان نصب نموده
امداد ایشان بقله کوه مرتفعی بالا بردند و حال آنکه شب مظلم و سرد و ابر هوا را ابر کرده بود تمام آن کار را در حدود
از تلفات متصرفه ترکان واقع شده کیستون از قرابههای دن و ابین قشون شاهزاده الدنبورک و ریدزو
نسکی سرهنگ جنگ بسیار کردند و ترکان را از جبر اسیر در بند میدوانیدند اما فوج پراوبرازنسکی توانست
ترکان را از یکه برج اصلی خود که در دهنه دربند ایسکر داشتند زودتر از روز بیست و سیم بیرون کنند از

این نابت فردای آن روز صد نفر داوطلب از آن فوج را در اول طلیعه مامور تسخیر آن یک برج نمودند و این داوطلبان

پنج ساعت بطول انجامیده خندق اولرا متصرف شدند ولی مجبور شدند که برگردند زیرا که آتش تفنگ آنها خیلی شدید

و ابطال بار انبکه آمده بود سخت و یا جا گیر با نفر نه شده بودند و بالا رفتن از آنها امکان پذیر نبود

وقتیکه سه فرسنگ توپخانه آتش خود را به اماکن سنگربندی دشمن کشودند تا آنوقت توانسته

بودند شش عراده توپ در محل متصرفی فوج **براوژانسکی** و چهار عراده در محلی متصرفی فوج **دلکی لوکی** نصب کنند

و در همان هنگام فشون ابراهیم پاشا برادره **الدبورک** با تقویت یکباطالیون از فوج **بسکو** شروع بیورش آوردن

مذبوحی کرده و پس از یورش بر ضلع سپر دشمن احاطه نموده و از طرف دشمن ستون سپر که از یکباطالیون با یکرا اردو

کرانه به خاصه تقویت یافته بود و این نوبت در تحت فرمان **لوبوتیزکی** جای داشت سپر بیرق و بر

ضلع بین ترکان محاط شد بلکه قدری از پشت سر نیز را آنها احاطه داشتند و در حینیکه این اعمال جاری میشد چهار

عراده توپ نمره ۱۲ را از طبقه بها فرود آورده نزدیک اردوی دشمن که فیما بین این محل و شهر **اتروپل** جای

داشت بردند ترکان که از طرفین در چهار پیاده کان دو از جلو

و عقب گرفتار توپخانه و از پشت سر خالیف از فشون **لوبوتیزکی** سر تنگ کردیدند آغاز عقب نشینی نهادند

و سه ساعت بعد از ظهر که برج عمده در تصرف یکدسته از فوج **براوژانسکی** در آمد و بعد از این فتح روسها

ترکان بورش سخت بردند و ایشان اردوی خود را آتش زدند و راه فرار گرفتند و شش ساعت بعد از ظهر برا

وژانسکی داخل شهر **اتروپل** شد روز بیست و پنجم نوامبر عساکر از

در تعاقب دشمن مامور کردند فوج چهارم از دوران **کاتربوسلاو** و یکستون از ریکاد و قراغان قفقاز و بطالیون

چهارم فوج **براژانسکی** و فوج **ولیکالوکی** و یکباطری توپ سواره و قزاقان در حین تعاقب شش عراده توپ

فولادی دو وزن و دو صندوق قورخانه توپ و پیش از صد عراده بار قورخانه توپ و اثاثه جنگ و آذوقه را

متصرف شدند و در این سه روزه دسته دوم و دسته سیم و دسته چهارم از عساکر ژنرال **داندویل** بیش از چهل و

هشت سرباز کشته و زخمی نشد ژنرال **گورکو** در را یورت

خود مینویسد اگر در دست داشتن وضع اماکن ترکان و صاحب وصول آنها اطلاع بهم رسانند میتوان فهمید که کار عساکر

ما چه اندازه عظیم بوده این عساکر سه شبانه روز بدون تأمل و استراحت علی الاتصال در بالا رفتن از قلل جبال

سنگی محکم **اسکر** زحمتها کشیدند تا ترکان را از آشیانهای عقابیکه مسکن گزیده بودند که جلو سرحد را عساکر

را در **بالکان** بگیرند بیرون کشند سرباز ان با معهد ما المقصد به مقصود رسیدند و الحمد که راه دخول بالکان محفوظ

فی الحقیقه این فتوحات بغایت عظیمه بود و بدست ما بسته عثمانلو

شده و روسها در مدت چند روز در این سرزمین کوهسار که تقریبا ممتنع المسلک بود چندین معبر معتبر را

مفتوح و مسخر ساخته بودند ما بنه **پراوترو اترانو** و **اتروپل** الکت شده و علاوه بواسطه تخویف ارعاب بگردند

و علاوه بر اینها یکی از معابر معتبره **بالکان** در تصرف ایشان بود و تمام این فتوحات تقریبا بدون ضرر حاصل شده

بود سربازهای محمد علی پاشا را که محلا گرفته بودند و شق در تسخیر آنها سوخته جرم ایشان نیز ناقص بود و مخصوصا سرکرده ها شدند

لهذا تقریبا مدافعه نکردند و از بعضی روزنامهای نظامی عثمانی چنین مستفاد میشود که موسی پاشای سرتیپ را که پس از ترک

شدن روسها به **اتروپل** نزدیکی بجانب **ارخانی** با هفت طابور خود نشسته بود با سلامت ول

طلبیدند تا در محکمه نظامی با او گفتگو و محاکمه کنند و سیاهه ارباب مناصب عثمانی که در محکمه نظامی بمحاکمه احضار شدند

بودند مفصل است ولی تا این اوقات حکمی در حق احدی صدور نیافته

در همان هنگامیکه روسها مشغول به حمله از طرف **پراوترو** و **نوچین** و **اتروپل** بودند ترکان

نیز از طرف خود در بیت و نهم نوامبر یک دسته از قشون مرکب از دو باطالیون پیاده و چند اسکادرون سوار رو
بسته بن روانه داشته ولی این دسته و با یکلی بیفایده شده، وضع ترکان خیلی خراب نگیز بود و از شرح ذیل که
یکی از اخبار نویسان انگلیس که با اتامار در شهر عثمانی بستگی داشته مینویسد معلوم میشود که این وضع چگونه بوده است
محمد علی پاشا محل اقامت خویش که کاغذخانه مرزبعه است
در ابتدای شب ارخانی مراجعت کرد و دو ساعت بعد از نصف شب شنبه بعد از آنکه چندین تن بتوسط
و گفتگو کرده بودند که معسکر تهدید شده را تسلیم نمایند شب را در کوچه‌ها با بعضی از آنها هر چه نوشتند برای ایجاد
اغتشاش و انقلاب در ارخانی بعمل آوردند در چندین خانه شکسته و بسیاری از عابرین را در کوچه گرفتند با آنها
همراه میکردند که خانه اشخاص با مکنت را نشان بدهند زیرا که میخواستند اموال آنها را ضبط کنند قبل از آنکه بتوانند
خود شان به سکوبیا رسیدند شب را از نقاط مختلفه شهر آوازهای سوخته و بولمه کوش میرسید چهار ساعت بعد از
نیمه شب پس قراول که مرکب از یکصد سوار شامی بود وارد شد و عوض اینکه در اول دروازه شهر جا بگیرد بسرعت
بجانب میدان بازار شهر شتافت و معابر شهر را راه فرار مسدود ساخته بر آلای که کرده با جنگ جبال رو
باوجود اینکه سابقاً قبیح دشمن مستور و دیده نمیشد خطا هر از تاخیان خود و اینکه ترس کمتر نبود و همراه فرارش کرده بودند
عزیمت انهزام نماید من امروز صبح موقعی اینجا رسیدم که شش باطالیون فراری از اتروپل وارد شده بودند معلوم بود
که بکلی دلها را باخته اند ارباب مناصب شان بدون ملاحظه از شکست خویش نقل میکردند و بار لا اتفاق قایل بودند بر اینکه
کمتر از پنجاه هزار سپاهی و پنجاه عراده توپ اگر مجتمع باشند ممکن نخواهد بود که سربازان بتوانند تعاقب کنند و از پیش رفتن
روسها ماری پیش از دو عراده توپ در پیش یک برج بزرگ و تمام سنگرهای کوچکی که در امتداد دو سنگ راه
شرقی و قسمت امروز صبح زود بنجا باطالیون سرباز نظامی بسنی وارد شدند ظاهر شان بسیار نفرت انگیز بود

علی اکبر

نظامی شان حالت بسیار با فلاکتی دارد و لی چون چندین جنگ کرده اند و در هر باطالیون انها بیش از بیست و
پنجاه مرد نمانده بعد از ظهر دو عراده توپ رسید اما افسوس که از راه بد ارخانی وارد شده در تمام مدت روز
اقسام مختلفه سوار ها و عراده‌های کشتی کاوی در سبزهای مارکشرا هر از گرفته بودند و با نظمی تمام رو بسیار اند
آخر نوشته بیشتر اولان عساکر شاکر باشد که در پراونه زرسلک خورده بودند بهیچوجه
مدافعه ارخانی و قرا شمال آن نواحی بر نیایند خود را به اوراچش کشیدند که در دهنه تنگه برش قرار داشت و
که در آنجا و بسطه یک محل سنگربندی شده توانند جلو ستون امین رو سرا بگیرند و نگذارند شهر تخلیه یا بنجا بگذرد
این حساب خطا شده و در حالتی که ستون امین در تحت فرمان ژنرال ما نور البیس در پراونه اسکر زده بوده و از
کاچش دیده بانی میشود ژنرال داندول که با ستون بسیر اتروپل را در تصرف داشت از راه ایر کل
بالنجان در امتداد جنوب غربی حرکت میکرد تا محل کاچش را در تصرف در آورد و با وجود اشکالات بزرگ
در عبور از کوهستان و انقلابات هوای سرد زمستان این حرکت را نتیجه کاملی تکمیل کرده و در بیست و نهم نوامبر
وانوپل زور طبلی گرادت را تصرف نمود که در چهار ورس شرقی راه عقب نشینی ترکان واقع است و در
دست شهر امحورسی خمت که غرض کاچش را تخلیه کنند فردای آن روز ژنرال داندوپل براه صوفیا را بخبرت دیمی
نجات داد که آنراه از بالنجان بالا میرود و عساکر این گروه توپهای را بسته که نزدیک گرادت است بالا بروند
از طرف دیگر بمحض تخلیه اوراچش ژنرال البیس تعاقب ترکان که در خیابان صوفیا فرار
میکردند نمودند و بعد از آنکه از گردنه بالا رفتند در اول دسامبر در مغرب راه برابر اردوی دشمن که در عرب قاق
بود جا گرفت (عرب قناق در نقشه روس و بابا قناق در نقشه اطریش است) روز دوم دسامبر محمود
پاشا برون توپها از کوهها گردید نقطه شرقی معسکر عثمانی آن کوه محمود علی

شکلی بود که در تمام جبال خط تقسیم آبها شش هزار ارتفاع داشت و تقریباً در چهار ذرع فاصله قلعه در سنه واقع است
و بزرگترین یکی برج آباد در نقطه‌ای است که مطابق نقشه انانار زوراطوش موسوم است به کریوتا این خط امتداد پیدا
میکرد بجانب جنوب غربی تا قلعه دربند که ملاقات صلیه بالای جرب قشاق بود و چهار عسکر در آن خط برپا شده بود و قیمتش
آن یکی برج بزرگ دراه و دو عسکر غربیه در سند دو رشته ارتفاعات متفاوته معسکر عثمانیه سمت شمالی منبسط میکرد و در ژنرال
رودک در رشته شرقیه استقرار داشت و حال آنکه ژنرال داندویل با دو واسطه رشته دیگر را متصرف بود و هر دو در سر اردوی
خود را متصل به نهر کوه شرقی برانها نمودند بعضی از این تلال را ژنرال گورکو معین کرده بود که هر قسم باشد آنها
تصرف کنند و بعد از کوششهای زیاد مجدد روسها توانستند مقصدیکه برای آنها معین شده بود نائل گردند
و توپهارا در اماکن متصرفه نصب نمودند و خط بعد بالسمت شمالی غربیه راه منعطف میکرد و از آنرا دیگذشت و
متصل می شد بخط متصرفه کنت چوالف که در رشته برابر واقع بود و در خط معسکر روس چندین بطاری از
توپهای ... ۹ نصب شده بود و تقریباً علی الاتصال بجانب لشکرگاه دشمن توپ می‌انداختند
روز سیم و سایر جانب شمالی ژنرال چوالف شش عراده توپ در مرتفع‌ترین نقطه معسکر خویش
نصب نموده بود و ترکان بقدری نزدیک آنها شده بودند که روسها در صفوف آنها با کمال خاطر جمعی ترکان
که هدف میرسید معهذا ترکان پیش میآمدند و بقدری با توپهای روس قریب میرسیدند که
با طریهای ژنرال داندویل مشاهده میکردند و گمان میبردند که توپها را گرفته‌اند ولی چندان نگذشت که ترکان
بسرعت از کوه فرود آمدند و یورش سخت نخستین رانده شد چندین نوبت یورش تجدید کردند و همان
سختی بود یکی از شهود که برای العین دیده حکایت میکند که توپها بقدری سرعت خالی میشدند که از آتش توپ گلوله
گرم شده بودند و از ترکیدن آتش ... بکریزانیدند و آب از برای پاک کردن و سرد نمودن آنها نبود قوت قضا را

تقریباً از دویست

تقریباً از دویست باطالیون سنجیده بودند و روسها در صف جدال و قتال چهار باطالیون از فوج مسکو و
مخبران خاصه اعلیحضرت امپراطور و مخبران خاصه خانواده امپراطوری را آورده بودند تقریباً از روسها دوهزار تن
از کار زار باز ماندند راپورت رسمی روس چنین مینویسد که یکی وقتی وضع سپاه ما ... شده ولی در این وقت
قاعده کریاپارک که فرمانده جدید فوج جدید مسکو بود با زبردستی و چالاکی عساکر مامور به فتح گردیده و ترکان
بعد از یورش سیم خود عاقبت با خسران فراوان مغلوب سکوت شدند و بلندیهای مشرف بر لشکرگاه جرب قشاق
با کمال استحکام در تصرف آمدند و بعد از این محاربه کنت چوالف امدادهای معتبر بانجا فرستاد و این
لشکرگاه جدید در کمال استحکام سنگربندی شده و مجاز روز معسکر جرب قشاق شاندزیک ترکان را
هدف گلوله توپ ... محمد علی پاشا در باب این جنگ به تلگراف فیلد امپاسول فرستاد
از قرلی بتاریخ نهم و سایر جنگ توپخانه مستور به استحکامات دشمن
بوضع شدید آمیری ... اسیر بار دمک شدند لشکر پاشای آیزتوغان جبال دارد با طالیونهای ابوالحجی ...
من در بالای یکی برج سیم که از ... استحکام ساخته است من در زیر پای من کشته شده و پنج ساعت نیم از روز
گذشته است   بتاریخ فوق امروز صبح در ساعت ... دشمن بجانب
در معسکر ما که در سینه بهای اتروپل در ارتفاع واقعند تجدید تیراندازی سخت توپخانه نمود و طریهای ما جواب
میگویند در صدد آن هستیم که ستونهای یورش را جهت لشکرگاه دشمن مرتب کنیم خداوند تعالی ما را نصرت
کرامت فرماید   بتاریخ فوق امروز ظهر دشمن با سنگ توپ بسیار بجانب
سنگرهای قرلی آغاز نهادند و توپخانه ما آنرا جواب داد و این مبادله گلوله توپ تا ساعت پنج طول کشید
آن وقت روسها از ضلع ... با قوت عظیمه حمله ور شده‌اند و برای دفع این یورش افواج ابوالحجی ...

دشمن روانه شدند و دشمن تا غروب پایداری کرد و چون نتوانست بیش از این در برابر شجاعت عساکر
سلطانی مقاومت کند بسرعت فرار اختیار نمود و عده زیادی از سپاه او بخاک هلاک افتاد و جمعی
بجنگ سربازان ما در عده مقتول و مجروح ما مستور شخص نیست از علاماتیکه در نعشهای کشتگان روس
میدان کارزار افتاده بودند و تفنگهای کارخانه بردان که در دست ایشان بغنیمت معلوم گردید که قشون ما مقابل
افواج خاصه امپراطوری بوده اند و ظاهرا بدیهی است که این شکست روسها را مجبور خواهد ساخت که
جدال خود را عقب برند (آخر تلگراف) در همان هنگامیکه روسها رو
سفیا در بند او دره قرتا پیش آمدند و ستون دیگر یکی در تحت فرمان ژنرال کورکو از
اتروپل و دیگری در تحت حکم کماروسکی بریکف از تتوین تا موز قریه بزرگ سلاتیزا آمد که
مصب جنوبی بالجان و در دره توپول تیزا واقع است ستون اول در مغرب سلاتیزا دو قریه کلیش
کیوزر و چلوچیچ را با یورش گرفت و در کار اجبور ساخت که در اردوی عسکر در اسلاتیزا که قریب
پنج باطالیون سرباز داشت عقب بنشیند و از پیدا شدن روسها در برابر سلاتیزا در وقتیکه قوت
عمده آنها که در محل خروج از دربند عرب قناق بود سبب تخویف و تهدید آن دسته قشون عثمانی که در مرکو بود گردید
از اینکه مبادا راه سفیا برای آن لشکرگاه که مابین دو نقطه مزبور بود قطع شود و لهذا امر عقب نشینی طبل بازگشت فرو
کوفتند تا کرپاشا روز یازدهم دسامبر به اسلامبول تلگراف ذیل را کرد

امروز صبح سه ساعت و نیم از روز گذشته چون سه اردوی ما
جبال شمال طرف گردید ثابت شد که سه باطالیون از عساکر خصم در میسره ما صف قتال بیاراستند و
علاوه بر این دشمن در جلو سنگرهای خود خندق و خاکریزی قرار داده بود در کوههای یمین ما دو یک برج سنگی

در هر یک شش عراده توپ باطری بندی نموده بود و ارتفاع کوهها از سطح دریا ششصد یا هفتصد ذرع می‌شد بمحض
اینکه سه ترتیب ما نمودن و شروع بیورش نمودیم که آتش خود را کشود ما فهمیدیم که باید منتظر یورش شویم فوراً عسکرهای ما جواب گفتند و بسطح ارتفاع
بتوپخانه ما سه باطالیون از دشمن که با سه عراده توپ داشت یک برج سنگی که روسها بر پا کرده بودند در طرف جنوب
سنگرهای یلدوز تابیه که سربازان ما آنرا استنی بابا تابیه نامیده اند جای داشت مجبور شدند که با کمال سرعت عقب نشینی
کنند بجانب اورخانیه شتافتند علاوه بر عساکر ما که در تیر اول توپ جنب پا آراسته بود چنان شلیکهای سخت
دشوار گردید که روسها که در خندق و خاکریزهای جلو بودند تاب مقاومت نیاورده فورا عقب نشستند در همان حال
توپهائیکه دشمن در میسره ما نصب کرده بود و علی الاتصال بر ما تیر میانداختند از سربازان ما دو نفر مقتول و بیست نفر مجروح گشتند
(آخر تلگراف) روز دوازدهم سرکردگان برتر قشونیکه برابر سلاتیزا آمده بود در
و یک شبانه روز این جنگ طول کشید و فتوحات مختلف پیدا کرد اما در این شب روسها عقب نشستند
و سنگرگاه خود را ترک کردند و چند روز جنگها بیستی موقوف ماند سرما شدت کرده بود و کشتار زیادی نمود و از
طرفین سرباز ما از کار افتاده بودند اما بعد از آن در یک نقطه حادثه روی نمود بسیار عظیم که روسها را اجازت داد
با قوت بیش از پیش از جنگهای خونین تلافی کنند
و پلونا از دست ترک رفت

فصل نهم

فهرست

عثمان پاشا خبط عظیمی کرده بود که خود را در پلونا محصور ساخته بود تا آنوقتیکه راه مراوده اش از جهت غرب باز بود
حق داشت که در روی رود ویدبس کن بماند ولی از روزیکه ژنرال گورکو در راه صوفیا لشکرگاهی ساخت و از
قشون عثمانی بیابستی هر چه بود دست از اردوی خویش بکشد و یکی از قلعه‌ای سنگربندی شده در حوالی ارخانیه
عزیمت نماید اگر پنجاه هزار قشون عثمان پاشا در اتروپل با نخان سنگربندی میکردند مسلما بر سپاه روس راه جز
پیش را می بستند و آن نقطه بود که بهر جهت و قسمی میبایست مدافعه کنند نه پلونا که شهری بود جلو باز و مستعد
تسلیم   در تمام مدت ماه او عثمان پاشا گمان میکرد که لشکر عثمانی از لُم بامداد او خواهند
آمد و علاوه بر این امید داشت که سلیمان پاشا نیز از او حمایتی کند اما بعد از بدبختی دچار در شیپکا و
پس از عقب نشستن محمدعلی پاشا تمام امید ها برطرف شده بود و یقین دارند که عثمان پاشا هم از اراده ای

دیگر عزیمت

اینکه عقب نشیند و بعضی از روزنامه‌های انگلیس از اخبار نویسان خود مطابق مطالبی سطحی ساخته که از
تفاصیل آنها معلوم میشود که عثمان پاشا سه بار استمداد خواسته است که ضعفش به چه حد بوده است لهذا اجازه خروج طلبیده بر آن
اخبار نویسان در قبول این اجازت امتناع کرده‌اند و وزارت جنگ مدافع پلونا اطمینان داد که از هیچ بابت نباید
خوفی داشته باشد و در ارخانیه یک لشکر مطلوبی مجتمع است که جهت حفظ راه مراوده کافی است و میدانیم که این لشکر
لشکری بوده است زیراکه چون مرکب بود از سربازان جدید قابل مقابل با قشون روس نمیشد و نتوانست از عهده
مأموریت خود بیرون آید   عثمان پاشا بنیت جازم اکنون
میتوانست بیرون آید ولی پس از جنگ گورنی دوبنیک هر امیدی قطع شده دیگر نتوانست بدون جنگ سختی کرده
روسها از وضع قشون عثمانیه که در پلونا متحصن بود خبر داشتند و بواسطه فراریان میدانستند که آذوقه تنگ شده
است و میدانستند حالت گرسنه اکنون زیراکه تسلیم نمودن پلونا تکلیف شوم مدافعین آن خواهد بود
چون از عثمان پاشا جلادت و قوت قلب بسیاری بظهور رسیده بود
روسها در این انتظار بودند که کی حرکت از جا کرده آشکار خواهد کرد و از این بابت در اردوی روس بر نقطه متغیر را
تصرف کرده بودند و همه روزه در لشکرگاه روس و اطراف پلونا سنگرهای محکم برپا میشد و مخصوصا در جنوب غربی
تعداد سنگربندیها بیش از همه جا بود لهذا هر قدر یورش و حمله عثمان پاشا سخت شود شکست روسها
احتمال پذیر نخواهد شد و اگر بر خلاف قانون حدس صائب فرض هم بکنیم که عثمان پاشا بتواند رفع عائق
و مانع نماید و در این امید که از محصوریت خارج شود بار راه دوری نخواهد رفت زیرا که تمام سپاه روس از او
تعاقب میکنند و پس از اندک زمانی با عساکر ژنرال گورکو تلاقی خواهد کرد
قشون عثمان پاشا عبارت بود از چهار نومان منقسم به یازده بریگاد که شصت و دو باطالیون

داشت و سه تومان دیگر که شصت و چهار باطالیون داشتند و امیر الجیش **احمد حیوه‌ری** پاشا و حفظی پاشا و
عزت پاشا امراء تومان بودند و سرداری کل اینها بر قبل از محصور شدن با عثمان پاشا بود بعد از تکمیل خط
روسها بعضی از اینها جزو عساکر محمد علی پاشا و بعضی جزو قشون شاکر پاشا شدند و ترتیب قشون **پلونا** مطابق
ذیل بود اولاً تومان اول امیر الجیش عادل پاشا سرکرده
سه بریگاد داشت باطالیون سرتیپی حسن حامی پاشا و عاطف پاشا و علی پاشا که من حیث المجموع عبارت
بود از بیست و چهار باطالیون و چهار اسکادرون و بیست و چهار عراده توپ
ثانیاً تومان دویم در تحت فرمان حسن صبری پاشا امیر تومان فریق معروف به چرکس حسن دو بریگاد
و شش باطالیون داشت به سرتیپی خلیل پاشا و احمد خیری پاشا و یک بریگاد و شش باطالیون به سرتیپی محمد پاشا
و حاصل جمع آن عبارت بود از بیست و دو باطالیون و
چهار باطری توپ صحرائی و چهار باطری توپ کوهستانی و ششصد چرکس
ثالثاً تومان سیم که مخصوص حفاظت سنگرهای خارجه مأموریت داشتند در تحت فرمان شخص خود عثمان پاشا بود
دو بریگاد و هفت باطالیون به سرتیپی قرا علی پاشا و دو بریگاد و شش باطالیون به سرتیپی تکی پاشا و ... چرکس داشت و مجموع آن نوزده باطالیون و چهار باطری بود
رابعاً تومان چهارم که معروف به تومان ذخیره نیز بود این تومان را عثمان پاشا روز ورود به اسلام شهر ... نزد کهار گرفت و لباس نظام پوشانیده و اسلحه داده به طریق ایجاد ده باطالیون نمود و دو باطری توپخانه از آن
و امیر الجیش ایشان پاشا بودند و حافظ پاشای سرتیپ و شاکر بیک سرهنگ نیز در تحت فرمان او در آمدند
خاصه توپخانه ذخیره در تحت فرمان سرتیپ توپخانه احمد پاشا

بود مشتمل بر شش باطری توپ صحرائی و توپخانه قلعه که عبارت بود از سی عراده توپ و دوازده ساقمه‌ری کارخانه
کروپ و یک عراده توپ چهل پوند و شش عراده بیست و چهار پوندی و بیست و چهار توپ دوازده پوندی که تمام
آنها از مفرغ یا فولاد بودند و از سر پر می‌شدند این توپخانه را عثمان پاشا از قلعه خود در سنگرهای **ویدین** در
اواسط ماه ژوئیه برداشته بود لهذا قشون **پلونا** مرکب بود از هفتاد و سه باطالیون پیاده و بیست و چهار اسکادرون
سواره و صد و چهل عراده توپ صحرائی و هفتاد عراده توپ قلعه و محاصره
ژنرال **توت لبن** شرحی در باب وضع **پلونا** در حین تسلیم شدنش نوشته
که بواسطه اعتبار محرران بسیار معتبر است این فقره را ذکر میکنیم وهی هذا
قشون عثمان پاشا در زیر دیوار **پلونا** اردوی سنگربندی شده را در تصرف داشت که مدافعه آن بسیار سهل بود
و چندین خط لشکرگاهی معتبر داشت که دشمن در مدت توقف طولانی ما در برابر **پلونا** از آخر ژوئیه مراتب محکم کرده
بود و از استعداد محل زمین و بکار بردن سدهای محاصره بهره‌مند گردیده بود و قوت مقاومت این سنگرها بواسطه
آتش تفنگهای جلدی و تعداد نامحدود فشنگهائیکه دشمن فراهم کرده بود بشدت زیاد می‌شد و بدین واسطه خطوط
تا دو ورس جلو سنگرهای خود را از تگرگ گلوله سرب پوشانیده بودند و از این گذشته لشکرگاههای دشمن بواسطه پهنا
و عمق او را آنکه داشتند که ذخیره خود را خارج از تیر رس توپخانه ما نگاه دارد و تمام دره‌ها نزدیک خود شهر مجمع ...
نقد و ذخیره عثمانی در صورتیکه ما یک نقطه یورش می‌بردیم به سهولت بامداد و تقویت آن نقطه حرکت کند این نقطه
که بالتمامی برای ما مساعد نبود به سبب عدم غلبه ما را در جنگ روز سیام و سی و یکم ماه **او** در برابر سنگرهای **پلونا**
بیان می‌نمایند و همین سبب عزم ما جزم شد که خون بیفایده ریخته نشود و قصد آن کنیم که **پلونا** را از روی ... تمام بلکه
منتظر ورود سپاه معاون باشیم و در محصور و محاصره ... **پلونا** ... کوشش ... این ...

اردوی سنگربندی شده پلونا وقتی کامل شد که اردوی قشون خاصهٔ امپراطوری رسیده و آن قشون
در دوازدهم اکتبر گورنی دوبنیک را در راه صوفیا مسخر کرد پس از آن وقت راه مراوده عثمان پاشا بالکلیه قطع
شد و سپاه او کار را مشکل قرار دادند و دیدند که یکی از این دو کار کنند یا دست از جان شسته و کوشش نمایند
که خط محاصره و احاطه را بشکافند و راهی پیدا کرده فرار نمایند یا آنکه پس از اتمام آذوقه حرب و سلاح بکار
فرو برند و تسلیم شوند پس مدت توقف سپاه ترک در پلونا بحساب عقل صحیح مستقیم و ثابت با تعداد آذوقه
آنجا یعنی هر قدر آذوقه عثمان پاشا بیشتر بودی توانستندی تاب مقاومت آورند ولی بنا بر اطلاعاتی که حاصل
کرده بودیم می‌دانستیم که آذوقه‌ای که در پلونا است بقدری است که قشون منتهی دو ماه را بتوانند صرف کنند و چون
تسخیر پلونا و غلبه بر قشون آن طریقه محصوریت را انتخاب کرده بودیم لازم آمد که در این کار بطالت قدم ثابت نمائیم
و در صدد یورش و قهر و غلبه بر نیائیم زیرا که فایده و نتیجه مترتب نمی‌شد سبب قرب تعداد کشتگان بالمکرر دیده و معتقد
واجب بود که حتی الامکان دایره احاطه و حلقه محاصره را تنگ کنیم و بکمال مجاهده در انجای آدمیم که دشمن نتواند آن خط
محیط را از محلی قطع کند و این مجاهدات را عمل نماید مگر از مستحکم کردن معسکر و حفر خندق و بالا بردن خاکریز و استوار
ساختن باطریها و برپا کردن سنگرها و تکیه بر چهار نقاط معتبره و با همه وجه فرو گذار نکردیم و علاوه بر آن تقویت آتش توپخانه خود را بر
قلاع معتبره دشمن لازم می‌شمردیم و بایستی ممکن بود چند قلعه و خاکریزهای لشکرگاه خود را بیشتر بریم تا بلکه بحدی
حتی المقدور از شر دشمن و آتش تفنگ دشمن مصون باشند و نیز لازم آمد که فیمابین اردوهای خود راههای مخصوص
سهل المسلک ایجاد نمائیم و نیز برای علامات نصب کنیم تا حرکات عساکر سهلتر شود و واجب شد که تلگرافها بنا کنیم و در دو
خط احاطه و محاصره سیم تلگراف قرار بدهیم و بالاخره تدارک و استعداد کاملی برای آن ببینیم که اگر دشمن از جای
خویش بیرون آید بهر نقطه که یورش نماید ورود فوری و تعاقب عدیده سپاه خود را بتوانیم در آن نقطه مجتمع

نمائیم

کنیم با این ملاحظات خط لشکرگاهی که دور پلونا احاطه کرده بود و بمقدار و سی و شش ورس محیطی
منقسم گردیده و قسمتی را در تصرف مقداری از قشون دادیم که بر حسب وضع و اعتبار زمین با تعداد سپاهی که آنجا ثبات
داشت و علاوه بر اینها یک نقشه احتمالی از نقاط ممکن بخروج عثمان پاشا رسم کردیم و برای هر یک از اردوهای
اقواس احاطه فرستادیم و طرح جنگ و حرکت را نیز با آنها نمودیم که اگر دشمن از فلان یا فلان نقطه قصد خروج کند
تکلیف هر یک از دسته‌های قشون فلان یا فلان وضع و حرکت خواهد بود و باری چند روز قبل از آنکه عثمان پاشا
عزم خروج از حصار خود کند در اردوی چیم جوتسک را و بعضی ژنرال کانتسکی و ژنرال کاتالای از جنبش و حرکت
داده دانستیم نتوانیم درست حساب زمان حرکت و اجتماع عساکر خود در اطراف خروج سپاه محصور کرده باشیم و با
سبب بیست و هشتم نوامبر که اتفاقاً روز هر یک از اقواس محیطی رسید بطور یقین که عثمان پاشا تدارک و استعداد کافی
فراهم آورده که از پلونا خارج شود و با سپاه خود خط محاصره ما را بشکافد و بیرون رود در دوازدهم دوربین دشمن
توپخانه دشمن بر اثر ضعیف شده بود و در شب آن شب کلاخ خاموش شد فراریان عثمانی ما را مستحضر ساختند که
جسره سکاج و بعضی قشون پلونا تقسیم کرده‌اند و از اسلحه آنها با زور دید نموده‌اند و در نزدیکی شهر در راه صوفیا حرکت عظیم
شدیدی بنظر می‌آمد و در اردو معلوم بود و بعد از بسیاری از اهل کارزار و عرابه‌های بسیار جمع آوری شده بود
و ارکان پلی برای انداختن روی رود وید مهیا ساختند در جائیکه در تحت حمایت سنگرهای حصینه اردوی گرنادیر
بودند از تمام این علامات ثابت شد که دشمن در صدد بیرون آمدن و کوشش شدید از سمتی است که جمعی
محیطی سپاه ژنرال کانتسکی واقع شده (آخر راپورت)

ژنرال توتلبن ملاحظه خروج مدافعین پلونا احکام ذیل را کرده بود
اولاً اینکه یک بریگاد از توپخانه شانزده هم پیاده و دو باطری توپخانه با یک بریگاد از قشون نظام پیاده افواج

در تحت فرمان ژنرال اسکوبلف چپاتی روز دهم اسب مرعا الطلیعه بساحل ایبر رود وید رزند و از آنجا بکو
نومان شانزدهم باتبه باطری زدنگ دلی دانیک بروند و مستعد امداد ژنرال کانتکی باشند
در برکاد دنومان سیم خاصه باستحکام حکم مجدد داد در شب دو دکیه برج نزدیکی که در ساحل ایبر رود وید واقعست
ماند تا در حین ضرورت بتوانند از قشون ژنرال کانتکی باژنرال کانالای امداد نماید
ثانیا برکاد دیگری نومان شانزدهم باتبه باطری دیگر توپ در لشکرگاه خود نماند ولی منتظر و مستعد حرکت باید
ثالثا باطالیون از برکاد دسیم مجران که خبر بساحلوی
قوس محیطی چهارم بودند روز دهم صبح زود به گریونیزا رفتند تا از قشون ساحلوی قوس دوم تقویت
و حمایت نمایند و آن قوس در تحت فرمان لیوتنان ژنرال کرودنر بود
رابعا محل لشکرگاه مقدمه که در جاده پلونا لوچا مابین یک برج سرکوچ و دره توچنیرا واقع است در تحت
یک برکاد از نومان سی ام پیاده نظام است و برکاد دیگران در اردوی حبل الاحمر آکوچرالک
نماند و مستعد حرکت باشد در کرده که قطعه چهارم بژنرال چینتیکف تعلق دارد
خامسا چهار باطالیون از قشون رومانی باسه باطری روز دهم در اول طلیعه از ورزینترا تقریبه دمرکوی رفته نهند
و چهار باطالیون رومانی و دو باطری توپ هم در ورزینترا برای حرکت آماده باشند آخر احکام
این ترتیب سپاه هم از عساکر ژنرال کانتکی تقویت نمودند و هم در صورتیکه ترکان قصد این نمودند
که از یک سمت داوی دیگر یورش یاورند قشون روس بتوانست هر یک از اقواس محیطی که حمله در شده اند
خود را برساند شب هم و سامر یک سرباز فراری سرکرده که قوس پلونا لوچا خبر داد که ترکان قلعه
کریشینا را خالی کرده اند ژنرال اسکوبلف حکم داد که فوراً یک دسته داوطلب جهت تحقیق صدق این کلام روانه

شود داوطلبان

شود داوطلبان قلعه را خالی یافتند و پس از کشف این معنی قلعتین بزرگ و کوچک کریشینا و
خاکریزهای حبل الاخضر در تصرف عساکر نومان سی ام در آمد تا ساعت نه بطور مانده ژنرال توت لبن
اطلاع یافت که ترکان بزرگ دو دکیه برج گرفته اند لهذا فوراً تمام عساکر ساحل یمین رود وید را فرمان داد که
پیش روند اما برکاد نومان شانزدهم با طالیونهای نهم و دهم و یازدهم افواج مجران که بسوی تقریبه کریونیزا
رسیده بودند مأمور شدند که در ساحل ایبر رود وید حرکت کنند و در تحت فرمان ژنرال اسکوبلف در آیند
تا از عساکر ژنرال کانتکی تقویت کنند در ساعت ظهر ایمپراطور وارد یک برجی که مابین قریه رادیشیوو و دره
توچنیترا بود گردید در طلیعه صبح مابین عساکر عثمانی با
و اردوی ژنرال کانتکی جنگ درگرفت و شب هم قدری عساکر کرنادیه از قسمتهای لشکرگاه خود
جدا شدند یعنی از نومان دوم کرنادیه فوج پنجم کیو و از نومان سیم کرنادیه فوج نهم سیبری جدا گردید تمام
خاکریزهای خط مدافعه را متصرف گردیدند و یک گاه عمده ایشان فوج ششم گرنادیه توریده و فوج دهم گرنادیه روس صغیر بود
تمام توپهای نمره ۹ و برکاد توپخانه در خط اول مدافعه نصب شده بودند و تمام توپهای نمره ۴ در خط ثانی در کوزلی
زاترویل و دلنی دانیک جای داشتند و خاکریزها و سنگر شمال کوزلی اتروپل و خود آن قریه در تصرف فوج
هفدهم از خارتل و دو باطری رومانی بود و دو فوج هجدهم دلوکدا با دو باطری بجای ذخیره آن معین گردید
هفت ساعت و نیم بعد از نصف شب طوایر یورش عثمانیان پخته شد و صف جلو رو سپاه در آن
انجا منحرف گردید و ژنرال ثانی و دانیلف فرمانده قسمت سیم گرنادیه با باطری دوم توپخانه گرنادیه فرمان کشیدن آتش
داد و فوج دهم گرنادیه روس صغیر را امر نمود بجانب کپانی گیلا روانه شود و در همان وقت از کوزلی اتروپل بکار
دوم را با باطریهای توپ نمره ۴ خواسته بودند ترکان پس از آنکه در

عبدیهای نزدیک به پل و کنار رود و ویدن آتش توپهای خود را گشودند و فرا گرفتن سه حلقه طرفین رود را
و زمانه طولانی زمین بلندی که جلو طلایه گرفته بودند و برای قشون زیادی که شب مجتمع گردیده پیاده جوانب شده
غنیمت شمرده توپهای خود را بروی سنطه نمودند و یورش بر خاکریز متصرفه قسمت سیم گرنادیه بکمر غیرت و جلادت
خارق عادت شروع شده و صفوف ضخیمه طلایه در جلو جلدی روانه بود و پس از آنها باطالیونهای
گشوده و بعد از آنها عساکر و ذخیره حرکت میکردند و در عقب طلایه توپخانه بر غیب سرانده توقف میکرده برای
انداختن قمپوری و کوشش داشت که بعساکر طلایه ملحق شود
با وجود آتش توپهای ... روسها و تیراندازی تفنگ پیاده که در خاکریزها مقیم بودند ترکان در فاصله
زمانی کمتر از ربع ساعت فاصله میان ... مابین ایشان و لشکرگاه روس بود طی کردند و بخط اول که
در تصرف گروهی از قسمت سیم گرنادیه بود رسیدند و آن سپاه حمله ور در فواصل خاکریزها نفوذ نمود و
تمام مدافعین آنها را کشته شش عراده توپ را در تصرف آورد
سه ساعت و نیم بظهر مانده چون از قشونیکه در مرکز لشکرگاه بود بعضی باطالیون دویم و دسته دویم و سیم طلایه
فوج نهم سیبری مرد زیادی و صاحب منصب متعددی تلف شده آن قشون بجانب کیانی کیلاو سنگر
بر آن منعطف گردید باطری سیم برکاد سیم توپخانه قدری پایداری کرده و بر سر ترکان تیرایل فرو آورد
ریختند لیکن چون ترسیدند او را از زمین فراگیرند ترک مقام خود کرد اما نتوانست بیش از شش عراده توپ خود را
بیرون ببرد زیرا که اسبهای آن دو عراده دیگر کشته شده بودند
فوج دهم روسیه صغیر که در هنگام گیرودار فوج سیبری با دشمن وارد میدان کارزار شده و دسته بدسته
صف بسته و با فاصله سنگر و کیانی کیلاو پیش آمد و چون این دو فوج ملحق بیکدیگر شده فوج روسیه صغیر جلو

دشمن را گرفت و اخبارات فراوانی را او رسید و در مدتی کمتر از چند دقیقه سه مرتبه باطالیون نصف سرتیپها
پیش از پا درآمدند و یورش خونریزی سپاه حمله ور پیش از پیش با تحریف و اسباب تهدید گردید
و در برکاد اول قسمت سیم گرنادیه بواسطه کوشش فراوانی که در مدافعه سنگرها کرده دو نفر مردی باقی نمانده
بود و شش عراده توپ بچنگ دشمن افتاده بود و برکاد دویم ... سپهسالار بامداد برکاد اول رسیده بود
و عاقبت دو ساعت بظهر مانده و از خط جدال کردیده در همان وقت خبر رسید که فوج ششم گرنادیه
سنگر فوج ... گرنادیه به سامونیسی که جزو قسمت دویم گرنادیه بودند ... بعسکرهای قسمت سیم بزرگ
شده اند از وصول این امداد روسها مطمئن شدند که در این جدال و قتال مساعدت اقبالی خواهند
داشت و بالعکس حریف او را امتناع و عدم قدرت گسیختن حلقه محاصره انداخت یکساعت و نیم بظهر
مانده برکاد دویم بر خاکریزهائیکه ترکان متصرف شده بودند یورش برد و پس از آنکه دشمن را از او
سنگر بیرون کرد گرنادیه‌های حاجی ترخان با جنگ سخت هفت عراده توپ و یک بیرق از ترکان
گرفتند و دو باطالیون از فوج سیم ... دلوگدا که مدتی قبل نزدیک سنگر ... خاکریزهای لشکرگاه رسیده بودند
یکطرف ترکان با معاونت یک باطری توپ رومانی حمله ور شدند
در هنگامیکه یورش برکاد دویم قسمت سیم گرنادیه فوج ششم گرنادیه سامونیشی سرکرده کیلوشان از ... دل
سوچین در فاصله کورنی دولنی از رویل سر درآورد و این گرنادیهای سامونیشی با سرنیزه بر دشمن حمله
نمودند و بدون اینکه یک تیر تفنگ خالی کنند ترکان را از خاکریزها خالی نمودند و ایشان را منهدم ساخته
شش عراده توپ از آنها گرفتند
روسها پس از آنکه مجدداً خط جلو را متصرف شدند قدری توقف کردند زیرا نزدیک ظهر بود که ترکان

شروع بر گرفتن طلیعه ارتش بجانب رودید نمودند و چون تمام باطریهای برکاد سیم توپخانه گرنادیه درمیان
خود سپاه روس نصب شده بودند و آن آتشخانهای بزرگ آمیز را گشودند ترکان را زیر میترایل خمپاره تیز
ساختند از این بابت عقب نشینی ترکان شبیه به شکست گریز گردیده به ترکیب دسته‌های غیرمنتظم رو به پل ودید
مجتمع شده مخلوط عراده‌های بارکشی کنار جاده شدند

با وجود تفرقه کامل سپاه و زیان فراوانی که بر آن رسیده بود دیگر عثمان پاشا نتوانست در خیال تجدید
یورش شکند خاصه در صورتیکه عساکر سایر اوقاس دایره محاصره روس پیش آمده بودند و نزدیک بودن
بودن و ورود قسمت شماره دهم پیاده نظام و توپهای اول سیم افواج خاصه جای شکی باقی نمیگذارد که در این
جنگ سخت و جدیدی در پی خواهد آمد و پس از اندک زمانی روسها در تمام خط جدال‌های یورش گذاردند
قسمت ژنرال دانیلوف شروع بجمله اقدام کرد در حالتیکه از طرف سایر برکاد اول توپخانه پنجم پیاده و از
بین برکاد دویم توپ دویم گرنادیه از خندق و خاکریز خود بیرون آمده قصد برگرداندن ضلع ایسر ترکان نمود
و علاوه بر این باطالیون دویم فوج پنجم گرنادیه با یک باطالیون از فوج ششم گرنادیه توربید رو به رود ودید
نهاده از گذار به آب زدند تا خندق ساحل ایسر متصرف شوند گرنادیه‌ای از رود گذشته در حالتیکه آب
تا کمر آنها بود و از خندقهای بلاسوانس بالا رفته بسنگر عثمانیان که مشرف بر آنها بود در ریختند و ساخلو آنجا
بدون خالی کردن تیری تسلیم شدند برکادهای قسمت دویم افواج
خاصه و قسمت شماره سیم پیاده نظام که برای حمایت عساکر ژنرال کانتسکی آمده بودند مداخله در جنگ نکردند
و از راپورت ژنرال کانالای چنین بر میآید که روز دهم دسامبر پنج ساعت بظهر مانده شش باطالیون از
توپخانه سیم پیاده نظام افواج خاصه را بواسطه پلی که پایه‌های قطعه فرنگ کرده بود سرکرده که ژنرال بارز

از رود عبور

کورلف بساحل ایسر رود ودید گذرانده بود و دو ساعت بظهر مانده نفر پیش ژنرال کانتسکی این دسته
قشون بجانب دلنی دابنیک روانه شده و مأمور گردید که روبراه بنیابا پیش رود تا ضلع ایسر ترکان عرصه را
تنگ کند در این مدت حرکت لیوشان ژنرال اسکوبلف ملحق با این دسته قشون شده برگردوک از ترک خسته‌ها
نمود و حکم کرد که ژنرال کورلف سپاه خود را نگاهدارد و صفوف ذخیره ترتیب دهد و صبر کند تا قسمت سیم
پیاده نظام برسد و چون ژنرال کورلف دو ساعت در جای خود ماند و حکم جدیدی از ژنرال اسکوبلف
باو نرسید قشون خود را مجدداً بسمت انیابا پیش برد ولی بر پل ستکی ودید نرسید مگر آنکه جنگ تمام شده بود
در هنگامیکه قسمت دویم و سیم گرنادیه با دفع حملات سپاه
عثمانی را میکردند سایر عساکریکه در تحت فرمان ژنرال روتف و بارون کرودنر و ژنرال کانالای ژنرال
ماژور شینیتنیکو و ژنرال سرنا سرکرده سپاه رومانی بودند پیش آمدند و برابر سنگربندی عثمانی که
در جبهه‌های شرقی و جنوبی واقع بودند رسیدند بسیاری از این سنگرها را قبل از وقت خالی کرده بودند
و لشکریان شهر پلونا متصرف شدند پس از آنکه وارد قلعه پلونا شدند سپاه را فرمان رسید که از عقب
دشمن را تند رانده از رود ودید پیش رود و آن عساکر کم کم در خندقهای غربی پلونا در نزدیک جاده صوفیا مجتمع گردیدند
جیوش رومانی در سنگر اپوبنس که هنوز در تصرف ترکان بود عایق سختی پیدا کردند ولی پس از
جنگ قلیل الامتدادی ساخلو آن سنگرها اسلحه خود را فرو ریخته در رومانیان سه عراده توپ و دو هزار
نفر اسیر گرفتند ژنرال کانالای چون با قسمت سیم پیاده
نظام افواج خاصه در ساحل این رود ودید مانده بود مشاهده کرد که ترکان بجانب آن رود خانه عقب نشسته‌اند
قصد آن کرد که یک برج برابر کوه ولهبنی را بگیرد تا تمام طرق فرار و گریز دشمن را از اردوی سنگربندی شده خود

قطع نماید نیم ساعت بظهر مانده بدون جنگ و خالی شدن تفنگ عسکر روس متفرق گردیده و محو گشتند

که عسکر محمد پاشا نیز در حیز تسخیر درآمد یعنی پس از مقاومت مختصری سپاه انجا تسلیم شدند یکساعت از ظهر گذشته

عسکر سپاه و عسکر کلهٔ قدی در تصرف درآمدند و سرداران افواج خاصه در این عسکر با کمیفر پاشا و چند

بیست نفر صاحب منصب و سه هزار و هفتصد و سی و چهار نفر سرباز اسیر کردند و چهار عراده توپ بدست آوردند

و از طرف ایشان ۵۰ نفر کشته و یازده نفر زخمی شدند

چون از هر طرف ترکان گرفتار قوتهای عظیمه و متفاصله گردیدند دیگر قادر بر مداومت بمحاربه نبودند لهذا اعلام

جی پیش فرستادند و رئیس آتاماروران عثمانی نزد ژنرال کانمنکی رفت و اعلان نمود که عثمان پاشا زخم

داشته و طالب است که شرایط تسلیم را اعلان ژنرال کانمنکی گفت که تمام لشکر عثمانی باید بدون شرط

تسلیم شوند عثمان پاشا قبول کرد و ژنرال کانمنکی بنفسه نزد حریف دلیر خود شتافت

در این روز لشکریان روس ده نفر پاشا و یکصد و سی نفر صاحب منصب کل و دو هزار صاحب منصب جزء و چهل هزار

پیاده و توپچی و هزار و دویست سوار از ترکان اسیر گرفته و شش هزار نفر از عثمانیان بخاک هلاک افتاده بودند و بقیه

وسعت عراده توپ بسرباز دست داده بودند و تلف شده کان قسمت دویم و سیم گرنادیه روس از این قرار بود

مقتول صاحب منصب کل ۲ نفر صاحب منصب جزء سرباز مجروح سردار صاحب منصب کل ۳ نفر صاحب منصب جزء

سرباز ۱۲۶۳ دار برکاد اول قسمت پنجم پیاده نظام صاحب منصب بزرگ

سرباز زخمی شده بودند شرح دیگر از روزنامهٔ رسمی دولتی روس عبارت بنگاریم زیرا که از حیث حقیقت بیشتر مجبور

از منظورات عثمان پاشا را مستحضر میسازد و در این قصه چیزی حذف نکنیم اگرچه سبب طول کلام بوده است

ژنرال استروکف چون نزدیک پل رود وید رسید یکنفر صاحب

عزرائل

منصب ترک را سوار اسبی و سبیل کم و بعمار تک داشت مشاهده نمود که از طرف برابر روبرو میاید و دو نفر

در عقب او بودند و با او خود و پس قرمزی که بسر داشت این صاحب منصب سیمایش بمردم فرنگستان شبیه تر از مردم

عثمانی بود و همینکه نزدیک ژنرال استروکف رسید با کمال خوشروئی دست خود را بکلاه خود برده سلام نظامی

داده و بزبان فرانسه گفت توفیق پاشای رئیس ارکان حرب آتاماروران عساکر عثمان پاشا ام ژنرال استروکف

نیز اسم و منصب خود را بیان کرد و از او سؤال نمود که آیا از جانب عثمان پاشا وکالت مطلق دارید توفیق پاشا

گفت نه استروکف مجددا اظهار کرد که پس منظور شما از نزدیک شدن بصفوف ما چیست توفیق پاشا

پاسخ داد که قشون ما تسلیم میشود و عثمان پاشا هم استروکف گفت میدانیم ولی یک وکیل مطلق باید آید

که از شرایط تسلیم گفتگو کند و ما باتو شما نوشته‌ایم که برای ما کسی لازم است که بکلی قائم مقام سردار کل شما بوده

باشد توفیق پاشا جواب گفت که چون عثمان پاشا زخمدار و ممکن نیست که بتواند ژنرال کانمنکی

بیاید و نمیخواهد تکلیف معظم تسلیم قشون را بجندی واگذارد لهذا از ژنرال کانمنکی خواهش میکند که مجبت نموده فورا

تا قراولخانه نزدیک جاده تشریف بیاورد که در انوقت سردار کل عثمانی در آنجا حاضر و منتظر است ژنرال استروکف

فورا احوالات نزد ژنرال کانمنکی روانه داشت و توفیق پاشا عطف عنان نموده بشتاب نزد عثمان

پاشا شتافت چند دقیقه قبل از این محاوره بسپاهیان را حکم صادر شده بود که ترک تیر اندازی کنند

ترکان نیز دیگر تیری خالی نکردند و در این وقت یکنوع حزن عمومی و تعطیلی دست داده بود و تمام اعصاب تهدید

کرده بودند و هر کس میدانست که اگر خدای نکرده یک تیری از روی سهو و عدم ضبط خالی شود فورا جنگ تجدید

خواهد شد و خونریزی و اتلاف نفوس مراتب جنگهای پیش خواهد بود ژنرال کانمنکی نیز

گویا در این خیال غرقه بود زیرا که همینقدر که نزدیک پل رسیدند قراولخانه را ژنرال استروکف نشان داده

واشاره کرد وگفت بروید استروکف براسب خود مهمیز زده از سر بالای خیابان که در آنجا کشتگان
در میان ترک در خون خود می غلطیدند بالا رفته وگروه گروه سربازان عثمانی مجتمع بودند که گرچه هنوز سلاح بکار ان
بجا بود ولی در روی پل و عرض راه و خاکریزهای باطریهای دهنه کوهها بیگی همت شاز زدیم پیاده روس درست
فرمان ژنرال اسکوبلف میپیمودند و قدری متمایل بر ایشان برگاه جمعی ژنرال فیلرف حرکت میکردند و صاحب منصبان
ایستاده بودند ژنرال استروکف از میان سربازان رد گشت
میگذشت و غالباً منحرف میکرد و عطف عنان میکرد تا از لگدمال کردن کشتگان و زخمداران پرهیز کند و عاقبت
نزدیک قراولخانه رسیده دید گروهی انبوه از ارباب مناصب و بیکها و پاشایان و چلبیان با علامات
صلیب قرمز واجود انبوهی از اردوی عثمان پاشا را در اطراف آن قراولخانه متحیر دید خانه که منزل این سردار بود
مسکن محقری داشت که بامش از سفال پوشیده بود و دیوارش مدانه گلی چسبیده بود و چندین
خاکریز و سنگر که در حوالی آن جهت دفاع بپا کرده بودند و ژنرال استروکف جلو در بست خود را
فراغ از دل خود داده و داخل حیاط شد در برابر او نمودار شد که یکی از اطاقهایش باز بود و چلبی با ترشی شکه
پر بود از محوطه و حجره بسمت راست پر از صاحب منصب عثمانی بود و بالای سر آنها دود چپق و سیگار تا سقف
ابر دار حرکت بود و در کف اطاق اسباب بزرگ خورد شده و فشنگ شکسته و اسلحه کج و معوج و اوراق
ریخته بود و تمام آن جمعیت با صدای آهسته با یکدیگر صحبت میکردند و بشره ایشان متغیر و متاثر بود استروکف
بزبان فرانسه پرسید عثمان پاشا کجاست کمیته صاحب منصب که او نزدیکتر از سایرین بود بدون آنکه
هیچ حرکت بکند با لبی برهم زده با سر اشاره بحجره بسمت چپ کرد استروکف نزدیک در آن حجره رفت
در را باز کرد و داخل شد عثمان پاشا در روی نشیمن چوبی که

بابعلی ابی آورد

پاهایش بزمین فرو رفته بود در اطاق کوچک محقری که در طرف یمین در آن بخاری کوچکی دود میکرد و بواسطه
دو پنجره تنگی اندک روشنائی داشت نشسته بود بدیوار تکیه داشت و از سیمایش پیدا بود که صدمه باطنی و ظاهری
خورده است و اگرچه رنگی باخته داشت ولی چهره‌اش آرام و بی اضطراب بود و پای چپ مجروحش را از چکمه بیرون
کرده در روی جعبه چلبی تاج از فشنگ دراز کرده بود و حاجب بیگ طبیب عثمان پاشا که پیرمردی بلند قد و قوی
جثه بود در روی زمین دو زانو نشسته مشغول ملاحظه زخم سردار بود و در اطراف خود هرگونه دوا و اسباب
جراحی و شکسته بندی و یک طشت و شیشه قطری شرف زمینی داشت
عثمان پاشا در نظر اول بسیار خوش سیما می‌آمد گویا چهل سال داشته باشد از نظر گذشته مردی قوی بنیه بلند
القامه سمین البدن را با ابروان کشیده و چشمهای میوطی رنگ و زبان شیرین و دهان خرد سندانه و چهره دو
صحیح المزاجی در نظر آمده که در مجالس کم و سیاهی زینت گرفته تقریباً قیافه و شکل عثمان پاشا را در نظر آورده اند
یکی قبای با بوت سیاه بسیار خوبی در بر داشت که آستین ایش از نوار کلاتون مزین بود ولی در گردن
و جلو سینه‌اش هیچ نشان دولتی معلق نبود و پالتوی خود را بطور عثمانی در دوش انداخته شمشیر کجی بگردن
حمایل نموده بود در کنار دیوار اطاق پاشای متعدد ایستاده و از علامت سر زیر انداخته بودند عادل پاشای
امیر تومان (فریق) که در جنگ شرقی سابق مشارکت داشته و مرد بیت بلند قامتی بود و قره باشی
د توفیق پاشا که در پاریس تربیت شده و عاطف پاشا و حسین پاشا و صادق پاشا و ادهم پاشا و چندین پاشای
دیگر جزو این جمع بودند محض ورود ژنرال استروکف عثمان
پاشا بعنف برخواست و برسم اهل شرق زمین او را سلام داد و دست خود را برای مصافحه با او
دراز کرد ژنرال استروکف گفت امروز در شمار خوشترین امید عظیم و فرصت داد و بدون آنکه شک کرد

۱۵۰

عثمان پاشا جای ایشان و دعوت جلوس کرد و لیکن ژنرال استروکف محض رعایت قانون نظامی و
ملاحظه احترام او که سردار کل بود ننشست و ایستاده گفتگو کرد و در عقب سر ژنرال استروکف چند نفر صاحب منصب ترک
که تازه از جنگ با عساکر ترک در اوپوتیس فارغ شده بودند ورود کردند این ارباب مناصب با ابطال عثمانی
خود از باطری‌های عثمانی عبور نموده از راه خیابان وارد در حلقه شدند

گفتگوی رسول با عثمان پاشا بزبان فرانسه شد و این سردار کل زبان فرانسه را می‌فهمید چندان عادت
بحرف زدن نداشت که بتواند از مترجم بی نیاز باشد باری ژنرال استروکف گفت بجانب سردار کل من
از جانب ژنرال کانتکی خدمت شما می‌آیم که اولاً شما را تمجید بکنم از دلیری دلیرانه و نمایان که جناب شما
بروز دادید ثانیاً در این ضمن بجناب عالی عرضه بدارم که چون ژنرال کانتکی هیچ چه از جانب نواب والا حضرت او ندارد کاری
شاهزاده سردار کل فرمان و دستور العملی در دست ندارد نمی‌تواند تسلیم شما و تمام قشون شما را قبول کند مگر
بدون هیچ شرطی باشد عثمان پاشا با کمال توجه این سخنان را گوش کرد و در دریای تخیل غوطه‌ور شد
و پس از یک دقیقه سر بلند کرده و طرف خود را مخاطب ساخته با آهنگ ملایم و خرم خرم حسرت آمیزی گفت امروز
یکدیگر شناسائی نداریم و اگر چه ایام پی در پی می‌آیند و میگذرند و لیکن هیچ روز در روزی تعاقب نمی‌نشیند
هر روز روز اقبال است و هر روز روز ادبار پس از آن بجانب ژنرال استروکف برگشت و با آهی که گواه دوری از کین
افکنده گفت من از سردار کل عسکر شما اطاعت میکنم و این کلمات که عثمان پاشا در کمال اختصار و صبوری
آهسته بیان کرده و دلالت میکند بر اینکه چه قدر باطناً خون دل خورده است چهره این پاشای شجاع عصبانی
پیدا کرده بود که بموجب مزید محبت یا سابقه و طبیعی نسبت باین سردار دلیر شد استروکف با صدای
آهسته گفت جناب پاشا غصه مخورید که امور همه بسته به اینست خداوند اعظم که رقاب در دست اوست از روی صفح عثمان

بدرستی

پاشا معلوم بود که بعد از فتوحات عدیده که در مدت چهار ماه کرده بود حالا این نوبت هم بقدرت و
قوت قلب و دانش او قصوری بظهور رسید ولی افسوس زوال یافته بود و چنان بنظر می‌آمد که این جنگ
آخر را محض افتخار و حسب‌النظامی کرده باشد ملکه سردار کل عثمانی را عقیده آن بوده که راه مساعد برای سپاه
خصم باز خواهد کرد و گرنه به تمام ارباب مناصب خود فرمان میداد که قاطبه اثاثه و بنه خود را همراه برداشته و
سپاهیان خود را مشعر نمود که تمام قورخانه و اسباب جنگ را با اهالی عثمانی پلونا از عقب بیاورند و علاوه
بر اینها هیچ چیز از فتوحات ژنرال گورکو در بالکان خبر نداشت و تسخیر وراتزا و اوردوپل و تصرف ارخانیه
و ورجیش کلاً بر او پوشیده بود و گمان میکرد که راههای صوفیا و ویدین در عقب خط محاصره قشون باز
آزاد است
پس از اینکه ژنرال استروکف از عثمان پاشا
اقرار شنید که کاملاً مطیع اوامر نواب والا شاهزاده روس است کس بطلب ژنرال کانتکی فرستاد و در
این بین جناب طبیب بستن زخم پای عثمان پاشا را به انجام رسانید این سردار با صدار بدون اینکه کلمه
حرف بزند نشسته بود و پاشاهائی که در کنار دیوار اطاق برپا ایستاده بودند بر سکوت تمکین نمودند

نیم ساعت بعد ژنرال کانتکی وارد اطاق عثمان پاشا شد و این سردار
سپاه و دید که کلاه خود را بر داشته با آن صدای که مخصوص سپاهیان کهن سال است دست مصافحه
بجانب حریف دلیر خویش دراز کرده و هر دو از روی محبت با یکدیگر مصافحه محبت آمیزی کردند ژنرال کانتکی
عثمان پاشا روی کرده با نگاهی روشن و مودت گفت شما را تهنیت میگویم و تمجید میکنم حمله شما بسیار
خوب و درست بود هستند هم امروز نباید بسلطور را فرو بریزند پس از آن پهلوی عثمان پاشا نشست و تا وقت
یک دقیقه سکوت کاملاً دست داد و آن دو سردار بیکدیگر نگاه میکردند گویا فی الفقه یکدیگر را می سنجیدند هیچیک از

پاشایان حاضر حرکت نکردند تا فرمانی را که کانتسکی خواهش کرده بود بدهد یعنی مجلس راضی نمی شد که
آن تا آخرین حکم نوشته را بزبان جاری کنند آنوقت ژنرال استروکف بساعت خود نگاه کرد و به ژنرال کانتسکی
خطاب نمود که جناب سردار ساعت چهار است دو دقیقه مانده آیا خواهش خود را انجام میدهید یا نه فرمود
ژنرال کانتسکی بواسطه مترجم خود مکرر مطلب نمود آنوقت عثمان پاشا از روی جا در ایستاده بلند نمود و روی
عادل پاشا کرده در اطاق را به او نشان داد عادل پاشا با کمال احترام و افسرده گی از در اسلام نظامی او
با ژنرال استروکف از قراولخانه بیرون رفت آن فرمان تسلیم را بدو بعد از آن عثمان پاشا خواهش بیان کرد
جمع کردن شمشیر خود را بسرعت از میان باز نمود و قدری به آن خیره خیره نگاه کرد و گویا او را وداع میکرد عاقبت
آدیوتانت کشید و شمشیر خود را تسلیم ژنرال کانتسکی نمود

در این مدت عادل پاشا از یک بلندی بالا رفت و یک تلّ بالای مناره و گلدسته صعود نمود و چند کلمه
خطاب به عساکر عثمانی کرده باشارات به آنها معلوم ساخت که باید اسلحه فرو بریزند آن لحظه بود سوم
سکوت کامل دا انکار و مقاومت آمیخته سربازان جبان بی حرکت مانده بودند که گویا برق و صاعقه شان زد
صدای عادل پاشا بی محرمانه را شنیدند ولی در طلب یراق شدن هیچ روی خود مبادرت ندادند آخر صاحب منصبان
به اصرار و زور آنها را بیکاره واداشتند اول آنها را که نزدیک قراولخانه بودند اسلحه خود را بر روی هم بگذارند
بعد بسرعت با طالیونهای خود ملحق شدند تا آنها را مجبور سازند که همین عمل را بکنند بالاخره تمام سربازان که
خیابان آمده تفنگهای قشنگ و درزن و رزده حال تو خود را باشارات والی مجبور به نهادن جبدی فرو
افکندند و در این هنگامه عساکر پیش نزدیک عثمانیان بر آمدند و در پشت سر اگر قصد آن بیچاره گان
دیگر هیچ چه راه و رخنه نداشتند که می توانستند از آن حلقه خارج شوند

چندی نگذشت که از جانب نواب گراندوک و ژنرال معتبر اسکوبلف
چند سر و وارد ژنرال دامن عثمان پاشا شدند و با او آشنائی پیدا کرده صحبت نمودند ژنرال اسکوبلف بمترجم
خود گفت خدمت پاشا عرض کن که هر مردی بالطبع که باید در شک ندیده و آرزو نموده است و من از ثبات
حسن نظامی عثمان پاشا مبرهم که موقعی یافته است دیده و لت خود خدمت نمایانی کرده است از آنکه
ما را مدت چهار ماه در پشت دیوار پلونا معطل نموده است عثمان پاشا باشاره از روی اظهار امتنان کرده با تمام
خضوع بمتری جواب گفت که سرکار ژنرال با وجود خوا به چندین نوبت معرض امتحان بر کرده که در آمده و اگر من تاج
نباشم اقلاً اولاد من از در اسلام فلدمارشال سردار کل سپاه روس خواهند داد

ژنرال های اسکوبلف و کانتسکی نیم ساعت دیگر با عثمان پاشا
و بعد از آن طرف رود وید معاودت کردند تا از نواب گراندوک سرکار کل استقبال و پذیرائی کنند ژنرال استرو
کف عثمان پاشا تکلیف کرد که داخل پلونا شوند بخیال آنکه شاید نواب گراندوک از راه خیابان بیاید و ایشان را
در راه ملاقات کند ما ری کالسکه عثمان پاشا که بر دو آب کرنگ بسیار قشنگ بسته بودند از کنار پل
و سکوی در خانه آمد و گروهی انبوه از زنک و روس گرد اگرد آن کالسکه را گرفته بودند که سوار شدن عثمان پاشا
را تماشا کنند عثمان پاشا را صاحب منصبان بر روی دست گرفته از قراولخانه بیرون آورده با کمال خوشی بر روی
بالش کالسکه جای داده و بعد طبیب او نیز در برابرش نشست عثمان پاشا قبل از حرکت به تمام سربازان خود که در
اطرافش بودند سلام داد آنوقت کالسکه چی تازیانه ای بر اسبها زد حرکت در آورد و کالسکه در حرکت آمد در پیشاپیش
کالاراش غلام رومانی در جلو و یک دسته سواره نیزه دار بسر کرده که باکوینی سرپا دارد از عقب آن ادوان
بودند ژنرال استروکف گفت که چون در پهلوی کالسکه عثمان پاشا سواره بود قیم و تمام آنها از راه این

سردار عثمانی در اطراف یا در عقب کالسکه سر کرده با مدار خود آمدند چون عثمان پاشا در جلو گاریش
سواره را دید اندک اخمی کرده و ژنرال استروکف جواب داد که چون تسلیم روسها شده ام خوش ترم نیاید
که کسی جز روسها با من همراهی کند ژنرال استروکف جواب عرض کرد که این حکم با من نیست و علاوه
بر این محض تشریفات در عقب شما سواران روس میآیند و چون عثمان پاشا مطلع شد که در عقب او
نیزه داران روس میآیند آرام شد و قبول کرد که عقب سر ما نیایند روانه شد

پس از آنکه عثمان پاشا و همراهانش مقداری مسافتی از راه را پیمودند از ساحل رود وید فریاد هورای
شادی برخاست و معلوم شد که سردار کل ما دارد و نزدیک است از میدان جنگ وارد شده و تو لشکریان
را از فتح نمایان پلونا تهنیت میگویند لهذا زمام کالسکه عثمان پاشا و همراهانش منعطف ساخته تا از
موکب نواب والا گراندوک استقبال نمایند

روز دوازدهم دسامبر نواب والا گراندوک سردار کل با ژنرال نپوکویچیتسکی به براديم رفتند تا مجلس شورای
نظامی که در حضور اعلیحضرت امپراطور منعقد میشود حاضر باشند آن روز را در بوگوت منتظر عثمان پاشا بودند
و برای منزل او در نزدیکی چادر پوش سفره خانه یک چادر نمدی کبر قیرا (طایفه از ترکستان) زده بودند
در جلو آنجا در یک جوقه قراول احترام از فوج ششم اوقلیچ چادر زده بود و برای این خدمت زبان این
سربازان آن فوج را انتخاب نموده بودند ورود عثمان پاشا به واسطه بستن زخمهایش چند ساعت بعقب افتاد
آن وقت دیدیم که ژنرال کانتسکی وارد شد و در صورت تلگرافی که ما و غنیمت را که تحصیل کرده بودیم از روز
دهم دسامبر آورده و آن صورت را فوراً به پطرزبورغ تلگراف کردند معلوم شد که از روز پیش از روز بعد
ماندن و حال آنکه حسین پاشا میگوید تقریباً سی برف در پلونا بوده ولی ما طالبوتهای آنها را سوزانده و دیگر

خاک کرده بودند یک برنج هم در زیر نعشهای کشتگان که مانند تلی در روی هم ریخته شده بود یافتیم و چیزی
دیگر هم از زیر خاک بیرون آوردیم تمام توپهایی که بدست آوردیم از فولاد و دو از زن کارخانه کروپ بودند
و پنج ساعت بعد از ظهر صف طولانی از سواره کالاراش
و سواره نیزه دار خود ما نیز با بیرقهای قرمز و سفید مشاهده کردیم که در اطراف کالسکه حرکت میکردند و بعد از آنها پاشایان
و ارباب مناصب بادی می آمدند کالسکه عثمان پاشا بود که از عقب صاحب منصبان تا بوگوت آمد و در دوز ژنرال
و ژنرال استس در در چادر عثمان پاشا پیاده گردیدند و در همان وقت قراولان احترام او با صدای بلند سلامی
که در خور سردار کل میباشد دادند گراندوک در عقب عثمان دوباره به براديم آمد تا نسبت به عثمان پاشا از ژنرال
خود دستور داد تا بسته به شده است بعد از آن بنا شد که نواب والا همیشه همراه او خود صرف شام نماید برای پاشا با آن
دو دسته اما با رود عثمانی در چادر سفره خانه شام چیدند و عثمان پاشا در چادر خود صرف شام کرد و در حین عبور گفته بود
که تحت تمام اسباب آسایش را مرتب ساخته اند که یک بخاری آهنی هم در چادر افروخته بودند و در این امکان
این فقره اسباب حلال تعجب است — در وقت شام خوردن
نواب گراندوک تلگرافی رسید که شاهزاده سرژ اروبچ حمله سلیمان پاشا را که خواسته است صفوف ما را شکسته
دفع نموده است این خبر را چون در تمام ارباب مناصب رسانیدند چندی نگذشت که قاطبه اهل اردو مطلع شدند
و فریاد هورای شادی از تمام نقاط معسکر سردار کل بلند شد پس از آن بهمه شعف آمیز و تصور گردید
مسیو ماکو مترجم و کاپیتان جانی کوسکی که در سابق در سپاه عثمانی مامور بوده است بیان این خبر را
برای ایشان نقل کردند و چون از قدوم شرف پرسش سلیمان پاشا اطلاع یافتند گفتند الله از این شجاعت
و اگر نه این حمله معاودت و تعجیل از آنجا نگذشت جلو فتوحات ژنرال گورکو سردار

بلکه رو   عموماً اسرای ما را از بابت مناعت همچنینهای معتبر داشته‌اند مثلاً

گفتند که روز سی و یکم ماه او که سپاه ژنرال اسکوبلف حمله ور شده دو هزار و پانصد نفر از ایشان کشته شده بود

و سه هزار و پانصد نفر مجروح گردیده بود و با وجود اینهای اردوی عثمان پاشا را بی تعرض گذاشتند که در آن روز تمام آذوقه

سپاه عثمانی را جابجا بین دو پل رود وید فرستاده شده که اگر بخواهند از ژنرال اسکوبلف لشکرها را که

عاقبت گرفتند که بعد از آن قوافل را از جانب ارخانیه روانه نمایند و بخاطر داریم که چهار حمله ایشان مثمر شد

عاقبت عثمان پاشا خواست که روز آخر خود را انکار بروانند و برای یورش هجوم تمام ذخیره قشون خود را ممکن بود جمع

آوری نمود و بصف ساخلویان تکیه و چهار خطوط لشکر بندی خود را کم کرده تمام آن جمعیت را بر سر ژنرال اسکوبلف

فرستاده و برای اینکه تحریکی از تعصب و غیرت سربازان خود کرده باشد این سردار عثمانی یک بیرق سبزی در جلو صفوف

یورش برافراشته و حکم کرد که در جلو هر باطالیون یک مفتی قلابی دراز کند آیه کلام مجید یعنی لا اله الا الله را قرائت کند

و آن فریاد را سربازان ما در تمام مدت یورش با وجود صدای پرمهیب توپ و تفنگ میشنیدند و علاوه بر این عثمان پاشا

اعلان کرد که در این یورش بازگشت حرام است و برای اینکه سربازان او دیگر خیال عقب نشینی نکنند عقب سر ایشان یکی

یک صف انبوهی از سواران نظام در عقب صفوف حمله ور با تفنگ پر ایستادند و بمحض اینکه کسی رو از دشمن برگرداند

بدون ترحم در آن هدف گلوله آتش کنند ولی حکایت کنندگان میگفتند که با وجود این همه موجبات و دهم [illegible] هیچ جهه کمال

فتحی در خود نمی‌دیدیم وقتی دیدیم سردار سفید پوش ما عقب نشست یقین کردیم که حیله جنگی بکار برده و منتظر رسیدن قشون عقب

و ذخیره هستیم که از خبر شما خارج بوده و یک دفعه از سر ما تاخته بکلی ما را مضمحل ساخته و ما یقین داشتیم که قوه‌های عظیمه نظامی شما اطراف

مدینه پلونا جمع شده و وقتیکه هزیمت اسکوبلف محقق شد ما بوده‌ایم که نفس کشیدیم و دانستیم که حلقه محاصره و

احاطه ما چندان قوتی ندارد و بعد از این جنگ بود که عثمان پاشا عزم خود را جزم نمود که در پلونا متحصن ماند و از آنجا

[illegible]

را در شبی بولد آن هر قدر ممکن است معطل سازند و اگر یورش هجوم ما را در سی و یکم ماه او رد کرده بودند پیش از

این در پلونا در تصرف شما درآمده بود   بسیاری از پاشایان متفق‌اند در

اینکه عثمان پاشا از تحصین در پلونا خلاف قوانین علم جنگ کرده است و میگفتند اگر سردار کل پس از نگاه

نگاهداری روسها بعد از آن جنگ سی و یکم ماه او در گذشت ما بنا بر قبل از تصرف کورنی دابنیک و

تلیش ترک پلونا میگفت کار با نجا نمیکشید زیرا که چون آن وقت هنوز راه صوفیا باز بود میتوانست قشون

را با خود متحد کند و از خانه یا اطروپل المکه پلونای ثانی قرار بدهد اما در باب طرح جنگ تمام مجادله

برکاران اقرار میکنند که چنین طرح جنگی کلیه را در دست نداده و افتخار آن به عبدالکریم پاشا تعلق میگیرد و میگویند

این طرح عبارت از اینکه بگذارند قوه‌های عظیمه ما از رودخانه عبور کنند بدون اینکه تقریباً یک سرباز ترک

خالی شود و آن وقت قشون عبدالکریم پاشا از راه اسکرادو و قشون عثمان پاشا از پلونا و لوچا حرکت

کنند و دو قشون ما را بگیرند و در همان وقت سلیمان پاشا از یکی از شهرهای آن طرف بالکان یک پلونای دیگر ترتیب

دهد و هر قدر ممکن است روسها را در دور آن معطل کنند ولی سواح چنان تقاضا کردند که عثمان پاشا این طرح را

قبل از وقت بروز داده لهذا اجرای آن امکان پذیر نگردید اما در باب شخص عثمان پاشا اسرای ما با کمال احترام اسم

او را اسم میبردند و میتوان گفت که اگرچه در میان ارباب مناصبش بسیاری از ارباب خیالات جنگی ایشان را تنقید

نمود ولی هیچیک نبودند که در احترام و توقیر او انکار داشته باشند و چنین نقل میکردند که عثمان پاشا در تمام مدت

تحصن و محصوریت خستگی ناپذیر بود و گویا تمام وسعت آن کار در شخص او مجتمع شده بود یعنی تعداد

تمام ایشان کار میکرد و هر روزی شش ساعت از باد در پا و در دو ساعت نقشه و با دقت کامل از تمام خطوط مدافعه و

لشکرها و باطریهای خود سرکشی کند و در هر لشکرگاه یک شب تمام مینماید تا طلوع صبح در آنجا میماند و بکلیه کارها

و یک توبره کاهی بجای اطاق و بستر بر راحت خود فراغت بکرد و وقتیکه نواب والا کرادنوک سردار

کل ما رو در نیز دیم و با سپاه از عثمان پاشا دیدن کرد مترجمی مسیو ماکیو صحبت مطوله نمود و در ضمن صحبت این سردار

کل پلونا عقیده خود را در باب اکابر و اعیان دولت عثمانیه در وضع بلیک ایشان بیان بکرد چنانچه وقتیکه از عثمان

پاشا و تسخیر قارص گفتگو پیش آمد عثمان پاشا فرمود درآورد که من انکار نمیکنم که هر سردار بر این حکم ممکن است که در میدان

جدال و قتال شکست بخورد ولی در قلعه بنشیند قارص نمیتوانم فهمید چگونه میتوان فهمید چگونه میتوان در زمان جنگ

زمان قلیلی قلعه را از دست داد و همچنین عثمان پاشا را در حق یکی از پاشا با نیکه در خاک اردوی عثمانی

سردار کل بسته قشون برابر عساکر ما میباشند عقیده خوبی ندارد و میگوید مرد دیگر مردم دارایست و در رسوم و آداب اهل

فرنگستان انحصار کافی دارد ولی هر کس چند سال در پاریس بسر برد و در تمام فرنگستان سفر کرد لازم نیست که یقینا

است سردار خوبی هم بشد اما در باب شکست آخری که روی داده عثمان پاشا هیچکس را مقصر خود مقصر و مسئول

نمیداند و میگوید در روز نزدیک به پلونا بیست هزار سرباز گذارده بودم و مامور بودند با آنکه پیش بیایند کرده عشات

بعد از آنکه ما شروع بجنگ کرده باشیم اگر حکم کرده بودم که یکساعت زودتر حرکت کنند میتوانستند موقع

واز من امداد نمایند و خیلی ممکن بود که با استعانت از او تعالی قادر بر گذشتن از حلقه محاصره بشوم زیرا که معلوم

میباید که ژنرال کاتشکی چنان دریافت نموده بود که من بر خود منحصر کرده ام که از سمت جاده صوفیا راه بجهت اگر نکنم چون

آنکه من بجانب راه ویدین حرکت بکردم و آن روز کار من باین شکست بخت منجر نمیشد

ژنرال اسکوبلیف نیز در آن روز بدیدن عثمان پاشا آمد بعد از چندی

عساکر عثمانیه در شیپکا و بلنس در میان آمد عثمان پاشا این کار را بسیار ملامت کرد و گفت لا بد بود از آنکه

همچنین سپاه در حق من بلکه در حق سپاه جمعی من نسبت بر جمعی و بیعت و افتضاح نسبت داده اند و چون بیانیم

باشی برو گهای ما قابل انکار باشند بعد از این باب سعی و کوشش زیاد نمودم که این امور مخالف نباید

انجا ظهور رسد اغلب اینها را که ما نه عیاش و مایل به بی نظمی بود اقعاما خوار بمصرف میمودی بودند از پلونا بیرون

کردم و مابقی را خود ما طالبون نه ای نظامی کردم و بطریق انهار محبوس حتم که در لشکر یادخند فقط جنگ کنند

و نیز نفر از ایشان را که بر اسوی تعقیب و عیاش گشته بودند به ارض ادوم و از آن توقف و دیگر یکدفعه رفع نظمی

نظمی شد و اگر شما نخواهید مرا از کتاب ملامت مینواسبه کرد و آن اینست که اطلاع لشکر خود حکم کردم که کلید از

شما کشتگان در جبههای سخت خود در از خاک میدان قتال برداره بودند چه میکردم آن کشته ها تعدری به

معسکر من افتاده بودند که اگر سربازان شما برای برداشتن انها پیش بیایند نقطه ضعیفه اردوی مرا میدیدند و راه برای

حمله قوی غنیمت میشمردند و انته این معنی صلاح ما نبود اما ما زودتر از شما از عفونت جسد آن کشتگان بیمار

شدیم و اگر سربازان شما باین نزدیکی بر پای سنگرهای ما افتاده بودند این معنی دلیل واضحی بر رشادت ایشان بود

است و لی برای اینکه برجمعی ملامت آمیز هم قطاران من یکدفعه تمام شود حالا که کاری نکنیم او وقت کاله

و مرگ شده است در رقعه طبراه ونبرا ازرف بیشاوشت

فریقا ژنرال اسکوبلف مرا خبر داد که سربازان در حق مجروحین روس بر جبههای گرفته و بیگنهی بنماید

شما مذاکره کنم که چنین بکار را خلاف آداب انسانیت و قوانین معهوده بین الدول مخصوصا خلاف معاهده

ژنو میباشند که با تمام دول فرنگستان امضا و ممهور کرده ایم لهذا بشما اظهار میکنیم که فورا اسبابی فراهم

بعد از این از هر گونه بیرحمی و اذیت بیجا احتراز نمایند
در این رقعه چیزی که جلب توجه

فوق نمود و همچه جزا ما ت مطوله و تعارفات بیجا چنانچه رسم اهل شرق زمین است در آن دیده نمیشد بجای

رقم عثمان پاشا مهر خود را گذارده و آن را ژنرال اسکوبلف داده گفت موقعی پیدا کنید و این رقعه را به

رسیده باشد من یقین دارم که هر گونه بیرحمی برطرف خواهد شد — اخبار تفصیل

عثمان پاشا قبل از حرکت از بوکت و روانه شدن بروسیه تلگراف ذیل را بجناب صدر اعظم عثمانی کرد

باید بدانید که با مدت شش هفته محصور شده بودیم و چون از خارج هیچ امدادی نرسید قصد آن کردم که از حصار
خود بیرون خروجی کرده بیشتر دلیرانه و با کمال مجاهده و کوشش از عهده برنیامدم و اکنون با تمام ساخلوی پلونا
اسیر نظامی میباشم چون اعلیحضرت امپراطور و نواب ولیعهد و بزرگواران ایشان که گواه رشادت و شجاعت
سرداران من بودند مرا از روی مرحمت آمیز بسیار سرافراز نمودند و با وجود جراحت مختصری که بمن رسیده ازحم
بسیار خوب است هنوز دانسته نشده‌ام که در کدام مکان از خاک روس مرا خواهند فرستاد ولی بمحض اینکه
بمنزل و مقصد آخری رسیدم کاغذ مبسوطی بشما خواهم نوشت عثمان پاشا
روزنامه‌ها هم باخبر هستند و چنانکه از جانب مجلس صلیب الاحمر مأمور بودند بخاک روس روانه شده‌اند
این سردار زخم چندان وحشتی نداشت چنانچه طلب از مجمع حافظ الصحه در ... بتاریخ ... تلگراف ذیل را کرد
عثمان پاشای غازی در حینیکه سوار بود گلوله بزانوی پای چپ خورد
که از طرف دیگر داخل و از سمت دیگر خارج گردیده ... استخوان ... بود
و علامتی نمی‌آید

حکیم باشی افواج خاصه سلطانی دکتر جاسب

روز یازدهم ژانویه عثمان پاشای غازی تلگراف ذیل را از خارکف بصدر اعظم عثمانی از نوب والا
هزار بار شکر دارم که کمال مرحمت را درباره کمترین بروز داده‌اند و بسی سعادتمند شدم که بواسطه عنایات حضرت بی منتهی مجید
بحضور همایون خود رسیده‌ام و از اظهار ملاطفتی که ایشان در اینموقع نسبت بمن مینمایند بسیار شکرگذارم عثمان

در یکی از مخابرات تلگرافی که تفصیل آنرا مشاهده میکنیم که از قزلی بتاریخ
هیجدهم ماه نوامبر رسیده و در باب یورش آخری عثمان پاشا خبر که از جانب عثمان پاشا در دست داریم
منحصر است باین تفصیل — وکیل ... رسماً چاپارش نوشته بود از پلونا از طرف
داغنیک فرار کرده بسلامت به ایزلادی رسید و اینجا آمد و از تقریرات علی چاوش چنین برمی‌آید که شب قبل از
تسخیر پلونا دیگر هیچ چیز از آذوقه و قورخانه توپخانه در این قلعه باقی نمانده بود و در شورای نظامی چنین مصلحت دیدند که از حصار آن
راه بیرون کنند که خط محاصره دشمن را شکافته راهی از سمت راهوا باز کنند و با این عزم سپاه در نیمه شب از آنجا
و با هر گونه آلات و بنه از پل رود وید گذشته ناگاه بر ... دشمن حمله کرده ... و توپ از روس گرفتند
و تا بالای ازروپل رسیده بودند و عساکر عثمان پاشا باین فتح نمایان اعتماد نموده امیدوار شدند که خطوط
دشمن را بشکافند ولی چنان اتفاق افتاد که صفوف جلو بواسطه آتش سخت توپخانه روس مجبور شدند که عقب
نشستند و عثمان پاشای غازی زخم برداشت ... سپاه خسته در اطراف پل وید مجتمع شدند و از این
جنگ ... و قلعه بندی پلونا در تصرف روسها درآمد عساکر را بتسلیم شدن مجبور کردند ... نفر دیگر هم که از لوچا فرار
کرده بودند و سرکرده ایزلادی ایشان را از دیروز روانه داشته تمام گفته‌های علی چاوش را تصدیق میکند

نواب گراندوک نیکلا در موقع تسخیر پلونا خطابه ذیل را برای لشکر خود فرستاد

سرداران رشید روس و رومانی

در کوشش آخر دشمن در برابر شما ... توانائی گرنادیه مستحکم گردید و در تسخیر پلونا دیگر عثمان پاشا و تمام لشکر ...
در قطار ... اسیر که ده پاشا ...
با ... توپ و اسلحه و برف زیاده از شمار تمام اینها گواه کافی بر رشادت ... نظیر شما میباشند ...

روس که گواه جنگی با بر پر شادت در جمعیت نشان درجه اول ژرژ را رهینه موهبت فرموده این سپاه
بزرگ و با اطاعت خود نموده ایم که ممنون خدمت شایسته شمایم که مرا امداد در این عطیه کرده اند و از این بشارات است
میشود که شما اشجع شجاعان روزگار میباشید ای دلاوران من دست شما درد نکند هزار آفرین بر شما باد آنچه تاکنون کرده اید
همیشه همین نوع خدمت کنید و گوش دشمن بزرگ هوای هول انگیز شما را فراموش نخواهند کرد این خطابات باید بتمام
دستجات پیاده و سواره و توپخانه بخوانید

جای رقم سردار کل قشون رکاب و در جمیع کل سواره و استخبارات مهندسین نیکلا شاهزاده روسی
بر از طرف خود سپاه رومانی در تاریخ ... ... خطابه نوشته

سرداران کوششهای نجیبانه و دلیرانه شما در محاصره که متحمل شده اید و همچنین که این بر جان فشانی و اخلاص بخش داده اید
تمام انها روزیکه حصن حصین پلونا در برابر شما از پا افتاد و بهترین قشون سلطان عثمانی و رشیدترین زمامداران ترک
سردار او عثمان پاشا منصور و مغلوب و مقهور شده و در برابر شما در قفای افتخار شما بعضی سرداران اعلیحضرت امپراطور روس
اسلحه خود را فرو بخشیدند تلافی شده از زحمات نکال گردید با کلیل جمیل نصرت
... آمیز قدیم جنگهای تازه افزوده که عظمتشان کمتر نبوده
در تاریخ قرون آتیه در پهلوی اسمی شما رقم بابت و دوام یادگاری این کارهای بزرگ نقش خواهد شد علامت
مبارکی با لوحه خود مراجعت خواهید کرد و علامات رشادت نظامی و نشان در راه وطن سینه شما مزین
خواهد بود از شان افتخار عبور از دانوب و مقابل مدافعین آزادی رومانی آنوقت چون در میان اهل و عیال
خود در شهرها و دهات و مزارعی که مسقط الرأس شما میباشد رسیده به پدر و برادر و اقارب خویش
خدماتی را که برای مملکت خود کرده اید نقل خواهید نمود و پیران سالخورده سخنان شما را گوش کرده ...

عظمت طوایف روس که بواسطه آباء و اجداد ایشان سالها رسیده شما را نشد که جوابش نمود و جوانان ترک ... شما
تکالیف محبت را که بعدها باید تقلید و پیروی نمایند مشاهده خواهند کرد و صورت بزرگ مملکت رومانی ...
و جهت شما خواهد گردید اکنون رومانی از خود خود مستقل است زیرا که دارای و لوای جنسی است که محبت آن را
و بازوهای رشیدی دارد که برای دفاع و حمایت آن مستعدند شهرها و سرداران کل شما نام مملکت خود ... شما
اظهار امتنان میکنند و ما هر یک از شما معانقه محبت آمیزی که شایسته مردمان رشید است میکنیم ...

تسخیر پلونا سبب آن شد که یکصد و پنجاه هزار قشون که در دور آن
بودند آسوده شده و برای اعمال جنگی دیگر مستعد و آماده گردیدند آنوقت ژنرال گورکو جلو قشون جرار را
نگاه داشته بود و اعمال جنگی را محدود نموده پس از این فتح جدید توانست بلاواسطه رو بصفحات حرکت کند که
فیلی پولیس شهر دوم و در برابر شیپکا و کنار رود لم روسها که مدتها معطل بوده اند آزادی کامل حاصل نمودند
مینواستند یورش و حمله برند و بعد از دست دادن پلونا دیگر مقاومت ... سپاه عثمانی تمام شد

فصل دهم

فهرست

سلیمان پاشا رهبرداری قشون وضع کنار رود لم در اول ژانویه

سلیمان پاشا از تاریخ بیستم نوامبر در کنار رود لم بروز جنبش و کارگذاری بود

همه روزه جنگها می شود و بعضی از آنها اعتبار و واقعی دارند روز بیست و پنجم نوامبر دو باطالیون ترک از عقب به جنبش

روس در نزدیکی گاگو و پلامارکا حمله کرد و بعد از جنگ سختی ترکان حسب بازگشت فرود کوفته و این بعد به جنگ

معتبری بود وضع قشون اردوی دوازدهم در بیست و ششم نوامبر در معسکرهای سنگربندی شده از قرار تفصیل

ذیل بود

در لشگرگاه قریه متکا فوج چهل و پنجم پیاده ازف با سه باطالیون و فوج چهلم دنیپر با سه باطالیون و چهار باطری

دارای شش باطالیون و بیست و دو عراده توپ در تحت فرمان ژنرال ماژور زربت لیادزف رئیس ارکان

اول قسمت دوازدهم پیاده نظام بود

در معسکر قریه ترشتنیک فوج چهل و ششم پیاده اوکرن با سه باطالیون و فوج چهل و هشتم ادسا با سه باطالیون

و چهار باطری این شش باطالیون و بیست و دو عراده توپ در زیر حکم ژنرال ماژور قفالف بودند رئیس ارکان دویمان

دوازدهم پیاده نظام بود و علاوه بر این فوج صد و بیست و نهم بسارابی و یک باطری و چهار عراده توپ نیز بود

و مجموع این قشون که یازده باطالیون و بیست و شش عراده توپ بود مطیع امر لیوشان ژنرال ماژون فیرکس رئیس

توپمان دوازدهم پیاده بود بعد از جنبش در ترشتنیک در امتداد پرکس دویمان

سقبلیک و کشو با پلی قرار داشت عبارت بود از توپمان دوازدهم سواره که لیوشان ژنرال

در لیسن منتقل بر دوازده اسکادرون و شش دسته سواره و دوازده توپ بود در عقب سر اینها که جای ذخیره اردو بود

پنج فوج در قریه دمر بلا فوج صد و سی و دویم بندر و یک باطری و هشت عراده توپ و در قریه ابرتنیک فوج صد و

سی و یکم تیراسپول با دو باطری جای داشت که مجموعاً شش باطالیون و بیست و چهار عراده توپ

میشدند و برای حفظ رود لم در قریه بابا سکا باطالیون اول و سیم فوج صد و سی ام پیاده خرسن با یک باطری

استقرار داشتند و پیشقراولان از دانوب در برابر پرکس تا برابر قریه کراسنا در تصرف یکدسته

واز کراسنا با کشو در تصرف یک اسکادرون سواره بود

روز بیست و ششم نوامبر ترکان در معسکرهای متکا و ترشتنیک یورش زدند پیشقراولان ضلع پسر روس در روی

تپه های جلو پرکس مشاهده کردند پیاده ترک با سوار به پیش می آید ژنرال زربت لیادزف و ژنرال فرکس

را در ترشتنیک خبردار کردند و چندی نگذشت که پیاده کان با صفوف انبوه شروع کردند از دره با تکوی

جلو شرق پرکس را بپوشانند فرود آیند سه باطالیون پشتجیک و چهار شلیک سخت تفنگ شده و این سنجاب

قراول ترک به روی منعطف کردیدند و ساعت و نیم طول نکشید ژنرال فرکس اطلاع یافت که ترکان

پیش می آیند و پس از عبور از لم دو ستون شده اند و بسمت بازار کراسنا و سقبلیک حرکت کنند

سردار روس تمام خود را مصروف آن داشت که اول خود را با سپاه ترکی که در متکا بودند تمام کشند تا آنکه بتواند تمام

تمام قوت خود را در برابر ترشتنیک مصروف دارد و جهت انجام این مقصود دو باطالیون از فوج صد و بیست و نهم پیاده

نظام بسارابی را با یک باطری بجانب متکا روانه داشتند تا آن لشگرگاه را تقویت کنند و فرمان داد فوج چهل و

هشتم ادسا فرمان داد که با دو باطالیون از فوج خود و شش عراده توپ و فوج دوازدهم اژدران آسترا

دوب از ترشتنیک به پرکس گذارد تا عساکر عثمانیه را از یکطرف و چهار یورش نماید و از طرف دیگر فوج

دوازدهم نیزه داران بلگرد با یک باطری توپ سواره را از عقب باطالیونهای ادسا فرستادند تا از سمت ضلع

ایمن سپاه پشتجیک که بجانب ترشتنیک پیش می آید آغاز یورش نمایند و در ترشتنیک خبر دو باطالیون از

ازفوج جبل و نهم اورکن با بنه باطری و یک باطالیون از فوج لبارابی باقی نمانده بود که در خاکریزهای
دو باطالیون فوج اودسا مقام گرفتند و در خان‌چشمه سپاه پیش جنگ و چهار گلوله تفنگ دو
باطالیون از فوج اورکس و اودسا کردند که چهار عراده توپ بجانب آنها علی الاتصال خالی میشد و از زال ... زور
سنابل با ورسند که بار بکاد دویم توپخانه دوازدهم بوازده و یک باطری از توپخانه قزاقهای دن که
در ضلع این لشکرگاه از رستمینک حمله ور شود
دو جنگ متمایز و جداگانه درگرفته بود یکی در مکا و دیگری در رستمینک و با هردو در اعلی التوالی ... کور
خو ابسیم داشت محض اینکه بشغر اول در مکا عقب نشست و در کنار
مسعود خود استقرار یافت که ستونهای عظیمه سپاه ترک در برابر ضلع مزبور رسیدند ترکان چون از جلو فوج دنبر
متفرق کردیدند و تنها این معسکر را احاطه نمودند و لکن یورش سخت با نیزه‌ها ایشان را از عقب نشستن مجبور
ساخت و ستونهای عثمانیه که از جلو بر فوج دنبر حمله برده بودند سر از عقب نشستن ناچار شدند پس از آنکه
ترکان یورش خود را از ضلع مزبور بها ... زدند و سودی نکرد در این ضلع این که فوج ازف در آنجا بود بهادر دیگر ... ن
سخنی که بر آنها شد باز ... حرب ... خت که در خندقهای دور قریه مکا نوابند آتوف ... از زال لستیدلیا
دزف حکم کرد که تمام سپاهش حمله ور شوند و دو عراده توپ در ساحل دانوب رو به ضلع این ... دشمن نصب
شد و باطالیونهای فوج دنبیر سرکرده کلونل بود بسرعت از لشکرگاه خود فرود آمدند و رو بصفوف دشمن جنگ کنان
او را منهزم ساختند و فوج ازف سرکرده کلونل نوادوسکی بعد از جنگ خونریز دشمن را از قریه مکا بیرون
کرد با وجود اینکه بکمال استقرار و استحکام را داشت
ترکان در روی تلی که فیمابین مکا و پرکس بود بیکدیگر پیوسته و روسها فورا بر آنها یورش بردند و از بهمین

حلین فوج اودسا را کلنل سابنیکف بر داشته و حرکت حمله صلبی طرح کرد و پس از آنکه بسرعت از کوه
بالا رفت با سر نیزه تاخت آوردند و ترکان را شکست داده ایشان را از خندقها و کوه‌هایی که در آنجا استوار
یافته بودند بیرون کرد و عساکر سلیمان پاشا در جلو این یورش سخت نشستند چند اسکادرون سوار ... آنها را
منهدم نمودند ... یک ساعت بعد از ظهر عساکر قنسیه لیادزف شروع کرده
که در مکا جمع آوری کنند و لشکرگاه سابق خود را در تصرف آوردند و دو باطالیون از فوج اوسابل طرف
راست قریه را که آخرین و سلسله بلندیهای مابین خان‌چشمه و آن قریه است در تصرف آوردند و بارکاه لشکرگاه
رستمینک را که در خان‌چشمه بود دو چاریورش کردند و مقدمه لشکرش سپاه روس ستون قرار داده در جایی که
یک باطالیون از فوج اودسا و دو عراده توپ در طرف راست جابان و یک باطالیون از فوج اولان با دو عراده
در سمت چپ ایستاده و قراولان فوج بیست و نهم قراخ و ... در ضلع سر آن و قراولان فوج هوسار در ضلع این
انجای واداشتند از ترکان بیرون کردند و ترکان تفاصیل تعداد خود را آغاز آن نهاد و در ضلع ...
باطالیون فوج اورکن را گرفتند و چون مقدمه لشکرش در رسیده بودند بیم آن داشت که از سپاه رستمینک دو
فقید لیادزف از زال پرکس کلونل بر آن در کرده آن را در توپخانه دوازدهم را از آن سمت روانه داشت و او را منهزم
کرد که آن پیش قراولان با کمال نظم و آرامی از دامنه خان‌چشمه به مابین رستمینک بازگشت نمودند و فوج اورکن
ضلع این خود عقب کشید و ترکان تقریبا ده باطالیون در برابر این دو باطالیون فرستادند و آتش دوازده
عراده توپ را بر آنها گشودند و در این عقب نشستن مقدمه لشکرش روس دو عراده توپ از باطری ششم دن از
آنها حمایت کرد و این دو عراده توپ بجای ذخیره پیش قراولان بودند و در روی تل بلندی در نزدیکی دره رستمینک
نصب شده بودند و اسکادرون سیم فوج دوازدهم نیزه داران ... از آنها ... و ضلع مقدمه لشکرش خاصه

ضلع ایمن آن جنبی صعوبت پیدا کرد و حفظ جدال خود را قوت داده فوج اورکن را از نزدیک احاطه کردند و در
صدد آن برآمدند که آن فوج را از لشکرگاه خود بیرون کشند و در این هنگام دو عراده توپ ضلع ایمن مپاشتی از کبرازی
صعب النزول تختی که راه و جاده هموره نداشت فرود آمد کلونل برآن دو کلونل گرگوریف فرمانده بریگاد دوازدهم
توپخانه که تازه بمقدمه تخمیس رسیده بودند برای اینکه فرصت از دست ندهند دو عراده توپ ضلع ایسر را که از آنجا
و مأمور کردند که شدت بیرون بکار کنند و دسته های فوج ادسا با تهیه کردند و دسته دویم سواران ترکان را با آتش
سخت و رو به مهر پذیرا شدند و ایشان را با یورش شدید سرنیزه از پیش راندند ولی ترکان مبادرت المبارزت
نمی جلوگیری شده مجددا با قوتی عظیم از جمله حمله ور شدند و روسها از یک یورش دیگر با حاجار شدند
دنبیر از دشمن برو نبرد و وقت پیدا کنند که توپخانه ایشان از دره زرشتنبک بگذرد و از آنجا
گشت مقدمه تخمیس روس با مجموع نظامی تحقق گردید

روسها در ضلع این لشکرگاه زرشتنبک را لت کردند ژنرال ستانل هیرن فوج دوازدهم یوسارا
خیرسنک و اسکادرون سیم فوج دوازدهم نیزه داران و اسکادرون دویم فوج دوازدهم از دران با شش عراده
توپ جمع آوری کرد و آنها را از طرف راست راه جای رزشت جلو ضلع ایسر پوشانند و کلونل کرشانیکی
فرمانده فوج دوازدهم دن که با جمعی خوانش در مقدمه گشو پلین جای داشت چون تعیین کرد که ترکان از خط لشکرگاه
اقلم چندان قوتی نگاه داشته برد با دو دسته سواره و دو عراده توپ از راه گشو رودخانه مابین بوان
سغلیک و زرشتنبک که انبار از آنجا دیده بان دشمن شود و از راههای دو دره با ترک که مابین زرشتنبک و
دماریلا و قضیه حفظ کند ژنرال فیرکس چون شاهد بود که دو راه ش
مکان رفع شده بود نه با طالیونهای فوج لسارابی فرمان فرستاد که بزرشتنبک مراجعت نمایند و بجای

دیگر ضلع

دیگر در ضلع ایمن باشند در هنگامیکه مقدمه تخمیس از خان چشمه بیرون
میرفت سپاه حمله ور بزرگ یک یورش عمومی بسمت زرشتنبک بردند و مقصود ایشان آن که در ضلع ایمن
روس را بگیرند ژنرال وریک را در انتظار ورود دو باطالیونهای فوج لسارابی حکم کرد که بجای تابعون در لشکرگاه چون ایش
وضع مدافعه اختیار نمایند و ژنرال قعانف رئیس نایب بریگاد و فرمانده فوج جهل و نهم اورکن حکم فرستاد
که دو بار حمله قعهای جلو ضلع ایسر را متصرف شود و آن فوج با سرنیزه ترکان را از پیش برداشتند و ایشان را از دره
انداختند و دو اسکادرون یوسار اخیرسنک آنها را بشمشیر بگیرد کلونل توباشف فرمانده فوج اخیرسنک دو
اسکادرون دیگر خود را از طرف راست بیشتر برد با ضلع چپ به شمشیر پیشتر تهدید نماید و دو عراده توپ از بارکی
نجم که از ذخیره بود سواران نیزه دار از این حرکت تقویت و حمایت میکردند
لشکر حمله ور چندین بار طری از توپهای دوردن از طرف تپه های خان چشمه نصب کرده بود و کلونل گرگوریف سرکرده
بریگاد دوم توپخانه فوج اورکان را غنیمت شمرده و چند عراده توپ به ضلع ایمن فرستاد و وضع جنگ را برعت
ظاهر از این قرار خطر را دیده بود و فاصله مابین مکار زرشتنبک مفتوح و ضلع ایسر ضعیف بود لهذا دشمن کثرت تعداد
خود را غنیمت شمرده و از طرفین لشکرگاه را احاطه نموده شروع به بالا رفتن از تپه های کردند روسها فورخانه بدان شدند
و لهر قسم بود سیاستی پایداری کنند زیرا که اگر زرشتنبک از دست میرفت نگاهداری مکار ممتنع میشد لهذا
آتامان روس عزم خود را جزم کرد که تا جان دارد پای ثبات بفشرد و امداد خواست مخصوصا محتاج به
بریگاد اول توپخانه دوازدهم پیاده نظام بودند تا از یورش آنها تقویت کند بخصوص چون حکم داده سپاه این یورش
در شکستن سنگر و قلیل الاشکال نماید بجهت این کار یک آتامان زوری روانه مکار نموده و ژنرال تریشپادف حکم فرستاد
که با امداد دو باطالیون از فوج ادسا و دسته سواره از دران بر ضلع ایمن برگامیکه رو به زرشتنبک پیش

مبادرت بحمله کنند ترکان که قدری در ضلع ایمن جلو نشان کرفته شده بار با کمال سختی بر ضلع ایسر دشمن یورش برده
اما یودودسکی نایب سرهنگ فوج بیزه دران دو عراده توپ از باطری نورد نهم سواره در خاکریز ضلع ایسر
سپاه روس نصب کرده و دره را هدف قمپره و تیر اول ساخت و نیزه داران جلو داران هم فرود آوردند
خاکریزهای دو طرف باطری را در حیطه تصرف در آورد و ژنرال شاتلف دس نایب سرهنگ لشکرگاه مرکزی خود را
بجهت محافظت بکر دیده و چندین ترتیب حملات ترکان را با سرنیزه رد نمودند جنگ بدین نهج تا سه ساعت و نیم بعد
از ظهر امتداد یافت در وقت ساعت نه شب هوا سرد و باران آمیخته برف میبارید و بادی که از سمت جنوب
شمال میوزید در طرف عصری تا درجه شدت طغیان نمود در سه ساعت و نیم از ظهر گذشته دو باطالیون از
فوج اودسا و تمام فوج ازف با کمال سختی بر ضلع ایمن ترکان حمله ور شدند و فوج سندر نیز با یک باطری
پیش آمده بود و محل فوج لبارانه گردیده بود و فوج تراسپول هم از زستیتیک وارد شده بود و بجهت تقویت در
این عساکر ژنرال قفانف فرمان یافت که فورا یورش برد و ژنرال کرو با دو باطالیون از فوج لبارابی
مامور شد که بر ترکان سخت بگیرد و فوج سندر را از عقب باطالیونهای لبارابه و اودکرن روانه داشته شد تا …
ژنرال دوزن سوار ضلع ایمن از حرکات ایشان تقویت میجست و ضلع ایسر را شتر از جهات تهدید مینمودند …
کمال قوت در گرفته بود و توپخانه عثمانی از زنده و امر شدت تیراندازی بکرد و لیکن چندی نگذشت که ناچار گردیدند
آتش مجموع توپخانه روس اماکن تصرف خود را تخلیه کنند

ژنرال قفانف بیس نایب سرهنگ فرمان داد که باطالیون اول اودکرن را در برابر دشمن ببرد و ترکان که
اشجار و توتهای بیشه زار را در پناه خویش قرار داده بودند با کمال پایداری مقاومت کردند ولی دسته اودکرن
اشجار از عقب نشستن مجبور ساختند و از پایین پای ترکان بالا رفته ایشان را از جلو راندند و دشمن از تنگه خارج [illegible]

ذخیره خویش که در روی دماغه کوه ساکن بود در بلندیهای خان چشمه بالا رفته اشجار را من ساخته و بر فوج
اودکرن مجدداً دچار شلیک تفنگ سختی گردید ژنرال قفانف یکباطری توپ پیش طلبید و توپخانه چهار
صد ساژن در صفوف ترک باران قمپره تیر اول … دو باطری دیگر جانب ضلع ایسر به تیراندازی مشغول گردید
پس از جنگ توپخانه سختی روسها مجدداً پیش شتافتند و ترکان را از خاکریزهای خود بیرون کرده ایشانرا
منهزم نمودند باطالیونهای اول و سیم لبارابی بعنوان کلونل کوزبنسکی رئیس خود و ژنرال کرو بر میمنه ترکان حمله
شدند و … اودکرن حرکت ایشانرا بسمت … نوان سفلیک تعاقب نمودند و چند …
از فوج لبارابی از جلو دشمن در آمده … ادرا … تهدید نموده … ضلع ایمن ژنرال
دریژان مطابق طرح جنگ عمومی هم خود را مصروف بر آن بکرد که دشمن را از خط مستقیم لشکرگاه خویش خارج
نماید   ژنرال فرکس در ضلع ایسر و قلب لشکر خود به کلونل
براند فرمان داد که بر دشمن حمله ور شود و ترکان در اماکن استقرار کامل داشته از سه باطالیون فوج اودسا و
کرن لبارابه با آتش شدید تند تفنگ پیاده نظام پیرایه کامل کردند ولی این سه باطالیون بعنوان … خود
پیش شتافت و ترکان را پس نشاندند و در این فاصله باطالیونهای اودسا و ازف در تحت فرمان کلونل
سالکیف در میمنه ترکان ظاهر شدند و این ترکان چون از برابر و از پهلوی دچار یورش دشمن گردیدند از یکدیگر
متفرق شدند و روسها با هنگام ظلمت شب کلیه مانع نشد و ایشان تعاقب کردند در این هنگام ژنرال … را
خسته شده بود و … بکار حرکت امتناع داشت روسها بر تلف شدن … و شصت نفر از سپاه خود قرار دادند
و از فوج اودکرن تنهایی سیصد و سی نفر بخاک میدان جنگ افتاده بود سلیمان پاشا از رسکراد بتاریخ ۲۸
نوامبر راپورت ذیل را به اسلامبول فرستاد   اتحف پاشا سرکرده قشون

فارضی کویی مأمور بود که حرکت نموده تیری بجانب اردوی شاهزادهٔ روس که در اطراف مکابه تر
ستینیک و ماکیل افتاده بود بکند و از عساکر او جمعی این سردار سی باطالیون پیاده نظام و پنج باطری توپخانه
سرکرده که ابراهیم پاشای سرتیپ جناح این صف جدال را مرتب ساختند و هفت باطالیون پیاده و یک باطری توپخانه
و یک فوج سوار در تحت فرمان عثمان بیک سرهنگ بجای میسره نمودند و شش باطالیون پیاده و دو اسکادرون از سوار
دو باطری توپخانه سرکرده که سلیم پاشای سرتیپ در ذخیره ماندند و روسها دوازده باطالیون پیاده و دو فوج سوار
و سی عراده توپ در ذخیرهٔ خود قرار داده و میسرهٔ ایشان دارای چهارده باطالیون و شش فوج سواره بود و در قلب لشکر روس
چندین باطالیون پیاده و دو عراده توپ جای گرفته بودند

چهار ساعت و نیم از روز گذشته قشون جمعی سلیم پاشا از رودخانه های مکا و سکرهای پرکیس نمود از شلیک آن
را از دشمن نهی ساخت ولی علاوه بر امدادهای جدید و متصله که به سپاه روس میرسید باطریهای قریه سارابانا
که در ساحل ولاشی بودند آغاز تیراندازی نمودند و قشون جدید مجدداً با قایقها از رود دانوب گذشت ولی قشون
توبسط دو دسته سرباز که در نزدیکی ساحل قراول داشته مجبور شده راه خود را کج کنند

در این گیر و دار دشمن چون باطالیون خود را از شط با کرجیها عبور داد و آنها را در برابر طلایه سپاه جناحین فرستاد
چندین نگذشت که جنگ در تمام صف جدال در گرفت و گلوله توپ مانند باران و تگرگ آغاز باریدن
نهاد و تعدی خرابی کرد که مخصوص سرانیلها در صدد و قنهای تیرانداز مجبور با سپاه مار از لشکرگاه سابق
خود معاودت دادند اما عساکر جمعی از سلیم پاشا و عثمان بیک سرهنگ دو ساعت بغروب مانده از
میسره قشون مشغول زد و خورد بودند و روسها از بیم و امر مجبور شدند که میسره خود را در نامکا و میمنه خود را تا ترستینک
عقب نشانیدند ولی چون یک قسمتیکه مرکب از شش اردو سیم باطالیون پیاده از بیلا با مداد ایشان رسیده

شدیم صف خود را عقب نکشیدیم و اماکن مدافعه را منتخب سازیم و در آن اماکن با دو ساعت از شب گذشته
مشغول جنگ شدیم و این عرایض مطابق راپورت آصف پاشا است که فردای آن روز در ساعت چهار به قاجیکو
رسید در این جنگ تلفات که از میمنه و میسره و قلب لشکر دشمن به دو هزار تن میرسید و از طرف باطالیونهای قاضی کوی
دو بیک باشی زاده مقتول گشتند که شش تن از ایشان صاحب منصب بودند و دو نفر از سواره و باطالیونهای سه بیست و پنج نفر از کسان
کشته شد و صف سلیم پاشا نیز هفتاد و چهار نفر مقتول و دو دست و پنج نفر مجروح داشت و بارگلیه دو نفر سرباز روس توپ
دشمن نجاه با هشت باطالیون بود آخر راپورت سلیمان پاشا پس از عدم پیشرفت
جنگ روز ۲۶ نوامبر سعی کرد که خیال و مقصد معروف حرکت قشون روس را بین لم و روجوخ نماید و در آن بین بسمت تپه
از جنبه منظر کوهستان بالجان منتفذ و برابر بود و یک یورش سخت ببرد که عاقبت کار معلوم شود که لشکر آلتنا
که از تمام تنگهای مستقر روس شرقی بود از چندین نوبت در معرض یورش و نجات قشون خارج از نظام ترک قرار گرفت
بود از داو بسط ماه نوامبر که دسته معتبری از سپاه نظام ترک مرکب از سه هزار سرباز در برابر لشکرگاه مارنی ماریان
نمودار شده بود ولی جنگ کاری کرده بودند و از اینکه یورش برده باشند و چون سلیمان پاشا مطلع شد که
برای او ممتنع است که صفوف سمت شمال را از یکدیگر بگشاید و بجانب تراتر حرکت کند لهذا قصد آن نمود که از
سمت جنوب مجدد یورش نماید و برای این حرکت خط مابین عثمان بازار و تیرنو را انتخاب کند و گر این طرح جنگ نتیجه
کلی می بخشید ترکان بود فراوان میبردند

از اول ماه دسامبر عساکر عثمانی در سه لشکرگاه مختلف استقرار یافتند میمنه ایشان در بیلاکوی مستقر شده
قلب را احمدلی جا گرفت و شهابیه میسره در فرودج در سمت آلنا بالجان مسکن کرد و بعضیکه ترکان تمام از آنها
که از شرق به تیرنو میرفتند در معرض خوف و خطر افتاده بودند شب چهاردهم دسامبر قراولان بزرگ قلعه

که آتش فراوان از پیش قریه احمدلی که شانزده ورس تا الما فاصله داشت مشاهده نمودند لهذا حکم صادر
کرد که هر قدر ممکن است بطرف مجاورت آن اراضی جمیع مواضع مرتفع را در تحت تصرف آورده با مورچین جهت استحصال قراری که
باید مستعد و آماده باشند و در صورت وقوع معارضه و خطری حاضر دفاع و حمله باشند روز چهارم وسط بر ابر از طرف
احمدلی آوای دو تیر توپ بگوش رسید و پس از اندک زمانی پیشقراولان روس خبر دادند که ترکان
با صفوف متراکم و انبوه بجانب یارنه که در شرق الما واقع است پیش آیند لشکرگاه یارنی در تصرف دو
دسته از باطالیون اول و سیم فوج سی و یکم پیاده نظام سیوبسک بود و چهار عراده توپ از باطری سیم
سواره و سه اسکادرون از فوج بیست و دویم اژدران نظامی نیز در آنجا بودند پس از آنکه تیر اول توپ را خالی کردند
تمام خاکریزها پر از قشون شده و اهالی آن لشکرگاه مستعد برای سپاه دشمن شدند و پس از اندک زمانی جمعیت
متراکم و انبوهی از صفوف پیاده عثمانی در دامنه کوهها در برابر قلب و میسره یارنی نمودار شده و این عسکریه
در جهات صفوف متصله نظامی و چندین دسته سواره چرکس بوده و چندی نگذشت که یک باطری دوازده
عراده توپ بزرگ که توپهای دو وزن داشت در یکی از بلندیهای نصب شده و قلب لشکرگاه روس را هدف
آتش خود ساخت و بتجاسر فوج سیوبسک با کمال قوت تحمل یورش ترکان نموده دشمن از برابر
چندان حمله نکرد و با عمده سپاه خویش بمیسره تاخت و دو عراده توپ روس که در آنجا تحمل حاضر بوده تاب یورش
هدف نزدیک برانیل از ترکان [illegible] کرده و در همان هنگام بنحوی که در روی خاکریزها بودند کوشش نمودند
که شلیکهای پیاپی خود جلو طغیان یورش ترکان را بگیرند و یورش اول قلب لشکر را در آنجا فوج سیوبسک بر کرده که
اولاکانی نایب بزرگ که سرکرده باطالیون آنها بود در گردید و این صاحب منصب زخم خطرناک برداشت و در بین افتاد
بعد از این شکست نخستین برای ترکان امدادهای عدیده رسید

با فوج جدیده

با فوج جدیده روی بقلب نهادند و مشاهده شد که صفوف عظیمه بجانب قریه بارتوس حرکت میکنند
و منظورشان آن است که در جلو میمنه را [illegible] و از عقب لشکرگاه ماریان حمله کنند در این هنگام جنگ میمنه
در گرفت و صفوف روس در هم شکست و دشمن بیش از پیش اطراف قلعچه را احاطه کرده و از دوران روس [illegible]
خودهای بر زمین نهادند و آتش بهدف روس خود حملات متواتر چرکسها را که میخواستند از عقب در لشکرگاه نفوذ
کنند دفع نمودند ولی ممکن نبود که بعد از دو ساعت جنگ خونریز با دشمن [illegible] از جمعیت معدودی چهار برابر
بود پایداری کرد خاصه در صورتیکه بیم آن میرفت که بکلی راه عقب نشینی قطع شود لهذا کلونل لرمان تف سرکرده
سواره اژدران نظامی روس لشکرگاه ماریان فرمان داد که در لشکر عمده الما عقب نشینند در این هنگام باطالیون
فوج سی و ششم پیاده نظام ازل که در سپاه ذخیره بود در صف جدال حاضر شده ولی فورا کلونل لندنس شرم
سرکرده آن زخم برداشت و چون سرکرده فوج ازل دید قشون جلو رو بعقب نشینی گذاشته اند خود سرکرده [illegible]
اختیار نمود و فرمان داد که آن باطالیون با وجود آتش بزرگ تیز ترکان حمله یورش برند و سربازان فوج ازل با سرنیزه حمله
آوردند و صفوف ترکان را برهم زدند و ایشان اندک زمانی عقب نشستند در این حمله کلونل کلوزانل سرکرده فوج ازل
بسینه و دنباله اش زخم منکر رسید و در این گیرودار صفوف ترک که از طرف
بارتوس پیش تاختند توانستند جلو میمنه روس را که مدافع ماریان بودند برگردانند و جهد کردند که راه را که
[illegible] اول چهارم صف [illegible] فوج سی و ششم ازل که سرکرده که کلونل کلوزانل
حمله کرده بودند ضلع ایسر را که در تصرف داشتند [illegible] از بقیه قشون منقطع شده و چرکسها
بکلی دور انها را گرفتند با پایداری و شجاعانی کردند و کمی صاحب منصب و چندین سرباز توانستند صفوف چرکسها را
بشکافند و جانی بدر برند سایرین بالتمامه شربت مرگ چشیدند

درایموقع برای امداد عساکر لشکرگاه ماریان سه دسته دیگر از باطالیون

سیم فوج ارل و دسته سیم باطالیون چهاردهم مجزا از با دو عراده توپ از باطری پنجم رکاب و چهاردهم و نجات

راکه آخرین ذخیره دست رس بودند بمیدان جنگ روانه داشته و کلونل زبرشکی سرکرده فوج سی و چهارم

سیوریک بمقتضای سبقت قدم بر کرده که لشکرگاه ماریان باقت دایر رشد که فورا یورش برده روسها

مجددا از سنگرها بیرون کشند و موقتا صفوف ایشان از عقب نشیدند ولی بدیهی بود که برتری ترکان را نسبت برای

که سپاه روس از هر طرف احاطه شده بودند و بواسطه تفاصیل تعداد حریف خود مضمحل شده بار طبل بازگشت

فرو کوفتند و دسته سیم باطالیون چهاردهم مجزا که بحسب اتفاق در قشون النا بود از سپاه ترک احاطه شده و

دلیرانه پایداری کرده و برای اعانت و حمایت بازگشت عسکر روس جان فشانی نمود و باری عاقبت سه ساعت [illegible]

سپاه لشکرگاه ماریان معسکر النا پناه برده و فوج از دوران فرمان یافت که در ضلع ایمن جای گیرد و پیاده نظام و نجات

وراه کن که از پیش در النا مشخص کرده بودند استقرار یافتند و در همان حین بقشون نواج حکم شد که ضلع این

لشکرگاه النا روی تخته نارد و دیگران منفصل شوند

از دو ساعت بعد ظهر باقیمانده ستونهای عظیمه سپاه ترک از طرف کوهسار پیش آمده بودند تا جلو عساکر روس را گرفته

و یک ساعت بعد از آن صفوف جدیده پیاده با سواره پدیدار شدند که از سمت برکس و باربوشش حرکت

کرده بودند و در سه ساعت بعد ظهر تمام تپه‌های اطراف را فرو گرفتند و شش عراده توپ کوهستانی از نصب کرده آتش

جانکداری بطرفین و عقب سپاه روس کردند عساکر نواج در آنوقت بجانب النا منعطف گردیدند و در

کوه الها [illegible] که قبل از وقت ظهر کرده بودند جای گرفتند و ترکان در همان حین آغاز یورش بر ضلع [illegible] نمودند

لشکرگاه النا در تصرف هشت دسته سرباز از فوج ارل سیوریک بود که در خندقهای جلو لشکرگاه سنگر گرفته

بودند و دستجاتی که از میدان

بودند و دستجاتی که از میدان جنگ برگشت کرده بودند خط تا [illegible] خندقها را متصرف شده و در سنگرها ایستادند ضلع [illegible] ضعیف

و دسته از باطالیون یازدهم قشون ذخیره جای داشت سه عراده توپ در تپه بیسره و یازده عراده در [illegible] نصب شده

بود

وقتیکه ژنرال یازده دمبروسکی ملتفت شد که

بهم آمیختن صفوف دشمن با چند دسته برکس از عقب لشکرگاه خطر وارد آورند سه اسکادرون از اژدران نظامی

با دو عراده توپ جلو آنها فرستاد تا قطع خط عقب نشینی ممانعت کنند و از دران سواره چند بی توپ

کال رسانیدند حمله ور شدند ولی چون بواسطه تفاصیل عدت مضمحل بودند علاوه بر این جنگ در [illegible]

شده بود که برای سواره حرکت شایسته امتناع داشت نتوانستند جلو دشمن [illegible] در این که سواره [illegible]

در صدد آن بودند که اگر بتوانستند جلو دشمن را [illegible] منع کنند [illegible] حرکت [illegible] عساکر ترک را تعویق [illegible] یک

جنگ خونریزی در جلو النا درگرفت و گلولهای سپاه عثمانی در صفوف روس [illegible] عدیده وخالی

میگذاشت و دو ساعت بعد از ظهر صفوفی که جلو ضلع [illegible] دیگر راندند و بالای تپه‌ها [illegible] طرف [illegible]

مستولی شدند و چهار عراده توپ نصب کردند و تمام لشکرگاه النا را هدف تیر گلوله ساختند صفوف

روس دقیقه بدقیقه تنگ‌تر و کم‌تر از هم [illegible] چیزی نگذشت که پنج عراده توپ با چند صندوق

قورخانه ایشان در ضلع [illegible] بجای گذاشتند و چهار عراده توپ ضلع [illegible] و [illegible] خود را از دست

دادند

سه ساعت بعد از ظهر ترکان شروع کردند که در عقب

لشکرگاه داخل شهر شوند با وجود دلاوری مدافعین النا بدیهی بود که روسها دیگر قادر به پایداری نبودند

بعد از [illegible] ساعت جنگ خونریز جلو سپاه روس بکار گشت آنوقت ژنرال دمبروسکی بسواران خود

فرمان داد که بالای [illegible] باکولسکی پیاده [illegible] و توپخانه سه عراده توپ را با خود آوردند [illegible] آن توپهائیکه ایشان

کشته شده بود و اغلب توپچیانشان تلف شده بودند بجای خود باقی ماندند و تنها پیاده جلو ارکشت توپخانه
را پوشانیده و در چهار آتش بول گیری شده دسته بدسته عقب می نشستند و پیاده زرک سیه خانه تعقیب
سه هزار سوار چرکس تمام لیسته بهای سمت راست را که مشرف بر جاده بودند در تصرف آوردند اما ران گلوله
تفنگ بر سر روسها بارید و کوشش نمود تا از حرکت باز دارد و در اینجا دو عراده توپ دیگر سستیان نکنار
تلف شده و متروک شدند سواره اردوان پیش تاختند تا جلو تعاقب ترکان را بگیرد و دو عراده توپ در بالای
تپه‌ای جلو قریه ماکوتسی نصب کردند و از جلو تهور آمیز سواره اردوان و گلوله هدف مغرور آن توپها جلوگیر کار
گرفته شده توپخانه که سواره جلو آنرا پوشانیده بود شش ساعت بعد از ظهر توانست دارو باطرفهائیکه از پیش
سنگربندی شده بود فند بنمود و شش ساعت بعد از ظهر پیاده نظام بعد از جمع کردن مجروحین خود به باتوتیچ
رسیده در آنجا در کودالها و خندقهائیکه پیاده اران و طلایه سپاه از پیش حفر کرده بودند مسکن گزیدند
این جنگ برای روسها خیلی گران تمام شده دسته جات
منصب شش صد و هشتاد و پنج سرباز و صد و بیست و دو راس اسب از ایشان بقتل رسید و سی و یک صاحب منصب و هزار
و صد و چهل و نه سرباز و پنجاه و دو راس اسب مجروح شدند که من حیث المجموع پنجاه و پنج نفر صاحب منصب و دو هزار و هشتصد و
و هفت سرباز از معرکه جدال خارج افتادند و سلیمان پاشا در این موقع در تلگراف به اسلامبول فرستاده
چون ارکادای رشید پاشا و مصطفی زمری بیک فرمان یافته بودند
که به لشکرگاه دشمن در ماریانی یورش برند امروز صبح در ساعت از دسته گذشته آغاز حرکت نمودند
و اگرچه روسها در پناه سنگرهای عظیمه و آتش توپخانه خود بودند نتوانستند در برابر حملهای متوالیه لشکر ما ثبات
مقاومت آورند و مجبور شدند که با بی نظمی و اغتشاش در پناه دهنهای کوه لبنا فرار کنند و آن اماکن جها

نماند و لشکر منهزم

ماند سنگربندی اینها محوط شده عساکر ما فورا از لشکر دشمن تعاقب کرده به وجود هوای سرد و موانعی که علی الاتصال پیش
می‌آمد توانستند بر تپه‌های بلند که مشرف بر سنگرهای روس بود بالا روند توپخانه ما قادر بر پیروی عساکر نشده و لایق عساکر
بر سر تپه‌های کوهستانی روس که از دو طرف آتش بولاک قیر این بر بحث جست‌جو شدند اما سربازان ما مجبور شدند
که اندکی تا نیم توقف کنند عاقبت بواسطه کوشش و مجاهده توپچیان ما توپخانه صحرائی ما در جایی مشرف بر توپخانه دشمن
استقرار یافت و لشکر ما تجدید یورش آخر نمودند و در این فاصله قلیله مطابق دستورالعملی که از پیش داده شده بود
ارکادای حاجی حسین پاشا از طرف یسار ارکادای مصطفی زمری پاشا از راه الناکریچ بطرف خیابان ترنوا
لفچه پیش آمدند و دشمن از این حرکات ترکیبه بتوحش شده و لشکرگاه جدید خود را خالی کرده پس از آن حیران
و پایمال در تپه‌های پشت النا که خط مستقیم مدافعه خود قرار داده بود فرار کرده در آنجا نیز روسها نتوانستند
پایداری کنند و متفرق شدند و بجانب کوه‌های اطراف به حالت اضطرار فرار نمودند معدودی از فراریان دست از
جان شسته بجان کندن خود را براه ترنو رسانیدند یک ساعت بغروب مانده جنگ بانجام رسید و فتح کامل شد
النا در تصرف سپاه سلطانی درآمده بود و سربازان از این فیروزی نمایان لشکر خداوند را بجای آورده و وکالت
پادشاه خوش گفتند یازده عراده توپ کوهستانی و بیش از بیست صندوق قورخانه و اسلحه و اثاثیه بسیار جنگ
غنیمت لشکر ما شد سیصد نفر اسیر گرفتیم که در میان آنها یک نفر ژنرال و ده نفر یاور بود علاوه بر بیرق اردو
و ماکولات بجهت که نقد و گاو و اسب ترکش و بسیار مدارکات نظامی جنگ بدست سپاه ما افتاد تعداد کشتگان
دشمن که در معرکه قتال بخاک افتاده اند از سه هزار تن متجاوز است و کمیزابیک و چند نفر صاحب منصب در حین این
دشمنیکه در برابر ما مقاومت و مقابله می‌کردند عبارت بود از ششم زده باطالیون پیاده و دسته چهار عراده
و تعداد سپاه ما مراتب بیشتر از او بود و چون مستور از سرکرده کل لشکرها را یورش رسیده از حقیقت مشغول

و مجروح گشته است مصطفی بیک برنگ سه زخم خورده و الوتی زاده سرکرده باطالیون قشون معاون پاشا مجروح

شده فؤاد پاشای امیرتومان بکمال لیاقت ترجیح داده و خدمات نمایان کرده و صاحب نشان مجیدیه درجه ثانی

نشان اول را داده‌اند و همچنین برای حاجی حسین پاشای میرلوا مستدعی منصب امیرتومانی و نشان [illegible]

صورت اسامی سایر ارباب مناصب که مستحق بذل مرحمت می‌باشند بنظر کار خواهم رسانید آخر راپورت

تلگراف ثانی که از جنگ است که چنان اخبار شده

و در شمال النا واقع شده و بواسطه آن جنگ ترکان مالک راهی شده‌اند که سمت تیرنو میرود و دلالت بر خروج

قرار براین شده که [illegible] بوده و در همان نگاه که [illegible]

دلیل است

فؤاد پاشا بر النا یورش میبرد و تومان ساری انوجلر سرکرده‌اش صالح پاشا و تومان بابابا سرکرده‌اش کریم پاشا

با یکدیگر بترتیب حرکت حمله طرف پیش میبردند و از پوست صالح پاشا چنین بر می‌آید که این [illegible]

مدد ستون منقسم ساخته و بواسطه یک ستون قریه قراآغاج و با ستون دیگر قریه بالجا ادمورکولی را

تصرف آورده است و حرکتهای معاون که مقصود از آن پیش قشون بوده که عزم تسخیر بالجا ادمورکولی را داشتند

در راه بایک دسته لشکر دشمن تلاقی نمودند و آن دسته [illegible] عقب نشستن [illegible] و در قصبه [illegible]

جنگ سپاهیان با اتفاق و دسته دیگر که بتصرف قراآغاج مأمور بود با دشمنی ملاقات کرد و قریه را محل لشکر

قرارداده و دسته اول نیز بآن ملحق شد کریم پاشای میرلوا که سپاه او را جمعی از جانب کشیروا

گردید و پس از تصرف [illegible] این محل [illegible] مجبور ساخت که از سنگر [illegible] خود دست بکشند

و کشیروا را خالی کنند و بجانب تیرنو منعطف شوند و عقب نشستن ایشان در زیر تیر توپخانه با وقوع [illegible]

و [illegible] که [illegible] ایشان تعاقب کنند پل رودخانه را خراب کردند و در [illegible] که از [illegible] خارج

[illegible]

امین خود را [illegible] در این بین نیز [illegible] لشکر دشمن را در چولیس کویی

منحرف سازد و یک دسته قشون [illegible] حرکت داده در چولیس کویی در طرف شرق باطالیون پیاده [illegible]

و دو عراده توپ صحرائی و دو عراده توپ کوهستانی بود و چون [illegible] عصر دشمن از سه باطالیون پیاده و صف [illegible]

امداد یافته بود بواسطه تحصیل تعداد در سپاه خود را عقب کشید در این جنگ [illegible]

شام طول کشید [illegible] پس از آنکه زخم خوردی [illegible] قشون کریم پاشا اکنون در کرشوا استراحت میکنند

آخر راپورت

ترکان فتح بزرگ کاملی کرده بودند و خسران فراوانی بر حریف وارد آورده بودند و تمام راههائی را که به تیرنو میرفت

تصرف داشتند و این لشکرگاه بسیار عمده و معتبر بود ولی نتوانستند درست تصرف کنند و سلیمان پاشا هرگز

حالت تردید خود را از دست نداد و اگر کوشش [illegible] ممکن بود [illegible] نتیجه [illegible]

از راپورت [illegible] میرسکی [illegible] در حالت لزوم

سوم [illegible] بواسطه داشتن اسب بزرگ [illegible] دسته قشون را که اسباب دفاع شهر

تیرنو از آن طرف بودند نجات دهند زیرا که از آن طرف ممکن بود دشمن همان شب داخل شهر شود و جواب

کامل [illegible] لشکر [illegible] جنگ [illegible] که [illegible] عقب نشینی

منحصر بود به لشکر سن نیکلا که [illegible] و تمام آن لشکر از قرار [illegible] النا و اطراف آن

انباشته و ممتلی بود و خیلی اهمیت داشت که [illegible] امداد دهند تا امداد برسد و حکم [illegible]

منتهی سازند پیش از آنکه دشمن بتواند یک دسته سپاه [illegible] زیرا که اگر چنین میشد [illegible]

دسته قشون [illegible] میگردید

قدری دور تر [illegible]

پیاده نظام جلو حرکت ترکان را گرفتند و کمک داشتند دشمن داخل تکه نشود زیرا که آن طرف تکه راه آزادی بود که
بدان غالق یا تیرنو میتوانست پیش رود آخر در این بنگاه جنگ روسها
بسیار دست و پا کردند و از هر طرف امداد فرستادند و هر دسته که از آن کوه جلگه میشد و فرمان یافت که در
نزدیکی تیرنو جمع آوری کنند دلتنگ بودند که محافظت ترکان و نگاهداری این لشکرگاه بر کریم چه اندازه مشغول باید
و معتبر است شاهزاده میرسکی همه در پاکوتیا پایداری نکرد و در تمام مدت روز پنجم ماه علی الاتصال رفع حملات
عدیده ترکان را مینمود اگر چه حملات چندان قوتی نداشتند
روز ششم دسته لیوتنال جنرال دلنگ ثرن سردار اردوی یازدهم وارد پاکوتیا شد و فوراً امر به دسته قشون جنگ
ژلاماتیا روانه داشت و این دسته قشون عساکر ترک را از جای کنده و در شهر ادیه بیرو از آنها تعاقب کرد
و جاچین دسته سپاه را که از النا بر پاکوتیا یورش آورده بودند در معرض خطر انداختند در روز ششم و هفتم ترکان
حملات قبل الاعتباری کردند و بدیهی بود در حرکت سپاه روسها بجانب بیرو باعث تخفیف سلیمان پاشا
است زیرا که هم آن که از جاچین بر او حمله کنند و راه بازگشت او را قطع نمایند و در سستی است که این عثمانی
هیچ چه در صدد آن بود که از فتوحات خود تعاقب کند و مطابق شیوه همیشه خود جنگ و گریز بعشری کرده بود
و بجز است فوت خود در الحروف نقطه دیگری کند و از عزم نا هم و سایر چند بن جنگ از اعتبار
در کنار رود لم واقع شد و روز دهم روسها جنگ تفتیشی معتبری کردند که تعدد جنگ روز بعد بود که سپاه
سپاهی که روسها صبح روز دهم یورش کرده بودند ثابت کرد که ترکان شروع کرده اند از رود لم در نزدیکی گراسنا
عبور کنند و بواسطهء این اعلان اردوی دوازدهم توانست تدارک خود را ببیند و جبهه دفع یورش فرداء
که نزدیک به یقین بود آماده و مستعد باشد و یک تفتیش دیگری در سمت قرینه اوسورکوی قراع برج

[illegible]

موجب ظفر ما ترکان بشود نتیجه آن برای روسها مساعدت داشت این دسته منقسم عبارت بود از بیرون ده دسته
از فوج کورسک و فوج هوسار لوبنیا و یک بطری پیاده و یک بطری لورد هم قراع دن و در تحت فرمان جنرال گر
شکف بود و سه عثمانی ظهر با بنده با چهارده باطالیون که چهارده عراده توپ ایشان تقویت میکرده طلایی
نمود و بر آن حمله ور شد جنرال گرشکف فرمان داد که تدارک شبیخون به کاسابینا مینمایند و در آن جنگ و
گریز عطف عنان کرد و ترکان را واداشت که از او تعاقب کنند و دشمن در کمال عجله از او تعاقب کرد و جنرال گر
شکف در عقب نشستن مداومت کرد تا محل معهود رسید آنوقت علامت را که در میان بجا طرح کرده
خود در سبیل یورش نموده ترکان را در هم شکست و تا اندازه کوکی ضعف کرد و سه صاحب منصب از فوج کورسک و
یک صاحب منصب از هوسار لوبنیا زخمدار شده بودند و تعداد سربازان مقتول فوج کورسک بیست و شش و
از فوج لوبنیا شش نفر شده و مجروحین فوج اول صد و بیست و از فوج دویم صد و ده تن بودند و مجموع از
روسها دویست و شصت و شش تن از میدان کارزار بازماندند اوپرت سلیمان پاشا در این باب مطابق
است صالح پاشا سردار قشون ما مور ماکه از لشکرگاه سایل
توخلر و در برابر قراآغاج جا پاشند بین اطلاع رسید که شب پیش نزدیک صبح دو باطالیون پیاده و یک عراده
توپ بر ... سیصد سوار چرکس بجانب قریه بجبیه که در پشت قریه بالچی امورکوئی واقع است روانه داشت و
در همان هنگام ستون دیگری که مرکب از سه باطالیون بود بهمان نقطه حرکت داده که جلو آنها بواسطه اشجار
جنگلی قراآغاج و تور بالی پوشیده شده بود و دو عراده توپ هم علیحده در یک نقطه ساخته نصب شده بود
پس از رسیدن این استعداد و رسیدن دو ستون با مکان معهوده که دستور العمل داشتند با کمال تهور و
رشادت بر دشمن حمله ور شدند و جنگ که در ساعت شش و نیم شروع شده بود در ساعت ده و نیم بانجام رسید و

و منتهی بشکست روسها گردید ولی سپاه ما از دنبال عساکر برای دشمن رسیده بودند چون در میان جنگل و در خطهای
ریبد نمیتوانستند جنگ کنند و از دشمن تعاقب نمایند بلشکرگاه خویش معاودت نمودند و یکصد و چهل و پنج
نفر بیش برادر در این جنگ بدرجهٔ شهادت رسیدند و دو صاحب منصب و شصت و چهار نفر برادر دیگر زخمدار شدند از
روسها خسران فراوانی رسید ولی تعداد مقتولان او بسبب جاهای مخفی مشخص نشده است چه انکار کردن
دشمن که سعی میکرد جلو سپاه ما را از طرف بالچی اوسورکوی برگیرد ناچار یورش شد بشکست فاحش دیدند و از
چرکس بازاربها تعاقب کرده غنیمت انجنگ عبارت از چهارده راس اسب و اسلحه و یراق زیادی بود و قوت دشمن
عبارت بود از شش باطالیون پیاده و یکفوج سواره و چهار دو عراده توپ (آخر راپورت)

صبح روز دهم دسامبر پیشقراولان لشکرگاه مکار شنینک
خبر دادند که سپاه عثمانی در گذر بویان غلیک کریسنا از رود لم عبور میکنند و نزدیک
جلو پرکس از عساکر پیاده و توپخانه زیادی پوشیده شده و سوار فراوانی در جلو آنها بود و از اطلاعات خارجی
سردار روس معلوم شد که سلیمان پاشا نصف اسباب جنگ و تفتیشی فراهم آورده و خود استعداد آن دارد که
برای یورش طی کنند و حرکت ستونهای را معین نماید دو ساعت بعد از عساکر ترکان کناره
راپورت رسمی روس بر ما معلوم شود قصه عجیبی که ترکان بزبان استانبولی بلوند مردم استانبول خطاب نوشته
در میدان جنگ انداخته بودند روز یازدهم دسامبر اطلاع حاصل شد که ترکان از چهار ساعت بعد از
ظهر از رود لم در محل کریسنا عبور کرده اند و در آنجا ستونهای قشون جدیدیکه از قاصیکوی و رود
چوخ آمده بودند بآنها ملحق گردیدند معسکرهای سنگربندی شده مکار رشتنیک در کمال استحکام
در تصرف روسها بود و بریگاد دویم توپ سی و سیم بجای ذخیره بود و در پشت تپهای رشتنیک کمین

کرده بودند و فوج لیبرابی در امریا سکوت داشت پس از آنکه علی الاتصال خبر جمع آوری عساکر عثمانی در
ساحل یسار رود لم رسید و تواتر پیدا کرد در شب دوازدهم حکم بطریق جاری شد که اجازت دهند از
مرتیلا بریگاد دویم توپ سی و پنجم پیاده را طلب کنند و فوج جبارابی را فرمان رسید که در اول طلیعه فجر به ترستنیک
حاضر شود و دسته دویم فوج اودسا که در ابلاباد ساحلو بود مامور شد که در عقب ضلع
خط محاربه یعنی در ساحل رود دانوب جای گیرد و بدو ستون از فوج فراغ ماموریت داد که به ترستنیک
روانه شود و در آنجا ستون سیم که در جزیرهٔ پیش قراولان بشمرده بشد ملحق گردد خلاصه سردار اردوی دوازدهم
با طالیون هشتم ساپور فرمان فرستاد که ترک مامیتا کوبیده به ابلانا وارد شد و پس از آن بعقب لشکرگاه مکا
رفته در آنجا از راه خوفانیکه در امتداد شط دانوب است محارست و محافظت نمایند

روز دوازدهم دسامبر چهار ساعت بظهر مانده ناظرهای پاراپان که در عمل
بودند و نیز توپ خالی کردند و اعلام نمودند که ترکان از رود چوخ بیرون آمدند و پس از لحظه پیشقراولان روس
سپاه دشمن را برای العین دیدند و بجانب لشکرگاه های معتبره خود منعطف گردیدند در این هنگام سواره ترک در
برابر مکا نمودار گردید و در زال ترتیلیسا ازرف با طالیونهای بریگاد اول توپ دوازدهم که در تحت فرمان
او بود حکم کرد که در اماکن که قبل از وقت برای آنها معین شده است جای گیرند و کوه سمت یمین
لشکرگاه بود در خط یکباطری توپخانه و باطالیون اول و دسته ششم فوج ازرف در آمده و مرکز لشکرگاه
نیز در تصرف سه بر دستجات باطالیون دویم آنفوج بود و این دو گروه لشکر در تحت فرمان کلونل نوودوسکی
سرکرده فوج ازرف بودند و آن بلندیکه بجای ضلع یسار عسکر محسوب میشد در تحت حراست یکباطری توپخانه
و باطالیون سیم و دستجات چهارم از باطالیون دویم فوج چهل و هشتم ویتر بود و سرکرده گان آن نیز کلونل بود

فرمانده آن فوج تعلق داشت و قشون ذخیره عبارت بود از باطالیون دویم فوج دیبیر و باطالیون سیم فوج ارف
که باره از تعقیب دشمن معاودت کرده بودند و دسته دویم فوج ادسا را با دو دسته سیم فوج دیبیر و دو
عراده توپ در عقب روانه داشته بودند با کتیبه کامعسکر کردند و این عسکر در تحت فرمان ژنرال دیکر
در عقب فوج دیبیر بود اما کن لشکرنشین جلو که ضلع ایسر خط محاربه را پوشانده بودند عبارت بودند از
از اسکادرون اول فوج دوازدهم سواره نیزه دار که اسکادرون اول فوج دوازدهم سواره از درون آن پشتیبان
آن شده بود و بیاری آن آمده بود و کم کم بواسطه رو ز دشمن که مراتب تفاضل عدت داشت عقب
نشسته ولی جنگ و گریز می کرد اما آن قراولان که عبارت بودند از اسکادرون چهارم فوج
دوازدهم هوسار و سوتون اول فوج سی و هفتم قراغ که در جلو ضلع ایمن واقع بودند کوشش میکردند
که حرکت حریف را بتعویق اندازند سه ساعت بظهر مانده جنگ
شروع شده و یقین حاصل شد که دشمن پیش جنگ و حریف حمله و قصد مکان زرستنیک را دارد
و از اردوی روس مشاهده میشد که گروه بسیار مسلسل و انبوهی از صفوف چرکس و سواره نظام ترک بسمت تپه
و در عقب سر آنها پیاده نظام فراوانی حرکت میکند
در این موقع ژنرال بارون تیموفیف فرمانده تومان سی و سیم بنابر طرح جنگی که پیشتر نقشه شده بود بریکاد دویم
ژنرال دختوروف را با توپخانه در تاکستان زرستنیک جای داد و دستور داد که والا اگر حمله دشمن
[illegible] گرو نمود از طرف دو دسته از فوج صدوسی و یکم نرسپول و چهار عراده توپ پیاده و دسته ژنرال
تیموفیف مشاهده کرد که حرکت ترکان مخصوصا بجانب ضلع ایمن ژنرال زینیادوف است فوج صدوسی
و یکم و یک طری توپخانه حکم کرد که از کوه مصعب زرستنیک را از طرف آورده و یک طری دیگر را

فرمود در جلو دامنه کوه در برابر اردوی فوج دوازدهم از دوران ستارودوب نصب کردند و این طری از
یک طرف ترکان را که دسته بدسته مجتمع شده بودند هدف گلوله توپ ساختند و فوج یکصد و سی و دویم
نیز فرمان که در مرکز لشکرگاه قرار گیرد و ضلع ایسر را نزدیک شود و قدری در عقب فوج یکصد و سی یکم باشد که فیمابین
آنهم جلو با طری را بپوشاند مگر کرده آنانا روس نیز بدوام دامرلاد دستور العمل فرستاد که بریکاد دویم تومان
سی و نهم پیاده در ضلع ایمن لشکرگاه در زرستنیک برود و فوج یکصد و سی ام خرسن که در بانکار اردو
بود به کسوا و بوان مغنلیک روانه شود و بهر طوری که اقتضا کند بر ضلع ایمن با عقب عساکر ترک حمله کرده و
بالآخره فوج صدوسی و سیم بسارابیه که چهار ساعت بظهر مانده به زرستنیک رسیده بود فرمان یافت که
در تاکستان این قریه جلو باشد
دو ساعت بظهر مانده با طریهای عثمانی را شروع کردند در تپه های ایمن مکاو پرکس نصب نمایند و بجاده که تحکیمی از
برای توپخانه در گرفت و سپاه حمله ور ترک که در تحت حمایت توپهای خود بودند با صفوف انبوه جلو در ضلع ایمن
و قلب روس زد و در حالتیکه لشکر ذخیره فراوانی در پشت سر خویش داشت و پس از آنکه از تپه ها فرود آمد
در دره و مسیل جنگ بنور [illegible] پیش گرفت ولی چون آتش سخت توپخانه از آن به [illegible] نمایانی کرد ناچار عقب
نشست و پس از آنکه ترکان امدادی رسید مجدد به یورش [illegible] ولی مجدد از آنها عقب نشستند و توپ [illegible]
جدال پیوسته [illegible] که [illegible] باران گلوله را با طریهای جلو روس و چند فوجهای [illegible] قشون ذخیره آن بسیار [illegible]
این باران آتش [illegible] جدال و [illegible] رود دانوب هم [illegible] رسید در این [illegible] اسکادرون عثمانی خود را
[illegible] که [illegible] رود دانوب [illegible] اند و این سواران از اسب فرود آمده و بنجات فوج دیبیر را
هدف نیز گلوله [illegible] از جلو و پهلو [illegible] تیرباران کردند [illegible] دسته چهارم فوج دیبیر از ضلع ایسر لشکرگاه

خود جدا شده ضلع یمین ترکها در هم شکست و انهارا مجبور ساخت که بنگاه ترکها که در آنطرف آورده بودند فوراً خالی کنند سایر ستحکامات که در انتهای ضلع یسار روسها بودند عقب نشینی ترکها را غنیمت شمردند و از کنار رود بر ایشان حمله ور شدند و اورا در ظرف قدره آمد جستند

در این هنگامه پیاده نظام عثمانی در فاصله ما بین بکا و ترستنیک پیش آمده مخصوصا که آتش بر ضلع یمین سپاه ژنرال زینیادرف بود سواره از زوران اسفرودوف و سواره نیزه دار از پیل گورد از ترکان بر ایشان بار کردند و از اسبها بزمین فرود آمده چنان آتش جانگدازی افروختند که دشمن را تا ورود بریگاد دوم توپخانه سی و سیم ژنرال دختورف نگاه داشتند آنوقت ترکان تدارک آن دیدند که بر ضلع یمین ژنرال زینیادرف حمله ور شوند برای انکار سپاه ذخیره خود را در عقب گذاشتند و یک یورش عمومی بردند و بجانب قریه بکا ستونهای قوی روانه داشتند که چندین صف ترتیب داده دیگر گلوله بر لشکرهای کو در روسها بارید ولی هر قدر کوشیدند که از در عبور مانع سعی ایشان بجائی نرسید پیاده نظام عثمانی جمع آوری کرده و در جانب بحری بهادران و طلایه افواج خود در عقب کوه جنوبی قریه بکا این پیاده و چند دسته مردم پیش فرستادند که در بیابانک برآمده ترکها اندرمین ترا بخاک خوابیدند و در میان هنگام عساکر عثمانی با دستههای کوچک از طبقههای جلو خود بالا رفتند و سواره در پشت پشتههای کوهستان را پنهان کرده بود و در برابر جبهه روس واقع شده در میان هنگام پیاده ترک از این جا طبیعی که بواسطه پستی و بلندی اراضی وجود داشت بهره مند شده آتش جانگدازی بکار بستند تا ستحکامات فوج ارف کشودادوف ژنرال زریقیادرف امداد چندی بدانصوب روانه داشت

در ضلع این جنگ خیلی خونریزی نشد و آنوقت که ژنرال زریقیادرف در لشکر ترکان با عاقبت بسیار سختی مواجه شدند و از بازگشت ناگزیر ماندند و در پیاده در روز در آمدند و کار بکار همین سختی زد گرفته

او با جنگیدن بکار

بود تا وقتیکه بریگاد دوم توپخانه سی و سیم پیاده آهنگ یورش نمود در این هنگامه که در بکا جنگ غلبه شد ترکان در ترستنیک همینقدر قناعت کردند که چند حمله مختصر بر ضلع یمین روسها بردند و یک بخری از سواره را از بکا با چنین رود لم متصرف ساختند و از قراولخانههای جلو شروع به تیراندازی تفنگ کردند

لشکر ترستنیک در آنطرف بریگاد دوم توپخانه دوازدهم پیاده نظام بود و این سپاه ناظر در این لشکرگاه قبض نموده و پیش از یک باطری توپخانه معاون نداشته بزودی یک باطری بجلو روانه داشتند تا بلندیهای خان بول چشمه را هم گلوله کنند زیرا که آنجا و در نقاط مختلفه ستحکامات پیاده ترک اجتماع داشتند بعضی کسکه چند قبر را از این طرف آمده بودند در پشت بلندی جا گرفته و تقریبا در میان یک ساعت دو عراده توپ برای تقویت خطوط محاذی ساحل دانوب روانه نمودند و شتراده توپ بجانب ضلع یسار لشکرگاه بکا فرستاده شد

در این هنگام وضع عمومی انکار بود و بدیهی شد که دشمن کوشش میکند که تمام قوت خود در تصرف تسخیر لشکرگاه بکا نماید تا بتوانند روسها را از دانوب برانند و پل پاتین را در تصرف آورند سرکرده اردوی دوازدهم در راپرت رسمی خود چنین مینویسد که چون بچشم خود دیدم ترکها از فرصت آن بهره مند که تمامی یورش خود را تدارک کنند و قوت زیادی برای دفع آن لشکرگاه جمع آوری نمایند و لیکن من خواستم انهارا پیش از اوان در پیش آوردم و ضلع یسار سپاه خود را جلو برده و حمله به دشمن نمایند اول قصد آن کردم که بر ضلع یمین ترک تاخت آوردم تا بعد از ضلع یمین قلب انها یورش توانم برد و برای انجام این مقصود انتظار آن را داشتم که همینقدر بریگاد دوم توپخانه سی و پنجم برسد وقتیکه این بریگاد به ترستنیک رسید گمان کردم که وقت یورش بردن رسیده است و برای قرار دادم که بریگاد دوم توپخانه دوازدهم از ترستنیک روی براه رود جوج گذارند و از راه جنابان حرکت کنند اینکه از پیش فرستادن جناح یمین خود خواستند بر ضلع یسار ترکان بزنند

راه خیابان رو چوخ در بول چشمه رود و لم نزدیک میشود و در آنجا نزدیکی
سمت داوب را تو په پیدا است که لهذا امتداد آن با سهولت حرکتی بجانب عقب لشکر حمله ور شده
حال شنیدکه آن لشکر علی الاتصال در صدد تخویف و تهدید عسکر بیکاباد بودند لهذا در بیکاباد دوم تومان دوازدهم سواره
یکباطری توپخانه سواره مامور شدند که از روی پیش بر ضلع دشمن تقویت و نگاهداری کنند لهذا سه اسکادرون
از فوج دوازدهم نیزه داران **چپل کرد** و دو ستون از فوج سی و ششم قراغ و دو باطری سبک یکم قراغ با یک ستون که
همراه بیکاباد دوم تومان سی و پنجم پیاده نظام وارد اردو شده بود روانه شدند فوج دوازدهم اژدران با باطری توپخانه سیم
سواره مامور شدند که در حرکت ایشان از مرکز و ضلع ایسر تقویت و حمایت نمایند سواره او بجمعی ژنرال **ستایل** کرت
راه انجام رسانیده و از رستنیک بیرون آمده و راه خیابان بدست راست اند خبر امتداد داده و عبور این شیب را
در صفحه مابین بول چشمه و سفلیک سمت خود دار شود و یکسید سواره او وقشنیکه بالای تپه های رسید
آتش پیاده ترکان شدند و این ترکان در سباوکوه الها و چند تپه ای بودند که از برج حفر نموده
بودند وارد و در قشون عقبه و ذخیره زیادی مشاهده میشد ژنرال ستایل فرمانداد که سه اسکادرون از افواج **نوبسار**
راخ تیزنگ بجانب چهار عراده توپ از جلو و پیش بر بیند وقشنیکه بالای تپه بهار رسیدند
دانش توپخانه خود را مکشانند فوج دوازدهم **خرساشینگی** با دو عراده توپ در بین **نوبسار** با قراقهای **دن**
از فوج دوازدهم به حمایت ستون چهارم فوج سی و ششم از مرکب خود فرود آمده و آتش تفنگ خود را
سیر ساختند و از طرف دیگر ستون اول فوج دوازدهم بدون اینکه دیده شود خود را در عقب صف ترکان
در پشت پشته جوانیده و مواظبت کرد که ترکان بدون اطلاع با تیرس تفنگ پیش آیند آنوقت چند
شلیک متوالی بر آنها کرده پس از آن بعزم یورش تاخت آورد و چون بعضی از سواران قراول **نوبسار**

قراول

فرار را بر خود پسندیده با مدارای بسیار تشنا فتند و از طرف دیگر چون کلونل **خرساشینگی** چون **چرکس** را با
توپخانه سفلیک مانده بود و در آن مکان آتش پیاده دشمن که در کوه الها ما بین کرده بودند او را کرده و چون
از برای محافظت اطراف خود مضطرب گردید کس فرستاده و امداد طلبید ژنرال **ستایل** سواره و بکادرون
نیزه دار با مدد کلونل **خرساشینگی** روانه داشت و اسکادرون سیم را در ذخیره نگهداشت در این وقت پیاده نظام
که رسیده بود در سواره **نوبسار راخ تیزنگ** حمله کرده و لیکن سواره ای که از اسب پیاده شده بودند چند
فیرایل کمر از باطری **دن** خالی شده در حرکت زنبیاد آتش شدند توپخانه عثمانی که از پیش کم بود چندان
برود سواره دارد بنا و رود ولی آتش پیاده آنها ما بیش نمایان گردید
در این هنگام بیکاباد دوم تومان سی و پنجم پیاده نظام به سواره روس ملحق گردید و چه نظر از توقف که
دکلونل **تویاشف** چند اسکادرون سواره پیش فرستاد و در کار منهزم نمود آنوقت تومان سی و پنجم
وقشنیکه سواره ضلع ایمن آغاز حرکت کرد و بیکاباد دوم آن تومان بسرکرده کی کلونل **بزارف** راه خیابان پیش گرفت
و بجانب **بول چشمه** روانه گردیده و **لیوشان فیرکس** فرمانداد که متابعت آن بیکاباد نمایند و فوج چهل و ششم پیاده
با دو باطری توپخانه بسرکرده کی کلونل **فنانف** با این عزم در حرکت آمدند و با طالیونهای اول و سیم فوج **رداینک**
با شش عراده توپ پیش افتادند و فوج چهل و ششم **اوکرانی** در ذخیره واقع شد و فوج **خرسانک** در ذخیره ماند ترکان
نتوانستند در برابر این حمله پایداری کنند **اوکرانیها** و دو باطالیون **رداینک** از رودخانه یورش بردند و
باطری سیم و ششم بیکاباد دوازدهم ترکان را جابجا ساختند که خط ثانی تپه ها منعطف شدند باطریهای سیم و ششم بیکاباد
سی و پنجم با اران قبوریشه بود بر سر ترکان باریدند بلکه قسمتی از باطری ششم بخیال نزدیک رسیده در حالتیکه باطری
سبک یکم قراغها بر ترکان از درکت فکول را با تخت و چون دشمن خط ثانی تپه های **بول چشمه** را

آورده بود آتش بسیار سختی در سراشیبیهای روس گشوده و لیکن ژنرال ففانف مع‌هذا اصرار کرد که حریف را از تنگیهای
توپ بیرون رسانیده بود و جنب سنگر او حکم کرد که دوبات از یورش کشند و کلونل دنقبل فرمانده فوج مرتسانک
فرمان یافت که با فوجی چند نزدیک صف اول حریف برود در حالتیکه فوج زرانیک و شیر از دامنکوه پیش
هنگر داری ترکان بر روی سنگ بیافکند

وقتیکه بریگاد دوم توبان سی و هفتم به ارتفاعات سول خیمه رسیده و خاطر خود را نصب نمود شروع کردند که از
جلو و اطراف آتش خود را بر ترکان ببارند و ژنرال تیوفیف سرکرده توبان سی و سیم فرمان یافت که بریگاد
دوم آن توبان را در برابر عساکر ترک در جلو ضلع این لشکرگاه مکا پیش ببرند و آن وقت تقریباً دو ساعت از
ظهر گذشته بود و در همان ضلع این معسکر مکا دسته هفتم و دوم فوج ارف بامداد دسته نهم و شیر از اماکن
منصرف خود خارج کردند و او را مجبور ساخت که در دره مکا پناه ببرد و پس از آن دو نصرف پیاده بریگاد دوم توبان
سی و سیم جمعاً به آتش به هدف نزدیک متصل الجانب و شبکه در دره مجمع بود گشودند

زمین جلو بریگاد دوم توبان سی و سیم وضع مخصوصی پیدا کرد

که فوج برتسپول و در پیش آن فوج سندر در مقابل صف سلسله تنگی که از ترسنیک
دالوب ممتد بود افتاده بودند و در پشت لشکرگاه مکا جای داشتند و مقابل برابر این دره که پیاده قشون ترک
در آنجا مجتمع گردیده بود و دنباله معسکر مکا بود و در پشت این بلندی یک زمینی مرتفع و کریوی بود که بجانب دره
فرود می‌آمد و چشمه‌ای سول خیمه میرفت و دورتر از آن تپه‌های برکس از آن ضلع جلو که ... رسید
بنابراین بریگاد دوم توبان سی و سیم میبایستی از این دره بگذرد که در اول راه ترکان بدو حمله کردند
ژنرال دختورف مقصود از طرح جنگ را برای فرمان

افواج بیان کرد فوج صد و سی و یکم برتسپول و دو باطالیون از فوج سندر را برای یورش معین نمود و تمام
دستجات صف اول میبایستی در فرمان مخصوص معهود از خندقهای طلایه سپاه چند و بقصد حملات سمت کوه
تاخت آورند مجمل حرکت این قشون سلسله صفوف متراکم ترکان که در برابر بود از نظر جوانب قلب لشکر
روس آتش جانگدازی فرو ریخت — باطالیونهای افواج برتسپول

دسته را آغاز یورش نهادند و بسرعت از دره فرود آمدند و از نشیب برابر بالا رفتند در حالتیکه آتش جانگداز طلایه
لشکر دشمن بر سر آنها میبارید ولی فوجهای عظیمه سپاه ترک نتوانستند با جرأت کردار دماغه که کلوله روسها بر قبه
بود خود را نشان بدهند و سربازان دو فوج برتسپول و سندر در کمال سرعت بدماغه مقصود رسیدند
و طلایه عثمانی ضعف فرصت آن یافت که از طرف دیگر پائین رود و ترکان بحالت دو دسته کثیر العده در پائین دره
جمع شده بودند و روسها با سرنیزه بر سر حریف بجستند که تاب مقاومت نیاورد و به تعجیل در بالای تل نزدیک پناه برد
در آنجا وسط باران کلوله‌های قشون ترابیل تعداد ایشان عشر رسید

در هنگامیکه بریگاد ژنرال دختورف ژنرال تر با پیاده نظام ترک در زد و خورد بود و فوج دوازدهم ارزوان قدم
تقدم در عقب آن میرفت و دسته پیادگان در بالای بلندی برکس توقف کردند کلونل سندرلنک سرکرده
ارزوان عدد اسکادرون را مامور ساخت کرد که دشمن را متشبا بنگام تعاقب نمودند و توقف نکردند مگر در
درف — در موقع یورش ژنرال دختورف ژنرال تشیا

درف بر ترک لشکر مکا گفته بر ترکان حمله در گردید و دستجات از فوج ارف که از نشیبها برآمدند در ضلعین
ترک که در دره جای گرفته بودند بجستند و ترکان چون به توسط آتش پیاده نظام و کلوله قشون خسران فراوان یافتند و از
بریگاد دوم توبان سی و سیم اندیشه ناک شدند شروع کردند که با کمال عجله در نشیبهای برابر پیاده برآیند در این اره

برگشتگان در خیابان خود مالامال کرده‌اند که مطابق راپورت رسمی روس بعد از آن تیر اصحرای مرکانیه

توقف ژنرال زرشلیادرف بریکاد اول جمعی خود فرمان داد که توپخانه آتش

حمله ور شود و ذخیره بزرگ و طلایه سپاه ایشان که در خانه‌های و چند تپه‌های شرف قریه مکاجای داخل شدند بکمال

بی نظمی آغاز عقب نشینی نمودند و ذخیره ژنرال ترشلیادرف عبارت بود از هفت باطالیون ساپور که از بابتمن

آمده بودند و باطالیون دویم فوج خرسان و چهار عراده توپ از سنه افواج خاصه که از بطرزبرغ آمده بودند

تا لشکرگاه مکاجا را تقویت نماید

در تمام مدت جنگ از باطریهای روس که در خاکریز لشکرگاه نصب شده بودند و در ساحل رودخانه دانوب جای

داشتند بزرگان جسارت عدیده و عظیمه وارد آمد بخصوص کشتی بلکوپل که سابق بر این متعلق به بزرگان بود و در جنگ سکو

پلیس جنگ روسها وارد آمده بود و خر و کشتیهای ابو جمعی نواب گراندوک الکسیس الکساندرویچ در شط

دانوب بجنگ اشتغال داشت ضرر زیادی بدشمن برسانید و این کشتی مخصوصا در این موقع که سپاه عثمانی بجانب

رودخوج فرار میکرد خدمت نمایانی نمود با این که اتفاقا قوت آنها را نکرده دست از اتفاق عمومی کشیدند

در این جنگ از اردوی روسها چهار صاحب منصب مقتول و بیست تن از ایشان مجروح و یکصد و بیست نفر زیاده کشته شد

و شصت و پنج تن از آنها از هفتاد کرده پنج نفر از آنها ناپدید شد و سرکرده بزرگ اردوی دوازدهم مینویسد که بدبختانه

بزرگان جلو رها دیده باشند زیرا که در شش ساعت اول جنگ توانستند مقتول و مجروح خود را از میدان جنگ بیرون برند

ولی در اواخر جنگ لشتهای کشتگان در هفتاد ازان در خارج و سنگر روس ما روی زمین ماندند و فردای آن روز دسجات

در حالتیکه برف بزرگ شدیدی در جلو داشتند آمدند و آنها را از خاک برداشتند ولی در خطوط محاوله ما تقریبا شصد نفر کشته

و بیش از سیصد نفر جهدار از ایشان افتاده بودند که زخمهای کاری داشتند بلکه اغلب صورتهایشان گرسنه بود

دانسته مخفی شود

و شناخته نمی شدند و چندین تن صاحب منصب در آنها دیده می شد از آنجمله ریستوان ماور کرده که کلیه

ضرر دشمن به سه هزار تن مجروح و مقتول رسیده است صورت راپورت شکیه سلیمان پاشا در بیرد هم و سلیمانپول

کرده است مطابق شرح ذیل است

در روز که چهارشنبه بود با سه بریکاد پیاده و یک فوج سواره و چهار باطری توپخانه شروع نمودیم که حرکت بیورش شدیم

جانب دشمن که در طرف پیلا بود و کنم و چهار ساعت و نیم از روز بر آمده در تپه‌های برکس جنگ در گرفت

روسها توانستند مدتی در برابر بریکادهای سالم پاشا و ابراهیم پاشا که در تحت فرمان عمومی عثمان پاشا بودند

پای ثبات بفشردند عاقبت دشمن مجبور گردید که بسرعت در بالای تپه‌های مکاجا برود و در آنجا سنگر

درنگ کرده سه دو حمله ور شدند و بریکادهای ابراهیم پاشا و سالم پاشا قوای نظامی دشمن را بقریه مکاجا راندند

یک صد و پنجاه یا دویست قدم فاصله نزدیک شدند لشکر که از آن طرف قریه بالای تپه ساخته شده بود

که ما این جناح یسره دشمن بود در تصرف آوردند ولی دشمن از پیلا امدادهای عظیمه روانه کرد که شش باطالیون

ما که در جناح یسره مشغول مدافعه بودند هجوم آوردند و در همان حین سه باطالیون پنجم طلایه سپاه ما که در دیوان سفلیک بود

یورش آوردند و قصد آن داشتند که جناح یسرا این لشکرگاه را در هم شکسته و باطالیون مزبور با در کمال جلادت در مقابل

حمله دشمن پایداری کرد و یک باطری توپخانه که در پشت سر آن نصب شده بود با آتش جانگداز خود از باطالیون مذکور

امداد زیاد نمود و صاحب بیت که پل معروف به جاووش کبری را محافظت نمود چند حرکت شایسته کرده

کوششها و مقاصد دشمن را کلا معطل و سترون ساخته ولی با وجود جلادت فوق العاده لشکریان ما نتوانستند تمام

خاکریزها را که دشمن در تصرف داشت مسخر سازد زیرا که در تپه‌های مکاجا این خاکریزها آتشهای خود را فرو میریختند

مختصر آنکه روز نیز در شرف انتها رسیده بود و ما هم نایل بمقصود خویش گردیده بودیم زیرا که خبر شدید تخویف سنگری

می‌نشینیم لهذا فرمان فرمای کل این لشکر را فضلی پاشا فرمان یافت که عساکر را در اماکن متصرفی سابق خود گرد آورد
و این معاودت در کمال نظام انجام یافت و چون در این بین دشمن قصد آن نمود که بر جناح یسار ما حمله ور شود
خود نیز در کمال سرعت بر آن نقطه شتافتند از حرکت و اوضاع متحصن کامل پیدا کنیم و در وسط آنها … که از آن
در صبح از زور خورده بودند تلافی کنند و گمان میکردند که جناح یسار ما را با قوه چندان ندارد و در پیش حرکت کردند
و با نقطه نزدیک آمدند ولی بواسطه حرکات و آتش تیز عساکر ما که در بعضی اماکن مصاعده جای داشتند و بواسطه
رای و مجاهدات شایسته که فضلی پاشا در نقطه معتبر متصرفه خود در ورداد دشمن شکست فاحش خورد فضلی پاشا
از رفتار ذهنی بیک و نوکی بیک نایب سرهنگ تمجیدات فراوان میکند و در این جنگ لیاقت فوق الحد از
فاحش و انکار می‌نماید و همچنین از تمام ارباب مناصب بزرگ و کوچک که در این فتح شرکت داشتند
تعریف زیادی میکند باری تمام اطالبوسهای بدین طریق مقامات اصلی خود را در تصرف آوردند در استحکامات
این استحکامها در سکا در گرفته بود با طوبهای ژیورژو بجانب روچوق تجدید گلوله ریزی کردند و ضعیفه مسلمانی
شهادت یافت و دو زن دیگر که یکی از آنها ملعارسته بود زخمدار گردید بعد ساعت از روز رانده یک
کشتی زره پوش در سواحل سکا آمد و در صد گلوله با ریدن توپ بود و بجناح این عساکر ما که از آن سمت آتش پوشش
بسر دود در همان هنگام یک کشتی زره پوش عثمانی با کشتی بخار شهباز در کمال سرعت بجانب برگس روان
شدند و آتش دشمن را از آن سمت فرو نشاندند مختصر اینکه در این جنگ معتبر که بعرض رسانیدند و … اردن
در شش فرسنگ مسافت از چادر دوش کبری بود و تا هفت فرسنگ مسافت ممتد گردید از روز … در
میدان کارزار بیش از سه هزار کشته بخاک هلاک افتاد و علاوه بر این اخبار ما روت سکا آتش گرفت و در
دشمن ضرر بسیاری وارد آورد و بنا بر استحضارات خارجه قوای عسکری دشمن که در این جنگ بکار رفته بود

علاوه بر این

عبارت بود از شصت باطالیون پیاده و اقلا هشتاد عراده توپ عده مقتول و مجروح عثمانی هنوز معلوم است
زیرا که هنوز راپورتهای سرکردگان بمن نرسیده است ولی از خلاصه آنها استنباط کرده‌ام که ضررهای ما نسبت بجبران جسیم بسیار
اندک است (آخر راپورت) سلیمان پاشا در راپورت دیگر گوید
که تلف شدگان قسمت قشون ترسکراد عثمانی هزار و هشتاد نفر و تلف شدگان قسمت روچوق پانصد و نود و
تن بودند که من حیث المجموع هزار و پانصد و نود و نه تن کشته اند و چهل نفر ایشان صاحب منصب بوده و پس از
جنگ امروز سارنت و مجامعت در کنار رود خانه لم نزدیک گردید و علاوه بر این سلیمان پاشا راهبرداری معتبر طلبیدند
و معلوم میشود که هر کشتی از برای این لشکر عثمانی مایه اعتبار و عزت پاشا حدیدی میکردید زیرا که بعد از شکست خوردن کرده
شیبکا در کنار رود لم قایم مقام محمد علی پاشا شد و پس از قدوم شریف جنگهای کیمی منصب سرداری کل
عساکر رومیلی عثمانی از روپ منتظر گردند و فضلی پاشا در قشون والنوب جانشین سلیمان پاشا شد
روز نوزدهم و سایر جاهای روس از کنار
قرالم با پیش قراولان عثمانی چند تیر تفنگ رد و بدل کردند و چندی نگذشت که آثار آن روز روس خاطر جمع که دیگر
دشمن حالت حمله بردن ندارد و چون سلیمان پاشا فهمید که فوج جانب پاچه ژنرال گورکو طرح جنگ را تغییر کلی خواهد داد
عساکر جنگ دیده ترسکراد در ابه رومیلی طلبید و قلاع حصینه خاک مربع عثمانی را سخنهای معتبر بیابد کردند ولی
سپاه رزم آور سواحل لم که مدتها مشغول جنگ بود تقریبا با تمامه در اطراف کوهستان بالکان مجتمع شد
ترکان از روز چهاردهم و سایر الناراط نموده بسمت قریه احمدلی
رفته بودند که بعد چهار هزار ذرع از جاده سیلیونو دور
افتاده است مختصر اینکه جنگ اول تمام شده بود

فصل یازدهم

فهرست

کنت اندراسی

مطلب اول

در اسلامبول اغتشاش و همهمه فراوانی بود و شرحهای مبسوط برای اخبار مجعوله قرار رسیده بودند و امورات جنگی و نظامی علی الاتصال بواسطه خیانتهائیکه معمول شده اول مابین سرداران عثمانیه است موفق نماند از شکست انقلاب عظیمی پیدا می شد در ماه نوامبر در وقتیکه وضع قشون در خاک آسیا بد شده یک شورش بزرگ در دو قسمتی روی کرده و سلطان شوریدند و خواهش شد او را از سلطنت خلع کنند و سلطان مراد پنجم را بجای او بنشانند و لی این قصد

چندان

چندان عمق و استحکامی پیدا نکرد و در این خیال سرگرفت با عجله در صدد آن بر آمد که از رعایای که بواسطه انقلاب جنگ در تحت حمایت دولت روس در آمدند تمالت دلنوازی کند و در بیست و ششم نوامبر وزیر اعظم از جانب سلطان خطابه ذیل را بمردم بلغارستان قرائت کرد

ای بلغاریان قرنها بود که شما در زیر سایه مودت آمیز پروانه دولت علیه عثمانیه زندگی میکردید و در رسوم ملی خود بهره مند شده با کمال امنیت و آزادی بمذهب و قوانین خود عمل میکردید مختصر آنکه چون با هموطنان مسلمان خویش تعیش مینمودید و در کمال آزادی تجارت و کسب و صنعت خود را معمول میداشتید لهذا اغلب یک جانب و از سعادتمند و مرفه الاحوال بودید که هر یک از شما ممنون است که با موجبات و بمددستی مرحمت آمیز دولت علیه سلطانیه از کسب علوم و معارف عمومی و شغل فلاحت و حرفه و صنعتی خود بهره کامل تحصیل کنید و حریت و آزادی که شما در رتق و فتق امور ولایتی خود داشتید بواسطه فتنه ها در آمد بود و دولت سلطان در صدد آن بوده است که هر قدر بتواند اسباب سهولت و رفاهیت و اقدامات شما را در امور مدنی خود فراهم آورد و در ازای این مراحم دولتی اعلیحضرت سلطان که پادشاه معظم ما باشند چشم انداخت که از شما ادای حقوق و وفا و اخلاص صفا بروز کند و حال آنکه بعضی از شما بواسطه وعده های فریب آمیز ارباب فساد و فتنه از جاده و صراط مستقیم انحراف ورزیدید و تعدی از راه صلح و صلاح دوری جستید که صلاح شورش و انقلاب در کف گرفتید و این فتنه تمام عالم را در شگفت و حیرت آورد و در اعمال و افعال وحشی و سنگدلی که از شما بروز کرد قلب اعلیحضرت سلطان که منبع لطف و احسان است ملالت بهم رسانید و لی بکمال اطمینان را دارم که اگر آن اشخاصی که از جاده صواب و داد آنها این خیالات باطله فتنه انگیز نمایند بقدر نگاهی باطراف خویش بکنند و بدیده العین مشاهده بنمایند که اشخاص که بخیال آنها در کمال رفاه و آزادی روزگار میگذرانند گرفتار مصائب عظیمه اند و در مجلس از روی که حرکت و

آسایش جاری میباشند و الفاظ قانون ملی و پاشای ممالکی که بسمع ایشان برسد عبارت شد از تحقیقات
ماهیجاری که خرج و ترتیب دادن آنها غذری ندارند و سودی نکنند مگر آنکه ایشان را براه شومی که از نتیجش گرفته‌اند
رهبری نمایند آنوقت این مردم همه هم‌دیهان خود در حقوق و مملکت‌شناسی ثابت قدم نمایند و قدر حقوق را
بدانند که در تحت حمایت آن زنده‌گی بکنند که کما ینبغی مستفید شوند و هیچ‌چه از قوانین عزت و سرافرازی قاعده
دائی منحرف نمی‌شوند و علی العمیا اسباب خرابی مملکت خود را مهیا نمیکنند و لهذا از اوضاع و قیود در این شکر متکیم که تو را هم
سعادت و شرف تمت بلغارستان را فاش اظهار کنم زیرا که تعداد این جاهلان بسیار در ایشان کم بوده و اغلب
اهالی در این قوانین ثابت قدم و حق‌شناسی باقی ماندند ای بلغاریه که رعیت با حقوق اعلیحضرت سلطان
میباشید بدانید که پادشاه و نجات که بار اول رعیتی او افتخار است باندازه انصاف و الطافش شما را پیدا کرده
است که بجای آنکه بتوسط جنایت معدودی ایشان را که آواره‌گی و جلای وطن اختیار کرده‌اند خودشان هم
ندانسته‌اند چه میکنند ترک رأفت و رحمت خود را نسبت بعموم بلغاریان نفرموده است بلکه مستعد است که
هر یک از آن فراریان آواره معاودت کنند و از رحمت فطری او طلب عفو نمایند او را ببخشد و از گناهش در
گذرد ای بلغاریان هر یک از شما که بتوسط خطیئات همشهریان خود ترک خانه و قریه خویش گفته‌اید که بکوهستان
پناه برده‌اید که مبادا از پیش خود دچار مؤاخذه و تنبیه و جریمه شوید باید از آسوده‌گی خویش خاطر جمع باشید
دین بحکم اعلیحضرت اقدس سلطان انها را دعوت میکنیم که بخانه خود معاودت نمایند و از این کنتی تو
سیتون قانون ملی که اعلیحضرت سلطان در این ایام قبول فرموده معلوم میشود که عموم اشخاص از حاصل
ای بلغارستانیان
استقبال در تحت امن و امان خواهند نمود
رعایای با حقوق اعلیحضرت سلطان امروز پیش از همیشه باید از سعادت و حمایت عثمانی مملکت عثمانی اطمینان

داشته باشند زیرا که هر

داشته باشید زیرا که هر یک از ایشان مقصد از ثبت رعایای با حقوق اعلیحضرت سلطانی کمند مطابق قانون
در عرض سیاست و مواخذه در بنیادی بلغاریان یک شمار است که از فیوضات و تفضلات که حسب الامر اعلیحضرت
سلطانی از ایشان وعده میکنیم بهره‌مند و کامیاب شوید و آن آن که از درک این فیوضات مستاع و در مدو زید
عیال و اطفال ایشان دچار مصاعب برای فصل زمستان باشند و آنها را از خانه و لانه خود آواره کرده‌اند
زنده‌گی در سرگردانی از تمام رفاهیات و فراوانی محروم باشند هیچگونه اشخاص در صدد حلق و اتصاف حق
مسئول از هر چیزیکه سرزده اند خواهند بود (اخر خطابه)
روز سیزدهم دسامبر سلطان مجلس پارلمانرا شورای ملی افتتاح فرمود و خطبه ذیل را قرائت کرد
ای اهالی شورای دولتی و ای وکلای ملتی بسیار سعادتمندم از اینکه مجلس پارلمانرا
مفتوح میسازم و می بینم که وکلای ملتی در دور من مجتمع اند شما میدانید که دولت روس در سال گذشته بما
اعلان جنگ کرد و دولت مجبور بود که از خود مدافعه کند و این پیش دستی حریف را در جنگ دفع نماید جنگ
مستور بر پا میباشد و دو سال دیگر است که در ارض خونین آتش و فتنه بظهور رسیده و این فساد در
اماکن نیز رایت نموده با وجود مساوات و رعایات که تمام رعایای ما دارند و از چیزی منت داشته خود را از آنها
یک قسمتی از جمعیت باز رئیسی اختیار کرده اند و بسبب راه عدم مساوات پیموده اند و این آوارگان همین
مملکت و هموطنان خویش بزیان و خسران وارد آورده اند بلکه بشخص خود خسارات بی پایان رسانیده اند و چون بستن
را در مهالک عظیمی انداخته اند و با لااقل هزاران نفس که رتق و فتق امور داخله مملکت آنها را در روی قوانین ملی
خودشان بود و آزاد و خود نماند اکنون بدون هیچ سببی و دلیل موجه با ما خصمی با دولت راه محاربه پیش گرفت
اند تمام این سوانح عظیمه که نظر انداز در کشف تاریخ بنظر رسیده بر آتش رعونات جنگ افزوده اند مملکت عثمانی

برای اینکه در این جنگ با دشمن مواجه گشته تکلیف خود را چنان دیدند که هر قدر بتوانند قوت خود را صرف
معاونت و پایداری تمام عثمانیان بواسطه رشادت و جانبازی که در جنگ متحمل شده‌اند ثابت کرده‌اند که حب
وطن عظیمی در همه ایشان آمده است حیرت در شرق و غرب سرداران ما به حیرت تمام عالم شده‌اند سپهسالاران ما
و وطن پرستی تمام شما استمداد میکنیم حقوق جدیده خود را محافظت کنیم مدارک فنون ملی که تو با قبول ما در تکمیل و انتظام
آن مستحکم است و شوق و ذوقی که رعایای غیر مسلمان ما در مشارکت به آن بروز میدهند که در این خدمت مملکتی
همدستی کنند سبب رضایت و خوشنودی وافی دولت ما میباشد و کنستی توسیان جدید که حقوق ملتی
و آیین مذهبی رعایای غیر مسلمان ما را آزادی می‌بخشد در باب حقوق ایشان را مساوات میدهد و نتیجه مساوات
در حقوق مساوات در تکالیف خواهد شد لهذا از طبع معلوم میشود که اظهار انجذاب نظامی مطلقا بخشش تکلیف و
مایه و مبنای مساوات و موجبات است چنانچه از علامات عمده که در قبول تکالیف از ایشان بروز کرده
چنانچه باید منظور نظر ما افتاده است مقرر است که برای جماعت غیر مسلمان نیز ابواب رتبه‌های نظامی باز شده است
سلامت دولت در آن است که قوانین کنستی توسیون را بنحو کمال مطابق منظور مجری دارد و در ترکیب اول
آن بود که ببینیم تمام اصناف رعیت ما از لذات مواهبات کامله بهره‌مند شده محفوظ شوند و مملکت ما از رقابت بی‌جهت ایمن
بهره‌مند گردد تغییرات وارده بر قانون ثابت و دخل مملکتی و انجام و اجرای امور مهمه دولتی و تقسیماتی که مطابق احتیاجات
دولت در خرج و دخل مملکت منظور شده و طرز وصول و ایصال ثابت چونکه سبب منافع رعیت شود و در اصلاح امور
در قانونهای عدلیه که مطابق لوازمات حالیه باشد که بنوعی عدالت را بواسطه قضات و در تمام مملکت اصلاح امور
لازمه در امور موقوفات برای سهولت ایصال منافع ملکیه و محصولات ابنیه و تعیین تملکات و تشخیص توجهات نقره
انجاکه بنیان اصلی رونق و نسق امور ولایتی است و استقرار فقر امور ان و تمام این امور مطابق منظورات طبیعی ما

[?]

بوده خواهند بود ولی افسوس که جنگ با نعویق انجام این منظورات است و علاوه بر این تبعات جنگ
از حد و حدود تجاوز کرده‌اند و جماعت بیشماری از مردمان عاری از اصلاح که عبارت باشند از نسوان بیچاره و کودکان
بی ادب که باید جان و ناموسشان محترم باشند بواسطه مقتضیات حربیه دچار رفتارهای سخت و بیرحمانه شده‌اند
که موجب تغیر و طغیان مروت و انسانیت است امیدوار چنانم که بعدها هیچ چیز مانع نشود که راستی این امور
کما ینبغی ظاهر و آشکار گردد در سنه ماضیه طرح قانون بلدی هم از برای پای تخت و هم از برای ولایات
مشهود مجلس شورای گردیده و مقبول افتاده و قواعد داخلی مجلس شورای دولتی و مجلس وکلای ملتی در آن خبر
اجرا در آمده و طرح قوانین معتبره که در مجلس شورای مملکتی مرتب شده نیز محل نظر قبول شما خواهد رسید
و آنها عبارت باشند از قوانین عمده مدافعات بلدی و تعیین وکلای عمومی و تکالیف وزرا و مجلس شورای دولتی
و دیوانخانه عدلیه اعظم و دفتر محاسبات و غیره شما با دقت آرای خود در این قوانین بروز خواهید داد
بعضی مسائل متعلقه بولایات و انطباعات ایالات و غیره را که در افتتاح اول مطرح گفتگو بوده اند حل کنید
و مخصوصا از شما خواهش میکنیم که در باب تعیین بودجه خرج و دخل دولتی هر سنه کمال دقت را
بجای آورید ما گمان میکنیم که چون در حالتیکه مشغول انجام و اتمام جنگ بزرگی هستیم اما در انجام تغییرات لازم
در امور داخله مواظبت و مجاهده نامه بعمل بیاوریم این معنی دلیل واضح است بر اینکه رای ما در بهبودی راه
ترقی دولت ثابت و محکم است ای وکلای محترم بدانید که بواسطه آزادی در گفتگو و محاکمه است که میتوان
به حقیقت امور قوانین دولتی و شرعی رسید و منافع عامه مردم را حفظ کرد کنستی توسیان این تکالیف
را بر شما وارد آورده است و من گمان میکنم که در این باب فرمایش دیگری بالخصوص در ترغیب شما
بشما لازم باشد که الحمد لله از بابت دول متحابه در کمال مودت و اتحادات خداوند متعال از مجاهدات

شرکه ما تفویت فرماید بتاریخ هشتم ذی حجه الحرام ۱۲۹۳ هجری (آخر خطبه سلطانی)

در همان تاریخ یعنی در دوازدهم دسامبر وزیر امور خارجه عثمانی مراسله

عمومی آتیه را بسفرای باب عالی در ممالک خارجه نوشت

مخدوما تمام عالم مأخذ سوانح مشئومی که چندی است به دولت علیه بظهور رسیده اند

میداند دولت علیه عثمانی است از اینکه خود مهیج جنگ با روس نشده است بلکه بالعکس آنچه لازمه

احتراز از آن بود بعمل آورده است و اهل مملکت هیچقدر رعیت سلطان خویش پیش دویدند و تکلیف

مقدس خود را که عبارت از مدافعه سرزمین خود بجای آوردند ولی از طرف ایشان هیچکس تهدید و تجری نفی

نشده و نخواهد شد و بیهوده در صدد آن بر می آیند که بدولت روس سبب موجه و مدلل اقدام جنگ

را نسبت دهند و اگر بخواهد این جنگ را نسبت و مبنی کنند بحکایت بعضی از طوایف که مطیع نظر اوست و

تغییرات که موجب صلاح و رفاهیت احوال آنها شوند بعالی که اقدام به این جرات کرده بود و وضع ترقی

و فتق امور را تجدید نموده و تغییرات نافعه عمیقه را که مایه رضایت و خشنودی تمام رعایات بدون

نژاد و مذهب مجری داشته بود و بنیان این عمل تجدید اوضاع دولتی و ولایتی کنستی توسیان

است که اعلیحضرت سلطان مفتوح و مقرر فرموده است و اهل مملکت با کمال اطمینان از انعقاد این مجلس و قانون

اجرایش که الحق در کمال آزادی است و تاکنون بیهوده منتظر آن بوده اند مردن بعضی قوانین دولتی مجری شود

محظوظ و ملتذ گردیدم اگر تغییراتی بعمل آید که اختصاص به چند ولایت داشت و سایر ولایات مملکت از آن تغییرات

معاف بودند اشکالات سعادت عدیده و عظیمه بظهور می پیوست زیرا که مستثنیات و امتیازات

مخصوصه بچند ولایات با چند جماعت با جاری بعضی از آن ولایات و جماعات مخالف بسکر وند بعضی دیگر

که در تحت قبضه اقتدا

که در تحت قبضه اقتدار اعلیحضرت سلطان واقعند مأخذ محرک شورش و اغتشاش میشدند اگر وقت اجرای

کنستی توسیون و انجام بعضی تغییرات قانونی مستور و مشتبه باقی باشد همین اقرار رسمی و دولتی ما

را در صدق این مدعا به رفع این اشتباه خواهد شد این قرار ضمانت نامه است و تمام اروپ

را در اجرای این مدعا گواه میگیریم سبب منحصر و واقعی موانعی که متوانند مجاهدات ما را در این امور تعویق اندازند

عبارت از حفظ حالت جنگ و این وضع نه همین مانع انجام تغییرات لازمه است بلکه برای رفاه عمومی مملکت

شوم است زیرا که چون اشخاص صحیح المزاج از حضور در زیر بیرق جار بسازند در زراعت و صنعت را از بین ببرند و خرج

مخارج گزاف وارد میآورد و مانع زرگی میشود و برای اصلاح حالت صرفه دولتی و مالیات ولایتی و علایق بعضی

ارباب طلب دولت خواهد شد و چنانچه از مسطورات سابقه معلوم میشود که چون گفتگوی تغییرات مملکتی خارج از

جنگ است بجهه دلیل باید مستور جنگ مداومت داشته باشد حتی الفتوح علیه اعلیحضرت الکسندر امپراطور

روس فاش و علی رؤس الاشهاد انکار کرده است و فتح انتظامی مملکت وسیعی که در قبضه اقتدار او دارد

تغییرات مختلفه موانع کارزار بحالت خود باقی مانده اند و دو لشکر که برابر شده اند در میدان جنگ با

دارای افتخار گردیده اند و با این جنگها بیچاره گی و خرابی هر یک از این دو مملکت را بجوانند کدام از شدت کنند ما

بالعکس عقیده است که طرفین باید ملتفت شوند که وقت مصالحه رسیده است بدون اینکه برای جنگ

مسکی باقی باشد وقت است که اروپا تکالیف محبت آمیز خود را در صیانت کری بعمل آورد و دولت سلطانی

حاضر است که دعوی صلح کند نه از بابت اینکه مملکت خود را از تدارک مردمان عاری مینند و هیچ مخارج را که خرج

تمام اهل مملکت خود را از برای حفظ آزادی و حقوق ملی خود از قبول آنها امتناع ورزند ولی تکلیف دولت

که اگر ممکن باشد منع نماید که بیش از این بعضی دماء محترمه نشود و تمام انسانیت و آدمیت است که با

انصاف آمیز دول معظمه را در این باب طلب میکنیم و امیدواریم که در قبول اقدامات نامساعدت دولتین

شما انعطاف کرده این اخبارنامه رجحان بجانب امور خارجه این دولت عرضه داریم که یک مسوده از آن شان

در وقتیکه دولت عثمانی این مطلب را

بسپارید اخیر رساله

لذا بیا اظهار میدارست پلونا مسخر شده بود و عساکر ترک در همه جا مخذول و منکوب میشدند و مغلوبیت با بیداری

در نظرها ممتنع میامد و دولت عثمانی میبایستی امیدی نداشته باشد مگر در مداخله دولتین انگلیس و اطریش

مطلب دویم

دولت انگلیس با دقت حیرت آمیزی ملتفت سوانح صادره در مشرق زمین بود و علی الاتصال از اسلامبول

مطالب بین وزیر انگلیس و محل اقامت سردار روس میشد بیستم ژولیه کلونل ولسلی از پلاوه لرد دربی

تلگراف ذیل را کرد امپراطور روس بمن اجازت داد

داد که بخدمت اولیای دولت اعلیحضرت ملکه عرضه دارم که با وجود فتوحات جدیده و با وجود آنکه اعلیحضرت

امپراطور بالضروره میتوانند امور نظامیه را موقوف نگاه دارد رأیش با دولت انگلیس متفق است در اینکه مصالحه

حاضر است در صورتیکه سلطان عثمانی تکالیف قابل پذیرفتن اظهار نماید

روز بیست و هشتم ژولیه مذاکره ذیل را برای وزیر مختار روس فرستاد

دولت اعلیحضرت ملکه با کمال خوشنودی پذیرفت و در کمال رغبت تبلیغ خواهد ساخت اقوال امپراطور را

که کلونل ولسلی اجازت پیدا کرده بود خبر بدهد در باب مرحمتهائیکه نسبت به سیاه داده اند سرداران روس در فتح نکه

متفق آنها بوده است صادر شده و این نسبت ها مهیج خیالات عامه اهل این مملکت شده بود بیرون دولت

اعلیحضرت طالبه

اعلیحضرت ملکه با نهایت خوشنودی خبر را دریافت نمود که کلونل ولسلی اجازت داشته است که به دولت خود

اطلاع بدهد که امپراطور روس در صورتیکه سلطان تکالیف قابل پذیرفتن اظهار نماید برای مصالحه حاضر است دولت

اعلیحضرت ملکه برای بکار بردن خبر خود حاضر است و چون بسیار دول متفق است بر اینکه بالعجالی تکلیف نمایم

این جنگ شوم خونریز حالیه را بانجام رساند در حالتیکه شرایط ملحوظه در مصالحه برای دولت روس با بیرون آوردنی

باشند و نوعی هم مقرر شود که بتوانند مقبول سلطان عثمانی شوند دولت اعلیحضرت ملکه با دیده حیرت و خطرات

وضع اسلامبول و تمامت کارهای اغتشاش و بی نظمی مملکت با افواج مخروسه گرفته است و بیم آن دارد که اگر عساکر روسی

روسیه بپای تخت برسند سلطنت و نظم و انتظام آن شهر در عقده تعویق افتد علیه که ممکن است در سر راه

اسلامبول وارد آید میتوانند بقدری موحش باشد که دولت اعلیحضرت ملکه نتوانند در حالت بیداری

و جلسیان خود باقی بماند اگرچه اسباب تخفیف عبارت آنرا وارد رسانند دولت اعلیحضرت ملکه بر خود حتم

است که با وقتیکه حفظ منافع خود چنانچه سابقاً مذکور شده است لزوم پیدا کند از جاده بیطرفی که مصطفی

داشته خارج نشود ولی گمان میکند که اگر کشتیهای جنگی خود را جهة حفظ نفوس فرنگیهای اسلامبول از راه داردانل

بآنصوب روانه نماید از جاده بیطرفی منحرف نشده است ملکه دولت روس هم نسبت به انحراف آنها

داد و پوشیده نماند که تا کنون در این باب عزمی جزم نشده است لیکن احوال چنان است که هرگاه این عمل

روی بدهد اگر مقاصد آن بیطرفی وارد جنب بدو دولت روس را که همیشه میخواهد با و بحالت دوستی

بماند حیرت و تعجبی دست ندهد

روز بیست و نهم ژولیه کلونل ولسلی مذاکره ذیل را که حاوی گفتگوی با امپراطور روس است به لرد دربی فرستاد

اعلیحضرت امپراطور از بابت اخبارگاه که درباب

حفظ روسها در انگلیس شایع شده بود مقید دید که انجاب شخصا خدمت اولیای دولت علیحضرت ملکه
درباب حقیقت امور اتفاقیه راپورت کرده بیشم در یک ملاقاتی که قبل از عزیمت سن روی داد علیحضرت امپراطور
مرحمت فرموده نکات شتیره را این حالت بیان فرموده و اجازت داد که آن نکات را بعرض اولیای دولت
خود دارم و آن علیحضرت انچه را به کنوتس در سوالویا و بیشتر در هم مرقوم فرموده تکرار نمود که منظور از جنگ حالیه
رفاهیت احوال مسیحیان عثمانی است شرایطی که امپراطور در مصالحه مطالبه کند همان شرایطی خواهد بود که
در دربار کنت بوالف اظهار داشته و با وجود اینکه دولت انگلیس ترک وضع بیطرفی گوید شرایط امپراطور نمیکند لکن
اگر انگلیس آن وضع را ترک کند کار را حالت تازه پیدا خواهد کرد و علیحضرت امپراطور در صدد خواهد بود تعویض و تسلیم
خاک از عثمانی بسکر گویا آن خاکی که در (۱۸۵۶) از دولت روس انتزاع شده و تحمیل قدری از خاک
است های صغیر امپراطور برای افتخار نظامی اسلامبول را تصرف نخواهد کرد مگر آنکه بعضی جهة ظهور بعضی سوانح لازم
افتد علیحضرت امپراطور جهة امضای مصالحه حاضر است در صورتیکه مستعد شرایط معقوله از سلطان حاکم
شود و لیکن سیاحی کری که مساعده و حامی دولت عثمانی باشد قبول نخواهد شد تمام دول فرنگستان
در یک کنفرانس دولتی دعوت خواهد شد که قرار داد آخر شرایط مصالحه را بانجام رسانند و امپراطور
میل و قصد ندارد که بر منافع دولت انگلیس خبرانه وارد آید خواه از بابت اسلامبول مصر و خواه از بابت سوئز
و هندوستان و در باب هندوستان علیحضرت امپراطور میگوید که نه همین اقدام آن بامکان نه پذیرفت
بلکه در صورت امکان نیز اقدام آن علامت دیوانگی است و آن علیحضرت مرا اطمینان داد که در باب حفظ
صلح ما دولت متحد شده اند بدون اینکه اندازه خیال اقدام جنگ از دولت انگلیس که علیحضرت امپراطور
کمال میل دارد در حفظ روابط دوستی با آن ارادت داشته باشد گویا تصرف بوقتی نقارستان لزوم پیدا کند

امپراطور از من

امپراطور هرگز در خیال عداوت دولت انگلیس نیفتاده و میل ندارد که با او برودت حاصل شود و لی اگر جزو
ختم کنند که حکما باید ظهور جهار دو مساعف زود دسته رفته باشد (یعنی زود بگوید) برودت پیدا کردن
سهل خواهد بود امپراطور بیم آن دارد که مبادا پلتیک دولت انگلیس سعی در آن داشته باشد که عثمانیان را تشویق
و تحریص نماید و از این بابت جنگ بطول انجامد و گمان میکنید که اگر قول انگلیس در باب عالی اثری داشته باشد
سلطان در قبول شرایط مستعد خواهد شد و جنگ تنف آمیزی که در تمام فرنگستان مؤثر واقع شده بسته به
زودی بانجام خواهد رسید

روز چهاردهم ماه او مجلس سن برش در جواب کلونل لیسلی مذاکره در آورد

دولت علیحضرت ملکه مذاکراتی که کلونل لیسلی روانه داشته بود در کمال فرنگستانیکه مقتضی اهمیت آن بود عبور
نمود و با کمال خوشنودی استحضار از قرار علیحضرت امپراطور حاصل کرد که میل با تمام جنگ دارد و از مسئله
خاک دشمن انکار نموده اند که گفتگوی صلح را در میان آورند و از اطمینانیکه آن علیحضرت در باب حفظ منافع
دولت انگلیس داده اند بسیار تشکر گذارند میل مفرط دولت علیحضرت ملکه در آنست که در استقرار صلح مساعدت
نماید و در این خاصه زیاد قصد آن ندارد که از بیطرفی مطلق اگرچه مشروط است اکنون ملاحظه کرده است خارج شود
شده است از اینکه تمام تا اثر قول خود را در اسلامبول بکار برده تا سلطان و اعیان دولت او را اتحاد
صلح و صلاح تحریص و ترغیب نماید و لی نمیتوانند قبول کنند که مطابق فرمایش امپراطور پلتیک حالیه دولت
انگلیس سعی در آن داشته باشد که وزرای عثمانی تشویق نماید و لهذا احکام را اعتمادی بسازد و تغییر نماید که از
قول آن در شورت اسلامبول خیلی کمتر باشد از آنچه علیحضرت امپراطور بآن نسبت میدهند نا اینکه بالعکس
در هر صورت آن بود که معاونت نظامی دولت انگلیس حامی او خواهد بود البته نصایح انگلیس مطابقت

مسموع و مقبول نیافتاد و لیکن با این حالات متضاده که اکنون در اسلامبول موجود است دفع دولت
انگلیس در عقیده ترکان باشند دولت حامیه نیست که باید حتی الامکان حفظ و داد و اتحاد آن نمود مگر نشد
دولت بیطرف دشمنانه است که هیچ چه آزاد چشم داشت امداد نیست و نه بیم عداوت است و علاوه
بر این بر دولت اعلیحضرت ملکه چنین می‌نماید که حوادث حالیه موقع مساعد و مناسبی جهت ترویج تکلیف
مصالحه باشند زیرا که سوانح نظامیه بعد از مذاکرات امپراطور با کلونل وسلی روی داده و دولت عثمانی را
البته مستعد آن کرده اند که قبول هیچگونه تکلفی در باب مصالحه نکنند مگر با شرایطی که محتمل نیست دولت روس
قبول نماید و لیکن به دولت اعلیحضرت ملکه از مذاکراتی که از نظر ساخته اند چشم نخواهد پوشید و امپراطور
میتواند خاطر جمع دارد که هیچ موقع مناسبی را برای تقویت استقرار مصالحه از دست نخواهد داد آخر حرکات اگر
مختصر اینکه دولت روس مستعد آن بود که با شرایطی که
چندان سخت نباشد مصالحه کند و دولت انگلیس ممتنع داشت از اینکه حکماً این تکلیف را که روس در
اظهار دولت عثمانی جهت اقدام مصالحه نماید قبول کنند و در این اوقات از سپتامبر تا دهم ماه اوت دولت
عثمانیه به حاکم در استنباد هم در اروپا فاتح و منصور بود و سیل و ولی سهولت مشهود می‌افتاد و در ماه سپتامبر
و اگر تغییری در وضع دیپلوماتیک ظهور رسید اما از ماه نوامبر اظهارات در انگلیس تکرار و تولی بود و تخفیف
از این اظهارات خالی از فایده نخواهد بود در اوایل نوامبر لرد کونفلید در مهمانی لرد میر که با شهر لندن خطبه‌ای قرائت کرد
و فسیکه جنگ در طرف دولت انگلیس با شکوهی
گمان ننموده ایم که آن داشت آن تکلیفی را که بخواهیم پیش کرده و این تکلیف مجلس مقبول نشد و دیگر بعد از تأمل بسیار
زیاد که بالاتفاق قبول شده ما هرگز از این تکلیف تخلف نجستیم و آن تکلیف عبارت بود از ... شرح حالی این

بیطرف و بی‌سیاستی برطرف شود به محض اینکه منافع انگلیس در معرض خطر یا خوف در آید و ابداً از مردم که تمام ممالک
را خیر وطن خویش دوست دارند این تکلیف را حمل بر خودپرستی نمودند و اگرچه این تکلیف در خودپرستی ایشان وطن
وطن پرستی ایشان است ولی این تکلیف دولت همین است و بس تکلیف دولت انگلیس عبارتست از حفظ رفع
انگلیس در خارج و گمان نکنیم که این تکلیف مطلوب و مقبول اهل مملکت است زیرا اولاً عقیده که دولت انگلیس را قبول
این تکلیف وادار داشته مخصوصاً در باب کیفیت هم باشد صحبت کنم و گمان نکنیم که تکلیف مرعی انگلیس سیاست شرعی
عثمانی که مقرر انگلیس باشند چند سال عقیده معزای خارجه آن بود دولت عثمانی در حدود خیالات حقیقت و حالت
ندارد و دولت آن هر شهری نیست و در حقیقت آن بیجان شده اند و مختصر اینکه این مملکت را حفظ کنند و صلح و سلامت عمومی را
را در معرض هیجان نگاه دارند و در آن یافتنی می‌شود اگر چنین است مگر از آنچه در جنگ قرم واقع شد برای دولت خطای
عظیم از خطای اول مشهود اگر جنس عثمانی بیجان در دولت آن خیالات صرف بود بهتر آن بود که مردم علامات ابراز
و شما به سند که کمال چه علامات بروز کرد که کمال استقلال آزادی و عدم تعلق دولت عثمانی مسئله محکمه
اکنون به نعمت مساعدت جنگ بر تحریک باشد اگرچه این نعمت مع الاتصال بند است از خلاف آزادی
آزادی و عدم تعلق دولت عثمانی دیگر هیچ چه در معرض شک و شبهه نخواهد بود و این آزادی امروز به واسطه کمک
جان خود در انتظار مملکت به مایه و بی انصاف خود تنگ نمیشود و چشم داشت حرف دشمنانه هم ندارند بدل شده است
اما در باب ابتدای مصالحه در حالت حالیه امور مطلبی است که رای عمومی مردم سود نشده است و خیال من این
است حد تا امیدی نرسند و تنها از در خود می‌بینیم که در مصالحه با امید نباشیم زیرا که از جنگ چون همه در
سابق فراموشی کرده ام و ممکن نیست از خاطر بیرون رود که امپراطور روس با وجود علامات قدر که در اوقات مخصوص حالات
حیله اولست در سبب پیش این جنگ فاش اعلان کرد که منظور اعلیحضرت در رقابت و سعادت های سیمی

و با وجود قول و قدرت امپراطور در خیال آن نخواهد بود که بر خاک خود بیفزاید و نیز می‌توانم فراموش کرد که سلطان
نیز در اینجا وعده کرده است که مجاز است نیز از اینکه امپراطور می‌خواهد بسبب رقابت و الفت رعایای مسیحی باشد مرحوم
لهذا با وجود عزم جزم این دو سلطنت که اکنون با یکدیگر در حالت مبارزند گمان نکنم حق آن داشته باشیم که ایران
کنم مصالحه نتیجه محال باشد عدی نخواهد بود و لیکن یک اشکال در میان است که می‌توانند امپراطور و سلطان از انعدام
مصالحه مطلوبه منع نماید اگرچه در تمام مسائل متفق الرای باشند زیرا که می‌گویند خیال غرور نظامی روس [illegible]
جنگ است و باعتقاد من غرور نظامی از کسب فتح معلوم نمی‌شود زیرا که فتح واحد ممکن است تعلق به مواقع عارضی
داشته باشد ولی افتخار واقعی نظامی به اعتقاد من عبارت است از اینکه مملکت وسیعه دولت متعدد [illegible]
در خدمت نظامی خود یک جماعت رشیده ثابت قدم و منتظمی را نگاه بدارد و چنانچه با وجود سوانح فوق العاده
این جنگ هیچ کس در باب سربازان روس نمی‌تواند گفت که منتظم و صبور و با جرأت نیستند شما نمی‌توانید [illegible] گفت
که اگر امید اطمینان آمیزی ندارید چگونه است که شهر لندن را به امید فرضی استقرار صلح تشویق و تحریص می‌کنید در جواب
این مسئله مانند والپول که در جواب شخصی که از مضاعف روزگار خود و سوء تکالیف شکایت می‌کرد و مکلف به تکرار است
را من باقی مانده است خواهم گفت اندک حوصله و صبر داشته باشید اما در باب آنچه متعلق به جنگ است دولت
امید و حوصله باقی است و امید دارم که وقت آن دور نباشد که [illegible] انگلستان تا بتوانیم در رفع [illegible]
امداد کنیم قسمی نیز بین از مصالحه اطمینان حاصل نمایم بلکه تمام اروپا آزاد شود (آخر خطبه)

چند روز بعد در اواخر ماه نوامبر لرد دربی از جماعت هواخواه شما نیز در پارلمان خطبه ذیل را بیان کرد

من یقین دارم که شما می‌فهمید در این موقع از وضعیکه شما در حین آمدن به اینجا دارید کمال مغایرت و اختلاف را دارد
سخنان من در این مجمع محسوس نمی‌باشد و از آن خارج شده نیز بعین در تمام خلایق انگلستان شایع می‌گردد که [illegible]

در کل عالم مرکب شده خواهد شد شما ازین توقع سکوت و کیفیت پنهان داشتن عقیده خود را ندارید و این
سکوت بنظر شما جایز نخواهد بود ولی اثر اعتصام خود آمیز کرده و جای تعجب نیست در صورتیکه [illegible] شنیدید
از مناقض خطابات ملکه خطرات بسیار محتمل است بظهور رسد از یک کلام بی‌احتیاط نباید دلیل شد [illegible]
ممکن است در معنی خطاب از آن بیچاره است در آورند ولی تعجب من که حامل مطالب است مرا از لطفی که [illegible] آن
سخن خواهید گفت مختصر ساخت ولی از خطابه که او بگوید مرا خبری نموده و از آن مطالب [illegible] به آنچه را در [illegible]
نخواهم ماند است و فرصت آن را نیافته ام که در وقت بیکاری بر آن مرور نمایم و بطریق اولی وقت آن [illegible]
که در آن تنها با اکفاء و هم قطاران خود صحبت کنم و از این باب است که شما التفات نموده حالت مرا
احمال باعتنی حمل کنید از اینکه برای مطالب مسطوره شما فقره بفقره جواب نگفتم ولی می‌توانم بشما وعده
بدهم که آن مطالب بنظر هم قطاران من خواهد رسید و من و ایشان همان وقت را خواهیم کرد بنسخه که [illegible]
ما در باب مطالب مختلفه بود و در بسیاری از آن مطالب ممکن است سخنان زیادی پیش آید ولی گویا اگر در مطالب
شرح و بسط زیادی در میان آوریم خالی از منفعت نباشد و از همه گذشته شما امیدوار نشده باشید که من آن جهات [illegible]
و نکاتی را که مسطور شده اند با ما خود صحیح بدانم یکی از آن ملاحظات نکته است که در باب مرفه حال تبعه [illegible]
از راه دره فرات ایراد کرده اند عقیده من این است که راه نهر سوئز به آزادی مفتوح می‌ماند و در آنجا ملک [illegible]
داریم که برای تمام ضروریات ما کفایت خواهد کرد اما ایرادی که یکی از آن آقایان کرده است که حق العبور نهر
سوئز در صورتیکه روس طرابوزان را متصرف شود در معرض خطر خواهد افتاد باید بگویم که اگرچه مطلب [illegible]
نمی‌خواهم بکلی انکار کرد ولی اثبات آن در نظر من اشکال دارد لهذا رای در جناب [illegible] با خبر می‌اندازم و [illegible]
وقتیکه یکی از اجزاء لایحه ایراد کرده که اگر افغانها با ما مخالفت ورزند خطر موقعیت تمام مسلمانان [illegible]

بایشان اگر بروز پیش خواهد آمد اما گمان میکنم که اشخاصیکه پیش از کارهای بنده بها افتخار دارند در این عقیده
شریک باشند ما سی سال قبل از این با افغانها جنگ داشتیم و گمان میکنم که احدی از وکلای بنده بر این جمله
اظهار موافقت با افغانها کرده باشد و بعد از آن هم در سرحدات اغتشاشات سر رسید و نشنیده ام که [illegible]
کرور جمعیت بنده در این مورد اظهار اتفاق بیشتر از این پیش با افغانها کرده باشند و چطور میتوانم ایراد
قول دیگر را در باب میل خیال [illegible] دولت اطریش رد کنم این مدعی گویا گمان میکند که دولت اطریش
در صورتیکه ما از او تشویق کنیم مستعد است که کاری بکند اگر چه معلوم نیست که آن کار چه خواهد بود من گمان نمیکنم
که میتوانم مدعی شوم که بیش از هر کس که از اداره ما خارج باشد از عقیده دولت اطریش استحضار دارم
بدون اینکه در این مطلب تفصیلی بگویم اظهار میکنم که من هیچ بر [illegible] عقیده این قائل نیستیم با کمال میل از دولت
نجیب خود در حین دخول معبرین شنیده ام که نخواهد هیچ کاری اقدام نماید که مخالف شود با بیطرفی [illegible]
در ابتدای جنگ اختیار کرده ایم چنین گمان میکنم که خود را استوانم از خود تمجید نمایم در اینکه همه کس را از خود
خوشنود ساخته ام زیرا که گویا بگوش خود شنیده ام که خلاف آن را اثبات میکنید که از این آقایان حسن نظر
[illegible] که میل دارد ما با دولت عثمانی عهدنامه [illegible] بسته ایم و دیگری [illegible] امریکا
نسبت بدولت اظهار میکنید که نباید اعتنا به اقوال صحیفه بعضی [illegible] مذهبی کرد و باید از روی [illegible] فطری اهل
مملکت رفتار نمود من دوست دارم گمان کنم اعتنا به عقاید خالی از صواب که منافی تناسب با مواقع حال است
نخواهیم داشت دولت من من البدو الی الختم همان راه منظور را طی کرده باشد و قبل از ظهور اغتشاش در بلغارستان
و پس از آنکه خیال مردم منصرف به این مسئله گردید من جریان بدولت عثمانی اطلاع داده ام که هیچ چیز نباید از جانب ما
منتظر کمک نظامی بوده باشد و از آنکه مدعی بر آن شد که بیطرفی مشروطی که از ابتدای جنگ قبول کرده ایم مانع

بلشینگ نخستین دولت ما باشد البته این مطلب را فراموش کرده اند مردم که ما در جنگ امریکا و
جنگهای المانی و فرانسه در سنه ۱۸۷۰ ترک در بند ماشیم و اگر بعضی از اعیان دولت خیال حقیقی اهل مملکت ما [illegible]
ما علی الدوام در نظر مردم و تصویرشان [illegible] و اعتبار باقی میماندیم از برای آنکه مداخله در آنها نکرده بودیم چنین
گمان میکردند و لیکن من دارم از اینکه اقرار نمایم که غالب [illegible] این اعتقاد هست که اگر در یکی از این جنگها مداخله میکردیم
خطای فاحش بود و اهل مملکت را از طبیعت منفعتی انداخته بودیم گاهی در خیال عقب [illegible] چنان مذکور میکرد
که خود را در فلان یا فلان طرف نزاعی که پیدا میشود در افکنند و عموما کسی در خیال منافع شخص خود و منافع مملکت خویش
نباید در جنگ از ما فراموش کرده است که بیست سال قبل از این یکی از وزرای ما شخص [illegible] طلبید جنگی [illegible]
و منکف که آن جنگ را [illegible] بیهوده پیش گرفته است [illegible] بیهوده که از آن بیرون رفت اما من چون
معتقدم که اگر جنگ وجوب پیدا بکند اقدام بدان معصیتی فاحش خواهد بود و گمان من این است که ما باید ما را
همین عقیده باشد و نباید که کاری بکنیم یا حرفی بزنیم که بیهوده سبب جنگی شود اما در باب تکالیف که بنظر من رسانیده
منظور آن شود که تفصیل درباره آن گفت و شنید کنم اگر درست ملتفت شده باشم خواهش شما آن است که سواحل
اطراف [illegible] خود را تقویت کنیم و یک دسته کشتی به اسلامبول روانه نمائیم فقره اول را فایده نمی بینیم زیرا که سال
گذشته از آن بمراتب تقویت کرده ایم و اگر در حالت حالیه عدم اطمینان و وحشت لازم هست که در آن [illegible]
یعنی اشکالات [illegible] بلکه در اندیشه آن هستم که این اقدامات از طرف ایشان چه خواهد شد و این
مواقع لازم چنین اقدامات شدید آمیز اتفاق خواهد افتاد اما در باب فرستادن کشتیهای جنگی به اسلامبول
این یعنی خبر به زحمات [illegible] صورت میتواند گرفت و با حالیکه در اجتماع [illegible] آن تجارب میتواند [illegible]
بر آن خواهد بود که انکار نمیتوان نماید مگر با شرایط چند و آیا شرایط کدام حد ممکن است حفظ بیطرفی نماید [illegible]

مسئله ایست که سخن منبر سم در باب آن آرا و اختلاف کلی پیدا شود و در فقره حوزه که اسلامبول از مرض آن دولت

منعقد بخاطر شما آنچه را دولت در ابتدای جنگ اعلام کرده است که ما تعدی که ابدا بر بخارابیان و دافعی محض است

تصرف اسلامبول بواسطه سایر دولت نموده‌ایم و گمان میکنیم که اسلامبول در معرض خطری مابین آن روز که بعضی از ما گمان

کرده اید بعضی ای اقامان در این باب کاری میتوانیم کرد و کرا آنکه شما را مجهول کنیم تا به چه درجه آغاز جنگ کرده‌ایم و عزم آن

نداریم که هیچ چه در هیچ سنه از آن تخلف ورزیم شما منتظر آن نخواهید بود که من عقیده خود را از روی تحقیق بیان کنیم

که از اقرار در اینکه آن چه را مذاکره شده بر سبیل وجوب دولت علیحضرت ملکه در عهده بگیرد (آخر)

تعداد وزراء هم رسما منبر بعضی تعداد وزراء فقط اینکه دولت عثمانی

رسما جانبگیری سایر دولت را طلبیده دولت انگلیس در مداخله مبالغه‌ای شدید بزرگ کردید و لیکن آنچه از قرائن احوال معلوم

در مجلس شورای انگلیس مستفاد می‌شود واضح می‌سازد که آرا در این امور اختلافات زیاد بوده است و تعجب مشهود

می‌شد که لرد دربی اصرار دارد در اینکه مداخله دولت انگلیس را در باب مصالحه عزم لندن ر...

خواهی نماید و جلوه دهشت دارد در اینکه دولت بریتانی کبیر در خیال توسعه و فتحی جدید از این معنی ثابت شود که

ذر را ابل بوده لکن ار گرفته در هر مورد از لرد بیکونسفیلد اظهار سیلی ربرر سکر دولی فوراً بعد از آن اراده

و هم قطاران او مذکور میکرد و مجلس وزراء چنین بنظر میآید که از یکطرف کمال میل را در راه رفتن دارد و لی از طرف دیگر

خیلی خالف است که مبادا متهم شود در اینکه تقدم پیش گذارده و دولت عثمانی در صدد است که او را از

تا ملن تی بیرون کند و او را در زمین جانبگیری بکشاند بلکه به مداخله وادارد و هرگاه تازه برای او تهیه جدیدی است

در اینکه دولت انگلیس را پیش بینداز دولی محض اینکه این دولت خود را از شرف قول اظهاری سید...

پس بگذارید لرد دربی علی الاتصال بخاطر دولت عثمانی می‌آورد که هرگز وعده کمک و تقویت نظامی...

و بزرگان

و بزرگان آن دولت را در خیال معاونت و مدافعه تقویت نکرده است و عزم آن جزم است که در باب حقوق که حکم

عثمانی است هیچ چه اقدام نکند در زیر رسم هم رسما منبر لرد دربی مذاکره و مراسله کنت شوالف فرستاده

در ابتدای جنگ آن نتایجی را که دولت علیحضرت

ملکه منافع بریتانی کبیر مخصوصا در نوشته که به کنت شوالف فرستاده تعداد نموده در بین آن منافع

یکی آن بود که دولت علیحضرت ملکه ساکت نخواهد ماند در اینکه اسلامبول بچنگ دیگری غیر از متصرف حالیه آن در آید

جواب دولت روس مطابق آنچه در رسید شاهزاده گرچاکف مورخه سی ام ماه مه در این باب جاری هل ثابت

آینه بود در باب آنچه متعلق به اسلامبول است مدون است که نوامر رفتار و نتیجه جنگ اینکه مجلس دولتی

روس مکرر رسانیده که تصرف این پای تخت یکی از منظورات اعلیحضرت اقدس امپراطور خارج است و اقرار میکند

که در تمام حالات گفتگوی اسلامبول از مسائل متعلقه بمنافع عموم دول است و حال آن موقوف به امضای تمام

عام اتفاقات و تصرف این شهر باید مطرح گفتگو شود و تعلق به یکی از دول فرنگستان نمیتواند گرفت و وجود اتحاد

ادب اظهار نموده جواب دولت علیحضرت ملکه گمان میکند که از خطرات منتظره که نخواهد از آنها در امان

مصون است و عقیده دولت ملکه عقاید که نتیجه رفتار و قایع سابقه جا شده این است که تصرف اسلامبول از طرف

عساکر روس اگرچه موقتی و محض مناسبات نظامی هم باشد سابقه ایست که در هر حالت باید از آن احتراز ورزید

و مخفی نماند که اگر تصرف جزئی نیز در نظر آگر را فتند اعتقاد عامه اهل این مملکت که منی بر شایعات است نتایج

بریتانی کبیر را از آن وادارد که اقدام نماید با موریکه که کنون از آنها احتراز دارند به برای اینکه از قطع روابط دوستی

کامل ما بین دولتین فخیمتین دوری جویند لرد دربی از جانب مجلس وزراء مامور است در اینکه بدولت روس

اظهار نماید که امید کلی دارد در اینکه اگر لشکر روس از جنوب کوهستان بالکان پیش بیاید هیچ چه در صدد

آن نباشید که اسلامبول با دریای داردانل به تصرف شود و در صورت خلاف این معنی دولت اعلیحضرت ملکه

خود را آزاد می بینید که آنچه لازمه حفظ و حمایت منافع بریتانی کبیر است بعمل آورد و اسباب حقیقی دارد و اطمینان تمام

به اینکه چنین لزومی با وجود رضایت طرفین این دو دولت پیش خواهد آمد برای این مذاکرات خصمانه ای نکنید که

دولت انگلیس در صدد است به اینکه از هر نوع موقع مناسبی برای تقویت توسط و استقرار مصالحه پیش آید بهره مند گردد

روز شانزدهم سپتامبر شاهزاده گرچاکف مخابره و مراسله ای که به

لرد دربی التفات نموده مذاکره نامه

شوالف روانه داشت

برای جنابعالی فرستاده بودند که در آن بیان نموده اند که تصرف اسلامبول اگرچه موقتی و بطور تحصیل ضمانت

نظامی باشد اعتقاد مردم انگلیس که مبنی بر شمات نتایج آن است دولت بریتانی کبیر را ناچار خواهد از آن دا

دارد که اقدام نماید به اموریکه تاکنون از آنها احتراز نموده است و در این صورت دولت اعلیحضرت ملکه خود را

آزاد می بیند در اینکه آنچه لازمه حفظ و حمایت منافع دولت بریتانی کبیر است بعمل آورد و لیکن امیدوار است و اعتماد

بر آن دارد که با وجود مراعات طرفین این دو دولت چنین لزومی پیش نیاید من بجنابعالی در جواب آن نامه ای که به

راه نوشتم و مستدعی می باشم که بنظر لرد دربی برسانید

ولی نعمت بزرگوار ما همیشه حاضر است که در تمام اقدامات مرعیه در حفظ روابط دوستی مخصوص بین بکمال همراهی

بعمل آورده و به همین ملاحظه است که ما تمکان پیکنیم باید لرد دربی را ملتفت کرد که اگر این پیش بینیها در اسلامبول

مصروف شوند محرک اتفاقاتی خواهد گردید که معتبرترین وزرای انگلیس درصدد احتراز از آنها برآمده است زیرا که اگر

ترکان را یقین حاصل شود که تهدید و تخویف و یورش اسلامبول سبب آن خواهد شد که دولت انگلیس از

بیطرفی دست بکشد بدیهی است که طبیعت آنها بر آن قرار خواهد گرفت که حتی الامکان در احتمال

از نظر زیلله

مدت جنگ سعی کنند و از عدم قاعده آن چشم بپوشند فقط اینکه دولت روسیه مجبور بسازند از اینکه ساختن

اعمال جنگی را پای تخت و احتمال کلی دارد که اگر هم مجلس وزرای انگلیس مصروف آن شود که باب العالی را از رسیدن

امداد خارجی مطمئن بسازد و وضع پلتیک ایشان غیر از این خواهد شد و در انحالت باب عالی عزم خود را جزم خواهد نمود که

که رو در مقاومت باشد که خطر برای او حاصلی ندارد ترک کند

و برای این مخابره مذاکره ذیل ملحق شده بود

منظورات دولت امپراطوری در باب نتایج جنگی که مخصوصا دولت انگلیس از آن نتایج اعتنا دارد

خبر کرده و تصرف اسلامبول امروز بهانه اوایل جنگ جزو مقصود است اعلیحضرت امپراطور نامه و آن

اعلیحضرت هنوز بر نوشت شهر را متعلق به منافع تمام دولت میدانند و انتظام آنرا منوط به قرارداد متفق علیه تمام آنها

می بینند و اعلیحضرت امپراطور هنوز در عقیده خود باقی است که اگر مسئله تصرف اسلامبول پیش آید این

پای تخت نباید به هیچیک از دول معظمه فرنگستان تعلق بگیرد و امپراطور را این عقیده چنین است که حق آنرا

دارد و تکلیف او آن است دولت عثمانی را از امضای مصالحه نامه محکم و واقعی مجبور بسازد که انفصالیه متعرض

شود از بازگشت بلیاتی که مخرب آسایش روس و تمام فرنگستان است و این منتهای نفع محاربه که شده است

به رفع اسبابیکه مولد آنها شده است و متفق علیه تمام فرنگستان که اجازه دوام این اسباب و علل ممتنع داشت

و اعلیحضرت امپراطور محض به رفع این اسباب که سلاح بکار گرفته و زحمت خود را تحمل بارهای گران مخارج و ادا

و این مخارجیکه رعیت با خلاص تحمل کرده به سبب شده اند که اعلیحضرت امپراطور بر خود حتم فرموده که از کسانیکه

کوشید که در صورت تحصیل نتیجه که دولت روسیه از این جهات حفظ کند و شرایط تقبیه آن صلح بعمل آید و ضمانت آن

آن گرده و در این مبنای صلح تمام فرنگستان محکم شود این مقصود بدست خواهد آمد اگر احتراز از خیالات فاسد شود

باب عالی علیحضرت امپراطور را مجبور سازد که اعمال جنگی خود را پیروی کند تا هنگامیکه بتوانند عقد مصالحه نماید که تعلق
بانظوری باشد که در اعلان جنگ پیش گفته شده است و علیحضرت امپراطور رای خود حفظ فرموده و همیشه حق آنرا
دارد که ادعا نماید آنچه را در جناب مقتضی از آزادی مبارزه و مجاهدی است ولی بعد از اطمینانات واقعی که مکرر
داده است و اکنون نیز مکرر میکند علیحضرت امپراطور بعید اند منافع انگلیس هم بابت مطابق مذاکرات متحده شده
از دولت علیحضرت ملکه   کبیر از رفتاری که علیحضرت امپراطور کرده است و باید با وقتیکه نایل مقصود از این
جنگ شود پیروی نماید بر هم خواهد خورد و دولت امپراطوری بملاحظه رعایت مقاصد دوستانه که از طرف که
مستفاد میشود و میل نهائی استقرار روابط مودت بین دولتین فخیمتین گمان نمیکند که بتوانند جواب
از اینگونه بکند مگر اینکه از این آئین دولت   کبیر مستفید میشود که التفات نماید بصورت شناختی که توسط صدارت
حربیه وارد میآید بحقیقت چون حدود و اطمینانات که دولت امپراطوری شنوا اند در جناب معهد کدام اندازه تا ستی دولتین
فخیمتین بالاتفاق در صدد آن برآمده که آن بنا فعلاً با منافع دولت روس که حمایت و تقویت آنها در عهده
تکلیف امپراطور است تطبیق و تناسب بدهند لرد دربی
قبل از دوازدهم دسامبر باب عالی وعده داده بود که هر وقت گفتگوی مصالحه پیش آید برای دولت عثمانی
شرایط مساعد تحصیل نماید آیا این وعده منافی مقصود عثمانی بود که از دول معظمه میانجیگری طلبد مشکل است بگویم چه را
باور کرد ولی برای طلب میانجیگری عثمانی عایق بزرگی پدید شده در دوم (?) دسامبر لرد اودو روسل از برلن
تلگراف کرد که امپراطور آلمانی وارد از اینکه اقدام نماید به میانجیگری که مطلوب باب عالی است این چه جلوگیری
هرچیزی بود و طرح میانجیگری دول فرنگستان بر هم خورد آن وقت عمل بالانفراد دولت انگلیس شروع شد
در بیست و یکم دسامبر لرد دربی با موسوروس پاشا ایلچی عثمانی صحبتی بملاقات و صورت این ملاقات را

مطابق لرد دربی

مطابق
شرح ذیل به مسیو لایارد سفیر انگلیس در اسلامبول خبر میدهد
چون جناب سفیر عثمانی به کرات و مرات در خیال امکان مداخله انگلیس برآمد من گمان کردم که در این مورد موقع
است که آنچه را چندین نوبت تکرار کرده ام مذاکره نمایم و در خلوت اقرار کنم که نباید منتظر مداخله باشند
دولت علیحضرت از شرایط بیطرفی که مقرر داشته بود تخلف نخواهد کرد
با وجود این اظهارات جمیل آمیز که بدون شبهه ضعف میان جنگجوی فرنگستان هیچ نتیجه نداشته بود
باب عالی دست نکشید از اینکه از دولت انگلیس علیحده طلب میانجیگری کند و از اخبارات سفارتی
چنین مستفاد میشود که خود دولت انگلیس باب عالی را بر این خیالات برانگیخته است روز بیست و چهارم لرد دربی
به مسیو لایارد اعلام کرد که توسط اشتراکی گویا امکان پذیر نباشد زیرا که دولت آلمانی از امداد در این
امتناع نموده ولی در این بین وزیر انگلیس استفسار کرده که آیا سلطان راضی است که دولت انگلیس در صدد برآید
که تفهیم امپراطور روس ابواب مصالحه را چگونه مفتوح خواهد نمود مفهوم میشود که با حصول چنین چیزی که منتهای آمال
عامه انس (?) بود و این دولت تا چه اندازه مشعوف گردید دو روز بعد از این مقدمه موسوروس پاشا به لرد
دربی نوشت که از سلطان حکمی به او رسیده است که توسط علیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر از طلب کنند و
اضافه نمود که این استکه از دوست قدیم و ثابت قدم سلطان پذیرفته خواهد شد و لرد دربی بدون اینکه ابرازی
بر وضع محاوره کند به لرد لفتوس سفیر دولت انگلیس در پطربورغ دستورالعمل داد و او را دستور نمود که
مستخبر شود که آیا امپراطور مستعد قبول افتتاح مصالحه است یا نه در بیست و هشتم دسامبر لرد لفتوس
با شاهزاده گرچاکف ملاقات و صحبتی کرد و فردای آن روز صورت صحبت خود را بشرح ذیل برای لرد دربی
روانه داشت   شاهزاده گرچاکف با کمال لطف

رسالت مرا پذیرایی نمود و در پاسخ گفت که دولت روس امالی خبر آن ندارد که کار مصالحه منجر شود ولی
گفت که برای حصول این مقصود باید خود باب‌عالی در این باب با کار پرداخته روس در اروپا و
آسیا اظهار کند تا ایشان شرایط متارکه جنگ را به آن دولت معین نماید
در بیست و نهم دسامبر تا چهارم ژانویه هیچ جواب مخابره رد و
بدل نشده و وقت آن رسیده بود که عزم ما جزم شود عاقبت روز چهارم جواب شاهزاده گرچاکف
بدین عبارت بیان کرد   اگرچه دولت عثمانی تاکنون طلب متارکه جنگ
نکرده ولی دولت انگلیس امتناع ندارد از اینکه اقدام دولت روس را به باب‌عالی رساند بشرط آنکه این
رسالت بطریقی بانجام رسد که نتیجه اقدام پذیرفتن تواند بود و بدیهی است که متارکه مطلوبه برای اینکه
سودمند باشد باید با اعمال نظامی در اروپا و آسیا ضبط و کشیده شود و بدون شراکت دو سپس جانبین
و قرار اتفاق تحقق نگیرد پس ناچار باید دو سپس در باب شرایط متارکه گفتگو کنند و منحصر سرداران باشند که
در بعضی از قسمتهای قشون فرمان فرمایی دارند   فردای آن روز مسیو
روسی پاشا به لرد دربی استحضار داد که باب‌عالی اصول متارکه را قبول کرده و از دولت علیحضرت ملکه
مستدعی است که از دولت روس خواهش نماید سرداران خود حکم کند که تا گفتگوی قرار متارکه انجام
پذیرد دست از اعمال نظامی بکشند و همان روز لرد دربی از این نوع جواب به پرنس گرچاکف نزد او فرستاد
و معلوم شد که دولت روس امتناع دارد از اینکه شرایط متارکه را موکول به گفتگوی دو سپس نماید و اظهار داد
اگرچه گرچاکف بدین مضمون بر گفتگوهای سابق خود ایستاده بود
باب‌عالی باید بلاواسطه توسط چند نفر از اعیان معتمد خود با سرداران کل روس در خاک اروپا و آسیا گفتگو کند

دولت روس که طلب متارکه کرده است همینقدر راه حصول و وصول به امر مصالحه را نشان داده و به سرداران کل
خود دستورالعمل فرستاده تا شرایط عقد امور متارکه را دانسته باشند
همین جواب که مستفاد می‌شد از عدم قبول دولت روس لرد دربی بار دیگر خود در عقب کشید و در روز نهم ژانویه مسیو
روسی پاشا حضرت این وزیر آمد و از او سوال نمود که آیا دولت ملکه اقدام در قرار متارکه با تجیل باب
عثمانی را خواهد نمود و این رئیس مجلس فورن افیس جواب به بیت آورد تا خیالات عثمانی را پوشیده دارد و آنرا
از اکنون همه دولت انگلیس مطلع سازد و به وزیر مختار خود نشان به مسیو لایارد نوشت که من بجناب سفیر عثمانی گفتم
که برای ما ممکن نیست نتیجه را که خواسته است فیصل بدهیم زیرا که یقین دارم که هیچ تکلیفی در اجابت دولت
روس منتج جواب مساعدی نخواهد گردید و فایده نخواهد داشت که در کاری که از پیش میدانیم هیچ نتیجه نخواهد
بخشید اقدام نمایم به مسیو روسی پاشا بیان کردم که اگر گمان کنند در این جنگ دولت انگلیس حالت
میانجیگری دارد خطاست و دولت علیحضرت ملکه همینقدر استمزاجی حاصل نمود که بدانیم آیا امپراطور روس حین
قبول افتتاح عقد مصالحه عزم خود را جزم کرده است یا نه و در ضمن صحبت به سفیر عثمانی گفتم که از بدو جنگ تا حال
قول با تغییر و تبدیل پیدا نکرده است دولت علیحضرت ملکه نیت خود را در باب بیطرفی خود که منوط بحفظ
بعضی شرایط متعلقه به منافع بریتانی کبیر است اظهار داشته و این موقع را مناسب دانستیم که مطلب آنچه چندین
بار مذکور شده است باز تکرار کنیم تا هیچ نوع امید غلطی در میان نباشد این اول مرحله است که لرد
دربی از لفظ توسط و میانجیگری تحاشی میکند و حال آنکه گفتههای سابق او مکرر مسموع افتاده است بعد
خواستیم دید که دولت انگلیس در این باب قدم ثبات فشرده و اصرار و مبالغه نموده و در خطبه سلطانی اول کردیم همه
زیادی در انگلیس شد اول خطبه است که مسیو هاردی در اوسبورک قرائت نمود و تفصیل این خطبه

نایب وزارت جنگ انگلیس نزد انفرارات

دفعه که با تقدرت رسیدیم هیچ خبر بشارت آمیز فیما بین مراودات با دولت مشرق زمین روی نداد
در خلاف رای فورت انس گمان میکردند هر کاری از آن سمت بجوید از پیش میرود و دولت عثمانی چنین و
انگلیس نیست چنانچه در این ایام مردم گمان میکنند و در خیال آن بودند که شرایط عهدنامه سنه ۱۸۵۶ را باید احترام کرد ای
آقایان از یکطرف تعجب کنند که یورش روسی و ارض قوین واقعی ندارد و از طرف دیگر مدعی می شوند که
بسیار مهم و با عظمت است و گمان میکنم که از جهاد و ثبات اتفاقیه ثابت شده که این فتنه را اهمیت زیاد است بلی آیا
این بود این یورش صحیح است و از کجا رخ داده است جواب این مسائل امور چنین راجع میکنیم وقتیکه گفتگوی این نزاع
شد لرد دربی فوراً بهر دولت رسانید که از دولت عثمانی امداد نخواهد کرد تا هر کاری برای اصلاح آن
دفتق امور داخله این دولت کردیم و بار بسکه اقدام در این امر میکرد دست برکت ورزیدیم و او را از انجام این مقصود
مطمئن ساختیم و از آغاز امر این مطلب را فهمانیدیم که مجبوریت در بیکار خسیس نخواهیم کرد و سایر دول
همین شیوه رفتار کردند و دولت آلمان بعبارت دیگری همین مطلب را اظهار داشت و همچنین دوک دکاز از
جانب دولت فرانسه چنین اقرار کرد پس از آن متفق شدند بر اینکه سرباز زنند برای توقف و نه برای محاربت با
سکان با سور خواهند شد پس بدیهی بود خیال ندارند مداخلت کنند مگر اینکه گفتگوی و تفویقی از اسباب مکالمه حاصل
کرده باشند ای آقایان محتمل است که جنگ جز از این بود بر اینکه بقدری در مطلب گفتگو مقالات انعقام کرده بودیم
که تقریبا ممتنع بود جلوگیری از آن بشود اگر چه خود دولت روس در صدد آن بر آمد که رگ سلاح بکار برند که دفع شده که
برای انجام مقصود دیگر در نظر دارد و چاره جز جنگ نخواهد بود و من گمان ندارم که معاصرین ما در این خبر احکام های منتقضی نشنید
هر گز نتیجه رائی نبینند اگر چه بر آنها رسیده باشند و من با جرات اقرار میکنم که هر کس آنچه را از متعلقات آن جنگ

نخواهد انکار خواهد کرد که دولت انگلیس از جنگ مدد نشسته است و من هم مسلمانم که جواخواهان آزادی بر بعضی در جنگ خود
ای آقایان و دولت مواظب کارهای مشرق زمین است و در اول گفته است که مقدم مطلب قبیر شده خواهیم بود و ما
صداقت چند مرحله را که مطلق منافع خود ان بود بدولت روس اظهار داشتیم و اگر چه ممکن است در ضمن و انعقاد سخنان
دیگر در میان آید پس آن اصل مطلوب را اکنون داشته اند امروز خبر بزرگی منتشر شده و هیچ شکی نیست که کسی اعتراف خواهد
داشت که شجاعان مدافع پلونا تمام عالم را از تعجب و حیرت انداخته اند شنیدن آنچه مورد مسئولیت ارباب اکنون
و اگر تصور کنند که از ابتدا جنگ تا کنون چه قدر سرباز شجاع تلف شده است و در حالت توجهات دلیل
ممالک بزرگ چه قدر زد چه خسران رسیده و مردم آسوده تا چه اندازه پیش از پیش دچار مصاعب و رنج شده اند
و در نظر آورند که چندین هزار از زن و بچه و بیوه و یتیم از این حوادث تلف گردیده است این فقرات را مورد ملاحظه
خواهند شمرد و ممکن است انکار نماید مردمی را داشت ولی ممکن بود آنها را بدون سکته بعید چون ریخته شود تهیه از آنچه
هستند کرد و هیچ دولتی با یک جماعتی متحمل این امر شود و حالا هم این و هم آن مسئول این حوادث هستند تعیین دارم
که موقعی پیدا خواهد شد که دولت را مداخله وادار و این جنگ هولناک را به اتمام رساند و من از جانب دولت
اقرار میکنم که ما با کمال دقت در صدد آن بر خواهیم آمد که موقع مناسبی برای توقیف این جنگ بدست آوریم
(آخر خطبه) روز دوم بر اثر جوبه در سکامبیکه خیالات عامه را هیجان بود

لرد کارناون وزیر متصرفات خارجی خطبه ذیل را قرائت کرد

تعجب میکنم از اینکه جماعتی هستند شما که طالب خبرهای عمومی و عمده میباشید اجتماع
نمائید و در خیال حل مسئله باشید که اکنون تمام عقول را مشغول دارد و طالب آن میشوید که از هر خبری اطلاع دارم
مطلع شوید و چنانچه یکی از خطبای شما ذکر داشت حل مسئله راجع بدوست گرامی من لرد دربی خواهد بود و

وجواب او را اعتباری کافی است ولی این مرحله بقدری مغتنم است که به اعتقاد من هر وزیری میتواند
منتظر سؤال از آن بوده باشد و آن در ربعا و تمدید است اگر امر مملکتی باشد و جواب مسکتی نتواند داد و معلوم
است که مواقع چنانچه مقتضی بیان جنگ است تغییر پیدا کرده ولی گمان میکنم که آنوقتیکه لرد دربی در این
ایام خبر جواب کافی میتوانستیم [illegible] ضمانی گفته و بیان آن جواب را که به روز رقیبه اند و تغییر بزرگی بنظر رسیده باشد اگر هم
پلونا چنانچه ارباب اطلاع منتظر بودند مسخر شد ولی در وضع تغییر اوی پیدا نشد لهذا حالت ما نیز بطور سابق باقی
است همیشه حالت منافع انگلیس دو دست از دول دو طرف در جنگ خواهیم بود و هر چند مدارک آن را داده ایم
که منافع دولت عثمانیه را مانند منافع دولت خود حفظ کنیم ولی امروز مانند روزهای نخستین هم معروف کامل است
که هر وقت صدای زنگ ساعت گفتگوی مصالحه بلند شود باهم آواز رای خود را بسمع مردم برسانیم یکی از انحای مطلبین
در باب امر که سفیر پیش اتفاق افتاده و البته خیلی خطر است اشاره کرده چنانچه معنی این لفظ است ما کنکری و
بطریق اولی مداخله نکرده ایم بلکه تکالیف مصالحه را از جانب یکی از طرفین نزاع به دیگری اظهار داشته ایم من یک از دو روز قبل
شنیده ام که در جواب که در تکالیف سابق گفته شده اظهار عدم رضایت کرده و حال آنکه ارباب عقیده را هم قدرت
در باب منظور از رفتار دولت آرا مختلفه باشد من مخالف هر خیالی که محرک اندک ضدیت با بی طرفی دولت
انگلیس است خواهم بود و فرض چنین چیزی بنظر من خالی از تعقل و عذری از خیال می آید چون کلام من باینجا کشید
است خود را منع نمیکنم از اینکه بگویم بگمان من آن است که در این اوقات رای طرفین جنگ اقتضای اعلام
از یکطرف امیدوارم که در این مملکت خود را نگذاریم تو بخاطر اندیشه های عصبانی که اظهار اسرار افزایی منافع دولت
انگلیس میباشد از جاده صلاح خارج سازیم زیرا که در تمام اعمال ما کنون از طرفین مبارزه صادر شده است من
هرگز سخنی بلکه زمزمه که منافی افتخار بریتانی کبیر است نشنیده ایم که کسی بر زبان آورده باشد اما در باب آنچه

متعلق

متعلق بمنافع انگلیس است ما پیش از این کسی خواهیم بود که در انجام امر این معنی علیت کنیم از حقوق حقیقی ما
انگلیس بلکه از حقوق و منافعی که از حیث اهمیت قریب بان نوعی دارند و از طرف دیگر امیدوارم که دولت روس نیز
روس گمان نکند که بعضی از مسائل و اموری که این اوقات بنظر میرسند مانع است که حل آنها منوط و منحصر به طرفین
منازعه باشد و پس بلکه این مسائل راجع بمنافع و حقوق تمام دولت فرنگستان است و ما که یکی از اجزای خواهد
واحد فرنگ میباشیم به همین حق آنرا دیدیم که اظهار رای کرده باشیم بلکه باید در حل اخری این مسئله رای ما مسموع و معتبر
باشد و من شخصاً انهم جمله را با منافع یکدیگر میدانیم شرط آنکه در هر یک از آنها طریقه مسالمت و احتیاط پیش گیرند بسیاری
از ما که در این مجلس حاضر میباشند تمثال مقتضی است تا خدم جنگ قریم را بخاطر داشته باشند و باید بیاد آریم که بسبب
از یکطرف بسهو و خطاء اهل مملکت ما از طرف دیگر بمحض اغوای اغراق آمیز در صدد منازعه بر آمدند بگمان من که ممکن
که بسیار اندکی از اشخاص پس از تامل در این جنگ خوشنود شده باشند و یقین دارم که هیچکس در این مملکت
آنقدر دیوانه نباشد که میل کند این جنگ تجدید بشود و در عهدنامه ضمانی در دست داریم و از آن [illegible]
که تجربه در آن زمان نه از برای انگلیس و نه از برای روس از خاطر محو نشده است و اکنون در عالم تجارت کسی
شما و کلای آن میباشید عقیده آرامتر و مدلل تری موجود است که مستعد تصور اشیا است بنگاه چه چیز در ورود
عجله و بی صفراوی [illegible] نتیجه میسر دادی آقایان اگر عقیده مرا پرسیده باشید میگویم که در انگلیس در هیچ زمانی سه در ما صحی
و نه در حال مردمی از اهل تجارت قابل تر پیدا نمی شود که از روی تعقل این حالات را بکار نشانیدید را که
این تجارتیش از همه کس بیشتر است و در زمان صلح و جنگ را میفهمد و هیچ صنفی نیست که بیش از آنها از بیان ثبات
جنگ متاثر شود و از قطع صلح متضرر گردد و دولت انگلیس به همین حقوق و منافش منحصر شرق زمین است بلکه در
بسیاری از نقاط دیگر سلطنت و اقتدار کامل دارد [illegible] کرده و حقوق منحصر است من شما را اطمینان میدهم که

کنت تیتوتیسون رو بشما کرده گفت زود تعظیم هر چند شما امروز هم نمیتوانید مسئلهٔ اموری را که تو بسته بوزرای
حالیه موکول شما شده است حل کامل کنید ولی من بنگی برای صاحب حزم مجرب شما میدانیم و میگذارم
که بر حسب تقاضای مواضع حزم خود در حزم کنند بلکه از امروز هم اگر رای شما ممکن باشد در صدد انجام امور برآیند
بسیار افسوس میخورم که منع وقوع جنگ فیمابین دولتین روس و عثمانی امکان پذیر نگردید و در عوض سعی کنند
که دولت با تمام مجاهدات خود را بعمل آورد که این جنگ منحصر در محل واحد باشد و باطراف سرایت نکند
وزرای ما لا مملکت ما محاسن و مصالح صلح مسلک نشود با وجود وقوع اشکالات در امور شرق زمین و تسلط و نشر
این اشکالات باطراف بعیده روابط اتحاد و دوستی ما با تمام دول مستحکم مانده و حقوق واقعی دولت اطریش و
مجارستان از هر جهت حفظ شده است و اول مجاهده دولت ما در تمام مواقع بعد از این هم همین خواهد بود
و این مجاهده و کوشش را تاکنون توانسته بعمل آورده و بدون اینکه از اخلاص و جان فشانی شما التکلیف نیاز حاصل
دال فوق العاده کرده باشیم امیدوارم بعد از این هم چنین باشد و در هر حال امیدوارم که اگر روزی پیش آید
که دفاع حقوق ما لازم افتد از اخلاص وطن پرستی رعایای خود مطمئن و خاطر جمع باشیم و چون یقین دارم که
بواسطهٔ بصیرت تامه و حسن تدبیر در انجام امور صعبی که دولت را در پیش است شما کفوی کافی خواهید بود
امیدوارم کارهای شما نتیجه نتایج خیر شوند و قبل از ورود شما تهنیت بگویم (آخر خطابه)

روز نهم و سایر مامورین امور خارجه مجارستان مجلس مخفی منعقد ساختند و در آن مجلس کنت اند
راسی افرارات معتبره از بابت پلتیک دولت اطریش کرد و متن صحیح این افرارات بطبع نرسید
ولی روزنامه جات وینه تجربه بتجربه را در جنایات منطبع ساختند و آن تجربه را تقریبا صحیح می انگارند و در شرح
پس از آنکه کنت برشن شرحی از تاریخ وقایع حادثه در عثمانی نکرد

باز افتخار و حقوق ملت و مملکت خود حمایت خواهیم کرد چنانچه مدتها طالب حمایت و دفاع آن بوده ایم و نیز امید
دارم که هرگز هیچ کاری که موجب اضطراب باشد پیش نگیریم و قدرت عزائمی در آینده بحث و صعب هم تعدی
ضعیف نبوده که بکلی از حل مسئلهٔ صلاح و سداد عاجز شود (آخر خطبه)

این خطبه موجب بهجه زیادی گردیده و مردم خیلی مدت از آن کردند بلکه کوفتی شهرت داده که لرد کارنادون
استعفا کرده است و خیلی نخواهد گذشت که این مسئله غامض تر شود

مطلب سیم

مخصوصا وضع اطریش اشکال بسیار داشت و تا بحال مجلس وزرای وینه هیچ روز پلتیک خود را
نداده بودند و اگر از یکطرف از مجارستان حمایت و جانب داری دولت عثمانی مستدام بود ولی
در طرف دیگر اطریش مانند آلمان با دولت روس متحد بود و اتحاد این سه امپراطور مانع بروز هرگونه ابرازی
میشد در اواسط سپتامبر ملاقاتی مابین بسمارک و کنت اندراسی در سالبورک اتفاق افتاد
آیا نتیجهٔ این ملاقات چه شد آیا ممتنع بود که آن نتیجه را مشخص کنند با اطلاعات کلی مسلوب باید دید پس باید
قناعت کنیم بخطبهای قرائت شده و عرایض مرقومه چنانچه روز هفتم دسامبر امپراطور اطریش اسلوبین
مجارستان نیز رای فرموده و در جواب خطبه کنت تراتن ماس دوف انشاء نمود
اطمینانات خلوص حقوق نیز را که اظهار داشته با کمال
خوشنودی پذیرفتیم با وجود وضع پلتیک اروپا میل داشتیم میتوانم شما را برای کارهایی که تو بسطا فرمودید

داشت کنت اندراسی سخن سرودن آغاز نهاد و وضع حالیه اروپا و پلتیک دولت اطریش را بیان
کند کنت برشن اظهار کرده بود که با وجود قصد آن امور رسمی در دولتی خارجه اما زیرا که دولت انگلیس
کرده است و کنت اندراسی نیز امروز انکار نخواهد کرد و راست و صدق می‌پندارد کنت اندراسی
جواب گفت که مردم خطا نورزیده اند از اینکه گمان کرده اند پلتیک او از اخبار مطبوعه در روزنامه‌های معروف
برسمی معلوم و مشهود داشت و معتقد کاذب است که فلان روزنامه امروز فلان خبر داد و فردا فلان خبر دیگر اطلاع رسانید
و امروز آن از فلان یعنی و فردا فلان یعنی دیگر تا دلیل کنند تا عامه مردم گمان کرده اند کنند که پلتیک دولت
حالت تأمل و تحیر دنوشتن است و کنت اندراسی با وجود این خطاها که در خطابات مردم است بیکجا
هیچ روزنامه رسمی نیست مگر روزنامه وین ترانایه پست که نتوانند اخبار است اگر گمان کنند خارج از اطلاع
و انتشار دهد و در شهرهای دیگر بعضی روزنامه‌ها هستند که گویند احکام دولت اند و اخبار دولت را از روی
یقین و اطمینان در یافت نمایند و وزیر موی علیه این مطلب را با اظهار آنان ثابت کنند و از اخبار و حالات
بیشکی آنها چندان اطمینانی ندارد زیرا که مطلقا نتوانند شد مگر اینکه آن اخبار و اظهارات را از خود تلقین و ارائت
امور خارجه کرده باشد و وقت آن را اهمیتی ندارد و اخبار کاذبه را در معرض گفتگو در آورد و پس حرف در آن محسوس نیست
در اینکه مردم پلتیک واضح و با نتیجه او در مجمل و بی نتیجه فرض کنند و انقلابات و اعلانات و اظهارات که تکرار
کرده است مردم با او نسبت می‌دهند و از جمله اخبار کاذبه آن است که گفته اند دولت انگلیس مسلما و عمدا
عقیده خود را انتقاد کرده نامه برلن محو کنند یعنی طلب بی جنگیری قطعا نیز انکار نماید چنانچه کنت برشن
سکفه است و این وزیر چقدر قناعت کرد که مطلب مصلحت آمیزی در این اوقات انگلیس به احکام
این گفتگوها دارد و یکدفعه هم از ارتش کیل البرلمان است دعا کرد که از او سؤال کند که آیا حالت صلح مستدام

[illegible]

خواهد بود زیرا که در جواب این سؤال لفظ لا و نعم او سبب آن شود که امر خراب و مالیات اطریش بلکه
تمام دول اروپا در معرض خطر واقع خواهد شد و این جواب صادقانه با فتح آن بگردید که این وزیر را مورد ملامت
کنند از اینکه در اقرار بر دوام و ثبات صلح اغراق کرده است و چنین اقرار زیرا که در حضور یکی از مجالس شورای
اطریش در این اوقات کرده بود مبنی بر اینکه وضع دولت اطریش از حیث جغرافیا و نظام و وضع حکومت
نیست بلکه وضع مطالب است آن اقرار را نیز تغییر داده اند و تحریف کرده اند و بجای آن گفته اند کنت
اندراسی گفته است که دولت اطریش و مجارستان حکمش بر شرق حتما و حکما نافذ و مطاع است و کنت
اندراسی در ضمن تفصیلات اقرار کرد که در ضمن عهود و عهدنامه‌ها بر تکیب قول کنت برشن است و آن صحیح است که
آنچه در اروپا حلال مسائل عمده می‌شود منحصر بعهدنامه‌ها نیست بلکه بسته بزور و قوت است و عهدنامه‌ها مجری نخواهد بود
مگر در صورتیکه جهة اجرای آنها قوت لازمه موجود باشد پس کنت اندراسی که وزیر امور است با جا
علیا سببی سواطب آن باشد که دولت اطریش از آن قوتیکه لازم و ملزوم او است دارد تقویتکه بواسطه حسن
مراوده و اتحاد با سایر دول خارجه حاصل می‌شود مسلوب گردد و در این باب خیلی بوضعت داشت بعد از آن
کنت اندراسی از اتحاد امپراطوران سخن گفت و آن سخنان را اتمام کرد در حالتیکه اظهار خوشنودی قاطع از مجلس تعریفی
قول او کرد و میتوان گفت با کمال تهور و جرئت تکرار کرد که دولت اطریش به آزادی منظورات خود در عمل
نباید و هیچ دولتی از فرنگستان نیست که نتواند مطمئن باشد از اینکه حقوق و منافع واقعی ایشان از
دولت اطریش محفوظ خواهد ماند اگرچه بعضی از دول ممکن است همین اطمینانات را داشته باشند
و لیکن هیچ دولتی نیست که در این باب یقین و اطمینانش بیش از اطریش بوده باشد و چون کنت برشن
بعضی نکات در باب معاهده تجارت رومانی اظهار نمود کنت اندراسی بعضی اخبار مجعوله را که در اخبار عامه

مطلع نخواهند شد برای او خواندند و گفت پیش از این مردم نخواهند نوشت جمعیت مسیحیه مشرق زمین را در این خیال
اندازند که دولت اطریش و مجارستان چندان در قید سلامتی و استقلال آنها نیست و ضعف خود را در آن
می بینند که دولت عثمانی بحالتی که قبل از سال عهد داشت باقی بماند و این وزیر کلام خود را باینجا رسانید که من اقرار
میکنم هر چند که جرئت آن ندارم که خود را در گفتگوی اندازم که عبارت باشد از ضمانت وضع حالیه دولت عثمانی
دستور من را لفظ ضمانت تولید نیست بلکه ضمانت فعلی است من از شما سوال میکنم که آیا میتوانم قبول دولت را
صرف انجام مقصودی نمایم که مستجیب از رجال دول کرجال دولت عثمانی آن مقصود را ترجیح و قابل حصول بدارد
آنوقت این وزیر علاوه نمود که چند سال است خطوط پوسته دول رسیده که بابی قسمت در حوالی در مقام خود
حرکت کرده است تعداد نمود و پس چند سال دیگر کتب تواریخ حالکی امور جوانب شد که تو انست صحیح
نماید که از خود سلطان فرار شنید بشده است که داعی تطمعات و رقابت عمده است از آنکه دولت
حتی الامکان از هر نوعی مداخله احتراز ورزیده و آنوقت دولت عثمانی چقدر از این رفتار باشکر و ممنون خواهد
بود و پس از آن کنت اندراسی بعقیده عموم اهالی مجارستان را که گمان میکرد اطریش محکوم حکم و قدرت
یک دولت خارجه از اهل بود و گفت در همین روزگار جدید یک مردم غریب پیدا شده که کار سر خالی بجا
رسید که گفت بدون رضایت من یک تیر توپ در اروپا خالی نخواهد شد ولی این مرد زرگ بلکه
گردید که بقول تنها قناعت کند و قدرت لازمه را در اجرای آن ادعا هم رسانید دولت اطریش هم
نمیتواند اروپا را از خالی کردن توپ منع کند و مدعی بر آن هم نیست که به تنهائی میتواند قضا و قدر اروپا
را تغییر بدهد و هیچ دولتی در فرنگستان نیست که بتواند به امری اقدام کند و آنرا انجام بدهد مگر با امداد دو دولت
دیگری ولی در فرنگستان نیست یک دولتی هم پیدا نمی شود که بتواند بدون او حل مسئله مشرق زمین نماید

دوام در وضع جغرافیا

دوام در وضع جغرافیائی و نظامی ملیت بیک نحو نیست که با کمال اطمینان میتوانم گفت که ما با دول فرنگستان
حفظ حقوق فرنگستان را خواهیم کرد ولی ما به تنهائی جواب حقوق و منافع خود را خواهیم داد کنت برنشن
چون پرسید که ضامن حفظ حقوق دولت اطریش چیست کنت اندراسی گمان میکنم که خارج از وقع
صحبتی در میان آورده جواب او را ارجاع کرد با جوبه صادره از دو مجلس شورای اطریش و مجارستان از این
اجوبه در باب حقوق ما خیلی مبالغه کرده اند که با کمال صداقت آن حقوق را به تمام دول فرنگستان اطلاع
داشته ایم تحقق این حقوق از هر حیثیت پیش از آن چه باید اظهار شده اند بلکه گمان خواهد رفت که برخی
نقاط گروه منافع دولتی مادست خواهند زد و اگر کنت اندراسی عموم مردم آن نقاط ایشان میداده
از آن است که گمان کرده که قواعد مخصوصه پیش از سایر قواعد با سر حقوق اطریش را بجای خود آورد
عنوان قاعده دیگری پیش گرفت در باب مسئله حقوق دولت فرانسه در حضور عامه در سنه با هزار
تحسین از جانب اهل مجلس شورای و اهالی مملکت در عرض گفتگو در آمده می دانیم نتیجه آن چه شد قاعده بهتر از آن
است که حقوق خود را به بهمه و قال و قیل حین نمایند بعقیده منافع رای خود و مطمئن باشند که نتیجه را از روی
قدرت معین کرده اند و در گفتن آن بکمال طالب را انکار برده اند نتوانسته از عهده اجرای آن بر آیند
آخر
در روز دوازدهم دسامبر در مجلس مبعوثین
اطریشی کنت اندراسی بیاناتی کرد که مضمونش بکثر بود بدین طریق
یکی از وکلای لهستان عبارات شورانگیز جشنیک رو ابراد گرفت که چرا دولت روس شد که خود را
دارد که اسلاوهای جنوبیه آزاد نماید یکی از وکلای اطریش در جواب گفت که خطر طوایف اسلاو بیگمان
گمان نکنند عظیم نیست و افزود که برای دولت اطریش خیلی خوب است که خاک اسلاو جنوبیه

و معوض به دولت خود کند کنت اندراسی اعلام کرد که چون از پیش خبر داده شده است که مجلس عثمانی
و ایران را خواهد داشت که بیان پلتیک مشرق زمین خود را بکند در این جواب هر چند بیان مختصری
نخواهد کرد و این جواب مبسوط‌تر خواهد بود از آن روی که مطابق معمول لوایح رسمیانه را خطاب کنند این دو دولت
شکایت کرد که در روزنامه‌های عموماً آن نسبتی داده‌اند پلتیک را که صاحب غرضی نیست مگر مطابق ضرورت وقت و
آن ضرورت وقت نیز هیچ چیز ملاحظه فردای خود و گفت من هرگز داعی آن نشده‌ام که پیروی پلتیک ثابت و
و تغییرناپذیر را خواهیم کرد من معتقد اظهار داشتیم که در موقع ضرورت دولت اطریش باید به دول قراری خواهد داد
و احتراز خواهد داشت از اینکه محض بعضی قراردادهای مکتوب خود را دچار امور مشکوک و مبهم سازد و پس از آن گفتند که
پلتیک وزارت امور خارجه اثر علامات اکبری در اهالی مملکت کرده یکی از وکلای سابق این گفته بود که
دولت اطریش باید بعضی معاوضات جهت خود قرار دهد و وکلای دیگر او جواب داده‌اند که معاوضات جلیله
خواهد داشت و چیزی که مرا خوشنود می‌سازد آن است که در میان ایرادات و تعارض مجلس اظهار رسیده از اینکه
ساواد دولت اطریش اهالی که از خاک خود را در این مملکت جانب اردو نسبت ... که این حرف را زده است
نیست من از وکلایی که از پلتیک من راضی نیستند سؤال می‌کنم آن جماعتی که مرا مخطا انداخته‌اند کدام اند از آن
گذشته من بار دیگر در این مسئله خواهم آمد و هر وقت موقع تقاضا کند از شما خواهم پرسید که چه کرده‌ام که باعث رنج
کرده باشم من حفظ صلح دولت اطریش کرده‌ام و از این معنی سرافرازم آیا برای شما رنجی است که من صلح
جنگ مشرق زمین نکنم در حالتی که خود در معرض تهدید از جنگ انداخته باشیم مرا که چنین رأیی نیست مطلوب من
همیشه آن بوده است که نگذارم مملکت امپراطوری عبث رنجور باقی بماند ولی در صورتی که از روابط دوستی با
دول نیز مراعات و محافظت کرده باشم و من معنی دفاع و حفظ حقوق دولت را چنین فهمیده‌ام و این مقصود که

با انگلیز

من همیشه منتظر بوده‌ام و امروز هم منتظر خواهم داشت و نیز گفته‌اند که پلتیک دولت اطریش مبنی بر ... که
فتوحات دولت عثمانی دارد و حالا کتاب تاریخ خود را درست تصحیح کنند به خلاف آن قول ثابت شود از این
قول صحت ندارد و پلتیک دولت اطریش در وقتی که روسها با این همه سهولت از کوهستان بالکان
عبور کردند همان بود که حالا هست و این پلتیک در چهارم ماه مه توسط وزیر داخله در جواب لایحه مسیو گیسکرا
بیان شده بود بدین عبارت که دولت اطریش با کمال اعتماد منتظر وقایعات و نتایجات است و این
اعتماد نتیجه روابط دوستانه او است با تمام دول در وقتی که پلتیک اطریش و مجارستان از در خصومت
تمام دول اظهار داشته است و بالاخره در اعتماد دیگر به اطوار با خلوص و ارادت رعایای خود داشته و در وقت
و وکلای عرب که هر وقت گفتگوی حفظ حقوق دولت شده است زیر داده‌اند با تغیرات عبارتی از مصوبات
و این پلتیک هرگز متزلزل نبوده و اگر دولتی دارای پلتیک متزلزل و مشکوک می‌بود چنین انتخابی که من کرده‌ام
نمی‌کردم و اکنون دولت عقیده خود را می‌پوشانید و مجمل بود از نظر مطلق و غیر مشروطه به گفتگو کنند
ولی من بار دیگر می‌گویم که پلتیک از قراری که مذاکره نموده‌ام مشهود و نمودار بوده و از دستور العملی که در بهار گذشته
نوشته شده بود مجمل است پیش از آنچه باید فاش و بی‌پرده باشد دیگر حق آن را ندارند که آن پلتیک را مشکوک
و متزلزل انگارند و عما قریب این مسئله را ادا و مختصر بیان خواهم کرد آخر

در مجلس روز نوزدهم در حضور مبعوثین امر خرج و دخل دولتی اطریش کنت اندراسی بیانات ذیل را کرد

من عزم خود را جزم کردم که در این مجلس از هر گونه مباحثه احتراز نمایم
و چون مجلس عامه است و قصد آن کرده بودم که همین‌قدر بعضی بیانات کرده باشم در این باب ایراداتی که از طرف مملکت
من وارد آمده و تدریج کنم مختصر کردم و من آن نکته را شرح خواهم داد و در صورتی که مکلف باشم با مور دولتی در حالتی که از این

چند سال در اداره وزارت امور خارجه وقوع یافته یکی از آن نکات عبارتست از فقدان بصیرت و بینش و
من این نکته را از اظهارات خود محو کردم و در خصوص بواقعات داله بر ضد این معنی بود که اظهار کرده داشتیم زیرا که
بسط این ادله را در اثبات مطلب خود تا لاطائل دعاوی می‌بینیم که مفهوم آن این عبارتست (چه قدر دانایم چه قدر قادر
هر آینه من آن نخواهم بود که کسی را برای فریب دادن من باشد) و سایر اتهامات را بعنوان ذیل بطریق مختصر
کرد اولاً آنکه میل دولت معین بوقوع جنگ مشرق زمین باشد ثانیاً آنکه دولت ملتفت حقوق که باید در
مشرق زمین حفظ کند نشده و از طریقت آبا و اجدادی دور شده ثالثاً دولت در اتحاد دسته امپراطور و
... وی و تعادل ندارد بلکه حالت او مطیع دیگران است رابعاً آنکه دولت بقدر کفایت در حفظ
حقوق یا قوای بکار نبرده است خامساً آنکه دولت نتوانسته منع وقوع جنگ کند و نکرد **کنت اندراسی**
قبل از آنکه جواب این ایرادات گوید اظهار نمود که تمام اشعار در پیش خود معرض محاجه در آورده است و
و در این باب یقینی حاصل کرده است که شخص ادعا اطمن می‌سازد ولی ... ظلمیان جلی ... کرد و این
تحکمیست که در هیچ حالتی و بواسطه هیچ اثری دست از مسلک خویش که تا کنون پیروی کرده نخواهد کشید و اگر خواست
کاری بکند که نتیجه واقع شده است واقع نشده باشد و اگر امروز در مسئله معاین روز اول جنگ ...
باز همان رفتار که تا کنون کرده است پیش گیرد آن وقت این وزیر ایرادات امتحان شده را شرح میدهد و تمام
اشعار را دیگر خواه با بیانات مبسوطه و خواه بواسطه قرائت چندین خبر و واقعه مخصوصه که در اخبار عامه ذکر آنها نخواهد شد
و اغلب آن ادله راجع با ایراد چهارم میشود و در این موقع اظهار مینماید که رای او ممتنع است که اکنون اهل مجلس
ثابت نماید که اگر سفیر وزارت امور خارجه قائل مقود خیالات او در حفظ حقوق دولت انگلیس می‌شد از این
است که بواسطه وقایع و امور سلمی ثابت نمود که حقوق دولت تا کنون معلوم و محفوظ بوده است و نتیجه ادله خویش را

بوکلای مجلس

بوکلای مجلس وا میگذاشت در باب ایراد پنجم این وزیر مدبر تمام کارهاییکه از ابتدای تحریک نزاع تا آخر
این هنگام نتیجه منع وقوع جنگ گردیده بود را اظهار داشت گفت وقتی که منع این غائله امکان پذیر بود
دولت انگلیس را کوشش در باب امر دیگری پیدا کند و یکی از این امور چهار کار مختلف را اختیار نماید
اولاً اتحاد با عثمانی در جنگ با روس و در اینحالت مجبور بودیم که قبول مسئولیت کنیم از وضع آخر دولت عثمانی
ثانیاً اتحاد با روس در جنگ با عثمانی ثالثاً بیطرفی مطلق با وجود وقوع هر نوع سانحه رابعاً بیطرفی از روی حیثیت
حوادث نظامی و حفظ روابط دولتی در حالتیکه در هر باب منافع و حقوق خود را محفوظ داشته باشیم و
در حین انجام حل اشکالات واقعه بی‌اثر و بی‌خبر نباشیم و **کنت اندراسی** پس از آنکه این امور اربعه را علی التوالی
شرح داد اظهار داشت که امر چهارم را انتخاب کرده و خیال دارد در آن امر ثابت قدم باشد اگر چه در جواب
لایحه که در مجلس عام **سیو دل** وکیل الرعایا بایشان داده بود در باب طلب کمک دولت اطریش و مجارستان
نسبت بسرلستان گفتم خیلی میل داشتم که برای شما این مسئله را کردم ولی چون در آن باب لایحه نوشته شده
و سرلستان بدولت عثمانی اعلان جنگ کرده نمیتوانم از بعضی بیانات خودداری نمایم دولت اطریش
و مجارستان در آنچه متعلق بقضیه مشرق زمین است خود را بیطرف قرار داده و در صورتیکه حفظ حقوق او
بشود و همان اعلان جنگ سرلستان بباب عالی بتنهائی سبب آن نخواهد شد که دولت اطریش و
مجارستان از جاده بیطرفی خود خارج شود ولی در صورتیکه سرلستان نوعی رفتار کند که حقوق ما در معرض
تزلزل در آید مثلاً در خاک **بسنی** یا ارض فوین هجوم آورد و یا دیگر تا متمسک در دعاوی خویش نخواهیم کرد و اگر
مسموع نیفتاد نداند قوت سپاهی خود را مداخله خواهیم داد و در صورتیکه باین نحو رفتار کنیم از جاده بیطرفی
خود خارج نشده ایم و عمل ما نتیجه بلا واسطه خواهد بود از قانونی که پیش گرفته ایم و تا کنون مجری داشته ایم

و آن قانون عبارت بوده است از اینکه بعد ازین دولت اروپا بحفظ حقوق اروپا کرده باشیم و با غایت
قدرت مخصوصه خودمان از حقوق خویش محافظت نموده باشیم آخر
ازین امر ایشان چنان بنظر میآید که خصومت با روس از خصومت انگلیس کمتر است ولی عنقریب سوانح
در کمال عجله بظهور خواهند پیوست و مغایرات واضحتر معلوم خواهند شد مختصر آنکه در اواخر سال
سنه ۱۸۲۷ دولت عثمانی چون مغلوب شده و پیش این قدرت مغالبت و معاونت نداشت
لهذا دول فرنگستان را توسط طلبیده و تمام دول از میانجیگری شانه تهی کردند مگر انگلیس که در
مقالات و گفتگوی اصراری داشت تا این نزاعها تمام شوند در ماه ژانویه میانجیگری وضع جدیدی
بظهور رسید

فصل دوازدهم

فهرست

پس از تسخیر پلونا طرح جنگ آتامارشور روس بکلی مشخص گردیده و طرح شومی بوده و مبنایی که در آن

قلیلی نتیجه کامله ثمره حاصل نماید زیرا که از صوفیا به اندرینوپل و از آنجا به اسلامبول میرود راهی بود طبیعی که
مبنایی بود و ترکان که از شکستهای سابقه ضعف کامل پیدا کرده بودند بتحیر افتادند در صدد دفاع خویش
تمام عساکر خود را از چهار ضلعی عثمانی طلبیده بودند ولی طبیعت اراضی نیز کوششهای ایشان را بیفایده میکرد و در دو سمت
که مالک دو سمت معبر از کوهستان بالکان بودند در هر آنی میتوانستند از کوهسار بالا روند و از گذارهای دیگر
مشغول حفظ طرق مستقیمه از صوفیا بعمده روس بود و یورش میبردند و قبل از وقت عساکر سلیمان پاشا مجبور
قوت حوادث مسعد شکست بودند حتی چگونه ممکن بود و تاب این حملات لاینقطع را آورد و تحمل آن حرکات
غیر معهوده و یورشهای ناگهانی زیرا که مخرب تمام طرحها و ترکیبات و مضمحل کننده هر نوع رشادتی بود نیز
کرد و این سد سدید بالکان که در نظر ضامن بزرگ رومیلی بود عنقریب سبب تلف آن خواهد شد زیرا
که ترکان نتوانستند معابر و تنگهای آنرا که جای منبع حفظ کنند قشون روس در آن اندیشه بود که در ترتیب
و طبقات مختلفه استعداد بالکان جای گیرد و منتهز فرصت مناسب باشد و حال آنکه ژنرال گورکو روی به صوفیا
و فیلیپوپلیس و اندرینوپل و اسلامبول پیشرو و پس باید از بسیاری از بین ملتفت حرکات روسها باشیم
و جنگها نیز که از آن وقت بدون غالبه و نتیجه بوقوع پیوستند در معرض امتحان در آوریم

مطلب اول

اول قشون محاصره پلونا را اردوی مأموریکه در ازرویل بالکان جنگ بکنند فرستادند در بیست و چهارم
دسامبر که به ژنرال گورکو سه تومان از سرباز پیاده و نظام امداد رسیده و آنها را پیش انداخت و در صحرای
نماد شروع بعبور از بالکان نموده و هر یک از سربازان نان یک ساعت را برای حفظ از سردی آذوقه قسمت گردید

وطرح انجنگ در اینقرار است که بود که یک پرده جیحمی از لشکر روس در جلو لشکرگاه سنگربندی
شده عثمانیان که در عرب‌تباق جای داشت مانده و در همان هنگام ستون عمده قشون روی آ
حمله بسنگر نهاد تا راه عقب‌نشینی عساکر پاشا را از این شهر قطع نمایند و یک ستون دیگر بسمت ر
روانه شد تا جبال ترکان را از نشده و واقفی که لشکر عمده روس پیش خواهد گرفت متصرف شود
ستون معتبر قشون بپاسبانی از زورحش حرکت کند و راه جبال را اشغال کرده و بعد در پشت حمله
بابافشاق از طرف یمین روی بینگه گذارد که بدره چورباک سرود و از آنجا از سمت راست رو در چهاردره
تیوپ رفته باز از تنگه عبور نموده در نزدیک تکوسهو از دره سفلی سر در آورده از پس اگر ستون این جانب
بپاید از زورحش بیاید و از کوه اوموزغاج عبور بکرده تا بقریه زلیاوا برسید ولی چون نزول از
اوموزغاج و زلیاوا بواسطه آمدن برف ممکن نبود این ستون از دره چورباک فرود آمده و از آنجا بجانب لش
فیزا از راه تیوپ شتافت و ستون سپر بپاسبانی از اتروپل رفته و از باباکرا از پشت شاندربنک در آمد
ترکان را مغشوش کند و پس از آن در بونونوباسیرکو که واقع در دره سلافیزا بپا شد فرود آید و علاوه
بر قشونیکه در برابر بابافشاق گذارند یک دسته هم در برابر سلافیزا از لشکرگاه سنگربندی شده که سابقا
ژنرال برک متصرف بود با فی ماند این پرده قشون جبال عساکر ترک را که از جنبش عدت تفاضل تمام بر اتحاد تحتشند
متوجه خود نمود لهذا در سپاه عثمانی در دره تکمارات ضعف زیادی حاصل شده بتر جبال ترکان
متوجه کارها شد که از جنبه در پیش با استعمال ونیامت برای تسطیح و تسویه راه آتروپل رود
زلافیزا پیش گرفته بودند مختصر آنکه لازم افتاد که یک پرده عثمانی از سپاه در برابر لشکرگاه وطی کم
که نزد در تصرف ترکان بود قرار دهند پس بدین طریق تمام سپاه اردوی ژنرال گورکو سه ستون و

[illegible]

پرده منقسم شده بود و استحالت عمل جنگ را مغشوش‌تر و مشکلتر میکرد تقسیم عساکر ستونها از این قرار بود ستون
عمده سرکرده که لیوشان ژنرال کالی عبارت بود از دو فوج پراوبراژانسکی اسمعیلوسکی در رکاب
ساشور خاصه و تمام توپمان سیم پیاده نظام خاصه و فوج کلزف از توپمان سیم پیاده نظام و از جنب توپخانه
این ستون دارای باطریهای اول سیم و ششم رکاب اول توپخانه خاصه و یک باطری از رکاب سیم باطری
هشتم توپخانه فراغ دن بود ولی هیچ یک از این باطریها کامل نبودند و حکم صادر شده بود که بهترین باطریها
برداشته و مجموع توپخانه آنجا چهل و چهار عراده توپ داشت

ستون این سرکرده که لیوتمان ژنرال ولیامینوف مرکب بود از افواج تامبوف و پنزا که
متعلق به توپمان سیم پیاده نظام بودند و رکاب اول و دویم توپمان سیم سواره خاصه و باطری دویم و پنجم توپخانه
سواره خاصه که من حیث المجموع پنج باطالیون پیاده و شانزده اسکادرون سواره و هشت عراده توپ
می‌شدند و یک باطالیون از فوج پنزا در عقب ایدو مانده بود و ماموریت مخصوص داشت

ستون سیم سرکرده که ژنرال داندویل
مرکب بود از رکاب دویم توپمان سیم پیاده نظام و فوج پیاده ورش و یک باطری نمره چهارم رکاب و پنجاه دویم
توپخانه و باطری نوزدهم فراغ دن و فوج از دران سواره کازبنوسلف که تماما شش باطالیون پیاده و چهار
اسکادرون سواره و دوازده عراده توپ می‌شدند

پرده عمده قشون در برابر لشکرگاه سنگربندی شده مرکب از افواج سمنوسکی و شاسور خاصه
سرکرده که شاهزاده الداتورک در شرق خیابان افتاده بود و توپمان دویم پیاده خاصه سرکرده که ژنرال گت
شوالف دویم در غرب خیابان جای داشت در رکاب اول توپمان پنجم پیاده مانند قشون ذخیره در جلو خیابان

مقسم شده و توپخانه آنها عبارت بود از باطری از برگاد اول توپخانه خاصه و چهار عراده از باطری شماره دوم سوار
و تمام قشون پرده معتبر فرمان بریت و شش باطالیون و پنجاه و دو عراده توپ می‌شد
پرده اسلانتیزا سرکرده که ژنرال ماژور برک مرکب بود از فوج گرنادیه خاصه و دسته ششم از فوج نوولادژسکی
و دو عراده توپ از باطری نور و سیم قزاق دن و دو ستون از برگاد مخلوط قزاق که من حیث المجموع باطالیون
و نیم پیاده و دو ستون سواره و دو عراده توپ بودند
بالاخره پرده لوطی کو سرکرده که ژنرال ماژور پچی توف مشغول بود به یک برگاد از لوتان پنجم پیاده باطالیون
و سه باطری توپ پیاده از برگاد پنجم توپخانه و برگاد سیم از توپان دویم سواره با شش عراده توپ از باطری
نیم توپخانه سواره خاصه که حاصل جمع آنها پنج باطالیون پیاده و شش اسکادرون سواره و سی عراده توپ میشد
و یک باطالیون از فوج ارخانژل با مورغاج فرستاده شد تا راهیکه به بانولوشیرا میرود متصرف نماید
و در جلو نکاشیکه این قریه را متصرف بودند حاضر و حاجی باشد
و بنا بر اطلاعاتیکه به ژنرال گورکو رسیده بود روز بیست و دویم و سایر عساکر ترک به طریق تقسیم شده بودند
چهل و پنج تا تور باطالیون در دره و لشکرگاه سنگر بندی شده کاراتسا بودند و در اسلانتیزا ده
باطالیون و در نزدیکی لوطی کو ارتش ماده باطالیون و در حوالی شغیا و کنار راه پریت برکواژ تقریباً دوازده باطالیون
می‌شدند که من حیث المجموع سی و دو تا شصت باطالیون بودند ولی روسها از تعداد توپیکه حریف داشت
اطلاع نداشتند روز بیست و پنجم و سایر از صبح زود عمل مجادله
شروع شد ستون اصلی به سه پله منقسم گردیده و در پیش قراول سرکرده که ژنرال ماژور رشن فوج پرابراژنسکی و فوج
اسمعیلسکی و شش سواره‌ای خاصه و فوج پیاده کرلف جای داشته اند و در پله اول سرکرده که ژنرال

کورلف افواج خاصه ولهینی و گرنادهای لطربورغ بودند و در پله ثالث که در تحت فرمان ژنرال ماژور فلرف
بود افواج خاصه لتیوانی و گرنادهای کلسن بلم جای گرفته بودند و بریگاد قزاق قفقاز با پیش قراول
ژنرال رشن حرکت میکرد دو فوج از دران حاجی ترخان با پله ابواجمعی ژنرال کورلف بود
در آن امتدادی که میبایست ستون اصلی حرکت کند راه سخت
بود و برای اینکه صعوبت تدارک کنند از روز بیست و یکم فوج پرابراژنسکی را با سه دسته تبردار از افواج خاصه
مامور کرده بودند و این لشکریان از عهده ترمیم راه خوب برآمدند ولی در صورتیکه چند روز باران فراوان
در روی زمین تر و لغزنده کار کردند و شدت سرما را تحمل نمودند و از عهده خدمت برآمدند جهت
تعیین استعداد راه ساندروسکی نایب سرهنگ را که جزو دسته اتاماژوران بود برگزیدند
تا شاید چندین توپ سنگینهای نقشه کشی کرد بلکه توانست در دره شغیا نیز نفوذ کند و از میان پیش
قراولان چرکس عبور نماید تمام کارهای مقدماتی در صبح بیست و پنجم با تمام رسید و از آن وقت
لشکر توانست حرکت کند ولی با وجود کمال اهتمام باز راه سربالائی زیاد و سختی داشت که نفر پیاده در طول
شش ورس مسافت یک محل اقامت و استراحتی پیدا نمی‌شود
در همان هنگام که این ستون شروع بحرکت کرد لیس ابلران و آتش‌زن یخ ریزی
سرمای بسیار سختی روی داد و زمین از یک پرده ضخیم یخ پوشیده گردید و توپهایرا که به اسب بسته بودند نمیتوانستند
پیش برند ناچار هر عراده توپ و هر صندوق قورخانه یکدسته سرباز پیاده دادند و این سربازها تمام توپخانه را
به دوش بردند و این کار که بالاصاله بخودی صعب بود بواسطه شیم منجمد و یخ زمین و صعوبت و سختی آن راه
افزود و توپ اول که در بیست و پنجم و سایر از ابتدای سربالائی یک ساعت بعد ظهر ماند حرکت کرد به بالای آن

رسیدیم که دو ساعت بعد از نصف شب شب دوشنبه یعنی پانزده ساعت برای طی مسافت شش
ورس بکار برده و بقیه توپها خیلی عقب ماندند و تمام سپاه ستون بالای آن قلعه رسیدند مگر در عصر روز
سه‌شنبه آنوقت نزول توپخانه از مرتفع اسپیل برابر مرات از صعود آن صعب‌تر و با زحمت‌تر بود
زیرا که این خبر را اهرا بواسطه مردم شنبه کاری بزرگان نتوانسته بودند بجویند خبر اول این اصلاح بما
و پس از گذشتن این کار فرصتی نیافتند لهذا همینقدر خط راهی رسم کرده اند زیرا که برای انجام مقصود مستعی
دشمن را از این کار استحضاری حاصل شود اخفای این امر پس از روشنائی روز امکان پذیر نبود اشکال کلی
در آن بود که سربازها تکیه گاهی پیدا نمی کردند و در روی زمین یخ بسته و لغزنده و نمی توانستند توپها را
نگاه دارند که صعوبت تمام ژنرال گورگو در راپورت خود میگوید که برای فرود آوردن توپها میبایستی آنها را
بواسطه طنابها به تنه درختها و تخته سنگها و توپهای راه بسته و کم کم طنابها را از دور آنها باز کرد چنانچه اسبها را
لنگر کشتیها می کنند و قسمیکه میخواستند طنابهای لنگر کشتی را بلند نمایند یاری توپها و صندوقهای قورخانه از
قله بالکان تا پایین دره چوریاک از هر درختی هر جنب دیگر و از هر سنگی به توپه بسته شده بودند من برای
اینکه حرکت سپاه را سریع کنم حکم کردم راه دیگری هم رسم نمایند هرچند آن راه واقع شده در روی یخهای
بسیار عمیق ولی این معنی نیز رجحان بر حالت اول داشت زیرا که پای سرباز هم گاهی در روی برف پیدا میکرد
و بواسطه این اشکالات ستون اصلی این لشکر نتوانست در پایین دره چوریاک جمع آوری شود مگر در سی ام ماه
یعنی شش روز جهت طی مسافت شانزده ورس بکار برد ولکن برای آنکه در حرکت تعویق و تاخیر روی داد
پیدا نشود ناچار شدند که دو باطری توپخانه را در عقب گذارند و یک سبب دیگر تعویق طی مسافت آن بود
که لشکریان در شب بیست و نهم دچار باد و برف شدیدی شدند که تا فردای آن تخفیف نیافت و این

جز توقف دو روز

جا موقع آن نیست که شرحی از زحمات و بیداد و غیره که در عرض این چند شبانه روز که برای سربازان روس
اتفاق افتاد ذکر کنیم همینقدر میگویم که این مصاعب بار هولناک و جانفرسا بود و سپاهیان با کمال
حوصله و پایداری دلیرانه از آنها تحمل نمودند
چون پس از ورود به دره چوریاک دیگر ممکن نبود این حرکت از بزرگان مخفی بماند روز بیست و هفتم ماه
ژنرال گورگو حکم کرد آن گردنه را که پایین دو دره چوریاک و سفیابت مسخر سازند و پس از آن فوراً
بریگاد قراول قفقاز را وارد دره نمایند و فوج پرابراژانسکی مردودی این گردنه را که در تحت حفظ دو
باتالیون دسته سوار چرکس بود و آنها نیز پس از زد و خورد مختصری فرار کردند مسخر ساخت و در این گیرودار از
دو سرباز را زرور سهام زخمی شدند و در همان هنگام که فوج پرابراژانسکی مشغول تسخیر گردنه تکمش بود فوج
کزلف مامور شد که دهنه دره چوریاک را در الش تیزا بگیرد و آن فوج بدون اینکه تیری خالی کند
الش تیزا و توپ را مسخر ساخت و آن چند دسته پیاده ترک که حراست آنجا بودند بعضی نزدیکی این فوج
بدون اینکه تفنگ بیندازند فرار کردند
پس از آنکه دو دسته ای در دو شعبه را در تصرف آوردند ژنرال گورگو منتظر شد که تعقیب کردن ستون اصلی در آن
این رسیدند ستون یمین در بیست و ششم و سیم سرباز از ورچش در صبح زود حرکت کرده شروع به صعود
بر قله‌های وحشی اوموزعاج که مرتفع ترین قلل بالکان اتروپول اند نمود مشقاتی که این ستون یمین متحمل شد
بر غایت گران بود زیرا که راه رسم راهی پر خطر پیدا بودن نگان در لوطی کو اتصاع داشت لهذا اگر
چه توپها را از عراده با پایین آورده و در روی سر سر اسبها کشیدند بالا بردن آنها پیش از توپهای تخت تیمن تعطیل
انجامید اما صندوقهای قورخانه را ناچار شدند که عراده عقب آنها را در پای کوه گذارند و محتویات آنها را

با عراده‌های جلو بر بار کنند و ستون مین ممتنع دید که راه زلوایا پیش گیرد زیرا که برف آن راه را بسیار انبوه بود
حکم صادر کرد که بجانب چوریاک حرکت کنند و از راه شوپ به بلش تمیرا و سر این ستون روز بیست
و هشتم به چوریاک رسید و روز بیست و نهم تمام آن وارد الش تمیرا گردید و سواره آن در دره نفوذ کرده شیرا را
ستون ژنرال واندویل
زلیبا و اکدرا رسیده بود
در راه خویش عوائق ممتنع السلک پیدا کرد و پیش قراول این ستون روز بیست و نهم از اتروبل گذشت
گردو شب آن روز به امداد دویست و سیصد نفر طغار ستانی از میان برفهای عمیق برای خود راهی باز نمود
به تقویت پل اتروبل به نجان رسید و در آنجا اطراق نمود و فردای آن روز عمده سپاه این ستون با
چهار عراده توپ در این مکان به او ملحق گردید این توپها را که از قندافها فرو ریخته بودند و دست به سر بارها
و طغار ستانیها کشیدند روز بیست و هفتم از راه بنگه
یکبا طالبون پیاده پیش فرستادند به جانب ایشان طغار ستانیان برف را هموار و منسد و بجانب
بعد از ظهر این کار به انجام رسید و راه تا مصب چنولی از او کردید و دو توپ را که به سختی کشیده بودند
در روی دماغه کوه نصب نمودند و آتش انبار را به جانب لشکرهای عثمانی که مانع نزدیکی به بوبو و میرکو بودند گشودند
ظهور لشکریان روس در ضلع این سپاه ترک در اردو بنگه واقع در حوالی شاندرنیک بود بسی هیجان
و تحریک شدیدی در خیالات کرد و ترکان به عجله تمام به لشکرهای خود نهادند چون بسیار اندک زمانی
شب در رسید سپاهی شبرا برای حرکت سپاهیان از جانب جنگل کنار مصب شمالی کوه غنیمت شمردند
که در آنجا شدت سرما و باد جنگلی کمتر از صبح روز بیست و نهم ناچار شدند که برف را هر راه که در شب آمده بود بدرند
و به ساعت بعد از ظهر این کار تمام شد فوج یازدهم با دو عراده توپ از تخت شاندرنیک در فوج صد

بیست و چهارم با دو عراده توپ از طرف میرکو اخبار خود را منضبط ساختند و توپها عریان گرفتند و بجانب
انها از دران کاتزیو سلاف روی به میرکو نهادند ترکان نیز در لشکرهای جلو خود به شلیک تفنگ پرداختند و جنگی
شاندرنیک نیز غرش دمغریو در آمدند و از جمله ستون ژنرال واندویل خیال تکاثر را مصروف سپاه
خود کرد فردای آن روز قصد آن کردند که برف را
میرکو را در ربودند ولی شش ساعت بعد از نیمه شب طوفان سختی گرفت و به فاصله نیم ساعت قلمین اردو لشکر
گاههای تنگ طرق مراوده بکلی منقطع شد و چند فرسنگه ژنرال واندویل برای بازگشت به اردو داده شد و کاروان
رسید و در تنگه ماندند و چون طوفان رو به ازدیاد بود و توپها در زیر برف ماندند و پیاده و نظام در جنگلی که در
بود فرود آمد و هر قدر کوشش کرد در آن محل اطراق آتش برافروزد امکان پذیر نشد و بوران باد و برف
خواهد کوشش کرد ناچار شب آن سختی را در هوایی که یازده درجه زیر صفر بود صبح کرد
فردای آن روز که بیست و نهم بود دو بار باد و برف جاری بود و مردم صد صد از سرما خشک میشدند و خبر را او به سپاهی
ژنرال گورکو فرمان ترک آن نقطه لشکرگاه به سپاهیان رسید مگر به واسطه یک سوء تفاهمی که ژنرال واندویل
فرستاده بود و آن قراغ با کمال زحمت پیاده یک راهی برای خود پیدا کرده بود و بقیه سپاه و لشکریان آن
اماکن با صورتی استقبال کردند برف را هموار کردند و این سرباز برای این که راه را در جهت کم کند مجبور شدند
که تفنگها و سلیهای خود را در برف فرو برند تا بهم نشنوند برای چهار ساعت بعد از ظهر مقصد آن به اردو
رسید ولی چون ممتنع دانستن این وضع یک ساعت دیگر در آنجا بمانند و در روسها در برابر وجود عوائق
ممتنع المسلک دانستند ژنرال واندویل بخاطر لشکریان فرمان فرستاد که به جانب اتروبل بانی
روند این فرمان بازگشت در کمال نظم مجری شد و این ستون روز سی ام دسامبر در اتروبل جمع گردید و

سیزده هزار و هشتصد و دو نفر سرباز از صفها بیرون رفتند زیرا که دستهای ایشان را سرما سرده بود و بیچاره
دسته سرباز هم از سرما مرده بودند

اکنون باید از سیره میمنه روس بپردازیم سابقا ذکر نموده ایم که روز بیست و هفتم زیکاد و قراغ قفقار بدره
سغناق رسیده بودند فورا روی بجانب خیابان نهاد و تقریبا در همان آن یک قافله آذوغه که به سغناق طاش
کیسن میرفت در کورزه مالیسا ملاقات کرد و جنگ گرمی درگرفت و به انتهی شد که گروهی از آذوقه
روز بیست و ششم و سایر پیش قراول ژنرال اش در
نکس شو جمع شد و فورا استحکام بندی کرده و بیشتر این لشکر در خود قریه جای گرفت و در این تاریخ زیکاد
قراغ قفقار اطراف خیابان را در زیر سم مراکب خویش میپیمود و اسیر بسیار میگرفت
روز بیست و نهم روسها در اجتماع به گردنه نکس شو مبالغه کرده مانند
ژنرال ولیامینوف در پش تیزا جمع شده و زیکاد و قراغ قفقار در پل ایسکر و قریه کریت کوستا
تفتیش کرد که واقع است در راه لوطیکو سغناق و آن زیکاد در نزدیکی دولنی بوکارو با یک قافله آذوقه
و با مستحفظین آن جنگ نمایان کرد و شصت تن از ایشان را طعمه شمشیر نمود
در این تاریخ باتامار دور روس خبر رسید که ترکان بشمار لشکرگاه لوطیکو را تهی خواهند
پس از استماع این خبر ژنرال گورکو بدو باطالیون از فوج کسن زما فرمان داد که بستون ملحق شوند و یک
فوج پیاده حکم کرد که با یک باطری توپخانه لشکرگاه لوطیکو را تصرف کنند و فوج دیگر را که دیده بان این معسکر
بود فرمان داد ذخیره پرده نظامیکه در برابر لشکرگاه عرب قناق بود باشند
در دره چوریاک که تقریبا تا دره سغناق متوازیست و بواسطه یک رشته کوهساری جدا که موسوم است به جرنی ورخ

جدا شده و این سلسله

جدا شده و این سلسله کوه منتهی میگردد به ضلع یمین لشکرگاه ژنرال کنت شوالف بود و برای اینکه ایمن
سپاهیکه در گردنه نکس شو جمع آوری شده بود و بلشکر کنت شوالف در معسکر عمده رابطه و مراوده
باشد و برای آنکه حرکت روسها در دره چوریاک ایمن و محفوظ ماند یکدسته قشون مخصوص مرتب کردند که
مرکب بود از باطالیون اول شاسورهای اعلیحضرت امپراطور و دو باطالیون از فوج کرلف و این قشون از روز
بیست و نهم بلندیهای جرنی ورخ را در تصرف آورده و برای خود سنگرها و دیگرها ساخت
روز بیست و نهم کنت شوالف آنچه از قشون سواره و ذخیره حاضر
جمع شده از کوه معروف به برابارشکی هشت باطالیون بیرون آمد و ضلع یسار معسکرهای عثمانی را به شدت
جلو گرد و بعد از این حرکت شوالف ضلع یسار قشونیکه جرنی ورخ را متصرف بود ضلع یسار سپاهیکه
لشکرگاه عمده جای داشت مراده و ملاوسط پیدا کرد و فاصله این دو لشکرگاه بیش از چهار هزار ذرع نبود
روز سی ام تمام سپاهیان جمع آوری شدند و ژنرال گورکو عزم
خویش جزم نمود که فردای آن روز در دره سغناق سر درآورد و در لشکرگاه ترک که در طاش کیسن واقع بود یورش
برد و ترکان از روز بیست و هشتم و سایر بعضی اردوگاه‌ها که نکس شو در تصرف روسها درآمد در کمال تعجیل کارها
در اطراف طاش کیسن خندق و چند باطالیون پیاده ترک را مورچه اطراف لشکرگاه محکم کردند در طرف شرق
دره بود که بواسطه چند بن تل قطع میشد و از دو طرف قریه طاش کیسن کوههای میرسید دیوار
متوازی در دو سمت راه احداث کرده اند و مرتفع ترین کوهها در جنوب شرقی قریه واقع بود و دو هزار ذرع
شمال شرقی طاش کیسن یک سنگربندی دیگر یک نوع دماغه احداث کرده که از دره شمال
داخل شده اطراف قریه را احاطه میکند و در شمال این دماغه یک دره عمیقی که قطع مینماید و ترکان این دماغه

رااز طرف شمال قریه بواسطه ساختن یک سنگر سکو مانندی که بالای یکدیگر واقع بود بند مستحکم نموده و بعد
از آن کوهستان جنوب قریه را سنگربندی نموده و خود دشمن نیز در قریه متحصن شده بود و فاصله به چهار
ذرع در مغرب قریه به طرف کوهستان که بسیار صعب المسلک است واقع است که در دو دره کمارت
ا سنگربندی بود که دو طرف به طرف طاشکسن و دلنی کمارتسی دارد که هر دو در کنار خیابان ها منتهی می‌شوند
و آن کوه مرتفع جنوب غربی آن قریه کلیه اعمال نظامی جنگی آن لشکرگاه بود و تکیه به تنگی دره کمارت نیز داشت
و از آن نزدیک دلنی کمارتسی واقع است و منتهی می‌شود به قریه‌های سالکاشو و از دره سفیا سر در می‌آورد

طرح جنگی که روسها اختیار کردند از این قرار است در همان هنگامی که از برابر
لشکرگاه جنگ استفسار کردند به جانب آن کوه مرتفعی که در جنوب غربی واقع بود و چنان به نظر می‌آید که از کمین
قشونی در آن سمت یورش برند و برای اینکه سپاه و ذخیره دشمن که در عرب قناق و قریه استیر تکلی تجمع
بود ملتفت نشوند یک قسمت قشون را به جانب کوهسارهای طرف دره کمارت که در شمال خیابان است بفرستند
و برای انجام مطابق دستورالعمل جنگ ستون ژنرال کورلف به انضمام دو باطالیون از فوج کنزما و دو باطری
شبانه لازم افتاد که به چکانتو روانه شوند و یک ربع ساعت قبل از طلیعه صبح شروع به یورش کنند و در کوه
مرتفع جنوب غربی طاشکسن گذارند و ستون ژنرال رسن که مرکب بود از شش باطالیون پیاده و
هشت عراده توپ صحرایی بود و میبایستی از کمس شو در طلیعه صبح بیرون آید و یک ستون را گذارند که
مشغول جنگ شوند و کوشش نمایند که با بقیه عده سپاه دور کوهی که با سنه و ماغه است تکیه کند پس از آن
در ضلع این لشکرگاه ترک یورش برند و ستون کنت شوالف ژنرال آجودان که دارای شش باطالیون
پیاده و دو عراده توپ بود میبایستی در چرنی درخ نزول نموده قله کوههای راکه در دره کمارت است فرود آیند.

منصرف شود

منصرف شود و دسته کلونل واسموند که شش باطالیون داشت میبایستی از بلد بیابا پیش آمده در قطع این
ضلع از سر ستون ژنرال رش و ضلع این کنت شوالف ژنرال آجودان شود و بالاخره ستون ژنرال
ماژور فیلورف مرکب از دو باطالیون و پنج عراده توپ چهار پوند بسته بود از کمس شو کمک رساند تا
بجای ذخیره باشد و در کنار خیابان مشغول شود و باطری توپ سواره نوبت موقع از تنگه گذر داده آن کمک شوند
در ذخیره ملحق کرده در یکادهای اول و دوم سواره خاصه دو باطری توپخانه سواره میبایستی در عقب ضلع این ستون
ژنرال کورلف وضع تهیه کنند و در یکاد دوم علاوه بر این مامور بود که در صدد نفوذ در دره کمارت
برآمده و راه عقب نشینی ترکان را در صورتی که بخواهند از طرف دلنی کمارت منهزم شوند قطع کنند

یورش بر لشکرگاه طاشکسن میبایستی با ده باطالیون پیاده و دو
اسکادرون سواره و چهل عراده توپ فیصل کرده و ژنرال گورکو برای حفظ عقب از طرف صوفیا یک بریگاده از
باطالیون و شش عراده توپ و دوازده دسته قزاق قفقاز کشیده و ژنرال ولیامینوف را مامور کرده
کرد و برای مدافعه این جنب یورش فوج از در آن حاجی طرخان را به قریه ینی خان که در کنار خیابان
اشتیمان روانه داشتند

طرح یورش کاملا مبتنی به معرض اجرای در آمد و تمام ستونها در حین نزول از تنگه دچار برف شدند که برای
توپ غایق و مانع بزرگی بود و ستون ژنرال کورلف پس از گذشتن از چکانتو نوبت آغاز یورش
نماید که دو ساعت به طول انجامید و به واسطه بی نظمی ترکان از حرکت حریف اطلاع یافته و مستعد یورش شدند
اما ستون ژنرال رش تقریبا همان ساعتی که در دستورالعمل یورش مقرر شده بود به محل معهود رسید و در اوا
در برابر لشکرگاه ترک آغاز محاربه نمود براابرازاشکی خاصه ده باطالیون خانواده امپراطور ضلع این ترکان

را برکرد رسید و در انتظار آنکه ژنرال کورلف شروع بیورش نماید در آن فاصله خالی در پای قلعه که داخل بود رشید
دور برکه برجا عثمانیان روی زمین خوابیده بودند دسته کلونل داسموند در راه قدری دچار عوایق
شد که قبل از چهار ساعت بعد از ظهر بستون ژنرال رش متصل گردند و در اواخر محاربه اندک مدد حمله
در جنگ نمود ستون ژنرال کنستوالف نیز در زمان حرکت دچار مصاعب عظیمه شد و توپ اهم
کشکر با دو عراده توپ که از دو هزار و پانصد تا سه هزار ذرع فاصله میشدند ولی با وجود معطلی این دو توپ
خیال مفید افتادند زیرا که فورا حرکت آنها مشهود ترکان گردید و چون این حرکت طرفین عقب آنها را
در معرض خوف میاورد دست سه که در خالی کردن لشکرگاه عجله کردند ستون ژنرال فیلوف از کوهستان
را بر ترکان فرود آمد و کم کم در دره مجتمع شد

ستون ژنرال کورلف در نزدیکی لشکرگاه ترکان اول هدف گلوله توپ و پس از آن نشانه گلوله
تفنگ گردیدند معهذا با کمال نظم در حالتیکه کمک بیرق صحیحی از عهده داران در جلو آن حرکت لشکر پیش آمده
صف ستونهای دسته ... فوج ولینی با حمله ور شد و فوج گرناویه بطریق توپخانه ...
حرکت دورانه داد و چون این دو فوج بواسطه شلیک سخت تفنگ نتوانستند یورش خود را ادامه دهند یکدسته
پیش دویدند و حریف که صلح ... خود را منعطف دید تحمل حمله نتوانست و از بلندی اول با بی نظمی
بلندی های دوم دوید و چون فوج ولینی را از عقب خود دید و میسره خود را از پیش منحرف داشت در
نقطه مرتفعه ثانیه نیز نتوانست پایداری کند در کمال عجله کناره گرفته و بلندترین کوه ها را از دست داد
در این یورش ژنرال ... روز مبرکویچ فرومانده فوج ولینی زخم سخت برداشت
ژنرال کورلف پس از تصرف بلندی که مشرف بر لشکرگاه

دشمن بود بعد از ظهر قدری توقف نمود که سپاهیان بعد از یورش در زمین صعب المسلک و برابر برف اندکی
استراحت نمایند و این توقف حالت خیلی بموقع بود زیرا که چون ترکان دیدند راه گریز کاملا خیلی در
معرض تهدید است در دولی تجارستی ده باطالیون جمع کردند و در فوج گرناویه بطریق توپخانه اوقات
ژنرال کورلف آن فوج را با دو باطالیون از فوج کسترما و یک باطالیون از تیراندازان فیلاند که
تازه رسیده بودند نگاهداری کرد و یورش ترکان را رد نمود و از ایشان بسیاری تلف شدند و بعد از این
واقعه ژنرال کورلف قریه بالکوه را بتصرف آورد و ستون خود را از حرکت باز داشت زیرا که انتظار پیش
پیش آمد در هنگامیکه محاربه جنگ بطریق پراکنده گرم
شد ژنرال رش در میمنه روس منتظر یورش کورلف بود و چون یک خبر از لشکرگاه بدو رسید نیابت در معرض
یورش او در آید لشکر ... ناچار بود از اینکه با وجود آنکه دشمن از لشکر خود نگاهداری ... انتظار او بیشتر که
یورش ژنرال کورلف سود مند افتد و چون قبل از ساعت دو ژنرال رش دید که بلندی اول ...
عاکردیل ... در آمد و از پنج باطالیون از فوج خود را به یورش فرستاد و پستی و بلندی اراضی را غنیمت شمرده
اینها را تا مسجد قدمی لشکر پیش برده و از آنجا فرمان تاخت داد و ترکان بعد از ضعفی گریختند
... ساعت بعد از ظهر ترکان با کمال بی نظمی از
سمت دره تجارستی منهزم شدند و پستی و بلندی زمین و برف فراوانی که مانع سرعت حرکت بود
مانع گشت ... سبب شد که روسها قصد تعاقب ایشان نکرده اند
ژنرال گورکو شبانه حکم داد که فردا در طلیعه صبح تجدید حرکت کنند و ستون میمنه که تکلیفش گران تر از سایرین بود
بواسطه سه باطالیون که از ذخیره طلبیده بودند تقویت یافت و آنوقت صاحب چهار باطالیون شد

ستونهای ژنرال شوالف و کلونل واسموند فرمان
یافت که بجانب جنوب غربی سلسله جبال روند و تمام تدارکات آماده بود که در اول طلیعه صبح پیش
آخر را برند و قشون سواره که در تمام مدت روز بتوپ بسته بود وارد دره شود زیرا که پیاده نظام عثمانی در قریه
دولی کمارسی تصرف کاملی بهم رسانیده بودند و آن سواره مأمور شد راه عقب نشینی دشمن را قطع کند ولی
ترکان نتوانستند شبانه کوچ کنند بلکه از نه ساعت بعد از ظهر بنای حرکت گذاشته بودند و در شب عقب نشینی کوشیده
بودند که چون صبح طالع گردید بیش از چند باطالیون در دولی کمارسی باقی نمانده بود
عساکر برده نظامی اصلی فرمان یافته بودند که بشدت هر چه تمامتر ایام
مدت روز سیم و چهارم در لشکرگاه سنگربندی شده راه دشمن را انسداد و راه عرب قشلاق و شانیک
داشت گلوله ریز کنند و جنگهای مختصر پیش از ترس تفنگ پیش زدند و این گلوله ریزی بسیار سخت
ترکان را فریب داد و گمان کردند که یورش مغیر از طرف عرب قشلاق خواهد بود و در آنجا سپاه فراوانی
جمع کردند
از مراسلات مابین بیکر پاشا و شاکر پاشا که راه‌ها
در طاش کسن بدست آوردند معلوم میشود که بیکر پاشا بی ترتیبی او طلب کمک از سعید هم داده بود
از استعدادات و قوتهای عسکریه روس استحضار کامل داشته و روز سیم و چهارم ادرنه بشاکر پاشا اطلاع داد که مقاومت
و معاودت در مقاتله ممتنع است و باید هر قدر امکان پذیر باشد در حرکت دادن و عقب نشاندن لشکر تعجیل کرد
و نیز از این مراسلات مستفاد شد که حرکت ترکان بکنار دولی کمارسی از دو ساعت بعد از ظهر آغاز
شده بود و انهزام ترکان اول خیلی منتظم بود و لی هر قدر از روز نیمه شد بی نظم تر شده سلیمان
پاشا در باب این جنگ راپورت ذیل را به اسلامبول فرستاد

سرکرده سپاه

سرکرده سپاه شقیا سلیمان نوری پاشا بتلگراف بمن خبر بی الاظهار
میکند که برای تقویت آن دسته قشونیکه دیروز مأمور طاش کسن کرده بودیم یحیی پاشا را با سه فوج و چهار
باطالیون پیاده و دو عراده توپ روانه شد در ابتدا عساکر با دشمن محصور ساختند که تا قریه بنگی منهزم شود در آنجا
روسها در پناه سنگرهائیکه پشت قریه برپا کرده بودند رفته و با سربازان لشکری که در آنجا بود منضم شده تجدید جدال کردند
و جنگ خیلی سخت شده اگر چه عساکر سلطانی با کمال رشادت بر سنگرهای دشمن حمله ور شدند نتوانستند
از عهده او برآیند و عاقبت بواسطه مدی بوا که مقتضی اعمال نظامی شود بجای خود معاودت کردند و لشکر دشمن
حلکه عبارتست از دوازده باطالیون پیاده و دو فوج سواره و یک باطری توپ کوهستانی در کوهستان
طاش کسن یعنی باطالیون تخمین شده
روز دوم سلیمان پاشا این خبر دیگر را به اسلامبول فرستاد بنا بر راپورت دوکتر قمنداس بیک
سرتیپ و قراسکو طاش که تازه از سنگر قمرلی وارد شده اند اردوی سپاهیکه در این لشکرگاه اقامت
داشت بعد از جنگیکه دیروز از روی تقریر خالد بیک بلوبائی عرض کردم شروع بسمت ایرلدی عقب نشسته امروز
در سپیده دم شش باطالیون پیاده و چهار عراده توپ سرکرده گی کریم پاشا در جلو سپاه جسیم که مرکب بود از سی و چهار باطالیون
پیاده و شانزده عراده توپ روانه شد این جنگ تا شام بطول انجامید و برای عقب نشستن قشون قمرلی ساعت
کافی گرد و در کار دیگر پیشامی که از پس قراول واقع شد نیز عقب نشست و سپاه ایرلدی محو گردید در این
عقب نشینی از رکاب فرو تقریبا شش صد نفر در کار از رفت دو در کار دوای سپاه قمرلی هیچ چیز از دست ندادند
زیرا که بر اول جنگ نکردند دشمن تلفات فراوان یافت
روز اول و دوم ژانویه روسها از ترکان تعاقب کردند و در سیم این تعاقب منتهی شده بتسخیر بطرلسنو

و ژنرال گورکو چنین مناسب دید که من با قرار بگذاریم که این حرکت مطابق دلخواه من نشد من بخواستم که ستون
ژنرال داندویل که از کوهستان فرود آمده رو به پطرلشو گذارد تا راه هزیمت دشمن را قطع کنند و از طرف
دیگر هم دو بریگاد از تومان سواره خاصه [illegible] از چرکس کوی به [illegible] رفتند و خود را بعقبه دشمن برسانند
تا از کنار بر دشمن حمله ور شوند ولی این فقره فصل موافق و از یکطرف راه ورود من با ژنرال داندویل تو سطح راه
پیچ و خمی بود لهذا دستورالعملها و فرمانهای من به این برگرده خیلی دیر رسید و از طرف دیگر سواره در اثر [illegible]
و جاده [illegible] سختی کردند که نتوانستند ضبط کرده و از برای آن استماع پیدا شد که خدمت مرجوعه بخود را انجام
دهند بنابراین بمواقع از دشمن تعاقب نشد مگر در راه واحدی همیشه از عقب او رفتند و به او رسیدند و بعلاوه
بر این طبیعت [illegible] بلند زمین برای پس قراول مناسب داشت و ترکان که در آنجا ماندند پایداری کردند
توانستند عقب نشینند بدون آنکه خطر عظیمی که متضمن شکست فاحش [illegible] ایشان را تهدید کرد آید
روز دویم در وقت تعاقب جنگ [illegible] که با پس قراول کردید

لیوتنان ژنرال کاتالای فرمانفرمای تومان سیم افواج خاصه کشته شد و ژنرال [illegible] فیلوروف
بریگاد اول [illegible] تومان به زخم مهلکی برداشت [illegible] که ژنرال کاتالای [illegible] خود در جلو [illegible] که
در صف پیش قراول بود [illegible] پطرلیشو رسید ترکان [illegible] سنگر
تفنگ سختی کردند و مخصوصا [illegible] این امیرتومان را هدف ساختند اول قربانی این سلک ژنرال فیلوروف
و ثانی آن ژنرال کاتالای شد [illegible] نظام [illegible] باطالیون از
فوج ولهینی را ژنرال گوریف که به امارت آن تومان برقرار کرده پیش فرستاد که در ضلع [illegible] سنگرگاه را [illegible]
و این سختی ترکان را مجبور ساخت که طبل بازگشت فرو کوبند این جنگ یک ساعت طول کشید [illegible] بیش از

چندین اردوی

چندین اردو [illegible] گشته و زخمی نشد شاکر پاشا در باب این جنگ راپورت ذیل را به سلطان فرستاد
من به شما اظهار داشته بودم که با تومان اول اجتماع داده و در قریه پطرلیش
شدم فردای روز ورود ما به قریه مزبوره که دویم ژانویه بود روسها شروع کردند که از طرف پطرلیش با
باطالیون پیاده و دو فوج سواره و دو باطری توپخانه سبک با حمله ور شوند تا منع بازگشت اما نتوانستند چیزی
امیر تومان با بریگادهای مصطفی [illegible] پاشا [illegible] که در اماکن [illegible] جاهای [illegible]
از روی [illegible] آمده دست بجدال و قتال بردند دشمن در اول حمله خواست [illegible] خطری وارد [illegible] شود ولی از شدت
حرکت [illegible] خطرهای دیگر [illegible] که از آن جمله [illegible] آن بود که پیاده نظام خود را [illegible] قلعه کوه [illegible] بسیار
بلندی که در نظر [illegible] المسلک بود [illegible] و آن کوه در خط مدافعه [illegible] واقع بود و دو دسته از باطالیون اول
نیزه که تمام با کمال جرئت و [illegible] جلادت جنگ کرده بودند دشمن مجبور ساختند که اکثر آنکه [illegible]
در تصرف آورده بودند ترک کنند باطالیون اول نیزه که عاقبت الامر مجبور شده بود دست از تصرف
نخستین [illegible] دو قدری پائین [illegible] دیگر [illegible] آهسته بود و در آنجا [illegible] متعاقب [illegible] در این
باب چون دید که نمی تواند [illegible] دشمن را از پیش [illegible] دسته [illegible]
خود [illegible] اسماکو فرستاد تا در جناح [illegible] و چون از این حرکت مقصود [illegible] نشد [illegible]
[illegible] که ما در آنجا بودیم [illegible] توقف [illegible] باطالیونهای برانکله و قره حصار را که مامور [illegible] ضلع [illegible] بودند
پیش فرستادند [illegible] تهدید شده [illegible] سواره که [illegible] بریگادهای
شکری پاشا و محمد پاشا [illegible] با کمال [illegible] حمایت صف دوم جناح [illegible] آمده بودند چون دیدند
که از حرکت دوری دشمن بواسطه تصرف نقاطی که [illegible] اول او بود آسوده شده ایم برگشته [illegible]

که منظور کلی ما آن است که عقب نشینی خود را زرنگ کنیم و از طرف دیگر هم هیچ راه مساعدی برای حرکت نیست
توپخانه فیما بین قریتین پطرشیس را طلب نمود معهذا از راهی که بقریه توپ‌ترال میکند رود شانه رو
اطلونی حرکت کردیم چون راهها بسیار بد بود و توپخانه کذاختن یخ زمین راه رفتن تقریبا امتناع داشت
ناچار شدیم برابر آب فرود اطراق کنیم و امکان پذیر نشد بدانیم چرا دشمن جرئت نکرد قدم دیگر که از
ماری زرنگ صبح تمام توپخانه‌های ما سالما وارد اطلوکنی گردیده و دسته عساکر ما مشغول سنگربندی نقاط
منظوره جهت مدافعه که باید حفظ کنیم میباشند آخر

در جنگهای عدیده از روسی و کیم و سایر با نهم ژانویه هزار روسی و پنجهزار لشکر روس از پا درآمدند و در روز اول
ژانویه در ساعت شش بعد از نصف شب تمام عساکر اردوی جمعی ژنرال لیوشان ابردن کردو در حوالی ملتفت
شدند که ترکان عرب‌قاق را ترک کرده‌اند یکدفعه از اماکن متصرفی خود فرود آمدند و تمام سنگرهای
آنجا را در تصرف آوردند و همان روز در کردن کمارتسا استقرار یافتند و بعد از تصرف قریه دولنی
کمارتسی بلاواسطه با توپ سیم پیاده نظام خاصه مجاور کردیدند و ستون ژنرال داندویل روز دوم ژانویه
از کوهسار پایین آمدند و سلانتزا را متصرف شده از ترکان که بجانب رحم‌لی منهزم بودند تعاقب کرد
در هنگامیکه این امور در شرق طاش‌کسن

روی میداد در ستون ژنرال ولیامینوف که مشتمل بود بر پنج باطالیون از فوج پیراد یامیف و دو رکاد
قراول ژنرال جوربن و چهار عراده توپ از باطری دوم و دو توپ از باطری پنجم توپخانه سواره خاصه از روسی و
کیم و سایر بسمت کورنی بوکارو رفت و فورا آنجا را سنگربندی کرد و فردای آن روز این دسته قشون
و چهار یورش یکدسته سپاه ترک شد که از صوفیا بیرون آمده بود و دوازده تا پانزده باطالیون پیاده و شش

بانزده عراده

باشی عراده توپ داشت ترکان چون از پل دولنی بوکارو گذشته در برابر جناح یسار لشکرگاه روس
پراکنده شده و کوشیدند بر آنکه جناح یمین آن لشکرگاه را منعطف کنند و چون قشون برابر خود را ضعیف دیدند
حرکت کرده سنگها سخت تنگ نمودند پس از آن روسها بر ایشان صد قدم بجا گذارده سپاه حمله ور شده و
سنگ تفنگ کردیده و فورا روی برگردانیده خسران روسها در این معرکه دویست و چهل و سه تن کشته و زخمی
بود روز دوم ژانویه ژنرال گورکو تمام توپخانه اول پیاده خاصه را با
فوج کزلف و در رکاد شاسور خاصه بالجانب صوفیا حرکت داد و فوج سمنوسکی و فوج شاسور خاصه
چون توپخانه را کمک نکردند که از کوهستان فرود آید فردای آن روز براه افتادند و ستون ژنرال رشن
در ساعت بعد از نصف شب دوم ژانویه از طاش‌کسن بیرون آمده و طرف عصر به پل بریوشینه
رسید که نزدیک قریه ورجبا بر روی ایسکر زده بودند این پل را تقریبا سه باطالیون پیاده و شش صد سواره ترک در
تصرف داشت و پیاده ترک در خندقهای کوچکی که در طرفین پل حفر کرده بودند جای داشت ژنرال رشن
خواست قبل از آنکه شب در رسد پل را فورا در تصرف آورد و برای این کار اول باطالیونهای اول و دوم و چهارم
شاسور خاصه را از خیابان روانه کرد و باطری ششم رکاد سیم توپخانه خاصه را حامی آنها قرار داد باطالیون
اول شاسور علیحضرت امپراطور با ژنرال پرابرازنسکی بطرف چپ روانه شد و شاهزاده الونسکی فرمان
یافت که کداری پیدا کند تا از روی یخ رودخانه عبور کنند و فورا در ضلع یسار ترکان حمله ور شود و فوج ایسمعلوسکی
و بقیه توپخانه در خیابان ماندند که بجای ذخیره باشند

آن دسته که از خیابان بیاید باطالیون اول شاسور خاصه روانه سلطنتی بالنصف اول فرستاده و دو باطالیون
دیگر در صف ثانی واقع شدند باطری که در عقب آنها بود به هزار و یکصد ذرع فاصله از پل رسید و میدان گرفت

و پس از اندک زمانی باطری سیم ریکابادا اول توپخانه بمیره بردند که فوراً استحکامات یسار سوار رفت و از
دو هزار ذرع فاصله آتش خود گشودند ترکان نیز جواب توپخانه را گفتند و گلوله ترکان نشان
سرم شد که قوه دارند تحمل را نگاهداری کنند ولی در همان تنگه‌ایکه در پشت صف یورش برای تخ
و تفنگ رد و بدل میشد ستون تحرک میره برای عبور از رودخانه جای مناسبی پیدا کرد و با وجود عدم
استعداد و استحکام یخ آب حل آسیر رود رفت و قشون ترکان دیدند روسها با خطوط آب قسمت را
آتش زدند و جنگلهای ... اکنبند اماشا سوریه‌ای خانه داده به هر طوری زودی آتش برای خود نیستن
کردند شب ستون در نزدیکی قریه ورادنیا که ترکان در حین هزیمت آتش زده بودند اطراق
کردند

روز سیم ژانویه ژنرال گورکو تفتیشی از سنگربندیهای ترکان کرد و دانست که روی تمام آن سنگرها شرق
است دقت آنها زیاد است ولی از طرف شمال هیچ سنگری ساخته نشده بلکه جنوب
سوق الجیشی از آنجا داشته‌اند سردار کل حکم کرد که ژنرال دلیامنیوف بقریه کومانیستا رفته روز پنجم
ژانویه پس از آنکه تمام سپاهیکه لازم بود جمع شدند شروع بیورش نمودند بقدریکه روسها در سر
ترکان پیدا شدند این گروه مجبور شدند که از سنگرهای صوفیا کوچیده و از راه کوستانتیل فرار
کنند در یکی از فصول سابقه مذکور داشتیم که شهر صوفیا بحقیقه چندین روز بود خالی شده بود سپاهیان
روز چهارم صبح زود ملتفت هزیمت و عقب نشستن ترکان شدند و فوراً عساکر آنها وارد شهر گردیدند
ژنرال گورکو منیسید راه کوستانتیل از اول تا آخر پر از عرابه‌ها که در عراده‌ای حمل و نقل میشدند یا پیاده
خود را میکشانیدند و تنگه بالای قندی تقریباً از این مدت نجات مسدود شده بود

این جنگها بقدری سخت بود که استراحت قشون بمرکز
شد ژنرال گورکو سواران خود را در خانه‌های صاحب جای داد و چند روزی کار مغالطه را به تأخیر انداخت
کار هنوز با تمام نرسیده بود و اگر ترکان دل خود را نباخته بودند و باز ایستادگی میکردند سرباز در برف موانع عظیمه خطرناک
بودند اما ستونهای متحرک رابطه عساکر بودند و بواسطه شبیخونهای تهورآمیز راه عمده سپاه را باز نگه میداشتند
ما بعد از این بار دیگر به داستان سپاه ژنرال گورکو خواهیم آمد حالا باید بمیره عساکر روس بردیم با از تنگه
دیگر بالکان سر در آوریم

مطلب دوّیم

لیوشان ژنرال کارتسف سردار سپاه لوارشلوی در برابر یکی از تنگه‌های معتبر بالکان واقع شده
بود یعنی تنگه ترژان که با تنگه شیپکا فاصله کمی داشت تصرف این تنگه برای روسها فایده عظیم داشت
زیرا که اگر این حدود بالکان را مالک میشدند اگر به بینه تکیه میکردند میتوانستند دست ژنرال گورکو
بدهند و لشکر سلیمان پاشا را که میخواستند نگاهبان شوند و در برابر افواج خاصه با بیداری کنند مجبور نمایند
که زودی عقب بنشینند و اگر بمیره متمایل میشدند از عقب ترکان ابواجمعی ولیل پاشا که راه جلو شیپکا
را ژنرال رادتسکی بسته بودند حمله ور شدند لهذا آنان از ورود عساکر روس فرمانداد در پیش حرکت
کنند روز سی دکیم دسامبر حکم صادر شد سپاهیان در استعداد تنگه از کوهها بالا روند و این حرکت
جابستی تا چهارم ژانویه بانجام رسد

اردوی قشون ابواجمعی ژنرال کارتسف عبارت بود از عساکر ذیل

پیاده نظام

فوج نهم انگیری قدیم بالتمامه مشتمل بر پانزده دسته

دسته پنجم و ششم صف و دو دسته دویم بهادران و باطالیون سیم فوج دهم انگیری جدید از باطالیون

باطالیون دهم بهادران مشتمل بر چهار دسته یکدسته از باطالیون

ششم مهندس من حیث المجموع بیست و هشت دسته

سواره

فوج سی ام قزاق دن بالتمامه مشتمل بر شش دسته چهار دسته و نیم از فوج بیست و چهارم

قزاق دن حاصل جمع آنها ده دسته و نیم

توپخانه

باطریهای اول و سیم و پنجم بریگاد سیم توپخانه که بیست و چهار عراده توپ داشتند ولی اسبهای باطری

سیم که مرکب از شش عراده توپ نمره ۹ بود مأمور بعبور از گردنه شده و باقی در لوارش ماندند

چون بنای لشکرکشی روز چهارم ژانویه بود سه روز

بیشتر نمانده برای آنکه سپاه را جمع آوری کنند در اینکه تقریباً عبور برابر باشد رسم نمانده دو روز را

با اسباب حمل و نقل حاضر سازند آذوقه وغیره و تدارکات را آماده کنند لهذا برای اینکه وقت را غنیمت شمارند

و حرکت هم سهل تر شود اردو را به سه پله تقسیم کرده اند که هر یک عبارت شدند از اجزای ذیل

پله اول باطالیون دهم بهادران با دسته مهندس که از لوارش حرکت کنند

دو دسته از فوج نهم

دو دسته از فوج نهم پیاده که متوقف شاستیر بودند

دو دسته از فوج سیم قزاق دن در ترزان

دسته ششم همان فوج که از استرت آمده بودند من حیث المجموع هفت دسته پیاده دو دسته سواره از قزاق نیز

باطری کامل نیز عباسی با تبرداران از محل اجتماع عساکر حرکت کنند و هر خیل از

قشون دو توپ در کوهستان همراه خود داشته باشند

پله دویم هشت دسته از فوج نهم پیاده که مقیم سلوی بودند و دسته پنجم فوج سی ام از قزاق

پله سیم یک باطالیون از فوج نهم پیاده و شش دسته از فوج دهم که مقیم لوآز بودند

با یکدسته و نیم از فوج بیست و چهارم سوار قزاق دن

علاوه بر این چون سپید نشسته ملاحظه به شیپکو رفتند و از آنجا قراول از یکی از فوج سی و چهارم قزاق

دن در کنار باغجان لی افتاده بودند و دو دسته از فوج دهم پیاده که در تنه بن بودند با دو دسته از فوج

بیست و چهارم و دو دسته از فوج سی ام قزاق دن که در ترزان سکونت داشتند بجانب شیپکو

شتافتند و این دسته سپاه کوچک که در تحت فرمان سوخملاف نایب سرهنگ بود بجای

ضلع سپاه پله اول محسوب میشد لهذا فرمان یافت که همان روز به شیپکو و کنار باغجانلی روانه

شود و بعد عقب تنگه رفته به کلیسو راجا بو سهار الفر بسته ولی از بدبختی اقوالی که در بودن راه باغجانلی

گفته بودند خیلی اغراق بود و سوخملاف نایب سرهنگ تمام روز را بیهوده صرف آن کرد که در میان

برف راهی پیدا کند و عاقبت پس از آنکه نزدیک بود سپاهیان او در برف تلف شوند

مجبور شد به سپاه گلی بی ملحق شود

بنا بر ترتیب حرکت باطالیونها میبایستی روز ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ ماه روسی سکابی یعنی محل اجتماع
لشکر وارد شوند و علی التوالی روز ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ حرکت کنند و از بانجان بالا رفته تنگه را
برای پله اول مصاف کردن روی داد زیرا که چون صنف واقع
شده بود میبایستی راه را به پیمایند و دشمن را دور کنند و مشقت بی نهایتی در حمل و نقل توپها بکشند این
پله در تحت فرمان سنوسکی نایب سرهنگ بود که فرمان داشت اگر راه از دشمن خالی باشد روز
چهارم ژانویه تنگه را تصرف کند و اگر چنین نباشد خیلی به احتیاط رفتار نماید و فراموش نکند
که منظور اصلی این حرکت است که با جنگ و گریز جلو لشکر ترک را که در برابر شیپکا جای دارد بگیرند
و بعد ما خواهیم دید که در این ایام ژنرال رادسکی در جلو تنگه شیپکا حرکت یورش ماسدی کرد
روز چهارم ژانویه در طلوع صبح پله اول حرکت کرد در جنگ
در جلو آن باطالیون دهم سالداران سیر رفت و در عقب آن دو توپ خود را میبردند یعنی آنها را باز داده
کرده در روی شانزده سر الاغ گذاشته با گاو میکشیدند و بقیه عساکر پیاده و قزاقها از عقب روان
بودند درجه سردی هوا در تمام روز به بیست درجه رسیده بود و هوا را ابر تلطیخ کرده فرا گرفته بود و برف قدر از
کوه بالا میرفتند آن به تبدیل یافته به سرما زیرا که مردم را از سرما میکشت توپها را حمل داشت کاکش و
یک دسته سرباز و یکدسته قزاق میکشیدند و سرداران ناچار بودند که راه را ذرع به ذرع بشکافند و سنگها را
دور کنند و درختها را چیده از ندو برف را روبیده و جاده را وسیع کنند باطالیون سالداران تقریبا
به سهولت دوازده هزار ذرع مسافت را که میبایست به پیمایند پیمود و قله را تصرف کرد ولی شب رسید
و ممکن نبود در روز هم یک عراده توپ به آنجا رسانید و بجان کندن های زیاد با همت دلیرانه آن گروه توپ

اول که در عصر فردای

اول که در عصر فردای آن روز به گردنه رسانید
سنوسکی نایب سرهنگ چون به ملاحظه یورشیکه در برابر گردنه شیپکا تدارک شده بود خیلی مضطرب
دید که اقلا قدری خیال دشمن را قبل از حمله متصرف کند و چون از جهه دیگر واهمه سوخملی نف نایب سرهنگ
را داشت که نبایستی آن طرف بانجان رسیده باشند و محتمل بود کارش سخت شود و شکست بزرگی منتج
میشود که حرکتش مخفی بماند شغل سر قلعه که مشرف بر راه بود و آنرا اسد و میاخت بپرد بردین
سرهنگ باطالیون دهم سالداران تکلیف کرد که تو بهار از دو دسته مهندس بگذارند و بقیه قشون آن پله
بر باطالیون او منتظم سازد و ناگهان بر سر آن قلعه بریزند سالداران تا دویست قدمی قلعه پیش رفتند ولی
دشمن آنها را دیده و از تمام اطراف آن قلعه چنان باران شدیدی از گلوله بر سر آنها بارید که کوشش آنها بی فایده
افتاد معهذا سالداران روی زمین خوابیدند و با وجود زحمت و مشقت فراوان بسر را تا صبح کردند
و نخواستند فرمان پای خود را عقب گذارند بعد پای آن پله قراولها را بر سر قلعه گذاشت و قشون را در جنگل
که نیم ورست فاصله داشت روز گردانید سالداران در این گیر و دار سی کشته و نه زخمی داشتند و لیکن با
در انعقاب از شیپکا راپرت و تلگراف به اسلامبول فرستاد
سرکرده کارلو الآن این خبر رسید که دشمن دیشب قصد حمله به تنگه ترژان نمود ولی رانده شده و بنابر قول
این سرکرده سپاه حمله و نظر بغار سنانش می آمدند چنانچه نوبت دیگر همچنین اتفاق افتاد برای اینکه
اطلاع کامل تر حاصل شود یکدسته تفنگ کش که مرکب از چرکس سواره بود روانه دهنه تنگه نمودیم اطلاعات
حاصله بسمع سرکار خواهد رسید   ایضا تاریخ ششم ژانویه
در تلگراف رمزی پنجم این ما عرض کردم که تفصیل جنگیرا که در تنگه ترژان واقع شد بعرض خواهیم داشت از

راپورت مسوطیکه از سرکرده کان کارلوا برای اینجانب رسیده مستفاد میشود که یک باطالیون از پیاده نظام
روس دو ساعت و نیم از شب رفته براولین قلعه ها که در لب رودخانه نکه ترژان واقع است یورش برده
جنگ تا نصف ساعت از شب رفته امتداد یافت و منتهی گردید بشکست دشمن که چاره بجز فرار ندیدند نعش از
روسها در حوالی قلعه بنظر رسیده ولی مه غلیظ مانع بود که از تمام زیان خصم مستحضر شویم از خبرهای حاصل شده بنا
بر اطلاعاتی که جاسوسان ما پیدا کرده اند دو باطالیون پیاده و یک فوج سواره روس که در دراز نکه ترژان
دیده میشوند که در شب ملی که در دو هزار قدمی نکه مزبور واقع است جای گرفته اند از این نکته اعتبار پیدا
خواهد کرد از تفتیشات روسها چنان بر آمد که قوت عظیمی
این عبارت از یک قلعه عمده که در روی تخته سنگ بر آمده بزرگی ساخته اند و سه لشکر دیگر برای
جاده های ترژان و ناستر برپا کرده اند که تا جاده ها در گردن با یکدیگر تقاطع مینمایند این سه لشکر با توسط خاکریز
با یکدیگر مربوط بوده اند و نیز از تفتیش معلوم شده که یورش از شب در لشکرگاه خالی از تهور نبوده و سبب
اتلاف نفوس زیادی میشد در روز پنجم و ششم را نوبه صرف جمع آوری اردو و مرمت و اصلاح راه و
سوار کردن توپها پیدا کردن جاده باشد سنوسکی که همیشه در گرفته مانده بود در نزد ال کارتیف را هم از
که بنابر اطلاعات جاسوسان میتوان قلعه دشمن را از طرف چپ بر گردانید و در کنار کارناری پایین رفت
با این خبر سردار کل سوخ میف نایب سرهنگ روانه داشت که از راه اطلاع پیدا کنند و او شبانه
روانه شده فرمان ذیل نقش صدور یافت
فردا سه پیه قشونیکه در گرفته در تحت فرمان کلونل کنتاتی شف احودان امپراطور و قصد از طلوع صبح تا
نیزه کردنه خواهند رفت در لشکرگاه دشمن با دو ستون یورش خواهند برد ستون میسره در زیر حکم

کلونل گرگف فرمانده فوج سی ام قزاغ عبارت خواهد بود از باطالیون دهم بهادران فوج دهم پیاده نظام و نیم
از فوج سی ام قزاغ دن و این ستون در شب محل توپخانه بسته میشود و از سیل طرف چپ جنگل پایین
خواهد رفت و میمنه دشمن را منعطف خواهد ساخت و اگر ممکن باشد در شب سر دشمن قریه کارنای را تصرف خواهد
کرد باطالیون دوم فوج نهم پیاده و شش دسته از فوج سی ام قزاغ و دسته چهارم و پنجم فوج بیست و چهارم
قزاغ در تحت فرمان کنتاتی شف اول ذخیره خواهند بود و بعد از آنکه این ستون میسره در حین اجرای
حرکت دوری خود رد داده از جلو بر قلعه دشمن حمله خواهند کرد وقتیکه این ستون دشمن را از لشکرگاه بیرون کرد
در کنار نکه و کارنای پایین خواهد رفت و بعد از آنکه تدارک آنرا دید که از حمله ما بیندیشد لشکر دشمن خود را
حفظ نماید و دسته هایکه اقلا هر یک دو دسته سواره داشته باشند بجانب کلسوری و کارلو خواهند فرستاد
و لسمت جنوب جاتوبها روانه خواهد کرد و دو دسته مهندس و دو تجات پنجم و ششم صف فوج دهم پیاده و دو
دسته سواره فوج بیست و چهارم قزاغ در اردو خواهند ماند و منتظر حکم خواهند بود چهار ساعت بعد از نصف شب
ستون میسره از جاده کوهستانی که ضعیف قابل العبور بود حرکت کرد و دشمن چنان بنظر آمد که اول از حرکت
دوری آن اطلاعی پیدا نکرد و لیکن بمحض بر آمدن روز توپخانه قلعه غریدن گرفت سه ساعت نظر مانده باطالیون
دوم فوج نهم را یورش بردند و بهادران پراکنده شده هر قسم میتوانستند برای خود پناهی پیدا کردند و یک
ساعت نظر مانده آتش از طرفین مشتعل بود و آنوقت فرمانده کل از کلونل کرکف در یافت خبر کرد
که حرکت دوری انجارا انجام داده و این صاحب منصب لشکرهای جلو کارناریرا در تصرف آورده لهذا توپخانه
فرمان یافت که بر سرعت تیر خود بیفزاید پس از توپ اندازی سخت باطالیون دوم فوج نهم با ستون اول
دسته های آن از دامنه سخت بالا رفتیم و در لشکر که روی تخته سنگ ساخته بودند معروف بود در آتش یان

عقاب بالا رفتند و بعضی از طلبان برعقب استادند و راه تکیه را پیش گرفتند تا راه هزیمت دشمن قطع
کنند کلونل تانیف دسته ششم قزاقان را به تعاقب ترکان فرستاد و تمام توپخانه را حکم کرد
بجانب تکیه و کارناری بایستی روند در حین ورود روسها این دو قریه ساکنین آنها را ایشان تیرخطا
کردند یک قزاق کشته و دیگری زخمی شده و قشون دو ستون بیکدیگر ملحق شده دخول نمودند کلونل
گرگف در کارناری دو چاریک طالیون تازه نفس ترک شده بود که از کارلو بامداد آمده بودند طالیان
بهادران روس با طالیون سیم فوج نهم این باطالیون ترک را انجا شکست دادند و بیرق او را با سه اسیر
گرفتند و بسیاری از سربازان او را کشتند و سرکرده او را با چهل نفر تابین اسیر کردند و در همان حین قزاقان
کلونل گرگف دور کارنابرا گرفته یک قافله آذوقه را که شتر و عراده بار داشت با خود آورده بودند
ر بیک پس از تسخیر و تصرف کارنای قزاقهای خود را به تعاقب ترکان که بدر رفته بود و راه کارلو را فرار
پیش گرفته بودند روانه داشت ترکان چون راه هزیمت خود را از اطراف توسط سواره روس مقطوع یافتند از کوه
بالکان گوجک پراکنده شدند در این فتح نمایان بیش از هفتاد و سه نفر از روسها کشته و زخمی نشد

مطلب سیم

دلیل پاشا که سردار سپاه مقیم قریه شیپکا بود در روز نهم ژانویه تلگرافی بدربار اسلامبول فرستاد
امروز بهوا ملایم و صاف شد لهذا ما بین لشکرگاه ما و معسکر دشمن جنگ توپخانه
روی داد و در این محاربه چون تیرها از روی مهارت خالی میشد به خصم خسران فراوان رسیدند و بعضی از تعمیرات
زنا و کشتگان تکیه قزاقها حمل و نقل میکردند به ثبوت رسید و غیر از این فقره ترد خود و دیگر امری نوقوع نرسید

رکاب زنانه

ترکان را مشکل بود که عنقریب در معرض یورش خواهد آمد
وطرح حرکت روسها هم واضح بود که ژنرال گورکو طی راه صوفیا و فیلی پلی و اندرنیوپل را مینمود در آن
حین ستونهای دیگر میبایستی از تنگهای مختلفه بالکان بالا روند و دیدیم که ژنرال کارتنف تنگه تروان را
تصرف کرد ژنرال رادتسکی نیز خیال داشت دری که در قریه شیپکا دارد در همان روز نجمی که دلیل پاشا
تلگرافی فرستاده بود را به اسلامبول فرستاد ژنرال رادتسکی عساکر خود را در دو نقطه جمع آوری کرد یعنی سپاه
ستون میسره را در پهلوی شاه زیک دلنودر رو و لشکر ستون میسره را در ترادونو مجتمع ساخت
ستون میمنه سرکرده کی ژنرال لیوتبان اسکو
بلف مرکب بود از توپمان سی و ششم پیاده نظام و باطالیونهای نهم و یازدهم و دوازدهم بهادران و
باطالیون ملعار ستانه و دو دسته از باطالیون چهارم مهندس و فوج نهم قزاق دن و یکدسته از
قزاق ادرال و یک باطری توپ کوهستانه و شش عراده توپ نمره ۴ که میبایستی با میرزا انگ کشند
ستون میسره سرکرده کی و تحت فرمان لیرطان
ژنرال سویاتوپلک میرسکی مشغل بود بر یک فوج از توپمان نهم پیاده و یک دو چهارم بهادران و توپمان
سی ام پیاده نظام و یکدسته از باطالیون پنجم مهندس و یک باطالیون ملعار ستلند و فوج بیست و سیم
قزاق دن و یک باطری توپ کوهستانه و دو باطری توپ صحرائی که میبایستی نیز با میرزا انگ کشند
توپمان چهاردهم پیاده نظام و فوج سی و پنجم بریانک و دو
دسته از باطالیون دویم مهندس در لشکرگاه شیپکا ماندند یک و دویم توپمان چهاردهم و یک باطالیون
از فوج بریانسک مامور بودند که پس از تصرف قریه شیپکا توسط ستونهای مامور با آنجا حرکت

از برابری پیش گیرند ژنرال رادوتسکی حرکت را به روز نهم قرار
داد زیرا که از آن روز تومان سی ام به ترانوو برسید و ستون اول صبح روز نهم از طرف کرده
سلب تی حرکت کرده بیاستی چهل و پنج ورس راه بپیماید تا از ترانوو گوزوو که منتها الیه میمنه
ترکان بود برسند ستون میمنه روز نهم طرف عصر شروع عظمت نهاد و از [illegible] تا به [illegible] ورس مسافت
بود از تولچی چای تا ایمتی که در اطراف الحان میسره ترکان بود که بیاستی بپیماید
بار حساب [illegible] آن روس اگر هوا [illegible] بود این دو ستون بیاستی عصر روز
هفتم ژانویه برابر حریف برسند و روز هشتم یورش بر برند چون ستون اول جمعی شاهزاده سویاتوپولک
میرسکی بیاستی دو برابر ستون میمنه راه بپیماید مامور بود که حرکت رود مرش برود و ژنرال اسکو
بلف بیاستی حرکت خود را تقسیمی منتظم کند که زودتر از عصر روز هفتم ژانویه آن طرف الحان برسد و
هر دو ستون بیاستی حرکت خود را جمعی دارند تا شاهزاده میرسکی در تصرف ماگلیش برای حفظ خود
از یورش دشمن از طرف هاس کیوی مطمئن باشد و همچنین ژنرال اسکوبلف در تصرف قراجه [illegible]
میسره ترک که خیلی نزدیک به اردوی ادمی شد این شود زیرا که فاصله لشکر او با ترکان بیش از پنج
ورس نبود حافظی جز کوه قراجه نداشت این دو ستون در
حین نزول از کوهستان بیاستی بر قریه شیپکا یورش بر برند یعنی ستون شاهزاده میرسکی از گوزوو
پیش رود و میسره سپاه خود را با ژنرال اسکوبلف مربوط سازد و ستون میمنه ایمتی از طرف شینوو
بیاید و با میمنه سپاه شاهزاده میرسکی مربوط شود
روز هشتم ستون میمنه که بر گردنه رسید شاهزاده سویاتوپولک میرسکی به [illegible] رسید و پیش

ورا اول خود

قرا اول خود را از این قریه به گردنه گوزوو فرستاد روز هشتم حرکت اتصال یافت و ژنرال اسکوبلف شروع
کرد که در جلگه فرود آید و قریه ایمتی را از روز گرفت و سپاه خود را در آنجا جمع آوری کرد و همان روز ستون
شاهزاده میرسکی با تمامه از دره توتنجا فرود آمد و با جنگ سخت قریتین کورنلی و دولنی گوزوو را تسخیر
ساخت و عصر آن روز ژنرال [illegible] روز شیتوکف با یک بریگاد از تومان سی ام به پیش قراولی فرستاده
شد و او روز قریه ماگلیش را تصرف کرد
این دو ستون در حین حرکت در کوهستان دچار مصاعب بسیار گران گردیدند جاده با برف [illegible] اقلا
شش ذرع برف داشت و برای اینکه راهی باز کنند مجبور بودند که تقریبا [illegible] خندق گودالی از برفهای روی [illegible] نمایند
و هر دو ستون مجبور شدند که دست از بردن توپهای چرخدار کشیدند و به توپهای کوهستانی قناعت نمایند
ژنرال رادتسکی که سر کرده کل حرکت با او بود در روز هشتم به کوه سین بیکلا رفت تا از آنجا حرکت هر دو ستون
را ملتفت باشد ترکان تمام عساکر و توپهای خود را زیرا که مدافعه
بود در لشکرگاه شیپکا گذارده بودند و چنین به نظر می آید که با انتظار رسیدن امداد بودند یا اینکه وقع جنبیدن
به ستونهای متحرک نمی گذاشتند و خیال می کردند که یورش اصلی در لشکرگاه شیپکا آورده خواهد شد دو
ساعت نظر باند از بین [illegible] در سین بیکلا رعد توپ آغاز بدین نهاد ژنرال رادتسکی منتظر ورود
شاهزاده میرسکی را درست [illegible] که روی به دشمن می رود و در ساعت چهار ستون او منبسط کرده
و بنای یورش نهاد و بجانب سنگرهای ترکان پیش رفت و جنگ خونریزی در گرفت و طرف [illegible] ظهر
حاضر شده با مور [illegible] سردار کل آمد و اظهار داشت که ژنرال اسکوبلف در عصر روز نهم [illegible] تمام
سپاهیان خود را به ایمتی که معهود بود رسانند و چون زودتر از روز هشتم نمی توانند عساکر خود را در [illegible]

جمع آوری کند منتظر دستور العمل است امیتی در تصرف فوج غازان بود و در دو فوج غازان و شورد ان کازا
از سنگرهای خود بیرون کرده تا شینوو پیش رفته بودند ژنرال رادتسکی برای ژنرال اسکوبلف فرمان
فرستاد که تمام سپاه خود را جمع آوری کند و صبح روز نهم بر سنگرهای دشمن حمله ور شود و در این حمله از
میمنه خود تکیه بر جلو کند و کوشش نماید که با ستون شاهزاده میرسکی که قبل از فرا گرفتن شب چهارشنبه را
در تصرف آورده بود و مربوط شود دسته فوج از توپخانه اول سواره را که مرد تخمینه به کاورو رسیده بودند از کوه
امیتی برای ژنرال اسکوبلف که از نزدیکی آنها مطلع شده بود فرستادند
تا خبر ژنرال اسکوبلف شاهزاده میرسکی را از مشقت سختی انداخته بود این
ستون به تنهائی تمام روز هشتم را جنگ کرده بود و بدون زیان جانی او گران شده ولی لشکر با سر از قورخانه
نقصان روی داد و مباشیبتی در صد و پنج فاصله سنگرهای دشمن مقیم باشند و الا در جنگ تصرفی از دست
رفت چون این خبر به ژنرال رادتسکی رسید مجبور گردید که طرح خود را تغییر دهد بدون اینکه منتظر شود که
متحرک قریه شیپکا را متصرف شوند عزم آن کرد که از رو به رو بر دشمن یورش برد تا خیال او را از طرف
خود منصرف کند و از این بابت عمل نوباب این سردار در طرفین بسته نظر گردد و چون حساب کرد که باید ژنرال
اسکوبلف چهار ساعت نظر مانده از شینوو حرکت کند و خط تقریبه شیپکا را رسد ساعت نزد یورش را
نظر انداخت پنج ساعت از نصف شب روز نهم گذشته ژنرال
رادتسکی صدای شلیک سختی از طرف سپاه شاهزاده میرسکی شنید و فهمید که ستون همیره او در جار یورش
شده از کوه مس بنگلا تو واسطه مه غلیظ هیچ خبر دیده نمی شد و چون ژنرال رادتسکی را امر استحکام
قشون شاهزاده میرسکی اعتمادی بود منتظر شد که سربازان خود را روانه کنند و از همه گذشته ژنرال

اسکوبلف از ژنرال

اسکوبلف نیز قریب الوصول بود و از سپاه او عنقریب محسوس یکی دیده و ژنرال اسکوبلف از نصف
ساعت بعد از نصف شب شروع به حمله نموده بود و شاسورهای فوج ولادیمیر خود را در شینوو ضلع سبز کان زده
بودند و با وجود بارش آتش جان گداز تپه‌های نزدیک قریه شیپکا را در تصرف آورده بودند و حال آنکه
آن تپه‌ها از سنگرها پوشیده شده بودند و ژنرال اسکوبلف پس از این پیشرفت کار دو فوج او غلیش غا
زاز را از ضلع یمین دشمن فرستاد این دو فوج پیش تاختند و ترکها را از خط خاکریز خود بیرون ساختند و تمام
سنگرها را در تصرف آوردند و در همان هنگام ژنرال اسکوبلف فوج ولادیمیر را عقب خصم فرستاد و
پنج دسته مغازه سنتایکه تفنگ کاریابودی داشتند سنگر اصلی را مسخر ساختند چون دلیل پیشرفت را و دیگر تاب
مقاومت دشمن نمانده بیرق سفید برافراشت
در اینمدت روسها یورش برابر را شروع کرده بودند و ژنرال رادتسکی در ساعت ... فرمان داده و
ترتیب حرکت از قرار بود که فوج پنجاه پیاده بود ولی مباشیبتی در حالتیکه سه دسته بهادران بعقوب چهار
دسته از باطالیون دوم آن فوج در جلو آن ... به سنگرهای دشمن تاخت آورد و باطالیونهای اول و سیم
این فوج پس از تصرف خاکریزهای طرف راست خیابان مباشیبتی ذخیره علاوه واسطه قشون تاخت رسیده شود و
کلونل دوخین سرکرده فوج پنجاه و پنجم سرکرده قشونی بود که از طرف خیابان جنگ میکرد
باطالیون اول فوج سی و پنجم بریانسک با دسته‌های اول و چهارم
خود ستون یورش تاخت را آماده ساخت که مباشیبتی از یک حد فیسک در نخچه سنگرها بود پیش برود
و سه دسته دیگر آن باطالیون ذخیره آنها باشند و باطالیون دوم فوج پنجاه و ششم ژیتومیر فرمان یافت که
در زمین گودالی که در طرف راست تخچه سنگرها بود حمله کند و ستون حمله او عبارت بود از دسته‌های پنجم

ششم و سایر دستههای ذخیره علاوه وسط آن شدند بالاخره باطالیونهای اول و سیم فوج پنجاه و ششم ذخیره
کل بودند که در پای کوه سن **نیکلا** در جلو باطری خمپاره سرکرده کلنل **باکف** متعهد شدند
یورش اصلی خبر از سمت خیابان کرنیخ ششم مرد و هولی
یکدیگر میتوانستند حرکت کنند امکان نداشت اما ستونهای تاخت بایستی خندقها و میلهای تنگ
سنگها را طی کنند میتوانستند باین جا آیند که از دستههای کوچک و منظورشان آن بود که از
بر سنگرهای ترک که کنار خیابان بودند حمله کنند و معین بر یورش اصلی شوند و پس از اینکه شصت قدم
راه پیموده مجبور شدند که وارد خیابان شوند تیرداران و دیوارهای سنگی را که مانع خروج از خیابان و با ریمار بودند
انداختند بعد از ربع ساعت دستهجات فوج **پودولی** خاکریز اول را مسخر داشتند و در همان هنگام آتش قراولان
از تیر و تفنگ او فرو چیدند خندق باند دشمن پس از تسخیر خندق اول در تصرف آمد ولی بسیاری طلات ک
رسیدند و تقریبا تمام آنهائیکه جان بسلامت برده بودند خندق در خط ثالث سنگربندی نعش آن
بر خاک افتاد و فرستادن امداد واجب شد باطالیون اول فوج **پودولی** و پس از آن باطالیون پنجم
فرستاده شدند و آتش دشمن بقدری طغیان داشت که چندین تن بمحض خروج از خندق بزمین افتادند
و پنجاه قدم اطراف از این سر تا آن سر خندق بواسطه نعشها مسدود شده بود و در آنوقت همراهی کلنل **باکف**
باطالیون اول فوج پنجاه و ششم که از ذخیره طلبیده شده بود رسید این لشکر تازه نفس توانستند در
خندقها پایداری کنند ولی در زیر آتش متقاطع دو خمپاره و تیرهای جان سوز تفنگ از جلو و دو باطری قیوز
از کنار اتفاع کلی داشت که نتوانستند پیش روند و مسیر بجای اینکه طرف شود چون رفته رفته غلیظ تر
می شد مانع از دیدن سپاهی که در خندقها جا داشتند نمی گذاشت منضبط شود و دود دشمن را کمتر اند

نمودند تیره

ستونهای تاخت که مأمور به تجاوز از ترکان بودند از خیابان سر در آوردند و بهمین عبابت دچار شدند
از این بریگاد هزار و هشتصد مرد تلف شد و نصف صاحب
منصب آن نیز از پا در آمد ولی احدی تمایلی کرد از اینکه در جلو خود بیست باطالیون پیاده و تمام توپخانه
دشمن را مشغول کرده حریف را در وضع بدی انداخت نزدیک بچهار ساعت بعد از ظهر آتش دشمن تخفیف
گردید و پس از اندک زمانی فرو نشست آنوقت ژنرال **اسکوبلف** پسر از ستون ژنرال **اسکوبلف**
پدر برای ژنرال **رادتسکی** خبر آورد که سپاه ترک سلاح جنگ فرو ریخت
چون وسیل پاشا از هر طرف خود را دچار حمله دید و هیچ راه بیرون رفتی
نیافت با چهل و یک باطالیون تسلیم شد و نود و سه عراده توپ و شش بیرق بچنگ روسها در آمد
فتح امروز کامل شد ولی بر روسها خسران فراوانی رسید و پنج هزار و چهارصد و شصت و پنج تن از پا درآمد که
میان آنها دو ژنرال بود

در تمام خط کوهستان بالخان راه عبور باز شد و روسها با کمال جرئت میتوانستند پیش آیند زیرا که
ترکان چون در هر طلایه مغلوب شدند و از هر طرف مورد
تخویف گردیدند نتوانستند مقاومت
درستی بکنند تمّم

فصل سیزدهم

فهرست

مطلب اول

فرمانفرمای کل عساکر جنوب پس از آنکه خبر نصرت از فتح نمایان نهم ژانویه را که منتهی بگرفتاری تن
ترک شده بود شنید بآن طرف کوهستان بالکان شتافت تا حرکت عموم سپاه را تعیین نماید
نواب گراندوک نیکلا روز هشتم ژانویه از توکب بیرون آمده و یازدهم به گابروا رسید و فردای
آن روز از بالکان عبور کرده و در روز دوازدهم طرف قزانلیک رسیده و در روز دهم ژانویه دستورالعملهای

جبل را نورد نمود

و نام اندکو نمود اولا اردوی مغرب به سرکرده گی ژنرال
گورکو ژنرال جوان در صورتیکه فیلیپ پوپلی را تصرف کند بجای ستون میمنه حرکت عمومی قشون
خواهد بود که بسمت اندرینوپل سرازیر شود و از هاس کیوئی در کنار رود میکا حرکت خواهد کرد و از طرف
جنوب خواهد گشت ثانیا سواره اردوی ژنرال لویتان
کارتسف در تحت فرمان ژنرال اسکوبلف اول درآمده و بسرعت از کارلو بسمت اندرینوپل
سرازیر شود و به اردوی مشرق دست امدادی دهد و بعد به سواره این اردو ملحق شده مطابق دستورالعمل گراندوک
دوک نیکلا در زیر حکم ما و واسطه ژنرال گورکو عمل خواهد کرد ثالثا پیاده نظام اردوی لویتان ژنرال
کارتسف بعد از درنگ از کارلو بیرون آمده پیش خواهد رفت تا هنگامیکه در فیلیپ پوپلی جریان حرب موقع
یابد حسب فرمان ژنرال گورکو که سرداری این اردو با او است راه ترکان را قطع کند پیاده ژنرال کارتسف در هر
حالت باید همیشه با مقدمه ستون قلب مربوط باشد رابعا مقدمه بخش ستون قلب به سرکرده گی
ژنرال اسکوبلف دوم بجانب اندرینوپل حرکت بکند در حالتیکه از اسکی زاگرا و ینی زاگرا خواهد گذشت و فورا
سه فوج قزاق اول سواره پیش خواهد فرستاد تا آنکه اسکی زاگرا و ینی زاگرا را تصرف نمایند و نقاط معبر
راه آهن ترنوو هرمانلی و جاهائیکه بروی ماریتزا زده اند تصرف خواهد کرد و سرکرده گی بریگاد اول سواره قزاقان
اول و کول به ژنرال ... اسکوبلف است که جزو قشون حاضر رکاب اعلیحضرت امپراطور است
خامسا روز چهاردهم ژانویه از گابروا عزیمت کند و هر ساعتی که ممکن است از کوهستان
بالکان بگذرد و در این بین از بالا رفتن و پائین آوردن توپخانه و بنه اردوی هشتم و قزاقان ... دوازدهم اردو
و متعلقات اردوی سردار کل امداد و معاونت نماید این ستون را در قزانلیک و قرار احوال ... کنند

جمع آوری کنند و در بکاد ربربکاد حرکت کنند و با طرقهای بربکاد شانزدهم و سی ام توپخانه را که از بالقان فرود
آمده اند با خود ببرد ساوث ستون هیرسبرگ که از رادتسکی
ترتیب سپاه و نظام مدارک کافیه برای سرعت عبور توپخانه و بنه در تنگه شیپکا مهیا نموده از راه
اسکی زاگرونیی زاگرا به یامبولی رود و از آنجا از طرف دره توبجا و واکو به اندرینوپل روانه شود و
اگر امکان پذیر باشد پیش قراول اردوی چهاردهم ثانیه حرکت کند تا هر قدر ممکن است یامبولی و ینی
زاگرا را از دود در تصرف آورد و سه فوج توپهای هشتم اردوی شرق با یک باطری توپخانه در حوالی ترنو در اخو
مبی لسکوفچی مجتمع شوند و فوراً از تنگه تواردیتسا در امتداد یامبولی و بالاتر در حرکت آیند تا با اردوی تیگه
متعلق اند به آن ملحق شوند سابعاً دسته ضلع میسره سرکرده که لوتنان
ژنرال باردن دلنک سپوس از بالقان در تنگه تواردیتسا عبور کنند و سلیونو و یامبولی را تصرف
این دسته ضلع بسیار مشکل است و اسباب ربط او است در تنگهای بالقان و جوار سلیمنو و علامات آن
ای دس مقرر است تا بتواند از اردوی ژنرال زیم مرمان دستگیری کند و علاوه بر این ستون بجانب
بورکاپس خواهد فرستاد و ژنرال رادتسکی فوج ارل را در یامبولی خواهد گذاشت تا عقبه اورا
بپوشاند تا اردوی ژنرال دلنک سس برسد و سه فوج توپهای بیست و چهارم پیاده پس از آنکه با
اسراء حرکت کردند از بالقان بگذرند و در سلیونو و یامبولی جمع شده جزو اردوی باردن دلنک
سس خواهند شد
ثامناً دستههای توپهای بیست و ششم که در ترنو میباشند باید متوقفاً دستههای توپهای یازدهم پیاده که
از عثمان بازار می آیند جای آنها را بگیرند تا قشنگه چرکهای بلغار ستانیکه مأمور همراهی اسرا میباشند بر آن جهت
نگهبانی

کنند تاسعاً دستجات مخصوصه با خود از قشون صفوف
ترنو مشخص شده اند که از برای عاران لیک همراهی کنند
عاشراً چند دسته مخصوص در شیپکا گذاشته شده اند تا آن تنگه را که ژنرال لشکارف سرکرده شده
است حفظ نمایند و همچنین معاونت و امداد توپخانه و بنه که از آنجا عبور میکنند بنمایند
حادی عشراً تمام قشون این طرف بالقان باستثنای اردوی ژنرال زیم مرمان احداث اردوی شرق
میکنند و در زیر حکم مطلق و عمومی نواب والا گراندوک ترارویچ میباشند و تمام این سپاه از راه
چوخ و رسگراد و اسکی جمعه و عثمان بازار حرکت خواهند کرد و کوشش اول آنها تصرف عثمان بازار
است و اگر ممکن باشد رسگراد را تصرف خواهند شد و در هر حالت سعی خواهند کرد که در خط مراوده راه آهن
چوخ و شوملا استقرار یابند ثانی عشراً آن عساکر که در ساحل
دانوب اند و نیز در تحت فرمان سردار شوفند مشهور در صف اول میشوند که هر وقت عبور ممکن شود در بکاد با
ملحق شوند با اردوی مخصوص خود که از آن طرف کوهستان بالقان رسیده
ثالث عشراً اردوی دانوب سفلی متعلق به ژنرال لیوتنان زیم مرمان بجانب حاجی اوغلو بازار حرکت
پیش رود و سعی کند اسمحل مستحصن را در تصرف آورد و راه آهن روچوخ و وارنا را خراب کند و به جهت
پراوادی پیشرفت سعی نماید که امدادی از اردوی لیوتنان ژنرال باردن دلنک سس نماید و سوار آن
ای دس و کرنباب روانه دارد برای آنکه جلو ضلع این خود را بپوشاند یک دسته مخصوص مأمور گردند
که قراول سلی نبری شود برای آنکه عقب و کنار خود در دو طرف دریا حفظ کند خط راه چرنودی و
کستنجه را با دستجات توپهای سی و ششم پیاده تصرف نماید

رابع عشر احکام صادره مجری دارند تا خطوط مراوده محفوظ باشد

خامس عشر در بوک قازانلیک یک اداره حکومت موقتی برقرار می‌کند که حاکم نظامی آن کلونل الیا

شویچ است که متعلق به اردوی اتامان عمومی است و سعی عمده این اداره مصروف آن خواهد بود که یک بار

دیدو یک تقسیمی از آذوقه‌جاتیکه ترکان در این نواحی گذاشته‌اند بکنند

در حینیکه نواب گراندوک نیکلا سردار کل عساکر روس لشکریان خود و دستورالعملهای مذکوره فوق را صادر او

ژنرال گورکو حرکت رو به پیش خود را تجدید کرد و پس از آنکه در چهارم ژانویه صوفیا را متصرف شد و پس از

آنکه سپاه ژنرال کرودنر از تعاقب ترکها که در عرب قوناق فراری کردند و شب کشیدند لشکر ژنرال

گورکو در حوالی صوفیا و طاشکسن و دره کامارلی و نزدیکی پطریشو و سلاتیتزا اردو زده بود پیش قراولان

سواره آنها در کنار خیابان در رادمیر برابر قریه ولادایه و در سماکو نزدیک چاردغلی و در اتیمان نزدیک

ژنو و در دره تونتیبرا نزدیک پومیران و در کنار خیابان غازان لیک در لازنا افتاده بودند

اما در باب وضع دشمن در اردوی سردار روس اطلاع داشتند

که اولاً قشون صوفیا دل خود را باخته با کمال بی‌نظمی در امتداد رادمیر عقب نشسته‌اند

ثانیاً لشکر عرب قوناق شاکر پاشا از راه پطریشو با امتداد پومیران وا[illegible] کرنجه بطرف خیابان

اتیمان و دراکلی در تصرف دسته بزرگی از سواران ترک است که گروهان یک یک تعارف قراول

مغارستان که در ارمانلی دره واقعند سیر فرستاد

رابعاً لشکرگاه سنگربندی شده قاپوچیک در بندهای تراشان در حفظ یک دسته از قشون پیاده نظام است

خاصه ترکان که با خیال در نظر دارند که از راه ساماکو بطرف تاتار بازارجیک فرار کنند

سادساً بملاحظه اینکه دره‌های کارسنا و مارتینا را بایکدیگر ملحق کنند راه بزرگی را که گذر

باشا اختیار خواهد کرد در حسب احتمال کلیه راه اطلوگنی خواهد بود

طرح ژنرال گورکو عبارت بود از اینکه کنداز قشون بزرگ صوفیا با سپاه عرب قوناق آن پیوسته شود و

طرح آن نتیجه بود که این قشون را مضمحل کند و باطالیونهای صوفیا را بسمت جنوب انداز و در صورت ضرورت امدادی

از عساکر یکه از تراشان و شیپکا پیدا شده کرده باشد لهذا عساکر اردوی مامور در ششم ژانویه به چند ستون

تقسیم شدند و مامورینهای ذیل بآنها داده شد

اولاً ستون ژنرال لیونتان و ولیامینوف مشتمل بر بیست باطالیون پیاده و دوازده دسته سواره

و دوازده عراده توپ و پیش قراول آن روز ششم از صوفیا بیرون رفته بود بایستی از طرف ساماکو حرکت کند

و این شهر را متصرف شود تا راه بزرگی که از رادمیر و دوبنیتزا از راه تا تاتار بازارجیک قطع کند تا ساخلوی

صوفیا را که از عساکر شاکر پاشا ملحق شوند و پس از انجام این خدمت قشون مزبور مامور بود از راه باتاپا

تاتار بازارجیک رود و اگر ترکان قصد آن داشته باشند از آنجا دفاع نمایند معین سپاه چون

در حمله که ژنرال شوالف ماموریت داشت لشکر ابو انجمی خود آن صدور برد

ثانیاً ستون [illegible] الف ژنرال مشتمل است بر سی باطالیون و شصت دسته و هشت عراده توپ

اسکادرون که روز دهم ژانویه نزدیک قریه دکارلی که در کنار خیابان صوفیا و فیلی پوپلی واقع بود جمع

شود و بایستی در عقب سپاه ژنرال ولیامینوف از راه اتیمان بسمت لشکرگاه قاپوچیک حرکت

نماید

ثالثاً ستون لیونتان ژنرال شیلد

شولدز مشتمل بر شش باطالیون و هشت عراده توپ که روز یازدهم در ماهو جمع آوری شده بود و پیش
قراولش به تیرود رفته بود و مامور بود که در برابر ضلع یمین و عقب لشکرگاه قاپوچیک جنگ کند و بدین طریق از یمین آن
کنت شوالف تقویت نماید رابعاً ستون لیونستان ژنرال
کرودنر مشتمل بر بیست و چهار باطالیون و پنجاه و هشت عراده توپ و شانزده اسکادرون که روز یازدهم در
داطولکنی جمع آوری شده بود و مامور بود که از طرف تاتار بازارجیک پیش رود و در صدد آن باشد که
عقب لشکرگاه قاپوچیک را تخویف نماید و اگر دشمن طبل بازگشت کوبد بر او حمله کند و از راه عقب
نشستن او را قطع سازد و پیاده این ستون که در عقب سواره در امتداد دره مارتیرا حرکت میکرد
روز دوازدهم ژانویه لشکرگاهی در کنار جنب بازار نماید که بتواند یا از عقب لشکر ترک در بند ترزان که سنگربندی شده
یورش برد یا اینکه اگر ترکان عقب نشینند در کنار ایشان حمله ور شود و علی ای حال در صورتیکه عساکر عثمانی
بر سر سواره ایشان بریزد برای حمایت و تقویت آن آماده باشد و سواره که عبارت بود از چهل و چهار اسکادرون
با بیست عراده توپ سواره حیات از دره مارتیرا بیرون رود و دو ستون ساخته در پشت قاپوچیک
جای گیرد تا راه بر قشون که نجات استمداد کرده مسدود گردد تا قدری آنجا معطل شوند که پیاده روس در رسد و در انها
بگیرد خامساً ستون کنت کماروسکی ژنرال مشتمل بر بیست باطالیون
و نیم و دوازده عراده توپ و دو دسته سواره قزاق از سلانتیرا بیرون رفته رو به زرحبیل و تکه کرده
و به اردوی ژنرال کارتسف ملحق شود چون بسواره
سر بستاد رسیده بود شهر سیفا در تصرف یک دسته قشون روس بود که در زیر حکم ژنرال اوزوروف ازلندی
مشتمل بر شش باطالیون و هشت عراده توپ پیاده و هشت اسکادرون و شش عراده توپ سواره بود

روز نهم ژانویه دو اسکادرون سواره نیزه دار خاصه را برای تفتیش جانب
سماکو روانه داشتند این سواره ما بین پوسنا پاسارل و قریه کالکو به چار زشمی قوی شدند و معلوم کردند
که در آنجا جمعیت زیادی از پیاده و سواره موجود است و فوج کوبان که فردای آن روز بهمان امتداد روانه شد
ناچار از بازگشت شد زیرا که دشمن در کالکو لشکرگاه محکمی داشت روز نهم ژانویه سواره تفتیش معلوم کرد که ترکان
بجانب جنوب رفتند بدون اینکه از سماکو عبور کرده باشند و همان روز بعد از اینکه جنگ سختی از توپ
و تفنگ فیما بین وکارلیه و شهر اتیمان روی داد مقدمه تجسس ستون روس بسر کرده گی کنت
پالن با یک یورش شدیدی باطالیون ترک را که در شهر بود بیرون کرده و آنرا تا رودخانه مونی توری
تعقیب کرد ولی در آنجا بواسطه دشمنیکه در خاکریز و خندق لشکرگاه قاپوچیک جای داشت متوقف گردید
و در ضلع ایسر ترکان بتدریج اماکن لشکرگاه خود را خالی میکردند در تاریخ ششم ژانویه پیش قراولان
روس یونی برن بیچ کا را تصرف کرده در دزنوال و شهر از را تلوکنی آمده بیچ کا حمله کرد و
منجر است غفلتا بر آنها بریزد ولی با خسران زیاد مغلوب شده اجرای احکام جنگ از ششم ژانویه شروع شد
ستون لیونستان ژنرال لیامنیوف روز هشتم به کالپو رسیده و بهار روز جنگی در چوبولیه که در آنجا دسته
ژنرال چرویین با دشمن تلاقی نموده بود در روی داد و این دسته قشون بواسطه حریفی که در دامنه کوه ساری
که بجای کلیدتنکه بود جای داشت متوقف گردیدند چها عت بعد از ورود لشکر ژنرال ولیامیوف
چون بواسطه عبور از کالکو خسته شده بود شب را اطراق کرد در شب این ستون از جانب سپاه
ترک استحضار حاصل کرد که عساکر برابر او در سماکو عبارتست از یازده هزار مرد و بیست و شش عراده توپ
و مرکب است از بعضی قشون که از سیفا آمده بودند و بعضی که از تاتار بازارجیک میرسیدند لکن سپاه

در دراکوچین و نوزلو که دو نبه دره لیسکر بودند لشکرگاههای معتبر داشتند و بواسطه این اطلاعات و مطابق
شرح جنگی که ریخته شده بود ژنرال ولیامینوف روز نهم بر عسکرهای دشمن یورش برد و یک دسته بسرکرده گی
ژنرال رادزیشوسکی روانه دره لیسکر نمود که پیاستی اغتشاش بر ده نظامی کنند و بر شانه لشکر دشمن حمله
کنند و در همان وقت دسته ژنرال چروین را به نوزلو فرستاده بود که راه بریت شهر از جنب تاریکزار
جنگ قطع کنند و دسته ژنرال رادزیشوسکی پس از تحمل مشقات گران در دلوکوچاپ مستحکم شده و
با ترکان رد و بدل تفنگ شروع نمود و دانش تفنگ تا پنج ساعت بعد از ظهر افروخته بود و از طرف ترکان که
چون بیکدیگر بواسطه پیاده نظام فشرده شده بودند در خاکریزهای آن قریه گریختند و جنگ تمام رسید و از
جنگ کشیدند که روسیه سپاهی شب آتاق را فراگرفت و در این جنگ مختصر کشید پنجاه تن از اردوی سپاهیان
روز دهم عساکر روس در برابر دشمن بیکار ماندند
با درآمدند
تا در باب طول ترکان که طلب شار کرده بودند از ژنرال گورکو جوابی نرسید و در روز یازدهم این دو ستون
بواسطه جاسوسان خود اطلاع یافتند که ترکان سماکو را با تنگه که حافظ آن بودند خالی کرده اند لهذا
پیش آمدند و شهر را در قریه سیباچ بسر بردند فردای آن روز سواره جلو ستون حاجت شد و آن ستون خود را
به تعاقب دشمن انداخت و در روز دوازدهم به باکنی رسید در تنگه سی و دو هزار ذرع مسافت را
در روی زمین پوشیده از یخ طی کرده بود و از کوه بالا رفته بود و در آنجا فوج فن لاد را دید که روز یازدهم
در خط تنگه بعد از کرخواهیم کرد از ایمان بیرون آمده بود ماری این ستون با وجود اینکه علامات از نبت
بی نظمی دشمن را از قبیل نعشهای جنگ شده و قورقون های خورد شده در راه دید ولی نتوانست او را
برسد روز سیزدهم را نیز به تعاقب دشمن بشتافت ولی بار سیاه رسید و پس از آنکه به قریه زیم جیا در

امد حکم نظامی

امد حکم نظامی جنگ برای روز چهاردهم برای او آمد
در اوقاتیکه ژنرال ولیامینوف بدین طریق پیش آمد عساکر کنت شوالف نیز شروع بحرکت کرده بودند
آنها نیز مانند پیاستی از دو رشته کوهسار عبور کنند که رشته دوم آنها از قدیم الایام معروف بدینه یا در سیرزن
بوده است و بسیار صعب العبور است سربالائی آن اگرچه کم است ولی خیلی سخت است و سرازیری آن در راه
تارمیرا بمراتب سخت تر است خاصه در صورتیکه راه چنانچه حالت حالیه است از یخ پوشیده شده باشد
و آن یخ شروع به گداختن کند خطر حرکت بسیار عظیم می شود
سواره پیش قراول کنت بالمن رسول چاپار مبشر فرستادند که پیاده و توپخانه را به آنها رسانند زیرا که کوههای
طویل از نبه و توپخانه و عساکر ترک تا الاتصال از سماکو تا بنید و از تنگه راه خیابان سماکو تا تارخنکب عبور نکنند
روز نهم رانوبه ستون ژنرال شوالف مشغول انجام حرکات نامبرده آن شدند و روز یازدهم پیش قراول
از تنگه ایمان عبور کرد و قصد آن داشت که شهر را در آن شهر بروز کند پس از آنکه به قلعه واکادول رسید استیلا
جباستی از نبه هزار ذرع راه که در کوهستان بکمال سختی داشت طی کنند و بار پیاده نظام مجبور
شد که توپها را از کوه بالا ببرد و در مدت حرکت این ستون کنت شوالف را از کنت بالمن چنین راپورت
دریافت نمود که او را از هزیمت ترکان بسمت خیابان سماکو و باکنی اطلاع میداد و اصرار میکرد در اسلام
است در باکنی جلو آنها را گرفت و علاوه بر این استحضار داد که دشمن لشکرگاه قاپوچیک را ترک کرده لهذا
کنت شوالف با وجود صعوبت مسالک با افواج خود به ایمان رفت و از آنجا بسمت قاپوچیک حرکت نمود
و فوج فن لاند خاصه را از راه قازان لیک و باکنی روانه داشت و با وجود کمال خستگی پیاده نظام بار شانزده
هزار ذرع راه را پیمود و توپخانه خود را در کوههای قاپوچیک با دوش بالا برد و در کاهی از شب گذشته آنجا را

متصرف گردید   سواره ابواجمعی کنت بالمن در همان تاریخ پس از
استماع تخلیه قاپوچی از اتیمان بیرون رفت ولی اشکالاتی که در عبور از کوهستان خاصه در چمن یکدل
در حوالی ویترنوا از روی زمین یخ بسته برا او روی داد بقدری زیاد بود که سواره آنها چهار ساعت بعد
شب مانده بقریه مزاره رسیده و توپخانه آنها صبح روز دیگر وارد شد و فوج فن لاد که روانه باکینی گردیده بود
و مجبور است در کوهستان یکطرف لشکر واقع شود که باکینی را هم در تصرف آورد تا دشمن را از عبور سنگه
منع نماید در آن تاریخ نتوانست بمحل مقصود برسد بلکه مجبور گردید در قلعه وسل تیرا توقف کند زیرا که شب
در رسیده بود و دلیلان فوج نیز راه گم کرده بود
سواره پیش قراول کنت بالمن پس از تصرف قریه وترنو دو دسته سوار از عقب تاتار بازارجک
و زیم چیبا روانه و دسته اول تا قریه باسول با ترکان ملاقات کرده و دسته ثانی تا اعلی العقبه قریه
سارامی تاخت نمود و چند تن اسیر گرفت که روسها را خبر دادند از اینکه یک ستون محکمی از قشون
ترک عنقریب از اطراف باکینی از تنگه عبور خواهند کرد و این ستون که مشتمل است بر پیاده و سواره و توپخانه از
ارسماکو می آید و کنت بالمن بواسطه راپورتیکه در شب پیش به او رسیده بود که دسته سواره از اسیر و هم
ژانویه فرستاد که در کوهستان نزدیک زیم چیبا در کمین بنشیند و این کمین کنندگان که عبارت بود
از دو اسکادرون از دراگون حاجی طرخان چیاستی را مابین اردوی ترکان گم کردند و اسکادرون دیگر نیز از راه باسول
بسمت تاتار بازارجک مامور گردیدند تا به قشون ترکی که ترک قاپوچیک گفته بودند برسند و ترکی یک
اسکادرون در عقب لترد روانه نمودند زیرا که ترکان از آنجا نیز از جلو سپاه ژنرال شیل دل شولدرز
کنت شوالف نیز در آنوقت از وضع انحصار باخبر
سنگر بخنید

براو گفتند

به او گفتند دسته سواره ضعیف که مامور بود اگرچه راه را بر ترکان گرفته اند ولی نمیتوانند ایشان را از حرکت ممانعت
نمایند زیرا که دو باطالیون پیاده حجاب جاخری برای عقب نشینی سپاه ترک شده ولی با وجود این جنرال
کنت شوالف از بابت خستگی که از طی دوازده هزار ذرع مسافت و عروج بر کوه قاپوچیک پیدا
کرده بود دو روز و ترز ارد و ساعت ظهر مانده براه افتاد معهذا در مدت برده ساعت بیست و یک هزار ذرع
مسافت فاصله تا وترنو را طی کرده بدون اینکه لمحه در هیچ محلی توقف کند و دیری از شب گذشته
بود که به این محل رسید   در این مدت قشونهای سپاه عثمانی
مشغول عقب نشینی بودند لهذا ژنرال گورکو به سپاه مقدمه فرمان داد که در کمال تعجیل پیش روند و چند
ساعت نشسته باشند و سه باطالیون از فوج خاصه مسکو که شش ساعت بعد از ظهر بوترنو رسیده بودند فوراً از آنجا
بیرون فرستاده و دو عراده توپ باطری سیم با خود بردند و از کوهستان عبور کرده بجانب زیم چیبا روانه شدند
و اندکی قبل چون کنت بالمن از حرکت پیاده نظام اطلاع یافت تمام سواره خود را بسمت باسول فرستاد
که در آنجا دو اسکادرون او با دشمن مشغول زد و خورد بودند و باطالیون چهارم فوج مسکو با باطری ششم سواره
قراغ دن ملافاصله در عقب سواره روانه شدند دشمن خود را در امتداد خیابان رسانده بود و سربازان فوج
مسکو کوشش میکردند به او برسند ولی اشکال بر اشکال و عایق بر عایق هستند می افزود سربالاییهای سخت
و ورود خانه های کوچک که مابین در آنها گدار پیدا کنند و آب نگر اینها مبادا مانع از تحصیل
مقصود بودند و محلی که اردوان سواره در تصرف آورده بودند رسیدند مگر آنکه پاسی از شب گذشته بود
روز شنبه دوم ژانویه ژنرال گورکو فشنجه به سپاه کنت
شوالف تفتیش نظامی مغربی در اصلاد تاتار بازارجک کرده و در همان حین به سواره کنت بالمن

حکم کرد از سمت لی بجانب چرنوکلو پیش روند و پیشقراولان کنت شوالف قراخاد سیلی جیف
تلمیک را تصرف نمودند در حینیکه بقیه سپاه در نزدیکی بابور استقرار یافتند و افواج فن لاند و
مسکو و یکبا طالیون از گرنادیه خاصه در کنار خیابان پایین باگیلی و تاتار بازارچیک بودند که
بعد با جزء عساکر ژنرال ولیامینوف شدند و این سردار و سرکرده سی و کهنه از وسیع مسافت راه از کوهستان
بسیار صعب المسلک طی کرده در ریم خیبا متوقف شده بود

ستونهای ژنرال شیل درشولدز و بارون گرودنز چون موقع خبر یافتند که ترکان اطلوکینی و با
کینی را تخلیه کرده اند نزدیک شدند و در سیزدهم ژانویه قریه دمینی بلیکی و فردا کلیا را متصرف شدند این
دو ستون بر باشند بنا براین مجبور شدند که توپهای خود را با دوش از کوهها عبور دهند ولی دچار جنگ
با دشمن نشدند روز یازدهم سواره آنها خودی بر دنباله ستون منهزم ترکان زد و در روز سیزدهم مقدمه
سرکرده که ژنرال کراسنوف شیر بدست قریه دمنس بکیار را منحرف ساخت و پیشتر تاخته قریه سرای را متصرف
شود و بجانب این پیش قراولان واثر در ان حاجی ترخان و دو عراده توپ ستونهای شیلدر شولدز و بارون
گرودنر و تمام سواره ژنرال لکد در ساحل سیر مار تیزا مجتمع شدند که در شمال و شمال شرقی تاتار بازارچیک جاریست

روز سیزدهم ژانویه وضع از این قرار بود

جزء اعظم عساکر ترک یعنی قشون ابواجمعی لشکر پاشا تاتار بازارچیک را تخلیه کرده بودند و تقریبا سی هزار نفر
در این شهر بودند بسیار از این باطالیونها از سماکو آمده بودند و حکم نظامی جنگ برای فردای آن روز صادر
شده بود   اولاً ستون بارون گرودنر فرمان یافت در طلیعه صبح حرکت کند و در چرنوگل از خیابان
سر در آورد و تعقیب دشمن رو نهد تا راه حرکت او در سمت فیلی پوپلی قطع نماید ثانیاً تمام سواری که در تحت ژنرال

ژنرال لکد

چرنوگل بودند مامور شدند که در جنوب شرقی دوکان کوینی از خیابان سر در آورند و مانع عقب نشینی دشمن نموده
او را معطل کنند تا ستونها برسند و علاوه بر این سواره مامور بودند که جاده ای آخالی را اشغال کنند و راه آهن و
سیم تلگراف را خراب کنند   ثالثاً ستون ژنرال شیلدر شولدز مامور بود که فیمابین فرتین بری و
مسلح کیونه حرکت کند   رابعاً ستون کنت شوالف که از بابول بجهت عقب ماندن بیرون آید
بیاستی طوری رفتار کند که بر شمال تاتار بازارچیک را احاطه نماید و برابر شهر جزء یک نظامی ضعیفی بگذارد
خامساً ستون ژنرال ولیامینوف که بواسطه دو فوج مسکو و فیلاند تقویت یافته بود بیاستی از
اسکی کرادجوخ کرادشه و ریم خیبا بیرون رود و سعی کند از جنوب بر شهر احاطه نماید و اگر شهر را
خالی کنند ستون بارون گرودنر بیاستی خیابان را ترک نموده مستقیما بجانب چرپیل روانه شود و سواران
جاسوس که شب فرستاده بودند خبر آوردند که در شهر همهمه بزرگی است و با نقبهای مشتعله که دودشان
در نقاط مختلفه به آسمان میرود در رفته رفته در تزاید و سواره پیش قراول ترک بسمت شهر منعطف میشوند کنت
شوالف چند سوار در عقب ترکان فرستاد و بعد ستون خود را بلاواسطه بسمت تاتار بازارچیک حرکت
داد و آن ستون پس از درست کردن پل وارد آن شهر شد این ستون از وسط شهر عبور کرده توقف نمود
از طرف دیگر ستون ژنرال ولیامینوف که راه معهود را پیموده فرمان یافت که بلاواسطه به تاتار بازار
جیک بیاید و آن دو فوج خاصه را به ستون ژنرال شوالف برگرداند در این مدت دو دسته سواره
ژنرال کلد مشتمل بر چهارده اسکادرون و شش عراده توپ سواره از چرنوگل روانه شد و تاتار بازار
جیک نهاد و از کناره در آن کوه عبور کرده و فوج بیست و دو از خاصه را به دوکاه کمیونی فرستاد و
یکدسته سواره بسرکرده که کلونل کوالوسکی فرمانده فوج اژدران خاصه مشتمل بر شش اسکادرون و دو عراده

توپ از کورودوکیونی از راه چپرا بجانب فیلی پوپلی روانه شده و مأمور بود که راه آهن نزدیک شهر را
در تصرف آورد و سواره دسته اول چون خبر یافت که ترکان در کنار خیابان نمودار شده‌اند و علاوه بر
این بلغارستانیان او را مستحضر ساختند که دشمن تاتار بازارجیک خالی کرده و یک عده [illegible] مانده این آن
سر از خیابان بدر کرد و اثری از حریف ندید و سنجاقهای علیه منقش در کنار رود ماریتزا دورتر روانه شده
تا راه حقیقی هزیمت دشمن را پیدا کنند و چون پس از اندک زمانی سواره اطلاع یافت که تمام پیاده از
تاتار بازارجیک تجاوز نموده است روی به فیلی پوپلی نهاد و چندی نگذشت که سواره روس بجانب
مشاهده نمود که پیاده و سواره و توپخانه و بنه دشمن بحالت ستونهای طولانی از ساحل یمین ماریتزا
از دو راه حرکت میکنند یکی از راه آهن و دیگری از راهی که دور کوهها میگردد و ژنرال گورکو پس از آنکه
یک اسکادرون سواره هوسار را از اواکیوئی جدا کرد و بقیه سواره را حکم کرد یورتمه روی به فیلی پوپلی
گذارند سواره او با جمعی ژنرال کلد همینقدر که نزدیک رسید از طرف چپ صدای توپ شنید کلونل
کوانوسکی پس از آنکه چهار سوار از چپرا بیرون کرده بود از سمت شمال نزدیک شهر شده در نجا جای
سه باطالیون پیاده و سه عراده توپ نمایان شده بود سواره ماروین کلد با کمال تعجیل رو بشهر تاخت
و چندی نگذشت که تل فیلی پوپلی را در نظر آورد که چندین نقطه آن آتش گرفته بود و حال آنکه
ستونهای ترک بشکل صفوف غیر منقطعه اطراف رودخانه در حرکت بودند هر قدر سوار روس پیشتر میرسید فرار
سه ساعت و نیم بعد از ظهر داخل
آنها بی نظم تر می شد
آتش توپهائیکه روی تپه‌های فیلی پوپلی نصب کرده بودند بسته شد و چندین باطالیون پیاده که در کوچه
باغهای شمال شهر مقیم بودند در نزدیکی فیلی پوپلی نمودار گردیدند آنوقت سواره ایستاد با اژدران حاجی حسن

کلانتو

کاثر نوسلاف دو توپ خود را نصب کرده بودند و بطرف چپ منحرف شده تا با ستون کلونل کوانو
سکی متصل شود تا شهر را از سمت شرق مسخر نماید و راه آهن را در جائیکه به اندرنیوپل میرود در تصرف آورد ولی
در اینمحل پیشرفتش به قایق بسیار سخت گردید که تقریبا علاج پذیر نبود زیرا که در این مکان خیابان عبور عسکر از میان
زارهائی بشکل مربعهای کوچک بود و سطح آنها از زمین بالاتر بود و سواره در آنجا در زیر آتش سخت قپوزهای پیش عراده
توپ مشغول جنگ شده ولی پس از اندک زمانی مجبور بترک طرح خویش گشت و بالای خیابان رفت و چون
راه را در انقطاع قریه کستیکیوی تمام شده سواران رو باین قریه نهادند و شب آنجا رسیدند و در جلگان بزرگ شهر
خبر بیش فراوان نشستون را یا نگه داشتند و آنها عبارت بودند از شش اسکادرون از دراغون و دو عراده توپ
دسته کلونل کوالوسکی نیز چون در برابر خود دسته باطالیون پیاده ترک دید دسته
تقریبا ساریدر منحرف شده و چندین دسته بر جانوس سمت شرقی فیلی پوپلی روانه داشت که گداری پیدا کنند
و از رود ماریتزا عبور نماید و چون ژنرال شوالف بواسطه سواران خود اطلاع یافت که ستون تعاقب شده
ترکان در دینسکر و نگیرکیونی مرکب است از سواره و پیاده و خود را باطالیون دوم فوج مسکو را تمیلی دو
باطالیون ارگرنادیه خاصه را به سیرنیک روانه داشت و ژنرال شرر برک که سرکرده آنها بود فرمان داد که
هر دسته ترکان را قطع کنند و آنها را از طرف قاضی کیوی تعاقب نماید اما گنت شوالف راه خیابان را نگرفت
بود و هشت باطالیون و شانزده عراده توپ داشت و فشنگه ستون مزبور نزدیک به اداکیوخانی رسیدند سواران
جانوس از طرف رودخانه او را خبر دادند که چنین بنظر می آید که ترکان قصد آن دارند به اداکیوی پیاده و
انجار را تصرف کنند و جمعی از اهالی بلغارستان که از این قریه فرار کرده بودند و با تشناور رود گذشته بودند
مقالات جانوس را تصدیق کردند لهذا میبایستی بر حریف پیش دستی کرد و قریه را تصرف نمود

ژنرال کنت شوالف سپهدار کمک بر باطالیون اول و چهارم شاسورهای خاصه فرمان داد که از خیابان
بگذرند و از کد اررود خانه به آب زنند و قریه اداکیوئی را متصرف شوند رودخانه قدری یخ بسته بود بعضی
هم از نیش درجه زیر صفر مانده بود بهمینقدر که شاسورها بآنطرف رود رسیدند قریه مزبوره را تصرف کردند
و سایر باطالیونهای شاسور نیز متابعت ایشان نمود و فوج پاولوسکی و باطری توپخانه خاصه نیز از
عقب آنها رفتند ترکان دیگر پیش نرفتند بهمینقدر قناعت کردند که در برابر روسها تنگه متحرک بودند
در کنار خیابان صف جدال کشیدند رسیدن شب و خستگی سربازان که در مدت سی و شش ساعت ششهزار ذرع راه
مسافت طی کرده بودند مانع از اقدام بجنگ شد و قشون روس در شب چهاردهم ژانویه اماکن ذیل را
متصرف بودند   اولا سواره ژنرال گلد با یک پیش قراول
مرکب از نیم اسکادرون و دو عراده توپ به قریه ساری قدر بود و یک پیش قراول مشتمل بر شش اسکادرون
و دو عراده توپ در کنار خیابان در شرق حاجی علی درمن جای داشت و یک بجری از سواره جاکس
وجرچی از ساحل یسار مارتیزا تا خیابان چرپله و در فیلی پوپلی را احاطه نموده بود و عمده قوت او که چهارده
توپ بود در طرف کستنه کیوئی بود   ثانیا ستون کنت شوالف هشت
باطالیون و چهار عراده توپ و دو اسکادرون دیم در اداکیوئی و دوازده باطالیون با توپخانه در کنار خیابان
مابین اداکیوئی خان و تاتار بازارجیک و بریگاد اول دیویزیون اول پیاده نظام خاصه و قدری از سرداران
و فوج لیتوانی را با هفت باطری در کنار رود اکیموئی داشت   ثالثا ستون ژنرال ولیامینوف
مشتمل بر شش باطالیون و هفت دسته سواره و توپخانه نزدیک تاتار بازارجیک افتاده بود
رابعا ستون ژنرال شیلدر شولدنر مشتمل بر پنج باطالیون و چهار عراده توپ در دوکاکیوئی

جای داشت   خامسا ستون ژنرال بارون کروونر مشتمل بر
هیجده باطالیون و چهار اسکادرون و سی و شش عراده توپ در جلو پسن بود
سایر قشون بستثنای سواره و قدری از سواران کنت شوالف نقاط مسطوره فوق را متصرف بودند از اول
گورکو چند روز پیش از دهم ژانویه احکام آتیه را داده بود   اولا ستون ژنرال کروونر برای اینکه از ستون
کنت شوالف تقویت نماید از طرف خیابان فیلی پوپلی پیش بیاید تا اینکه راه فرار بر دشمن بسته شود و
با اینکه حمله کند تا اشکال اعمال حربی کنت شوالف کمتر شود   ثانیا ستون ژنرال شیلدر شولدنر
شش ساعت قبل از ظهر مانده شروع در حرکت کند و از راه خیابان بقریه حاجی علی درمن برسد
ثالثا ستون لیوشان ژنرال ولیامینوف سه ساعت از نیمه شب گذشته حرکت کرده از ساحل یمین رود
مارتیزا روانه شده به قریه ایورملیک واصل گردد   رابعا بالاخره سواره ژنرال گلد شهر
فیلی پوپلی را از سمت شمال احاطه کرده از سمت شرق آن جلو از رود مارتیزا بگذرد و هر قدر میتواند در حین عقب نشستن
دشمن صدمه برساند لشکرگاه ترکان در آنطرف رود ستاره نزدیک قریه قراطایر واقع و لشکرگاه
پیش قراول بود که بواسطه پرده نظامی ضعیفی جلو بر پیشرفت دشمن گرفته بود بنابراین ژنرال شوالف
پل فرستاد که با چهار عراده توپ بجانب قاضی کیوئی رود و بریگاد شاسور خاصه را مأمور کرد که با
ده عراده توپ رو براه آهن گذارد و فوج خاصه فنلاند را گفت راه خیابان را از دست ندهد و اگر ترکان
در قاضی کیوئی مکان دیگری اختیار کنند قریه اراناکیوئی را منزلگاه نمایند و از مارتیزا بگذرد تا بعد از کنار جبهه
دشمن حمله ور شود بریگاد اول لشکر دویم پیاده خاصه که ذخیره باشد و از راه خیابان بسمت فیلی پوپلی
روانه شود   هنوز عساکر روس تازه از قریه اداکیوئی بیرون رفته بودند که

مشاهده کردم ستونهای قوی از سپاه ترک از قراء ورمن و قراطایف و قاضی کیوئی بیرون آمده و
به فیلی پوپلی نهاده اند فوراً یکی از باطریهای خاصه استقرار یافته و آتش خود را گشود ترکان ایستادند
وصف قتال آراستند و در میان قراطایر و ورمن با من ساختند و چهار ساعت نظرباز جنگ در
گرفت و در همان ساعت صفوف عدیده عساکر عثمانی از قریه قرادرمن بیرون آمدند و در تحت حمایت
سواره واقع شدند و این ستون چنین نیز در صف جدال در آمد و آتش تیر تفنگ به جانب دشمن فوج
پل و پشاسور با تکیه گرباد و بهای خاصه ضمیمه آنها شده بود ندافروختند و این پشاسور را از کنت شوالف
فرمان یافتند که اماکن برابر قرادرمن را تصرف کنند

اما با زور روس نمی توانست در یک مکان مساعد بسیار خوب قراطایر سیم با طالیون ترک را ماتع غراو
توپ پیشاهد کنند و علاوه بر این سواره ژنرال کلد سرد از کل را خبر دادند که ستونهای ترک از فیلی پوپلی
بیرون آمدند و در استعداد مرکوب مجتمع می شوند ژنرال شوالف فوج مسکو را فرمان داد که اداکلیوئی را از
مارتیزا گذرند و باشند قشون ذخیره مسکن گیرند و این فرمان نزدیک خطر به انجام رسید در بکاد اول تومان
اول پیاده نظام خاصه را فرمود که در خیابان اداکیوئی خان بایستد و منتظر حکم مجدد باشد
ترکان تیرباران سختی پیشگرفتند و روسها در کمال مواظبت جواب ایشان را گفتند و قصد
یورش نکردند و کنت شوالف عزم آن کرده بود که منتظر ورود سپاه ژنرال ولیامینوف باشد که
میلیستی در کنار لشکرگاه ترک که بر کوهستان تکیه کرده بود حمله کند
در بکاد اول تومان اول پیاده نظام افواج خاصه که از خیابان حرکت میکرد نزدیک خط
دچار آتش توپ و تفنگ دشمن گردید که از ضلع یمین دشمن از آن طرف رود مارتیزا خالی میشد و چون

شاهزاده الدنبورک

شاهزاده الدنبورک صدای توپ و تفنگ از طرف لشکر کنت شوالف شنید عزم خود را جزم کرد و بکمک
از او امداد کند و خیابان را که دف بودن تیر دشمن بیرون آورد و در بکاد این شاهزاده از طرف یمین
عساکر کنت شوالف پیش دوید و باطریهای خود را نصب کرد و صف قتال آراست در حالیکه فوج براب
رشکی ضلع یسار و فوج سموسکی ضلع یمین او واقع شدند پیاده نظام پیش آمد و به رود مارتیزا رسید و در آنجا نظم
صف طهران و علاوه بر روی زمین خوابیده آتش تفنگ خود را در برابر دشمن که ما بین قریه قاضی کیوئی و مارتیزا مشغول بود
افروختند و این بکاد خیال دشمن را بسمت خود مصروف داشت و قشون کنت شوالف را مهلت آسایش داد
در این مدت سواره ابوالحجی ژنرال بارون کراسنوف جنگ کنان به جانب
در ربه فیلی پوپلی پیش گرفت و در وقتیکه پیاده عثمانیه به شکل ستونهای عبد جانب کوهستان در حرکت بودند
و توپخانه ترک مشغول در بالای تپه های شهر تمکن داشت و چون ژنرال گورکو از این وضع اطلاع یافت کوشش کرد
که سپاه خود را از رود در منبط و گشوده بسازد و به ژنرال کرودنر و کنت شوالف فرمان فرستاد که در رسیدن
به فیلی پوپلی جهد کنند و نیم ساعت نظرباز مانده تومان سیم افواج خاصه پیاده نظام در برابر این شهر گسترده
شده بودند و سرکرده آنها لیوتنان ژنرال داندویل محض اینکه سواره این ستون اماکن نظامی جلو شهر را
در تصرف آورده بود حکم کرد که پیاده آن از سمت شمال شرقی بر شهر یورش برند و فوج فنلاند نیم ساعت بعد از ظهر
در خیابان در سمت قریه ایرانلی رسیده بود فرمان یافت که دست از راه خیابان کشیده و از رود
مارتیزا آب بزند تا راه را بر ستونهای سپاه بزرگ که از قاضی کیوئی می آمدند ببندند و این گدار چون
رود خانه یکصد و هفتاد ذرع بود و عمق آن یک ذرع و علاوه بر این اشکالات آب رود خانه قطعات یخ بزرگ
یخ همراه می آورد و چون دسته های اول فوج فنلاند داخل رود خانه شدند ترکان تگرگ گلوله بر سر آنها

رنجیدند و قصد آن کردند که بر قریه که فوج فنلاند آنها را از آن بیرون کردند یورش برند و چون ژنرال گورکو
مجانست عبور از رود از سهل تر و سریعتر بود اسبهای صاحب منصبان خرامی به حاملین احکام خود را و فوج
فنلاند واگذار کرده و آن وقت عبور بانجام رسید و چهار ساعت بعد از ظهر فوج فنلاند قریه ایران لی را متصرف
شده دو باطری توپ که همراه ستون سپاه بود اول از فوج مزبور بتوپ و حمایت کرده و بعد خواهیم از آن
گذشت و تا هزار ذرع فاصله شهر نزدیک شد و چهار ساعت بعد از ظهر چون کنت شوالف بانتظار وصول
عساکر ژنرال ولیامینوف که دیر رسیده بود بواسطه نزدیکی شب و بیم آنکه مبادا همه سپاه او در مکان جاری از ظلمت یا
نماید عزم خود را در یورش بقریه قراطایر جزم کرده و فوج پل مأمور باین خدمت شد و سرکرده گی ژنرال ات
تر از رود ستاره گذشت در صورتیکه در زیر آتش پیاده و توپخانه پس قراول ترک واقع بود و باید که زنجیر
دشمن را از آن دهکده بیرون کرده و سوار را غیر اکه در تلال جول و حوش قراول بودند منهزم ساخت و لی شب در
رسید و جنگ فرو نشست در بکاد فراغ قفقاز که سر صف ستون سپاه ژنرال لیامینوف بود بعرصه میدان
جنگ رسید و در عقب دشمن منهزم تاخت اما خود سپاه ستون ژنرال ولیامینوف عصر آن بمکان ... رسید
و شب را در قراطایر در جنوب شرقی قاضی کیوی بسر برد و چون یورش فوج فنلاند بسر کرده گی کلونل
شمید تقریباً در حالی توقف بود که فوج پل و قراطایر حمله کرده بود و کلونل شمید دو باطالیون و هشت عراده توپ
در قریه ایران لی گذاشت و دو باطالیون دیگر خود را بضلع ایمن ارکان که در شب دوار آهن قراولی در ... شد روانه
روانه کرد فوج فنلاند در جاده عوایق سخت شد و چون مجبور بود که از سنگلاخ ... پیش رود که محصور حرف
تیر دشمن بودند قبل از ظلمت شب نتوانست رسید و تصرف کند مگر بعضی از نهرهای آسیا برا که در یکصد و بیست
ذرع فاصله خاکریز راه آهن واقع بودند مختصر آنکه روسها به ارکان رسیدند و آنها را مجبور ساختند که از آن دست

کشیدند و فرمان

کشیدند و قوت خود را در مدافعه بکار برند و برای روسها این فتح اعتبار کامل داشت و این دفعه حریف مجبور
بود که جنگ آخری پیش کرد و از محاربات سابقه برتری روسها بقدری واضح شده بود که فتح این جنگ را بر حریف شبهه
نمی رفت و سابقاً مذکور داشتیم که تومان سیم پیاده نظام افواج خاصه نزدیک ظهر به فیلی پوپلی رسیده بود و چندین
نقطه این شهر را آتش زده بود و پل آنجا نیز طعمه آتش شده بود مقدمة الجیش تا کوچه باغهای شهر پیش رفته و آنها را
تصرف شده بود و لی چون بکنار رود ماریتزا رسیدند بواسطه فقدان پل از توقف ناچار شدند و دشمن از طرف
رودخانه بر آنها تیر تفنگ و توپ پی‌درپی می انداخت لهذا تومان سیم پیاده در جستجوی گذاری بر آمد که از آب گذرد و مایه
سهولت عبور باشد فراهم آورد و ستون ابواجمعی ژنرال شیلدرشولدنر پنج ساعت بعد از ظهر بارتفاع
قریه ایران لی رسیدند و فوراً به آب زدند و اسبهای یک کادرون از کادرون خاصه و فوج نیزه داران
توک را برای گذشتن از آب بکار بردند و این ستون کارهای متعلقه بعبور را دو ساعت بعد از نیمه شب بانجام
رسانیدند — سواره ژنرال گلد در پانزدهم ژانویه دستجاتی مأمور کرده بود که از قشون
ژنرال کارتسف و ژنرال اسکوبلف امداد کنند و خود با حرکت سریعی بقریتین برفیل کیوی و مالو کیوی
رسید و ربکاد سیم تومان دوم پیاده حاضر این تومان بود در حالتیکه به کاستنک کیوی برفت مختصر آنکه سپاه
روس در شب شانزدهم ژانویه در ساحل ایمن رود ماریتزا نقاط منفصله آتیه را متصرف شدند اولاً قشون
ژنرال شوالف و ژنرال ولیامینوف که بیست و سه باطالیون بودند در قراطایر و قاضی کیوی فرود آمدند
ثانیاً لشکر ابواجمعی ژنرال شیلدرشولدنر که ده باطالیون داشت در قریه ایران لی در آمده بود
ثالثاً در زیر مدینه فیلی پوپلی عساکر ژنرال کرودنر و ربکاد اول تومان اول که بیست و چهار باطالیون
بودند جای گرفتند — رابعاً غیر از ربکاد فراغ قفقاز و فوج ... نیزه داران توک که خود سپاه ژنرال

ولیامینوف بودند لهذا بسواره هجده اسکادرون در نزدیکی فیلی پوپلی در شرق خیابانی که به چرپلی میرفت
افتاده بود و شانزده اسکادرون در نزدیکی محلی که رود قیوپ داخل مارتیزا میشود فرود آمده بود

ژنرال گورکو برای روز شانزدهم ژانویه احکام آتیه را صادر نمود

اولا کنت شوالف صبح بسیار زود تجدید محاربه با دشمن نماید ثانیا ژنرال شیلدرشولدنر در اول بامداد از طرف
باب حرکت کند تا از عقبه دشمن یورش ببرد ثالثا ژنرال داندویل گرود و شهر فیلی پوپلی را تصرف نموده
راه هزیمت را از طرف شرق بر ترکان قطع کند

شبانه یک اسکادرون از دراگون خاصه اسب فیلی پوپلی را انسداد رود مارتیزا فرستادند و از مشاهده این
سوار که در کوچهای شهر نمودار شدند و تا هیجان راه آهن رسیدند ترکان مبهوت گردیدند و پس از شلیک مختصر
نقطه فرار کردند و از ساعت شهر فیلی پوپلی به روسها تعلق گرفت روز شانزدهم ژنرال گورکو وارد قلعه شد
و معمارستان را برای ساختن پلها و تدارک کالاهای حمل و نقل سپاه بآن طرف رود برگزیدند باطالیون سوم که
شب پیش آمده بودند مشغول ساختن پل چوبی شدند و یک کناری برای عبور در چهار فرسخ از دیگر شهر پیدا
کردند و دو بریگاد و توپخانه دویم سواره شده و بریگادها از گلها و پل چوبی که ساخته شده و لیکن که باید کار را انجام رسانیده
تازه شروع شده بود و ژنرال شوالف چون اطلاع یافت که ترکان لشکرگاه قانی کیوی را تخلیه کرده اند قشون ابوالجیش
خود را بسه ستون کرده پیش فرستاد و ستون میسره را ژنرال لیس اول سپرد و او از آن رود عبور کرده و راه آهن را تصرف کرد
و ستون قلب را سرکرده که ژنرال استراه غزلت اروا ایورملیک را پیش گرفت و ستون میمنه بسرداری ژنرال ولیا
مینوف راه پیاده رو کوه را پیموده و این ستون خبر مأمور بود که در جلو سایر ستونها حرکت کند و اگر ترکان
خواهند حفظ اماکن متصرفی خود را بکنند ضلع ایسر آنها را منعطف سازد و یک سمت نظر باید ستون میسره در جلو درمان

دره در برابر

دره در برابر متوقف شدند و بواسطه تفاضل عدت و قوت با کمال جرئت آتش توپ و تفنگ خود را بر ایشان گرد
و پس از اندک زمانی در روی تپهها جماعت کثیر منظمی از عساکر عثمانی پیش آمدند و بجانب مدافعین لشکرگاه درمان
دره صفوف جدال آراسته که بر ضلع و عقب سپاه روس حمله ور شوند شلیک پیاده نظام ترک خیلی سخت و سریع
بود و لیکن تقریبا تمام گلولهای او بهدر میرفت و حال آنکه طلایه روس چون با سنگر خوب در دشت چنان قراول رفت
که یورش خطائی شد و دشمن هر نوبت بکمال جلادت یورش آورده و هر نوبت توپخانه سی و
کم روس او را پس نشاند جنگ شش ساعت بعد از ظهر تمام رسید و ترکان طبیعی را گرفتند و کوه قلعه
بسیاری از ایشان در معرکه قتال بخاک هلاک افتاده بودند این یورش ترکان چون حرکت عموم روسها را بجانب
فیلی پوپلی تعویق انداخت چندان بی اثر نشد و کنت شوالف چون یک ساعت بعد از ظهر اطلاع یافت که ترکان
درمان دره را تصرف کرده اند و یقین است که قصد آن دارند که از این راه روسها یورش ببرند لهذا به ژنرال شیلدر
شولدنر که از ایران به عقبه ترکان حرکت بکند تکلیف نمود که از راه کمات روی به کوهستان نهاده و قسمتی از قشون
تیزاده مارکو روانه شود و ستونهای ابوالجیش خود را فرمود که در محل ایورملک شکور گسترده شود و روی بطرف
درمان دره باشد و یک باطالیون دیگری در شش ساعت بعد از ظهر از ژنرال ولیامینوف رسید که شهر ایوبش
دشمن بود لهذا کنت شوالف قشون امداد توپخانه سی و دو کم پیاده روانه داشت و فوج یسکو فرمان یافت که از
توپ حرکت کند چون بدیهی بود که لشکر فراوان از ترکان در کوهستان موجود است این بود که کنت شوالف فوج
گارد خاصه را بامداد ستون ابوالجیش ژنرال شیلدرشولدنر که با لشکر ضعیف تر بود فرستاد و در گار پکه
هشت باطالیون ژنرال ولیامینوف در درمان دره در برابر بیست باطالیون ترک مشغول مجادله بود و ستون ژنرال
شیلدرشولدنر که تقریبا سیزده باطالیون میشد بر عقبه ترکان حمله ور بود و راه کمات مارکو را پیش گرفت و قسمتی

سپاه روس صاعقه توپ را بر سر ترکانیکه در سمت مشکور بودند می باریدند لشکرگان را مانع شدند

که لشکر ژنرال شیلدر شولدر بموقع بر جمات رسیده و با وجود کوشش فراوان در پی ارتب گذشته بود

به این قریه رسیدند مذکور داشتیم که صبح شانزدهم

ژان تپه برکاد مخلوط اردوان و بعد از آنها برکاد اول تومان سیم پیاده افواج خاصه که از اسبهای برکاد دویم

تومان دویم سواره خاصه سوار شده در چهار هزار ذرع فاصله از قیلی یولی از رود مارتیزا آب را زده و سوار

اردوان اول از رود گذشته و در حالتیکه ژنرال کراسنف در صف آنها روانه بود رو بشهر ستانی ماکی

نهادند و چون در چهار ساعت بعد از ظهر به قریه پاشامحله رسیدند جاسوسان روس خبر دادند که

ستونهای طویله پیاده ترک از چندین قریه بیرون آمده و بسمت استانی ماک میروند و بعضی از جواسیس دیگر خبر دادند

که قریه قراآغاج در تصرف جماعت کثیری از ترکان بوده اند برکاد اردوان بسمت راست منعطف شده

روی به قراآغاج نهاد و قدری به این قریه ماند شش عراده توپ سواره خود را نصب کرده گلولهای نخستین این

توپها طولی نکشید ستون سپاه ترک را که از قراآغاج پیش میآمدند گرفت و بسایر ستونها حرکت خود را تابع بودند که

یک نوع شلیک سخت تفنگ اردوان سواره را متوقف ساخت و جنگ بر حالت متوقفه پیدا گرد

ازدمانیکه برکاد اول تومان سیم پیاده در رسید و در بین و بسیار باطری توپ سواره گسترده شد فوج سیم اردوادن

حاجی طرخان را فرستادند که راه قراآغاج را به کلوکلس مسدود سازند و فوج چهارم اردوان کارژمیو

سلاف همین مقصود در سمت جاده قراآغاج به یلمس تیرزا روانه داشتند و شب در رسید برکاد اول

ضلع همین بسرکرده گی سردار کلونل ازنیتفن فرمانده فوج و ضلع بسرکرده گی کلونل کستیر و فرمانده طالیون

سرداری ژنرال کراسنوف روی براه قراآغاج پیش تاختند در حالتیکه سی چهار عراده توپ ترکان که در تپه نگی

انقریه نصب نموده

انقریه نصب نموده بودند بر سپاه حمله ور باران گلوله می باریدند علاوه بر این قشون مزبور چون در حوالی دهکده رسید

دچار شلیک سخت تفنگ ترکان گردید بمحض ژنرال اسکوگرسنوف قدری کمک برای زنجیر پیادگان طلایه

فرستاد و باقی را حکم یورش داد و دو دسته جات طالیون دویم پیش تاختند با وجود مقاومت ترکان از جان گذشته

یک باطری را که ده عراده توپ داشت و در طرف شرق نزدیک قراآغاج نصب کرده بودند تصرف نمودند و ترکان

چندین نوبت قصد باز گرفتن توپهای خود کردند ولی بمقصود خود نائل نشدند و در این هنگامه دسته جات طالیون

سیم که در عقب حرکت میکردند روی دو باطری دیگر تاختند و با وجود آتش تیر اندازی دلیری ترکان دست از جان

شسته توپها را گرفتند و داخل قریه شدند اما کن جنوب شرقی قریه جنگ روسها در نیامد مگر بعد از آنکه دو طالیون

ی اول و چهارم فوج امپراطور الکسیس بمدد رسیدند توقف از یورش سریع این دو طالیون

هر گونه دفاع و مقاومتی بر طرف شد و یک ساعت از شب گذشته جنگ بانجام رسید و سپاه منصور روس زخمداران

خود را از خاک بر داشتند و توپها نیز که از دشمن گرفته بودند در قریه پاشامحله بردند از دور ستونهای عدیده ترکها

دیدند که از سمت قریتین یلمس تیرزا و مارکو پیش میآمدند و از آتش فرو دادند که در آن استعداد در اردوی فرو خسته شده

بود ظاهر شد که در این نقطه قوت ترکان عظیم است و وضع خطرناک فوج بکه قریه قراآغاج را متصرف گردیده بود در فی

الحقیقه در وسط سپاه منهزم سلیمان پاشا واقع شده بود و ژنرال گراسنوف را مجبور ساخت که عساکر خود را

به قریه پاشامحله بر گردانیده و در قراآغاج پیش اردوی اسکادرون سواره اردوان گذاشتند

تلف شدگان برکاد دویم تومان سیم افواج خاصه در آن روز عبارت بود از دو صاحب منصب و

و دو سرباز مقتول و یازده صاحب منصب و یکصد و هشتاد سرباز مجروح و دو صاحب منصب و بیست سرباز کوفتگی پیدا کرده بودند و از

اردوان نیز سه تن مجروح گشته بود و این مخاصمه واقعا سخت ترین جنگ بود و چون روز چهاردهم ... ژنرال

داندویل از مقابله و تلاقی ژنرال کراسنوف با حریف استحضار یافته بود و بهمان سبب شب را با بریکاد دوم اولان
خود بامداد و بریکاد اول حرکت کرد ولی در عبور از رود معطل شد ولی روز هفدهم آن دو اسکادرون از دراگون و سپاهی
معتبر ترک که از پلس تیرا زور آورده بودند که روسها را بیرون کنند ناچار شدند که قریه قراآغاج را تخلیه نمایند و بریکاد
دوم پس از استماع این خبر روی بجانب قراآغاج نهاد و در حالتیکه فوج پطرزبورغ از طرف یسار و فوج ولهینی از سمت
یمین حرکت میکرد یکساعت بعد از ظهر محاربه سختی از توپخانه مابین دو دشمن که قریتین قراآغاج و پلس تیرا
بکمال استحکام متصرف بود واقع شد
صبح روز هفدهم ژنرال گورکو هر قدر سواره داشت برسم پیش سر کرده که ژنرال اسکوبلف اول با بریکاد اول
از دراگون ژنرال کراسنوف که مجموعاً شش اسکادرون و شش عراده توپ سواره می شدند مامور گردید که از
دور بر سر راه عقب نشینی دشمن از استانیماکی بسمت شرق بروند علاوه بر این سردار بریکاد اول نیز اولان پیاده
را برای امداد تومان دویم افواج خاصه روانه داشت و تومان دویم سواره خاصه را از راه پاپاسلی و دورتر در
امتداد رود مارتیزا فرستاد تا با سپاه ژنرال اسکوبلف دویم اتصال پیدا نمایند و تمام طرف فیلیپوپلی
استانیماکی و اندرینوپل در تصرف آوردند بنابراین جناح ایسر روسها که عبارت از بیست و یک باطالیون پیاده
و بیش از چهل اسکادرون سواره بود سر راه هزیمت سپاه سلیمان پاشا را گرفت گنت شوالف در میمنه با ارکان
محاربه بسیار عظیمی در پیش گرفت این سر کرده که در روز هفدهم از نوید احکام اکید سرا قشون ابو الجمیع خود داد
اولا ستون ژنرال شیلدر شولدنر مرکب بود از فوج گرنادیه و فوج فنلاند و باطالیون
دویم فوج خاصه مسکو و فوج هفدهم از خان ژل و فوج سی و یکم ولگدا و فوج نهم نیزه داران بوک
با یک باطری که من حیث المجموع چهارده باطالیون و چهار اسکادرون و شش عراده توپ بودند از انگرمانلند

ژرود تا در کوهستان یک سکانیرا فیما بین مارکو و پلس تیرا متصرف شود
ثانیا فوج پل و سه باطالیون از فوج مسکو و بریکاد وشانیور خاصه که یازده باطالیون می شدند در تحت
کیون بمانند و منتظر باشند چه پیش میآید   ثالثا ستون لیوتشان ژنرال
ولیامینوف مرکب از شش باطالیون و هشت دسته سواره و دوازده عراده توپ سواره در امتداد راه دهان
دره بارکو حرکت کنند و بهمان جاده که در پای کوه ممتد است پیش گیرند
منظور از این ترتیب سپاه آن بود که قشون سلیمان پاشا را احاطه کنند در صورتیکه روسها برای
این سپاه جز راههای پیاده رو کوهستان طرف جنوب را آزاد نگذاشته بودند و آنرا هم بهیچوجه برای توپخانه و سواره
صلاحیت عبور نداشتند و چون ستون ژنرال شیلدر شولدنر از اول طلوع در حرکت آمد در سه هزار ذرع فاصله
از قریه کمکات دچار آتش سوزان توپخانه دشمن شد که در لشکرگاه پلس تیرا و جیف لیک بوریت استقرار
داشت و این سر کرده فوج فنلاند را به پلس تیرا و فوج هفدهم از خان ژل را به جیف لیک بوریت فرستاد
و خود صفوف قتال خویش را پیش برد و سه باطالیون فوج مسکو با گرنادیه خاصه و فوج سی و یکم ولگدا و توپخانه
بودند و دشمنیکه در محاربه سبقت ورزیده بود بیست باطالیون پیاده و بیست عراده توپ داشت و درکان پس از
آنکه دو ساعت بعد از ظهر ماند آتش توپخانه و تفنگ خود را افروخته ترک دادند و روی بضلع یمین فوج از خان ژل
نهادند و در آنطرف مارکو سواره مامور شده و نیزه داران بوک که در عقب بجانب این قریه فرستاده شده بودند
خارج دهکده را در تصرف آورده بهادران و طلایه و سواره و افواج جلو دشمن را مجبور ساختند که عقب نشینند ولی
عساکر ترک جمع شدن در ضلع یمین فراغت نکردند و در ضلع یسار نیزه نهادند و ژنرال شیلدر شولدر گنت
شوالف را از جهتی سخت نزدیک برای نگاهداری ضلع ایسر یک باطالیون از فوج هفدهم و ولگدا

فرمود که با انطرف ضلع به صف قتال پیش برود و ژنرال شیلدر شولدنر را فرمان داد که از پیش رفتن باز ایستد
و منتظر ورود سپاه ژنرال واندویل شود آن وقت تقریبا دو ساعت بعد از ظهر بود و در آن ساعت تمکین جنگ
تنخی از توپخانه و یک شلیک بزرگ از پیاده در دو قریه قراآغاج که تومان سیم پیاده جنگ میکردند و در کرف واقع
ولهینی و گرنادیه خاصه پس از آنکه دو در بخیرهای جلایه سپاه ترک را گرفتند قصد یورش داشتند که از طرف
راست قریه مارکو ستونهای قویه ترک نمودار شدند که از بلس نیترا عبور میکردند و چون با ارتفاع رسیدند
رسیدند صفوف عدیده بسمت ضلع یمین فوج ولهینی روانه داشتند و بواسطه توپهای متعدده پیاده و
تقویت توپخانه در همان هنگام قریه بلس نیترا را متصرف گردیدند لیکن این فوج لشکر ترک را از حرکت باز داشت
و هر قدر از صف آن فوج نقصان یافت فورا بواسطه باطالیون از فوج لیتوانی و گرنادیه بی سر [illegible]
جاهای خالی را پر کردند و لیوتسان ژنرال واندویل پس از آنکه جلو ضلع یمین سپاه خود را پوشانید گرنادیه
چرنیو را امر به یورش نمود و گرنادیه ها چون بواسطه رخنههای سنگرها را به رفع عوائق جدیده در یورش
مردوماتی پیش رفتند و این سنگر را با نیزه بواسطه هرا و خندقهای فراوان برده شده بودند و باران گلوله ترکان
بر سر گرنادیها جیاریدیا بدوب قدمی در یکدیگر رسیدند و در چند سنگر ترک برابر ترک جا لی کردند و فریاد هورا بر کشیدند
دیابر نیزه بر سر دشمن بخشیدند ترکان شکست خوردند و فوج پادشاه پروس از ایشان عقب کرده تپه های اول کوه
سپوت داغ رسیده و در کنار بخیرای جلایه بیست و سه ساعت بعد از ظهر بواسطه ژنرال واندویل کشت شولف
از یورش قراآغاج اطلاع یافت ولی ژنرال شیلدر شولدنر مجبور شده بود که از حرکت باز ایستد لهذا ارکان
توانستند تومان سیم افواج پیاده خاصه را مستحکم کنند آن وقت به گرنادیه خاصه فوج ششم نیز در دار بوک و بعد
پیش سورای خاصه فرمان رسید که بجانب قریه مارکو حرکت کنند و در یک کار مخلوطی از فوج فلاند و هم

ارغالی در ترجمه

خانزل در تحت حکم ژنرال شیلدر شولدنر مامور شد که بجانب ترکانیکه در امتداد بلس نیترا حرکت میکردند حمله
ور شود و قلب سپاه نیز فرمان یافت که فعلا تیروی حمله کند و حرکت به پیش نگیرد و آن یک کار مخلوطی رودی براه افتاد
ور با دلگشت که فوج ارخانزل با دشمن دست بقبضه شد و از جلو خود بیرون کرد و آن فوج پس از آنکه از کوه
بالا رفت خود را بحلقه چیف لیک انداخت و دو توپخانه را مجبور ساخت قریه را تخلیه نماید و از دشمن جنوب
کوهستان از و تعاقب کرد

در عقب این حمله فوج هفدهم پیاده عساکر ژنرال ولیامینوف که تازه از راه رسیده بودند صف قتال آراستند
و در مابین صفوف فوج گرنادیه جای گرفتند و افواج نیژنا و تامبوو و یورژ مضبط گردیدند بخیرای محکم
و ما طربها نصب کردند که رو به کنار ترکانیکه تحصن داشتند در بالای تپه ها جا گیرند خالی میشدند و دشمن با عده از اتحی
خود را از دست نداد و مخصوصا توپخانه را در اماکن خود پایداری سخت کرد و سرباز ترک [illegible] با بیده لی
عاقبت بواسطه یورش فوج ارخانزل و حمله ستون ژنرال ولیامینوف که تومان سی و دوم پیاده بود و بجانب
مرکو و بلس نیترا و تسخیر قریه قراآغاج ترکان را از فرو کرفتن تطبیل بازگشت نا چار ساخت و فوج ارخانزل از
دشمن تعاقب نمود و صاحب منصب و سربازان از کوهها بالا رفتند در حالتیکه برف تا زانوی ایشان بود و با وجودیکه جنگجو
ششپور بازگشت کشیده شده تا به صفحه مسطح رسیدند و سعی چند دسته از فوج ارخانزل چهار اده توپ از ترکان
گرفتند و فوج فلاند که در میسره فوج ارخانزل پیش رفت کار را بر ترکان تنگ کرد و عصر آن روز را بست عراده توپ
از ایشان گرفته بود و بعد سیاهی شب نیز مقاتل را خاموش ساخت

در میسره ژنرال واندویل چهار ساعت بعد از ظهر سواره اسکوبلف پس از تصرف بلس نیترا یک ستون از
ترک مکشوف ساخت که از استانیماک میآمد و از قریه کوکلن میگذشت ولی فوج هشتم از دان حاجی طرخان

که ابتدای جنگ بود این بکان قراولی بکردند در سین بریکاد اول توپان اول خاصه که از فیلی پوپلی مأمور بود بسمت استانی
ماکی برفت امداد و یاری عساکر ترک را مجبور ساخت که رو بشهر مزبور منعطف شوند
تا تاریخ روز سیزدهم بسیار عظیم بودند نصف قشون سلیمان پاشا که در تحت فرمان خود
پاشا بود متفرق شده و این قشون صاحب چهل باطالیون سرباز پیاده دار بسیار خوبی بود و از همین بابت است که
روز نوزدهم و سیزدهم خیلی معتبر شد روسها چهل و هفت عراده توپ از دشمن گرفته بودند و تعداد تلف شدگان
بالنسبه کم بود و همان توپان سیم پیاده تحمل خسارت کرده و از دو صاحب منصب و چهل و دو سرباز بقتل آمده و شش صاحب
منصب و دویست و چهل و هشت سرباز جراحت یافته بودند و صاحب منصب و شش سرباز هم کوفتگی پیدا کرده و از
فوج سیزدهم ارخانژل دوازده سرباز کشته و یک صاحب منصب و شصت و هفت سرباز زخمی شده بود و در میان
سایر افواج قابل اعتنا نبود

روز شانزدهم ژانویه سواره ژنرال اسکوبلف که دوازده اسکادرون بود از پاشا محله بجانب استانی
ماکی رفت و بعد از آن بجانب پیسار منعطف شد تا بغازان لیک رود که در آنجا چهل باطالیون از لشکر عثمانیان
پاشا پس از شکست مأمن گزیده بودند و دو اسکادرون سواره با بریکاد اول توپان اول پیاده خاصه ...
رو به استانی ماکی استقرار یافتند و قراق قراولان بسمت نارچین در عقب ترکان فرستادند و توپان پنجم و سی و یکم
پیاده در قرا مغرب خیابان فیلی پوپلی و استانی ماکی استقرار یافتند و بریکاد قراق قفقاز را با فوج سیزدهم ...
بوک بکوهستان روانه داشتند تا قرار آن مساحت را از دشمن و گریخته سپاه عثمانی تنقیه نمایند و توپان دوم
خاصه با بریکاد شش سو بسمت فیلی پوپلی و توپان دوم سواره ... بطرف راه پاپاسلی کنار پاس کیوژ
رفتند تا راه هزیمت ترکان را که از غازان لیک میگریختند قطع کنند خلاصه توپان سیم پیاده ژنرال کارتسف

کشته از ترژان آمده بودند نیز از راه چریان بر ماس کیوژ رفتند و با وجود کمال سرعت هزیمت لشکر سلیمان
پاشا که سپاهی شبرا هم شکست شمرده بودند روز نوزدهم ژانویه روز دیگر قریه قراجی لر دچار سپاه روس شدند
سلیمان پاشا که در جنگ روز سیزدهم و قتال خونریز قرا اغاج
و ماس مزبور از استانی ماکی بود از راه تحتانلی بجانب ماس کیوژ طی طریق کرده بود و چهل باطالیون
پیاده با توپخانه متعلقه آنها که از فیلی پوپلی و تاتار بازارجیک برگشته همراه داشت چون این قشون روز بیستم
قریه قراجیلر رسید قدری اطراق کرد و پس از آن براه افتاد چون راه ... چهل عراده توپ را که در تحت حفظ پنج باطالیون
پیاده گذاشته بود که این توپخانه پس از تحمل زحمات عبور از کوهستان دیگر قادر بر حرکت نبود بیاری فوج سی ام
در سر گردنه کلونی گرفت که در صف سپاه روس بود روز نوزدهم ژانویه پاین دنباله ترک رسید و این فوج
مستحفظین توپخانه را شمشیری کردند و آنها اندک دفاعی نموده رو بفرار نهادند و بدین طریق چهل عراده توپ جنگی
فراغنها افتاده و سواره ژنرال اسکوبلف اول نیز بعد از تعاقب ترکان پیش کشیده و سیزده عراده توپ دیگر از
ایشان گرفت و چون ژنرال گورکو اطلاع یافت که لشکر ژنرال اسکوبلف دویم رو به ماس کیوژ و قریه
مصطفی پاشا رفته و دیگر عساکر خود پیش از سه روز در فیلی پوپلی مهلت آسایش نداد و در روز بیست و دویم ژانویه پیاده
نظام اردوی خود را از راه ماس کیوژ بجانب اندرینوپل روانه داشت

سواره که در تحت فرمان لیوشان ژنرال اسکوبلف دویم بودند باستثنای توپان دویم خاصه اندرینوپل
را در تصرف آورده بودند و ماموریت آتیه را داشتند بریکاد ژنرال ... گورکالف از راه نارچین در سمت جنوب
از دشمن تعاقب بکرد و بریکاد ژنرال چرنزلف راه قراجیلر و بستولی را که چهل باطالیون سلیمان پاشا در آنجا
مأمن گرفته بودند پیش گرفت و بریکاد مخلوط اژدران و نیزه داران بوکن استانی ماکی بیرون آمده و از

قره‌چلیر گذشته بسمت **دمیکا** روانه شد تا جلو طلیعه ابراهیم را بپوشانند
روز بیست و ششم ژانویه پیش قراولان ارکیاد اول توپخان اول افواج پیاده خاصه وارد **اندرنوپل** شده و
حالتیکه این شهر در تصرف توپخان اول سواره توپخان بیست و دوم پیاده و توپخان دوم سواره خاصه بود و پس از آنکه
تمام پیاده اردوی ژنرال **گورکو** که در راه بواسطه طغیان آب رودها و نبودن پل معطل شده بودند در **اندر**
پل جمع شدند و ژنرال **گورکو** جهت حفظ عقبه و امنیت اطراف این شهر که بواسطه اشرار اسباب تهوم ترک عثمانیان پیدا کرده
بود در **فیلی‌پوپلی** توپخان سی و یکم پیاده و فوج هشتم **هوسارکیو** را در زیر فرمان ژنرال **ویلیامینوف** گذارده بود و
اورا موقتا حاکم نظامی **فیلی‌پوپلی** نامیده بود
میان ستونها سواره که بعد از جنگهای اطراف شهر بتعاقب دشمن مامور کرده بودند ارکیاد قفقاز ژنرال **چروین** تفصیل
پیدا کرد اینکه مرکب از پنج اسکادرون قزاق بود در روز و ازدهم از **فیلی‌پوپلی** بسمت **هومورجیک** عازم گردید
در کوهستان دچار مصاعب عظیمه شدند و ناچار از یک راه پیاده روی که در اطراف تخته سنگهای سخت
بود روانه شدند و سرابالائیها و سرازیریهای راه بقدری صعب العبور بودند و از کنار پرتگاههای عمیق میگذشتند که از او
در پشت سر یکدیگر پیاده راه میرفتند و جلو اسبهای خود را گرفته بودند لهذا حرکت ستون خیلی بطی شده و خطوط
آنها بقدری دراز شد که چون سر قطار قزاق به بلندی قریه **ماکو** رسید دسته پس قراول آن ستون در **استانیماکی** بود
روز اول عراده‌ها پیش از ده هزار ذرع طی مسافت نکردند و ارکیاد در روز بیست و ششم به **بادلیکو** رسیده در جانب
چیلدر که ترکان در آنجا فرار کرده بودند روانه شد ولی پس از طی چهار هزار ذرع مسافت این ستون دچار باد و
برف سختی شده و مجبور گردید به **بادلیکو** برگردد زیرا که بلندیهای بلغارستان از چپو بودن راه امتناع کردند و چون این
فوج ژنرال **چروین** روز بیست و ششم دوباره رو براه نهاد و در دو هزار ذرع فاصله از قریه **چیلیار** بدشمن رسید ابتدا از قریه

قراولهای خودرا

قراولهای خود را حکم کرد از اسبان فرود آمدند و آنها را از راه کوه روانه کرد تا از کنار لشکرگاه ترک یورش برده
حمله ور شوند ترکان بر فرار اختیار کردند ژنرال **چروین** **چاپاک** از تصرف **اندرنوپل** اطلاع یافت و از نیمه شب که
در جلو او سه باطالیون ترک افتاده اند علاوه بر این سی و چهار هزار مرد داشتند عراده توپ **الیوردچی** با هزار مرد
با سواره در **هومورجیک** جمع آوری کرده اند و شب سی ام ژانویه بلغارستانیان او را استحضار دادند که تمام
دو هزار سوار ترک از **هومورجیک** از راه **اداکیوئی** بسمت **دره دره** که شهریست که راه **باسکیوی** از آن
میگذرد روانه شدند و این خبر سرکرده مشار الیه را مجبور ساخت که جلو خود را از سمت شرق بپوشاند
روز سی ام ژنرال **چروین** اسبهائیرا که وامانده بودند نگه دارد
استراحت لازم داشتند به **چاپاک** گذاشت و دو سنجاق جابوس به **ماشماقلی** در راس **سیلان** و دو
دسته به **دره دره** روانه کرد و این دو دسته فرمان یافتند که قریه مزبوره را تصرف کنند و هر قدر از ایشان ممکن
شود آن قریه را نگاهداری کنند تا خود او برسند اما سایر دسته‌ها را ژنرال خود بسمت جنوب حرکت داده و بقریه **بالاس**
رفت و ترکان را از آنجا بیرون کرد و عمده قشون آن ارکیاد مابین **بالاس** و **باشدیک** توقف شده و در روز سی و یکم
ژانویه بجانب **دره دره** روانه شد و پس از طی پنجاه هزار ذرع مسافت اگرچه در راه دچار باد و برف خیلی سختی گردید
یک ساعت از شب رفته به **دره دره** رسید و با سنجاق ارکیاد ملحق شده و روز اول فوریه تمام ارکیاد عزم **ادا**
کیوئی کرد روز ششم این ماه به **سودیتکا**

مطلب سیم

کوشش صعب تر و متمادی تر نصیب ژنرال **گورکو** بود چنانچه در ابتدای این فصل اشاره رفت اهتمام اکید
سایر ستونها بکار رفتند و میبایستی تقریبا بدون مقابله و مقاتله طی نمایند بنفعه حرکت آنها را از پیش برد

خواهیم کرد و سابقا گفتیم که سواره ژنرال اسکوبلف اول بجانب میمنه خود منعطف گردیده بود و با ژنرال گورکو
در محاربه برگشت داشت و وارد فیلیپوپلی شد و همچنین پیاده ژنرال کارتسف روز چهاردهم ژانویه از چرکو
ری بسمت قرابناغ پیش رفت و در شعبه‌های او وارد قرامصطفی ارشده با ژنرال گورکو ملحق شدند

ستون قلب که اردوی گرناد بیها بود روز چهاردهم از کابروا بیرون آمده حرکت او بواسطه
نزول تمام توپخانه و بنه عساکر که در جنگ شیپکا گرفته داشته بتعویق افتاد و همچنین حرکت بنه اردوی سردار کل نیز
بسبب تاخیر شد و بیرون از جلو اول روز تا روز بیست و یکم ژانویه نتوانست از غازان لیک بیرون آید

ستون میره که مقدمة الجیش آن شاهزاده سویاتوپلک میرسکی بود
روز چهاردهم ژانویه از غازان لیک بیرون آمده و لیکن عمده قشون این ستون که عبارت از پیاده ژنرال راداتسکی
بود روز سیم هم حرکت کرده و ینی زاگرا یامبولی بدون جنگ در تصرف آمدند و تمام ستون روز بیست و دوم
ژانویه در یامبولی جمع شد

دسته ضلع ایسر روز چهاردهم ژانویه از تنگه توارد یزا از بالکان آغاز عبور کرد و فوج پیاده بطرز وراد یک شش روز
علی الاتصال توالی بدون مهلت و درنگ مشغول ساختن راهی شد که توپخانه و بنه از آن راه عبور کنند لهذا این دسته
تا روز بیست و دویم ژانویه در سلیونو تقریبا بالتمامه جمع آوری شدند و این شهر در روز بیستم هم بدون محاربه در تصرف
دو اسکادرون سواره از دوران درآمده بود ایشان از هزیمت متفرقین روانه داشتند و ایشان اطلاع حاصل کردند که ترکان

ستون ابو الجمعی ژنرال اسکوبلف دویم — به اندرنیوپل گریخته اند

اند اختتم زیرا که اعتبار جنگهای نظامی اختصار باین ستون داشت سواره ژنرال اسکوبلف دویم روز سیزدهم ژانویه
از غازان لیک بیرون رفت و روز چهاردهم از اسکی زاگرا به سمت مامور گردید بطریقی که نیزه داران

بطرز پونغ بیقنی

بطرز پونغ بینی زاگرا و سواره اژدران مسکو متعلق بعلیحضرت امپراطوره بسمانلی و فوج اول قراغ دن چرپال
روانه شدند و عصر روز چهاردهم این سه نقطه در تصرف آمدند و چون نیزه داران بطرز پونغ در ینی زاگرا منتظر
وصول فوج بیست و سیم قراغ شد روز هفدهم ژانویه پیش قراول خود رسیدند و داد و قرابونار و ژنرال استروکف
سرکرده رکاب امپراطور بمحض شکیه با فوج اژدران آن علیحضرت وارد سمانلی شد اسکادرون دویم آن فوج را
بر ترنو فرستاد و این اسکادرون سیم تلگراف را بریده و سیلهای راه آهن را کندند روز یازدهم ژنرال استروکف
اسکادرون اول فوج اژدران خود را معتبر بارترزا و تلگرافخانه و مخازن راه آهن ترنو را تصرف کرد و یک باطالیون پیاده دو هزار
سنگ غیر سلیح انبار داد که زیر شده و شش عراده توپ فولادی کارخانه کروپ از ترکان گرفت از همان تاریخ ژنرال اسکوبلف
دویم با عمده سپاه خود از غازان لیک بیرون آمده بود و در مدت چهل ساعت هشتاد هزار ورع مسافت پیموده بود
و در روز هفدهم ژانویه ژنرال استروکف پس از آنکه جنگ خونریزی کرد که سکنه شهر نیز در آن جنگ شرکت داشته اند با دو اسکادرون
اژدران مسکو حرمانلی را تصرف کرده و در روز هفدهم بمحض شکیه قشون پیاده به ترنو رسید و ژنرال اسکوبلف دویم
فوج پیاده ولادیمیر و باطالیان یازدهم شاسور را با چهار عراده توپ به حرمانلی فرستاد تا به ژنرال استروکف
امداد نمایند و روز نوزدهم ژنرال اسکوبلف دویم تمام عساکر را در حرمانلی جمع آوری کرده و اسکادرون اژدران
مسکو را که سرکرده گی ژنرال استروکف بجانب شهر مصطفی پاشا مامور نمود و این اژدران پس از جنگ مختصری
با باشی بزوقها این شهر را مسخر ساختند

روز هفدهم ژانویه تمام برگیاد اول توپخانه اول سواره با یک دسته از فوج اول قراغ دن در مصطفی پاشا جمع شدند
چون همان روز ژنرال اسکوبلف دویم شنید که یک قافله بسیار عظیمی از ادرنه و قورخانه در تحت حفظ جمعی از
نظام ترک از راه خاسکوی و حرمانلی عبور میکنند فورا کلونل ماموشین را با فوج اوچلچ و باطالیون یازدهم شاسور

و دو عراده توپ عقب آنها فرستاده و کلونل ناموشین پس از آنکه همراهان آذوقه و قورخانه را که پیش از آن بغنیمت برده بود
عسکر ترک میفرستادند شکست داده و متفرق ساخت آن قافله را که بیش از بیست هزار عراده آذوقه و سرب و باروت
داشت ضبط نمود شهر اندرنوپل بلاواسطه در معرض خطر بود

پیش قراول ژنرال اسکوبلف سرکرده که ژنرال استروکف از روز نوزدهم نزدیک شهر رسیده بود
ترکان عقب می‌نشستند و چنین بنظر میرسید که ابدا اندرنوپل اسباب مقاومت مستعد فراهم است زیرا که این
شهر آخرین مقامی بود که باید از پیش برداشت و به اسلامبول رسید و در پیش تاتارها و دوران و پس پیداست که
این شهر را سنگربندی کرده‌اند و توپهای محاصره در آن نصب نموده‌اند لیکن عساکر عثمانی در هر جا مغلوب شده بود
و پس از شکستهای سلیمان پاشا در اطراف فیلی‌پولی دیگر برای ترکان امیدی باقی نمانده بود لهذا از روز هفدهم
حاکم اندرنوپل ژنرال تولیها خبر کرده بود که ترکان شهر اندرنوپل را مقصد نخواهند کرد و به اهالی تکلیف کرده بود
که یک مجلس شورائی از اعاظم شهر ترتیب دهند که با قوت بعضی قراول آنها نظم داخله شهر را نگاهداری کنند
و سپاه ساخلوی ترک بسمت چالالجه عقب نشسته و این نقطه مرکزی حصاربندی اسلامبول است و توپهای
خود را ترکان یا بردند یا مخکوب کردند

روز بیست و هشتم ژانویه ژنرال استروکف یک اسکادرون و نیم سواره اژدران را در مصطفی پاشا گذاشت با چند اسکادرون
دیگر مسکو و نیزه‌داران بطرز توقیع را اندرنوپل را متصرف شد شهر را اهمال و بسکه که در چار قحط و غلای شدید شده
بودند تخلیه کرده بودند و احمد ایوب پاشا قبل از رفتن انبار باروت و سرای قدیم را آتش زده بود و قورخانه و آلات علیه
را قبل از ورود ژنرال استروکف غارت کرده بودند و بانی بزرگها و خود ترکان قرا اهل و حوش را حیاط نموده
سکنه آنها را کشته بودند خود شهر بواسطه کفایت و مواظبت ژنرال استروکف از غارت ایمن مانده بود و دوائر
را از حرق

سرکرده زحمت کشیده از اینکه مردم شهر را آرام کند و جلو سپاه باشی خارج از نظام که در اطراف مشغول قتل و نهب
بودند بگیرد و خود این ژنرال با سواران نظمیه میان شهر حرکت میکرد

ژنرال استروکف در شهر اندرنوپل سبب دو عراده توپ کارخانه کروپ و چهار عراده توپ گلوله ریز شصت آورد و
در قورخانه دو جا نصب و نقصان و دسته قراول ترک باقی مانده بود ژنرال استروکف فوقا یک مجلسی از اداره بلدی
ترتیب داده اجزاء آنرا از اکابر و رئیس سفیدان ملتی مختلفه منتخب نمود و ملک کشیشها را مامور به این شغل کرد و
رئیس این اداره را خلیفه بزرگ عیسوی اندرنوپل را قرار داد و در روز بیست و دویم ژانویه ژنرال اسکوبلف وارد آن
شهر شد و پس از آنکه تمام ترتیبات ژنرال استروکف را امضا نمود و ندا او را با سواره مامور قرق‌کلیسا و لوله
بورگاس ساخت و سواره خاصه فرمان یافت که بجانب دیمتوکا روانه شود و سرکردگی کل سواره به ژنرال چرنوزوف
تعلق گرفت و در روز بیست و دویم بعد از ظهر فوج پیاده ولادیمیر وارد شهر شد و همان روز فوج شویا و باطالیون
بیست و سیم طلایه بهادران و چهار عراده توپ داخل شدند و فورا راه مراوده و مکالمه تلگرافی اندرنوپل و حرمانلی
مفتوح و برقرار شد البته تصرف اندرنوپل برای روسها نعمت
عظمی بود زیرا که مرجعیت و یورش ترکان دیگر احتمال پذیر نبود و مع هذا ژنرال اسکوبلف باز بنای حصاربندی
و سنگرهای شهر را کمال وقت را بجای آورد و انبارها را در کمال از آتش‌کشی و غارتی از تخلیت یافت

روز بیست و هشتم ژانویه نواب گراندوک نیکلا وارد اندرنوپل گردید و از حرمانلی
براه آهن نشسته بود ترکان در قطع راه و خرابی آن کوشیده بودند لهذا اصلاح و براه انداختن آن خالی از اشکال
اسباب و اثاثه و آذوقه و مایحتاج بیرون از حساب بدست فاتحین افتاد و کالسکه‌های راه آهن نیز سبب سهولت
تغذیه عساکر آسان گردید
بمحض تسخیر اندرنوپل ستونهای معتبر تجسس را از راه

اند خسته و ستون ژنرال اسکوبلف شب پنجم فوریه لوله بورگاس را تصرف نمود که با اندرینوپل سه روز فاصله
داشت و در آنجا معدن راه آهن را با یک کالسکه بخار و دویست کالسکه نشیمن تصرف کردند و ستون ژنرال شت
نکف روز بیست و ششم ژانویه بدون جنگ موی تکاو اورزون کرپه را گرفت و این دو نقطه با اندرینوپل
دو روز راه فاصله داشتند و ژنرال اسکوبلف در حین حرکت بسمت لوله بورگاس جماعت کثیری از مسلمانان
را براق چین کرده و هزار و پانصد عراده آذوغه اسرا را گرفت و آن آذوغه را بسمت روستو روانه کرد تا سواحل [illegible]
نزدیک شدند ترکان دیگر جبال از خط اسلامبول نزدیک شدند
های جدیده بلند کردند تقیه السیف عساکر منهزمه را در دو نقطه جمع آوری نمودند یک اردو به سرداری محمد علی
پاشا در راه درکس چکمه چه در کنار نیم جزیره که پای تخت میرود و دیگری قرار دیگر و دریای مارمارا سی بحر از
ذرع اسعد او دارد و اسکرنید بها مگیرد و از طرف دیگر سلیمان پاشا در صدد مدافعه و محافظت کالی پولی بود و سپاه
که اتمام از روان روس تحصیل کرده بودند بیست و چهار هزار مرد که از اسلونیوا دگتل برمی گشتند جزو عساکر محمد علی پاشا شدند
او انهار را به قیز ظلیب فرستاد و بخارا پشاپور رسیده که و موقعیت قلعه بند بها و اسکرو بود و ترکان مجبور بودند که تمام
کالیبولی و هم در اسلامبول دشمن را برابر کنند زیرا که بعید استند سپاه روس از کدام سمت راه اسلامبول را پیش بگیرند
روز بیست و نهم ژانویه پیشقراولان ژنرال اسکوبلف سه هم
چرلو را غلبه گرفتند و جنگ ما بین یک اسکادرون سواره مسکو و دو دسته سواره دن و هزار سوار ترکان نظامی
در گرفته بود و ترکان پس از مقاومت و مجادله زیاد با سرعت راه هزیمت پیش گرفتند
روز بیست و هفتم ژانویه قشون ژنرال رادتسکی وارد
اندرینوپل شد و عساکر ژنرال گورکو نیز با کمال عجله پیش آمدند که اگر جنگ آخری لازم افتد بتوانند دوام نمایند

بعد از آن نمود

بعد حرکت نمیشد و با وفات تا روز یکه صنادل که نامه مصالحه شد محل اقامت ژنرال در چتالجه برقرار شد و آنجا را سواره
روز ششم فوریه تصرف کرده بودند و پیش قراولان ژنرال گورکو روز هفتم به سیلوری که کنار دریای مرمره واقع است
رسیده و خود آن سردار در روستو بود بعد از امضای مبارکه نامه مذکور
بعد از آنکه معلوم شد تسلیم داشتند بر بنگاله دریان بود که ترکان از خطی مسطوره در قرار نامه تخلیه کنند زیرا که دستور العمل
خیالی در ازای اسلامبول برای مختار پاشا رسید و او گمان میکرد که بجنگیدند و لشکر را بدوام نکه که در حین امضای مبارکه نامه
باقی مانده حرکت نکنند لهذا خیلی متعجب شد از اینکه دید سپاه روس در پیش آمدن مداومت دارند و قسطنطنیه را از طرف
اسکوبلف روز نهم فوریه به سیلوری رسید ترکان از تسلیم قلعه باکروند کفتند در اینباب جنگ بیمار رسید و
ژنرال روس که باطراف بیش فرستاد و نشان [illegible] آتش توپخانه تهدید کرد که تسلیم گرفتند
روسها پس از اندک زمانی پیشتر رفتند و در سان استفانو که محل اقامت
گراندوک نیکلا بود جمع آوری نمودند در روز نهم فوریه سردار کل قشون جنوب نواب گراندوک نیکلا به سپاه خود
خطابه دلیرانه فرستاد سرکردگان و سرداران دلاور لشکر من در حین عبور از
کوهستان بالکان با وجود خستگی فراوان از شما خواهش کوششهای جدیده نمودم و از انتوقف دیگر شما
در فقن قناعت نکرده بلکه آغاز بدین نمادید یعنی مستکمر از کمادتقریبا تمام خاک عثمانی را طی کرده و در یک بیست روز
رسیده و در حین عبور لشکر ترک را در فیلی پولی پاره پاره نموده و تمام توپخانه او را گرفته و بعد با حرکت شدید
اندرینوپل را مسخر ساختید که فی الحقیقه پای تخت ثانوی دشمن است و از آنجا در ساحل قرادنگیز و دریای مرمره رود دادید
نمود و از شدید دشمن [illegible] بشما سعادت کنید لهذا سرخود را به زیر کلیم جدید و پس از آنکه [illegible] کردن و فوت
شما را امر توقف و اطلاق کردم و این فتوحات عظیمه بی نظیر را یمن شجاعت و جلادت شما بدست آمده [illegible] لکه

از قبول زحمت و قابلیت قناعت و صبر شما تعجب شده است زیرا که به هوای بسیار بد و تحمل اتلاق عمیق
و عبور از رودهائیکه آب آنها در این سرما یخ بسته بود هیچیک مانع حرکت شما نشد من نمیتوانم عبارت
شایسته جهت اظهار امتنان خود از شما پیدا کنم از سرکردگان بسیار قدیم گرفته تا از آخرین سرباز که
هر یک تکالیف خود را بجا آوردند و همه تحمل مصائبی کردید که در قوه پهلوانان سلف بود و پس از آنکه زحمات
کشیده و در تدارک آن باشید که با مباهات و افتخار وارد وطن خود شوید ولی اگر دشمن در خیال آن باشد
که مصالحه نامه مقتضیه را امضا نکنند آماده محاربات جدیده بشوید تا مراد حاصل شود

در این مدتیکه ما استراحت میکنیم مردم ملل گویند که
پهلوانان روس که در جنگ منظم دیگر لا الاستحقاق نظیری ندارند در خارج از جنگ نیز شوق و رغبت
ملایمت شدند و بنا بحکم سکنه بلاد از هر ملت و هر مذهبی که بوده باشند و حافظ مال و ناموس ایشان شده
به مردم ظاهر سازند که هیچ حالت و موقع سختی یافت نخواهد شد که بر افتخار جدید محصول از اسلحه روس که از
عرق و خون ما حاصل شده است لکنت پیدا کند **نیکلا** مخاصمت و مقاتلت تند بوده که در کنار رود **لم** ما بعد بوده
چون ترکان تمام عساکر خود را از آنجا کشیده و بجانب **رومیلی** فرستاده بودند محاربه امکان نداشت و
فتوحات عظیمه ژنرالهای **گورکو** و **رادتسکی** و **اسکوبلف** سلطنت جدید و ما ناموس را بی ثمر کرده
بودند و چون قلاع آن سرزمین بسلاح مدافعه و تعدادشان خیلی خوب بود لازم نیفتاد نتایج خجسته جنگ را
در محل ژنرال در خطر اندازند و از دور اپورت فضلی یابد

تاریخ هفتم و نهم ژانویه معلوم میشود که بکجا اسود که حاصل است و هم روسها **بدر کیوی وایازی**
ترک مراوده پیدا کردند و این اظهار داشتند که حکم برایشان رسید که اگر روسها پیش روند

انها یک تیر هم خالی نکنند و روز بیست و هفتم لشکر شاهزاده روس بدون مقاومت وارد عثمان بازار
شد و شب پیش تومان اول پیاده پس از نزاع مختصری داخل **رزگراد** گردید روز سیزدهم فوریه ولیعهد دولت
روس خطابه ذیل را به لشکر خود فرستاد — چون حسب الامر اعلیحضرت امپراطور
به **بطرزبورغ** روانم سرداری عساکر شرقیه را به **توتلبن** ژنرال اجودان می سپارم بموجب فرمان اعلیحضرت
امپراطور نواب والا **گراندوک** **میرالکساندروویچ** حکم میکنیم که فورا بجانب **بطرزبورغ** عازم شود و
سرداری اردوی دوازدهم را به **لوشان** ژنرال و **انوسکی** نماید که اکنون منصب ریاست آتامانی
عساکر ایو جمعی من برقرار است و در حینیکه از لشکر شما که متجاوز از شش ماه بریاست و سرداری آنها مفتخر
میباشد جدا میشوند اظهار امتنان از تمام آنها میکنند که از سرداران سرباز گرفته همه تکالیف خود را به انصاف
و متحورانه بجای آوردند خاصه در فصلی که مصاعب جنگ تحمل ناپذیر بود شماها مامور بوده داشتید و باسم تحفظ فتوحات
تمام سپاه روس بودید و در یک فضای وسیعی لشکر دشمن را که از حیث عدد بر شما برتری داشت
بسیار آراسته و مرتب بود و در تحت حمایت و حفظ قلاع حصینه بی جلوه گرفتید تمام مجاهدات دشمن که
بر ما یورش می آورد بواسطه جلادت نمایان و جرئت ژنرال شما باطل و عاطل مانده و
چنانچه خود امپراطور اروی مرحمت فرمودند کوشش سپاه **روچوق** با کمال جلوه بانجام رسید شما اهمیت تهنیت
دچار مبارزت با دشمن بودند بلکه با گرما و سرما و هوای بد و برای پوشیدن در جنگ بودید و این جنگی بود که چندان
جلوه اش در انظار آشکار نمی شد و آن یادگاریکه از فتوحات عظیمه نظامی روز از این لشکر کشی روز بروز جلی
پوشیده نیست که هر عسکری که اخلاق حسنه ایشان ژنرال از پیش جنگ با افتخار بردن نکو شد و شما
گردید که دارای آن اخلاق حمیده نظامی هستید و من هرگز فراموش نخواهم کرد که بواسطه خدمات نمایان لشکر

روچوخ که من در رحمات و فتوحات آن شرکت داشتیم کمک جایزه و منصب نظامی بمن مرحمت شد که در تمام
نظام جلوه کرده و در این لشکر مادام العمر در دل من بهترین یادگارها باقی خواهد ماند (آخر خطابه)

از طرف دوبروجا اعمال نظامی سخت‌تر بودند تا آن وقت قشون دانوب
سفلی در تحت فرمان ژنرال زیم مرمان بود تقریبا معطل و بیکار مانده بود و در آن اراضی و حدود بد آب و هوا
ترقیات عظیمه امتناع داشت و در مدت گذشته معطل ماندن و جنگ نکردن مجبوری نواب و تبعید روس
ژنرال زیم مرمان را بسته بود زیرا که ماموریت او آن بود که فتح قلاع نموده در حملات و یورشها کاملا
امور آن زمین مرتع عثمانی باشد روز شانزدهم ژانویه سردار کل
عساکر دانوب سفلی در راسو که دو میل تا چرنودا مسافت داشت متمکن بود و در تجارت جانوس سوار
تا کریزدا حرکت میکردند بدون اینکه با دشمنی ملاقات نمایند و عساکر اردوی چهاردهم روز بیست و دویم بجانب
بازارجیک رسیدند و سواره ابو جمعی یانسی ژنرال جودان در چاپرجارمان بافعد به تجسس دشمن طلایه کرد
و آن مقدمه شکست یافت و بسرعت رو به بازارجیک نهاد و در این گیرودار یک جوقه از هوسار فوج رو
سی بانش روسیه سفید بر یک دسته سرباز نظامی ترک حمله کرده و بیست و پنج تن از ایشان کشته طرف عصر دشمن
از بازارجیک با بیست عراده توپ بیرون آمد ولی قراغان ژنرال شاشف با معاونت ژنرال رودکف با
یک فوج بورودینو و یک باطری توپ نمره ۹ از بریکاد ... هم ترکان را مجبور ساختند که سمت بازارجیک عقب
نشینند و در درب ... کمکیبی از قشون سرکرده کی ژنرال یانسی و زودکف چون براه بازارجیک رسیدند ترکان
از شهر با توپهای عمده بیرون آمدند در ضلع ایمن به قراغان ژنرال شاشف و بریکاد نیلیس یورش بردند
آن وقت ژنرال زیم مرمان با بریکاد ژنرال دانا اورف با حضور شتافت و ژنرال یانسی و ژنرال رودکف

بازارجیک

نیز از مبره همان نقطه پیش آمدند و پس از چهار ساعت جنگ سپاه مصری و ترک سمت بازارجیک رانده شدند و
روسها تحفظ سنگربندی از ایشان تعاقب نمودند فوج نارو میوشش ازجمله در این یورش واقع بود و از ترکان بیش از
یک صد و پنجاه تن در معرکه قتال بجا گذاشتند و خطرپاشای مصری زخم سختی یافته و از روسها دویست تن از کار افتاده
باز ماندند و فردای آن روز ترکان ترک شهر گفتند و حریف فوراً آنجا را در تصرف آورد و ژنرال یانسی را با سواره در پیش رو
کردند او در روز سیم فوریه بعد از چند جنگ مختصر کزلوجه و پراوادی را تصرف کرد و از وصول خبر متارکه در تمام
فوریه در بالاجی که با بازارجیک تکیه مسکن است متوقف شد

در اینجا باید از حادثه اشاره کنیم که در اسلامبول هم موجب تأسف و تلهف گردید بدین تفصیل که در قصبه
توکارس و سایر اماکن حوالی و حوش آن خبر نزدیکی روسها رسید سکنه این قصبه مسلمان قصبه بزرگ کاربات
خانه‌های ارامنه را آتش زدند نصف این قصبه مسلمان نشین و تعداد آنها توسط آمدن فراریان قشون بیشتر شده بود
و پس از صعود آتش و روشنائی آن ترکان دست به قتل نهادند و عده کشتگان از اضعاف صد متضاعف شد که
زنده ماندند رو بفرار نهادند و ترکان بسلاح مدت تعاقب این بیچارگان بس نمودند

و از این قبیل ... در جدیده کاروکوی که قریه است صاحب صد و بیست خانوار و دو ساعت فرسنگی توکاس قصبه واقع
یافت یکصد و پنجاه از اناث و ... این قلعه جستند و در کلیسا که مامن جیویان شده بود گرفتند و کالی کالی
که جائی کوچکی است که نزد فرسنگی توکاس واقع است و پیش از این پنج خانه دار عزار در نیز گرفتار یکدسته
چرکس وارد و وقت شد که خانه‌ها را غارت کردند و اهل آنجا را قتل نمودند و بعضی از جیویان در بالای ... پناه
برده بودند و در آنها را گرفتند و بانه قنداق تفنگ تمام آنها را کشتند ای دوس که در پنج فرسنگی توکاس است
نیز گرفتار شده ولی از دویست و پنجاه نفر عیسوی آنها اغلب فرار کردند ولی سکنه فارکوی بیخبر از ایشان کشته شدند

و تمام اماکن ثبوسته بودند فرار کنند سرشان بریده شده خانهای آن قریه را بکلی سوختند خود شهر بورکاس نیز
ایمن نماند و چون چرکسها بر این شهر تاختند ناخدای کشتی انگلیس موسوم به راهید سی نفر ملاح کشتی خود را مسلح
پوشانیده با مواد عیسویان فرستاد که در کلیسا پناه برده چرکسها در پیش از آنکه رفته بودند و نزدیک در کلیسا
به ضرب تیر و تفنگ هجوم آور دیگران خورده شد که جاشوهای انگلیس رسیدند و چرکسها را دور و بیرون آن اطراف
گریختند و عیسویان در روی کشتی را ابیدونیا کشتی اطلس مانی پیدا کردند برای اینکه این حجت محضرا تمام
نشیم گرفتاری یک کشتی حامل سپاه ترک را بواسطه کشتی بخار روس شرح میدهیم و دیگر راپورتی که ادس ژنرال
اجودان کرده است قناعت مینمائیم مطابق تفصیل ذیل

چون خبری از کاپیتان بارانف ژنرال اجودان اعلیحضرت امپراطور و ناخدای کشتی موسوم به روسی
بمن رسید تفاصیل آن را بعرض میرسانم چون کشتی روسی از بسفر غاز اسلامبول به پنیراکلیا می آمد
و نزدیک آن مکان رسید و میخواست فردای آن روز حمله کند ولی در طلیعه صبح در وسط دریا دود غلیظی مشاهده
کرد که علامت کشتی بزرگ بود کشتی روسی فورا روبرو گردانیده و بجانب بیرون رفت تا بازادی تواند حرکت کند
و اگر دشمن او برابری یا برتری داشته باشد مجبور از نزدیک ساحل نباشد بعد از یک ساعت از بیرون مت دو حجم
دشمن نزدیک شده درست مشاهده کرد که یک کشتی بسیار بزرگ که چرخ بخارش خارج از بدنه آن واقع بود مستقیما
رو به آن می آید روسی بیرق خود را بلند کرد و یک توپ بطلوان کشتی انداخت ولی آن کشتی رو به ساحل گذاشت
بدون آنکه بیرق خود را نمایان کند روسی تیر دیگری خالی کرد و در آن وقت کشتی بخار عثمانی بیرق شمیرف آلوده کشتی
دشمن یک بیرق بر شعبه بالا کرد کاپیتان بارانف ترسید تعاقب آن منجر به ساحل پاتیرا کلیا شود
قصد آن کرد که کار تمام کند و یک قپوز نمره ۸ به آن کشتی انداخت که در میان آن افتاد و انبار او را رفت

مجبوراً ساخت روسی پیش تاخت و کاپیتان آن نایب خود زرین را در روی قایق بخاری نشانده روانه
کرد که نوشتجات و بار آن کشتی را ملاحظه کند پس از چند دقیقه کشتی بیرق عثمانی را برافراشت و فورا بیرق روس
بجای آن بالا رفت و بیرق عثمانی را در زیر آن بالا بردند معلوم شد که کشتی اسیر شده است نایب زرین آن را
گردانده و معلوم شد که علاوه بر مسافرین آن کشتی حامل یک باطالیون کامل اناطولیس با سرکرده و صاحب منصبان
بزرگ و دو صاحب منصب کوچک که من حیث المجموع هشتصد تن اسیر ترک بدست ما گرفتار شده یکی
از نوات کشتی روس موقتا بمنصب ناخدائی کشتی اسیر عثمانی منصوب شده و از آن به بعد کشتی روس رسیده
به سمت سواستوپول بردند در حال حدود جاشوهای روسی بخوبی مشاهده یک کشتی بزرگ دیگر عثمانی
کردند رو به پاتیرا کلیا میرفت ولی جرئت تعاقب رو نیاوردند فردای آن روز کشتی مزبوره به سوا
ستوپول وارد شده و برادر با کشتی اسیر آنجا لنگر انداخت و خود مقصود معهود در وکرد

مطلب چهارم

مخفی نماند که فتوحات اخری ژنرال گورکو در فیلی پوپلی و ژنرال اسکوبلف در شیپکا معلوم
کردند که هر نوع مقاومت و پایداری بعد از آن نهایت بی ثمر است و چنانچه سابق مذکور داشتیم ترکان دانستند که بی
فایده از دول فرنگستان تمنای بیانجیگری کرده اند در صدد آن برآمدند که خودشان بلاواسطه با دشمن قاطع گفتگو
کنند و نواب گراندوک نیکلا در روز نهم ژانویه در لواثر تلگرافی از رؤف پاشا وزیر جنگ عثمانی دریافت کرد که

اظهار داشته بود که محمد علی پاشای سردار کل عساکر رومیلی وکالت نامه و اختیار کامله در انعقاد شروط متارکه دارد
گراندوک نیکلا فوراً جواب داد که بشروط اصلی مصالحه مضایقه نشود دست از جنگ میتوانند کشید و چون محمد علی
پاشا از شرایط مصالحه استفسار نمود گراندوک نیکلا جواب گفت آن شرایط را به مامور مخصوص از جانب سلطان
اظهار خواهد داشت که بمحل اقامت و اردوی سردار کل باید و گفتگو کند و روز پانزدهم ژانویه در غازان لیک خبر
ماموریت سرور پاشا و نامق پاشا رسانده و ایلچیگری عثمانی به گراندوک نیکلا رسید و روز نوزدهم چهار
ساعت بعد از ظهر این دو ایلچی و وکیل وارد شدند و فردای آن روز یک ساعت بعد از ظهر بامده حضور گراندوک
رسیدند و این سردار کل از روز اول بنای گفتگو گذاشت و مسوده شرایطیه اصلی مصالحه که امپراطور امضا کرده
بود بان فرستادگان عثمانی نمود و آن رسولان مهلتی خواستند که در آن مطالب غور کنند و فردای
آن روز را فرصت بعضی ایرادات را که داشتند نوشتند و جواب آخر آنها این بود که قبل از امضای شرایط
مصالحه برای آنها ناگزیر است که حکم مجددی از سلطان برسد پس از آنکه اظهار این مطلب شد گراندوک
قبول کرد که سرور پاشا و نامق پاشا با دولت متبوعه خود آغاز گفتگوی تلگرافی کنند و لیکن ایشان را ملتفت نمود
که چون بواسطه اعمال جنگی و سختی فصل زمستان مدت مراوده تلگرافی طول خواهد انجامید مقتضیات فنون جنگ
او را ناچار میسازد از اینکه اردوی خود را پیشتر ببرد و منتظر جواب آخر باب عالی که محتمل است چهار پنج روز بعد برسد
نشود چه قدر وضع این ایلچیان سخت بود که بایستی در دنباله دشمن منصور حرکت کنند و از غازان لیک به
حرمان لی روند بدون اینکه امیدی داشته باشند شرایط سخت مقتضیه تخفیفی پیدا کنند در روز بیست و سیم ژانویه
صدر اعظم بان دو سفیر اجازت وکالت رسید
گراندوک روز بیست و ششم بادرنوپل رسیده و مامورین عثمانی که از عقب گراندوک میآمدند

دو چار معطلی

دو چار معطلی و تعویق روسها بودند و ناچار میبایستی از برای مخابره با دولت خود دیم از دشمن اجازت
بطلبند جواب کافی زودتر از سیام دریافت نکردند و همان روز متارکه نامه امضا شد و بواسطه تعطیلات و
تعویقات این چند روز روسها خود را به پشت مدینه اسلامبول رسانیدند و شرایط متارکه مطابق ذیل است

فقره اول

حدود متارکه مابین دو سپاه مشغول جنگ دولتین روس و عثمانی جنابان سرور پاشا وزیر امور خارجه و نامق
پاشا وزیر دفترلیدی اعلیحضرت سلطان وارد اردوی نواب والا گراندوک نیکلا سردار کل قشون روس شدند
در حالتیکه از جانب ایلچیگری وکالت نامه و اختیار کافی داشتند و چون اصول تکلیف را که نواب والا گراندوک بنام
اعلیحضرت امپراطور اظهار داشتند مقبول سفیرین عثمانی افتاد فصول آتیه ذیل متارکه قرار شد

اولاً بلغارستان تا آن سرحد که اغلب جماعت بلغار سکنه اش معین میکنند
و آن حدود در هیچ حالتی کمتر از آنچه در کنفرانس اسلامبول معین گشته و شده است نخواهد بود دولت
شاهزاده نشینی صاحب قانون ملتی باجگذاری خواهد بود و حکومت آن ملتی و مسیحی خواهد بود قشون اینک
بومی خواهد شد و سپاه عثمانی دیگر در آنجا توقف نخواهند کرد

ثانیاً آزادی و عدم تعلق قراطاغ مسلّم خواهد شد و زیادتی خاکی که بواسطه جنگ بچنگ او در آمده در حق تغییر
خواهد کرد و بعد و سرحدات آخری بعدا بتحقیق معلوم خواهد شد

ثالثاً آزادی و عدم تعلق رومانی و صربستان مسلّم خواهد بود و رفع ضرر سرحدی ایالت اول که تعیین و
تصحیح سرحدات ایالت ثانی خواهد شد

رابعاً ابالستین بسینی وارض قوین با ضمانت کافیه دارای رسوم و آداب ملی داخلی خود خواهند بود
و از این قبیل تغییرات در تمام ولایات مسیحی عثمانی اروپا داده خواهد شد

خامساً باب عالی ملتزم است که از عهده مخارج جنگی که دولت روس در این جنگ کرده برآید و خسارتی که در
این مورد بر او وارد آمده است مرتب نماید و وضع و طریقه این رفع ضرر خواه نقدی و خواه ملکی یا غیر ملکی موکول
به قرارداد جداگانه است و اعلیحضرت سلطان با اعلیحضرت امپراطور روس در باب حقوق و منافع دولت روس در
بغاز اسلامبول و دریای دردانل گفتگوهای مرضی الطرفین خواهند کرد

در اردوی نواب والا گراندوک نیکلا سردار کل به سفیرین مومی الیهما بدون تأمل مسائل شرایط مصالحه
افتتاح خواهد یافت و بمحض اینکه این متارکه نامه ممضی و ممهور شد بلا تأمل مخاصمت و محاربت ما بین قشون لیکن
متخاصمین برطرف خواهد شد و دول رومانی و سربستانی و قراطاغ نیز با تمام مدتی که گفتگوی مصالحه انجام
رسیده پیرامون متارکه نخواهند کرد و بدیده سرداران طرفین متخاصمین در خاک آسیا ملاقات کنند فوراً اخبار خواهند
نمود که اینها نیز قرار متارکه را گذارند و اعمال نظامی و جنگی کلی برطرف خواهد شد و بمحض اینکه متارکه نامه ممضی شد
دولت عثمانیه عساکر عثمانی فرمان خواهد داد که قلاع ویدین و روسچوق و سیلستری در خاک اروپا و قلعه ارزروم
را در خاک آسیا تخلیه کنند و علاوه بر این قشون روس حق آن دارد که تا مادامی که گفتگوی مصالحه چند
نقطه معتبر جنگی را که در معرکه قتال اروپا و آسیا مطابق نتیجه در متارکه مسطور است تصرف نماید با آنچه مطلوب
گردید این متارکه نامه نوشته و تحسین شده ممهور و ممضی میشود در اندرنوپل به تاریخ ۱۹ / ۳۱ ژانویه ۱۸۷۸

جای مهر نیکلا سرور نامق

فقره دوم

واسطه تکلیف باب عالی و قبول و رضایت سفیرین کبیرین نجیبان سرور پاشا و نامق پاشا که دستور العمل
صورت شرایط اصلی مصالحه را که دولت روس نوشته است و دولتین متخاصمین قبول خواهند کرد و کلیه
کل قشون دولت بهیه روس قرار بکنند در اینکه حاضر است برای آنکه امر کند اعمال نظامی و جنگی از طرفین موقوف شوند
جهت انعقاد متارکه وکیل و ایلچی مخصوص نامیده شدند از جانب
نواب والا گراندوک نیکلا سردار کل روس جناب پوکوی چینیکی ژنرال اجودان و رئیس اتامار اردوان رکاب
اجودان او ژنرال ماژور لومینکی اجودان اردوی حشم اعلیحضرت امپراطور و از جانب سعادتین باب عالی جناب
نجیب پاشا امیر تومان اتامار و عثمان پاشا ... این وکلا که صاحب وکالت مطلقه و اختیار
کاملند بالاتفاق شرایط آتیه را قرار دادند

اولاً در تمام مدت لازم گفتگوی مصالحه و تا زمانیکه شرایط مصالحه انجام مساعد و یکی پیدا کنند تا زمانیکه
قطع صلح شود ما بین عساکر دولت روس و سربستان و رومانی از یک طرف و عساکر دولت عثمانیه از طرف
دیگر متارکه کلی خواهد بود و اگر شق ثانی روی دهد یعنی مجدداً ابنای نزاع و محاربت شود سه روز پیش طرفین
متارکه یکدیگر را مخبر سازند که متارکه منقضی است و در روز معین تجدید مخاصمت و متارکه معین نمایند
و این مهلت سه روز از وقتی محسوب خواهد شد که یکی از طرفین به دیگری در معرکه و مصاف جنگ اظهار نمایند

در این باب به او رسیده کمبد و دولت بهیه روس به دولت قراطاغ تکلیف خواهد کرد که بعد
از جنگ و اعمال نظامی بکشد و در شرایط متارکه منعقده مابین دولتین روس و عثمانی شرکت کند بالطبع
نیز از طرف خود اعمال جنگی با دولت قراطاغ را موقوف خواهد کرد

ثانیاً متارکه قوت اجری خواهد داشت بمحض اینکه شرایطش مقبول و ممضی شوند و عساکر هر یک از طرفین بعد از
این متارکه اگر از خطوط مسطوره ذیل تجاوز کنند باید عقب نشینند و اگر در این موقع غنیمتی جنگی بدست آورده اند
باید رد کنند

ثالثاً علاوه بر تخلیه قلاع ویدین و
رجیق و سیلیستری که در حصول مبادی مصالحه مشروط است عساکر دولت علیه عثمانی قلاع بلکرادجیک و
حاجی اوغلو بازارجیک را تخلیه خواهند کرد و بنا علی ذالک خط مابین عساکر روس و سرلستان و
رومانی از یکطرف و عساکر عثمانی از طرف دیگر مطابق آتیه تعیینات رسم می شود

خط مابین العسکرین از بالجیک و حاجی اوغلو بازارجیک مرور میکند و بخط مستقیم به راسکراد میرسد و از
و پنجهار ذرع جلو آن منطقه خنثی خواهد بود و امتداد می یابد از راسکراد بخط مستقیم تا اسکی جمعه و از
اسکی جمعه و کتل غازان و عثمان بازار که در تصرف لشکر روس خواهند بود و منطقه خنثی پنجهار ذرع جلو آن رسم
خواهد شد و خط مابین العسکرین پس از آن ممتد خواهد شد در کنار رودخانه های مدوان و ولی قمجیک و
بوغاز دره و قرتبی اوغلانلو کوئی و حاجی دره تا میروی و منطقه خنثی بعرض پنجهار ذرع ممتد می شود و از
ساحلین رودخانه مرقوره تا بدریا برسد و در ساحل دریا بر میتد است تا دریاچه درکس و لی عساکر
روس در ساحل دریای سیاه پیش از لورگاس و میدیا را منصرف نخواهند بود و منظور از این تصرف
آنست که رساندن آذوقه به قشون سهولت پیدا کند و لی حمل و نقل ممنوعات جنگی نخواهند کرد

از دریاچه درکس خط مابین و حد طرفین بجانب چکمه
جیک و قارجالی بخط مستقیم میرود و راه آهن کنار ساحل رود قراسو را قطع میکند و در امتداد جریان
آن رود تا دریای مرمرا ممتد خواهد بود

عساکر عثمانی خطوط قلعه و سنگرها را
با درکس و خادم کوئی و بیوک چکمه جه را تخلیه خواهند کرد و خط سرحدی طرف آنها از کوچک چکمه جه
حرکت کرده بخط مستقیم به سن ژورژ و آق بونار در ساحل قرادکیز مرور خواهد کرد و اراضی واقعه ما بین
خطین عثمانی و روس منطقه خنثی خواهد بود که با مدت متارکه تمام دلیکارهای سنگربندی بهیچوجه نباید بالا
برده و بسط افزوده و مرمت شوند

بعد از دریای مرمرا خط سرحدی
از نیم جزیره کالی پولی و شارکوئی در اورش مرور میکند و قدری دور تر از ساحل دریای ازماخچیل و د
آغاج و مارکری عبور میکند و این نقطه اخیره جزو خط خواهد بود و پس از آن در خطی که در آنجا آبهای دره مارت زا
دسا بر رودخانه ایکه در دریای ازمیر میریزد تقسیم میشود تا قریه جمعه امتداد خواهد یافت و در روی خطی که
کوستاندیل و درانیا و پلانقیا کلیاک و قریه سیلنزا و کراپاش تیرا و پلانسا و قریه توبچه با حد
سنجاق نوی بازار رسم میشود ممتد خواهد شد تا خاک سرلستان و از نقطه موسومه به کبا اونیک و پلا
نیا منتهی میشود به جمعه کوستاندیل و درانیا در تصرف سپاه روس با سرلستانی خواهند بود و در بر شینا
را سپاه عثمانی متصرف خواهند شد

رسم خط مابین العسکرین عساکر
دولت علیه عثمانی و عساکر قراطاغ معین خواهند کرد و دولت روس هم مأموری در این کمسیون معین خواهد کرد
و تشخیص فوری حدود منطقه حد مابین عسکرین متارعین روم و روس باید بحسب مقتضای این شرایط بتوسط
صاحب مأموران طرفین داده شود و آن صاحب منصبان را از اردوهای نزدیک آن اماکن منتخب خواهند نمود

و در اماکنی که در پیش و حول آنها لشکری نباشد چه مالکین متصرف خواهند شد با امتداد حدود خطی که آن اماکن
طرفین سپاه اطلاع خواهند یافت نقطه حد جدید جمعه بواسطه ورانیا
سرحد سنجاق نوی بازار فوراً بواسطه مامورین نظامی دولت علیه عثمانیه از یکطرف با مامورین سرعسکران از طرف
دیگر مشخص خواهند شد و یک مامور روس هم شراکت خواهد داشت
رابعاً عساکر طرفین متارکه که در حین امضای این قرارنامه خارج از خط مرسوم واقع باشند باید فوراً عقب نشینند
و برای عقب نشستن بیش از سه روز مهلت نخواهند داشت
خامساً پس از اینکه نقاط لشکربندی شده مسطوره در فصل سیم را خالی کردند عساکر دولت علیه عثمانیه
اسلحه و ادوات جنگ و قورخانه و اسباب بنه با تمام چیزهائیکه انتقال پذیرند بجانب اماکن آتیه روانه خواهند شد
از ویدین و بلگرادجیک بطرف نکس نجلا از سمت اق پلانکا
و نیش و اسکوپ بسمت ورانیا یا پرشتینا بر حسب اقتضای سهولت براه آهن خواهند رفت
از روسچوق و سیلستری و حاجی اوغلو بازارجیک و راسکراد
بسمت ورنا یا شوملا مطابق دستورالعمل سرکرده عثمانی خواهند رفت
اثاثه جنگی و سایر متعلقات لشکرها و قلعه‌ها و کشتیهای جنگی یا متعلق
بدولت را میتوانند حمل و نقل کنند یا اینکه آنها را با ارباب مناصب لشکر روس بسپارند و ایشان هم محافظت
آنها خواهند نمود تا وقتیکه امر مصالحه انجام بگیرد و صورت و سیاهه آنها را ثبت نموده طرفین ممهور و ممضی خواهند نمود
اما آذوقه و خوراک و علیق و مصارف آن سهل تر است ممکن نیست آنرا به قیمت مرضی الطرفین بسرکردگان روس
بفروشند املاک و اشیاء شخصی سالم خواهند ماند

تخلیه قلاع و نقاط

تخلیه قلاع و نقاط متحصنه پیش از انقضای مهلت و تحویل
یافت و ابتدای آن زمان وقتی است که سرکرده آن محل حکم را صادر کرده باشد
سادساً عساکر دولت علیه عثمانیه و کشتیهای جنگی آن ناحیت سه روز از سولینا بیرون خواهند رفت در
صورتیکه یخ مانع نشود و سرکردگان روس نیز از رودخانه دانوب تمام موانع و سدها را برخواهند داشت و کشتیرانی
در آن شط را مفتوح خواهند نمود ولی حق محاربت و سرکشی از آن باز دارند
سابعاً در ولایتیکه در تصرف عساکر روس یا عساکر متحده اند و از زمان امضای این شرایط مباشرین
عثمانی در آنها رتق و فتق امور نمایند این مباشرین باید در این بمانند و در میان اهالی آنها مشغول امور ولایتی خود
باشند و اسباب رفاهیت مردم و حفظ آن باید بنمایند حتی الامکان بمقتضیات صاحب منصبان روس را العمل آورند
ثامناً خطوط راه آهن در اقطاریکه در تصرف لشکر روس است مانند سایر املاک شخصی محترم
اند و مسافرت در تمام امتداد آنها جایز و آزاد است و بهمین ملاحظه دولت نیز تسهیل حمل و نقل نماید و اسباب
متعلق براه آهن برای کمپانی آن آماده خواهد کرد چه در اراضی متصرفه سپاه روس و چه در اراضی متصرفی قشون عثمانی
و برای نقل و حرکت مسافرین و امتعه تجارت آزادی کامل بکمپانی داده خواهد شد و استثنای جز این قید ندارد که
قدغن خواهد بود هیچ جبه اسباب جنگ و قورخانه و قشون در مناطق مخفی و خطوط ما بین العسکرین نقل کنند و در راه آهنیکه
که در تصرف یکی از این دو لشکر است راه افتادن کالسکه‌های آهن در تحت سرکشی و اطلاع ارباب مناصب هر یک از آن
دو لشکر خواهد بود تاسعاً مابین عساکر در تمام مدت متارکه اسباب مخابره
تمام بنادر قرار دیگر را برخواهد داشت و هیچ جنس آزادی ورود کشتیها در بنادر نخواهد بود
عاشراً مرصاد و محدود حین لشکر عثمانی که در اماکن متصرفه سپاه روس با لشکر سرباز در قراطاغ اند در تحت حفظ و بنادر در سایر

عساکر روس و متحدین خواهند بود ولی اگر مباشرین طبابتی عثمانی در اماکن مزبور حضور داشته شد معالجه و مداوای آنها
تعلق میگیرد و مریضان مجروحین خود برای جنگی محسوب نخواهند بود و با اجازت مباشرین نظامی روس و متفقین
آنها توانند خود را بسایر نقاط برسانند

متارکه روز سی و یکم ژانویه بیست ساعت بعد از ظهر ابتدا خواهد شد و سایر تفصیل در ضمن متن متارکه خطوط
خواهند بود و برای معرکه جدال خط آسیا تفصیل لازمه موقوف است بقرار و معوثین وکلای سردار کل عساکر
روس در خاک **آسیا** با امنای دولت عثمانیه معین کنند و از ابتدای وقوع متارکه در معرکه جنگ
خط **اروپا** فوراً بسردار کل روس در **آسیا** اطلاع داده خواهد شد

محل مهر نپوکوی **چیتسکی لیبوسکی** نجیب عثمان

مصالحه نامه نزدیکی بعد از امضای

متارکه نامه منعقد خواهد

شد

فصل چهاردهم

فهرست

اندراسی در نهم و یازدهم مارت   پلیتیک دولت آلمانی   افتتاح پارلمان آلمانی   خطبه مسیو بیسمارک

مطلب اول

همهمه در دولت انگلیس در تزاید بود و عقیده مردم در حمایت دولت عثمانی ظاهر و آشکار بود و لرد دربی با کمال احتیاط با شکال جلو خیال ملت انگلیس را میگرفت و در خود مجلس دولتی اختلاف آرا بروز روز مشهود می‌افتاد و قبل از آنکه مختصری از گفتگوهای پارلمنت انگلیس و خطبه‌های مختلفه ذکر کنیم بهتر آنست که مخابرات اصلی که مابین مجلس دولت انگلیس و مجلس دولتی پطرزبورغ رد و بدل شد ایراد نماییم

روز دوازدهم ژانویه لرد دربی به لرد لفتوس تلگراف کرد

آقای من   در مذاکره که در تاریخ شانزدهم ماه گذشته مشحون بر حاشیه و شرح شاهزاده گرچاکف و شرالیه در دوم این ماه برای من فرستاده و در نهم سود آن را از حضرت جناب عالی فرستادم نواب معزی الیه اظهار میکنند که جوابی برای نامه مورخه سیزدهم دسامبر من نخواهد داشت مگر اینکه خواهش نماید که واضح و آشکار مشخص کنیم که حقوق و منافع انگلیس که دولت اعلیحضرت ملکه آنها را بواسطه واردات و سوانح جنگ در معرض خطر میشمارد کدام است و حدود آنها بطوریکه دولت اعلیحضرت امپراطوری باید ملاحظه کند چیست تا اینکه اسباب لازمه فراهم آید که مابین حقوق حقوق انگلیس و حقوق دولت روس که اعلیحضرت امپراطور باید مراعات کنند توافقی پیدا شود

در جواب این سؤال جناب عالی را اطلاع دادم که دولت اعلیحضرت ملکه را عقیده آنست که هر عهدی

مبنی بر آن باشد که عبور از داردانل را از تحت اداره روس در آورد برای امتحان واقعی شرایط گفتگوی آتی مابین دولتین روس و عثمانی مانع بزرگی خواهد بود شما التفات نموده از نواب معظم الیه خواهش کنید که آیا میتوانند بدولت اعلیحضرت ملکه اطمینان بدهند که هیچ‌چه عساکر روس بجزیره گالیپولی فرستاده نخواهند شد

لرد لفتوس به لرد دربی از پطرزبورغ به تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۸۷۸

بمحض وصول تلگراف دیروز سرکار عالی با شاهزاده گرچاکف ملاقات شد و نواب معظم الیه در حینیکه گفتگو از مطلب مسطوره در مذاکره نامه شانزدهم دسامبر بود گفتم که هر عملی که مبنی بر آن شود که عبور از داردانل را از تحت اداره روس در آورد مانع بزرگی برای امتحان واقعی شرایط گفتگوی آخر خواهد بود لهذا سرکار عالی موقع با ینجانب دستورالعمل داده‌اند که از نواب ایشان سؤال کنم که آیا میتوانند بدولت اعلیحضرت ملکه اطمینان بدهند که هیچ‌چه عساکر روس بجزیره گالیپولی فرستاده نخواهند شد شاهزاده گرچاکف گفت که چنانچه نظر او میباید این مسئله راجع بحقوق انگلیس است و چون چنین است در باب آن البته نتیجه لازمه ملاحظات تعلق خواهد آمد و نواب معزی الیه گفت که جواب این مسئله را قبل از اصغای فرمایش اعلیحضرت امپراطور کما ینبغی نمیتوان گفت و باید حکمی از آن اعلیحضرت صادر شود و با وزیر جنگ نیز در این باب گفتگو کند و شاهزاده گرچاکف بجهة یادداشت آن مذاکره نامه را که من برای ایشان قرائت کرده بودم خواهش نگاهداشت و من به ایشان وعده دادم که پس از مراجعت بمنزل یک مذاکره نامه مشحون بر مطلبی که از ایشان خواستم خدمت نواب معظم الیه بفرستم بنابراین خدمت نواب ایشان یک مذاکره نامه حاوی مطلب تلگراف سرکار عالی با یک شرح مختصر فرستادم که سواد آن ملفوف است و شاهزاده گرچاکف وعده فرمودند که فردا خدمت امپراطور خواهند رسید

ضمیمه اول مذاکره نامه که لرد لفتوس برای شاهزاده

گرچاکف فرستاد — بتاریخ ۱۳ ژانویه ۱۸۷۸

نسبت بمسئلهٔ محرمانه در تلگراف اخری مذکوره با شاهزاده گرچاکف در شانزدهم بسامبر دولت علیحضرت
ملکه را عقیده اینست که هر عملی مبنی بر آن شود که عبور از داردانل در تحت اداره روس در آورد مانع بزرگی برای تسهیلات
واقعی شرایط گفتگوی آخر خواهد بود لهذا سفیر اعلیحضرت ملکه مامور است به اینکه از شاهزاده گرچاکف سوال کند که آیا
راضی است به اینکه دولت علیحضرت ملکه را اطمینان دهد که عساکر روس بهیچوجه داخل جزیره بالنجان نخواهند شد

کنت دربی به لرد لفتوس از فرکن افیس بتاریخ ۱۴ ژانویه ۱۸۷۸

آقای من با وجود اخبار شایع که بدولت علیحضرت ملکه رسیده است که متعلق به گفتگوی مصالحه شنیده شد
که عنقریب فیمابین دولت روس و باب عالی مفتوح خواهد شد و ملاحظه اینکه هر نوع گفتگو و ایراد امکان پذیری
بطرف شود دستور العمل من بجناب عالی اینست که به شاهزاده گرچاکف اعلان کنید که بعقیده
دولت علیحضرت ملکه هر عهدنامه که فیمابین دولتین روس و باب عالی منعقد شود و منافی عهدنامهای ۱۸۵۶
و ۱۸۷۱ باشد باید عهدنامه باشد اروپائی و صحیح نخواهد بود مگر به امضا و رضایت تمام دولی که امضا کننده آن
عهدنامه ها بودند

رقم دربی

لرد لفتوس به کنت دربی از پطربورغ بتاریخ پانزدهم ژانویه ۱۸۷۸ رقعه از شاهزاده گرچاکف
امروز صبح بمن رسید که مرا دعوت کرده اند بمنزل ایشان بروم و ایشان جواب سوال دولت علیحضرت ملکه
را به بنده بگویند که آیا نواب معظم الیه میتوانند اطمینان بدهند که عساکر روس شبه جزیره گالیپولی را
تصرف نخواهند کرد و بنده خدمت نواب معزی الیه اظهار تاسف کردم که چون نکته جزوی در مزاج ایشان پیدا شده
از بیرون رفتن ممنوع هستند دعا نمودم که جواب بهمان تذکره نامه را با همان اسلوبی که من عنوان کرده بودم مرقوم فرمایند

پس از وصول

پس از وصول رقعه از جناب شاهزاده گرچاکف بارون ژمینی را مامور کردند که مرا ملاقات کند و حامل جواب
شفاهی شود که مطلبش از این قرار است — دولت روس بهیچوجه خیال آنرا
ندارد که لشکرکشی به گالیپولی نماید مگر اینکه عساکر نظامی عثمانی در آنجا مجتمع شوند و امیدوار است که دولت علیحضرت
ملکه از طرح این مسئله در خیال تصرف گالیپولی بر نیامده باشد زیرا که اینمعنی منافی بیطرفی آن دولت خواهد بود و دولت عثمانی را
در مقاومت بجنگ جرئت خواهد داد و بارون ژمینی بمن اطلاع داد که این جواب را به کنت شوالف نیز تلگراف کرده اند
من به بارون ژمینی گفتم که چون مسئله را بطور تذکره نامه فرستاده بودم خوشتر دارم جواب آنرا نیز بهمان اسلوب
دریافت کنم و من این فقره را محض این مطالبه کردم که در این امور مهمه خود را گرفتار مسئولیت بزرگ میدیدم که سوال
و جواب متعلقه به آنها را از ضمن بکلمات شفاهی بپسندکذارم بارون ژمینی مرا گفت که بگوید دلیل دعوی مرا منصفانه یافت
و فوراً تذکره نامه را که به شاهزاده گرچاکف اجازت داده بود برای من فرستاد و اینجانب آنرا با انجام ترجمه
ضمیمه مسوده کرده خدمت بندگان عالی روانه داشتم

ضمیمه مخابره سابقه

دولت امپراطوری قصد آن ندارد که اعمال نظامی بجانب گالیپولی منتقل سازد مگر اینکه عساکر نظامی عثمانی
در آنجا مجتمع شوند و دولت امپراطوری نیز فرض میکند که دولت علیحضرت ملکه بریتانی کبیر در طرح این مسئله قصد تصرف
آن شبه جزیره ندارد زیرا که این معنی مطابق رسم بیطرفی آن نخواهد بود و ممکن است در اسلامبول محرک خیالاتی شود که مساعد انعقاد
و مصالحه نباشند

از لفتوس به کنت دربی از پطربورغ بتاریخ ۱۵ ژانویه
۱۸۷۸ شاهزاده گرچاکف توسط بارون ژمینی بمن اطلاع داد که علیحضرت امپراطور از اعلیحضرت سلطان تلگرافی
دریافت نموده که در آن تلگراف اعلیحضرت سلطان از طبیعت مجاربه اظهار تکدر و تاسف میکند و کمال میل خود را

در اتمام آن پیمان سفیر باید که دو سفیر و وکیل مطلق الوکاله و تام الاختیار به اردوی سردار کل عساکر امپراطوری مأمور کرده است
و بدین وارد است اعلیحضرت امپراطور روس حکم فرماید فوراً در تمام جدال اعمال جنگ با طی گفتگوی مصالحه با انجام
رسد معوق شوند امپراطور روس جواب فرموده که از تأسف از عملیات جنگ و میل به انجام آن [illegible]
دریغ نموده است که نواب گراندوک نیکلا در عقد شرایط مصالحه اختیار کامل دارد ولی اعلیحضرت امپراطور
راضی نمیشوند بر اینکه در مدت گفتگو اعمال جنگی معوق بمانند و بنابر قول بارون ژمینی [illegible]
امروز جیاید از اسلامبول به غازان لیک بروند

مسیو لایار به کنت دربی از اسلامبول به تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۸۷۸ نسخه تلگراف

لرد لفتوس که بندگان عالی برای اینجانب مکرر فرموده‌اند آن اقراری که بجانب ایشان کرده‌اند چنان منظور نظر
که مطابق نباشد با جوابی که برای سلطان فرستاده‌اند و حرفهائی که بگوش من رسیده‌اند از این قبیل است
که امپراطور نمیتواند از پیش راضی شود که اعمال جنگ منقضی و معوق بمانند مگر اینکه با عالی قبول کند
کمسار که منوط با آنهاست

کنت دربی به لرد لفتوس از فرکن افیس به تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۸۷۸

آقای من تلگراف جناب عالی را مورخه یازدهم اینماه دریافت نمودم که حاوی جواب دولت روس بود
درباب مطلبی که شما مأمور باظهار آن بودید و بارون ژمینی حامل آن جواب شده بود و مطلب اطمینان دادن اولیای
دولت روس بود از اینکه سپاه روس بهیچوجه رو به گالیپولی نخواهد رفت و دولت علیحضرت ملکه خیالاً
راضی است از تعهدی که دولت روس میکند که قصد آن ندارد امور جنگی را بجانب گالیپولی منجر سازد دیگر اینکه
عساکر نظامی عثمانی در آنجا مجتمع شوند و شما اجازه دارید که بشاهزاده گرچاکف اطلاع بدهید که دولت علیحضرت
ملکه با شرایط حالیه قصد تصرف محل مزبور را ننمود

رقم دربی   کنت دربی به لرد لفتوس از فرکن افیس به تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۸۷۸

آقای من در یک گفتگوی محرمانه که امروز سفیر روس با من کرد جناب معزی الیه اظهار داشت که ملاحظه بعضی اخبار
کاذبه که از روزنامه‌ها منتشر شده است که قرضه دولت روس خواهش کرده است کشتیهای جنگی روس از
بغاز اسلامبول و دریای داردانل ساری و متحرک شوند نهند جناب معزی الیه گمان میکند که خوب است اعلام
سنجیده بسازد از اینکه در شرایط اصلی اصول مصالحه نامه که برای گراندوک نیکلا فرستاده شده است هیچ
اشاره و ذکری از هیچیک از این دو نکته نشده است   رقم دربی

لرد لفتوس به کنت دربی از پطرزبورغ به تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۸۷۸   امروز مطلب تلگراف
بندگان عالی را درباب گالیپولی بصورت و اسلوب مذاکره نامه شاهزاده گرچاکف فرستادم

کنت دربی به مسیو لایارد از فرکن افیس به تاریخ ۲۴
ژانویه ۱۸۷۸ بعد از ساعت بعد از وصول تلگراف شما که حاکی بود بر اینکه باب عالی شرایط مصالحه
دولت روس را قبول کرده دولت علیحضرت ملکه به امیرالبحر خود تلگراف کرد که داخل شده و داخل
خلیج کوچک بزیکا لنگر اندازد

کنت دربی به لرد لفتوس
فرکن افیس به تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۸۷۸   آقای من
کنت شوالف امروز برای من مختصری تلگراف شاهزاده گرچاکف را قرائت کرد و این عبارت که ما تکرار
میکنیم که قصد آن نداریم به تنهائی مرتب کنیم مسائل متعلقه به اروپا را که راجع به شرایط مصالحه است

رقم دربی   لرد لفتوس به کنت دربی از پطرزبورغ به تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۸۷۸
آقای من   سرافرازم از اینکه خدمت بندگان عالی مسوده رقعه را که به شاهزاده گرچاکف نوشته‌ام روانه

کنم مطابق دستورالعمل‌های مربوطه از جانب بندگان سامی که حاوی مصائب مردمان عثمانی بود که از جلو عساکر
روس فرار میکنند و خواهش فرموده بودند که باسم انسانیت قبول شرائطی کنند که برای نجات و استقرار
رفاهیت این مردم بیچاره لازم آمد و همچنین استدعا کردم که بنا بر این سر لیارد اعلامی اطلاع نمایند که
جان و خانمان مردم عثمانی در امان خواهند بود خواه مسلمان و خواه مسیحی باشند و آن مردم واقع در بلادی باشند
که دچار ذلت و بدبختی شده‌اند

رقم لفتوس

ضمیمه لرد لفتوس به شاهزاده گرچاکف خدمت نواب والا عرض میشود چون
اعلیحضرت ملکه از سفیر خود که در اسلامبول است دریافت قصه‌ای حزن انگیز نموده است در باب بیچارگی ملت
عثمانی که در جلو رفتن لشکر روس و جوئی که بر آنها غلبه کرده است ملتجی به ترحم انگلیس شده‌اند در حالتیکه از خانمان خود
فرار میکنند و نه پوشش و نه کشتی دارند و نه آذوغه تمام جمعیت ملتجین از برابر اسلحه روسها گریزانند و در بین جمعیت زیاده
صد هزار زن و طفل است که در صحرا بار گرسنه‌اند و از گرسنگی و سرما حالت مرگ دارند در این بدبختی مراجع به عالی
از دولت اعلیحضرت ملکه استدعا شده است که محض انسانیت اعلیحضرت امپراطور روس را متمکن بسازد و ولاة آن
اعلیحضرت خواهش نماید که ملت عثمانی را از وحشت برهاند و خستگی را که سبب هلاکت و اذیت چندین هزار کسان شده نجات بدهد
مامول است که اعلان نامه از جانب سردار کل عساکر روس مطبوع شود که در آن متعهد حفظ جان و مال جماعت مسلمان
عثمانی شوند و این بیچاره کار را از وحشت و واهمه بیرون آورده و در میان ملتین محمدی صلی الله علیه و آله و مسیحی اما آنکه
در معرض واهمه و خوف‌اند امنیت و استراحت حاصل شود و بنا بر فرمایش لرد دربی این مذاکره نامه را خدمت
نواب والا مینویسم و امید دارم بیهوده نباشد و با فطرت خیراندیش و انسان نوازی که مجبول نواب والا
است فوراً اسبابی فراهم آورند که رفع این وحشت که سبب ابتلا و اذیت است بشود و بدین وسیله جان چندین

هزاران زن و بچه

هزاران زن و بچه را از هلاکت برهانند

رقم لفتوس

کنت دربی به لرد لفتوس از فرنگی فیس بتاریخ ۲۹ ژانویه ۱۸۷۸

آقای من از جناب عالی مستدعیم که به دولت روس اطلاع بدهید که دولت اعلیحضرت ملکه با وجود
اعتراف بر تمام قراردادهای منعقده مابین معوثین عثمانی و روس در غازان لیک برای وقوع متارکه و استقرار
اصول شرائط مصالحه که مابین دولتین متخاصمتین ناگزیر است اظهار مینمایند که هرگاه این قراردادها نوعی
باشند که تغییری در معاهدات دول اروپا وارد آورند یا آنکه منافی حقوق و منافع عمومی انگلیس باشند که
برای دولت اعلیحضرت ملکه ممتنع است که قرار و اعتراف بر صحت آنها داشته باشند مگر اینکه قراردادهای
مقبول واقعی تمام دول امضا کنندهٔ عهدنامهٔ
پاریس باشند

رقم دربی

کنت دربی به سفرای دولت ملکه در پاریس و ویه‌دن برلن درم فرنگی فیس بتاریخ ۲۹ ژانویه ۱۸۷۸

آقای من از جناب شما متوقعم که دولت .... را اطلاع دهید که دولت اعلیحضرت ملکه با
وجودیکه حاضر است در اعتراف بر قراردادهائیکه فیمابین وکلای دولتین روس و عثمانی در غازان
لیک معین شده است برای وقوع متارکه و بنای اصول شرائط مصالحه که فیمابین دولتین ناگزیر است
متعهد اقرار میکنید که هرگاه این قراردادها وضعی باشند که در معاهدات بین الدول اروپا تغییری بدهند
یا منافی منافع عمومی یا منافع بریتانی کبیر باشند برای دولت اعلیحضرت ملکه امکان نیز ندارد بهیچ‌وجه

رصحت آن قرارداد را اعتراف نماید مگر اینکه این قرارداد را مرضی و مقبول واقعی تمام دول که عهدنامهٔ پاریس را امضا
کرده‌اند بشوند و دولت علیحضرت ملکه امیدوار است که تحقیق سبب سطور فوق چون کلی مشروط بعهدنامهٔ جدا
خاصه عهدنامهٔ منعقده در لندن در ۱۸۷۱ میباشد مورد قبول تمام دول که اجزاء آن عهدنامه بوده‌اند خواهد گردید

رقم دربی

لرد لفتوس به کنت دربی از پطرزبورغ بتاریخ سی ام ژانویه رسید تلگراف دیروز بندگان عالی را
دریافت کردم که حالا مسئله صحت حصول شرایط مصالحه بود و امروز صبح شاهزاده گرچاکف مطلب آنرا
اظهار داشتیم نواب معزی الیه جواب گفت برای انعقاد متارکه بعضی از شروط مصالحه لازم می‌افتد ولی
آن شروط و حصول مقدمات هستند و نسبت بآنچه متعلق بدول فرنگستان است شروط مسئله آخری نخواهند بود
نواب معظم الیه فاش اقرار کردند که مسائل متعلقه بفرنگستان در معرض حل نخواهند در آمد مگر باتفاق دول
فرنگستان و بدولت علیحضرت ملکه در این باب اطمینانات و صحهٔ حتمیه داده است

لرد لفتوس به کنت دربی از پطرزبورغ بتاریخ سی ام ژانویه رسید شاهزاده
گرچاکف امروز صبح در جواب سؤال من گفت که فصل آخر شرایط صلحی که کنت شوالف فرستاده بود
نسبت بحقوق و منافع دولت روس در تنگه‌های مبهم و بمعنی است و من گفت که هیچ انکاری در حکم تمام
آن فصل نخواهد داشت و انکار نمود که این مطلب فیما بین دولتین روس و عثمانی بتنهائی گفتگو شده باشد و
مرا فاش اجازت داد که خدمت بندگان عالی عرضه دارم که دولت روس گفتگوی تنها را گفتگوی واقعی بین
الدول فرنگستان میشمرده‌اند و این مسئله نمیتواند حل شد مگر بصواب دید و رضایت تمام دول فرنگستان

کنت دربی به لرد لفتوس از فرنگی آفیس بتاریخ یکم

ژانویه آقای

ژانویه آقای من تلگراف دیروز جناب عالی را در باب فصل آخر
شرایط مصالحه را که کنت شوالف در بیست و پنجم این ماه انعقاد داشته بود دریافت کردم که راجع می‌شد
بیک قرارداد مابین دولتین روس و عثمانی در خصوص تنگه‌ها و من بشما اظهار میکنم که دولت علیحضرت ملکه با کمال
خوشنودی دریافت خبری نمود که شاهزاده گرچاکف در باب حکم تمام فصل مزبور ایرادی ندارد و خوشنود
نخواهند شد آنوقتیکه بشنود دولت روس آن فقره را بکلی خود حک کرده است

رقم دربی

از تمام این مخابرات اختلافات کلیه ظاهر است ولی در این فاصله امر عظیمی روی داد ملکه انگلیس در هفدهم ژانویه
مجلس پارلمنت را با خطبه ذیل که لرد کرن جزو شورای دولتی و مهردار آن خطبه را قرائت نمود

امرای من و آقایان من

موقع را چنان مقتضی دانستم که شما را قبل از موعد معهود باجتماع خود دعوت کنم تا بر شما معلوم نمایم مجاهدات مسلسله که فرموده‌ام
در باب انجام و اختتام جنگی که در این اوقات جزو شرقی فرنگستان و خاک ارمنستان را در معرض خرابی انداخته
است و از مجلس پارلمنت خود استمزاج و استمداد نمایم در باب حالت حالیه کارهای عامه مردم شما دیده‌اید که
پس از آنکه بیهوده کوشش در ممانعت این جنگ کردم اعلام نمودم که قصد من آنست در این منازعه که باعث
من نیست و نوشته‌ام اورا ادوار سازم بطریق احتیار کنم تا وقتی که حقوق و ولایات من بتصدیق‌های دولتین در
معرض خطر واقع نشوند و بهمان وقت مردم را نیز مستحضر ساختم که بکمال میل من در آنست که اشتهار فرصتی کنم و وقتی بدست
آورم که مسائل مابه النزاع دولتین متخاصمتین بطور استمالت و صلاح حل شوند
فتوحات جنگی روس در خاک اروپا و آسیا مابعلاوه لازم ساخته که نزاع و جدالی که سبب خرابی و

اذیت به این رعایای اوست منجر باختتام سازد و ازین باب دولت سلطان خیرخواهی دول معظم را که
عهدنامههای متعلقه بدولت عثمانیه را امضا کرده اند عیناً بحکمی طلبیده و غلبه رو که این مستدعا را انها نشده
است تکلیف خود را در قبول این مسئلت ندیدند و این عقیده را نیز به اعالی اظهار داشتند آن وقت اعلیحضرت قصد کرد
که این اختیار را احدا کانه از دولت من کرده باشد و نیز خود را راضی شدم از امپراطور روس استمزاج حاصل نمایم
که آیا آن اعلیحضرت افتتاح سخنان مصالحت انگیز را خواهند پذیرفت و امپراطور در جواب خود اظهار کمال میل و اشتیاق
کرد و بر طریقه و راه انجاح و نیل باین مقصود نشان داد و توسط من مابین دولتین روس و عثمانیه گفتگو باشد و امیدوارم
که این مکالمات عاقبت سبب آن باشند که مایل به انتزاع عطور صلاح و فلاح حل شوند و جنگ با تمام رسد و من از
هیچ کوشش برای تحصیل این نتیجه مضایقه و دریغ نخواهم کرد

تاکنون و تا آن وقتیکه اعمال جنگی در کمال طغیان بود و بند بسبب تیکه از طرفین متنازعه نقض شرایطی که بطرز من منوط و مبنی بانها
بوده است کرده اند و بسهولت بدرستکیم که طرفین مانند را اگر پاس احترام آن شرایط را حتی الامکان مبذول میدارند
تازمانیکه این شرایط نقض نشد اگر چه رای من نیز تغییر پذیر نخواهد بود ولی من شخص خود نتوانستم اینمطلب را پنهان دارم که
اگر از بدبختی خصومت ناچار بطول انجامد بعضی سوانح غیر مترقبه تکلیف مرا مقتضی خواهند ساخت که تدارک بعضی
کارهای احتیاطی را ببینم و مدارک احتکار را بطور شایسته دیده نخواهد شد مگر اینکه بکمال متضمن مصارف انجام
باشند لهذا من اعتماد و مدت و دلداری مجلس پارلمنت خود دارم و منتظرم که اسباب لازمه وصول باین مقصود را
برای من فراهم خواهند آورد و احکام متعلقه بانکار بدون تامل و تعویق بنظر شما خواهد رسید

روابط و مراودات من با تمام دول خارجه همیشه دوستانه است

و نیز بسی شکر دارم که قحطی جانگدازی که سمت جنوب هندوستان را ویران کرد عنقریب به اتمام است و از جانب دولت

محلی من کوششهای عظیمه مبذول شده بعمل آمده است که شخصی بر پنج سکنه نجار را تخفیف دهند و در انجام
این تکلیف امداد کریمانه رعیت من خواه در بریتانی کبیر و خواه در متصرفات خارجی عالی مجاهدات دولتی شده
است و من حکم کرده ام که اسباب فراهم آورند که بعدها از اینگونه مصائب تخفیف دهند

وضع کارهای داخلی در افریقای جنوبی در این اواخر قدری مایه ملالت من باعث
و تحرک مواظبت کامل امنای دولت من گردید و گمان کردم که اگر عساکر خود در این جزء ممالک خود تقویت کنم
سودمند خواهد بود و اعتماد دارم که اصلاح جنابات انگریزی عنقریب در این ممالک حاصل خواهد آمد

آقایان اجزاء مجلس شورای ولایتی

گفته ام صورت خرج و دخل مدة لهسنه را آماده کرده اند تا بدون تعویق بنظر شما برسانند

امراء و آقایان

طرح قانون متعلق بر ترقی و تنسیق ادارات
بنظر شما خواهند رسانید و وقت شما مجدداً باید مصروف قانون متعلق بدفاتر محاسبات و خلاصه کردن نسخ
محاسبین باشد و در بدو افتتاح مجلس پارلمنت سهم خود را مصروف امتحان قانونیکه از راه کوتاهی ایام تکلیف نوشته
شده است خواهید داشت

مسائل متعلقه بر انتها و ملتهای
ایرلند و مرضیحای ... و مدارس کمکت که بدون خرج آنها را برسند نیز از نظر شما خواهد گذشت و مخصوصاً امید
خود را در طریقه تعلیم متعلقات در ایرلاند و قانون قضاوت کل مملکت مصروف دارید و فیمابین تمام ممالک
در اصلاح و تغییرات این قانون باید بر مبینید که طرح و دستورالعمل بنظر شما خواهد رسانید که منظور از آن
اجتماع تمام قوانین متعلقه بخطیئات مؤاخذه پذیر است در رشته واحده
انجام این اهتمامات را موکول بمواظبت شما میکنیم و خداوند قادر متعال را خفه تربیه و تقدیس کلام شما

مسطلیم (آخر خطبه ملکه)

در مجلس لردها در روز سه‌شنبه هم ژانویه لرد بکونسفیلد پس از اینکه مدتی شرح مذاکرات و مقاولات دولت انگلیس را

در باب جنگگیری مبسوطاً اظهار داشت و رأی میل و خیال خود که در صدد انجام آنها است اقامه ادله نمود خطابه خود را

به عبارات آتیه منتهی ساخت

لرد نجیب. لرد گرانویل در باب اعتراضی که مطابق خطبه پادشاهی گمان کرده خواهیم طلبید بعضی از خطابات

و نکات اظهار داشت چون مجلس پارلمنت قدری به قید سه و قبل از وقت انعقاد یافت دلیلی نیست از اینکه

منتظر از این انعقاد استمداد از این مجلس خواهد بود لهذا این لرد نجیب چنین بنظر می‌آید که میل دارد محاجه کنند

در باب اینکه ما مجبوریم از شرح گفتن اعمال که ممکن است بعد از این بوقوع برسند ما نتوانیم حقیقت دعوی این مستمع من

را اثبات نمائیم   ولی ای آقای من باید از دخول در اینگونه ایرادات امتناع نمائیم

همینقدر قناعت میکنم باینکه اظهار نمائیم که دولت اعلیحضرت ملکه پیروی میکنند از پلتیکی که از بدو امر پیروی کرده بود

آن پلتیک منجر شد به گفتگوهای بیجنگیری که مأمول است نتیجه خوب بخشد و محتمل است فایده بخشد لهذا گمان

میکنم که دولت در این موقع دلیل صریح و صحیحی در دست دارد که امر به انعقاد مجلس پارلمنت کند و باید آن

اظهار نماید که پلتیک ما در برابر چشم شما است و هرگز آنرا از هیچ درجه ضعیفی منحرف نساخته‌ایم ولی همیشه رأی ما این است

است باینکه بعضی حقوق و منافع دولت انگلیس منوط است به آبادی و برکت این مملکت و آن حقوق و منافع

نشاء و سرچشمه‌های ثروت و قوت ما هستند و اگر این جنگ امتداد پیدا کند آن حقوق در معرض خطر خواهد افتاد

و اگر شما پلتیک ما را پسند کرده‌اید و اگر پلتیکی که مقتضی بیطرفی مشروط بحفظ و حمایت حقوق ما است قبول کرده‌اید

باز شما اقلاً اسبابیکه حمایت مزبوره را نگاه بدارد که کنند طلب میکنیم و شما هم اعتماد بر ما بدارید

[illegible]

من گمان لرد نجیب را که مرا متهم بتحریف آنچه میگوید کرده است تحریف

نخواهم کرد و در صورتیکه میگویم لرد نجیب از تنها بودن آن مملکت تأسف میخورد

ای آقای من   این تهمتی است عظیم و شکی نیست که اگر صدق باشد برای ملکه خطرناک خواهد بود

و بلیه عظیمه برای مملکت خواهد شد

اما من گمان میکنم که در باب چنین مطلبی مجبور خواهم بود که قبل از نتیجه (قبول) که به همین مخالف قدرت اعلیحضرت ملکه است یک امری

مملکت هم ضرر دارد که امتحان کنیم و غوررسی نمائیم این خبرها را ما بدون بیخواهی و طرفداری و لرد نجیب میدانم

تنها بودن ما را از چند ماه قدر اثبات نتواند کرد گویا در نیابت مستکی شده است باعلان سفارتی برلن چنین بنظر می‌آید

که انکار این اعلان هست او تنهائی ما شده و بخلاصه در اول وهله چون مطالب دیدیم که آن اعلان

برلن را منکر کنیم میگوییم این اعلان واقعه است که یکی از زبان رفته است زیرا که دولت انگلیس آنرا امضا نکرده و

امضای سبب تنها بودن با قدرت بدبختی نخواهد بود اما اگر عملی دلیل بر معاضدت و همدستی تمام دولت‌ها یکی

است و اگر ترقی در عالم بر آن واضح برای اتفاق دول میشود بدون شبهه ترتیب مجلس کنفرانس است چه

اتفاق افتاده و چگونه شده است که همان دولتیکه در حال تنهائی شده است چنانکه عقیده شما است بواسطه

امتناع اعلان برلن همان دولت در مجلس کنفرانس حاضر شده است بلکه همان دولت تکلیف انعقاد چنین

مجلس را کرده آیا از این فقرات عدم قدرت و تنهائی بروز میکند

اگر شما دیده باشید بطور تحقیق تصور کنید آنچه را از اعمال ناشی میشود خواهید دید که دولتیکه در اینجا اقدامی کرده است

و اقدام آنهم مردانه بوده است اعلیحضرت ملکه دولت انگلیس است آن انجمن را که شما فرض کرده‌اید انگلیس که برای اعلان

نامه برلن نگذاشت انگلیس که بواسطه تکلیف آن مجلس کنفرانس منعقد گردید من نخواهم میدانم بواسطه فت

وانگهی گویند که جنگ با پرتستان برقرار است و معلوم است که بواسطه قدرت انگلیس بود که باعتقاد شما
منفرد است و این مملکت است که در حالت انفراد و تنهایی کاری کرده که اگر تنها بود نمیتوانست بکند هرچند بخص کسی اسما
سؤال بکنم که اکنون کدام دولت است که شروع در استواری داده صلح کل اروپا کرده است بطوریکه
که آلمان متعدد و اطریش سرزال و فرانسه که در صدد تدارک و تهیه است با پرو دول معظمه پس از وجوب زبان
جنگی است ایشان انکار کردند زیرا که بود و اشکالات بود از قرار تقریر آن دول این کوششها را بیهوده میدیدند یا میدیدند
بودند و حال آنکه دولت انگلیس تنهایی بدون مداخله و بی جنگیری بوده و محض مداخله گفتگوی صلح در گرفت کافی است که این
گفتگو چنین مشکل است ولی گفتگوی حقیقی است که امید دارم با وجود موانع زیاد منجر بانجام این نزاع هولناک شود
اما این گفتگوها خواه باین مقصود برسد و خواه نشود آیا کدام دولت است
که قدم جرأت پیش نهاده و شعله امید را در اروپ که شرف تجدد خاموشی بود دوباره برافروخته و کار را بجایی رسانید
که دوف مانع در انجمنهای اروپا مصروف حفظ خوب آن دولت است این همان دولت است که بعقیده
شما منفرد و تنها است

فی الواقع دو دولت است که از اتفاق با سایر دول اروپا انکار کرده اند و آن دو دولت عبارتند از روس
و عثمانی دولت عثمانیه اخیرا اتفاق دول فرنگستان قبول کرده بودند ولی بواسطه رفتار سوء امیر عاقبت مبتلا نمیشد
از وضع دست کشیده و اعتبار خود را از دست داده و دولت روس باعتقاد من از این جهت مسئول بود که بواسطه عهد
رسمی بدون شکر با دول امضا کرده و عهدنامه روپارس گفتگو و قرارداد درمیان آورد و کاری که جنگی [illegible]
سپس نقض و دو آن دولت هم از اتفاق دول اروپا خارج شد
دولت [illegible] از اتفاق با دول فرنگستان دست کشیده پس انگلیس را دولت منفرد و بی شریک میتوان دانست

خبر اتفاقی [illegible]

و الحمد آقایان این وضع با چنین نیست و در ایرادی که لرد رنجیب بسر کرد نقل
قول میکنند بجای صدای منعکس است در ایرادات که جای دیگر گرفته اند بعضی از آنها محض حمالت بوده است
و بعضی دیگران از روی بی ملاحظه و بی تدبیری بوده است ولی با تعقل ایشان درجه اعلی داشته است و بواسطه تحریک
نفلی هیجان آمده است و لرد رنجیب که حالا این عقیده است برای من از همه کس میل دارد که دولت علیحضرت
برسد و مجانب شده است چون مطلب انفراد و تنهایی مذکور شد این
فقره را باید بگویم انفراد بر دو قسم است یک نوع انفراد است که نتیجه شیخوخیت و علت مزاج است و این قسم انفراد مهمل و
بی معنی صرف است و تمام این علامات دلیل سرد و لنگی رو به تنزل است بلکه مشرف بهلاکت است
ولی یک نوع انفرادی هم است که از صفات مختلفه بروز میکند و غالبا نتیجه اعتماد خود است با قوت و قدرت زیاد
با اسباب و ثروت فراوان و علاوه بر همه غیرت است که بواسطه دفاع حقوق شخص الهام شود
این مملکت منفرد نمانده بلکه از اول این بابت منفرد بوده است و
اما چگونه و چرا منفرد شده است انفراد آن بواسطه ملل تجربت اروپا بوده است و این دولت تنهایی
است که آزادی قلمرو ثبوت رسانیده و آنرا احیا کرده و این حق بزرگیست که اجداد شما آنرا احقاق کرده اند
و هر قدر عملی تجارت تحمل شود و هر قدر موانع مختلفه جهة هیجان آوردن خیال ملتی ظاهر شود و هر قدر ملاحظات
متفاوته شما را مانع شوند از اینکه اقدام بامور نمایید که اجداد شما پیشرفته بودند تکلیف شما آنست
که قدم بقدم بر اثر ایشان روانه شوید
اگر این علت تجدید می شد و اگر دولتی یافت میشد که صلح عالم را بواسطه نفوذی که برای آزادی عامه
عدم علاقه [illegible] داشت بهم بزند گمان میکنم که خیابان عالی [illegible]

حفظ چنین حقی در محاربه چنین حقی منفعتی از انگلیس تنها باشند

آقایان من   من بعد از لرد دربی رجوع نمایم با حرفی دیگر

بنده یکی از اعضای آن پیاشم ادا کنم و آنرا از ذهنی که گمان نکنیم خالی از اصل باشد بیرون آورم و خیال من آن

نیست که لرد دربی ثابت کرده باشد که از دعوت انعقاد مجلس پارلمنت ما عذاری گرفته باشیم که از روی

تدبیر و لزوم نزده باشد و گمان نمیرود که لرد دربی ثابت کرده باشد که پلتیک دولت هیچ وقت بی نتیجه

مانده است و من مجدداً اعتراف میکنم که ما هرگز از خیال خود منحرف نشده ایم و خط سلوکی را که باید به پایان آورده ایم

من گمان نمیکنم که در باب مضمون کونفرانس منافع و حقوق بریتانیای کبیر چیزی از لرد دربی بظهور رسیده است و گمان نمیکنم که

اهل مملکت بیدانند حقوق انگلیس چیست و اگر لازم نه بینند مدارکی برای مدافعه آن حقوق از دولت تقویت

خواهند کرد گمان نمیکنم که لرد دربی توانسته باشد به ثبوت رسانند که این مملکت در حالت انفراد است که

یا در حالتی است که ممکن باشد سبب ترضیه نشود و گمان میکنم که در ثروت تمام فرنگستان قدرتی یا ممالک محروسه

است خدا کند که در این گفتگوهای مصالحه که در میان است این اثر و قدرت بتواند منتج شود و اگر بتواند شود

من از جانب دولت خواهم گفت و اگر چه میگویند آرا مختلف است ولی در مجلس محسوس میشود که بیان کنم از

روی عقیده متفقه است و میل همه بر این است که این قدرت بکار برده شود برای منافع عظیمه انگلیس و بکار

برده خواهد شد برای ترک منازعات و برای آنکه هر قسم باشد صلح ثابت و پاینده و دائمی استقرار یابد ولی اگر ما

مدافعه حقوق این مملکت دعوت کنند و اگر آتیه یا تدارک حالیه با نقصانی بیابد ولی اگر بعضی مواقع متعرض شده که

مجلس پارلمنت اظهاری کرده باشیم و این اظهار نیز از یا تکرار شود و از پارلمنت اسباب و مدارک حفظ آبروی

دولت را با نگاهداری و مدافعه حقوق سلطنت خواهش کنم من یقین دارم که دولت از این خط سلوک بروی

خواهد نمود   آخر   در مجلس بیست و چهارم ژانویه رئیس سر نورثکوت در جواب مارکی

و هارتنگتن سخن را بجائی رسانید که عین اتفاقات آتیه را نمود

در باب مطلب اول که اکنون برای اظهار داشته شد که نسخه‌های استقراض فردا شب در دست اجزای مجلس خواهد بود

و در جواب سوال دویم یعنی سوالیکه متعلق است به عدم توافق عقیده که اکنون اظهار میکنیم با آنچه در روز اول

افتتاح مجلس گفته‌ام میل دارم به لرد دربی و مجلس یادآوری کنم که از آنچه تا آن وقت گفته‌ام کرده باشم در گفتگوی متعلق

نطق لرد دربی از من سوال کرده بود که آیا قصد ما آنست که فوراً طلب استقراض کرده باشیم بطور اشاره در نطق اعلی

اعلیحضرت ملکه مستفاد میشود در جواب این سوال گفتم اخباری نسبت بشرایط مصالحه رسیده است و چون

شنیده ام که مخاصمات قبل از یکروز یا دو روز آن اخبار منتهی شوند به اظهار و تکلیف شرایط مربوطه لهذا دولت

اعلیحضرت ملکه قصد انداختند که فوراً چنین تکلیفی کنند زیرا که ممکن است شرایطی که در آن روزها منتظر استحصال آنها

میباشیم وقتی معلوم شد چنین باشند که از معقول باعث اتو... شد که بیایند و دول نیز قبول کنند پس از آن

وکیل محترم ولایت کرین ویچ مسیو گلادستون اقرار است که من کردم شهرت پیدا از من سوال نمود که آیا

درست فهمیده است که من گفتم هیچ تکلیفی نخواهد شد قبل از آنکه در شرایط مصالحه استحضار حاصل کنم من بطور ایجاب

اشاره کردم ولی از مجلس باید سوال کنم که درست متعرف شوند که من گفتگو میکردم ملاحظه پیش بینی آنچه در

انتظار آن بودیم که در زمان قبولی شرایط مصالحه ما خواهند رسید در هر حال وضع نحوی بود که اهل مجلس ملتفت

خواهند شد که من هیچ پیش بینی نمیتوانستم کرد که اینکه در چند روز آخر شرایط مصالحه را خواهیم شنید اما از اوقات که

میگذرد و نه تنها ما از شرایط مصالحه ما خبری نداده اند بلکه رسیده ایم که عمل کرد دولت روس خیلی زیاد است

و در چنین مواقع بر دولت اعلیحضرت ملکه محسوس شده است که واجب است آنچه در خطابه غرای پادشاهی

است رد شده است تعویق نینداخت و لزوم پیدا کرده است که از مجلس پارلمنت خواهش کنیم که آنچه
مقتضی انجام آن است عمل آورد و اگر موقع تقاضا کند که این عمل معقول هست
من یقین دارم که اظهار عقاید مثل عقیده که مجبور از اظهار شدم مطابق عقیده و معتقدات
وارد و لیکن دولتکان کرد که بهترین تمشیت که این رای داده شود لهذا باید راهی که از خود شان بظهور رسیده
بموقع به تمام اجزا مجلس برسد خواه در لندن باشند یا نباشند و مطلب روز دوشنبه عنوان
شود بهتر است که این مطلب را چند روز تعویق بیندازیم تا ما را متهم بغفلت کرده مجلس متهم نسازد
من افسوس میخورم اعلام کامل تری در این باب از تکلیف من خارج است و لیکن روز دوشنبه آن اعلام
را خواهیم کرد (اخر)

در مجلس بیست و چهارم ژانویه واقعه عظیمه اتفاق افتاد که کشتیهای انگلیس حکم صادر شده بود که به دریای
داردانل بروند لرد کارناروان نایب وزارت بحری تکلیف خود را در آن دید که استعفا کند و در این
باب لرد ساندرویچ از رئیس دولتی سوال کرد که آیا میتواند دلیل احکامی را که بامیر البحر کشتیهای انگلیس داده
شده است برای او بیان کند و جواب لرد بکونسفیلد از قرار ذیل است

آقایان من   چون دولت هیچ خبر از گفتگوی مابین الدولتین متحاربتین
دریافت نکرده و چون عساکر روس خیلی نزدیک و باعث تهدید منافع انگلیس شد و آن بود بعد خبر رسید و چون
از سلطان بما خبر رسید که در اسلامبول جان مردم در تهدید امان نیست و به این جهت بی نظمی و بی انتظامی در آن
پای تخت شایع شده است لهذا دولت تکلیف خود را در آن دید که کشتیهای تقسیم خلیج از بیرحکم کند
بدریای داردانل بگذرد و باسلامبول برود در همان هنگامی که عزم ما بنفقره جزم شد مخابره تلگرافی به

دادیم با تمام دول

دادیم با تمام دول و بطریق اولی به دولت روس که در این تدارکات هیچ چه انحراف از جاده بیطرفی که
از اول قبول کرده ایم ورزیده نشده است اعلام کرده بودیم که مراتب بلیسپیک بیطرفی مزبور را حفظ خواهیم نمود
و مقصود ما از فرستادن کشتی حفظ جان و مال رعایای انگلیس است که ساکن اسلامبول میباشند و این کشتیها
نیز مواظب کنند از حقوق انگلیس در آن شهر و در وقتیکه این تدارکات را دیدیم خبر از شرایط مصالحه که گفتگو کرده
بما رسید و پس از امتحان و وقت در آن شرایط ما را عقیده این است که آنها عبارت شدند از اصول مصالحه که از
این باب حکم بامیر البحر کردیم که در خلیج بزیکا بماند و داخل بتگه نشود و نخواستیم خبر تلگرافی را اظهار کردیم در تمام خاک
فرنگستان منتشر و ساری گردد اخر

لرد کارناروان بیاناتی تقریر کرد و با وجود طول کلام ما باید تفصیل آن بیانات را ذکر کنیم زیرا که نسخه مختصر و صحیح از آنها
نخبه ای است از عبارات اجزا مجلس وزرای انگلیس بدین تفصیل
تکلیف من این است که از جنابان عالی استدعای تعاطف کنم که در مدت قلیلی من بعضی بیانات شخصی خود را بکنم
من محسوس کردم که تکلیف من این است که استعفا کنم از مشاغل که اعلیحضرت ملکه بمن سپرده بودند امروز بعد از
ظهر استعفای من مقبول افتاد و من در سر خدمت خود نخواهم بود مگر تا وقتیکه قایم مقام من مشخص شود
در چنین بیاناتی که بالطبع مزاحم و مصدع است لازم است که از یکطرف در زیادی
سخن گوید که برای استدلال غریبه گمان کرده است تکلیف او است اختیار نماید کافی باشد و از طرف دیگر
تکلیف او است که نه همین بر نهان چیزی گوید که دو تر او در حالت معطله نمیبیند از خاصه در جاییکه گفتگوی مصالحه
در میانست بلکه باید احتراز کند از هر که رنجش شود در جایی بنظر آید که میخواهد ملامت کند آنهایی را که با او همقطار
و دوستان او میباشند من میتوانم گفت که بملاحظه طبیعت گفتگو هایی که در این اوقات منتسب کرده شود

من یک کلمه حرف درباب ارسال و مرسول محرمانه که فیما بین دولت علیحضرت ملکه و وزرای خارجه شده
است لهذا بیانات من مختصر خواهد بود و تا وقتیکه این ملاحظات را منکر دوم قبول نکنیم آن مناقره را گواه
حذف این فقره بر بیانات من وارد می آید اولاً که مرا باستعفا کردن واداشتند عبارت شد از دو سبب اول
مأموریت کشتیها است و دویم طلب استقراضی است که دفتردار اشیکه در مجلس وکلا اظهار داشت من در
باب استقراضات چندان حرفی نخواهم زد اولاً که دفتردار اشیکه را عاریت نخواهم گرفت و گویا شرکت با
تمام مردم من در مجلس اول افتتاح پارلمنت چنین فهمیده بودم که از بیان دوست محترم من جناب مستغاث
میشود که درباب شورای استقراض هیچوجه تکلیفی نخواهد کرد تا وقتیکه شرایط مصالحه بعمل رسیده و در صورتیکه آن
شرایط چندان در معرض قبول و رضا در نیامده ولی چنین اتفاق افتاده که وقتیکه دوست محترم من اظهار استقراض
نمود هنوز شرایط مصالحه بدست دولت نرسیده بود و امتناع داشت از اینکه مشخص نمائیم که شرایط قابل
قبول هستند یا نیستند من محظوظم از اینکه از کنت پچی که رئیس دولتی است می شنوم که اکنون چون
آن شرایط معروف شده اند و بامتحان رسیده دولت آنها را جهت بنیان و حصول مصالحه پسندیده است
و من نمیتوانم در این فقره توضیح بیشتر از این کرده باشم مگر آنکه یک یا دو مطلب که مخصوصاً متعلق بمن باشد بیان نمایم
و من قصد آن ندارم که مطلب را منجر نمایم به سوابق و وقایع که نسبت به گفتگوی مشرق زمین وجود داشته اند در تمام وزارت
خانه اختلاف آرا باید باشد و ممکن نیست که در یک مجلسی که تعداد اهالی آن بقدر این وزارت خانه زیاد
باشد و نتوانند جمع شوند بدون اینکه اختلاف و معاذیری در عقاید آرا آنها روی دهند ولی برای استدلال استعفا
محض خود لازم است یکی یا دو مطلب ذکر کنم
در دویم ایشان در جواب بعضی معوثین که بدیدن من آمده بودند از وضع جنگ و میل دولت علیحضرت ملکه

[illegible]

سخن گفتم   ولی آقایان من   من نمیخواهم آنچه در آنوقع گفته
شده است اکنون نیز گفتگو کنم اما برای نیل مقصود بعقیده کافی است که بگویم وزرای دولت اجازه گفتن دارم که صدر
اعظم تکلیف خود را چنان یافته که سخنان مقوله مرا از معرض توهین و تحقیر در آورده
من فرصت پیدا کردم و مجدداً وضع خود را سنجیدم و در خط سلوک و رفتاری که باید پیش بگیرم تأمل و تعقل نمودم و در ترجیح
محض این مطلب مرتب ساخته ام و اکنون گمان میکنم گفتگوی از آن شرح را از من خواستند و کار بهمین جا ختم شد
و هیچ چه آنچه برای معوثین گفته بودم انکاری نه از مجلس و نه از عامه بگوش من نرسیده لهذا خود را محفوظ دانستم
و اکنون نیز محقق میدانم زیراکه چون خیال انکاری نشنیده بودم معلوم می شد که از رای سایر اعضای دولت انگلیس خیال
دور نیفتاده ام   و فقره ثانیه در روز دوازدهم شهر حال روی داد وقتیکه
در مجلس گفتگو میکردند که آیا مصلحت است که یکدسته کشتی به دردانل بفرستند یا نه و من برخلاف این
تکلیف رای جازمی اظهار کردم آنوقت هیچ چه دیگر عزم جزمی بروز نکرد ولی روز پانزدهم آرا بر آن قرار گرفت که
قبول آن تکلیف کنند و کشتیها را به گالیپولی روانه نمایند

آقایان من   در اینباب من ایرادات سخت داشتم هم از بابت
وقتیکه این تکلیف را کرده بودند و هم از بابت خود مدارک و فردای آن روز من در خدمت صدر اعظم نوشتم که
محض اینکه کشتیها را روانه نمودند استعفای مرا حضور ملکه عرضه دارد و در آن زمان موافق پیش که رای اورا تغییر
دادند و من شنیدم که حکم مأموریت کشتیها نقض پیدا کرده و برای وضوح این مطلب گمان میکنم بهترین کارها
آنست که صدر اعظم نوشتم بخواهم   از بروتن سرتیب تاریخ ۱۸ ژانویه
لرد عزیز من   دوشنبه گذشته که چهاردهم شهر حال بود شما را نوشتم

[illegible]

مرحمت فرموده بخصوص اینکه بشما فرمان حرکت به **داردانل** میرسد استعفای مرا خدمت ملکه عرضه

دارید بعد از آن بواسطه **مسیو گری** پیغامی از شما بمن رسیده که تلگرافهای بعد شما را براین واداشته

که تغییر عقیده بدهید و روز بعد که سه شنبه بود محض اینکه هیچ خیالی مضر برای دولت نباید در مجلس شورای

وزرا حاضر شدم و معلوم کردم که مجلس مایل نیستند شما ترک خیالی را که قبول کرده بود گفته من چون شنودم از

اینکه چنین عزم سلامت آمیزی جزم شده بود دلیل و برهانیکه این عزم مبنی بر آن است که مایه رضایت من

خواهد بود ولی چون استعفانامه اگرچه مشروطی است اکنون در دست شماست و بملاحظه طبیعت اشکال این

چنین امر عظیمی کمال تکلیف من این است که بیک طریقی که علت هیچ خیالی و خطائی نباشد بیان کنم وضع خود را

چگونه می بینم وقتیکه در مجلس آخری شورای وزرا من اظهار عزم استعفای مشروط خود را کردم و استعفا

را به شما اظهار را نکرد و شما هم هیچ دلیلی نخواستید پس لازم میاید که محل مبهم یا غرضی در کارهای تقصیر

در حالیکه من نبوده باشد من نمیخواهم جدا شوم از همقطارانم باینکه با آنها همیشه طریقه مودت پیموده ایم و شخصا

با آنها بوده ام و بر من محسوس است که در چنین موقعی اگر فیمابین آرا اختلاف یا مغایرتی آشکار ظهور بهم رسید

بکند برای خدمات عامه بسیار مضر خواهد بود و اکنون مایلند مواقع سابقه حاضرم در اینکه در باب

تفاصیل جزئی تغییر رای دهم یا با اجزای دولت توافق پیدا کنم ولی من حوادث و وقایع عظیمهای گذشته را

بدقت آزمایش کردم و خلاف آرائی که فیمابین ما از بدبختی بروز کرد خیلی عظیم بود در باب مطلبیکه برای مملکت اساسی

عمده است و دولت باید در آن امر رایش واحد و غیر منقسم باشد بنابراین این موقع را غنیمت شمرده ام

آنکه واضح و آشکار خیال خود را اگرچه تخیل مشهود شما و سایر همقطاران من است در روی صفحه کاغذ منعکس نمایم

و آن اینست که در حالت حالیه و در حالات مشابه آن تصدیق نمیتوانم کرد که اقدام بهیچ مداخله صلح آمیزی

بامور کشتیها کند

با سلوک شبیه با آن بشود و گمان میکنم که گفتگو و مسئله معهود وارد در دایره وزارت خارجه و سفارتهای بیرون فرستاده شد

بعد از آن طلب اعتراض و افزودن برخرج وزارت جنگ و وزارت بحریه را من مفید میدانم برای اینکه از بعضی خیالها

ای در این موانع تقویت بشود ولی هرگونه استقراضی که **پارلمنت** از او صرف لشکرکشی بخارجه کند مضا نخواهم کرد

اینکه موانع بجدی در درجه تغییر کنند که از تدارکات حالیه یا مراتب خارج و متجاوز باشد

ولاسیکه اقرار میکنم از بابت این مطلب در من پیدا شده بود مراتب اینها اقرار آمیز صدراعظم تسکین پیدا کرده

فرمود تا معلوم نشود که شرایط متقضیه دولت روس مایه رضایت و قابل قبول نیست دولت هیچ تکلیفی از ارباب

اردو یا اسلحه نخواهد کرد و چون مطلب را خیال واقع دولت میشمارم بر من محسوس است که اکنون نمیتوانم

قناعت کنم بر مبنائیکه منوط بوضع و منصب من باشد و حتی الامکان آنها را توضیح کردم و با شماست که امتحان

فرمائید که آیا این عقیده بنظر صحیح میاید بنظر شما و سایر همقطاران من هم صحیح است یا نیست و بسیار ممنون خواهم

بود از اینکه در وقت فرصت و موقع خبری از خود بمن رسانند

رقم کارناردن آقایان من **کنت** و صدراعظم رقعه مهربانی بمن نوشته و اگر

چه مهربانه بوده است ولی گمان میکنم که اگر کلامی که با آن منتهی میشود برای شما نخوانم چندان جای تعجب

ایشان نکرده باشم و آن اینست پس از استعفانامه شما را بلکه تقدیم

نخواهم کرد زیرا که چنین کاری مرا از همقطارانم قدری محروم میسازد و در هر حال باید از آن آگاه است برای فرقیکه فیمابین

عقاید یا که نوع اختلاف و مغایرتی در میان پیدا شود و حالا که چنین موقعی بنظر من نمی آید

کاغذ من در سه حد هم شهر حال نوشته شده که روز بعد از افتتاح مجلس **پارلمنت** بود و جواب صدر

اعظم نیز مورخ بهمان تاریخ است لهذا گمان کردم که با کمال اطمینان میتوانم تعیین کرد که امور کشتیهای مجلس

مدر بابای عثمانی اقلاً تا مدتی بعد بکلی موقوف شده است ولی روز بیست و سیم ژانویه دوباره از مجلس تجدید

تکلیف شد و بعد از گفتگوهای زیاد آرا بر آن قرار گرفت که حکماً یکدسته کشتی روانه کنند من حس کردم

که پیش از خطوات احدی از این فقره نمیتوانم رفتار کنم و آن رفتار از این رقعه معلوم می شود

بروتن استریت تاریخ بیست و چهارم ژانویه ۱۸۷۸

لرد بکونسفیلد عزیز من   در روز بعد از خبر مجلس وزرای داد که فوراً حکم با میرالبحر صادر شود یکدسته کشتی

اسلامبول برود و مجلس وکلا را دعوت کنند که مبلغ گزافی بدولت تسلیم نمایند تا صرف افزودن لشکر و

سلاح شود ایرادات من در چنین تدارکات اندک زیاد نیست که در صورت چنین تکلیفی بکار ایشان شده است

و استعفا نامه من داده شده بود از بابت آنکه احتمال این امر برفت عاقبت تکلیف معقول افتاد و اگر

بجهت مختلف قبول نشده بود ولی حالا آن تکلیف تجدید شد و مجلس وزرا آنرا قبول کرد چون گمان میکنم که در

این فاصله زمان چندان تغییری در اوضاع پیدا نشده است که سبب لزوم گردیده باشد دیگری شق

نماند در تکلیف خود نمی بینم که هر چند دوری از همقطاران خود تاسف دارم از شما خواهش میکنم که حضور علیاحضرت ملکه

استعفا نامه از جمیع خدمات که مرا به آنها سرافراز فرموده بودند عرضه دارند   ارادتکیش صمیمی کارنادن

این رقعه را دیروز نوشتم و امروز این جواب از صدراعظم من رسید

دونینگ استریت ۲۵ ژانویه ۱۸۷۸   لرد کارنادن عزیز من با احترام بشما خبر میدهم

که اعلیحضرت ملکه استعفای شما را از وزارت بکلی قبول فرمودند و از روی مرحمت از جانب اعلیحضرت اجازت به رقعه

اید که در مجلس خاص شرحی از آنچه گذشته مطابق اطلاعات خود هر چه لازم بدانید جهت استدلال این رفتار

و سلوک خود اظهار بدارید   جناب عالی ملتفت خواهند بود که نوشتن در

مدت یکسال

مدت یکساله از عدم مساعدت بخت خود در باب امری بدین عظم و اعتبار با مجلس وزرا در معارضت

و اختلاف رای بخت بسر برده گردم و در این مدت خود را مجبور دیدم که دو نوبت استعفانامه خود را بحضرت

صدراعظم تسلیم کنم البته دو نوبت حکم مأموریت کشتیها بدریای عثمانی نقض پیدا کرده بود اما نمیتوانم ادعا

کنم که این نقض بواسطه قبول رائی که من در این حکم داشتم نموده است بلکه بواسطه بعضی سوانح بوده است که از اوهام

بظهور رسیده بود   من خیلی خوشنود شدم که دولت علیه از ادای نقض حکم فرمود

و نیز مشعوفم که اگر بدبختی مرا از همقطاران جدا کرد بواسطه اختلاف عقیده بود اگرچه آن اختلاف عظیم شده بود ولی

این جدائی بواسطه خطای علاوه نشده و چنان میدانم که آنچه بجا گفتم ثابت کند که مدت است مابین

اختلاف رای بزرگی بود نسبت بقانونیکه بموجب آن قانون پلیتیک بیطرفی رفتار نماید

در این اظهارات من مایل نبودم که بجناب عالی زحمت کرده باشم که از دادن

استعفای خود عجول و بوالهوس بوده ام و میل دارم که از صدراعظم بلایست که استعفانامه مرا تحقیق

کرده و رد کنم من ملتفت میشوم که این کنت نجیب با عقیده من مدارا میکرد و وقتی مجلس وزرا قبول کرد

که کشتی در آب عثمانی برانند راه سلوکی پیش گرفت که خیلی از پلیتیک بیطرفی دور بود زیراکه مخوفات ما را به تنگ

هیچیک از دولتین متخاصمین نقض بعضی از شرایطی که با خود قرار داده بودیم نکنند آن بیطرفی را حفظ کنند

و در روز هفدهم ژانویه در خطبه پادشاهی معلوم شده بود که هیچیک از طرفین متنازعه نقض شرایط مخصوصه نکرده اند

و مطابق آنچه من میدانم هیچ کاری از هفدهم تا بیست و سیم بظهور نرسیده که دلیل بر انحراف از آن پلیتیک بوده

من نیز گمان کردم که وقتیکه مجلس وزرا آن جهته قبول فرمودند

رفتاریکه منافی عقیده من بود منتخب کرده است نه خیالی و نه احتمالی بوده است زیراکه وقتی بود که گفتگوی

طرفین نزاع بجای قیمتی رسیده بود و چنین بدارد که ممکن بود اثر بسیار خطرناکی داشته باشد زیرا که علائق
تجری دولت عثمانی و تهدید دولت روس میشد و نیز خیال کردم که پلتیک خطرناکی خواهد بود که انگلیسها را
جائی قرار دهیم که بهمین حوادث جنگی در آنجا میبودند کشتیها را در معرض سانحه وارد کنند بلکه بتوانند تحریک و
فسادی نمایند و ما را در مصاحبی اندازند که پیش بینی و سنجانیدن آن ممکن نبود و چنین بنظر من آمد که از جانبین
سلوکی با میل سابق تماشای خود را از دست ندهیم و میل تهدید که از طرفین نزاع امید داشتیم و وضع بیطرفی را
شاید تبدیل به وضع نتایج بکنیم و دو اتفاقات بیش نکنیم قدم جنگ است خیال من است که پلتیکی که
تاکنون دوست نجیب من وزیر امور خارجه حفظ کرده پلتیک عاقلانه بوده است و پلتیک بانتیجه بوده است که
بواسطه آن از تهدید طرفی و نه از طرف دیگر احتراز میکردیم و اگر با اتفاق انگلیس و روس انکار از طرف دیگر
با عثمانی گفتگو میکردیم و میتوانستیم حفظ حقوق فقرا که عهدنامه پاریس داده بود بدکرده باشیم و علاوه بر جمیع بهیچوجه از بیطرفی و حمایت
شروط عهود و انحراف نورزیده بودیم و درهمین ضمن آقایان من با کمال استحکام اظهار خود را در شرکت قرار داد
و آخر این امر میتوانستیم کرد یعنی در چیزهائی که حقوق انگلیس و دول فرنگستان منوط با نها بود با ما بی هیچ وجه از
این پلتیک دور نخواهیم شد من خیلی متضرع از وفات خیلی با اتفاقی سالم اما اگر مجلس مرحمت فرموده رخصت دهد
میل دارم چند کلمه بگویم در باب مطلبی که مربوط است با آنچه گفته ام و بواسطه آن مرا دچار تاویل واهی کرده اند و فرض
کرده اند که در جواب مسیو تیبر مذکور قبل من گفته ام که جنگ **قرم** از بیعقلی بوده است من هرگز خیال گفتن
چنین حرف واهی ننموده ام من گفتم با عبارتیکه اکنون تاریخی شده است که این جنگی است که در آن انگلیس و روس
از کنار در رو افتاده اند و گمان نمیکنم که کسی در این جنگ با خوشنودی نظر انداخته و نیز گفتم گمان نمیکنم مجلس تقدیر
بیعقل باشد که بخواهد آن جنگ تجدید شود وقتی من خیلی جوان بودم ثواب و سعادت بودن در آن جنگ **قرم** را

بهم رسانیده ام و با یکی از

بهم رسانیده ام و با یکی از اشخاص صیلکار گذاران معروف آن جنگ بود همراهی داشتیم **لرد لیون**
مرحوم تمام تفصیل این جنگ را برای من حکایت کرد و همین خطور که اکنون در مجلس است آنوقت هم در نظر من
محسوس شد که در هیچ جنگی صفات حمیده و خلقیه ملت ما بان اندازه بر ملا که شرکت در آن جنگ میکرد با **خانم جیم**
دل که مرضخانه **سغوتری** مشغول پرستاری بیماران و زخمداران بود اما آقایان من پس از اینکه بیش از
بیست سال گذشته است نتیجه این جنگ چه بوده است من آن نتیجه را نمی بینیم و این جنگ حالیه را
نشان میدهیم و میگویم که آن شاهکار ممتنع است کسی هرگز نتواند شبیه کند

آقایان من خیلی افسوس میخوریم که عزم را در دادن
استعفای خود جزم شد زیرا که در مابین اجزای دولتی بعضی هستند که من با آنها بستگی تام دارم نه همین بواسطه
دولتی و منصب است بلکه بواسطه دوستی دیرینه است که میتوانم گفت درازی آن دوستی مطابق است با طول
عمر من لهذا با رنج عزم خود را در دوری از ایشان جزم نکردم میدانم که از بسیاری از اصول عمده بریده است
که مرد نباید از نقض خود دلتنگ شود من خیلی ممنونم از اتفاقی رائی که محض لطف همقطاران با من داشتند
ولی امیدوارم که هرگز به آنها اتفاق حکمت با عقد و مجبوری نکرده باشم چیزی است که ملتفت شده بودم که باید این
نتیجه پیدا شود یا باهم راه را همی پیموده ایم تا به نقطه رسیدیم که در آنجا دو جاده جداگانه بود و من گمان میکنم که باید خود
همراهی و معیت همقطاران من در صراط مستقیم بماندم و اما همقطاران من در عقیده غیر از من هستند ولی اینم
که وقتی مردی تابع روشنی عقیده خود و طالب سرافرازی شخص خویش گردید اگر قدمی بخطا زند هموطنان
چندان بر او سخت نخواهند کرد
یک مسئله یقینی است و آن این است که حالا باید اجزای دولت اعلیحضرت ملکه یکپارچه باشند و

چون اهل مجلس شورای خود کسی را که با نهایت اختلاف رای داشت خارج کردند اولا استعفای من از جوابی
بخشیده است   در باب اداره مخصوصیکه من مامور ترتیب و نسق آن بودم
ماشغلی را که از ترک آن دارم با کارهای سابقه تمام گذشته ام چنان حس میکنم من فی الحس مجبورم که در بالای یکی از
شعب بسیار معتبر مملکت که بوزارت جنگ متعلق است ولی میتوانم گفت که این چهار سال وزارت من سزاوار
بوده که از سوانح عاری بوده باشند خاصه از جنبه تاریخ تصرفات خارجی و ما من در این چهار سال که از وزارت
خدمت خود خیلی خوش بخت بوده ام هم از بابت کومک صاحب منصبان عالیه یعنی با شرین دیوانی که با کمال کوشش و
بذل همت و هنر در کارها میکردند سرافراز بوده ام و هم از دوستان خود خوشنودی داشتم که امرا در کار با نصیحت بسیار مفید موید بودند
و هم از حریفان پولتیکی خویش سعادتمند بوده ام که دریغ از حمایت من ننمودند من سعی خواهم کرد که اندک تجربه که
در این خدمت خود حاصل کرده ام تمام تمام خویش عرضه دارم و هرگاه که من بتوانم بطریقه با و باید دولت
اعلیحضرت ملکه کرده باشم بدون کم و زیاد و بی مضایقه بعمل خواهد آمد   آخر کلام وزیر بحر

لرد بکونسفیلد این عبارت جواب لرد گارنادن را گفت

آقایان من

گرامی دوست نجیب من کنت وکارنادن در مجلس اظهار ادله که او را وادار شد از شورای دولتی کناره
کند بیان کرد و من او را در تمام مطالب تعاقب نخواهم کرد ولی من باید بگویم که نتوانستم فهمید که چگونه این ادله
بنظر او کافی آمد که او را وادار شد از همقطاران خود جدائی جوید
دوست نجیب من   شما خبر داد که این نوبت اول بوده که تکلیف خود را در استعفا کردن دیده بود در حق
من عدالت کرده از اینکه گفت که من تعجیل هرگز در قبول استعفا نکرده ام و گفت که خیلی مستعد است در

در قبول ازدیاد لشکر

در قبول ازدیاد لشکر بری و بحری ولی اشاره کرد که این ازدیاد استعداد در این موقع جائی که تهمت که نقض
طبیعی که تاکنون قبول کرده بودیم بکند و خیال کرد که در این موقع اعتمادی در قبول بیطرف بودن ما نخواهند
و حال آنکه مسئله سهل است اصل قانون پلتیک در باب محاربه ما پیدا است و آن محاربه ما بر حسب قرار نامه
از جانب دولت ما بیطرفی شروط که مبنی است بر احترام واقعی حقوق انگلیس که در رسال رسول کرد شروح خانه
شده کلیتا معین شده است صیان نکاتی که در این فقره تعداد کرده ایم که کلی شامل است بر مواظبت ما باشند بشهر
اسلامبول و عهدنامه متعلق بتنگها و وضع در دانل است و ما اعتراف میکنیم بعبارتیکه با وجود کمال [illegible]
کمترین شایبه ابهام از آن دور است که تصرف شهر اسلامبول را میتوان از نظر ما بی تفاوت فرض کرده باشد اگر کرده ایم
که عهدنامه هست که متعلق است کشتی رانی در تنگها و اشاره نموده ایم که وضع در دانل با تعلقی هست که [illegible]
شان بحفظ است از مملکت حالا منظور ما از فرستادن کشتی در آبهای عثمانی چه بوده منظور حمایت و حفظ حقوق است
که در این محاربه بیطرفی کرده ایم ممکن نیست بتوان گفت که کلمات این محاربه حتمی و واجبی بوده اند و قسمیکه با
ولیس میشنیدیم میفهمیدیم و گمان بکردیم و حکم بر همقطاران من هم میفهمیدند که با وجود میل بقبول بیطرفی ما مسئول بودیم
که بواسطه تکلیفیکه نسبت به پادشاه خود و نسبت بمملکت خود داریم حتی الامکان باید کاری بکنیم که از
حقوق معینه منظوره حفظ کرده باشیم   اما در محاربه مسائل دیگر هم هست و مخصوصا
اشاره معتبره در باب مصر است و در این باب گفتند که ما در نکاتی اشاره میکنیم که با اشکال میتوان آنها را [illegible]
قرار داد اگر اشخاص صبکه این ایراد را گرفتند مانند ما صاحب نجابت امور مصر بودند میدیدند که اسباب تدارک
شده که برای این مملکت بسیار عظیم و خطرناک و مخالف اصول قانون است اگر ما در این باب احتیاط و سلطنت [illegible]
تکلیف خود را چنان دیدیم که دگری از نظر کرده باشیم و اگر چه این دولت دولت خراج گذار و تابع است و محکوم سلطنت است

که بدولت متبوعه خود قشون نفرستند خارج از احتمال هیچگاه واقع نشده است

پس من نتوانستم گفت که آنچه را در مجلس وزرا در اول افتتاح گفته‌ام آنچه را که در آنجا
باهمان وضوح دوست نجیب من مارکیس سالیسبوری بیان کرد برای اینکه بدانید پلتیک ما هرگز تغییر نکرده است
و هرگز در اینباب هیچوجه خلاف رای مجلس وزرا نبوده است و نسبت به پلتیک در اروپای شرقی و مسایل آن از
آن هرگز بوقتی از آن اتفاق نیفتاده که یکی از اجزای مجلس وزرا رای داده باشد که باید از خط پلتیک خود دور شویم
در باب اینکه این پلتیک را چگونه باید بخرج داد و مجری کرد البته خلاف آرا پیدا شده است ولی در خصوص
پلتیک بطرزی که باید در صورتیکه حقوق و منافعی که حفظ آنها بر ما واجب است خللی پیدا نکنند و از خصوصیات ما
بکلی بیطرف خواهیم بود من اعتراف میکنم که بهیچوجه و هرگز مغایرت و اختلافی در میان نبوده

افسوس میخورم که دوست نجیب من چنین گمان کرده که از وضع مذاکرات بعد
منافع ملتی ما در باب اسلامبول و تنگه‌ها و در دانل ها نتیجه‌اش باید آن شود که ما از خدمات لاتعد او محروم شویم ولی
من باید تصدیق خود و همقطاران خود کنم از اینکه از صدد و حکم مامورینت تنهائی ما در آنهائی غنائی گمان میکنم که
دیگری نکرده‌ایم مگر آنکه پلتیکی که با کمال صداقت در مجلس وزرا و در مجلس وکلا عرضه داشتیم مجری نموده‌ایم
و آن پلتیک را این دو مجلس پسندیدند و اهل مملکت هم ما را از حفظ آن تحریص و ترغیب نمودند

آقایان من

جای تأسف است که کنت کارناون چنین لازم دانست که بیانات را که شما شنیدید بکند آیا خوب بود که
با حالت حالیه امور و بعد از آنکه در برابر مجلس و تصدیق خود او دولت قبول کرد که حفظ بعضی از حقوق
ملتی را خاصه آنچه متعلق بتصرف اسلامبول و تنگه‌هاست در عهده بگیرد و بار دولت علیحضرت ملکه کاری نکنند

قبول بستن داد

ممکن نیست خیال کرد که تدارکاتیکه ما دیده‌ایم کافی نیستند اگر
چه من حاضرم در اینکه خلاف آنرا ثابت کنم و ادعا نمایم که آن تدارکات را ما تقسیمی دیده‌ایم که آنها را
خوب و قابل آن میدانیم که یک اثر سلامتی انگیزی بخشند و افسوس میخورم که از قول آن وضع نتیجه چنان
شده است که از خدمات کنت نجیب محروم میمانیم ولی ما باید بمجلس اظهار کنیم که این تدارکات کلی مطابق با آن
پلتیکی که مقبول دولت علیحضرت ملکه شده بود و با پلتیکی که ما قوام دادیم که میل داریم بمتابعت آن کنیم یعنی
پلتیک بیطرفی و خنثائیت مبالیتی آن باشد که حقوق مملکتی باید حفظ شود من بهیچوجه حامی مسالمت
نخواهم بود ولی در باب حفظ منافع مملکتی و پاس افتخار مملکت آن من جانفشانی خواهم کرد (آخر)

در مجلس بیست و هشتم ژانویه سیر استافرد نرث کت

دفتردار انگلیس بمجلس وکلا اظهار مطلب ذیل را کرد

خوب باید این تکالیف در هر حال تأمل بسیار عظیمی دارند در باب آنچه متعلق بکنه اول است باید مجلس را تصور
کنند که بحث متعلقه بلفظ بلغارستان جنوبی بلغارستان عبارتست از تمام خاکی که واقع است ما بین حدود
طوایف بلغارستان با نسبت مطابق آنچه در کنفرانس مشخص شده و اگر من کتابچه کنفرانس را بخوانم می بینم که
سرحد جدیدی که برای بلغارستان معین شده است تقریبا حدائی هستند که در صفحه ۱۲۳ در اسلامبول متعلقه
بکنفرانس ثبت شده و در این حدود به سالونیک است و به گاوالا ولی یکی در آن نیست که این حدود
ممتد میشوند تا سواحل دریای اژه و چنانچه در این جزء کنفرا
نس مشخص شده است بلغارستان عبارتست از تمام بار دیگر به تمام جزء مرکزی خاک عثمانی در اروپا
ممتد میشود در جنوب کوهستان بالکان تقریبا تا دریای اژه و شهر سالونیک برای اینکه مطالعه کرده‌ام

[illegible]

فرض میکنیم که از خاک انگلاند جزیره انگلیس شمالی قطعه جدا کنید که از نرتومبرلاند و دجام است
و اند شیر فرود آید و ایالت گال و کرنوال و تحمیل میدلسکس و زاویه شرقی انگلاند را فرا گیرد و به این
قطعه شمالی ولایت باجگذار مستقل القانونی احداث کنید

من دیگر هیچ حرفی ندارم که دوباره در این شرایط بزنم همینقدر میل دارم که
مجلس امتحان کند و ببیند که آیا این شرایط معقول میباشند و باید منفعت آنها را بدهند من اول اجال شما را
مصروف میکنم بوسعت مملکتی که سخن آن در میانست و محل تفریق آن یکی از خاک اسلامبول و آن قطعه
زمین کوچکی که بلا فاصله ملاصق آنست که از تمام اتصالات با بقیه متصرفات عثمانی در خاک اروپ قطع
است آیا وضع این مملکت چه خواهد بود
باید آنرا تحویل کرد به یک ایالت شاهزاده نشین مستقل القانونی اما آن
من شما باید بخبر که ولایات لفظ اتونمی (استقلال قانون) چه قدر مختلف شدند هم در کوشش
سال گذشته شما و هم در سایر دول ولی نمیدانستند که چه اتونمی باشد آنوقت لفظی اختراع کردند و همه کس
قبول کرد و آن لفظ اتونمی ادمینیستراتیو بود (استقلال قانون اسنداره) دولتی
و معنی آن یکنوع دولت آزاد محلی بود که در تحت دولت مستقله سلطان باشد ولی امروز می بینیم که طرح صحیح
دولت باجگذار مستقل القانونی میریزند بلکه طرح ایالت شاهزاده نشین باجگذار میریزند یعنی طرح مملکتی را مثل
صربستان و رومانی قبل از جنگ و این یک کار بسیار خطرناکی است و یک سوالی عنوان کرد اینکه آیا
شاهزاده را که باید بر سر این مملکت باجگذار گذارند چگونه انتخاب خواهند کرد و در جواب خبر صحیحی نداریم اما
این گفتگوهایی که مشهور است یکی که منظور است شاید آن است که آن شاهزاده را امپراطور روس منتخب خواهد

نمود در این صورت در مرکز خاک اروپای عثمانی ایجاد یک ایالت شاهزاده نشین خواهند کرد که از حیث وسعت
و ثروت یک کمال اعتبار را دارد ولی شاهزاده اش باید باج به عثمانی بدهد اما جانشینان امپراطور روس باید این
نگوییم که این خبر مشهور است ولی اظهار میکنیم که چنین خبری بما رسیده است
تکالیف مصالحه را که برای شما خواندم و میتوانم گفت که تا یک حدی صحیح اند هیچ نمو
رسما از دولت روس بما رسیده است و میتوانیم بدانیم که آیا آن تفاصیل کاملند و این یکی غیر
منظمی است که باید منفعت آن بود — من میخواهیم در باب سایر
اجزا مملکت عثمانی که تا کنون باجگذار بوده اند و اکنون آزاد شده اند حرف بزنم مگر اینکه معلوم نمایم که
تمام مسائل متعلقه بوضع آنطرف بالکان قراطاغ و رومانی و خود بلغارستان هم اگرچه فایده ثانوی
داند که برای ما داشته باشند ولی یک طبیعتی دارند که برای دیگران که غیر از ما هستند خیلی اهمیت پیدا میکنند
و ممکن است سبب اشکالاتی شوند که اکنون ممتنع است عظمت آن اشکالات را معین و حساب کرد

اما در خصوص جریمه عثمانی باید بروس ادا کنند من میل دارم بگویم که با کمال
منتظر آن بودم که روس بعد از چنین جنگی جریمه مخارج جنگ را مطالبه بکنند ولی شرط احتیاط سهم نمیشناسند
و مورد ما و ولایات مربوطه است هیچ از مبلغ جریمه حرفی نیست با اینکه یک حرفی نمیزنند که معاملیش آمده که پیش از
سکوت است مثلا میگویند این جریمه را چه وضع باید ادا کرد جریمه نقدی امری است که باید با تعیین نسبت بود
مقدار معین گفتگو شود و هیچکس را جای حرفی نیست لیکن ما شنیده ایم که وضع عثمانی طوری نیست که بتواند از عهده
ادای جریمه عظیمه نقدی برآید و وقتی هم که نتواند از عهده برآید وضع نوشتن این شرط تقسیمی است که چنین بنظر
میآید ممکن است که چنین منجر شوند در صورتیکه بتوانم بگویم چنین هم است که روس پس از آنکه غرضش در

اغاذجر نمیه جزم شد حاکم ترجیح خواهد داد و آن جریمه وضعی است که نه همین برای عثمانی گران است بلکه
نزد سایر دول نیز اهمیت تمام دارد

من هیچ اطلاعی ندارم که بتواند در این باب دلیل و هادی من شود ولی فرض میکنیم که در بین حالات ممکن الوقوع که شاید کار ما بانجا منجر شود با فرض روسها بندرهای سالونیک و ازمیر را مطالبه کنند
نمیگوییم چنین مطالبه را خواهند کرد ولی برای تتمه قول خود فرض دوری میکنیم که
شاید روسها یک جریمه خاکی بطلبند که ما مایل باشیم بنابراین شرایط مصالحه را که وضع کرده‌اند نسبت به تکلیفات متعلقه بروس باید شما برای امتحان بخواهیم کرد که آیا بالاصاله این شرایط از روی قاعده باشند ولی مقصود من این است که شرایط مولد مسائلی میشوند که دامنه گفتگوی در آنها مراتب وسعت بیشتر از مسائل متعلقه بدولتین متنازعتین است و تعجیل میکنیم در اظهار اینکه باید ملتفت باشید که وضع مجلس امتحان دول اروپا در باب شرایط مصالحه کمال وجوب را دارد دیگر در حصول این مصالحه نامه پیش از یک فصل نخواهیم شمار از حرف دوم که باید ملتفت باشید و آن فصل آخر است که در آن گفتگو میکنند از اینکه بعد با قرارداد مرضی الطرفین در باب حفظ حقوق و منافع روس در تنگه‌ها خواهند داد و منظور داردانل‌ها و بغاز اسلامبول است (نبشر [?])
خلاصه این کلمات آیا معنی دارند یا ندارند از خاطر مخلص نرفته است که از ابتدای این منازعات دولت انگلیس اظهار کرده است که قراردادهای متعلقه بکشتی رانی در تنگه‌ها کاری است که تعلق بتمام فرنگستان دارد انگلیس در این باب حق انکاری داد و بقدری این حق آشکار است که وقتی با سلطان اختیار کردیم شرطی از برای سلطنت خود قرار ندادیم که حفظ حقوق و منافع انگلیس در آنجا مخصوصا قید کردیم که قراردادهای متعلقه بکشتی رانی در تنگه‌ها مسئله‌ایست که نه همین برای دولت انگلیس اهمیت دارد بلکه برای تمام فرنگستان مهم است من

شما را ملتفت این

شما را ملتفت این نکات میکنم از بابت اینکه معلوم باشد که هر معاهده یا قراردادی فیما بین دولت روس و عثمانی در باب اینگونه مسائل منعقد شود دولت انگلیس امضا و قبول نمیتواند کرد مگر اینکه آن معاهده در معرض مشاوره و امضا باشد و آن قرارداد نتیجه اتفاق حقیقی تمام دولت باشد و ما این عهده را اکنون در برابر تمام دول بر عهده داریم و طریقه پیش بینی ما مبنی است بر حقوق معینه که مطابق عهدنامه‌های موجوده خاصه عهدنامه لندن در اتحاد آن داریم
اما در باب آنچه متعلق است بدولت اطریش من در آن تأمل نمیکنم که
عرض کنم اظهارات این دولت مرا اجازت میدهند که گمان کنم ادنی تأملی در خیالات مجلس وزرای انگلیس شرکت دارد از تفصیل باز در این شرایط منظور من آن است که شما را ملتفت نمایم که هیچ چه قدر اهمیت دارند و محل تأمل است که هیچ خیالات دول فرنگستان شوند و ما هم نتوانیم عظمت اهمیت اینگونه مسائل که اکنون پیش آمد بیان کنیم وقتی است که در وضع جنوب شرقی فرنگستان که ممکن است کلیه کند تغییر مکان تغییر مکان دهد تغییرات کلیه پدید آید (آخر) و ما حصل خطبه قرداد [?]

اسپکتیه [?] مطابق تفصیل ذیل است — صحیفه که دولت انگلیس در شورای ملی که
عنقریب منتظر آن میتوان بود پدید خواهد کرد کار اکنون نیست گفتگو در آن است که آیا در مجلس کنفرانس که بواسطه ثابت رای دول متحده برپا میشود ما حضور به هم خواهیم کرد یا نه یا در آن مجلس آوازه دولت انگلیس را چنانچه باید شنیده شود خواهیم شنوانید یا نه
ما اقرار باید در همه جا میشنویم که بسیاری از مردم میخواهند چنان جلوه دهند که دولت انگلیس از نهی رسیده یا از اسباب غیر خویش کاسته و حسن پیانار از هم غلط و هم بزرگی میشمارم دولت انگلیس هیچ درجه ضعیف نشده و قوت آن از هر حیث که بخواهند با قوت هر دولتی مقاومت میتواند کرد و من یقین دارم که از هیچ کس خاطر نشود دابطه

ضعیفه هم در انگلیس پیدا می شود ولی ما دارای ثروت بی پایان و گنجهای فراوان میباشیم که علمجات بسیار در دست داریم
و لشکری داریم که هر چند کوچک است ولی خیلی خوب است و بسهولت میتوان بر آن افزود و مخصوصا صاحب
معتبرترین نقاط میباشیم ولی بالاتر از همه ما مالک حمایت یک طایفه و ملتی هستیم که بالفطره طالب آزادی است و
از هر چه بیشتر سکوت حمایت میکند و همیشه حاضر است که برای هر علت و حقی که بنظر او عدل و صحیح بنماید خون خود را
بریزد و خزینه خود را نثار نماید و چون دولت انگلیس ثانیاً صلح را بر جنگ رجحان میدهد و از شمشیر کشیدن احتراز میکند
و بسهولت اسباب غیر جنگ فراهم مینماید تا منافع و حقوق متعلقه خود را روز بروز مسترد سازد نباید چنین گمان کرد که

با دولت انگلیس عاجز است از بکار بردن قوت حربی که دارد

من یقین دارم که اگر بار ایجاب نماید و ما را بنقطه که میتوانم رسانند دریافت کنند که قوت ما نسبت بعظمت ما کافی است
بلکه بالنسبه از آنچه سابق براین بوده عظیم تر است ولی از بس مجبورم است که بعضی از چشمهای ضعیف و
ناتوانی در مملکت ما موجودند که شاید آنها را فراموش کنم از آنجمله یکی آن است که بعضی مردم در میان
ما هستند که در اطراف انگلستان گشته و سیدوند که با فریاد و های و هوی اظهار قدرت و جوش ملکگیری میکنند
من از آن اشخاصی نیستم که اعتبار زیادی نسبت به تحریص معروف سخت
به تحریص قرار بدهند و شما را میگویند که مملکت برای حفظ مبادات خود بذل مال و جان نماید و بعد از آن
که بعد از اقامه تحریص غیر واقع است ادعای قصد استدلال و اختلال ترغیب و تحریص مملکت است من جرئت نمیکنم
بگویم که اگر بواسطه رفتار اشخاصیکه بعقیده من باید کار را اهم بشناسند دولت انگلیس را اکاره بجای احساس و هیجان
و تحرص خود وا نماید یک اثر عجیبی بروز خواهد کرد که پس از آن این توهین بعضی شکسته شود که ما به جرئت دلاوری خوش
نقصی شود این حمایت صلحی که مدافعه آنرا میکنید نخواهد بود که شما چنین اسباب بکار ببرید بطرف دارای

مسلح خواهد

مسلح خواهد بود که شما تمامت آنها را نگیرید و چنین گویند که مملکت ما از جنگ میترسد و نقدی ضعیف
و منقسم است که نمیتواند اقدام بجنگ کند از روی احترام تمام آنها اظهار انجام برده ولی خوشنودم که از اثر کلمه در
تمام اجزای مجلس برور کرده و بواسطه قطع آزادی کلام ترجمه و تاویل شده ما نسبت بدلایل امیم که من اراده
مجلس و کلا را بالاتفاق بیان میکنم و منحصر بعضی دون بعض نیست بهمین فقرات کفایت نخواهیم از آن مطمئن

ما هستیم

ما میخواهیم بگذاریم که پی اند که اتفاق در یک باب اختلاف رای نیست ممکن است از او در باب بعضی مسایل و در باب مسلح
اینکه بد آمده خلاف یا ملامت منعقد شده است شایسته است که درباره آنها من اول حکم بدهد ای حضرت اینکه مکرم
هر وقت انگلیسها ثابت شود که علت حقه برای جنگ هست تمام آنها متفق الرای بدست مملکت اگر اندازه آن سیاست
و دلیلش بر او شده اما حالا این زبان گفتار مکیده ایم و استدلال خود را از سر بگیریم و میگوییم اگر بجنگ
و دولت انگلیس نیست و اگر خیالات و میل واقعی چنین است باید با آنها اتحاد نمایم در وقتیکه با دول معظمه گفتگو

مسلم ثابت نمائیم

به ما میگویند چرا این طلب استقراض میکنید و بخواهد از صرف چه خواهید کرد ما این پول را که میخواهیم از برای آنکه
بالضروره تمام آن اسلحه را وزراء آن را خرج کنیم منظور ما است که اگر موقع تقاضا کند حق خرج کردن آنرا
داشته باشیم از رفتار ما ثابت شده که ما قصد آنرا نداریم که مملکت را بجنگی که راضی نیست وا داریم و این اراده جمع
خطری که ممکن است پیش آمد نماید زیرا که این جنگی است که مملکت در اقدام به آن خواهش جمیع خواهد بود
و از این بابت اگر بقول اطمینان و اراده بسمل ما در این است که شما اعتماد خود را بما نمودار کنید و ما را
کمک کنید که اگر ضرورتی پیش آید بقوت انگلیس توسل جوییم و من گفتم که این قوت عظیم تر است از تمام

اوقات ماضیه ولی شما باید فراموش نکنید که قدرت انگلیس را نمیتوان اندازه گرفت گر چه تو... اما اینکه شما
مستنبط نموده اید آنقدر نزد اکابر بر ید حالا ضعف انگلیس کجا است البته این ضعف محسوب در وسعت ممالکات
آن اگر ممالکش بسته مثل ممالک روس و آلمان و فرانسه مجتمع بود شکی نیست که خیلی وسیع می‌شد ولی
چون ما مجبوریم که با متصرفات دور دست خود مربوط باشیم باید اعتماد ما بکشتیهای خود و پیش از عساکر خود باشد
و محض ضمان تفوق بحری و در قدرت کشتیهای خود است که باید تکیه گاه خود را جای دهیم و از بابت برسیل فراوان
ما است که مبادا تغییرات بزرگ که در شرق ظهور رسیده یا خواهند رسید اندکی مصادم روابط ما با
ما شوند و دولت را مجبور بسازند که بیش از اینها خرج کنند تا از آن روابط حمایت نماید قطعا باید بهم دادن اسل دارم
مدارکات حفظ آنها دیده شود و قوت افاده بخواهد داشت کروفیکه اسباب کار از پیش برود اعطا
بکند و همه کس این راز را ما خبر رسیده اند و همه کس هم سیده اند که بدون حمایت **پارلمنت** دولت ملک شما

نمیتوانید سبیل خود را در انجام برسانید

البته چندی نخواهد گذشت که باید در قرارداد بزرگی که عنقریب موقعش میرسد گفتگو کنیم و مواد آن اما ملکه
بعقیده من واجب است که در چنین شراکت این قرارداد بتوانیم گفتگو کنیم با آهنگ محکمی که متعلق است
بمردانیکه به تنهائی از جانب ملتی بسیار بزرگ و بسیار با ثروت حرف بزنند بلکه وکالت از جانب
ملتی دارند که اعتماد ایشان برپا باشد و در هر کاریکه امکان بکنیم لزوم پیدا کرد در تا تقویت شما باید
ما میل داریم که قبل از مداخله در این گفتگو و بحث شما مسلح شده باشیم و این مسلح بودن نه همین از بابت اتصالی
استقراض شما باید باشد بلکه امضای اعتماد شما بر ما لازم است و اگر شما امتناع از اعتماد بر ما نمائید ما را
مرخص نموده عقیده شما را انکار نمیکنیم ولی برای ما نتیجه خواهد بود که بتوانیم اقدام بامری چنین عظیم بکنیم لهذا

اظهار که

اگر از اعضا کنند و اطمینان داشته باشید که با اعتمادی که بما نموده اید مصرف مدخل امسال را تسلیم رسانیده و آن ایجا
از شما مطلوبیم در صورتیکه اطمینان کامل داریم از اینکه این عمل کار را منجر بخطر جنگ نخواهد بلکه ضامن بسیار

عاقل معتبری خواهد بود در انجام امر مصالحه آخر

همان روزی که **دوق دارشیکیه** چنین اظهارات معتبر بزرگ را در مجلس وکلا کرد **لرد دربی** در مجلس **لردها**
امضا داشت که او نیز **لرد کارناردن** استعفا نامه خود را داده ولی پس گرفته است وزیر امور خارجه عبارات

ذیل را برای وضع سلوک خود استدلال نمود

لرد درجیر که همشیره وکیل عساکر انگلیس اند که قبل از شما حرف بزنند از من پرسید شرایط بیطرفی چه بوده است و ما
برای او عوض طریق بیطرفی مشروط باید بطریق بیطرفی غیر مشروط اختیار کنیم اما در ابتدای این جنگ نوشتیم
ما به **پارلمنت** کتابچه بردیم که در آنجا شرایط بیطرفی و خصوصیات خود را دادیم و تحقیق و تدقیق و توضیح مطالب از آن
بیش از آنچه در نوشتجات سفارت شد اول استراحت نمودیم و از اصول محتوی در آن کتابچه ما ابدا تجاوز
نکردیم و امروز هم تجاوز نخواهیم کرد و هر کلمه که بکار برده‌ایم که از آن حس اندکی انحراف توان کرد

اول بر ایون جاخطات **لرد گرانویل** نکردم و بعقیده او دولت عثمانی ملت بزرگ انگلیس
خستگی شده است از بابت منظور بشکه ما همیشه انکار از آنها داشته ایم و تنها بکنه فیمابین روابط با عثمانیان یک
مطلب سرزنش و تعهم ناپذیری موجود است

اگر **لرد گرانویل** گمان بکنند که ما بر خلاف اظهارات خود رفتار کرده ایم و از بابت آنکه عثمانیان تشویقات مخصوصی
ممنون کننده نموده ایم و آنها را بلطف در مداخله خود امیدوار کرده ایم من مجرم برای اینکه در قبل مانع شده که انگلستان
او هیچ چه با خدای هنوز ارند   در ابتدای جنگ ما هیچ مستعجب ان اهمیت

هست یکی بوده است که مسلک از اجزاء وزارتخانه تو بسطه هایی نتیجه آمیز غفلتهای بارز ارتکاب نکرده است تا معترض گو
کسند در جنگی که مغلوب از آن شده اند و اگر چنین چیزی بود ما مرتکب معصیتی شده بودیم

لرد گرانویل بعد از آن نکات سکینه از اینکه بدرست خارجه
دیپلوماتیکی متعلقه بوزارت خارجه در دفتر مجلس پیدا می شود من اول اعتراف میکنم که نه هیچ از ارباب آن که
نیستوانیم چنانچه بیاید که مجراهائیکه از دول خارجه بما رسیده است در دفتر مجلس بجا نیم بلکه ارسال مرسول و ملفوفات یکی
هم چند ماهی است بالاصاله ندرت پیدا کرده اند با وجود اعتبار سوانحی که در شرق زمین بروز کرده است
و چون در اوقات اول جنگ مداخله دول خارجه را امید فلاحی نبود لهذا ما بین دول بطرف و دولتین
متخاصمین با رسال و مرسول واقع نگردید و بعد از چند هفته که شروع بر القاء تکلیف کرده اند بر اکثر آن است سی
پیدا شده که هم دولت روس قبول کنند و هم با عالی و در فرنگستان چنان نگر ملتفت این امور
بودند که هر چند طالب تعجیل در انعقاد مصالحه بودند مانند احتراز داشتند از اقدام به تقاضای که منجر به
منجر شود به اشکالات ما بین الدول معهذا من میتوانم که عما قریب کتابچه جدید دیپلوماتیکی از دفتر مجلس صادر خواهد
خواهد شد آقایان من حالا بیاناتی که لرد گرا
نویل در باب گفتگوی شخص با مجلس وزرا در این روزهای اخیر از من میخواهد اظهار خواهم کرد بیانات من مختصر
خواهند بود و سبب اینکه بخیال من رسید که آن بیانات را برای شما اظهار کنم خبر رضایت لرد مذکور محترم است
مجلس وزرا است پس از تعقل و تفکر زیاد حکم صادر کرد که من
امضای آن نمی کردم اگر این مسئله را در مجلس لردها اظهار کرده بود و سؤال جواب آن شده بود نظامی
منصب که وزیر امور خارجه ام آن بود که از آن مسئله تقویت نمایم و بعقیده من وقتیکه حرف از حقوق ملت

فلان وزیر باید تقویت از مسئله کند که مخالف رأی خود او هست پس ای آقایان برای من جز قبول کردن امری
دیگر چیزی باقی نمانده بود که آرزوی اکراه میکردم ولی تکلیف من مرا از آن قبول خواهد باز میداشت
در کارهای دولت کلیه اتفاق می افتد که اشکالات با یکدیگر
یک وضع غیر مترقبی که مجبور بدان قسمیکه هنوز چند ساعت از صدور آن حکم معتبری که عرض کردند گذشته بود چون
وضع کلی روش تغییر کرد معتقدان من گمان کردند که ترک آن امر که موجب زیان لهذا اسباب اختلاف رای
مابین ما از میان رفت لهذا در پس گرفتن استعفانامه خود تأمل نکردم و میدانم که مرا متهم با آن چیز کرده است
که نخواستم در هیچ حالتی دفتر را که اعلیحضرت ملکه مرحمت فرموده بود با این بنده سپرده اند ترک کنم ولی از چنین اتهامات باکی
با این حرفها ندارم زیرا که بعقیده من از برای هر وزیری پسندیده نیست که در وقتی با این سختی و این اختلافات
از خدمت خود دست بکشد مگر در صورتیکه تکلیف شخصی او را محکوم و مجبور بسازد

اکنون میرویم بر سر مطلبیکه مراتب اهم است یعنی قصدیرا که لرد استراتدن کامبل ابتدای ساختن
تکلیف نموده است این قصد بنظر من طبیعی ندارد که بجای معقول مجلس افتد لرد استراتدن تکلیف
میکند که اعلام نمایند که سلطنت و حقانیت هیچ جهتی را رفع نمی کنند از اینکه مطابق عهدنامه ۱۸۵۶ از تحت
و مدارک که جهة حفظ اصل اصول از تصرف غیر لازم است بعمل آوریم و لیکن خواه این رای صواب باشد یا نه
لرد استراتدن بخیال من موقع مطلبی را که تکلیف میکند نکرده است شاید طریقه استدلال او با وجود مخالفت رای
من خوب باشد ولی این فقره مانع نیست که وقتی تکلیف او قبول افتاد و حکم بانجام آن عمل باید محول است که
سلطنتها را منع نخواهد کرد از اینکه اقدام بکارهائی نمائیم که سبب دیگر باز از اقدام به آنها مانع است اما من نمیدانم
آن مدارکاتی که مطابق رای این لرد محترم ما باید برای حفظ و تقویت عهدنامه ۱۸۵۶ باید بپرسیم که کدام اند

لرد استرات دن خیال دارد که برای مدافعه این عهدنامهها باید جنگ کنیم گویا منظور ایشان چنین بود یا اقلا این حال
از وضع تقریر او چنین مسئله استنباط کرده ام اینجانب خود او بهتر از هر کس از عقیده شخصی خود اطلاع دارد و در هر حال
اگر نخواستیم برای دفاع عهدنامههای ۱۸۵۶ جنگ بکار بریم دلالت این مسئله را منکر نیستیم ولی در این مسئله اگر
نه دولت بتنهائی مملکت شرکت داشته اند

آقایان من

وقت شما را ضایع نمیکنم از اینکه از پیشنهاد سطر بطرفداری و خشنودیکه موجب تحسین بعضای عظم اسلام و لندن
بوده است مدافعه نمینمایم ولی عقیده لرد استرات دن را هم نمیپسندم و از منظوریکه از او شنیده میشود
چنین استنباط میکردم که ممکن است ما اسلامبول را تصرف کنیم زیرا که برای حفظ اسلامبول از تصرف غیر خود ما
باید از تصرف شویم بدون اینکه از شرط ما نقصی وارد آید ممکن است که مطابق بعضی از عهدنامههای حقوق حل حق با
لرد استرات دن باشد ولی این مسئله را نباید از روی نکات علمیه حل کرد بلکه باید مطابق رای مجامعی که با آنها
سرکار داریم حل نمود چنانکه روسیه هر وقتی از دو لشکر ما از نزدیک پای تخت دیگری رسید یک التی آن
مینمود اند فریاد برآورد شما این پای تخت را تصرف نکنید ما شما را اقدمی از اینکار نکنیم والا مداخله خواهیم نمود
بدون اینکه بالمشافهه از خطر خود دست بکشد
اگر سه سال پیش از این ما بقول بعضی از مردم رفتار میکردم مختصر از دولت آلمان بزرگ میرسانیدم که اگر
بپاریس برسد ما مداخله نمیکنیم واضح است که فوراً ما را جزو دول جنگ کننده محسوب میداشتند بعضی از آنها
لرد استرات دن را در باب غاصبیت دولت روس و خیالات بعد آن از کار میکند ایم در یکی از ایراداتش
بیش اندیش محترم گفته شد که اگر دولتی در اول مجادله و دولت دیگر مداخله نکند حق آن نخواهد داشت

[illegible]

که وقتی کار مهم صحبت خیلی شریف دیگر مداخله کنیم چنین بنظام مربوط که در جواب ایشان گفتم مداخله غیر لازم
موثر نخواهد شد مگر در صورتیکه طرفین نزاع و واسطه جنگ قوت شمار و سقوط کذا رده باشد و من نمیخواهیم دیگر هیچ
چیزی برای جواب بیفزایم بنظر من بیهوده مینماید که قدم بقدم از ایرادات ایشان
لرد استرات دن در شرایط مصالحه کرده است بروی کنم خاصه در صورتیکه منشور اطلاعات از شرایط
ناقص یک مختصری از خلاصه آنها را دیده ام ولی رسما صورت آن شرایط را برای من نفرستاده اند و آن مختصر
را که من دیده ام عنقریب بنظر شما میرسانم ولی بقدری مجمل و مبهم است که اگر گفتگو و مباحثه در آن هم و حسب شود
بحث در آن امکان پذیر نخواهد بود البته شما مواقع عدیده جهة اظهار رای خود در باب شرایط مصالحه آینده
داشت معتقد برای من کافی است که بگویم بدون اینکه مداخله کنیم برای اینکه باب عالی را از قبول آن شرایط
منع نمائیم باتفاق سایر دول اعلام کردیم که تکلیف ما آن است که از قرارداد آخر صلح برای مسائل متعلقه بتحقیق
فرنگستان شرکت داشته باشیم

(آخر سخنان لرد دربی وزیر امور خارجه)

روز سی و یکم ژانویه مجلس وکلا ماموریت پیدا کرد که از بابت طلب استقراضی که دوازده کرور لیره انگلیس
باشد گفتگو کنند مسیو فورستر طلب اصلاحی نمود که این استقراض را ترک نمایند و مسیو کرس وزیر
داخله بعبارات آتیه جواب او را گفت

سخنانیکه شما شنیدید مبهم و مجمل اند ولی قلباً این عضو محترم مجلس منظورش آن بود که در این مجلس و در
خارج ایجاد خیال کند که در مجلس وزراء یک میل جنگی موجود است و به این مجلس و به اهل مملکت عموماً
چنین وانمود کند که چون ما گمان کردیم از مجلس وکلا ما طلب امضای این استقراض کرده باشیم خیال ما

اینست که این مبلغ را بدون استحضار و امضای آن بکار بریم آنقدری که مجلس پارلمنت مرا اجازت
بدهد میگویم که این تصور بکلی باطل است ولی چون رسمی بود که دولت را به این وضع ملزم داد کنند
از مطلب خود دور شده اند و در مجلس من که رئیس دولتی است تهمتها به بستند که از اعتماد دوری کی
من در این مجلس راه دارم هرگز نشنیده ام و امیدوارم که بعد از این هم هرگز نخواهم شنید این متکلم محترم نخواهد بر مردم
مملکت وانمود کند که این طلب استقراض چیزی است مگر حیله که ما نگنجانیده ایم مگر اینکه از نظر خارجی اظهار غروری
کرده باشیم امیدوارم که وقتیکه مجلس در این مسئله غور رسی نماید بتواند چنانچه باید جواب وعدی ارادات
مسیو فورستر را بسنجد این متکلم محترم کلمه را که شب پیش از دهان دوست محترم من در فرداری که جشن را بنخست
چسبیده که گفته است در طلب این استقراض با امضای طلبیان و اعتماد شما را طالبیم در هر حال صورت خواهش که
امشب و فردا از شما که در مجلس کرده بود آنچه را لازم وضوح جواب شد حاوی بود ما از شما استقراض مطالبه نموده
اعتماد ما بنای مملکت مقتضی آن استقراض است اگر رای شما نیز چنین نبود ما هرگز آن را از شما خواهش نمیکردیم
چون ما ارباب منصب وزارت مسئول امور میباشیم از شما خواهش میکنیم که وجه استقراضی را با اختیار ما بگذارید
و اعتماد داشته باشند که ما آنرا بی فایده بکار نخواهیم برد و بمصرف خرج آن کاری که شما برای آن طلبیده اند

و بما داده اید نخواهیم رسانید

اگر مجلس اجازت دهد اکنون میروم بر سر مطلب با دو سه کلمه که تاریخ مخابره **لرد دربی** است با شاهزاده
کرچاکف در باب ملتینک که ما بعد ها به آن ملتینک علی الاتصال مستکی داشتیم عبارات آن مخابره را از اعتراز بوده
و دولت علیحضرت ملکه میل ندارد که دیگر در باب حقیقت
باز دوم این جنگ گفتگو کند و مجبور نیست زیرا که حالت جنگ مقتضی است قبول و برای اظهار بیطرفی خود

دفتر از دست نداده و از بدو گفتگوها با بعالی اظهار کرده که نباید در خیال آن باشد که این دولت برای
آن تکیه گاهی خواهد بود و حاضر است که این مشیک در کمال بیطرفی امداد دهد ما وقتیکه همین منافع عثمانی
در معرض خطر است و لکن دولت معتقد است که هرگونه مغایرتی را که در وضع و مقصود پیدا میشود و در بنا
و اگر از شامت بخت جنگ سرایت کند و منتشر شود و حقوقی را که دولت انگلیس طالب احقاق و اقامه است
محل است خللی وارد آید پس باید در کمال وضوح اظهار داشت که منافع و حقوق مسطوره کدامند

در این دو فقره اف است که دولت انگلیس از ششم ماه **مه ۱۸۷۷**
تا امروز علی الاتصال مستکی داشته است آیا ما را انجا کسی است که ما را متهم کند به اینکه برکار از یک کرتی
داده ایم نتوان فریبش وزارتیرا تا وقتی به هیچ ابهامی مستکی نمود و من نمیخواهم بدانم که چگونه و در چه موقع
آن مملکترا فریب داده ایم ما به مملکت مدلل کرده ایم که ما نقض شرایط بیطرفی ما نشود ما نیز نقض عهد و وعده خود
نکنیم و در خارج خطبهایکه خوانده اند که آلوده به دروغ بوده و من میگویم که در زیر همین اصطلاح تکلیف کرده ایم
و خطبهایکه خوانده اند قصدهای پنهان است من معلوم از اینکه تمام آن خطب چنین قلمداد کرده ام دیگر
میکنیم که این خطبها منظورشان این بوده است که وزارتخانه انگلیس جدی نیست که در عثمانی اتحاد
دولت انگلیس را منتشر نکند خلاصه شما خواسته اید که به اهل مملکت چنان وانمود کنید که ما خلاف امانت و صداقت

کرده ایم هم در خطبهای هم در اقوال خود

و با وجودیکه **مسیو فورستر** ما را به نقض عهد بیطرفی متهم می سازد بار نتوانست یک برتری پیدا کنند که در آن
موقع همین ملامترا دولت روس با دولت عثمانی بما کرده باشد و این از بابت آنست که دو نسبت متناقض
نتوانسته اند چنین ارادی را بما بگیرند و در صورتیکه این دو دولت از رفتار ما راضی باشند چنین بیطرفی

که اگر از علامتهای مسیو فرستر محترم نویش هم حظ کرده ایم لهذا از ارسال کشتیهای در قرار دیگر علامت
نقض عهد بطرف ما نموده و عمل بیمعنی و خارج از تعقل هم نموده زیرا که منظور از این عمل حفظ جان و ملک رعایای انگلیس در
اسلامبول بوده است در صورت عثمانیها اگر ترک شرایط روس را قبول کنند این خیال کردیم از بابت
این بوده که اطلاع بهم رسانیدیم که مبعوثین عثمانی مأمور شده اند

اکنون مجلس را مرخص میکند که از تغییرات وضع طرفین منازعه گفتگو کنم همه کس میداند که روز دهم و سیم
تسلیم شد و روز دوازدهم همان پاسلطان خطابه بدول فرنگستان فرستاد که منظور طلب توسط
بوده و آن خواهش مسموع و مقبول نگردید بعد از آن از ما استدعا کرد که از جانب او فتح باب گفتگوی صلح
با دولت روس نمائیم

بواسطه یک نوع مشاجره که فیمابین روسها و عثمانیان در مقدمه متارکه جنگ در بینشان اول مصالحه
بوده واقع شد لرد اکوستوس لفتوس از پطربورغ در پنجم ژانویه بنده نوشته به لرد دربی نوشت که سرداران
روس مأمور شده اند که شرایطی را که آن شرایط دولت روس در قبول متارکه حاضر است بدون وکلای عثمانی
اظهار دارند و این کلمات اخیره متضمن معانی زیاد بود و جرئت کرده میگویم که هر کس بجای ما این خبر را بخواند
او هم مانند ما همین خیال را میکرد که سرداران روس شرایطی را که دولت روس جهت امضای آنها حاضر است
درست دارند روز نهم ژانویه مسیو لایارد تلگراف کرد که سرداران عثمانی حکم شده است به اردوی سردار
کل روس بروند آیا پیش از این برحسب ما درست میتوان داشت زیرا که همان روز بما خبر رسید که چون
سرداران عثمانی به سرداران روس که در خاک روملی میباشند بلکه بخود گراندوک نیکلا اظهار طلب کردند
آنها گفتند که خبر از شرایط متارکه ندارند و هیچ حکمی در این باب به آنها نرسیده است و بعد از آن خبر که

در پنجم ژانویه بمعابر رسیده بوده البته بکمال تعجب ادراک کردیم که سرداران روس هنوز دریافت فتوی العلیا نکرده اند و شرائط صلح
پیش میرود و استدلال که در این باب کرده اند این است که شرایط مصالحه بقدری جدید و مهم بوده که
آنها را با تلگراف بلکه با تلگراف رمزی هم نتوانسته بودند بگویند پس ناچار مخصوص آنها را با مأمورین مخصوص
روانه کنند که معبوث استند قبل از آنکه ده روز وارد خاک روملی و بعد از پانزده روز وارد خاک ارمنستان
شوند و ملتفت باشند که در این شش روز پیش میآیند

ولی از بابت وقتیکه روسها در باب حفظ این شرایط کرده بودند و شعف خطیه که بنظر آید در عضای آنها داشتند
زیرا که آنها را از تلگراف هم پوشیده داشته بودند مردم را در خیال انداخت که این شرایط را دولت روس در
کمال دقت و معین منتخب کرده است و هیچ شک ندارد که این شرایط را اندکی تبادل در آن
تعقل مرتب کرده اند لهذا اندیشه ام گشت که بتواند بگوید که سبب تأخیرات او لی عثمانیان با دولت انگلیس
بوده اند

حالا بر سیم مرحله ثالث این امور بدینطریق که روز پانزدهم ژانویه سپرالط روس بما خبر کرد که دو نفر مبعوث از
دولت عثمانی با دستور العمل لازمه باردوی سردار کل روس رفتند که گفتگوی متارکه با مصالحه را تمام کنند
روز بیست و چهارم شنیدیم که بباب عالی خبر رسیده است که مبعوثین آن پیشگاه به سردار روس رسیده اند
پس حرف در آن نیست که در تاریخ آنجا بوده اند ولی تا روز بیست و چهارم بما اطلاع دادند که از آن مأمورین
عثمانی خبری ندارند و نمیدانند چه شده اند اگر چه راست است که اشخاص وابسته بمأمورین عثمانی
بخانه واده آنها خبر داده بودند که احوال آنها خوب است اما کسی نمیداند که شرایط مصالحه چه شده اند و چرا
عهدنامه امضا نشده است

آن مبعوثین وکالت نامه در قبول این شرایط داشتند خود سلطان میخواهد که دلیل عدم رضای دولت روسرا
تا آنوقت میدانند در هر حال ورسماً علی الاتصال شیمه فرستند و من میل دارم که مجلس المتفق وضع جنگیه

روس کیم در تاریخ معینی

روز سیم ژانویه را بگیریم که دولت روس از ماموریت مبعوثین عثمانی به لشکرگاه سردار کل خود اطلاع یافت در آن
تاریخ روسها مالک صوفیا بودند و در امتداد جنوب حرکت میکردند و در بیست و چهارم بما خبر رسید که
مبعوثین عثمانی حکم رسیده که شرایط مصالحه را قبول کنیم بلکه گمان میکنیم که این خبر است پیش دو ساعت بعد از
شب دریافت کرده بودیم باری روسها در بیست و پنجم در شهر اندرنوپل بودند بلکه طرف راهی که از این
شهر بپای تخت عثمانی میرود طی کرده بودند و در روز که سی ام ژانویه بود روسها به دیموتیکا رسیده بودند و
در امتداد بغاز پیش میرفتند و شصت میل با اسلامبول فاصله داشتند

پس مفهوم می شود که هر قدر گفتگو با تاخیر و تعویق افتد روسها حرکت خود را سریعتر میکنند بطوریکه در این
ساعت نمیدانم واقعا در کجا هستند ولی گمان میکنیم که اگر همه این روزها پیش روند حالا باید خیلی باسلامبول
نزدیک شده باشند این خبر البته اشخاص معارض را خوشنود میکند ولی رفتار روسها برای کمال مصطفا
نیست زیرا که ترکان در تعویق رسیدن شرایط مصالحه ما شامل تقصیری ندارند و من میدانم که امپراطور
روس قول داده است که باسلامبول نخواهد رفت مگر به ملاحظه مسئله جنگ ولی چون خود دولت روس
الغاء این شرایط مصالحه را کرده است و عثمانی آنها را قبول نموده است دیگر ملاحظه مسئله جنگ از این جهت

مجبوری بسمت اسلامبول چه خواهد بود

اکنون میرویم بر سر تغییراتی که پیدا شده است نه در وضع دولتین متحاربتین بلکه در وضع دول معظمه طرف

هر کس باید بداند که در هیچ عهدنامه نمیتوان تغییر داد مگر برضایت تمام دولی که آنرا امضا کرده اند این
محل تعجب نیست که هنوز رسما هیچ اطلاعی از اصول صلح بما نرسیده است و کلمه اول این
شرایط را بگوش ما نرسانید مگر بیست و چهار ساعت بعد از آنکه دوست محترم من فقره را از اسکیه ... انتشار
در مجلس کرد و آنوقت هم خبری نشنیدیم مگر بواسطه یک مخابره سفارتی که در سپردن آن ... مجلس یاد دادن
شدیم و تفاصیل آن شرایط نیز در غالب مواضع با آنچه بعد از آن مسیو لایارد برای ما فرستاد فرق داشت
پس از آن کنت شوالف بما گفت که باید کمی قرار داد
علاحده در باب شرایط مصالحه بشود و ما هنوز نگفته اند که دولی که باید در آن قرار داد حاضر باشند کدام
کدام اند از اسلامبول میشنویم که سلطان و امپراطور روس به تنهائی باید در یک قرار داد باشند امروز
شاهزاده کرچاکف بما خبر رسید که مسئله تنگها هیچ اسمی در آن نیست و هیچ فایده در آن نمی بینند که خبر شرایط بما بدهند
و من از خود سؤال میکنیم که چگونه شده است که دولت روس از اول عزم خود را در باب این تنگها جزم
نکرده بود شخص محترمیکه من جواب او را میگویم گفتگو کرد از
مخابره که در آن شاهزاده کرچاکف صریحا اقرار میکند که دولت روس عبور کشتیهای جنگی از داردا
نل را همان مسئله فاتحه تصور میکند اما چگونه میتواند بعد از مراسله سفارتی ۱۸۷۱ قسم دیگری تصور
میکند آیا خبر این مطلبی در باب دوستان روس خود نداشتند اظهار کنند آنچه را لازم است من
ندانم است که چرا اصول مصالحه را کلا برای ما نفرستاده اند تا تمام دول فرنگستان صحت و سقم آنرا سنجند
اما حقیقت مسئله که باید حل شود این است که آیا
این است که اکنون داریم چه باید بکنیم ما هیچ اطلاعی نداریم از اینکه بچه دلیل معاهدات مصالحه مراعات شده که

بانجام نرسیده خبر داریم که روسها بشهر سمت بالا سوال پیش میروند و در اجزاء خاک اروپائیه دول
فرنگستان سالها اوقاتهای خود در صرف آن اجزاء کرده اند امور بسیار پرخشه واقع میشود در این حالت از ما
میپرسند که حقوق انگلیس که مخصوصا دولمان میخواهد حفظ آن حقوق کنیم کدامند در میان اجوبه که من
میتوانم داد یکی آن است که حقوق عظیمه که باید ما در مشرق زمین حفظ کنیم متعلق اند به آنچه خود امپراطور روس در
اوایل جنگ اقرار کرده است و گفته است که مقصود آن نیست که اغتشاش فرنگستان را به انتها
رساند و آن انتها کامل و مؤثر و مطمئن باشد بطوریکه دولت روس مجبور نباشد پس از چندی از همین
جنگ را دوباره شروع کند خیلی خوب در همین باب یک حقی از برای برتیانی کبیر باقیست که خیلی
نمایان و عظیم است زیراکه آیا ما باید ملتفت باشیم باینکه قرار دادی که واقع میشود صلحنامه منتظم کننده
بطوریکه کامل و مؤثر و مطمئن شود و اگر یک مصالحه واقع شود که به عقیده اهل مملکت نتواند این نتیجه
رسد و تخم اغتشاش بعدها را باقی گذارد و من میترسم که آیا این معنی مسئله نخواهد شد که در باب آن
صدای انگلیس با آن مقداری که مناسب است گوشزد رسد من میدانم که بچه طریق مسئله اگر بایدم منتظم کرد
بچه نحو بنظر دول فرنگستان میرسانند آیا بطریقه کنفرانس خواهد بود من انسب ... اما ما باید مستعد هستید
آن باشیم و در صدد آن برآئیم که در این قرارداد که در پیش است صدائی داشته باشیم و در صدد آن
برآئیم که این مصالحه که واقع میشود متمادی و ثابت باشد من قبلا امید دارم که توسط از چنین قرارداد
وضع جمعیت مسیحی بدبخت آنجا بهتر شود ولی خیال میترسم از اینکه با این حالت هم سالهای حال از ما
لازم باشد برای اینکه رفع بدلائیکه این جنگ هول انگیز که دوازده ماه است سبب شده است بشود
یک مسئله دیگر هست که من استدعا دارم ملتفت شوید بعد

و سالهای عدیده تمام عهدنامه های ما با عثمانی مبنی بر آن بود که ما بعد از آن نتوانند وجودی داشته باشند اما حالا
در چه حالت است اشکالیکه بطریقه ایجاد شده است خیلی خطرناک است زیراکه مطابق احتمال عظیمی که
بعد از این در دولت عثمانی خواهیم دید بکلی مختلف باشد با وضعیکه تا کنون دیده ایم
در هر حال وقتیکه بتوانیم متعلق کنیم مسئله این جزء از خاک فرنگستان چگونه باید حکومت
کرده شود صدای انگلیس باید شنیده شود و برای اینکه صدای انگلیس مسموع افتد باید که انگلیس حرف زند
مثل واحد متحده و باید سکنه انگلیس ترک این خیال کنند که دولت میخواهد جنگ کند و حال آنکه دولت
چیزی نمیخواهد مگر بنیان یک صلح با دوام و ثابت و منظور واحدیکه ما از طلب این استعراض که در میان آن داریم
این است که انگلیس بتواند حرفهای خود را در این مسئله بشنواند من میتوانم گمان کنم و گمان هم نخواهم کرد
که وقتیکه برسیم که آیا متکلم محترم باز در باب تکلیفی که کرده است استدلال میکند و اگر مساعدت دارد
در اینکه مجلس تکلیف او را قبول کنند من یقین دارم که حکم و رضای اغلب در قبول استعراض دولت
انگلیس بر خیال او غالب آید مجلس بدانند که ما نمیخواهیم جنگ کنیم و با وجود آنچه در این باب گفته ام
من باز تکرار میکنم که مقصود دولت منحصر است باینکه در قصیر زمانیکه ممکن است صلح کامل پسندیده و ثابتی
برقرار نماید   (آخر کلام وزیر داخله)

در مجلس پنجم فوریه لرد دربی منظورات مجلس وزرا در باب تصرف احتمالی اسلامبول بتوسط روسها
به عبارات ذیل بیان میکند

متکلم محترم مذاکره کرد که ما در مخابره بیست و ششم ماه مه اقرار کرده ایم بر اینکه نخواهیم گذاشت اسلامبول بدست روسها
بیفتد و در سیزدهم دسامبر اظهار نموده ایم که تصرف موقتی روسها هم اگر نخواهیم شد وادار کرد که با وجود

ایضا در مخابره بیست و نهم و سایر اوقات دیگر هیچوجه از اسلامبول حرف نزده ایم همینقدر قناعت کرده ایم که
به روسها معایب تصرف **کالیپولی** را بفهمانیم این فقره از بابت اینست که بمخابره ذخیره ما ولی غلطی داده اند
ما هیچوجه تشخیصی در این دو گونه تصرف معین نکرده ایم همینقدر اظهار داشته ایم که فتح اسلامبول بواسطه روسها
مخالف منافع ما و حقوق ما خواهد بود و بیک تصرف نظامی ما را بخطر خواهد رسانید ولی با کمال دقت بجهت این خطر از
کردیم از دیگر تصرف اگرچه موقتی هم باشد اولا آنکه تفاوت کلی فیمابین تصرف دائمی و تصرف موقتی
هست ثانیا بواسطه اینکه تصور اسم عثمانیان چنان بفهمند که برای محاربات در اقدام بجنگ همینقدر کافی است
که اسلامبول را از دست بدهند و بگذارند سپاه روس آن شهر را مسخر سازند و اگر چنین اقراری یا
جنگ ناگزیر می شد لهذا عمدا با لفظ تصرف را در میان نیاوردیم مگر بعبارت مطلقه که مقید و مشخص نبود
و بجای آنکه آن را در مقام ملاحظه نظامی درآوریم بطور نکات پلتیکی از آن گفتگو کردیم و لیکن چندین بار
بخصوص در مخابره سیزدهم و سایر اظهار داشته ایم که بدون اینکه تصرف موقتی اسلامبول را
شرایط عهد بطریق خود مذکور داشته ایم این امر منافی میل ما میباشد و شدت منع آن بکم و بعد ملاحظه
مختلفه این بهانه را برای القا نمود اولا آنکه حضور پادشاه روس در اسلامبول نظر با سیاسی دولت انگلیس
موجب تحریک حالات جنگ با روس شود و بعد از آن بواسطه اینکه تصرف اسلامبول با این
خطرهای عظیم رجوع نسبت دارد و دیگر آنکه سبب شورش مسلمانان بر مسیحیان خواهد شد و
ملل طوایف مختلفه که در اسلامبول ساکنند نزاع و بلایی بر خواهد خواست و بالاخره تصرف اسلامبول
روس وضع بسیار مساعدی میدهد که در روز امضای شرایط مصالحه خیلی مایل شرف کرمی آن خواهد بود
بنابراین ما فاش و آشکار بکار تصرف موقتی پای تخت عثمانی شدیم و من در این موقع برای شما مخابره

را که روز سیزدهم و سایر به **کنت شوالف** فرستاده ایم برای شما میخوانم و آن از اینقرار است
هر چند جواب شما ادب آمیز و دوستی انگیز باشد دولت
اعلیحضرت ملکه چنین میداند که آن جواب بقدر کفایت خطرهایی را که دولت میخواهد از آنها احتراز نماید دور
نمیکند دولت را عقیده این است و از امور یومیه هم که بوقوع میرسد طریقه ملاحظه دولتی نیز چنین است که تصرف اسلامبول
بواسطه عساکر روس اگرچه موقتی باشد یا منظور نظامی از آن مطلوب شود حادثه ایست که در هر حالت تصور
باید از آن احتراز نمود و دولت نمیتواند مخفی دارد که اگر این تصرف بنظر محل آید برای عامه که در انگلیس منافع
بر سنجیدن نتایج این عمل است امکان دارد که دولت را مجبور سازد در اینکه تدارک حفظ
نمایند که ما امروز از آن تدارکات توانسته ایم چشم بپوشیم لهذا از بابت احتراز از موقعیکه سبب فساد
دولتین شود **لرد دربی** از جانب مجلس وزرا مأمور است که بدولت روس اظهار دارد که امید است
که عساکر روس اگرچه با خوب کوهستان **بالکان** پیش روند قصد تصرف اسلامبول و **داردانل** را نخواهند
نمود و اگر امر بخلاف این امید چنان است واقع شود دولت اعلیحضرت ملکه خود را آزاد میداند در اینکه
هر تدارک را برای حفظ منافع انگلیس لازم میداند ببیند ولی احساس اطمینان میکنند که این لزوم را
مراوده و اتفاق دولتین مخصوصا از دو طرف خواهد شد
برای ما ممتنع بود که یک دولتی که روابط ما با آن دوستانه بود در آن حرف زده متکلم محترم گمان میکند که
چون در مخابره بعد دیگری از اسلامبول نکردیم و همینقدر اشارتی در باب معایب **کالیپولی** نمودیم از
قول خود برگشته ایم آیا به این واسطه اظهارات اول خود را تغییر میدهد از ما خواهش کرده بودند که مخصوصا
مشخص کنیم آن حقوق که دولت نگهبان میکنند در معرض مداخله خارجی واقعست کدامند و ما در مجمل

اشاره به بعضی که از طرف کالیپولی منجر کردیم ولی بواسطه این بشارت مطالب سابقه ما که از
میان نرفت همینقدر با کمی چیزی بر آنها افزودیم | آخر خطابه لرد دربی

همان روز در مجلس وکلا مسیو کاسرن هاردی وزیر جنگ در جواب
مسیو گلادستون عبارت ذیل را گفت

وضع مقتضی است که دولت حمایت کامله مجلس را طلب کند ما در آسیا و افریقا و امریکا و استرالیا و
جزایر منافع عظیمه داریم و این منافعیکه موجب سربلندی ما میباشند ممکن است در معرض خطر در آیند لهذا
ما مجبوریم در اینکه ثابت نمائیم که نه همین میل مدافعه آنها را داریم بلکه مالک وسایط آن مدافعه هستیم
وکیل محترم مستر گلادستون استدلال کرد که دولت روس حق اینرا
دارد که با دولت عثمانی مصالحه کند بدون مداخله سایر دول فرنگستان و برای این استدلال شاهد
از مصالحه نامه آلمانی و فرانسه زد و گفت که دولت انگلیس در دو ایستین فرانسه و آلمانی جهه قرارداد
شرایط مصالحه مداخله نکرد و این وکیل محترم گویا بکلی از نظرش رفته است که ما با دولت روس عهدنامه داریم
که دیوان پطرزبورغ نمیتواند از آنها دوری جوید مگر برضایت سایر دول پس مجبور است که گفتگوی حالیه را
در معرض امتحان کنفرانس دول در آوریم و این عهدنامه ها بخوبی بیان تفاوت را میکنند وکیل
محترم راست گفته که ما در امر مصالحه آلمانی با فرانسه مداخله نکردیم اما حق آنرا داریم که در قرارداد مصالحه
مابین دولتین روس و روم مداخله کنیم
بعضی از اجزاء مجلس گفتند که ما طلب استقراض مخارجش خود میکنیم و بعضی بر آن شده که این مطلب
مشعر بر جنگ است برخص کنید عرض کنم که نه این است و نه آن ممکن است که وجه استقراض خرج

نکنم ولی

نکنم ولی این گمان میکنم بتوانیم قرار بدهیم که در هر حال کم قدری از آن را خرج خواهیم کرد و ما باید حفظ حقوق
را بسیار بزرگ کنیم و از مدتی امور گفته ایم که تکلیف ما عبارت است از حفظ حقوق انگلیس و برای حفظ صحیح
بالاتر از این حقوق نیست و امیدوارم که در جنوب غربی اروپا یک صلح دائمی و محکمی انعقاد و تصمیم و تصحیح
همیشه بر پا باشد و من میدانم که بسیاری از مردم از زوال دولت عثمانی چندان غصه ندارند و بدو کسی
حق انزوا دارد که در اینباب صاحب عقیده و رای خود باشد اما مسئله در اینست که آیا چنین واقعه عظیمه
ممکن است اتفاق بیفتد بدون اینکه برای سایر دول نتایج خطرناک حاصل شود در زوال دولت عثمانی
تسلط بزرگترین ملل اروپا ضعیف نماید و میتوانند خیلی با طریش و ایطالیا ضرر رسانند ممکن است برای دولت
جمهوری فرانسه بد باشد شما میتوانید امیدوار باشید که دولت عثمانی بکلی زیر و زبر شود و دولت اوتریش
بکشید نتایجی که از آن بر میخیزد و شما باید از عهده کوشش بسیار صعبی بر آئید که اگر یک غایتی میخواهید
اشخاصیکه در باب امور مسئول میباشند چنین بدانند ممکن است که از افکار شما نتیجه حاصل شود که
مملکت سالهای دراز دچار آثار شوم آن گردد
من یقین دارم که رای مجلس در آن است که حفظ حقوق انگلیس مراتب لازم است از ملاحظه ارباب اغراض و
نگاهداری قدرت و حرمت مملکت چنان مسئله مهمه است که یقین دارم هر شخص انگلیس با هر نوع نظر
در سایر امور دولتی داشته باشد همیشه مستعد آن است که تمام اخلاص خود را صرف این مسئله
نماید نمیخواهیم بی حس و حرکت شویم و نمیخواهیم از جمهور تنگه
مامور تقدیرات مملکت شده ایم نتوانند بگویند که مجلس پارلمنت در ما چندان اعتمادی ندارد بلکه
با دوازده کرور لیره که برای مصارف خدمات قشون بری و بحری لازم داریم بما تسلیم کند

ما هیچ وجه میل بجنگ نداریم زیرا کیست که بتواند چنین میلی داشته باشد
زیرا در این مجلس بلکه میگویم آیا در این عالم مرتبت یافته کسی هست که بتواند مخاطرات چنین عارضه را تعهد
نماید ما اکنون در حالت صلحیم و میل داریم تا آخر بهمین حالت باقی بمانیم و گمان میکنیم که وقتی در میان آشوب و غوغا شدن نگاه
میکنیم ما ببینیم از هر طرف بر ما احاطه کرده اند از شما طلب امداد و حمایت مینمائیم در طریقه حقه و صرفه ستیحکم
و اقسام تمام ملل فرنگستان سلاح بکار گرفته اند حتی و بند انشار از ذخیره کرده اند و اگر یک مرتبه بجهند قائل
قایل آنست که تمام حقوق و منافع ما را باندازه آتش زنند که در تصور ما هنوز نگنجیده است و چون ما از
سختی وضع اطمینان داریم در مجلس پارلمنت وزرا و وکلای ملت کوشش خود در اجمل مبادرت بنمایم از
اینکه در مجلس اتفاق دول فرنگستان بتوانیم تکلیف خود را در باب ملل منظومه ادا نمائیم ما از پارلمنت
خواهش میکنیم که با وجود مجادله اینکه در تعویق کار شده است امضای خود را در این استقراض دریغ نکند
و از و مستدعی میشویم که در قصر زمانی و وجه استقراض را بما برساند که ما را اصرار است عقیده من بهتر آنست که ما مصارف غیر را
در برابر خود ببینیم تا آنکه آنها را اصلاً از نظر خود دور نگیریم ممکن است که شما در تسلیم این دوازده کرور که از شما طلب میکنیم ما بل
و تنجیج داشته باشید ولی اگر این دوازده کرور را از ما مضایقه کنید ممکن است که بعد از این خارج بشود که دوازده برابر آن
خرج نمائید ما از شما خواهش داریم که پیش از کنفرانس این دوازده کرور را برسم اعتماد و مبالغه بما
و ما مستدعی هستیم که بر تسلیم این مبلغ رای دهید تا ما بتوانیم صلح را برقرار کنیم که مبانی آن محکم و معتبر
باشند

آخر سخنان وزیر جنگ

روز هشتم فوریه در مجلس اعیان لرد دربی که دولت انگلیس را از فرستادن کشتیهای خود و حکم کردن از
دردانلها و داشت بیان کرد و رئیس فرد فنس تقریرات ذیل را کرد

[margin note:] حفظ حقوق و ... بنهم که ممکن ...

۵۰۰ ... [illegible]

ما در اسلامبول عجیب زیاد و کشتیهای فراوان و حقوق و منافع عدیده که باید حفظ آنها را کرد داریم و از
از این باب است که پس از فکر و تامل کامل عزم خود را جزم کردیم که یک دسته از کشتیهای جنگی خود را بآنجا
اعزام داریم اما این فقره را از آن جهت نمائیم که در صورت ضرورت از هم اتباعان خود و هم از اشخاصی که بواسطه از
عمومی ممکن است در خطر باشند حمایت کنیم و در گرفتن این تدارکات وضعی رفتار نمودیم که در نظر تهدیدی
و علامت خصوصی جلوه نکند لهذا دول طرف را از این کار اطلاع دادیم و آنها را نیز دعوت کردیم که چنین نمایند
و در این معنی با پاریس و روسیه و وینه تلگراف فرستادیم و وزیر مختار خود در روس حکم دادیم که بدولت
امپراطوری از سبب این حرکت اطلاع دهد هنوز عزم سایر دول را نمیدانم چیست اما میدانم که یکی از دول خارجه
پیش از چهل ساعت نگذرد که از باب علی مطالبه فرمانی کرده است

آقایان

ما چنان نیست که بدانیم از اقدام باین تدارکات در چه مسئولیتی افتاده ایم ولی نمیتوانیم پوشیده داشت اگر
خبر این کار میکردیم در مسئولیت بزرگی می افتادیم و آن مسئولیت تعلق میگرفت بدولتی که اسباب دفاع را نمیداند یکسره
که باید بدان اعتنا کنند و حال آنکه قدرت دفاع را هم دارند بدون آنکه صعوبتی برآنها روی دهد یا در خطری بیفتند
تا وقتیکه متارکه جنگ امضا نشده بود اعمال نظامی علی الاتصال متوالی
پیدا می کردند و آنوقت حق آن را داشتند که استدلال نمایند بر اینکه اگر کشتیهای جنگی به اسلامبول فرستاده شوند
احتمال داشت زیرا که ترکان آنوقت گمان میکردند که این امر تشویق و تحریص آنهاست بر جنگ و در سپاه انگلیس را
علامات خصوصیت اقلاً دلیل بر عدم اعتماد به آنها می دانستند و ملت انگلیس هم آنوقت آن کار را
گمان میکرد اول قدمی است که بجانب جنگ برداشته ایم و این جنگ را اغلب اهل مملکت بد میدانستند

ولیکن امروز هم گمان نمیکنیم که انعقاد این تدارکات بحریه به اسلامبول موجب اینگونه نا امنیات شود و نمی توان
انکار کرد و متهم کرد هر اینکه بخواهیم در اعمال نظامی و جنگی شرکت ورزیم زیرا که این اعمال متروک شده اند و مسائل
غامضه که بواسطه جنگ ایجاد یافته اند باید بمعرض امتحان دول اروپا درآیند و اشکالات از این حدود تجاوز
نکرده اند از ممکن است که وضع صعب و متحیر شود ولی در حقیقه این وضع تغییری جدیدی پیدا کرده است و
سبب اینکه از استدلال تدارکاتی که این اوقات دیده ایم در اوقات تعطیل مجلس پارلمنت غفلت نموده ایم
این است که ذکر آنها در مملکت و در خارجه محرک ظنون و خیالات فاسده میکرد و بدین ولی از استدلالاتی که برای
شما بیان کردم بر شما معلوم خواهد شد که ما هرگز در صدد آن نیستیم که از پلتیک بیطرفی که مطابق معهود
بر سبیل استمرار معلوم داشته ایم تخلف کنیم (آخر استدلال در امور خارجه)

همان روز سیر استافورد نورث کت پس از عرضه داشتن شرایط مصالحه
مجلس وکلا اقرارات آتیه را کرد ما ناگزیر اعتراف میکنیم که
نتیجه جنگ که اکنون بر انجام آن اعتماد داریم در رشته دول فرنگستان تغییر بسیار عظیمی روی داده است
همچنین اعتراف مینمائیم که اکنون بعضی را باید حل کنیم که زحمت قبول آنها معادل است با تجدید تربیت و ایجاد
رشته دول جنوب غربی فرنگستان و علاوه براین رای ما براین است که بمباحثات این تغییرات و در نظام
و قرار و ایجاد جدید که باید نتیجه آنها شود تکلیف دولت انگلیس است که در آنها شرکت نماید و در دول
و برای دوام مختلف اول چاره این است که دولت انگلیس حق دارد و تکلیفش نسبت بخود این است که خود را حفظ کند در
این قرار دادی که در واقع خواهد شد خصوصیکه ما باید حفظ کنیم بهیچوجه در معرض خطر نیفتد تا بتوان آنرا دارد که در
شورای ملل حاضر شود که درباب تجدید ایجاد و تربیت دول جدیده رای خود را آشکار سازد

و نفوذ کلمه

من قصد آن نکنیم که شرح مسطور زیرا که دولت انگلیس آن ملاحظات را داخل مجلس کنفرانس خواهد شد و ذکر
کنم اما خلاصه این است که ما باید خیلی مراعات آنها کنیم و متفق آنها باشیم اولا اینکه برای احتیاطات که
کشتی رانی در تنگها و نزدیک در قرار دادگیر بطوری برقرار شود که متضمن آزادی کامل تجارت باشد

و در باب قرار اینکه چه قسم عبور کشتیهای جنگی در خیال من این مسئله است که باید بالاستحقاق
باید برای مجلس کنفرانس گذاشت و اگر قبل از وقت برای آن در پارلمنت طرح تکلیف قرار داده
بر زیم بد است و همچنین اگر وارد کنفرانس شویم و در اینباب آرا ثابته و معینه داشته باشیم هر حسنی بخواهد
و من میتوانم و این نحو استدلال کنیم
بسیار بد است که از ابتدا اظهار معینی کنیم که مخالف تواند با خیالات و ارادات و منافع عمومی
دول که میخواهیم با آنها مشورت کنیم و از آنها در باب وضع کلی مطلب مصلحت نمائیم موافق باید اینجا را
با کمال اطمینان مطلق میتوانیم تکلیف کنیم این است که هر نوعی قرار بگذارند باید قسمی باشد که هر دولت معروف را
منع نماید که راه دخول تنگها را ببندد و اکنون برای اینکه متعلق بکشتیهای تجارتی است آزادی کامل حاصل است
اگرچه یکوقتی این عبور و مرور کلی آزاد شود و از جانب دولت عثمانی بحری قدغن بود که تمام قرار دادگیر در بابی بود
مخصوص عثمانی که در آنجا هیچیک از کشتیهای متعلقه به دول خارجه نمیتوانستند آمد و شد کنند و شکی
نیست که یکی از اسباب رفع این انحصار و اختصاص تسلط دولت روس شد ولی اگر اکنون لازم است فقط
که دولت روس که این آنها شود میتواند بدون استحقاق تجارت تمام دنیا را بالضروره بتجارت
این مملکت را منع و قطع نماید پس میگوئیم که کمال اهمیت این است که وکیل دولت انگلیس در مجلس کنفرانس قرار
داد دیگر که نتیجه آنها شده راه تجارت قرار دادگیر باشد قبول کند و نیز فراموش نباید کرد که یکی از اسباب

از یک ضعف دولت انگلیس کثرت حمل مسافت اجزای مختلفه مملکت محکومه است لهذا باید نتیجه آن این
که در هر گوشه قرار دادی چیزی مقرر نشود که بتواند منع این طرق مراوده را از راه مصر با هندوستان و شرق

زمین بکند

من میل ندارم که در چنین مسئله خیلی شروحات گفتگو کنیم و همینقدر را کافی میدانم که بگویم که این نکته مهم است
که باید دولت انگلیس در قرار داد این مسائل ملاحظه کنند و نکته ثانیه مرتبت که بعد از آن در نکته معروضه
نیست آن این است که برای ما کمال اهمیت دارد بلکه چنین بنظر من می آید که برای تمام عالم مرتبت شده
مهم است که در حل مسئله ممالک که باید بتجدید وضع و ترتیب تمام نمایند ملاحظه انصاف و راستکاری را بکنند
بلکه در این مسئله مشورت تمام دول فرنگستان را مداخله دهند در این مسئله را بچنین طریقه بتوان حل کرد
و گمان نکنم که اگر در چنین وقتی داخل گفتگو شویم که سایر دول باید شرکت در آن کنند و مطلب اگر شامل
حقوق و منافع ما و دیگران است در میان آوریم باید دقت و تحقیق در این مطلب امتحانات کنیم حالا اگر
نباشد ولیکن میل دارم با کمال قوت خود باطل کنیم سوء ظنی را که چندین نوبت داخل آن مباحثه شده است
و لرد محترم اشاره به آن کرد که ما میل داریم یک دولت خوب و آزادی را تقسیم و قطعه قطعه کنیم بولایات
مسیحی عثمانی و با کمال تعجب گوش کردم آن تهمتی را که نه همین بر دولت بطور عمومی زدند بلکه شخصا مرا
متهم ساختند که من چیزی گفته ام که از جانب من دال است براینکه جسارت میورزم از اینکه بلغارستان را
یا سایر اهالی مسیحی عثمانی صاحب حکومت و دولت آزاد و وسیعی شوند و این معنی نه همین منافی خلق طبیعی
من است بلکه با سخنان که هزار بار در میان آورده ام
من نمیخواهم بر این تفصیل زیاد دیگر دهم اگر چه دیگران همت دارند ولی میگویم که این

مرزا محمد علی ..

مسائل امتحان با وقتی لازم دارند و میل داریم دولت را آزادی باشد در باب جزئیات قرار داد اینکه باید در
در این طریق مطالق خواهش لرد محترم آن خیال عمومی را که ما باید آن اهل مجلس کنفرانس شویم نشان
بدهیم و بالاتر از تمام کارها میل داریم که مسئله وقوع صلح مستدام را ابتدا او نوبدای بدرقه حل کرده باشیم اگر
باید بدانند که صدمات وارده بر این ولایات بخی بوده اند که مقتضی چنان است مدتی امر تجسس نمایند و افراد ما
باید متفق باشیم در باب اهمیت قرار داد که مسئله معروضه لازم است قسمی حل شود که حتی الامکان ارکان
و ایراداتی که بهانه تطلب و خصومت از نه آینه شوند عاری و مبرا باشد
اصول قوانین که ما میخواستیم در مجلس کنفرانس مجری داریم از قرار است که عرض کردم نه اینکه
ما باید در آنجا حضور رسید آنگیم در حالتیکه نه همین قوانین منظوره در نظر ما جاری نشده باشد بلکه وضعی شود که بتوانیم
انتهائی که انجمن بکنیم در باب آن قوانین از روی استظهار و اطمینان سخن گوئیم   آخر خطبه دربانیه

مارکوئیس هارتینگتن بتکلیف دولت متفق شده و استعراض مطلوبات اعلی حضرت
سیئة دولت قبول در اراده کشیده و بیست و چهار ساعت مبحث ودر مجلس وکلای ملتی مقبول افتاد

در مجلس لردها در بار دوم فوریه لرد گرانویل از لرد دربی سبب جهت کشتیهای را به خلیج
کورینت بریکا سئوال کرد لرد دربی در باب این عمل بطریقه ذیل استدلال نمود

گمان نکنیم که جواب سوالی را که کشتیها بیرون رفته کشند اگر بعبارات عمومی بگویم منافی چیز
خلاف حدت علاقه باشد و قسمتیکه آن فرمانیکه که فرستاده شده بود به ملیحه جات در دوانیل رسیده ها نشت
شد که از اسلامبول بیچوجه دستور العمل برای سرکرده این قلاع رسیده لهذا امیر البحر از روی دلیل تحقیق گذشت
بجانب از قلاع بدون دستور العمل را تعلیق کرده به خلیج بریکا معاودت نمود و فیما بین دولت اعلیحضرت ملکه و باب عالی

در این باب گفتگوها ردو بدل شده و من از جناب عالی پوشیده نمیدارم وقوع اشکالی را که روزنامه‌ها از آن گفتگو کرده‌اند
ولی بکمال اطمینان میتوانم گفت که این اشکال برطرف خواهد شد و قبل از انقضای زمان قلیلی خیالات دولتین که
در جمیع مسائل اظهار شده مجری خواهد گردید اما در باب آنچه متعلق بمسئلهٔ ثانیه است میتوانم گفت که پس از ارسال
و مرسول نوشتجات بعد دولت روس را با مجاهد خود حکم کردند که از باب عالی فرمان صادر شود ولی چون هیچ اهم
خیال جناب عالی کج رود باید عرض کنم که چنان نیست که فوراً لازم باشد آنها را مجری دارند و گمان میکنم که
این دو تنها حق متحابی برای خود نگاه داشته‌اند که ببینند آیا در عقیده آنها مواقع کلی مبنی نقض شده‌اند
که این اقدامات کرده شود یا نه

همان روز سر استافورد نرث کت از باب همین مطلب در مجلس وکلا چنین بیان کرد
دخول کشتیهای بحر به نجار اسلامبول بتعویق افتاد ولی حالا در این باب میتوانم بشما اطلاعات کامله
بدهم گفتگوهای مصالحه به تواتر و توالی در میان است ولی مقاصد دولت هیچ تغییر نکرده‌اند
کشتیهای جنگی انگلیس که عبارت بودند از ده زورق زره پوش روز چهاردهم فوریه بدون اجازهٔ
باب عالی داخل تنگهٔ دردانل شده به لرد دربی در مجلس اعیان پس از استدلال لرد گرانویل در باب چنین
جواب گفت   من باید بگویم که کشتیهای مرسوله اکنون از
اسلامبول ابعد برای اینکه صحیح تر حرف زده باشیم بگوئیم که آن کشتیها مطابق اطلاعاتی که حاصل کرده‌ایم در جزیره
شاهزاده کان ایل دو پرنس که دو میل بر این شهر است لنگر انداخته‌اند و بامیرالبحر آنها اطلاعات
داده شده است که کشتیهای را در جائی قرار دهد که بکمال اطمینان حاصل باشد و در محلی که سفر جنگی باب
آمده است قبول لنگر افکندن کرده است در جواب مسئلهٔ ثانیه که آیا رفتن این کشتیها مطابق خواهش سلطان

با اجازه فرمان

یا بر خلاف رضایت او است من خواهم گفت که پس از اطلاع از ایرادات باب عالی که روز شنبه فوراً
ما با این دولت در باب ایرادات گفتگو کردیم و من به مسیو لایارد تلگراف کردم که دلیل لزوم را
که مطابق رای کشتیها باید از دردانل بگذرد اقامه کرده باشیم و در همین وقت اخباری بر وزیر مختار عثمانی در این
مملکت نیز دادیم و نتیجه این ارسال و مرسول چنان شد که اگر چه دولت عثمانی صریحاً انکار نموده است که
کشتیهای ما از دردانل عبور کنند ولی هیچ چه مدارکی ندیده است برای اینکه منع این عبور را بکند
بالفعل در صدد منع آن برآید و من نیز میگویم که با وجود که در این موارد باب عالی حق تام ایراد داشت اگر چه بالتفات گرفته
داشتیم چنین گمان کردیم که در حالات حالیه باب عالی دولت مشکل است مانند دولت مستقل آزادی فرض شود و سلطان
بدون اینکه خصوصیات حادثه نسبت بمملکت یاد داشته باشد میتواند بالطبع و بالاستحقاق احساس نمود
باشد که اگر اجازه عبور به ما بدهد نزد دولت روس مسئولیت خواهد پیدا کرد لهذا ما گمان کردیم که
این مسئولیت را خود در عهده بگیریم در باب آنچه متعلق است به باقی دول فرنگستان چیزی از آنچه پیش گفته
گفتم نخواهم افزود چنانچه گفتم دولتین فرانسه و ایطالیا بوزرای مختار خود اجازت داده بودند که فرمانی در آن
از سلطان صادر کنند ولی بعد از آن عمل خود را به تعویق گذاردند اما در باب آنچه متعلق است به تاریخ و اطمینان
من نمیتوانم از روی اطمینان در این فقره چیزی بگویم

آقایان من   اکنون برای آنچه متعلق بنیت دولت روس است در تصرف اسلامبول است جناب عالی
مراسلهٔ عمومی شاهزاده گرچاکف را که در تمام روزنامجات ثبت شده خوانده‌اند و یک مراسلهٔ دیگری دیروز
بمن رسید که از جناب عالی میل دارند برای ایشان بخوانم صورت آن از این قرار است
دولت بریتانی کبیر به ما اعلام کرد که قصد آن دارد که یک قسمتی از کشتیهای خود را

اسلامبول نفرستند تا حمایت کنند از جان و مال رعایای انگلیس که حفظ آن جان و مال مطابق تجارتکه
بدولت رسیده است در معرض خطر است بنابر در صدد آنیم که بتوقف یک خبر از عساکر خود در ابرای
همین منظور روانه اسلامبول کنیم با این تفاوت که اگر حمایتی لازم است حمایت بر تمام مسیحیان تعلق
خواهد گرفت پس این دو دولت تکلیف انسانیت را بالاتفاق بعمل خواهند آورد لهذا این عمل که
بالاصاله مسالمت آمیز است نمیتوان در نظر علامت خصومت طبیعی باشد

آقایان من   این تلگراف آشتی آمیز است خصومت انگیز ولی من باید بگویم
که ما عقیده نداریم در اینکه تصرف خود شهر بوازی باشد با فرستادن کشتی جنگی به بندری از بنادر آن
شهر و من مواظبت کردم و جوابی مکتوبا برای این مخابره که قرائت شد فرستادم و برای نگذاشتن
صورت این جواب در دفتر مجلس حاضر خواهم کرد (آخر)

در مجلس وکلا جواب در سوالی که **مارکی داربنگتن** کرده بود **سیر ستافرد نرتکت** گفت که
باب عالی از اجازت دخول در بندر تنگه‌ها مضایقه کرده لهذا دولت گمان کرد که حق اتراداداره که کشتیهای جنگی خود را
کند که از آنجا بگذرند حاکم تنگه‌ها انکار این معنی را نمود ولی ممانعت عادی بعمل نیاورد و این وزیر باز گمان
میکرده که این کشتیها در جواب ایلچی اسلامبول بوده اند دولت روس مخابره فرستاد که چون کشتیهای
دولت انگلیس به اسلامبول نزدیک میشوند دولت روس باید امتحان کنند و ببینند که آیا نمی باید آن
پایتخت را تصرف نماید دولت انگلیس انکار این دعوی نمود و اعلان نمود که چون از دخول کشتیهای
منظور جز حمایت هم قسمان انگلیس نیست این معنی نباید سبب تصرف اسلامبول شود

مؤلف گوید که پس از ذکر مباحثات مجلس پارلمنت بهتر آن است که مخابرات معتبره که در ماه فوریه

رد و بدل شده اند ذکر کنیم

از جانب سرور پاشا به **مسیو رودی** پاشا دویم فوریه به **لرد دربی** رسیده

مسیو لایارد به او اظهار داشت که دولت متبوعه او قصد کرده بعضی فروند از کشتیهای جنگی
اسلامبول روانه کنند و به امیرالبحر مستمی به **هورن بی** پس از آن بعضی کشتی بجانب **دردانل** امر
کرده است که از تنگه‌ها بگذرند ولی چون سرکردگان باب عالی او اظهار داشتند که اجازه ندارند بگذارند از تنگه‌ها بگذرند
تکلیف خود در چنان دید که به **پرنس گورچاکوف** معاودت نماید دولت انگلیس دلیل این بنا را که را حمایت جان و مال
رعایای انگلیس قرار داده و باری این بنا بهیچ طریقه استدلال نمیتوان کرد زیرا که به همین نظم و امنیت
هرگز در پایتخت عثمانیس پیدا نگردیده بلکه عموما هیچ خبری نیست که مایه خطر آنها تواند شد در زیر سایه
مرحمت اعلیحضرت اقدس سلطان تمام سکنه اسلامبول غریب و بومی در عهد امن و امان کامل خفته اند
دولت انگلیس میتواند خاطر جمع دارد که باب عالی جهة اطمینان از آسوده گی عامه و احترام حقوق عموم ناس در پای
تخت خود از هیچ چیز مضایقه نکرده است و نخواهد کرد پس از جناب عالی خواهش میکنم که نوعی باوزراء انگلیس گفتگو
کنید که از این خیالی که بالطبع و بالخاصه ممکن است سبب اشکالات خطرناک شود منحرف و منصرف شوند ما هم
از طرف خود با **مسیو لایارد** مقالات رد و بدل کرده ایم

لرد دربی جواب این مخابره را روز دوازدهم ما گفت که دولت اعلیحضرت بلکه از میل طبیعی سلطان مطلع است ولی
چون از خبر کرده اند که محتمل است در بعضی کم روزها بیاید از شورش و انقلاب اسلامبول اندیشه کرد دولت
نباید رعایای خود را در عرصه چنین مخاطرات ببیند با حمایت بیرق خود آنها را حفظ نکند باری توقعی که از سلطنت
لزوم حصول اجازه عبور از تنگه‌ها حاصل شد و قطع سیم تلگراف در سانی که **دردانل** را از اسلامبول جدا

میکنند کشتیها را مجبور ساختند که نزدیکتر بجای تخت پایتخت ننشیند مبادا دوچار بعواقبات شوند که اصلاح پذیر نباشند

کنت دربی به لرد لفتوس از فرن آفیس بتاریخ یازدهم فوریه

آقای من   محض اطلاع شما سواد تلگرافی که شاهزاده گرچاکف بتاریخ روز گذشته کرده و امروز صبح سفیر وزیر مختار روس بمن داده خدمت جناب عالی میفرستم من بکنت شوالف گفتم که اگر اسم دولت متوجه تری درباب مطلب این تلگراف می‌شنیدم خوشنودتر می‌شدم باید دانست که مقصود دولت روس از ورود عساکر خود به اسلامبول حفظ و حمایت مسیحیان است که باعتقاد آن دولت در معرض خطر هستند یا اینکه این ورود محض افتخار نظامی است و آیا اگر دولت انگلیس و سایر دول بیرق خود را در اسلامبول بگشایند بیرق دولت روس نیز لازم می‌آید و در آنجا کشوده شود و جناب سفیر روس بمن وعده کرد که در این باب از دولت متبوعه خود مطالبه توضیح و تصریح کند

کنت دربی به موسوروس پاشا از فرن آفیس بتاریخ ۱۳ فوریه

جناب وزیر مختار   صورت مخابره تلگرافی را که وزیر خارجه عثمانی بتاریخ دهم این ماه درباب حکم دولت به انعقاد و تمدید مسئله کشتی جنگی خود به اسلامبول بجناب عالی کرده بودند و جناب عالی در روز ... التفات کرده بودند خدمت ملکه و اولیای دولت آن علیحضرت عرضه داشتیم و در جواب آن مطلب خدمت جناب عالی اعلام میکنم که دولت علیحضرت سلطان را دارند که مطمئن باشند از جان و مال رعایای دولت انگلیس که در اسلامبول ساکنند حمایت فرمایند ولی پس از آن که دولت علیحضرت ملکه اطلاعات کامله از تمام احتیاطات و بعضی ممالک پیدا کرد تکلیف خود را در این نمی‌بینند که رعایای بریتانی کبیر را در هر گونه مخاطرات گرفتار ببینند بدون اینکه بیرق مخصوص خود شان از آنها حمایت کنند و تعویقی که درباب صدور حکم عبور از تنگه‌ها

[illegible]

بهم رسید و قطع

بهم رسید و قطع احتمالی روابط تلگرافی فاصله دردانل و اسلامبول سبب شده که محل توقف کشتیهای علیحضرت ملکه لازم بود اگر چه که نزدیکتر به اسلامبول باشد زیرا که چنین میکردند محتمل بود که در صورت وقت از دست دادن خسارات مرتب از پیش آید لهذا دولت علیحضرت ملکه بکمال اعتماد دارد که با تعالی پس از امتحان این تدارکات را پیش از ضروریات وضع حالیه تصور نخواهد کرد

رقم درپی

کنت دربی به لرد لفتوس از فرن آفیس بتاریخ سیزدهم فوریه در این صبح کمی از روز

بعد از ظهر با کنت شوالف داشتیم درباب وضع حالیه امور موقع یافتیم که بیان کنیم امید کامل که دولت بهم رسانده است از اینکه دولت روس هیچوجه سپاه خود را بجانب کالی پولی حرکت نداده و کاری نکند که مراد و اراده کشتی انگلیس را ضرری برسد و گفتیم که هر حرکتی از این قبیل بظهور رسد در انگلیس اثرات منفورانه کشتیها خواهد داشت و با حالت حالیه عقیده عامه من نمیتوانم جواب نتایجه را که تحمل آن اسباب صعب باشند بدهم

رقم درپی

کنت شوالف به کنت دربی

لندن   بتاریخ پنجم فوریه ۱۸۷۸ شاهزاده گرچاکف بتلگراف بمن حکمت داده که بجناب عالی اعلان نمایم که دولت امپراطوری بعهد خود وفا میکند که کالی پولی را تصرف نکند و داخل خطوط بولایر نشود و شاهزاده روس منتظر است که در عوض آن هیچ لشکری از انگلیس در خاک آسیا وارد نشود یا فرود نیاید

مذاکره نامه به کنت شوالف

دولت علیحضرت ملکه با کمال خوشنودی دریافت کرد القای به اطمینان عهدی که دولت روس داده و کرده بود به اینکه به هیچوجه قصد تصرف کالی پولی را ندارد و همچنین از قراری که در ضمن آن اطمینانات در باب خطوط

بولر کرده بود و جزو سند کردید و دولت اعلیحضرت ملکه نیز حاضر است که مانند دولت روس عهد کند که
قشونی در سواحل اروپائی سنگها فرود و بنا ورد و نیز مستعد است که برای اینکه این عهد را تا سواحل آسیائی
دردانل منبسط کند در صورتیکه دولت روس نیز وعده بدهد که قشون آن این صلع سنگهارا تصرف
نخواهد کرد در فرنی افیس به تاریخ نوزدهم فوریه تحریر شد
کنت شوالف به کنت دربی بتاریخ بیست و یکم فوریه شاهزاده گرچاکف مرا
مامور کرده که بجناب عالی اطلاع دهم که دولت روس خیال تصرف سواحل آسیائیرا نخواهد داشت در صورتیکه
دولت انگلیس نیز از تصرف آن احتراز کند و اگر این شرط با شرط عدم نزول قشون انگلیس در سواحل اروپائی
سنگها بعمل آید ما بر کالیپولیرا تصرف نخواهیم کرد و داخل خطوط بولر نخواهیم شد
روز هفتم مارس دوک نجیب داوزیل از لرد دربی وضع و تفاوت عهدنامه ۱۸۵۶ را با عهد ۱۸۷۱
سؤال کرد و این وزیر امور خارجه در جواب عبارات ذیل را بیان کرد
جناب دوک نجیب مخصوصا گفتگو فرمود از مسائلی که از عهدنامه و اوقات [illegible] میل طبیعی صحیح او را
در بیان مدلل کردن وضع حالیه خود می فهمم و در این ضمن هم میخواهد عقیده را که در جنگ قرم اظهار داشته بود در
میان آوردمن در صدد آن نخواهم بود که از آنچه دوست نجیب من در باب عهدنامه ۱۸۵۶ الکه گفته است تکذیب
کنم به این دلیل که با وجود اتفاق رای من با او در نتیجه که بدست آورده لازم نخواهد شد که در موضوع و محمول
صغرا و کبرا که او را بان نتیجه رسانده اند ایرادی بگیریم زیرا که هیچ فایده عملی نخواهد داشت من بخاطر دارم که او
رجوع بفصل هفتم عهدنامه سی ام مارس ۱۸۵۶ میکنم که در آن فصل ما در عهده میگیریم که پاس احترام
آزادی و عدم تجزیه دولت عثمانیرا داشته باشیم و ضامن ملاحظه این تعهد می شویم و درست میگویم سخن که

هر عهدنامه می تواند نقض این عهد کند مسئله حقوق عمومی خواهد شد من گفتم که نمیتوانم قبول کنم که معنی این فصل تعهدات
به اینکه دولت عثمانی در شورای ملل فرنگستان بعنوان مجاورات زیرا که دو شیکه شما به آزادی و استقلال عثمانی
معترف شده بود شما در عهده گرفته اید که کاری کنید این آزادی و استقلال نقض و نقصی پیدا نکند اما باید
دانست که این تعهد تا چه حد است لیکن من کلیتا با دوک نجیب متفقم در نتیجه که به آن رسیده و آن این است که این
ضمانت هر قدر عمده باشد سبب مجبوریت دول معظمه نخواهد بود در اینکه برای دفاع آزادی و استقلال
عثمانی جنگ کنند و مخصوصا در آن عهدنامه ذکر شده است که هرگاه نقض این ضمانتها که جزو حقوق عمومی
خواهد بود و هر کس در عبارات آن عهدنامه غور رسی کند ملتفت خواهد شد که اگر مقصود از آنها این بود که یک
از دول ضامنه مجبور در جنگ کردن میباشد آن عبارت را قبول نکرده بودیم اسلاف ما [illegible] تعهد محکم تعمیم
آن شرط بودن بجان میکنیم که نمیتوانیم مقتضای عهد فرض کنیم که اگر در هنگام جنگ قرم وزرای انگلیس گفته بودند
این یک کاری نیست که اگر یک دفعه کردید دیگر محتاج به تجدید و تکرار نباشد شما میتوانید دولت عثمانی را بیست
پنج سال مستقل بر پا دارید ولی پس از این مدت شما باید تجدید عمل کنید میگوئیم که اگر چنین چیزی برای ما اهالی انگلیس
مکشوف شده بود هرگز جنگ قرم را انشا نمی کردیم
ولی چیزیکه این عصر را خیال می کنم که قصد آن دارند که مطمئن شوند که اما از ضمانت امنیت دولت عثمانی
از حملات دول خارجه ممکن نبود آن دولت را قطعا آزاد کنند یعنی خودش را میتواند حفظ کند و قدرت
داشته باشد که از شر تمام رقیبان خود را محافظت نماید ولی ادله و اسباب جنگ قرم هرچه باشد
کار بزرگ این است که دولت عثمانی بحالت حالیه افتاده است نخواهد بود است که همیشه قوی در اسباب خود باشد
محفوظ بماند و در این باب من کلیتا در این باب آن نتیجه که دوست نجیب من بدست آورده است با او متفق

آن رای جنابشیم که ما دو روز قبل از این از بابت قانع کردن از جنگ برای انقاذ عثمانی نقض یا نسخ عهدی کرده ام
و به هیچ وجه از پلتیک رسمی خودمان در باب امور خارجه تخلف نورزیده ایم

در باب آنچه متعلق است به مسئله دیگری که دوست نجیب بیان کرده است یعنی با تجربه ما
تکلیف وارده که بر دول ضامنه آزادی عثمانی تعلق میگیرد از اینکه از جماعت تبعه خود حمایت نماید
من باز تکرار میگویم که کار مشکل بود که قاعده ثابته معینه قرار دهیم ما دوست نجیب خود متفقیم که فصل نهم عهدنامه
این مسئله را ابطال یا بطلان معنی توجیه نمی کند بهمین قدر میگوید که اگرچه باید از دولت عثمانی فرمانی صادر شود
که متضمن حمایت تبعه دول باشد قبول این فرمان بر دول ضامنه حق مداخله که سابق این مداخله داشته اند نمیدهد
ولی پس از اینکه شما نسبت به دولتی حالت حمایت پیدا می کنید نتیجه لازمه آن حمایت مداخله خواهد بود من
گمان میکنم که هر کس پیش از این چیزی مطالعه نکرده اند لهذا لازم نیست که بیش از این مطلب گفتگو کنم
هر نوبتی که ما در این مجلس این گفتگو را طرح کردیم و دو دوست که

مکرر این مسئله طرح شده است من در هر نوبتی همیشه استدلال کرده ام که در نظر من چنان آمده که حد عملی حق
تکلیف مداخله یا در عبارات بلکه در معنای هیچیک از عهدنامه‌هائیکه بسته ایم مشاهده نمی شود و لا این حد معین ثابت
است از بابت اینکه ممتنع است پلتیک مداخله یا نه در امور داخله مملکتی را مجری داشت من در نطقهای سابق
خود این مطلب را بسط دادم و لزومی ندارد که آنچه را پیش از یک نوبت گفته ام باز تکرار کنم
اما در باب سیمین و آخرین مطلب همینقدر من گمان میکنم که چون از
پیش اشکالات نتیجه از جنگ روم و روس امید بدیم که برای فرنگستان چه قدر ضرر خواهد بود آنچه میتوانستیم
در منع این جنگ بعمل آوردیم این هر دو یکی است با خیال ما در مصافی که آنچه اندرای کردیم و از گفتگوهای

بالعدم که اقدام

بالعدم که اقدام طرح و وسایط کامل پلتیک بود به استماع نمودیم و ما انکار را از بابت آن کردیم که خوش نشسته ایم
از بیستگی نحو بودیم و دو قسمتیکه انطلیب و بکر از سطح خارج شده ما بر خود تکلیف کردیم که جنگ برستان
را با تهاجر رسانیم و اصرار کردیم که ظاهرا حمایت برستان مینمودیم ولی خیال ما درست مشخص بود که اگر سردار ان
عثمانی عمل فتوحات خود در اینجا چنانچه منتونشد بکریمه یکبر قدم جنگ روم و روس در بکریف آنکه توقف قول طرح
کنفرانس کردیم و بسته ایم بجفف که شاه و رهبین دول فرنگستان کمال قدری درا ایم کنفرانس پرورداشت
در سوابق ایام نیز وجود داشته مجلس کنفرانس برای تعالی موقع و ساعد افتخار هیری بود که از اشکالات
خود محمد ولی دولت عثمانی دولتش بیرون بردن از موقعی که برای او مهیا کرده بودند نشان وقت هم از آنها
سبب حرب نشده و وقتیکه خیال کنایچه سفارت در میان آمد با گمان کردیم که این هم نیز برای تعالی یک موقع
سیاسی است که از جنگ بر بود ولی دولت عثمانی باز استناع از حجت شمردن آن موقع نمودند چنین گمان میکنم
که سبب اینکه حرکت و رفتار آن دولت از بابت آن بود که یک خیال اغراق آمیزی از مقدار کاشت و
قوت در سر داشتند یا اینکه از تبعه و قوت دشمن خود اطلاعی نداشته باشند بلکه از بابت آن بوده که بعضی
هم رسانیده که زود یا دیر جنگ ناگزیر پیش خواهد آمد لهذا بهتر چنان دید که فوراً آنرا شروع کند
علاوه این قسم گمان پس از آنکه کار بدین وضع انجامید تکلیف ما
بعمل آمده بود دیگر محل تردید نبود که یکی از این دو کار را اکرد یا باید شرکت در جنگ نمود و یا بطرفداری ناسنت جهانرا
کرد و در آن هنگام هر دو دولتی تکلیف خود را در قبول بطرفداری دیدند زیرا که عقیده عمومی مردم متوجه این حالت بود
یکی از لردهای نجیب سوال کرد که چرا آن وقتیکه روسها از [illegible]
گذشتند ما مداخله نکردیم و با آنها نگفتیم که نباید آن طرف انوبیل بروند اولا آنکه این عمل خیلی منافی شرایط بیطرفی

که اختیار کرده بودیم می‌شد و علاوه براین اگر با اندریانوپل با نقطه دیگر را برای جای اعمال جنگی روسها شخص نکردم

قشون عثمانی خود را از عقب آن نقطه می‌کشیدند و با خواه و ناخواه مجبور می‌شدیم که در جنگ شرکت ورزیم

در این باب چندین نوبت شاهده کردم که از رفتار دولت

مدت میکنند که چرا در شرایط مصالحه روس فوز کنند و با عالیه را قبول آنها نمی‌شدند در جواب من این جمله

ساده خواهد بود و آن این است که چه لزوم کرده بود اقدام لایری کنیم که از خطر اول ممتنع نماید در آن اوقات لشکر

روس چندان طرف و ظفر عمده نداشت و فاصله اندک زمانی که آن جا رمبار رسید یک شد بسیار تغییری از

فتوحات موفقی عساکر عثمانی شروع کرده و چنانچه به لطف خیالات که در آن ایام در اسلامبول بهم رسیده

بود بستید بقسمیکه یکی از اعیان عثمانی که میدانم آنوقت مصدر صدارتی بوده یا نبوده ولی میدانم که نبول

عامه داشته است به سفرای خارجه اظهار کرده بوده است که اگر با عالی بتواند بر روسها غلبه کند میدانم

چه واقعات روی خواهد داد

آقایان من اکنون در جواب سوال معتبر و عمده که شد آنچه من میتوانم گفت است که هیچ

کس منفعتی که خواه متمسک به عهدنامهای قدیم ۱۸۵۶ و ۱۸۷۱ بشویم یا نشویم حالت امور که در آنها

مراعات پیش بینی کرده بودیم دیگر بهم خورده است و ما نمیتوانیم آنرا بوضع اول باز بریم اگر چه حال ما

هم داشته باشیم و ما دیگران عهدنامه را نمیتوانیم با خود قرار بدهیم همینقدر انهار اسباب رابطه دو

و انگلستان میدانیم وقتیکه وضع امور تجدید شود ولی اگر انهار را با خود قرار بدهیم البته باید قصد کنیم که از

از آن با خدا دور شویم

آقایان من از من خواهش خواست که گفتگو کنم از مسئله مشکله و دقیقه که باید در ورود مجلس کنفرانس بیان

در رفتار دولت انگلیس حکم به باشد و آنکه یک دو قانون است که من میتوانم اشاره بدان کنم اصل دارم که

قرار دادی که باید بعمل آید بمیل عموم دول فرنگستان باشد و منحصر بمیل دولت روس نشود و میل دارم

حتی الامکان این قرار داد حاوی اصول باشد که مدتی بماند و باید گفت نمی‌خواهیم که حتی الامکان قرار

میزان عدل و مساوات مابین ملل مختلفه باشد

ممکن است که گفتن این چیزها سهل باشد و اگر خواسته باشیم جا بجا این راه این است نمیدانیم که انجام بخش

مجلس کنفرانس کار سهل نیست که آن چنانچه اختار راه نمائی کرده ام زیرا که وقتی چندین دولت کلا

معین کنند که هر یک از آنها خیالات و منافع مخصوصه در این باب منافع مختلفه که متعلق به مسئله لازم الانحلال است

داشته باشد و آن دول میبایست مسائل مزبوره را مناسب دول مخصوصه حل کنند بلا تطابق مقتضای آنکه عمومی

رفتار نمایند باری وقتیکه تمام اصول مغایرت موجود باشد گفتگو با مورد اشکالات خواهد شد که کمتر دیده باشد میدانم

که چه میل دارم و هر قدر بتوانیم در انجام میل خود خواهیم کوشید و لیکن هیچ شخص عاقلی دعوی نمیتواند کرد که قبل از وقت نتیجه آن

خبر بدهد آخر کلام لرد دربی خبری که در باب مجلس کنگره رضی الدوله برده

بدل شده اند مختصراً مرقوم می‌شود مخابره لرد دربی به کنت ... نهم مارس از

این قرار بود من قبول دارم که بجای بادن بادن برای مجلس کنگره شهر برلن را اختیار کنند ولی

باز بگویم که اصول دولت انگلیس چنان است که معهود چنین باشد که تمام مسائل مندرجه در مصالحه نامه دولتین

عثمانی و روس را در مجلس کنگره بتوان در معرض مباحثه و سوال جواب در آورد و هر تغییری که بواسطه عهدنامه جات

بر حالت سابقه امور وارد آید قبل از آنکه در معرض تصدیق و امضای سایر دول آید مقبول صحیح نخواهد بود

بتاریخ سیزدهم مارس لرد دربی با سیر هنری الیوت

تلگراف کرد که دولت انگلیس میل دارد اعلام نماید که باید قبل از ورود مجلس کنگره تمام فصول مصالحه‌نامه را که
بسیار بند به رسم که تمام آنها را احکما باید مقبول فهمد بلکه از بابت اینکه بتوان فهمید آن فصولی که محتاج به
باشد و نیست هر یک از دول مشتبه کرده‌اند و آن فصولی که محتاج مداخله سایر دول است کدام‌اند

بتاریخ چهاردهم مارس در مخابره لرد دربی با سر هنری الیوت

که مطابق اطلاعی که کنت اندراسی به کنت دو بست داده است دولت اطریش مستعجل می‌کند که تمام مطالب
در عهدنامه راجع به حقوق اروپائی است باید در خود مجلس کنگره در معرض گفتگو در آید و امضای اروپائیه بدهند
کنند

در این تلگراف نیز مذکور است که شاهزاده گرچاکف به مجلس وزراء اطریش و مجارستان عرض نموده
که در مجلس کنگره معلوم خواهد شد که فصول مقدماتی که در مصالحه‌نامه متعلق به حقوق تمام فرنگستان اند
کدام‌اند و تمام مسائل حقوق اروپائی باید در معرض سؤال و جواب مجلس در آید و بدون امضای تمام
دول آن فصول صحیح و مقبول نخواهد بود لهذا انظار دولت اطریش چنین برسد که مقصود که دولت انگلیس از اعلام
کمال آزادی خود داشته دولت اطریش نیز در عقیده شرکت داشت بعمل آمده است و کنت اندراسی اطمینان می‌کند که
در این مواقع برای دولت انگلیس و برای دولت اطریش منفعتی حاصل خواهد شد در صورتیکه بکمال آزادی
در این مسائل برخیزد روز پانزدهم مارس لرد دربی به لرد ادوس تلگراف کرد که بنابر مخابره شاهزاده بیسمارک که
بواسطه کنت دمونستر به دفتر وزارت خارجه انگلیس رسیده است طرح کنفرانس مقدماتی باید ریخته شود که در کنگره
باشد از نواب اول وکلای دول از سفرای خارجه که اکنون در دربار برلن متوقف‌اند در آن مجلس در گفتگوها ترتیبی
مقدماتی مصالحه قراری بدهند ولی لرد دربی به کنت دمونستر جواب گفت که لزومی در انعقاد این مجلس بنظر نمی‌رسد

روز چهاردهم مارس کنت شوالف به لرد دربی
مخابره از شاهزاده گرچاکف اظهار داشت که در آن مذکور بود که تمام دول متن شرایط مصالحه را بسبب آنکه نسخ
پاک‌نویسهای آن از طرفین رد و بدل شود در سنت پطرزبورغ برای همه دول فرستاده خواهد شد و بعد از آن برای کسی
بطبع خواهد رسید ما در این باب مطلب جداگانه نداریم

روز شانزدهم مارس لرد دربی به کنت شوالف اطلاع داد که هنوز دولت انگلیس اطلاعی ندارد که آیا
دولت روس شرایطی را که دولت انگلیس برای اقدام مشارکت در مجلس کنگره قرار داده است قبول کرده یا نه
و کنت شوالف در روز نوزدهم به لرد دربی جواب گفت که مطابق مخابره شاهزاده گرچاکف عهدنامه را بتمامت
مصالحه‌نامه سان استفانو را اگر هیچ معاهده مخفی مابین دولتین روس و عثمانی بسته نشده و قبل از
آنکه مجلس کنگره منعقد شود صورت آن عهدنامه بنظر اولیای دولت علیحضرت ملکه خواهد رسید و دولت
انگلیس و سایر دول هر اقوال و افعال خود بکمال آزادی را خواهند داشت ولی دولت روس همین آزادی را
که از دیگران آن مضایقه کرده برای خود نیز منظور خواهد داشت و اگر بدون رضایت سایر دول دولت روس
عهدی از پیش بسته باشد باید از عهدنامه موضوع شود

عنقریب این گفتگوها قطع خواهد شد و دولت انگلیس مجبور خواهد گردید که بیشتر سخت‌گیری کند ولی
قبل از آنکه با آن نتیجه‌ها شروع کنیم باید قدری مشغول دولت اطریش و دولت آلمان باشیم

مطلب دویم

دولت اطریش و مجارستان نه و دولت انگلیس میل بینی در صدد تدارکات نظامی برآید زیرا که فتوحات روس
روز بروز نمایان تر می شوند ولی اعظم وزارتخانه وینه بنظر باشد عظم وزارتخانه انگلیس خم نمی آید
در بیست دهم نوویه شاهزاده الدربک رئیس مجلس شورا در جواب
سؤالی که مسیو ریش کیا در باب کار مشرق رئیس کرده بود عبارت ذیل را بیان کرد
دولت اطریش و مجارستان از حصول شرایط مصالحه که اولا بسط
آن با بین دولتین روس و عثمانی تمام که جنگی شد اطلاع یافت کلیتا این حصول مطابقند با انحصار آنکه
بواسطه روزنامه‌ای پطرزبورغ بما رسیده اند و دولت اطلاع از وجود معاهده دیگری ندارد
و دولتی برابر این حصول معروفه با تمام صداقت خود اظهار
مقصودی که در نظر دارد کرده و اقرار نمود که هر عملیکه فیما بین دولتین متخاصمتین تنها گذرد و بنظر او مخالف حقوق دولت
اطریش و مجارستان با تمام دول مضا کننده آید امضای صحت آن نخواهد نمود و نیز دولت مدارک خود
را جهة حضور در انعقاد مجلس کنفرانس دیده است و قانونیرا که دولت اختیار نموده و میلی که در انعقاد کنفرانس
روز داده پسند سایر دول هم افتاده است همینقدر دولت روس یک اظهار عقیده کرده است که بجای مجلس کنفرانس
مجلس کنگره برپا شود و آن مجلس بر حسب ارباب مختهای دول امضا کننده عهدنامه باشد گفتگوهای متعلقه بآنکار
تقریبا تمام شده اند و گمان میکنیم که مجلس کنگره عنقریب انعقاد خواهد یافت و از این بابت است که دولت
نتوانند اطلاعات مبسوطه خود را در باب عقایدیکه متعلق با حصول مصالحه اند بروز بدهد ولی نتوانند از اقرار باینکه

معنی چشم بپوشد

معنی چشم بپوشد که برای دولت ممتنع است که بعضی از شرایط معروفه حالیه را بتواند مطابق با حقوق و منافع خود
فرض کند ولی این ملاحظه تعلقی بر رفیه حال مسیحیان مشرق زمین نخواهد داشت اما تعلق است بوضعی که
پلیتیک مشرق را نسبت بدولت اطریش تغییر بدهد

دولت امید زیادی دارد از آنکه گفتگوهای بین الدول فرنگستان منتج اتفاق عمومی شود
و چون تمام دول که ذیحقند باید برآنست که یک صلح پایداری برقرار شود و موقعی نباشد دولت امید
وار است که گفتگوهای بین الدول منتهی شوند بحکمی که موجب رضایت حقوق دولت واحده باشد که رعایت
بمنه شود در هر حال دولت با وجود تمام حوادث تکلیف واقعی خود را انجام بحفظ حقوق پلیتیک و مادی و سیاسات برتری
مملکت خویش میداند عای قسم کان   آخر بیانات شاهزاده
همان روز مسیو تیسزا اعتراف شبیه باعتراف مزبور نمود ولی ملاحظات ذیل را افزود
من نمیخواهم چند کلمه بر بیانات مسیو که محرک است بدلالات شده اند بیفزایم و اول جواب ایراد مسیو
ملفی را میگویم که گفته است در موقع دیگری این اظهار میل حسنی را که اکنون در خلق مشهور می شود شاید
نخواهیم کرد که اگر اطراف مملکت را دعوت بگرفتن سلاح کنیم با کمال شوق برای مدافعه حقوق دولت اجابت
خواهند نمود من باید در این مجلس محترم اعتراف کنم بر اطمینان قلبی خود که اهالی مملکت خاصه اهل مجارستان
شریک در این عقیده نخواهند بود که ما با کمال شوق و میل اقدام بجنگ کنیم هرچند منافع واقعی ما مقتضی آن
جنگ شود زیرا که این جنگ محتمل است بیرا از معطلی برهاند و خود ما را در مهالک اندازد و چنین جنگی
جهة حفظ حقوق خود ما از روی شوق دارد و اقدام بجنگ نمائیم من یقین دارم معدود قلیلی در مجارستان

وسایر ولایات مملکت هستند که اگر پادشاه ایشان را برای مدافعه حقوق مملکت دعوت کند در هر وقتیکه
باشد با کمال رغبت و جان فشانی اقدام بتکالیف خود کنند

و بعد جواب اشخاص را میگویم که مدعی شده اند بر اینکه اگر در حل مسائل تعویقی وارد آید احتمال خطر در پیش است
و به ایشان خواهم گفت که من یقین دارم که اگر بواسطه اسباب غیر طبیعی با خواسته باشیم در حل مسائل منظوره
تعویقی بیندازیم مخالف حفظ حقوق ما خواهد بود و از این بابت است که مجلس اعظم را مستحضر میدارم که آنچه در قدرت
رتبه حالیه دولتی من است بعمل خواهم آورد که اگر کسی بخواهد در حفظ هر یک از آن حقوق و مسائل چیزی بیندازد
ممانعت کنم   بعد از ذکر این ملاحظات از اعضای مجلس محترم استدعا
میکنم که بلطف جواب باشند و بیشتر اصرار در این ننمایند از این بابت آنکه که مطابق رای من در این
مواقع مشکله که ما را در پیش است بسیار شوم خواهد بود که در مجالس دولتین متعلقه بسر اطوار آرای مختلف
اللون و معارضت آمیز مسموع شود و آن اتفاق رای و اتحاد قلبی واقعی که مجهول اخبار دولتین است انکار شود
زیرا که برای اشخاصیکه بظاهر عبارات میپردازند و از اتحاد باطنی مجالس دولتین با استحضار کافی ندارند این بیانات
مختلفه ظاهری در این اوقات خطرآمیز میتوانند باعتبار دولت ضررهای فاحش برسانند (آخر)

تفاصیل اندک زمانی دولت اطریش آن بود که تصدیق و تصویب کرور فلان
بیست و چهار کرور تومان استقراض نماید و تفصیل مطالبه این استقراض مطابق ذیل است

در وضع و حالت حالیه برای دولتین متحدتین اطریش و مجارستان
ممتنع است که تدارکات فوق العاده برای حفظ حقوق دولتی خود ننمایند و در این صورت دولت مشترکه
باید بتواند بدون تعویق از عهده مخارج لازمه برآید لهذا باید اجازت بطلبد که برای مصارف متفرقه تا حد کرور در

فلان خرج کند

فلان خرج کند با این مبلغ قصد آن ندارد که خریدی جهة تکمیل تجهیز لشکر کرده باشد زیرا که استقراض
مخصوص برای این کار در خرج فوق العاده وزارت جنگ بعمل آمده است بلکه میخواهند با این مبلغ
دولت مشترکه را از هر گونه خطر و غفلتی محفوظ و مصون دارد بنا علیهذا دولت از مجلس محترم و کلا خواهش
میکند که رای مجلس و قرار او را امضا کنند بر این نحو که وزارت خانه مشترکه به امضا و رضایت دولتین اطریش
و مجارستان مأذون است که با تصدیق و تصویب کرور فلان جهة مصارف فوق العاده قشون که لزوم
حتم و چاره ناپذیر تقاضا میکند خرج کند و این مخارج را با حوائجیکه مطابق کسی توسیون معین میشود جواب خواهند داد

روز نهم مارس کنت اندراسی و وکلای اطریش و مجارستان اظهارات آتیه را کرد

من از جانب وزارتخانه مشترکه خدمت شما طلب استقراض فوق العاده جهة اداره وزارت جنگ کردم اگر این استقراض
هم از شما مطالبه نشده بود شما حق آنرا داشتید که از وزیر امور خارجه استدلال کنید که آیا مطمح نظر دولت
در این مواقع مشکل و خطرناک چیست و من اکنون از این میل شما استقبال میکنیم و بر دعوت استدلال شما
سبقت میگیریم ولی شما را از سئوالات مخصوصه منع میکنیم و از ارادات دقیقه که ممکن است یک وضع بسیج
در این مطلب بر من گرفته شود و چیز را ندارم میل قلبی من در آنست که اگر چه قبل از افتتاح مجلس مباحثات
هم باشد آن نقطه را که مطمح نظر دولت است بشما نشان بدهم وضع مشکل امروز مقتضی است که مخصوصا
در باب دو مسئله تعمق و تأمل نمایند یکی تعهدات مصالحه است دیگری ترتیب مجلس کنگره مرضی الدول
دول اروپا است که برای انتظام و انجام کار نتایج جنگ برپا خواهد شد و من در همان مسئله که بیان او را مطلع شما
خواهم کرد میل دارم از آنچه متعلق باین دو مسئله است نیز اشاره نکرده باشم
در باب آنچه متعلق بتعهدات مصالحه است باید شما را مطلع کنم که شرایطیکه اکنون مع قید

نظر نباید که کاملاً موافق شرایط مقتضیه باشند و من از شرح مبسوط آنها مضایقه نمیکنم که در چنین نظری که
اجتماع مجلس کنگره اینقدر نزدیک رسیده است این مذاکره را خالی از لزوم نمیدانم و اگر چه راست
است که ما یقین داریم که امروز حقوق دولت شریکه اطریش و مجارستان در حقوق تمام اروپا
ولی فایده در آن نمی بینیم که از طرح دستور العمل گفتگوی مجلس کنگره سبقت بگیریم و از همین جهت احتراز
باید کرد زیرا که محتمل است به سبب اختلاف رای یک دولت انعقاد مجلس کنفرانس را اخلال و تعویق وارد
آید لهذا من رای خود را در گفتگوهای موقتی منعقده ما بین دولتین روس و عثمانی از قراریکه امروز معروف شده اظهار
نخواهم کرد و کریسپی اجمالاً زیرا که هر وقت گفتگوی مصالحه در مدت جنگ در میان می آید همواره
طرفین لشکر مشغول محاربه اند البته بدیهی است که حقوق نظامی حقوق دولتی را پایمال می کنند و لیکن از آنکه
ملاحظات استقلال با ملاحظات حال سبقت بگیرند و سرداران نظامی مسئولیت خود را جلوی انداز
و از این بابت است که شرایط منعقده مصالحه بنظر دیگران قابل قبول نمی آید

حقوق اروپا و حقوق هر دولتی خاصه نمیتوانند در جائیکه وکلای آن حقوق حضور ندارند و در جائیکه غالب و
مغلوب تنها هستند معین شوند آن دولتیکه غالب آمده است هیچوجه نمیخواهد حق ادعای خود را کوچک
کند و دولت مغلوبه قادر بر کوچک کردن دعوی مدعی نیست و این معنی مخصوصاً بیشتر محقق میشود در
صورتیکه شرایط مصالحه را قسمی بدانند و موقتی شمارند و آنها را اصول معاهده علاحده چیز دیگری
فرض کنند و علاوه بر اینها صفت اغراقات و اختلافات محاربات مکرره که از سواد محاکمه سر رسیده باشد
لهذا جای تعجب نیست که رای عمومی در این شرایط مصالحه چندان موافقتی ندارد و مدت مدیدی
نیست که دولت روس را از حیثیت لشکر کشی عاجز می شمردند و او را دولتی میدانستند که قابل

زراع باعثمان

نزاع با عثمانی بطوریکه سودی ببرد و خود را جزو دول معظمه نگاه دارد و نخواهد بود و امروز دولت روس
قدرت نظامی آنرا باندازه ای رسیده اند که موجب تهدید تمام فرنگستان شود و شوان در آن دولت
خیالات سبقت بجنگ تحریک نماید و چون در عصر تلگراف زنده ایم که بگنیم و جای مختصره تلگرافی و در مقام مراسلات
مهیجه عصبانی نمیکند خیال عامه غالباً از همه طرف حقیقت سیر می کند

بعقیده من وضع عمومی مجلس کنگره بشکل دیگری جلوه گر خواهد شد که مراتب حشمت کمتر
خواهد بود دولت روس بارها اعتراف کرده است که محض خودپسندی و حرص شیر نخواهد کشید بلکه محض
ترفیه احوال مسیحیان مشرق زمین خواهد بود لهذا مقصود و نتیجه نظامی جنگ از حیز گفتگو خارج بماند و مطلوبات
و آن خواهد بود که این نتیجه بعینه محدود می شود که هیچوجه بحقوق ها و حقوق اروپا و منفعت مخصوص آن نقصی
که نتیجه جنگ جز صلح نشود نه آنکه وضعی پیدا شود که آن جنگ تخم اشکالات جدیده را بکارد و
این نتیجه باید مسئله مشرق زمین را بطوریکه مطلوب تمام دول است حل کند نه آنکه باعث قطع روابط دوستی
تمام اروپا شود و به عقیده من هم مجلس کنگره باید مصروف آن شود که نتایج عمل جنگ را مطابق کند با منظوراتیکه
عرضه داشتیم و این معنی هم مطابق با مصلحت روس خواهد بود و هم مطابق مصلحت تمام اروپا
برای آنکه این معنی کماینبغی مفهوم شود باید تعریف مصالحه ایکه
دولت روس میبایستی رفع کند شد بعضی از تشبیهات که قوتهای سیاسی عظیمه نیز باشکال از عهده
انجام آنها برمی آیند و محض تمثیل این حالت و این کوشش مثلاً میگوئیم مثل کوشش است که شخص در خرابه
نصف عمارت مشرف بانهدام میکنند بدون آنکه بیمی از خراب شدن تمام آن عمارت داشته باشد
مثلاً در کورهای آهن ریزی اول باید پارچهای فولاد را آب کنند و بعد بشکلی که میخواهند در قالبها ریزند

در شرق زمین بین این طرز را که اختیار می نمائیم دلالت نمود که شکل مناسبی داشته باشد بنظر ما نمی رسد اگر
این طرح منعقد ماده مصالحه روس و عثمانی را طرح آخری بدانیم که باید بعدها عثمانی بر آن شکل متشکل باشد
همین قدر خواهیم دانست که بعدها ملک قسمت عثمانی را بچه وضع خواهیم دید اما از شکل آن قسمت دیگر

این دولت بکلی بیخبر خواهیم بود

در اینجا مسئله منتهی میشود باینکه بدانیم که اگر خواسته باشند باز دولت عثمانی بر پا باشد تا چه اندازه میتوان آن
کوچک کرد و اگر بواسطه نظم و ترتیب جدیدی حالت تنگ قسمتی از مسیحیان شرق زمین را بهتر کردیم آیا
بکدام وسیله میتوانیم وضع سایر مسیحیان شرقی را بهمین خوبی برسانیم حل این مسائل خیلی اشکال دارد و
دولتیکه برای حل آنها کوشیده است محسود دیگران نخواهد بود و در مصاعب این اقدامات تعدی عاید
که انجام این امر خیر بدستیاری و اتفاق تمام اروپا صورت پذیرد بنظر من نمی آید که یکی از دول
بتواند این امر را بدون موافقت سایر دولها با وجود مخالفت رای آنها فیصل دهد و دولتیکه
بخواهد مطابق میل خود این امر را بانجام رساند باید دولتی باشد که با باقی اروپا اتحاد کامل داشته باشد
و چنین اتحادی وجود ندارد بنابر این جز اینکه مسئله شرق نیز در معرض حل عملی رسیده است که
کسی دیگر نمیتواند قایل بر آن شود که وضع حتمی ایجاد شده است و کارها کرده اند که مداخله اروپا در
آنها دیگر در شده و نتیجه نخواهد بخشید درست است که مسائل متعلقه بعثمانی جز بصوابدید و اتفاق رای
تمام اروپا حل نمیتواند شد ولی دولت روس بهیچ وجه حقوق سایر دول امضا کننده عهدنامه‌ها
در میان نیاورده و فایده از برای آن نخواهد بود که چون خود در نتیجه باشد برای چیزهائیکه خودش تنها از
در عهده اجرای آنها بر نخواهد آمد دول اروپا را لازم آید که از رضای آنها انکار کنند بی مطابق اراده

که بیان کردیم هم چنان است که گفتگوی دول بموجب اتفاق رای تمام فرنگستان شده و دولت مشترکه
اطریش و مجارستان بهمین امید بمجلس کنگره خواهد رفت و تکلیف ما هم مستقل خود را در کوشش
استقرار صلح می بیند و در همان هنگام بر بطو حتم حفظ حقوق دولت اطریش و مجارستان را که حقوق
عمومی تمام فرنگستان را در عهده بشمارد و از طرف دیگر اجرای یک دولتی مانند اطریش کم بلاواسطه در

معرض حوادث است نمیتواند این امید منحصر را اطمینان جانبهای خود قرار دهد

چون ما سیاست صلحی که از اول اختیار کرده بودیم باید ثابت قدم بر رای
ملیا شیم همیشه دعوی آزاد داشته ایم که در هنگام تفریع از قرار دادهای اخری مصالحه باحق آنها را خواسته ایم
که منافع خود را اظهار داریم و حفظ کنیم و چون دولت این طلبینگ مطابق بهتر تاکنون اظهار خلوص از
مملکت مشترکه طلبیده است و اینکه از اطراف ملامت میکنند که دولت ما در صدد اظهار حقوق خویش
بر آمده است بعضی را دولت از روی انصاف و حقیقت دلیل بر کمال قوت و طلب خود میدانند ما
خواستیم قدرت دولت مشترکه را وقتی جلوه دهیم که عقد مصالحه شده باشد اکنون آن وقت رسیده
و دولت دیگر در طلب ملزومات از وکلای ملت خویش جای تامل باقی نمانده خواهند در صورتیکه کمال
اطمینان دارد از اینکه تاکنون بنهایت تولیت ملحوظ ما در حل لیاقت و مفردات حرفه جویی مملکت

مدارا و مماشات کرده است

امروز دولت بوکلای ملت اظهار مینماید که محض اجرای تکلیفی که در حفظ حقوق مملکتی از هر گونه خطر و عملی خود را
مکلف میداند و میخواهد در هنگامیکه تمام دول ذیحق از فرق تا قدم خود را مسلح و مکمل ساخته اند تعادلات
طلبینکی قناعت نماید و میتواند وفا و حمایت حقوق دولت مشترکه اطریش و مجارستان را بنماید.

دیگری واگذار کنند با توسط میل سایر دول و اقدام به تدارکات لازمه خود در این جنبه و وکلاء دولتین ملتی نیز با ما
متفق الرای خواهند بود در اینکه در موقع تغییر کلی اوضاع در سرحدات دولت اطریش و مجارستان باید
کمتر از کوچکترین دول ذی حق باشد و نتواند خود را در تحت غفلت و خطر امور حادثه ایمن داشته باشد

ما لشکرکشی را اراده نکرده ایم بلکه عقیده نموده ایم استعداد آنرا
داشته باشیم که اگر ضرورت افتد بتوانیم از عهده تدارکات لازمه برآئیم انگار برای خصومت با یکی از
دولتین نیست بلکه از طرف دیگر این اظهار بهیچ حالی از ضعف و عاری از رقابتی نخواهد بود بلکه این عمل جهت
تدارکیست که بحکم لزوم باید دید و جهت شرطی است که در بقای بحالت حالیه لازم افتاده که حق دولت
مشترکه آن باشد که در هر گونه حوادث رای آزاد و غیر متعلق داشته باشد و این عمل نتیجه مطلبی است که
دولت مکرر اظهار داشته است که تکلیف او است که بالاتفاق با دول اروپا حفظ حقوق اروپا هم
خواهد کرد ولی حقوق اطریش را با وسایل خود اطریش حفظ خواهد نمود من برای دولت امضای
اعتماد میکنم و این استعراض نیست که وکلای ملت درباره حالیه دولت اجازت نمیدهند بلکه
این استعراض و اعتباریست که باید بدولتی که از آن دولت ضمانت حفظ حقوق مملکت مشترکه را
عهده بگیرد داده بشود آخر خطبه کنت اندراسی

در مجلس یازدهم مارس که مامورین مخارج دولتی اطریش مجتمع بودند کنت اندراسی نطقی
کرد که ملخوظ آنها مطابق ذیل است

توسعه بلغارستان مسئله ایست که تعلق بکلیه فرنگستان بیشتر دارد دولت اطریش
اتحاد سه امپراطور وجود پیدا کرد و مکرر و بر آن گفتگوهای حتمی در میان نیامده و از طرف دیگر مقصود از این

استقرار

استقرار صلح اروپا بود و وقتیکه اظهار این اتحاد هیچ علامتی برای مداخله در شرق بین آنها نبود بلکه علامات آزادی دول
مختلفه از آن مشهود میرسید و وقتیکه جنگ در طرف مسئله مشرق زمین برپا شد دول مشترکه که در اتحاد سه امپراطور حالیه
دعوی مشاوره با سایر دول فرنگستان با یکدیگر گفتگو کردند و امر در تمام دول با یکدیگر در حالت محاربه نداده اند ابتدا
است که دولتی که جنگ کرده است باید وضع مخصوص پیدا کند تکلیف مجلس کنگره هنوز در دستور العمل معین نکرده اند
در صدد آن هستند که درباب بعضی مسایل متفق الرای شوند لکن تمام آن مسایل را در معرض تحقیق نیاورده اند در بعضی از دولتی آنها
تحقیق عمل آمده است و من در جواب وکیلی که از من خواهش نموده در منافع حقوق اطریش را صریحا و صحیحا معین نکنیم خواهم
گفت که آیا گمان میکنید که از اظهار اندازه درباب خطرهائیکه بهیچ حقوق میشود کار مصالحه پیش خواهد رفت
اگر در زیر درباب حقوق متعلقه اطریش که در معرض خطر بودند با اظهار کنند بیل ادراد
خواهند سنجید ولی در تکمیل اطمینان را دارد و از هنگام گذری در تحت خواهد شد که مسلک او مطابق
بوده است آنچه مقتضی وضع بوده است

کنت اندراسی بر گفتگوی از دستور العمل کنگره آمده میگوید که هیچ دولتی دستور العملی ندارد و در حرف
سخنی از مسئله مشرق زمین در مجلس پارلمان در میان آمده است قناعت کرده اند بلکه گوید
حفظ حقوق خود را اخواهیم کرد اما درباب این مسئله که بدانیم آیا از وجه بلغارستان بعد از جنگ رسیده
خواهد کرد ضمانت مصالحه حاصل خواهد شد یا نه مجلس حالا جواب نمیتواند داد نتیجه را که ما نخواهیم بدانیم نداند
مگر در صورتیکه ما قبل از این در باب دولت عثمانی با دولت روس قراری گذاشته بودیم ولی ما چون هرگز
چنین قراری نگذاشته حالا نمیتوانیم در این باب وضع مسایل کنیم و کنت اندراسی میگوید که نمیتوانیم چشم
بپوشیم از اینکه هرگز من آن روابط را که اکنون بخواهند ما بین دولت عثمانی و دول حکمفرما قرار بدهند

محمل القبول نپذیرفتیم لهذا او را از قوت و نه میل است که از این وضع حالیه حمایت و مدافعه نماید این دول که جنگ
دیده تابع عثمانی در سرحدات اطریش واقع شده و روابط تبعیت آنها از دولت عثمانی فرض و خیالی است
فایده از برای دولت عثمانی و نه منفعتی از برای دولت اطریش دارند و این دول که جنگی پیش متوقع
سنگر شدند و میل داشتند به اینکه با اتفاق دولت دیگری جنگ کنند زیرا که بعد از عهدنامه ۱۸۵۶ حل
هردو ملتی منوط با منافع سایر دول شد لهذا رجال دولت عثمانی خودشان مایل شدند تغییری در
معاهده دولت عثمانیه با دول تابعه خود پیدا شود و معاملات دولت اطریش با این ایالات تا حدی کلی
و در صورت اتفاق آنها با دولت دیگری اطریش مجبور است حق اقوامیت خود را اعمال آرد دیگر اینکه با دول امضا
کننده عهدنامه پاریس معاهده و اکنون قوت دولت اطریش مصروف بر آنست که حل این مسائل غامضه
مغشوشه را در عهده مشاوره اروپا اندازد و مجلس کنگره برای این کار برپا خواهد گردید

در مجلس حضور امپراطور در روز نوزدهم مارس کنت اندراسی چنین بیان کرد

قبل از اینکه داخل مسئله شویم که تکلیف امروزی ما چیست رخصت میطلبیم که جواب بحثی را که
باسم استدلال گرفته اند بگوییم وکیل بسیار محترم برسدنی در روز گفت که وزیر امور خارجه هیچ چیز را اظهار نمایی
نکرده است به اینکه بدانم آیا دول معظمه متفقند که فصول مصالحه‌نامه روس و روم یا اقلاً فصولی که منوط بحقوق
دولتیه مشترکه ما میباشند باید در مجلس کنگره در معرض گفت و شنود در آیند و مخصوصاً آیا باید استرداد داشت
وزارت خانه برلن میل دارد در این وضع باید من متحیرم با اینکه در جواب این مسئله بگویم در این باب هیچ چیز مغایر
در میان نیست و وزارتخانه بطور وضوح رسماً خبر کرده است که قبل از افتتاح مجلس کنگره تمام خبریات معاهده
نامه منعقده مابین سان استفانو را برای سایر دول خواهد فرستاد و بدین طریق هر دولتی موقع خواهد یافت

که عقیده خود را

که عقیده خود را در مجلس کنگره بیان نماید که مطالب منافع اروپا و غیره منافع آن کدام است من نمیتوانستم این جواب قانع کنم
در صورتیکه متکلم مطلب دیگر را اشاره بکند و عبارات او بالضروره محتاج جواب است دوست معظم من گفت که
اعترافات مخالفانه و شخصی که صدر اعظم دولت آلمانی با یکی از دول دیگر حاضری حقیقی باشند وارد و کلمه در آن نوشت
صدر اعظم پیدا کرده تناقضی نموده است که گویا منافی عقاید متکلم باشند اما در باب فقره اول جدالی با آنها
نخواهم کرد زیرا که بدیهی است که من همیشه مطابق آن اعتماد رفتار کرده ام و بعد ازین هم رفتار خواهم کرد و علاوه بر این
اعتماد او بر من سبب افتخار است و البته این اعتماد متقابل است که اینکه حالا هم قسم حیاتی میگویم اما در باب فقره ثانیه ایراد
اگر دوست معظم من دو کلمه را منفرد و جداگانه معنی کرده بود نتیجه
از این معنی بر دارد و اگر خطبه صدر اعظم آلمان نیز از روی هم رفته سنجیده بود ملتفت میشد که شاهزاده بیسمارک بر ضد جواب
و چنانچه بگوید گفته است فی و فقسکه با کمال صداقت و عزم جزم سیاست خود را نموده که اگر بنا بر نیت این دول
روی دهد او خود را مامور میانجیگری با عدالتی خواهد دید و هنگامیکه شاهزاده بیسمارک نیت خود را ابدی عبارت
بروز میداد معلوم است که در همان حین از فلان یا فلان دولت اظهار حمایتی کرده باشد و ممتنع است که خود این
وکیل محترم هم چنین اندیشه بخاطرش گذرد

متکلم محترم با ظهور وضوح خواهد فهمید که از آن دو کلمه معهوده معنی کلام صدر اعظم آلمانی مفهوم نخواهد شد و ما به
التفاوت اینکه ریاست مجلس کنگره را شاهزاده بیسمارک قبول کرده دیگر در صورتیکه منظور آن مجلس جرح بی ضبط و ثبت
اقوال و افعال ما شد البته برسدنی محترم منظور این نخواهد بود که در باب خیالات و مقاصد دولت آلمانی
و منظورات صدر اعظم آن من بیشتر از آنچه خود صدر اعظم گفته است بگویم و لیکن آنچه میتوانم گفت و با میل خود کل
بگویم اینست که زمین فیمابین ما مراودات و ارسال و مرسول شخصی بحالت محبت نیست که مراد او

ور روابط دولتین [بین] بر خشیه در کمال صداقت و محبت و اتحاد باقی بوده است و به اعتقاد من همیشه باقی خواهد ماند

اکنون بر سر گفتگوئی که امروز باید مطرح مجلس شود میرویم

در اینجا وزیر اطریش نقل میکند آن بیانات مختصری را که در مجلس کمیسیون کرده بوده است و بعد تقریرات اینرا

میکند

من در ایراد ایرادات بعضی از اجزای محترم وکلا که مایل به ضدیت شده اند چند نکته میخواهم گفت این آقایان

منفقت صحت منظور غالب اجزای مجلس و دولت امپراطوری شده اند که هنوز وقت آن نرسیده که اراده

ر پلتیکی که اکنون متابعت آن کرده ایم بتوان گرفت ولی با وجود که در مقصود ما شرکت دارند بعضی از وکلای محترم

با کمی بیان قانون بسند و پارلمان بزرگ و خالی از ابهامی است آنکه تاکنون متابعت آن شده است نمی پسندند

صورتیکه از روی دلیل این آقایان اقرار داشته باشند که متمسع است پلتیک حالیه را اند [illegible] تجدید نمایند

کرده گمان نمیکردم بهتر آن بود که ایراد بر آن امری معوق میکند اشتند تا وقتیکه معوق به پیدا شود و نتیجه را که من

از آن پلتیک انتظار دارم بدست آید ولی چون در رد و قبول این پلتیک تعجیل کردند اقلا امید دارم بود که ما

خود را مختصر کنند و بگویند که دولت کدام کار را باید کرده باشد و نکرده است و کدام کار را کرده است که

نبایستی بکند و بچه نحو و چه وقت و چگونه دولت بایستی عمل خود را در کفه ترازوی زیر و با حلو جواد [illegible] اگر عقیده

ایشان و بعقیده جمع کثیری از ملل فرنگستان خیلی هم بکر و خطر انگیز بنوانند گرفت این بیانات [illegible]

فایده ایشان منحصر نبود بلکه تعلق به تمام وزرای کارگذار فرنگستان داشت زیرا که تاکنون هیچکس [illegible]

حل این مسئله را نکند که بداند چگونه میتوان آن بنیانیکه اکنون در شرق زمین بطور رسیده است نوع کرد

از آنها احتراز ورزید

اگر این وکلا

اگر این وکلای محترم مستند لالی و بیانی نکرده اند بسبب آن بوده

که ملاحظه مرا کرده باشند بلکه از بابت آن بوده است که دلیل و بیانی در دست نداشته اند لهذا من میگویم طرفین

عی و مدعی علیه باید تعیین نفع و ضرر را موقوف بزمان بعد کنیم و فتح و شکست پلتیک حالیه را منوط به مستقبل امور

بدانیم و همچنین رای طرفین نافع است زیرا که اگر ما از امروز بخواهیم حساب نفع و ضرر خود را بکنیم میتوانیم گفت صحت

با طرف مقابل و نقصان خواهد بود مختصر اوضاع از [illegible]

امروز دستور صلح برقرار است و چنانچه مکرر عرض کرده ام استقرار صلح و منظور اصلی پلتیکی دولت ما [illegible]

امیدوار است که باین مقصود نایل شود اما درباب حقوق خود من انکار نکنیم که به تحکیک از حقوق دولت

شرکه نمیتوان گفت پایمال کرده اند یا در معرض خطر انداخته اند اکنون امید داشته اند که بتوان یکی و [illegible] برای

امور واقعه برانگیزند که برای حالت حقیقی فرنگستان و منافع مخصوصه سایر دول سودمند باشد

اگر با یک پلتیک دیگری پیش میگرفتیم شبیه به پلتیکی که طرف برابر با قدری از گفتار [illegible]

تکلیف میکردند نمیدانم وضع حالیه امور را استقرار دهیم یا اگر دولت عثمانی را استقلال بخشیم حالت امروز چه میشد

آیا صلح بحالت خود باقی میماند آیا بعد از این حقوق دولت شرکه در روی اصول محکم تر از اصول اکنونه جای میگرفت

گمان من آن است که جواب این سوالات چندان مساعد نباشد

اما هیچ حاصل نخواهیم داشت در اینکه بگوییم این پلتیک ایشان است یک جنگ حتمی میشد

با یکی از دول معظمه همسایه محتمل است این جنگ تا چند سالی باقی بماند و حال آنکه هیچ سببی آن را ز هم بدارد مثل اینکه

امروز هم ندارد و علاوه بر این پلتیک موجب نفرت و کینه صلاح ناپذیر تمام مسیحیان شرق زمین میشد نسبت

به اشخاصیکه مانع رفاهیت بعد ایشان شده اند با آنکه گذاشته اند اولا تغیری در وضع آنها بطور رسید [illegible] از وقت

نتیجه چه می‌شد جز اینکه در صورت فتح هم دولت منزبوره مجبور می‌گردید که وضعی اختیار نماید که استقرار آن موضع به احکام
صلح هم نیز خارج از حیز قدرت دولت باشد و ممکن نمی‌شد که با وجود نیل آمال خاطر دولت بتواند از عهده استقرار
آن برآید و اگر با ادای امور واقعه گفتگو می‌کنیم مسئله مختصر نیز خواهد بود زیرا که امری واقع نشده است مگر آنکه دولت انگلیس که
اطریش و مجارستان نجات یافت از خطری که بعد دیگر اراضی حمایت بنماید و دیگران در مملکه سعید نجات یافتند

دیگر من امروز امر به انجام رسیده می‌بینیم

مختصر آنکه استقراض صد و بیست کرور فلرن به اتفاق تمام اهل مجلس امضا شده بعد دولت اطریش مجبور است اگر
ضرورت اقتضا کند لشکرکشی نماید چه به دی از اعضای مصالحه‌نامه سان استفانو که خیلی متزلزل است
باسم ایلچی مخصوص به شهر وینه فرستاد و اینکه اطریش را از انگلیس جدا کند با پلتیک روس متفق سازد
باید به اشاره این تغییر در پلتیک اطریش قناعت کنیم و از مطلب خود خارج نشویم

مطلب ششم

تا آن وقت دولت آلمانی هیچ خیال خود را بروز نداده بود و این سکوت البته یکی از اسباب عدم اطمینان پلتیک دولت
اطریش بود در ماه فوریه دو واقعه عظیمه دولتی اتفاق افتاد یکی افتتاح پارلمان آلمانی و دیگری خطبه شاهزاده بسمارک
در جواب استیضاحی که در مسئله شرق زمین از او خواسته بودند در خطبه افتتاح پارلمان آنچه متعلق به مسئله شرق زمین است
مطابق ذیل است

آقایان در هنگام افتتاح مجلس پارلمان در سنه گذشته هنوز ممکن بود که امید داشته باشیم از اینکه
دولت عثمانی تغییرات لازمه را که مجلس کنفرانس اسلامبول تمام دول اروپا لزوم آن تغییرات را

ونه عهده ما

ثابت نموده بودند تصدیق نموده بود قبول آورد و لیکن این امید به یأس مبدل گردید و اعلیحضرت امپراطور روسیه وادار گردید که در مصالحه
که قاعده قریب گردیده می‌شود می‌توان این بیان نمود که در آن کنفرانس را مجری و محقق نمود چون دولت آلمانی
در شرق زمین با مسئله چندان علاقه نداشت لهذا دولت آلمانی آزاد است در اینکه به نهج بی‌طرفی چنان در مجلس قرار
داد با آن مسئله چه ایشان از عدم وجود اغتشاش در اروپا به شرف و آسایش و ترقیه ملت مسیحی خواهد بود حضور
بهم رسانده و پلتیکی که حسب دستورالعمل اعلیحضرت امپراطور مراعات می‌شد اکنون قدری مقصود حاصل شده است
زیرا که آن پلتیک در استقرار صلح ما بین دول کمال مساعدت را کرده است و ما بین آن دول دولت آلمانی
نیز همین مراودات صلح‌آمیز برپا است بلکه آن مراودات دوستانه اندوبیاری بر روز دیگر همیشه باقی
خواهد بود   روز نوزدهم فوریه این سؤال از حضرت شاهزاده بسمارک نمودند
آیا صدر اعظم دولت اطلاعات خود را در باب پلتیک شرق
زمین و وضعی که دولت آلمانی در این مسئله اختیار کرده خواهد نمود در رایشتاگ بیان خواهد فرمود و آیا شخص
زود این بیان خواهد شد
پس از آنکه مسیو دنیگرن که یکی از اکابر احزاب ملی بود بعضی استدلالات خود را بیان کرد شاهزاده
بسمارک به عبارات ذیل استدلالات خود را بیان نمود
من نمی‌توانم انکار نمایم که در اول وهله من در جواب این سؤال تأمل داشتم زیرا که چیزی جز آنکه گفته شده
بود و مخصوصاً در گفتگوهای پارلمنت انگلیس مجادله نموده بودند چیزی نداشتم بگویم و سبب اینکه جواب آن سکوتم
آن است که اگر جواب این کنم گمان خواهد کرد که من در خیلی چیزها باید سکوت اختیار کنم و بعضی شایعات منتشر شود
اکنون در جواب بر آن ملت اقدام می‌کنم که از سطلی که در شرح سؤال داده شده معلوم می‌شود که دولت

تلخیص آن است که مطابق رای اغلب اهالی مجلس برلین همان راهی را که اکنون پیش گرفته بود اراده
نمود از رساله که آنرا معهود شده است عساکر روس را در محلی که
از دانوب تا دریای مرمره ممتد است استقرار دادند و بنیان آن محل قلعه‌جات اطراف دانوب است این
وضع بنظر من شایسته دقت کامل است و حال اگر هیچ کس ایرادی بر آن نگرفته است و بر شرکت مصالحه آن
بر قبلی امضا کرده‌اند که من مختصری از آن اظهار بکنیم تا بتوانیم ببینیم که اما حقوق دولت آلمانی در اینجا از رعایت
شده است یا نه در باب وضع بنیان مملکت بلغارستان این مملکت نقطه
این مصالحه‌نامه قدری از حد خود تجاوز کرده است که غیر از آن حدی است که در کنفرانس اسلامبول قرار شده بود
ولی این تجاوز از حد بقدری اهمیت ندارد که بتوان از بر هم خوردن صلح عمومی فرنگستان خائف بود یا بر
قرار داد روس بلغارستان شباهت به صربستان پیدا خواهد کرد و پیش از این یکبار بلگراد و سایر نقاط
متحصنه این ایالت شاهزاده‌نشین

چون در آن قرار لفظ صریح ذکر شده است که قشون روس باید داخل بلغارستان را تصرف نماید
حل این مسئله غیر جاریه در عهده دول امضاکننده خواهد بود و اما در باب آزادی قراطاغ و رومانی و صربستان
و وضع بسنی و ارض قوین و سایر ایالات عثمانی این مسئله‌ای است که تماسش با حقوق آلمانی بقدری
کم است که نباید دولت آلمانی در این معامله چشم از مراودات دوستانه با دول همسایه خود بپوشاند اما
در باب جریمه خسارات جنگ هر قدر جریمه نقدی باشد باید از گفتگوی این دو تن بگذرد که با یکدیگر عقد مصالحه
می‌بستند بگذرد و هر قدر جریمه خاک و سرحدی است آنهم باید با امضای دول امضاکننده برسد مسئله
دردانلها هیچ حرکت و جستنهای بزرگتری شد که از آثار حادثه هرگز چنین متضادی نبود مسئله

اهمیت ندارد

اهمیت ندارد که آیا باید کلیه جهازات بغاز اسلامبول بدست دیگری داده شود یا باید معلوم کرد که آیا روس
می‌تواند وقت بار جنگی خود را از دردانل بیرون کند یا نه و سایر گفتگوها نسبت به آنچه در زمان صلح
بیشتر است تا آنچه در زمان جنگ بنظر می‌رسد در دو قضیه باید دید که حافظ کلیه دردانل با دشمن روس است
یا دشمن انگلیس ممکن است که دول اطراف سواحل دریای مدیترانه
حق آن را داشته باشند که بدانند آیا در اوقات صلح کشتیهای جنگی روس حق آن را دارند که از
دردانلها عبور کنند و در مدیترانه دیده شوند ولی مسئله اینکه آیا در وقت جنگ کشتیهای جنگی می‌توانند از دردانل
بگذرند و یا تصرف در دردانل باید منتقل بدست دیگری شود بکلی مسئله دیگری است و این اشکال در وضع حالیه وجود
ندارد به عقیده من اکنون باید تحقیق کنیم در اعتبار حقوقی که
می‌توانند بعد از جنگ روس و روم بحرکت جنگ جدید دیگری بکنند و من اعتراف میکنم که تعلقات
مسئله عبور کشتیهای جنگی از دردانل اعتبارش چندان بیشتر از معاملات و گفتگوهای تجارت ایالات کلی
آلمانی در شرق زمین عبارت است از اینکه کشتیها در راههای شطی مثل دانوب بعد از قرادکنر چنانچه امروز آزاد است
آزاد بمانند و این نتیجه‌ای است که ما تحکما بدست خواهیم آورد و در این باب مخابره دولتی است که از
پطربورغ بمن رسیده است و اکنون در برابر چشم ما است که در این باب جواب تعهدنامه منعقده در پاریس
منفعتی که ما در این باب داریم از قرار آنست در قبال منفعتی که در شرق زمین داریم
که از تعلقات آلمانی کمتر است در رتبه دوم دارد ولی از حیث اینست جزو حقوقی که آلمانی در مسئله شرق
زمین دارد شمرده می‌شود
اما در باب بقیه سوال که آیا خیال آلمانی در این مسئله چیست بعد از آنچه خواهد بود و صدر اعظم آن دولت

علی العجاله من نمی‌توانم به شما اطلاعی از خیال میل دولت بدهم زیرا که از امروز صحیح است که من ملاحظه نوشتجاتی که
گفتگو کرده‌ام دریافت نموده‌ام و این نوشتجات تقریباً مطابق بودند با اخباری که بواسطه تلغرافات به ما رسیده بود و لیکن
ملاحظه نموده‌ام که این نوشتجات مساوات مجلس کنفرانس است که عنقریب باید منعقد شود و لیکن آنچه مسلم است
در حال اصطلاح عهود مختلفه دول متعاهده بشوند هر تغییری که به عهدنامه ۱۸۵۶ وارد آید مقتضی است رضای تمام دول
امضا کننده بشود و اگر این مساوات رضایت نباشد نتیجه جز این نخواهد داشت که یک جنگ جدیدی
واقع خواهد شد و نتیجه جنگ آخر هم زایل خواهد شد وضعی است که من میل دارم از آن مملکت خطر خواهی
تمام دولت انگلستان احتراز نمایم فرض می‌کنیم که موفقیتی در مجلس کنفرانس مغایرت آرا پیدا شود و لیکن این معنی
مانع آن نخواهد بود که ما در مخالفت خود باقی بمانیم و استقلال خودداری را حفظ کنیم این وضعی است که پلتیک روس تمیز آن
میل آن داشته باشد و این پلتیک را خود به دلیل برهان می‌گوید با چنین کردی را احساس کنیم که هر دو یا بیست سال
یک لشکرکشی به خاک عثمانی واجب باشد ولی نمی‌توانیم که آرزو داشته باشیم که هر ده یا بیست سال یک دفعه اتفاقات
ایرادات اطریش با انگلیس از این جهات مشابه نمایم من یقین دارم که ضعف دولت روس هم در این باب که
این مسئله را زود در حل کنند و کدام معوق بماند و قسمی که شاید این مناسبت بخوبی باقی نماند اما در
باب خیال دولت روس که می‌خواهد از در تغییر بیاید دول را راضی کند
که هر تغییری در امور لازم بیاید بعد از خیال بادمن آن را محال می‌بینم
و محتمل است که اگر دولت روس از امروز رضایت تمام دولی که عهدنامه ۱۸۵۶ را امضا کرده‌اند به دست آورد
باید با این خیال که ضرب المثل است مثل خود را خوش دارد که گفته‌اند قناعت کنیم به آنچه داریم
اما توقف این مسئله در میان می‌آید که آیا اینکه

از قراردادها

از قراردادهای دولت روس راضی نیستند و مخصوصاً آنهائیکه حقوق اتفاقیشان در کره است استعداد
آن را خواهند داشت که جنگ کنند با دولت روس و است از بعضی مقتضیات خود بکشند و الا
دولت روس در معرض آن خطر باشد که بالمثل بر روس بعد از مصالحه نامه روسیه بروز کرد با هم آنکه
کار تمام نشده و مجبوراً باید دوباره شروع کرد
چون این اسباب به حصول مقصود نخواهند بود مآل آن شد که روسها از شهرهای بلغارستان و بوسنی که ضعیف کنند
تجدید اسلامبول است بیرون کنند اما توقف کسانیکه این نتیجه را بواسطه جنگ بدست آورده‌اند مجبور شدند
بود که مأمورین مسئولیت تحت سلطان طرف ایالات عثمانیه از عهده خود بگیرند و با وجود آنکه در کنفرانس
اسلامبول گفته شده و غیر مهار آن جزم کرده بدیگمان نمیکنیم که محتمل باشد که اهل مجلس بنشان مخصوصاً
مصروف تسلط عثمانی بوده است
پس تکلیف خواهند کرد که برای این مسئله یک حلی پیدا کنند که در پهلوی حلی که مرد تکلیف مجلس وضعا
باشد اتفاق یک حادثه است که باید اصولش را قبول کرد و لیکن در قبول این معنی تأمل دارم که اطریش کم از دولت
دیگر در مرد است در این حالت مستعد آن باشد که تمام فتوحات حالیه روس را قبول کند و مسئولیت
اسلاو نشین بعد این ایالات اسلاو را از عهده خود بگیرد به طریقی که آنها را همراه خود به مجارستان
ببرد و یا آنکه ایالات متحد از آنها ایجاد نماید من گمان میکنم که مقصود از پلتیک دولت اطریش این
چیزها باشد منظور از این امتحان حوادث این است که معلوم نمایم که احتمال جنگ جدیدی در حال حاضر
اروپا بسیار ضعیف است به جهت اینکه منع این حوادث شود
دولت اطریش اقدام نموده تکلیف انعقاد مجلس کنفرانس کرده و ما هم در این خیال شرکت ورزیدیم

بعضی اشکالات در انتخاب محلی که مجلس مذکور میبایست در آنجا منعقد شود روی داد ولی این اشکالات ...
چون مسئله اهمیتی ندارند و ما در این فقره هم القای مخالفتی نکردیم و اعلام نمودیم که در هر یک از شهرهائی که
تکلیف نموده اند در قبول آن حاضر خواهیم بود در آن شهرها عبارت بودند از ونیه و بروکسل و باد
ویسبادن و ویلدباد یکی از شهرهای سویس هر یک از این شهرها که قبول می افتاد ما راضی
بودیم ولی چنین بنظر می آمد که انتخاب شهرها و قرار خواهد گرفت منفعتهائیکه مشترکی است تا منافع دولی
که با آنها مراوده داشتیم در آنست که اجتماع این مجلس حتی الامکان زودتر بوقوع رسید و چندان
قید انتخاب شهری که مجلس در آن برپا می شود نباشیم و تقریبا از رای ما هر جا برای اجتماع کنفرانس اختیار بکنند
ساویست و بعقیده من انتخاب یکی از شهرهای آلمانی چندان حسنی ندارد مگر اینکه اگر یکی از شهرهای
آلمانی برای انعقاد این مجلس اختیار می شود در پیش آن مجلس هر یک از وکلای دولت آلمانی باید وکیل را
در اینباب ارادی نیست و پس از اینکه رای همه باین مرحله متحد شد باید مشخص نمود که آیا انعقاد مجلس باید
فوری باشد و این بسته است باشخاصیکه جزو مجلس شده و بعقیده من عقد مجلس باید در نیمه اول
ماه مارث انجام یابد ولی مامول چنانست که این امر زودتر صورت نپذیرد تا عدم اطمینان در زایل
در این مسئله تمام شود ولی باید قبول کرد که دول معهوده قبل از انعقاد مجلس میل دارند که منظورات خود را
رد و بدل کنند و علاوه بر این ارسال و رسول بعید آن کار را نیز چندان سهل و سریع نسبت
تعویق وصول اخبار با چه در ازمنه سابقه و چه در ما بعد بطور مراودات بعید آن جنگ توده خواهد بود
دآن فرضیکه این تعویق را اختیاری و عمدی میدانند باطل شد زیرا که معلوم شد که لشکر و قشون
سپاه روس بعد از رسی ام و سایر جزو شرایط متارکه بوده است و بسبب فرصت غنیمت شمردن

از وقت دیل

از وقت در حین فتوحات نموده است
اکنون بر سیم بحر انگلیز تکلیف خود میبینم بیان کردن جمعیکه دولت آلمانی میل دارد در مجلس کنفرانس اختیار کند
در اینباب منظور آن نباشد که من پیش از چند اکثر عمومی از پلتیک خود دان چیزی بگویم اگر از جهات محلیه یعنی
نه از جانب دول بلکه از جانب بعضی مطالب نویسان روزنامهها در حق از مصلحت اندیشان دقیق ما تکلیف
کرده اند که پلتیک آنست که بتوانم گفت این پلتیک روزنامهها است پلتیک و نیز افرض کنند که ملک
العلم نوشته ایم که دیگر صرف در آن نباشد و معتقد شده ایم که اثر امجری داریم آنوقت در مجلس کنفرانس تمسیخ خواه
بود که ما سهم توسط و میانجیگری داخل شویم و حال آنکه من با آن هم قدر و بهائی برای سید هم داشتن
راین را بطریق جایز نمیدانم که خود در اهمند اشخاص با قدح کلم بشماریم و بگوئیم است دستور العمل که با
معمول شود و چنان گمان کنیم که تمام قدرت دولت آلمانی در تحت این کلام منحصر و مستطر است و
در نظر من این میانجیگری باید با کمال خضوع باشد در قار مثل قار مصلح خیر اندیش شود که بعضی در
اتمام عمل است و جزو خیرخواهی طرفین خیالی ندارد و این نوع رفتار موافق است روابط دوستانه که بر تجال
است در میان ما و دول بزرگ هم جوار ما بواسطه اتحاد که پادشاه بزرگوار برپا شده این موضع
مناسب است ما روابط اتحاد و دوستی که با یک دولت دیگری داریم که آن دولت در این حقوق آن ... دارد
یعنی دولت انگلیس نسبت به دولت انگلیس بهیچ عادت که
هیچ امری در میان نباید در خبر ساخته و گفتگو در آید مگر اینکه محتمل است از بابت رعایت تجارتی موقعها
گفتگوی مخاربت آمیزی برخیزد ولی ابهی برکسب نزاع مابین دو دولت کالکن و دوستی جلب مخاطره اشتهار نمیدهد
من خوشنودم که در حالت حالیه ما میتوانیم مابین دولتین روس و انگلیس هم توسط میانجیگری کنیم ...

دارم که اگر دولتین اطریش و روس هم نتوانند با یکدیگر کنار آیند باز با یکی خواهیم شد اتحاد ما با امپراطور
مبنی بر تعهدات متقابله نیست بلکه ازین جهت امپراطور مجبور نیستند که خود را متعاقد دو امپراطوری
دیگر کنند بلکه مبنی است بر محبت شخصی و اعتماد شاه با پادشاه در جائیکه یکدیگر و روابط شخصی شد دوری
که سالها است یکدیگر مربوط هستند و کارگذاران این دولت‌ها باشند

هر وقت خلافی ما بین اطریش و روس پیدا شد
ما علی الاتصال احتراز کرده‌ایم از اینکه با یکی از آنها اتفاق کنیم به سبب اغلبیت دو بر یک یکی از آنها تفوق
بر دیگری پیدا کند اگرچه مصلحت ما هم مقتضی خلاف این قرار بود و ما از معنی دوری جستیم از اینکه
برسیدیم این اتحاد و وداد بقدری محکم باشند که بتوان تفاوت‌ها آن کرد و البته این اتحاد بقدری
استحکام ندارد که بتواند یکی از این دول معظمه را از آن وادارد که حقوق پلتیکی ملی و منافع حقیقی خود را
محض خوشنودی فلان یا فلان دولت در معرض تغییر وضع در آورد و این یک قربانی است که
هیچ دولتی محض خاطر فلان دول دیگر نخواهد کرد مگر اینکه وجوب و لزوم محرک این کار شود اقرار بدین نکته خیلی ناگوار
است و اما گواراتر آنست که در این باب داخل منازعه و گفتگو با دولت بزرگ همسایه آلمانی شوند
ما هرگز بواسطه تحریک خیالی که ما نخواهیم دولت مطیع و صاحب حیثیت اروپا باشیم
مسئولیت همگی چشم از دوستی پایدار و امتحان شده که چندین نسل است بین ما و دولت متحده همسایه خود باقی
است بپوشیم یا دست از مودت بعضی از دول اروپا بلکه با تمام آنها بکشیم بر خود قرار نخواهیم داد خود یکی
از دوستان را بجهة خوشنودی دوست دیگری از دست دادن یا صلاح دوستی خود را بجهة حفظ صلاح دو رفقای
دیگران بر هم زدن در صورتی مستحسن است که من شخصاً این امور را خیلی کنم ولی انکار از رای من ممنوع است در صورتیکه

باید خدمت امپراطور از جانب دولت بزرگ همسایه آلمانی که دارای شصت کرور نفوس و واقع در وسط
خاک اروپا است مسئولیت را داشته باشیم
از این بابت است که اجازت می‌طلبیم از اینکه در مجلس و مجمع حاضر بطور وضوح و فاش بتمام مهمه
سوءظن‌ها را کنیم و اعتراف نماییم که هرگز بدین طریقه عمل نخواهیم کرد و هیچ دولتی نکته کوچک از دول بسیار
با غرض و خیر خودخواهی در این مسئله ما تکلیف پیروی چنین پلتیکی را نکرده است دولت آلمانی در جایگاه لیکن
بر اقتدار خود افزود بعضی تکالیف را بر عهده خود گرفت ولی اگرچه ما میتوانیم لشکرها متعددی در زیر اردوی
پلتیک دول اروپا بفرستیم ولی در مجلس چنین حقی نمی‌بینیم که بگوییم امپراطور ما هزاران نفر که در
حین جنگ میتوانند خروج بدهند اتحاد الملل آلمانی باشند نصیحت کنند که این مخلوق بیکس دولت آلمانی که
جان فشانی شان در معرض امتحان در آمده است تکلیف نمایند که برای این امور جان و مال خود را ایثار کنند اگر
جنگی باشد که مدافعه از آزادی کنند نسبت بغیر یا حمایت کنند از اتحاد داخلی یا حفظ کنند آن حقوق وقعی را
که هم امضای متفق علیه مجلس اتحاد الملل آلمانی و هم شوق و رغبت جان فشانی ملت داعی حفظ آن حقوق
است چنین جنگی را من خدمت اعلیحضرت امپراطور مستدعی می‌نمودم و جز آن هرگز هیچ جنگی را مصلحت نخواهم
دید

فصل پانزدهم

فهرست

عهدنامه ممهور شده بود و این عهدنامه برای دولت عثمانی بسیار شوم شد آیا اعلیحضرت امپراطور در ابتدای جنگ کرده بود که دولت روس نباید هیچ معاوضه خاکی طلب کند چه شد مگر اینکه صورت عهدنامه را ثبت کنیم تکلیفی نداریم مبعوثین عثمانی به پطرزبورغ رفتند تا صورت عهدنامه منعقده را به امضای امپراطور برسانند ناچار می‌بایستی تفویض امر نمود و تمکین کرد باب عالی که مجدداً یکه معدوم شده بود قادر بجواب سؤال در شرایط صلح هم نبود دیگر نه قشونی داشت نه پولی و در ساعت آخر این مطالب یک شورش هم در خاک یونان برپا شده و از سرحدات پیش آمدند و باب عالی مجبور شد که معدودی از قشون رجوع کند تا با جمعیت آنها جلو یاغیان را تواند گرفت باری متن عهدنامه مطابق شرح ذیل است

اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت سلطان عثمانیان چون مایل‌اند که مملکت و رعیت خود از ثمرات گوارای صلح بهره‌ور شوند و از هر گونه اشکالی که موجب تزلزل این صلح شود احتراز نمایند از جانب خود مبعوثین مأمور نمودند تا عهدنامه مقدماتی صلح را معین و منعقد و ممضا نمایند

از طرف اعلیحضرت

از طرف اعلیحضرت امپراطور روس کنت نیکلا انیاتیف ژنرال اجودان اعلیحضرت امپراطور و ژنرال لیوتنان (نایب سردار کل) و جزو مجلس شورای دولتی و صاحب نشان مکلل به الماس سن الکساندر نوسکی و چندین نشان دیگر روس و خارجه و موسیو آقا نلیدوف مستشار خاصه خلوت امپراطور و جزو مجلس عالیه شوری و صاحب نشان اول ستاره‌دار سنت آن و چندین نشان دیگر روس و خارجه از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانیان صفوت پاشای وزیر امور خارجه صاحب نشان مکلل به الماس عثمانیه و نشان اول مجیدیه و چندین نشان خارجه و موسیو سعدالله بیک سفیر مقیم دربار امپراطور آلمان و صاحب نشان اول مجیدیه و نشان دوم عثمانیه و چندین نشان خارجه

این مأمورین پس از آنکه سند وکالت مستقله خود را با یکدیگر رد و بدل کردند و صحت و درستی اسناد ایشان مسلّم است و مشخص شد فصول آتیه را اختیار نمودند

فصل اول

برای آنکه منازعه دائمی ما بین دولت عثمانی و قراطاغ بانجام رسد سرحد ما بین این دو مملکت مطابق خواهد بود با نقشه که لفاً موجود است با ملاحظه دقیقه

از کوه دبرستیزا سرحد ممتد خواهد بود به امتداد خطی که در کنفرانس اسلامبول معین شده تا وقتیکه به کربنوا از راه بیلک رسند و از آنجا این سرحد جدید به گاتزکو خواهد رفت (متوشتیاگا ترکو متعلق به قراطاغ خواهد بود) و نزدیک خواهد شد ملاقی و ورود پیو و ترت در رودی که از سمت شمال به درینا بالا میروند تا محلی که با رود لیم تلاقی می‌کند و سرحد شرقی این ایالت ... این رود اخیر متابعت خواهد نمود تا برسد به پریژپلیه و از سمت برنراژ و سوخا پلانینا به در

سرازیر را در تصرف قراطاغ میدهد و رودکو و بلاداو کوزنتره را فرا میگیرد و خط سرحدی ممتد خواهد
شد با امتداد کوهستان شپب و پاکلن و امتداد سرحد آلبانی شمالی و کوههای کبرتونیک و بابا و
بوردره تا مرتفعترین قله پرکلتی و از آن نقطه سرحد بجانب قله پکاشنیک امتداد یافته و مستقیما
مابین ایری سنی اوتی و سریودتا ایری سنی اوتی کاسترانی را تقسیم میکند و از دریاچه سقوتری
عبور نموده برود به ایانا میرسد و با آن رود تا دریا همراهی می کند لهذا انکریکی و گاذرکو و استوز
دیورگوریتزا و زاپیاک و انتیواری در تصرف قراطاغیان خواهند ماند

یک کمیسیون اروپائی که وکلای دولت عثمانی و
قراطاغ در آن حاضر خواهند شد مأمور می شود که حدود آخری ایالت شاهزاده نشین را معین و
برقرار نماید و تغییراتی را که بنظر کمیسیون لازم و نسبت بطرفین عادلانه می آید که موجب رفاه
مملکتین باشد در صورت تغییرات لازمه را اند و دولت اظهار خواهد کرد و چون کشتی رانی در شط بایانا
همیشه مایه ایراد مابین بابعالی و قراطاغ بوده است یک قرار مخصوصی در این باب باید گذاشته شود
و این گفتگو نیز بواسطه همان مجلس کمیسیون اروپائی قطع خواهد شد

فصل دویم

بابعالی اعتراف بعدم علاقه مملکت شاهزاده نشین قراطاغ می کند و بعد با یک قرار دادی مابین
دولت روس و دولت عثمانی و قراطاغ گذاشته میشود که مراودات بابعالی و ایالت قراطاغ مخصوصا در باب
اقامت کارگذاران قراطاغ در اسلامبول و بعضی ولایات دولت عثمانی نسبت بقوانین و ارباب مناصب
عثمانی چه نحو باشد چنانچه در قانون حقوق ملل و عادات متعلقه به قراطاغیان منظور شده است و

و همچنین یک معاهده

و همچنین یک معاهده فیمابین بابعالی و قراطاغ در باب نظام مسائلی که متعلق باحوال سکنه سرحدات مملکتین است و
قلاع و سایر اماکن نظامی آن سرحدات بسته خواهد شد و اقاطعیکه با نزاع باشند بتصدیق دولتین روس و
اطریش و مجارستان حل این مسئله خواهد شد پس از این اگر مباحثه یا نزاعی پیش آید بغیر از ادعاهای جدید
سرحدی باشد دولت عثمانی و قراطاغ دولتین روس و اطریش و مجارستان را در رفع معارضات مابین
جهت تصدیق خواهند کرد که حکم شوند و حکمشان مقبول الطرفین خواهد بود و قشون قراطاغ مأمورند که اراضی متصرفی
خود را که در تحدید سابق الذکر مندرج نیست تخلیه کنند و پس از انقضای ده روز بعد از امضای مصالحه نامه
مقدمات این تخلیه باید انجام یابد

فصل سیم

سربستان نیز به آزادی و عدم تعلق موصوف است و سرحد آن مطابق نقشه ملفوف مجرای رود درین
را طی می کند و رود دیک صغیر و ذکر را به ایالت سربستان واگذارد و تا چشمه های درزد نزدیک
استوایلاک ممتد خواهد شد و از آنجا این خط جدید مرو مجرای این نهر خواهد بود تا رود راسکا و بعد
بر روی مجرای این رود میکند تا نوی بازار با امتداد نهری که نزدیک قریه نگروتر کولیست میکند رود و بالا
میرود تا سرچشمه آن میرسد و خط سرحدی در دره اچار از روز پلانیا عبور کرده و پائین میآید تا نهر که ایران
رود در نزدیکی قریه رچاپنیک میریزد و بعد پیروی مینماید که آبهای گریواو ترتیرا را از یکدیگر جدا
میکند و بواسطه اقصر خطی که رودخانه را امتواترکا ملحق میکند میرسد به میواترکا پلانیا و از آن
عبور نموده در نزدیکی قریه کاله مانسی به مراوا متصل خواهد شد از این نقطه خط سرحدی نزول میکند تا امتداد
مراوا تا در نزدیکی قریه استانه کوتری برود و لسینا میرسد و از این رود در رود لیوبر انده داد نهر گوگا

و نیز با لارقه و از سوخا پلانینا از کنار نهر وربلو عبور کرده به رود نیزاوا میرسد و از آن رود فرود آمده
به قریه کروتاپز واصل می‌شود و از آنجا با قصر خطی نحو سرحد قدیم صربستان بگردد که در جنوب غربی قراول
باره وراتیه واقع است از آن خط سرحد بر اتاوا توب مسندی می‌یابد ادا قلعه تخلیه و کوبیده خواهد شد
کمیسیون عثمانی و صربی در حضور یکی از مباشرین روس در مدت سه ماه قطع گفتگوی سرحدی را خواهد
کرد و مسائل متعلقه بجزایر شط درینا را حل خواهد نمود و یک وکیلی از جانب بلغارستان در هنگامیکه امر
سرحدی مابین صربستان و بلغارستان در میان می‌آید حق دخول در مجلس کمیسیون را دارد

فصل چهارم

مسلمانانیکه در خاک تفویض شده به صربستان املاک دارند و میخواهند در خارج این مملکت اقامت کنند
میتوانند ملک خود را داشته باشند و بکسان دیگر اجاره دهند یا دیگری را مباشر رتق و فتق امورات آنها
کنند و یک کمیسیون عثمانی و صربستانی در حضور یکی از ارباب مناصب روس مأمور خواهد بود که در
مدت دو سال بتمام مسائل که متعلق باملاک و مستغلات و حقوق مسلمانان در آنها مدخلیت دارد رسیدگی
کند و همین کمیسیون مأمور خواهد بود که در عرض سه سال منظم کند صورت املاکی که متعلق بدولت است و با اعلیحضرت
امور مذهبی میباشند (موقوفات) و مسائل متعلقه باشخاص مخصوصیکه در آن املاک مداخلی داشته باشند
بواسطه این کمیسیون حل خواهد شد و مادامیکه عهدنامه مخصوص مابین باب عالی و صربستان علاوه بواسطه در خصوص طرز
مراوده عثمانی و صربستان منعقد نشده است رعایای صربستانی که در خاک عثمانی مسافرت میکنند یا اقامت دارند
مطابق قوانین مرعیه در حقوق ملل با آنها رفتار خواهد شد
عساکر صربستانی مأمورند که خالی کنند آن اراضی که در جزو تحدیدات نیامده اند و جزو صربستان محسوب نمی‌شوند
در ظرف

و این تخلیه باید تا پانزدهم بعد از امضای عهدنامه مقدماتی صلح انجام یابد

فصل پنجم

باب عالی اعتراف به آزادی و عدم تعلق دولت رومانی وارد و حق گفتگوی یک جریمه حربی که باید مابین دولتین بکند
خواهد داشت قرار اینکه فیمابین رومانی و عثمانی معاهده علاوه بسته شد رعایای رومانی در خاک عثمانی از حقوق فرا
که رعایای سایر دول اروپا دارا هستند خواهند داشت

فصل ششم

بلغارستان یک ایالت شاهزاده‌نشین مختار و باجگذار است که صاحب حکومت مسیحی و چریک ملی باشند
و نقشه سرحدات بلغارستان بواسطه یک کمیسیون از جانب دولتین عثمانی و روس قبل از آنکه قشون روس از
خاک روم ایلی بیرون بروند معین و محدود خواهد شد و این کمیسیون در کارهای خود ملتفت تغییراتیکه لازم است
در آن اماکن بر طرح عمومی وارد آید خواهد بود مطابق مسکنه سرحدات که عددشان از جهت تفاضل بزرگی
دارد که آن تغییرات مناسب مصالحه‌نامه و شرائط نقشه‌کشی و حقوق عبادت و سهولت مراودات که لازمه آن اهالی
بوده باشد و وسعت خاک ایالت بلغارستان بطور عمومی در نقشه معروف رسم شده است و باید بیان تحدید
آخری گردد و پس از جدا شدن از سرحد جدید ایالت صربستان خط نقشه در امتداد حد غربی ملوک ورانیا
ممتد شده به رشته جبال قراطاغ منتهی می‌شود و آن خط بجانب مغرب کشیده در امتدادات غربی ملوکات
کومانوو کچانی و کالکاندلن بکوه کراب میرسد و از آنجا بواسطه رودخانه ولسن چترا منتهی می‌شود
به قرادرین و جون بواسطه درین و بعد بواسطه حدود ملوک اشتربید و کوه دنیابس سمت جنوب
میل کند خط سرحدی در حدود غربی ملوک گرچا و سهتارو تا کوهستان گرامس میرسد و بعد از آن بواسطه

دریاچه کاستوبار این خط از رودخانه منگلیز امتداد میشود در امتداد جریان آن انحطاطی کرده در جنوب یانیتزا عبور نموده

به سمت مصب وردار رود و قریه پارکا و سارانه کوئی منحرف میگردد و از آنجا از وسط دریاچه بشیک گلی

مصب رودخانهای استروما و قراسو میرود و بساحل دریا رسیده تا لوروگل ممتد میگردد و قدری عقب تر رفته از

شمال غربی بجانب کوه چال تپه رفته و از سلسله جبال رودوپ گذشته از راه قرابالخان بواسطه جبال

اسک کلاسی و چیبون و بشیک لر تا رود آردا ممتد میگردد و از آنجا خط سرحدی در امتداد راه شهر

چیرمن حرکت کرده شهر اندرنوپل را در جنوب خود گذارده و از قریهای سوگوت لیو و قراخمزه و ارناوت

کوئی و اکرچی و اینجه تا رودخانه تکه دروسی ممتد خواهد شد و در کنار مجرای تکه دره سی و چورلو دره سی

لوله بورکاس میرود و از آنجا بواسطه رودخانه سوداک دره تا قریه سرکن رفته خط سرحدی به تلال

حکیم تاباسی رسیده منتهی به قرادکیز خواهد شد و ساحل دریا را در نزدیکی بانگالیا در حدود جنوبی

سنجاق طولچه طی نموده در بالای راهو منتهی به شط دانوب می‌شود

فصل هفتم

شاهزاده بلغارستان را اهالی آن به آزادی بمیل خود منتخب و برگزیده خواهند کرد و باعلام رضایت

دول معظمه امضای آن خواهد گردید هیچیک از اجزاء خانواده هائیکه در دول اروپا سلطنت دارند نمی

توانند برای والی گری بلغارستان منتخب شود و در صورتیکه تخت بلغارستان بی شاهزاده بماند

تعیین و انتخاب شاهزاده جدید با همین شرایط و همین وضع خواهد شد جمعی از معتبرین بلغارستان

در فیلی پوپلی یا در تیرنوو انجمن خواهند کرد و قبل از انتخاب شاهزاده در تحت ریاست کمیسر روس

در حضور مامور عثمانی جمع و خرج در رتق و فتق امور مستقبله مملکت را مطابق دستورالعمل و قراردادهای ناحیه

سنه ۱۸۲۹ که بعد از صلح اندرنوپل در ایالات دانوب مقرر گردیده شخص مستقر خواهد نمود و در اماکنیکه بلغاریان

با اتراک و یونانیها و جماعت ولک مخلوط باشند این طوایف حق آن را دارند که در انتخابات و امور

رتق و فتق مملکتی صاحب رای و قول باشند و تا دو سال مامور دولت روس مواظب استقرار وضع

جدید بلغارستان و اجرای امور آن مملکت خواهد بود پس از انقضای یکسال از استقرار وضع جدید

در صورتیکه فیما بین دولتین روس و عثمانی و وزارتخانهای سایر دول اروپا معهود و ممضی شود و

در صورتیکه لزوم پیدا کند بلغارستان بتوانند چندین نفر مصحوب با مامور دولت روس کمک

نمایند

فصل هشتم

خود مملکت

لشکر عثمانی دیگر در بلغارستان توقف نخواهد داشت و تمام قلاع قدیمه با خرج محلی منهدم و کوبیده خواهد

شد و دولت عثمانی حق آن را خواهد داشت که آنچه اثاثه و آلات حرب متعلق آن دولت است

در قلاع دانوب مانده که بواسطه متارکه سی و یکم ژانویه خالی شده اند و همچنین اثاثه که در قلعتین شوملا و

وارنا موجود است ضبط و تصرف کند و تا زمانیکه تعیین واحد چریکی و سربازگیری کامل نشده است تعداد

آن قشون ملی نیز باید بصوابدید دولتین روس و عثمانی باشد تا آن وقت عساکر روس این مملکت

خواهند بود تا نظم و امنیت آسوده که رعیت برپا باشد و اگر ضرور در آید فقط برای امداد مامور روس نیز

حاضر خواهند بود و تقریبا این تصرف عساکر روس نیز تا دو سال طول خواهد کشید و تعداد عساکر

روس که پس از تخلیه عثمانیان در خاک بلغارستان باقی خواهند ماند عبارت از شش قسمت پیاده

و دو قسمت سواره از پنجاه هزار نفر تجاوز نخواهد کرد و مخارج این قشون با مملکت متصرف شده خواهد بود و قشون

روس که ساحل بلغارستان است با دولت روس مراوده خواهد داشت و این مراوده منحصر به راه
رودخانه نخواهد بلکه از بنادر قرادکیز که وارنا و بورگاس باشند نیز آمد و شد خواهد کرد و مادامی که تحت
تصرف بلغارستان است اشیاء و اسبابی که مقتضی است در آن بنادر انبار خواهند نمود

فصل نهم

مبلغ اخراج سالیانه که بلغارستان باید به دولت متبوعه خود عاید دارد به خزینه که بعد از این باب عالی
معین خواهد نمود تسلیم نماید در آخر سال اجرای قراردادهای جدیده باتفاق دولتین عثمانی و روس و مخابره
و استرضای سایر دول معین خواهد شد و این خراج از روی مالیات متوسط تمام خاکی که جزء این
ایالت اندکرفته خواهد شد و دولت بلغارستان قایم مقام دولت علیه عثمانی خواهد بود در باب
معاملات آن با کمپانی راه آهن روسچوق وارنا و دولت عثمانی و ایالت بلغارستان و کمپانی
راه آهن در این باب با یکدیگر گفتگوی خود را تمام خواهند کرد و امور سایر راههای آهن که از ایالات
شاهزاده نشین میگذرد نیز منوط است به قراردادهائی که فیمابین دولت عثمانی و ایالت بلغارستان
و وکلای کمپانی راه آهن گذاشته خواهد شد

فصل دهم

باب عالی حق دارد که از راه بلغارستان به جادهای معینه حمل کند قشون و ادوات جنگی و آذوقه و غیره را بجانب
ایالاتی که آن طرف این ایالت واقعند روانه نماید و بالعکس و برای اینکه از اشکالات و ایرادات در استعمال
این حق احتراز کنند تا سه ماه بعد از امضای این عهدنامه یک قرارداد مخصوصی در باب شرایط این عمل گذاشته
خواهد شد و ضمانت ضروریات نظامی باب عالی نیز بحالت معهود است و گفت و شنود این فقرات تا باب

اداره رتق و فتق

اداره رتق و فتق دولتی بلغارستان خواهد بود و مخفی نماند که این حق منحصر است به قشون نظامی دولت عثمانی و عساکر
غیر نظامی از قبیل باشی بزوک و چرکس از این حق بکلی محروم شدند و باب عالی نیز حق دارد که چاپار و عمله پست خود را از
این ایالت عبور دهد و یک خط تلگراف در آنجا نگاه دارد و این نکته نیز در مدت مسطور فوق شرح علم و شرایطش
معین خواهد شد

فصل یازدهم

ملاکان مسلمانان و غیرهم که مسکن شخصی خود را در خارج ایالت قرار میدهند میتوانند مستغلات خود را
در آنجا نگاه دارند و آنها را به دیگران اجاره دهند یا بسپارند و مجلس عثمانی و بلغارستانی در ایالات معتبره
منعقد خواهد بود و یک نفر باشر روس مواظب و ناظر رسیدگی در آن کمیسیونها خواهد داشت تا در مدت این
دو سال تمام املاک مستغلات جماعت مسلمانان و غیره هم را که در بلغارستان است بطور تحقیق و
تدقیق معین نمایند و همچنین کمیسیونهای شبیه به آنها در باب املاک خالصه عثمانی و موقوفات مذهبی
مامور خواهند شد که در مدت دو سال عملشان به انجام رسد و ملکی که مجهول المالک باشد از حراج
خواهند کرد و قیمت از طرف اهالی ایتام مسیحی و مسلمانی که بواسطه اغتشاشات سنوات اخیره
پریشان شده اند خواهند شد

۱۲

فصل دوازدهم

تمام قلعه جات دانوب کوبیده خواهند شد و بعد از این در سواحل این شط هیچ قلعه بنا نخواهند نمود
و در باب این شط و سایر آبهای متعلقه به رودخانه‌های سرستان و بلغارستان هیچ کشتی جنگی نخواهد بود
مگر کشتیهای کوچک و سبکی که محض نظم پلیس و گمرکخانه معمول است و حقوق کمیسیون بین الملل که راجع به

تغییر نخواهند داد

۱۳
فصل سیزدهم

دولت عثمانی تحمل خواهد کرد مخارج تجدید استقرار کشتی رانی را از معبر سولینا و رفع ضرر اشخاص را که در
این جنگ خسارت به آنها رسیده یا آنکه از قطع حرکت کشتی در دانوب خسران دیده‌اند و
برای این دو خرج یک کرور فرانک معین می‌کنند که از طلبیکه از کمیسیون دانوب دارد
موضوع خواهد شد

۱۴
فصل چهاردهم

فوراً در بسنی و ارض هرسک تکالیفی را که در مجلس اول کنفرانس اسلامبول مأمورین اروپائی به
معاونین عثمانی کردند مجری خواهد شد و تغییراتیکه بصوابدید دول عثمانی و روس و اطریش و
مجارستان لازم دیده‌اند بر آن تکالیف وارد می‌آورند بقایای سنوات ماضیه را مطالبه نخواهند
کرد و خراج حالیه تا اول مارس ۱۸۸۰ مخصوص به رفع ضرر خانوادهای مهاجرین و سکنه که از سوانح اخیره زیان
حال شده‌اند بدون تعیین نژاد و مذهب خواهد بود و با آنکه صرف ضروریات محلی مملکت خواهد شد و
پول اینکه باید هرسال جدا از انقضای این موعد عاید دولت مرکزی شود حد آنرا از روی صوابدید دول
عثمانی و روس و اطریش معین خواهند گردید

۱۵
فصل پانزدهم

باب عالی در عهده میگیرد که در جزیره کرت تمام آن قواعد را که ۱۸۶۸ برقرار شده ملتفت است که
استدعاهای بومیان آن جزیره نیز همین است و نیز قراردادی شبیه به اینکه با رفع ضرورت محلی است که

در اپیر و تسالی و سایر اجزاء خاک اروپای عثمانی که داشته خواهد شد و برای آن قراردادها در
این مصالحه نامه هنوز ترتیب و تعیین و تبیین در میان نیامده است مجالس کمیسیون با مور انجام این قرار
دادها خواهند شد که جزء اعظم آنها معتبرین اشخاص بومی آن اماکن می‌باشند و حاصل این اعمال
منظور اولیای دولت عثمانی خواهد رسید و دولت مشار الیها آن صورت را به دولت روس اظهار
خواهد داشت قبل از آنکه خود اقدام در اجرای آن اعمال کرده باشد

۱۶
فصل شانزدهم

چون تخلیه در اراضی متصرفه سپاه روس در ارمنستان که باید تسلیم عثمانی شود ممکن است منتج فتنه
و فسادی گردد که مایه کدورت و نقصان روابط دوستی دولتین شود دولت عثمانی در عهده
میگیرد که بدون تعویق تغییرات لازمه و جدیده که باید و شاید در ولایاتیکه ارمنی دارند بدهد و ضمانت
که ارامنه از شر اکراد و چرکسها ایمن خواهند بود

۱۷
فصل هفدهم

عفو و اغماض کامل و تامی از جانب باب عالی به تمام رعایای عثمانی که در این جنگ متهم شده‌اند داده خواهد شد
و تمام اشخاصیکه تاکنون بواسطه این جرم محبوس یا اخراج بلد شده‌اند فوراً آزاد خواهند شد

۱۸
فصل هیجدهم

باب عالی عقیده را که مأمورین دول واسطه خیرخواه در باب تصرف شهر   ابراز داشته‌اند کمال
دقتی مراعات خواهد کرد و متعهد است که تعیین آخری سرحدات عثمانی و ایران را به انجام رساند

۱۹
فصل نوزدهم

هزینهٔ جنگ و خساراتی که بر دولت روس وارد آمده و اعلیحضرت امپراطور روس ادعا میکند
و باب عالی در عهده گرفته است که ادا کند از قرار است

خرج جنگ که عبارت از مصارف قشون مجهز و اثاثهٔ جنگی و تدارکات قرباشی محاربه باشد	ضرریکه به سرحدات جنوبی مملکت و تجارت خارجه و صنایع و راه آهن وارد آمده است
۹۰۰ کرور تومان	۴۰۰ کرور تومان
ضرریکه بواسطهٔ هجوم در قفقاز وارد آمده است	ضرریکه به رعایا و مجامع متعلقه بروس در خاک عثمانی وارد آمده است
۱۰۰ کرور تومان	۱۰ کرور تومان

جمع کل یکهزار و دویست کرور تومان ایران است

در صورتیکه مناط روس را چهار قران حساب کنیم

چون اعلیحضرت امپراطور روس ملاحظهٔ تنگدستی خزانهٔ عثمانیه را کردند و بنا بر تمنای اعلیحضرت سلطان بموافقت راضی شدند بر اینکه ادای غالب مبالغی که در مطلب سابق ذکر شد تبدیل بتفویض ملکی خاکی شود

بنهج ذیل

اولا سنجاق طولچه یعنی بوکات کیلیا و سولینا و محمودیه و اسحاق چای و طولچه و ماچین و باباداغ و هیرسوو کستنجه و مجیدیه با جزایر دلتا و جزیره ماران

چون دولت روس مایل بتصرف این اماکن و جزایر دلتا نیست مختار است بر اینکه در عوض آنها آن جزو از بسارابی را که بواسطهٔ عهدنامهٔ هزار و هشتصد و پنجاه و شش جدا کرده اند و از طرف جنوب محدود است به مجرای شعبه از کیلیا و مصب استاری استانبول را قبول کند و مسئلهٔ تقسیم آبها و چند

باید بواسط

باید بواسطهٔ کمیسیون روسی و رومانی در یکسال بعد از امضای مصالحه نامه منتظم شود

ثانیا اردهان و قارص و بایزید و خاک آن تا ساغانلوغ

که بطور عموم خط سرحدی پس از جدا شدن از ساحل قرادنگیز در امتداد راس جبالی که نهرهای جزو رودخانهٔ هیسارا را از نهرهای رود چاروخ جدا میکنند و آن رشته جبالی که در جنوب شهر ارتوان تا رود چاروخ نزدیک قریتین آلات و بشارت میرسند ممتد خواهد بود و پس از آن خط سرحدی بجانب قلههای کوهستان در ویکسلگی و بورچه زندیچی کیلن داغ امتداد یافته از راس تلالی که نهرهای جزو رود ترتوم چای را از چاروخ جدا میکند و بلندیهای نزدیک یلی و هین گذشته به قریهٔ و هین کلیسا در کنار ترتوم چای میرسند و از آنجا بر رشتهٔ سلسله سیوری داغ شده تا گردنه که موسوم باین اسم است و جنوب قریهٔ نهریمان منتهی میشود و از آن وقت بطرف جنوب شرقی مایل شده میرود به زیوین و از آنجا بمغرب راهیکه از زیوین به قریتین اردوشت و سرهان میرود و از سلسله جبال نگانلوغ در و بجنوب رفته تا قریهٔ ملحمن و از آنجا از راس شریان داغ برده و در مسافت فاصله جنوب ماور میرسد که در تنگهٔ مراد چایی است پس از آن خط سرحدی از راس آلاداغ و قلههای هری و تامدوره رسیده از جنوب قصبهٔ بایزید عبور کرده منتهی بسرحد قدیم عثمانی و ایران که در جنوب غازلی گول واقع است گردد

در حدود آخری اراضی که تفویض بدولت روس میشود و در نقشهٔ ملفوفه رسم شده اند بواسطه یک کمیسیونی که مرکب از مستوفیان روس و عثمانی باشد معین خواهد گردید و این کمیسیون در کارهای خود ملتفت نقشهٔ توپوگرافی اماکن و خطوط

تون وفق ولایتی و شرایط لازمه رفاه اهل آن مملکت خواهد بود

ثالثاً اراضی که در مطلب اول و دویم مذکور شد تفویض به دولت روس میشوند معادل اند با هشتصد و هشتاد کرور تومان و بقیه جریمه جنگ سوای هشتاد کروری که برای رفع ضرر رعایا و مجامع متعلقه به روس در خاک عثمانی مراعات شده است دویست و چهل کرور تومان میشود که قرار ادای این تنخواه و شرایط ضمانت بعمل آن متعلق است به گفتگوئی که فیمابین دولت فخیمه روس و دولت اعلیحضرت سلطان کرده خواهد شد

را ابتدا ادای هشتاد کرور تومانی که برای رفع ضرر رعایا و مجامع متعلقه به روس در خاک عثمانی منظور شده است به تدریج و مروری خواهد بود که مدعیان دعوی خود را در سفارت روس در اسلامبول ثابت کنند و در سفارت به باب عالی اظهار شود

فصل بیستم

باب عالی اسباب شایسته فراهم خواهد آورد که امور متنازع فیه و مرافعات رعایای روس را که چندین سال است معوق مانده اند بزودی انجام باید و رفع ضرر رعایا را خواهد کرد و اگر حکمی در این بابها صادر شده است و امکان پذیر است بدون درنگ مجری خواهد داشت

فصل بیست و یکم

سکنه اماکنی که تفویض به دولت روس شده اند اگر خواسته باشند مساکن خود را در خارج آن اماکن قرار بدهند مختارند بر اینکه متعلقات خود را فروشند و کناره گیرند و تا سه سال بعد از امضای این مصالحه نامه مهلت دارند و پس از انقضای این مدت سکنه که از آن خاک بیرون نرفته اند و املاک مستغله که متعلق به دولت خالصه یا مذهب (یا موقوفات) میباشند که واقعند در خارج

اماکن سابق

اماکن سابق اند که باید بهمان مهلت سه ساله بفروش برسند مطابق قرار دادیکه کمیسیون مخصوص روس و عثمانیان خواهند گذاشت در همان کمیسیون مامور است که قانونی از برای حمل و نقل اثاثه جنگ و قورخانه و آذوقه و سایر چیزهائیکه متعلق به دولت عثمانی است و اکنون در سیدانها و شهرها و اماکنی موجود اند که تسلیم به دولت روس شده اند و لشکر روس آنها را تصرف نکرده است قرار بدهد

فصل بیست و دویم

ملاها و زوار و رهبانان روس که در خاک اروپا یا آسیای عثمانی سفر میکنند یا اقامت دارند بهمان حقوق و مراعات و امتیازاتی که ملاهای سایر دول دارند خواهند داشت و حق حمایت دولتی در سفارت روس در اسلامبول و در سایر قونسولخانه های روس در ولایات عثمانی مجری و ممضاست هم از برای اشخاصیکه در فوق مذکور داشتیم و هم از برای اموال و املاک مجامع مذهبی و اعانات و غیره که در اماکن مقدسه و جاهای دیگر می باشند و رهبانان کوه آتس که از نژاد روسند با املاک و برتری سابقه خود باقی خواهند بود و متمتع خواهند در صومعه که متعلق به آنهاست در اماکنیکه بسته به صومعه است بهره مند شوند از تمام حقوقی که نسبت به سایر صومعه ها و مجامع مذهبی کوه آتس مراعات شده میشوند

فصل بیست و سیم

تمام عهدنامه ها و قرارداد ها و تعهداتیکه سابق این مابین دولتین قوی شوکتین در باب تجارت و مرافعات و وضع رعایای روس در خاک عثمانی معهود و مقرر بوده و بواسطه وقوع جنگ محذوف یا معوق شده اند مجدداً کمال استقرار را پیدا خواهند کرد مگر آن فصولیکه بواسطه مصالحه نامه حاضر تغییر پیدا کرده اند دو دولت دوباره در روابط و روی یکدیگر خواهند نشست بهمان تعهدیکه قبل از اعلام جنگ جهت تجارت و غیره با یکدیگر

داشته تجدید خواهند نمود

فصل بیست و چهارم

بغاز اسلامبول و دردانلها در اوقات جنگ مثل اوقات صلح مفتوح خواهد بود برای کشتیهای تجارتی ممالک بیطرف حتی که از بنادر روس می‌آیند یا به آن بنادر میروند لهذا باب عالی متعهد است که بعدها در جلو بنادر قرادنکیز بسکرها قرار ندهد که مخالف عهدنامه است که در شانزدهم آوریل ۱۸۵۶ در پاریس امضا شده است

فصل بیست و پنجم

تخلیه خاک عثمانی اروپا به استثنای بلغارستان از عساکر روس بکلی انجام خواهد گرفت و در مدت سه ماه بعد از امضای مصالحه نامه آخری که فیمابین اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت سلطان رد و بدل شده و بجهت اینکه فرصتی غنیمت شود و کاری پیش افتد و حتی الامکان توقف لشکر روس در خاک عثمانی کمتر شود یک قسمتی از عساکر سلطانی میتوانند رو بجانب سواحل قرادنکیز و دریای مرمرا که دارند و در کشتیهای متعلق بدولت روس یا کشتیهائیکه در این موقع اجاره کرده باشند بنشینند و تخلیه خاک آسیای عثمانی در مدت شش ماه بعمل خواهد آمد که از تاریخ انجام امر مصالحه آخری محسوب خواهد شد و عساکر روس اجازه دارند که در طرابوزان کشتی بنشینند تا بخاک قفقاز یا قرم پیاده شوند و اعمال تخلیه باید بمحض رد و بدل شدن مصالحه نامه شروع شود

فصل بیست و ششم

تا زمانیکه عساکر روس در اماکنیکه مطابق این مصالحه نامه مجدداً بدولت عثمانی تفویض میشود اقامت دارند

رتق و فتق و نظم امور بحالت اوقات تصرف ایشان باقی خواهد بود و باب عالی در حین توقف قشون و تا هنگام خروج کامل آن نباید در این باب هیچ مداخله کند و عساکر عثمانی نمیتوانند داخل قلعه یا ولایتی شوند و دولت عثمانی نمیتواند در آن اماکن تصرف یا حکمی داشته باشد مگر بعد از آنکه سرکرده سپاه متصرف آن اماکن رسماً بصاحب منصب عثمانی که مامور این خدمت است اظهار کند و اطلاع دهد که سپاه روس بکلی آن ولایت را خالی کرده‌اند

فصل بیست و هفتم

دولت عثمانی متعهد میشود که بهیچ اسم و رسمی متعرض نشود و نگذارد متعرض شوند آن رعایای عثمانی را که در این جنگ متهم بمراوده و ارتباط با روسها شده‌اند و در صورتیکه بعضی از آن اشخاص خواسته باشند همراه لشکر روس مهاجرت اختیار کنند مامورین عثمانی ممانعت نخواهند کرد

فصل بیست و هشتم

بمحض امضای مصالحه نامه مقدماتی اسرای جنگی طرفین مسترد خواهند شد و این کار بتوسط مامورین مخصوص طرفین که جهت انجام آن به ادسا و سواستپول خواهند رفت مجری خواهد گردید و دولت عثمانی خرج اسرا را مطابق حسابی که داده میشود در هیجده قسط در مدت شش سال ادا خواهد نمود و مبادله اسرای ما بین دولت عثمانی و ممالک رومانی و صربستان و قراطاغ نیز از روی همین قانون مجری خواهد شد ولی باید موضوع کرد عدد اسرائیکه دولت عثمانی تحویل میکند از عدد اسرائیکه تحویل میگیرد

فصل بیست و نهم

این عهدنامه بامضای اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت سلطان عثمانیان خواهد رسید و بعد از

پانزده روز یا زودتر تصدیق آن رد و بدل خواهد شد و معین خواهند کرد که در چه وقت و کدام محل
چنانچه رسم اهتمام مصالحه نامه‌جات این مصالحه نامه رسماً اظهار و قرائت خواهد شد و بر تصدیقات
که دولتین فخیمتین بمحض امضای مصالحه نامه با یکدیگر در کمال اتحاد و خصوصیت خواهند بود و بعلاوه
هر یک از دولتین مزبورتین بمحض این اتحاد همین نسخه مصالحه نامه را رقم میکنند و مهر خود میرسانند

بتاریخ سیم مارس ۱۸۷۸

محل رقم

کنت اینیاتف صفوت نیلدف سعد الله در سان استفانو تحریر شد مطلب آخر

فصل یازدهم

مصالحه نامه که امروز که تاریخ سیم ماه ۱۸۷۸ امضا شد منضا شده و محذوف گردیده بود یک فصل که
جزء لاینفک آن فصل باشد این است که سکنه بلغارستان که در سایر ولایات ممالک عثمانی ساکن هستند
کنند یا توقف باشند مطیع قوانین و احکام حکام عثمانی خواهند بود در سان استفانو تاریخ سیم
مارس مرقوم گردید

محل رقم

کنت اینیاتف صفوت نیلدف سعد الله

مطلب دویم

امضای عهدنامه صلح در دول فرنگستان اثر شدیدی کرد و تحدید دولت روس نیز اقدام بر آن
کردند که درباب مصالحه نامه که تکالیفی بیش حقوق انها را نکرده پروت انکار کنند و در بیست
دویم مارس وزیر امور خارجه رومانی بنمرای خارجه این ایالت مراسله عمومی ذیل را نوشت

دولت رومانی

دولت رومانی محض حفظ حقوق و شأن خود مکلف است
ر بکه اظهار دارد که مصالحه نامه سان استفانو که چند فصلش منافی حقوق و منافع رومانی است نمیتواند
آنرا از روی قانون متفق الیه شمارد و اگر آزادی اهالی رومانی نیز ایجاد کرده دولت رومانی
مضمون مصالحه سان استفانو نخواهد بود بلکه از خونهایی که در جنگ ریخته است با این مقصود نایل شده است
داستان از آزادی رومانی وقتی حاصل خواهد شد که رای مجلس کنگره معلوم شود و در رومانی حضرات مجلس شد
و شکی نیست که مطابق حقوق ملل قبول نخواهد کرد که در مجلس انعقاد صلح منحصر به ارکان دولتین متعاهدین
باشد بعضی از فصول مصالحه نامه که در سان استفانو مرقوم
و مقبول افتاده است حاوی مطالبی میباشند که بلا واسطه متعلق اند بحقوق مملکه در تعلقات سیاسی دارد
مخصوصاً مسئله بسارابیا و شرایط محلی درباب جریمه جنگی که باعث استقراض به دولت رومانی است
و بعد از آنها مسئله عبور عساکر روس است از خاک رومانی مقتضای عدل و انصاف چنین است که
در این نکات مختلفه بمحض فتح امور مجلس کنگره ما هم صاحب رای باشیم زیرا که خلاف این منافی
استقلال روحانی سلطنت داخلی ما و وضع صرفه ما خواهد بود
آیا دیگر لازم خواهد بود که مذاکره نمائیم که قلاع عثمانی از نیکوپولی تا ویدون که ما در بیست و دوم ژون
۱۸۷۷ انهدام آنها را خواهش کردیم در تصرف عساکر ما آمدند از بابت اینکه سردار کل روس ما را مخصوصاً
باین تصرف دعوت کرده با جایی کرد واقعی باشند که در چنین ضرورت بتوانیم مطالبه جبران جنگ رومانی را
از عثمانی بکنیم و تعلق این قلاع به بلغارستان چنانچه در عهدنامه سان استفانو مذکور است که در حرارت
بیرون کرده و اسباب و وسائل مادی ادعای ما را از جنگ ما بدر برده و آیا لازم است که اصرار نموده که

درباب اینکه مطالبه خزانه و مالیه دولت عثمانی در فصل بیستم عهدنامه فارس اعلام شده است و از
آن وقت الحق منتهی که در فصل چهارم برای رومانی معین کرده اند و نوشته اند که دولت رومانی حق مطالبه
جریمه جنگی خواهد داشت و مبلغ و مقدار آن جریمه مابین طرفین معاهد گفتگو خواهد شد این حق پوچ و بیفایده
شده است زیرا که ضامن معتبری در دست نیست آیا لازم است که اصرار نموده درباب اینکه جهت خرج
سپاه روس بعد از انقضای دو سال گفتگوی با دولت روم را بیفایده و زاید فرض کرده اند
و در اثبات باید با مطالب گفتگو نموده اند و حال آنکه در عبور و مرور قشون آن لشکر و علاء روس الاستشهاد با
دولت رومانی قرار داده از گذشته بودند و آیا لازم است که ثابت نمائیم که دولت رومانی در سلطنت
داخله خود با این ظلمی که در عهدنامه که مشعر بر آزادی و مطلق العنانی اوست بی‌پهلو که ندیده است
خلاصه حل مسئله بسارابی انحصار بقراردادهای مجلس اروپ
لهذا نمیتوان آنها را مابین دولتین معاهدتین گذارد و ملکه موقوف است به صوابدید تمام اروپا زیرا که این تغییر کلی
شده بود از قرارداد یکه تمام اروپا در ۱۸۵۶ داده اند و سلطنت مملکتی را که تمام دول فرنگستان از
انجا مع الاتصال حق و منفعتی دارند دستی بدست دیگر منتقل نموده اند و منظور از این تغییر سلطنت آن است
که اراضی مابین رود اسمعیل اعتباری بدهند که تا کنون آن اعتبار منحصر به مصب های دانوب
بوده است مصالحه‌نامه سان استفانو علاوه بر آنچه
قرارداد زیرا که در ۱۸۵۶ امین الدوله معهود شد که همیشه درباب امور شط دانوب یک مجلس
کمیسیون دائمی برپا باشد بکلی برهم میزنند و فصل سیم عهدنامه پاریس را سرنگون میکند زیرا که
از یک طرف ایجاد ایالت شاهزاده نشین بلغارستان با بجا بر از این مجلس کمیسیون خارج مینماید

و از خود داند

و از طرف دیگر تصرف بسارابی توسط روسها که دولت مسلط خواهند شد بر رود دیگر جدیدی
در مجلس کمیسیون میشود لهذا اعتدال در آراء اگر معدوم نشود متزلزل خواهد بود زیرا که بعد از این آراءها
با این منقسم خواهند بود که رای برای آلمان درباب اطریش و دو تمرک یک رای اطریش مجارستان
و یک رای برای رومانی و یک رای روسیه و یک رای صربستان و یک رای برای بلغارستان
لهذا اختیار دانوب منفعلی با یک مجلسی از دول خواهد بود که مخلص است از جهت صرف دولت مواقع سوری
از روی غرض و خصوصیت قرابت نژاد و نسبت و منافع مخصوصه و اتفاق و اتحاد ملتیکی شود و از آن شورت
بهیچوجه از روی مصلحت و حقوق تجارتی اروپا و مقتضیات ضروریه تمام عالم نباشد این خیالات موید
بر اینکه باید دول ذیحق بالاتفاق گفتگو کنند و مجلس کنگره مستقر باید انصاف و رعایت بی‌غرضی که
از ما حمایت کنند زیرا که این کمال تسلط و ظلم است که گفتگوی ما را در میان آورند و خود را حامی ما
دانند و لهذا بهیچوجه از ما رای نطلبند اگر دول اروپا ما را از ورود در مجلس کنگره قدغن نمایند و ندان
اینکه از ما شورت کنند برای ما قرار و مداری بگذارند ما را در بلیه می‌اندازند که مصالحه‌نامه سان
استفانو انداخته است و آن بلیه را به تحمیل و انجام رسانیده و اینک دولت با تکلیف خود در دوران
می‌بینید که عهدنامه مزبوره بر وقتی که در قبول ما اندازین بود مختصر آنکه متمم مراسلات سابقه شیت
با شما و منظور کاما گرفتن جایست در مجلس کنگره شما محبت کرده و وزارتخانه دولت ...... فلانرا
منفعت ... خواهند کرد و از التفات شما دولت ممنون خواهد شد که دولت رومانی
را در مجلس کنگره اذن ورود باشد و شما اجازه دارید که این مسئله را خدمت وزرا امور خارجه انگلستان
و مسوده آنرا نزد ایشان بگذارید (آخر مسئله عمومی)

همه روزه انقلاب در رومانی اشتداد می‌یافت شاهزاده انکار کرد

علی روس الاشهاد اظهار کرد که راضی است بر اینکه لشکریانش پایمال دنیا بود شوند ولی لگد کوب لشکر روسیه

روس براق چین شوند دولت اطریش هم عدم رضایت خود را پوشیده نمیداشت ژنرال

ایگناتیف را که بوینه فرستاده بودند کوشش داشت که خشمها را فرو نشانده به اعیان دولت

اطریش ثابت کند که عهدنامه سن استفانو برای دولت اطریش خیلی مساعد و مناسب است

ولی کوشش او بیهوده بود و اطریش همه روزه رأیش بدولت انگلیس نزدیکتر میشد و در لشکر

کشی مبالغه مینمود در انگلیس کمترین سخنها آن بود که فوراً اعلام جنگ کنند لرد دربی که سابق

بر این در مقدمه مأموریت سفارتین استعفانامه را پس گرفت این نوبت بکلی از مجلس وزرا کناره کشید

و عذر گوشه‌گیری خود را باین عبارت خواست

آقایان من تکلیف من است که اولین موقع را از دست ندهم و خدمت جنابعالی عرضه دارم که

من ترک خدمت و شغل وزارت امور خارجه را گفتم و در آخر عرض کنم استعفانامه من حضور علیحضرت ملکه

فرستاده شده و مقبول افتاده است و من تا زمانیکه قائم مقام من معین نشده است متصدی این منصب خواهم

بود و قاعده کلیه است که حق بلکه تکلیف وزیریکه از شغل خود کناره میگیرد این است که با تفاصیل حرکات

در مجلس پارلمنت دلیل استعفای خود را اظهار کند تا وضع اختلاف رأی او با همقطارانش معلوم شود

تا بتواند استدلال نماید که برای بی ناموجه و ناقص دست از امر عمده و معتبری نکشیده است ولی

من افسوس میخورم که با حالت حالیه برای من ممتنع است یا عقلاً ناپسندیده است که اقدام باین امر

نمایم بنظر علیحضرت ملکه و دوست نجیب من که رئیس وزارتخانه دولتی است بمن اجازت داده‌اند

که هر قسم صلاح

که هر قسم صلاح بدانم و مقید می‌شدم رفتار کنم ولی جنابعالی خواهند فهمید که با وجود حالت حالیه

مراودات خارجه بسیار خطرناک است که باید در معرض امتحان اشخاصیکه مسئولیت امور عامه بعهدهٔ آنهاست

درآید و مصلحت دولتی در آن نیست که در حینیکه اقدام بآن عزم میکنند بیان مرد و عزم منتشر گردد و این اوقات

مجلس وزرا بمقامی رسیده است که حل آنها کمال سختی و نهایت اعتبار و اهمیت را دارد و من

نتوانسته‌ام قبول کنم تکالیف تدابیر را که مجلس قرار داده بود و برای اینکه مانع نمایم جشیر البته

سخنان من در مجلس پیدا می‌شود و مرخص کنند که از حالا عرض کنم که عقیده من آن نیست که این اجرای

تدارکات بالضروره وقوع جنگ را ناچار خواهد کرد و میل دارم که همقطاران من همان نیت

همان خلوص نیتیکه در من است طالب و مایل استقرار صلح عمومی اروپا باشند و همه ما در مقصود متفق هستیم ولی

در اسباب نیل باین مقصود اختلاف رأی داریم و به اعتقاد خودم نمیتوانم آن تدابیر را که همقطاران من

عزم خود را در قبول آنها جزم کرده‌اند با وجود اینکه بعضی از آنها از چندین حیثیت ایشان برای من مزیتی

دارد من نمیتوانم آن تدابیر را مطابق حزم و صلاح حفظ استقرار صلح اروپا فرض کنم با اینکه نسبت

مملکت شمارم یا بواسطه وضع امور واقعه در خارج مملکت لازم و واجب بدانم

وقتیکه از وزرا در شوری یاری طلبیدند در باب اجرای تدارکاتیکه عرض کردم آن وقت

من از رای خود مدافعه خواهم نمود ولی تا آن وقت تکلیف خود را در آن می‌بینم که بطور اطلاق و عموم

سخن گویم و باشخاصیکه مسئولیت امور عامه با آنها خواهد بود وضع و وقت عرضه داشتن مفصل

آنها را در خدمت جنابعالی واگذارده‌ام و لیکن یک تأویل و ترجمه غلطی در باب این قرار من کرده‌اند

که جنابعالی باید ملتفت آن بسازم ممکن است که ارباب این عرایض من و جنس خیانتیکه بیان

اورده چنین گمان کنند که رای من با آرای مجلس در باب طریقه حضور و ظهور دولت انگلیس در مجلس کنگره
اختلاف دارد من باید بگویم که هرگز چنین چیزی نیست و من افسوس میخورم که بعضی موانع پیش آمد که
اجتماع مجلس کنگره بتعویق افتاد ولی این تقصیر را بعنوان نکردن این دولت که اشتباه ساخته که در میان
ما واقع شده نزاع لفظی بوده است بلکه اختلاف رای معتبر خطرناکی داشته ایم و بعقیده من برای دولت
انگلیس هیچ نفعی نیست از اینکه داخل مجلس کنگره شود مگر اینکه یقین داشته باشد که گفتگوئیکه در آنجا
میشود و قسمت و حقیقت خواهد داشت و محض خیال و آمال نخواهد بود و اگر لازم افتد که یکی از دو کار را
برای استقرار صلح اروپا اختیار کنیم عقیده من آن است که بهتر آنست که مجلس کنگره بهیچوجه انعقاد نیابد
تا آنکه منعقد شود و در مجلس اشکالات سخت ایجاد شود و عاقبت مجبور شوند که بدون حصول هیچ نتیجه
متفرق گردند و من اصراری در اظهار این مطلب ندارم همینقدر میخواستم خیالات مردم متوجه آن شود
که من در مسئله کنگره نتوانستم با اجزاء وزارتخانه دولت متفق الرای شوم لازم نیست که خدمت جنابعالی
بلکه دوست نجیب خودم صدر اعظم اظهار کنم که بهیچوجه غرض شخصی مرا باقدام در امری که مجبور اختیار
کرده ام وا نداشته است و تمام اغراض شخصی و خیالات خودخواهی بالعکس مرا ملتفت بر ضد این
اقدام وا داشتند   آقایان من   هیچکس نیست که با دل خوش
ترک علاقه قدیم پلتیکی خود گوید اگرچه موقت بوده باشد و در میان مردم پلتیک امروزه روابط پلتیکی
و شخصی کمتر کسی است که مساوی باشد با روابط دوستی من و دوست نجیب من و علاوه بر اینها نیکم
که همیشه عقیده من آن بوده است که مرد معقول القول در امورات حزبی باید همیشه عقیده خود را بروز ندهد
بلکه مجبور است براینکه اظهار رای نماید و اگر چنین باشد عمل شراکت در اقوال و افعال تمنع الاجری خواهد

مانند اوقاتیکه

مانند اوقاتیکه مسائل حقوق اروپائی در معرض خطر باشند و در مباحثات گفتگوهائی برخیزد که آن
گفتگوها نتیجه شان جنگ یا صلح شود یقین دارم که جنابعالی در این موارد قبول نخواهید کرد که مردم
بالنسبه احترام یا محبت شخصی مراعات کنند و اگر چنین امری ممکن بود البته منهم بعقیده دوست نجیب خود
که رئیس وزارت خارجه است بودم
آقایان من   همان قسمیکه در ابتدا گفتم در انتها هم بگویم که من مجبورم عبارات عمومی استعمال
کنم و باید برای بعد از این ادله و براهین مفصله که در باب رفتار خود در دست دارم نگاه داری
کنم تا در حین ضرورت بکار برم (آخر)

لرد بکون سفیلد از جانب خود استعفای لرد دربی را با این عبارات کرد

جنابعالی استماع فرمودید که اعلیحضرت ملکه امروز چشم از خدمات یکی از اهالی شورای مستشار قابل خود
پوشیده است بجز اشخاصیکه با این دوست نجیب من در کار بوده کسی نمیتواند حقیقت مشاغل و
وقدرت نافذه هوش و رفتار عادلانه و بیغرض او را بسنجد
آقایان من   باتفاق این دوست نجیب خود تقریبا بیش از یک ربع مائه است که در خدمت دولت مشغول
میباشیم و در این مدت مدید زحمات مباشرات رسمی بواسطه مراودات دوستانه مخصوص برطرف میشد
یکرنج میداد البته برای هر مردی بدبختیست عدیده و من با کمال صداقت میتوانم گفت که در این سنوات طویله
در علایق محبت ما بین من و دوست نجیب خود بهیچوجه قصور و فتوری بهم نرسیده است دوست نجیب
من که دارای حزم کافی و احتیاط کامل است احتراز نمود از اینکه ادله مخصوصه که او را باستعفا
وا داشته اند بیان کند و این استعفا از برای خود او خطرناک و از برای مملکت خیلی مضر و مغشانه است

من نیز میتوانم خبر دهم از بیان آن اندیشه و بر این باورم که بهنگام آن رسیده و موقع تقاضا مینماید که تمامی قصد
جنابعالی را عرضه داشته کنیم اما از روی تجربت دیده‌ایم که آن عیب بسیار در نشانه اینگونه اصرار است که کدام است
و تکلیف خود را امروز در این می‌بینیم که بگوییم دولت علیحضرت ملکه چون جهان که مجلس کنگره منعقد نخواهد شد همچنین
نظر شما رسیده که در جستجوی تعادل دول درنده و بیزار اند برهم خورده است رسیده تعقر از آن تعادل هم بواسطه
مجلس کنگره باقی نمانده است تکلیف دولت آنست که تدارک اسبابی نماید که از شر مخاطرات هم آنگیز
این تواند بود لهذا با خیال رعایت استقرار صلح و حفظ حقوق و تسلط ما در مملکت جهان مصلحت دیده‌ایم که عهد رست
اعلیحضرت ملکه عرض نماییم که حکم فرمایند قشون ذخیره را طلبیده عنقریب پیغام دولتی از مجلس پارلمنت
چنانچه در قانون **کنس میتوسیون** معهود است خواهد رسید
آقایان من تکلیف من در آن بود که ابتخر را اشتباه دهم و وقتیکه موقع ضرورت تقاضا میکند جنابعالی
ملتفت شده باشند که این تدارکات خواهند شد و وضع رفتار دولت اعلیحضرت ملکه را خواهند سنجید
این بسیار شناسم که در چنین موقعی از طرف ولیاقت دوست نجیب خود محروم مانده‌ام یعنی کسیکه از سالها
در کارهای دولتی با من شرکت داشته است و این شکنجه‌های قلبی امتحانات سخت زندگی و معاشرت شده
در نتیجه گران بها و بسلامتی که از این شکنجه‌ها دست میاید آنست که مردم انگلیسی قاعده دان مجموع احوالی
تکلیف خود میتوانند تحمل این شکنجه‌های پر زحمت و رنج را هم کنند و دست از دوست جانی خود بکشند
آقایان من [illegible] از من محسوس شد که از دست انگلیسیها
که مرا با دوست نجیب خود تعهد بسته است مقارن قطع خواهد شد اما گمان میکردم که فقط اکنون
یکوضع دیگری ختم شده که طبیعی بنظر می‌آید یعنی من از حلقه مردم انگلیسی غایب میشوم واو در مسئولیت [illegible]

بلی تغییرات که

با ملتهای بزرگ جود و حفظ تجارت خویش باقی خواهد ماند تا در امور عامه باید [illegible] که [illegible] است
پیدا کنند آقایان من خدمات او در جنگ [illegible] در
میان همقطاران او بیش از کسی مشاکل نمی‌باشم در این وزارتخانه دانستم که این وزارت کار را که آنچه علیحضرت
ملکه مستدعی شدیم حکم فرماید و بدو داده شود مطابق است با ملیتی که نتیجه اش حفظ تسلط باد شاه آزادی
اروپا و عظمت و امنیت وطن ما خواهد بود (اخر جواب صدر اعظم)

در مجلس وزرا **مارکیز دو سالیسبوری** جای **لرد دربی** را گرفت و عمل اول این وزیر امور خارجه جدید
آن شد که مراسله عمومی برای سفرای خارجه انگلیس نوشت

روز **فرانس افیس** بتاریخ اول ماه آوریل **۱۸۷۸** آقای من از اعلیحضرت ملکه فرمان
یافته‌ام که جنابعالی را مامور نمایم که در دربار دولتی که شما مامور باقامت آنجا هستید [illegible] که دولت
اعلیحضرت تکلیف خود را در حساب آن می‌نمایاند که آنچه دولت [illegible] مجلس کنگره [illegible] برای
امتحان آن مصالحه از نه سیاستی بر پا شود

روز چهاردهم ژانویه وقتیکه گفتگوی مصالحه منعقده مابین دولتین روس و عثمانی بود دولت
اعلیحضرت ملکه **لرد لفتوس** را مامور کرد که بشاهزاده **گرچاکف** بگوید که بعقیده دولت مزبوره هر
عهدنامه که فیما بین دولتین روس و عثمانی بسته میشود که تغییری در عهدنامه‌های **۱۸۵۶ و ۱۸۷۱**
وارد بیاورد باید عهدنامه مناسب حال اروپا باشد و بدون امضاء و استرضای تمام دولی که آن عهدنامه‌های
سابقه را امضا نموده‌اند هیچ وجه صحتی نخواهد داشت
روز بیست و پنجم ژانویه دولت روس جوابی داد مضمون ساخت که هرگز در خیال آن نخواهد بود که مسائل متعلقه

[illegible]

برارو پا را ازین صلح منصرف و از معرض گفتگو در آورد و چون دولت علیحضرت استحضار یافت که صلح نامه معهوده مابین معتمدین و وکلای عثمانی و روس در غازان لیک رد و بدل شده و گذشته است لهذا در روز دوم ماه لرد لفتوس را مأمور نمود که به جناب اولیای دولت روس اظهار نماید که دولت علیحضرت ملکه با وجود آنکه قبول دارد امور راجعه بمتارکه جنگ و شرایط متعهدات مصالحه را که در غازان لیک مابین وکلای دولتین روس و عثمانی معین شده اند اعلان نماید که اگر این قرار دادها باعث تغییر معاهدات مابین الدول اروپا باشند یا منافی حقوق و منافع عمومی انگلیس شوند کلی از درجه اعتبار و صحت خارج خواهند بود مگر آنکه آن تغییرات بصوابدید و اتفاق آرای تمام دولی که عهدنامه پاریس را امضا کرده اند ممضی گردند

روز سیم ماه ژانویه لرد لفتوس این اعلان را به اشاره گرچاکف داشت نواب معظم الیه جواب گفت که برای انعقاد شرایط متارکه اظهار بعضی از اصول مصالحه ناگزیر بود ولی آن اصول را باید بعد ازین داشت و اصول حتمی آخری نخواهد بود خاصه در مطالبی که راجع بخاک دول اروپا باشند و صریحاً اظهار داشت که مسائل متعلقه باروپا حل نخواهند شد مگر با اتفاق و صوابدید دول اروپا و بدولت علیحضرت ملکه در این باب اطمینانات کافی داد

روز چهارم فوریه سفیر اطریش تلگرافی به بارارز نمود و ما را دعوت کرد که در وینه مجلس کنفرانس برپا شود و دولت علیحضرت فوراً این تکلیف را قبول کرد و در روز هفتم فوریه جناب معزی الیه دعوت نامه را نزد لرد دربی فرستاد که در آن چنین مسطور بود که دولت اطریش و مجارستان چون امضا کننده عهدنامه بین الدولی میباشد که برای انتظام امور عامه در مشرق زمین انعقاد یافته است در اوقات جنگ حالیه همیشه برای خود حق مداخله در قرارداد آخری شرایط مصالحه نسبت به آن حفظ کرده است

ادعای این

و چون این مطلب را با بر دولت بهیه روس اظهار داشتیم آن دولت بصریحاً قبول نمود امور چون متعهدات صلح مابین دولتین روس و عثمانی به امضا رسیده اند در نظر با موقع آن رسیده است که آرای دول اروپا در باب تغییراتیکه لازم می افتد به عهدنامه های سابق الذکر داده شوند تحدید و تحقیق شوند و بهترین طریقه برای انجام این اتفاق و اتحاد بنظر ما می آید این است که مجلس کنفرانس جهت اجتماع وکلای تمام دولی که عهدنامه ۱۸۵۶ پاریس و پروتوکل قرار داد مقاربه ۱۸۷۱ لندن را امضا نموده اند تشکیل گردد

روز نهم مارس دولت اطریش اظهار داشت که بجای انعقاد مجلس کنفرانس در شهر بادن که سابقاً قرار داده بودند بهتر آن است که یک مجلس کنگره مرضی الدول در برلن انعقاد یابد و دولت علیحضرت ملکه جواب گفت که هیچ ایرادی بر این تغییر ندارد و لیکن اظهار داشت که تمام مطالب مصالحه نامه مابین روس و عثمانی باید در معرض گفتگوی کنگره در آیند و سبب آنکه آن شرایطی که مندرجه در مصالحه نامه جلیه صحت مرتبی نخواهند بود مگر بعد از رضایت و امضای دول مزبوره

روز دوازدهم مارس کنت شوالف اطلاع یافت که دولت علیحضرت ملکه قبل از آنکه عزم خود را در حضور باتفاق مجلس کنگره جزم کند باید مطالبی که در این مسئله در نهم ماه نوشته است کما ینبغی توضیح وضیح نماید و در روز سیزدهم دولت علیحضرت مزبور بر شرط مخصوصی را بیان کرد و گفت که باید صریحاً معلوم شود که تمام مطالب مندرجه در مصالحه نامه را که فیما بین دولتین روس و عثمانی برقرار شده است بعرض مجلس کنگره برسد و این معنی ثابت است که قبول تمام آن شرایط منوط به رضایت مجلس نباشد بلکه مجلس باید بداند و بفهماند که کدام یک از آن مطالب را باید در معرض قبول و در مورد رضای سایر دول در آورند و کدام یک از آنها محتاج به امضا و رضایت آن دول میشد

روز چهاردهم سفیر روس تلگراف شاهزاده گرچاکف را ابراز نمود که تمام دول
معظمه شده اند که متن مشروح مصالحه نامه با عثمانی بمحض اینکه پاک نویس شد نسخ آن رد و بدل خواهد
به آنها عرضه خواهد شد و وقوع این امر چندان تعویقی نخواهد داشت و در همین اوقات در اینجا به ابلاغ
خواهد رسید و ما چیزی را مخفی نخواهیم داشت

روز هفدهم لرد لفتوس اخبار نمود که مذکره نامه ذیل را از شاهزاده گرچاکف به او رسیده است
در جواب اخباریکه لرد لفتوس از جانب لرد دربی از دولت انگلیس گفت
ست جهة انعقاد مجلس کنگره در برلن کرده بود من همان اطمینانها را که کنت شوالف به دولت انگلیس
داده بود مکرر میکنیم که مواد مصالحه نامه منعقده که فیما بین دولتین روس و عثمانی گذشته است ثبت
مشروحا قبل از اجتماع مجلس کنگره خدمت دول معظمه معروض خواهد افتاد و در خود مجلس کنگره هم هر دولتی
اظهار رای و عمل خود را بکمال آزادی دارد و در تلگرافی که لرد لفتوس بتاریخ هجدهم کرده بود بیان
نمود که شاهزاده گرچاکف به او گفته است که البته هیچیک از اجزاء کنگره مکلف بسکوت نخواهد بود ولی
ایرادی را که از حدود منافع عمومی اروپا خارج باشد قبول نخواهد کرد و چون لرد دربی از کنت شوالف سؤال
جواب شاهزاده گرچاکف را اگر چه جناب معزی الیه روز نوزدهم به او خبر داد که مامور است از اینکه به اولیای
دولت علیحضرت ملکه اظهار نماید که مصالحه نامه مابین دولتین روس و عثمانی خدمت اولیای دول
ملکه مبسوطا و مشروحا عرضه خواهد شد و آن مصالحه نامه مختصر به فرد است و خیلی قبل از افتتاح مجلس کنگره معروض
خواهد افتاد دولت علیحضرت ملکه و سایر دول حق کامل در اظهار رای خود دارند و دولت روس که
منکر این حقوق نیست و همین حق را برای خود مطلبید و اگر دولت روس تنها در عقد مصالحه منعقده با

میبایست کنگره شان او می شد

روز بیست و یکم لرد دربی جواب گفت که دولت نمیتواند از قول خود منحرف شود که فاش و بطور
وضوح گفته است که باید قبل از دخول در مجلس صحیحا معین شود که هر یک از فصول مصالحه نامه مابین روس و عثمانی
را در مجلس کنگره کما ینبغی در معرض سوال و جواب و امتحان در آورد و ولیکن از اربابیکه بالضروره آزادی دول
کنند بلکه از بابت اینکه بدانند کدام یک از آنها محتاج قبول جماعت سایر دول میباشند و کدام یک محتاج
این امر نیستند و دولت علیحضرت ملکه نمیتواند این عقیده را که امر از شاهزاده گرچاکف رسیده است
قبول کند که دولت روس از قبول این مقدمات انکار از تمام دول دیگر کرده خواهد بود و دولت علیحضرت ملکه
میل دارد که بداند آیا این عرضه داشتن مصالحه نامه بطور کامل در خدمت دول معظمه باین معنی است که آن
مصالحه نامه را منحصرا الی الکنگره عرضه داشته باشند تا اینکه تمام عهدنامه در روابط با سایر عهدنامه‌ها سوا
در معرض امتحان در ورود قبول مجلس کنگره برآید

روز بیست و پنجم کنت شوالف لرد دربی نوشت که وزارت خارجه روس مامور است که مطالبی که مراسله
روز نوزدهم حضرت جناب ایشان نوشته است اعلان نماید که لفظ آزادی عقیده و عمل را با دول مختلف
کرده اند و وزارت خارجه روس معنی این الفاظ را از این قرار میداند که دولت روس سایر دول را آزادی
میدهد در اینکه هر مطلبی را که بخواهند در مجلس کنگره به معرض ایراد و سوال و جواب در آورند مختار باشند ولی
خود آن دولت نیز آزاد خواهد بود که آن ایرادات را قبول کند یا نکند
دولت علیحضرت ملکه متاسف است از اینکه دولت روس چنین جوابی را اعلام کرده است آیا ماده چند فصل
عهدنامه سان استفانو را باید دول اروپا متمم شمارند حل این مسئله اکنون بنظر محال مینماید و وقتیکه

از آن فصول را با جار پلتیکی قبول کرد حق رد و قبول ایرادات آنها در محضر کنگره دول معظم خودش محل

ایراد بزرگی خواهد بود اگر درست در عهدنامه تأمل کنند تنقیت خواهند شد که دولت علیحضرت ملکه نتوانند

قبول مداخله و گفتگوی در بعضی دون بعضی از فصول انزا کنند زیرا که هر یک از فصول معتبره عهدنامه مشتمل بر

نقضی است بر عهدنامه ۱۸۵۶

مطابق ضمیمه که در پروتوکل (مراسله سفارتی) لندن در ۱۸۷۱ وکلای دولت معظمه حتی دولت

روس معترف شدند که قانون اصلی حقوق ملل آن است که هیچ دولتی نتواند نقض قبول تعهدات یک

عهدنامه را بکند یا فصول آن را تغییر بدهد مگر اینکه از رضایت دول معاهده باشد و بواسطه یک قرار

داد دوستانه قبول افتاد

رای دولت علیحضرت ملکه ممنوع است که بدون نقض آن اعلام و اظهار قبول نماید که بدون رضایت

دول معاهدات مرعیه در آن عهدنامها تغییری بواسطه عهدنامه جدیده پیدا کنند و شرایط این عهدنامه منافی قرار

نامههای سابقه شود و نتایج عمده که از این مصالحه نامه بعمل می آید از انهائیکه منتج میشوند از فایده آن در

ملل جنوب شرقی اروپا مثلا آن فصولیکه مملکت بلغارستان را دولت مستقله اسلاو قرار میدهند

و آنرا در تحت حمایت و تسلط دولت روس میگذارند و حال آنکه در سواحل قرادکیز و مجمع البحرایر

ارشی پل بنادر معتبره دارد و بپالیسی دولت روس در باب روابط دولتی و تجارتی این دریاها

با او حالت تسلط و تفوق داشته باشد و وضعی آن بنحوی خواهد بود که بواسطه کثرت تعداد نفوس

مردم اسلاو گروه انبوهی از نژاد یونانیان که با مودت و اخلاق ایشان در جنب اسلاو باطل مضمحل

خواهند شد و در بیانات کمال خشونت دارد که سابقا در این اشتراک که هم از جنس نسل نژاد و هم از آرات

قوانین دولتی

قوانین دولتی و مصالح مسائل مذهبی و ملتی خارج از آداب و رسوم آنها است بکلی از میان بروند

از اوضاع و اسبابیکه این دولت جدید فراهم آورده که حکمرانی عملی آن متعلق بانجاب

دولت روس شود در نظم و نسق امور مملکتی آن با مامورین روس باشد و در مدت واقع استقرار نظم و نسق آن

بواسطه عساکر روس شروع شود معلوم میتوان کرد که بعد از این دولت بپیروی پلتیکی اختیار نماید و از روابط

الحاقی مصالحه نامه مستفاد میشود که این پلتیک را میخواهند در خارج حدود بلغارستان جدید هم جاری

معمول دارند و علاوه بر اینکه قید کرده اند که وضع تسالی و اپیر باید بتغییرات صحیحه پیدا کند مذکور داشته اند

که استحکام احوال آن اماکن را باید مباشر دولت روس متحمل و مستقر نماید و نیز قید کرده اند که حمایت اهالی

کلیسیای روس از لوازم امورات حدود داده و وسعت دامنه این حمایت ایشان از عهدنامه کاینا

رجی که با خود و بعد عهدنامه ۱۸۵۶ ملغی بوده است معین کرده اند

چنین شرایط را نه دولت یونان و نه دولی که در اجزاء ممالک عثمانی منافع مشترکه دارند بصاحبت

قبول نخواهند کرد و اثر عمومی این جزء از مصالحه نامه آن خواهد بود که قدرت و تسلط روس از اراضی موجود

کرد یونانیان فراوانند زیاد کنند و این معنی نه همین بضرر حالت دولت مزبوره خواهد شد بلکه بمنافع

تجارتی تمام دولی که در دریای مدیترانه (بحر الروم) حق دارند خواهد بود

و موضوع کردن ولایات یونانی و آلبانی و اسلاو که در تحت حکومت باب عالی قرار داده اند از اسلامبول

سبب نخواهد شد که رتق و فتق امور مملکتی آنها دچار اشکالات عدیده بلکه معطلیهای دائمه خواهد گردید به

همین باب عالی را از تسلط حکومتی خواهد انداخت بلکه سکنه آن ولایات در مخاطرات بزرگتری دچار استیلای

خواهند افتاد

بواسطه بعضی از فصول دیگر مصالحه‌نامه همین نتایج در سرحدات دیگر ممالک عثمانی روی خواهد نمود و تفویض مجری
بسارابی بدولت روس و انبساط دولت بخارستان تا سواحل قرادکز که سکنه عمده آنها
مسلمان بوده‌اند و تصرف بندر بحر باتوم تسلط دولت روس را در تمام اطراف و نواحی قرادکز
زیاد خواهد کرد و تصرف قلاع ارمنستان مردم این ولایت را در تحت تسلط متصرفین آن قلاع خواهد انداخت
و حالیکه تجارت معتبر و مکنتی که از راه طرابوزان بخاک ایران میشود در کردستان قطع خواهد شد
زیرا که هر وقت دولت روس بخواهد تا آن وضع سخت تجارت خود را مانع میتواند شد
یک شرطی هم برای جریمه جنگ قرار داده‌اند که ادای مبلغ آن البته
خارج از قدرت دولت عثمانی است و هیچوجه ملاحظه کرده‌اند که زیادتی این مبلغ برای سالها برابر است
طلب خسران بی اندازه دارد و طرز ادای مبلغ نیز بوضع مبهمی بیان شده موکول است بگفتگوی
بعد که فیمابین دولتین روس و عثمانی در میان خواهد آمد ممکن است که این مبلغ را موضوع مطالبه کرده اسباب زیادی
بگیرند که از آن شده باشد و اهم تر آنکه شده این واسطه تا هر زمان آزادی دولت عثمانی در معرض تعویق
بماند و گفته‌اند که ادای این مبلغ میتواند تبدیل شود بمعاوضه ملکی که بمراتب بیش از خود مبلغ نقدی خواهد بود یا ملکیه
تعهدات مخصوصه که از هر حیثیتی مثل یک دولت عثمانیه را مطیع مثل یک دولت روس کرده باشند
ممکن نیست در این شرایط منعقد شد که منظور آن است که اگر موقع تقاضا کند دولت عثمانیه را الحال

مجبوریت و ناچاری وادارد

و در باب این شرایط مختلفه مخصوصا ایرادات عدیده میتوان گرفت و از طرف دیگر هم ممکن است ادله و براهین
اقامه نمود که این شرایط فی نفسه منافی استقرار این صلح خالیه و دوام رفاهیت که مزایای ولایات

دایسیا

در آسیای عثمانی مطلوب است بجا باید بود ولی از مسئله و شخصی آن جواد مورد ایرادات باشد یا باشد
اثری نیست که قابل وقف و ایرادی از دول امضا کننده بوده باشد و لیکن اثر آنها روی هم رفته
در اضافه نتایج آن است که ضعف یونانی در استقرار قدرت عمومی دریانوردی مقتضی است که آزادی
دولت عثمانی مسلم باشد حکم کامل این دولت ممتد است اما کسیکه از حیثیت وضع جغرافیائی که
در هر جهت باید در صلح نظر دولت انگلیس بوده باشد دولت عثمانی میتواند بر حسب میل خود در راه بزرگ
طبیعی و ملی بین دریای ارزوپن اکس را باز کند یا به بندد و در مدخل خلیج فارس و سواحل شرقی
و نواحی نهر سو سلطنت عثمانی اعتراف دارند و برای این مملکت بسیار ضرر دارد که دو نسل که مالک این
خاک وسیع است برای پیشرفت اولاد دولتی که بمراتب قوی‌تر و متعددتر است بر او تنگ
بگیرند قسمیکه آزادی او ملکه وجود او دیگر امکان پذیر نباشد این نتایج از هیچیک از فصول جداگانه
عهدنامه منتج نمیشود ولی نتیجه من حیث المجموع این فصول همین است که ذکر شد و گفتگوی کنگره در
فصول مخصوصه هیچوجه معالجه مخاطرات حقوق انگلیس و صلح دائمی اروپا را که منظور از صدور این مراسلات

نخواهد کرد

منظور دولت اعلیحضرت ملکه از انعقاد مجلس کنفرانس اسلامبول آن بود که یک تغییرات لازم
خاک عثمانی را در تحت سلطنت عثمانیان مجری دارد و طوری قرار دهد که تا هر وقت ممکن است دولت عثمانی
از ضمانت و حمایت دول دیگر محفوظ و مستغنی شده بوده بدیهی بود که چنین عملی انجام نرسید مگر در زیر سکه
اهالی مملکت را بقدر کفایت از وضع خویش خوشنود دارد حس وطن دوستی در خصلت آنها اهتمام دو
اظهار امنیت بسازد که تا سرحد عاری باشد از خوف سلطان در مملکت عثمانی مدافعه نمایند که

این مسئله بواسطهٔ سفارت خود دولت عثمانی معوق ماند و با وجود مواقع بسیار حالا نتیجه منظوره از آن لسلطان
و آن اسباب حاصل نخواهد شد و در عهدنامه مملکتی که بواسطهٔ آنها حکومت و سلطنت خوب تشکیل داره
منتظم شده است البته ممکن نیست که وجه ... تغییرات عظیمه وارد آید و سلطنت منتظمه و آزادی اهالی
مملکتی که تاکنون این نعمات محروم بوده‌اند همیشه منظور کلی دولت ما بوده و خواهد بود

دولت علیحضرت ملکه در صورتیکه امتحان کاملی کنند از قرار دادهای جدیده
که بهم عثمانیش و آنها میرود گمان میرود که اطمینان از حصول منظور خویش بهم رسانند و با کمال رغبت
داخل مجلس کنگره می‌شود که شرائط مرقومه را با روابطیکه با عهدنامه‌های موجوده دارند من حیث المجموع در
معرض امتحان آورد و حقوق معینه دولت انگلیس و سایر دول مراعات شود و آن نتیجه که دول
فرنگستان بالاتفاق طالبند بدست آید لیکن حقوقیکه استقرار آنها برای دولت علیحضرت ملکه باید اگر
و نه رعایت ممالک که در مصالحه‌نامه منظور شده اندر مجلس کنگره که اختیارش محدود باشد نتیجه
شاهزاده **گرچاکف** در این باره که اظهار داشته بعمل خواهد آمد را آخرش رسید و زیر امور خارجه
جدیده انگلیس در همان شبیکه **لرد سالیس بوری** امر اسلسله
عمومی را نوشت که ما مرقوم داشتیم زیرا که حاوی مدت مصالحه‌نامه **سان استفانو** بود و صدر اعظم
انگلیس در مجلس **لردها** پیغام علیحضرت ملکه را قرائت نمود به این مضمون

فرمان **ویکتوریا ملکه**

چون بمقتضای حالت حالیه امور مردم در شرق زمین و بواسطهٔ لزوم گرفتن تدارکات جهت استقرار صلح و حفظ
و حمایت حقوق و منافع دولتی در خاطر علیحضرت خطور کرده است که اقدام به امور فوق العاده نماید

و شرح این ملزومات در قانون **کمیسی نو تسیون** مجلس پارلمنت ضبط است اعلیحضرت ملکه محض حصول
منافع عامه مناسب دیده‌اند که در صدد تدارکات جهانی برآیند و اراکین مجلس و وکلا اطلاع یابند که
قصد آن دارند قشون عسکری و رکابی را بانضمام عساکر و جزیره چرگیب جهت خدمت در این موقع احضار فرمایند که صلاح
الصلاح باشند (آخر فرمان)

به هر طریق تاریخ حاصله از جنگ کمیاب چنین مشهود گردد که لیکن رومانی و سربستان از امتیازات مخصوصه خود
ناراضی بودند و دولت اطریش مضطرب و وحشت داشت و دولت انگلیس و غیره خود را مهیا در امر صلح
ساخت و دولت یونان مطمئن از این طغیان و شورش نمود در دولت عثمانی نبود و تا شد و در سان استفانو که
عهدنامه امضا و ممهور گردید چنین بنظر می‌آید که یک جنگ سخت تری که برای ممالک ...
نامه داشت باید عنقریب شروع شود و بجمل بعد سوانح الحکب را ما در رشته تحریر در آوریم ...
با مصالحه‌نامه بانجام رسید و بگوییم جنگ شرق زمین تمام شد ترجمه جمله ... جنگ شرق
زمین بتاریخ شهر ذیحجة الحرام من شهور سنه ۱۳۰۰

یکهزار و سیصد هجری

اتمام پذیرفت

هو الله تعالی شأنه العزیز و به نستعین

بر

حسب الامر و حکم اقبال

سبکتکین شأن شیر بیشه کیان سکندر آن

سلالهٔ کامیاب سپهر رکاب فلک جناب قمر رکاب قبل

اجلال شهزادهٔ بلند حشمت والا نژاد ناصیهٔ جلالت و کامکاری

نخبهٔ خاندان سلطنت و شهریاری ذی الحسب الرفیع و الحسب المنیع حامی بلاد الاسلام

والایمان ماحی آثار ظلم و طغیان مؤسس قواعد انصاف و عدالت مروج قوانین دین و ملت صاحب

الجود و السخاء منبع الکرم و العطا ذی الفضل و الاحسان و الطول و النعم و الامتنان نظم بانوال جود او امال

هستی سربسر در رسائل بمال شطار آید همی هر چه آن کار بنای کند لطفش بجود هر زمانی صد

کان بکار آید همی هم ز [illegible] نش عطارد با عقال آید بوصف سهم و قارش و هم ابر بیدار

آید همی مصدوقهٔ ادب و مجموعهٔ قابلیت انجم خدم ستاره حشم قمر رتبت

عطارد فکرت ناهید عشرت آفتاب طلعت بهرام صولت

خورشید حشمت کیوان رفعت شتری

مرتبت جلیل منزلت

نظم

اگر در مجلس دانای وی بیان او خواست نتوان گفت ندارد نظیر حضرت الاجل الامجد الارفع

الارفع الاکرم الافخم الاعظم المشهور بین العرب و العجم سرکار والا

تبار

مستغنی است ز عبارات آرا

مشهور در میدان حشمة الدوله که

است همت [illegible] در پیش بخشش حاصل بحر و کان

المؤید من عند الله سرکار شاهزاده عبد الله میرزا الملقب

حشمة الدوله العلیة العالیه ادام الله اقباله و اجلاله [illegible] عظمته الی

رایات دولته مرفوعة و رایات اعدائه منکوسة بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیه و علیهم

اجمعین علی ید الاقل الاذل الاحقر المذنب الجانی الخاطی عبد الکریم ابن [illegible] میرزا محمد علی

الکیلانی الاصل و البروجردی المسکن که قریب با شصت سال است خود و مرحوم والدش مرحوم جدش علیهما

الرحمة باین سلسلهٔ علیه خدمت نموده تحریر شد امید از درگاه رب المجید که چون

سطوح شعاع نظر فیض منظر کیمیا اثر مبارک حضرت معظم الیه گردد بزیور

قبول آراسته شود و ملتمس از مطالعه کنندگان با

فطانت زیرکان که اگر سهو و خطائی

از آن مطلع شوند خود

نفرمایند

و بکمال دقت مقابله و تصحیح شد بتاریخ پانزدهم شهر ربیع الاول من شهور سنه ۱۳۱۱ هزار و سیصد و یازده هجری

۳۱۱ برگ